


۱  
۲  
۳  
۴  
۵  
۶  
۷  
۸  
۹  
۱۰  
۱۱  
۱۲  
۱۳  
۱۴  
۱۵  
۱۶  
۱۷  
۱۸  
۱۹  
۲۰  
۲۱  
۲۲  
۲۳  
۲۴  
۲۵  
۲۶  
۲۷  
۲۸  
۲۹  
۳۰  
۳۱  
۳۲  
۳۳  
۳۴  
۳۵  
۳۶  
۳۷  
۳۸  
۳۹  
۴۰  
۴۱  
۴۲  
۴۳  
۴۴  
۴۵  
۴۶  
۴۷  
۴۸  
۴۹  
۵۰




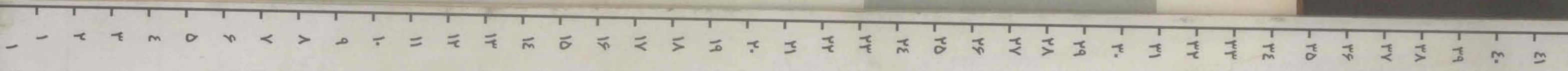
کتابخانه مجلس شورای اسلامی  
تاسیس ۱۳۰۲

اسم کتاب: **مآثر البلدان** ۳۲  
مؤلف: **محمد بن صالح المنجد**  
موضوع تالیف: **تقدیمی نای عهد مکه**

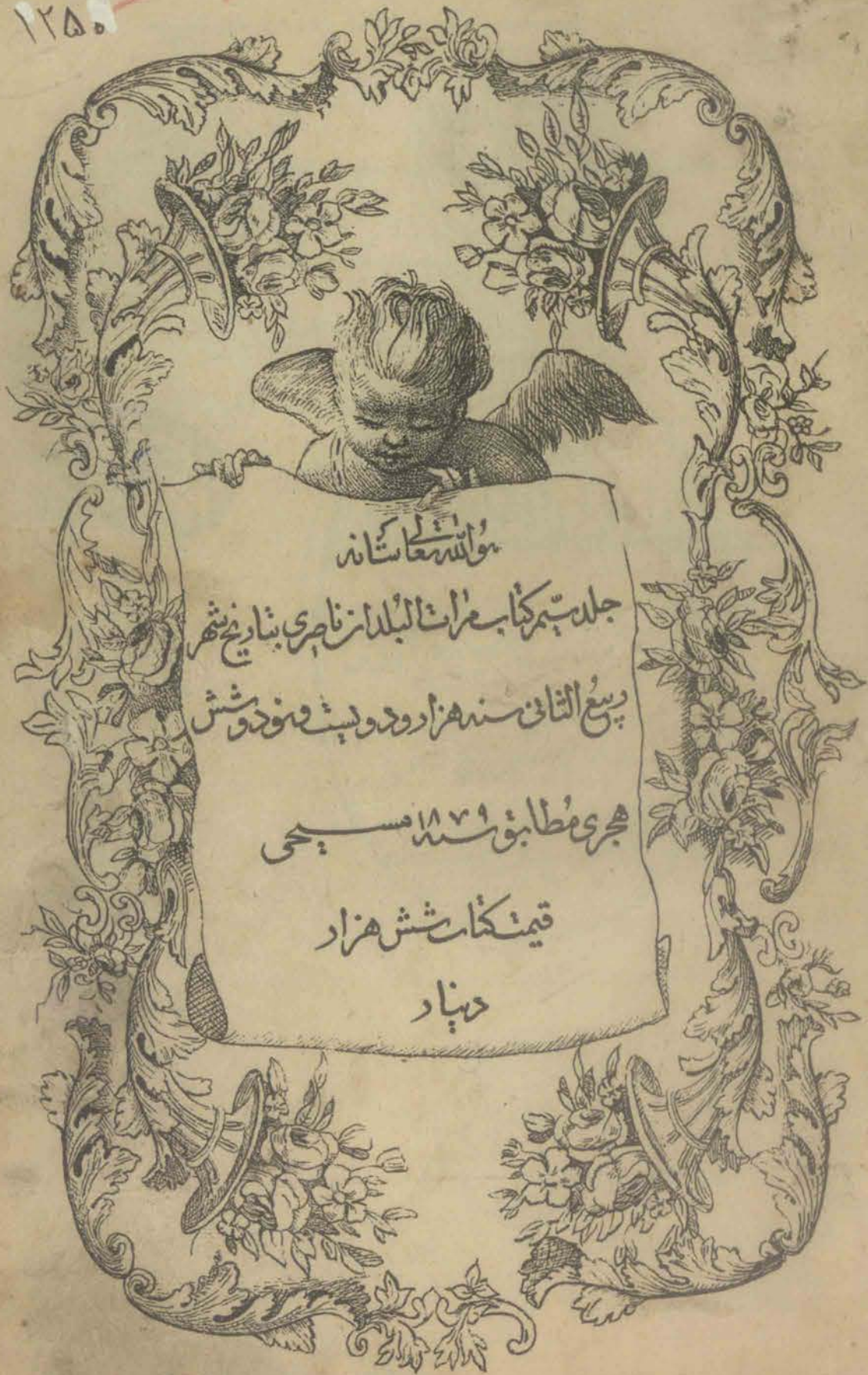
شماره دفتر: **۱۲۵۶**

کتابخانه مجلس شورای اسلامی	۳
۱۶۱	

  
 کتابخانه مجلس شورای اسلامی  
 مؤسسه ۱۳۰۲  
 اسم کتاب: **مآثر البلدان** ۳۲  
 مؤلف: **میرزا حسن صاحب الزمزم**  
 موضوع تالیف:  
 تقدیمی: **قائم مقام**  
 شماره دفتر: **۱۲۵۶**



کتابخانه مجلس شورای اسلامی	۳
۱۶۱	



مؤلفه کتابخانه  
 جلد پنجم کتاب مرآت البلدان فارس و بشارت شهر  
 بیسویک الثاني سنه هزار و دویست و نود و شش  
 هجری مطابق سنه ۱۲۷۹ مسیحی  
 قیمت کتاب شش هزار  
 ریال

Mahmud



۲۵۹



۱۲۵۰

جلد برکت  
 مرآت البلدان فاصح  
 ان مؤلفات صنیع الدوا  
 محمد حسن خان  
 بایسن ۱۲۹۵



۹۹

۳  
۲۱

مقدّم سال نهمین  
سلطنت جاویدمد علیت  
افدس خیر صفا و انشا  
بجای املاک و غیره

۱۲۵۰

کتابخانه  
مجلس شورای ملی  
۱۳۳۰

بسم الله الرحمن الرحيم  
بمطالعه کنندگان پوشیده نیست که قصد مؤلف در ابتدای سنه ماضیه و در نسل این بود که  
جلد دوم کتاب مرآت البلدان ناصری حاوی تاریخ بکفرن سلطنت معدلت آیت علیت اقدس  
هابون شهریار صاحبقران و نکارش نما و ما اثر وجود مسعود خسرو کسری نشان شاهنشاه  
کل مالک محروسه ایران ناصرالدین شاه قاجار ادام الله ملکه و سنین سلطنت و شرح حال  
شاهنشاهزادگان عظام و صدور صاحب مقام و وزرا و رجال و اعیان و برآوردگان این آستان  
اسمان جاه و مطہین این درگاه ملاحظه پناه و سایر وجوه اهل مملکت باشد ولی از آنجا که در پیشتر  
از شهوردان سال خبر حال در جمع اوری اسباب اسناد صحیح لازم از قبیل کتب دفاتر مصنفین این  
عهد فرخنده محمد و روزنجات داوران پاداشتهای نوپسندگان و ارقام و فرامین قضا این  
بدل مساعی و مجدد بنمود بعد از اقدام ضیق بحال انجام مرام داد رخامه سنه مسعوده در خبر حال  
گذشت و چون در اوایل سال فیزوی مثال بارس نسل موکب اعلی نمازم سفر خجسته از فرنگستان  
بود و چاکر آستان مقدس را بشراف الترام و کابعلی امر و اشارت رفت جلد دوم کتاب مرآت البلدان

شرح سال پانزدهم سلطنت با سعادت هابون که مطابق سنه هزار و دو و پست و هفتاد و هشت  
ختم و بطالبین و راعینین تقسیم شد عرفت الله بفتح الغریم و نقض الهمم کوبان از مطالعه کنندگان  
عذر خواست و با مثال مثال قدر مثال پادشاهی دینا چه خلوص چاکری و با عنوانه شایسته را  
بعد از آنکه من الله و عونہ انما سفر صورت اختتام یافت و معاودت داعی اهتمام بر نسل بقیه مرام  
آمد مجدداً شروع بمقصود نمود و جلد سیم کتاب مرآت البلدان ناصری را ابتدا بشرح سال شانزدهم  
سلطنت با مہنت شاهنشاهی صان الله تعالی ملکه عن التناهی که مطابق با سنه هزار و دو و پست و هفتاد  
و نه هجری میباشد کرد و بعینه چون سال گذشت در خاتمه هر سنه وقایع معطره حادثه در تمام روی زمین  
ببارق ذوق مختصر مذہب داشت و منتهی ساخت بنکارش وقایع سال خبر آستان بارس نسل سنه هزار  
و دو و پست و نود و پنج هجری و در حصول این مقصد مستطاب دشمول کتاب بر فوائد کبیره و منافع عظیمه  
واجتناب از مواقع زلل و احراز از موارد خطر رجاء و اتق بمظاہرت خالق بیچون و چند و حضرت قیوم

بمثل و مانند است حسنا الله و نعم الوکیل و توکلت علیہ و هو خیر اللدلیل علی کل سبیل  
شرح سال شانزدهم سلطنت اعلیت اقدس هابون  
شاهنشاه صفا و انشا  
و در اوله مطابق سنه هزار و دو و پست  
و کتفای و ندر هجری  
ابتد  
ترجم

از بدو این سال خبر مال وجهه همت خسروانه انتظام ممالک و امور و توجه مصالح حال جمهور و رعیت  
ترمیم عبادت و تمسک بلاد بود تغیر خواند دولتی و در تکیه مبارک سلطنت باد و ابراست بنا بر خدایک  
صافقانه جناب میرزا سیدخان و وزیر امور خارجه با عطای یکوشته شراب مرصع بجوهر نینه جناب میرزا  
مغفر فرمودند خالصجات و دامن و نظم و نسق آن بلوک بر حمت الله خان سناری اصلان و اگذار شد  
حاجی میرزا بزرگ تاجر شیرازی چون تقریباً یکصد باب کارخانه شالباغ در شیراز داپر کرده که شالهای  
بسیار ممتاز در آن بافته میشود توسط نواب الاعضاد السلطنه و ذریع علوم و صنایع و تجارت و نصیب  
ملک التجاری شیراز سرفراز شد مشهدک افراسیاب تاجر زنجانی ساکن یزد نیز درین بلد شصت باب  
کارخانه شالباغ داپر کرده است بنا بر اهتمامات نواب الاعضاد السلطنه در مشاغل و خدمات و

بکلیت انکسری الماس بسیار ممتاز نواب عظم الهی را مقتر فرمودند ضیاء الملك والد مؤلف چون  
 در امور وزارت عدلیه مشغول بوده بود بلبق جناح سر بلند کردید جناب ظهیر الدوله محمد ناصر  
 انشیک قاسمی باشی خاک استرآباد و شاهزاده و در بسطام و غیره بیکقبضه قمر مرصع مبارک آمد حکومت بند  
 بو شهر باجد خان نوائی مفوض شد میرزا حسین وزیر سابق دار الخلافه بمنصب استیفای دیوان هاپون  
 نایل گردید میرزا محمد ولد مرحوم میرزا بابای حکیم باشی بمنصب استیفای دیوان هاپون و میرزا علی برادر  
 معزی اله بمنصب لشکر نویسی برقرار گردیدند بعضی از پیش سفیدان ترا که ساروق و سالور بارز  
 اقدس خدمت نواب الاحسام السلطنه حکمران خراسان آمد بر حسب استدعای آنها ایشان را در ذیل  
 سواره خراسان ثبت و اسبهای آنها را داغ کردند محمد قاسم خان والی حکمران کبلان در امور آن سامان  
 مشغول میباشد دیوان تحقیق در کبلان برقرار است

اسامی

موکب هاپون روز چهارم محرم از قصر سلطنت آباد تشریف فرمای شهرستانک گردید بعد از ده روز  
 توقف در اینجا بکجور عزیمت فرموده از کجور بیاحت کار در پای مانندان روانه شدند و پس از باز  
 دیدن اضغاث از ابله لار معاودت بقصبه بنادران فرمودند جناب حاجی میرزا حسین خان وزیر  
 مختار و سفر مخصوص دولت علیه ایران مقیم در بار دولت عثمانی بیکقطعه نشان تمثال بهمثال مبارک  
 مکمل بالماس مقتر کردید ضیاء الملك والد مؤلف وزیر عدلیه عظمی بلبق نایل اعتماد السلطنه لقب  
 آمد حاجی میرزا محمد خان دبیر محام خارجه بوزارت وظایف و اوقاف کل ممالک محروسه سرافراز شد  
 و میرزا علیخان ولد معزی اله (جناب امین الملك) بنیابت اول وزارت امور خارجه برقرار گردید  
 خط تلکرافت از دار الخلافه باهر باه تمام نواب والا اعتضاد السلطنه تا کبلان امتداد یافت و نواب  
 معظم الهی باعطای بیکقطعه کل کر مرصع مقتر فرمودند آردوی بزرگی در چین ارجان زده اند این

نوره

سلطان مظفر الدین میرزا

اوقات حضرت شاهنشاهزاده اعظم والا ولعهد دولت ایران باغریزخان سردار کل بیکتی آردو در وقت  
 روز بیست یکم محرم در استرآباد از سمت قبله ابری ظاهر شد بزین مهابد بعد بمواصعود میکند و در  
 بین صعود صداهای مهیب از دوشها میسرید و پس از یکساعت از هم پاشید آشتی از او نایان میگردد  
 و از زوهای استرآباد بطوری گرم میشود که اغلب زکرا بچال میشوند جشن مولود هاپون را شب  
 ششم ماه صفر در تمام بلاد ممالک محروسه باشکوهی تمام گرفتند جناب سپه سردی وزیر مختار دولت  
 ابطال با حائل نام مودت علامه اعظم حضرت پادشاه ابطال با نشان درجه اول سلطنتی آن دولت این اوقات  
 را و در دار الخلافه شد روز بیست و نهم ربيع الاول با هراهمان خود بمجسود مهر ظهور مبارک مشرف گردید

و هاپون

و هر یک بقدر مرتبه خود مورد تعقیبات غروانه گردیدند میرزا قهرمان مستوفی نظام آذربایجان بباد  
 قطعه نشان از درجه ششم سرتیپی و دیانت و فتر لشکر آذربایجان سرافراز شد  
 موکب هاپون روز بیست و نهم ربيع الاول بنا بر اعتدال هوا از بلاق شمیران تشریف فرمای شهر کردید  
 قوج فرغانی مامور ساحلوی فارس را بنصر الله خان سرتیپ سپردند محمد رحیم خان سرتیپ سواره ابد  
 قزوین بمنصب سرتیپی اول سرافراز شد آب قنات دروشان تپه جاری و در پاچه بسپار بزرگی در  
 برابر دروشان تپه بنا میکنند حاجی قوام الملك شیرازی بیکقطعه نشان از مرتبه اول امیر تومانان با  
 نمایان مخصوص آن سرافراز شد آقا محمد ابراهیم معمار باشی بیکقبضه کار در مرصع و لقب خانان نایل گردید  
 محمد اسماعیل خان و کجیل در معابر کرمان و شهر دیوک و رباط و حمامهای خوب کاروانسرا و بازار میسازد

و در آبادی آن ولایت نهایت مشغول است این اوقات با هم هفت روز تقسیم کرده ذات ملکوتی صناعت در هر روزی  
 مقدس بعراض یکی از وزرا رسیده کی میفرمایند و مطلب فوراً که پیدا شود همان وقت بعرض میسرند  
 و روز دوشنبه که روز تعطیل است محض اینکه هیچ امری معوق نماند احکام و پروات و فراین بعضی  
 هاپون میرسد میرزا هدایت پسر مرحوم نصیر الملك بمنصب مستوفی کبری سرافراز شد محمد اسماعیل خان  
 و کجیل الملك باعطای بیکقطعه نشان تمثال بهمثال هاپون مقتر کردید حاجی میرزا علی پیشخدمت  
 بلبق شکلی الملك ملقب شد جهانگیر خان سرتیپ و جنرال اجودان مخصوص بریاست قورخانه  
 مبارک سرافراز گردید علیقلی خان نایب اول اجودان باشی بیکقطعه نشان از مرتبه سرتیپی و حاجیل  
 مخصوصان مقتر کردید علی آقا نایب و هم اجودان باشی بنیابت اول نایل آمد علیقلی خان هشتک  
 ملکر افغانه (جناب مجرب الدوله) که در امتداد سیم تلکرافت کبلان خدمت کرده بمنصب سرتیپی ششم و  
 دو بیت تومان اضافه مواجب سرافراز شد حاجی کاظم تاجر تبریزی بمنصب ملک التجاری آذربایجان  
 منصوب گشت میرزا هادی کارگذار خارجه کرمانشاهان بشان از درجه اول سرهنکی و حاجیل آن نایل  
 آمد نواب الامامی محمد ولی میرزا بمنصب وزارت دارالشوری کبری سرافراز گردید شاهزاده مسلم  
 سرهنکی سواره کرد و ترک برقرار و یکصد نفر سواره عبد الملكی را نیز بمعزی اله سپردند بنده مؤلف  
 بمنصب جنرال اجودان و تشریف هاپون سر بلند آمد جناب ناصر الملك محمود خان مشیر خاص هاپون  
 که از اجزای شورای وزارت برسم وزیر مختاری مامور باقامت دربار دولت انگلیس شد امان الله  
 خان سرتیپ بمشاری سفارت فرجوره و باعطای بیکقطعه نشان از درجه ششم سرتیپی با حاجیل مخصوص  
 ان قرین افتخار آمد محمد علی آقا نایب اول اجودان باشی و مترجم اول وزارت خارجه بلبق خانان و بنیابت

مختار

اول سفارت مزبور مباحی کردید محمد مهدیخان سرکشکی باشی بیکقطعه نشان تمثال بهمانها  
 مفتخر کردید عبدالعلیخان ادیبالملک پیشخدمت شمس بمحکومت قم سرفراز شد میرزا احمد منته  
 مهم خارج ما زندان بیکقطعه نشان سرهنکی از وجه اول باجمل مخصوصان سرفراز آمد  
 چون اغابشر سرهنک سبازان حبشی کوچک وفات نمود فوج مزبور را بابوالفتحخان ولد مرحوم  
 خانبا باخان سپردند سواره مقدم مراغه سپرده بحسام الدوله شدند ابوالفتحخان پسر مرحوم  
 عبدالحمینخان جوانشیر منصب سرهنکی فوج اول خاصه سرفراز کردید ترا بجان سرهنک سابق  
 سواره نظام بمنصب نهایت اول اجودا باشی مفتخر کردید چون ابوالفتحخان شریک فوج شقایق مامور  
 ساخلو فارس مرحوم شد باقرخان خود که منصب سرهنکی خارج از فوج داشت سرهنکی فوج مزبور  
 سرفراز و مامور فارس کردید باقرخان که در کارخانه شماعی خدمات کرده بود بمنصب سرهنکی مفتخر  
 کردید آقا محمد حسن خواهرزاده مرحوم اقا علی اصغر معینالتجار بلقب معینالتجاری بابل کردید  
 نواب علیقلی میرزا ولد نواب والاعمال الدوله ملقب بضارم الدوله کشت در باستان کل قشون کرمانها  
 نیز نواب معزی البه و اکناد فرموده باعطای بکقبضه شمشیر کل مرصع او را مفتخر فرمودند  
 جناب میرزا فتحعلیخان ضابطه بیوان بیکقطعه نشان امیرتومانی و بکوشته جامبل مخصوصان سرفراز  
 شدند میرزا احمدخان ناعالملک ولد مرحوم امیرتایبک اعظم باعطای بیکقطعه نشان تمثال بهمانها  
 هابون کلل بالماس سرفراز کردید حاجی اسماعیلخان سرتیپ ماکو بیکقطعه نشان و جامبل سرتیپ  
 سرفراز کردید ابوالفتحخان سرهنک سربندی مرحوم شد مصطفیخان ولد او بمنصب سرهنک  
 فوج مزبور برقرار کردید جعفرخان باور کل بمنصب سرهنکی خارج از فوج برقرار کردید محمد کاظم  
 خان سرکره بکشلو باعطای بیکقطعه نشان سرهنکی مفتخر آمد فوج جدید کرمان بلقب شوکت سرفراز  
 آمد در کارخانه شماعی دار الخلافه چند قسم شمع در کمال خود بیک شمعهای فرنگی میرزید حاجی محمد  
 صادق تاجر طهران ساکن نزد بمنصب ناظمالتجاری سرفراز شد این اوقات کتابچه دستورا العمل بحکم  
 همایون برای دیوانخانه عدلیه عظمی نوشته و صدر آن موشح بدستخط همایون شده صورت کتابچه  
 از قرار ذیل است

اذا نجا که نشر عدل و انصاف و دفع ظلم و اعتساف همواره منظور و نظر معدلت انصاف همایون است که  
 متظالم از تعدی بر مظلوم کوتاه کرد و اساس ظلم و فساد تباه شود و حصول این مأمور بخت و نظر افرد  
 همایون با استحکام عمل دیوان عدلیه اعظم منوط و مربوط آمد لهذا حکم همایون بدین منوال  
 میزد

بشرف نفاذ مقرر کردید که چون احکام دیوان عدلیه اعظم عموماً از لحاظ نظر انور همایون میگردد  
 پایبک همایون صادر میشود علیهذا سبباید کافر مردم از حکام و اعالی و ادانی احکام دیوان عدلیه  
 اعظم و اگر در طی دعاوی غارضین صادر میشود از دار الخلافه و سایر محاکم محروسه معتبر و مالی  
 فرامین مبارکه بدانند و از آن عدول و انحراف نوزند و حکام عموماً اجرائی از فرض شمارند و همچنین  
 تمسکات و تخلف و اگر در معاملات و داد و ستد بیکدیگر میدهند هم دیوان عدالت برسانند و در هر  
 وزارتخانه که فیما بین ابوابی که آنها کهنکوتی بهم برسد هر یک سند و تمسک بهم دیوانخانه عدالت داشته  
 باشند معتبر شمارند و مرجع دارند و اگر چه در نفس الامر وضع دیوانخانه کهنکوتی ظلم وجود است محکم نباید  
 بران مقرر شود لکن برای اینکه در وزارتخانهها و محاکم محروسه کار باشکال نکشد برای دیوانخانه عدلیه  
 باین نحو امر مقرر فرمودند که در ضمن دو فصل مرقوم میشود

فصل اول

در تکلیف سایر وزارتخانهها با دیوان عدلیه اعظم و ذرات امور خارجه نظر باینکه  
 بکطرف مدعی یا مدعی علیه از تبعه خارجه خواهد بود باید کار بیکدیگر فیما بین تبعه این دولت و اتباع خارجه اتفاقاً  
 میافتد بگذرد باین جهت از وزارت عدلیه مداخله در آن جایز نیست مگر اینکه تبعه خارجه نیز با اطلاع سفارت  
 اندولت و وزیر امور خارجه خود رجوع بدیوان عدالت نمایند البته باید رسیدگی و احقاق حق بعمل  
 توضیح آنکه اگر از مستد این یکی از تبعه خارجه باشد این خالی از دو صورت نیست یا عارض اتم از داخله  
 و خارجه بصراحت طبع خود بوزارت عدلیه رجوع خواهد کرد و وزارت خارجه کادیکه درین مبنای خواهد  
 داشت فرستادن و کجلی است بوزارت عدلیه که از بد و تا غم گفتگو مستحضر شد مراتب بوزارت خود  
 اطلاع دهد و اگر بعکس باشد از وزارت عدلیه همین و کجلی در روزی خارجه لابد حاضر خواهد شد برای  
 ختم کار و کسب استحضار این دو وزارت درین دو قسم محاکمات که یکی خارجه باشد و دیگری داخله است  
 از ختم گفتگو باید بگذرد بکروا اطلاع دهند و با استحضار هم قطع گفتگو و تا نمایند سایر وزارتخانه  
 نظری باینکه لفظ عارض مخصوص است باینکه در دیوانخانه عدالت رسیدگی و احقاق حق شود ابتدا احد  
 از متعلقان سایر وزارتخانهها را از عرض دیوان عدلیه اعظم نباید ممانعت کنند فرضاً اگر در نفر تاجر  
 باد و نفر از اهل نظام با از دفتر استیفا و غیر اینها رجوع بدیوانخانه عدالت نمایند بدقت خود رسمی  
 نموده احقاق حق بعمل آورد و اگر مدعی یکی از وزارتخانه باشد که مدعی علیه هم از ابوابی این وزارتخانه  
 باشد مثل تاجر یا سرتیپ از سرهنک و بالعکس و کذا که مدعی علیه حضور نداشته باشد از  
 دیوانخانه عدالت ادعی بجز اینان مدعی بان وزارتخانه خواهند فرستاد که در همانجا این وزارتخانه

بالطلاع آن مامور دیوان عدالت رسیدگی و احقاق حق نماید و کیفیت قلع و فصل مابین مدعی و مدعی علیه را از آن وزارتخانه بدیوان عدالت خواهد فرستاد که بر عرض حضورها برون برسد و اگر مدعی از یک وزارتخانه و مدعی علیه از وزارتخانه دیگر باشد که مدعی بدیوان عدالت آمده عارض شود و در بدیوان عدلیه میاید نظر بین را حاضر نموده غوررسی و احقاق حق را بعمل آورده مثلا با تاخیر یا بجزا و بقال و کاسبی از یک نفر صاحب منصب یا تا بین قشون ادعای طلبی یا اظهار نظری نماید یا بعکس بدیوان عدالت عارض شود و در بدیوان عدالت میاید بنوشته در کمال ادب معروض نموده از وزارتخانه متعلقه باین مطالبه نماید که در بدیوان عدلیه حاضر شود از وزارتخانه که مدعی علیه او اجمع آنست میاید فوراً بلا تأمل هر کس باشد روانه بدیوان عدلیه نموده ادعی هم از خود همراه نماید که با اطلاع آدم آن وزارتخانه امنای دیوان عدالت با کمال دقت رسیدگی نموده و تفکیک عمل و تحقیقات لازم نموده احقاق حق نماید و الا اگر مدعی علیه در حاضر شدن استکفاف و تعلل و تأمل نماید و وزیر دیوان عدالت حق خواهد داشت که بر عرض خاکیه مبارک رسانیده محصل مامور شده حکام مدعی علیه را در بدیوان عدالت حاضر سازد و هیچیک از وزارتخانهها حق نخواهد داشت که غیر از او اجمعی خود مداخله و او اجمعی دیگری نماید مگر وزارت عدلیه که حق دارد در هر وزارتخانه و هر جا و هر کس عارضی بجهت غوری نموده احقاق حق بعمل آورده بشرایط معلومه معین که مرقوم شد و در هر پاره وزارتخانه گفتگو که منتهی بروجوع شرع باشد رسیدگی و اجرای آن بالاخص در مخصوص وزارت عدلیه اعظم خواهد بود

**فصل دهم در تکالیف دیوان عدلیه اعظم با حکام ممالک محروسه** شق اول در تکالیف ضابین وزیر عدلیه اعظم با حاکم دار الخلافه است ساکنین و متوطنین و متوقفین دار الخلافه اعم از غریبه یا بومی افتا متصرفه میباشند نوکر تا جبر بینه خارجه کسبه خوشنشین و عیبت ذارع ایچره متعلق بنا بر وزیر باشد از قبیل نوکر تا جبر و بینه خارجه و غیره حکم آنها بضمیمه است که در فوق مرقوم شد ایچره کسبه و رعیت ذارع است موافق تاعده کلیه که دیوان عدالت دینی حق است در رسیدگی عرایض و احقاق حق کافه ناس همین حق را در رسیدگی عموم اهالی دار الخلافه و توابع نیز دارد لکن محض ملاحظه تقویت حاکم دار الخلافه از جانب سنی الجوابت همایون امر و مقرر میشود که اهالی دار الخلافه و توابع مختار هستند در اینک عرض خود را بدیوان عدالت بیاورند یا نزد حاکم و وزیر دار الخلافه بیاورند حاکم و وزیر دار الخلافه طهران نباید احد برانماغت از عرایض دیوان عدالت نماید و در دیوان عدالت هم اگر عارضی از اهالی و توابعی عرض کند انهم برود قسم است اگر عارض از دست کاشتگان حاکم و وزیر و مباشرین دار الخلافه و توابع باشد

بر ذمه امنای دیوان عدالت فرض است که عرض عارض را بخاکهای همایون رسانیده بنحویکه از جانب سنی الجوابت همایون امر و مقرر میشود معروض نموده با کمال دقت و غوررسی رسیدگی نماید و بعد از عرض حضور ساطع النور همایون احقاق حق نماید در بنصورت اگر از جانب امنای دیوان عدلیه معروض نموده را احضار نماید اگر چه شخص خاکه یا وزیر باشد باید در دیوان عدالت بدون عذر حاضر گردد و از عهد جواب مدعی بطور حساب برآید و هیچ کاری را بر این مقدم ندارد و الا اگر مدعی از کسان و بستگان حاکم دار الخلافه باشد از جانب امنای دیوان عدالت ادعی همراه مدعی مامور شده نزد حاکم و وزیر دار الخلافه ببرد حاکم نیز مدعی علیه را حاضر نموده در حضور مامور دیوان عدالت با کمال دقت و به غرضی غوررسی و احقاق حق نماید و مامور دیوان عدالت کیفیت دانوشته بوزیر دیوان عدلیه اعظم بدهد تا بنظر انور اقدس همایون برسانند و اگر خاکه و وزیر دار الخلافه در رسیدگی عارض طرف و غرضی منظور کنند که مدعی غرض طرف داری آنها را در دیوان عدالت برسانند یا خاکه و وزیر بهر اعتنائی و اهمال و ظفره بگذرانند و بعرض عارض رسیدگی ننمایند و ادعی که از دیوان عدلیه مامور میشود معطل دارند که از پنج روز بگذرد در بنصورت وزیر دیوان عدالت حق خواهد داشت که مدعی علیه در هر جا و هر کس باشد در بدیوان عدلیه با مدعی حکما حاضر ساخته رسیدگی نموده احقاق حق نماید و بعرض خاکهای همایون برسانند و نیز اگر مدعی مزبور بیست و تجمی که در دیوان عدالت نماید انکار از ترافع و تحاکم در نزد حاکم و وزیر دار الخلافه نموده بسببی موجب وحشت نماید از دیوان عدالت بخاکه و وزیر دار الخلافه میبویسند که مدعی علیه را با ادعی از خود بدیوان عدلیه بفرستند تا باطلاع آدم حاکم و وزیر بطریق دعوی طرفین بحق بشود و خاکه و وزیر دار الخلافه نیز مدعی علیه بلا تأمل یا بفرستند بدیوان عدلیه است محض تقویت حاکم و وزیر دار الخلافه و وزیر دیوان عدلیه اعظم رجوع محاکمات گفتگوی فیما بین اهالی دار الخلافه را که در تحت حکومت مندرج هستند محال من بخودشان خواهند نمود لکن خاکه و وزیر دار الخلافه میباید در اجرای اوامر و نواهی احکام دیوان عدلیه اعظم بجهت محاسن و اهمال جایز ندارند و هیچ حکمی را از دیوان عدالت محل و متروک نکند از آنکه امر عارض را بجهت منتهی کردند بوزارت خانه عدلیه اطلاع دهند که بواسطه وزارتخانه مزبور مراتب بعرض حضورها برون برسانند زیرا که احکام دیوان عدلیه اعظم راجع بوجوب مسعودها برون و با عرض خاکهای مبارکت و تخلف از آن خلاف رای معدلت رای همایون است شق ثانی در تکالیف دیوان عدلیه اعظم با حکام و ولايات ممالک محروسه نظر باینکه اجرای حقوق ذوی الحقوق و رفع ظلم و دفع جور پیوسته



مرکوز خبر منبرها بون است لازم بود مانند دار الخلافه در هر ولایتی بنزد دیوانخانه با اجراء اسباب آن  
از جانب دیوان عدلیه اعظم مقرر کرد که طی دعوی مردم با تمام در آنجا بشود و همیشه روزنامه کل بدیوان  
عدلیه اعظم برسد که امنای دیوان عدالت ثبت ضبط کنند تا پس ازین دعوی گذشته را در هر جا که  
باشد دوباره نتوانند از سر بگردانند و مزاحمت اولیای دولت با بطن منافع برسانند لکن چون حکام ممالک  
معرضه متمسک باین هستند که بقرار نمودن دیوانخانه با اجزاء و لوازم آن ظاهر اختلال امر حکومت میشود  
لهذا بملاحظه تعویب حکام عماله ازین منظور بزرگ خجسته صرف نظر فرموده امر مقرر داشتند که از  
دیوان عدلیه اعظم بجز ولایتی بکنفر ادم عاقل ارام در داعیه با عرض خاکپای مبارک مامور کرد و محض از خجسته  
اینکه اشخاص بکه در بارها بون آمدند بدیوان عدلیه اعظم غرض میشوند برای اجرای هر حکمی محض  
مخصوص مامور نشود و احکام بکه از دیوان عدالت بحکم صادر میشود آن شخص بکه آن جانب دیوان  
عدلیه مامور است ناظر اجرای آن حکم باشد که خاکران ولایت چگونگی با عرض رفتار نمود بجز نوع دو اجرای  
حکم دیوان عدالت رفتار نمود مراتب را کما هو حق بدیوان عدالت نوشته عرض نماید اگر حکام اجرای احکام  
دیوان عدلیه را از روی بغرضی و درستی جاری نمودند که در خاکپای مبارک مذکور و مستحق خواهند بود  
و الا که در اعتناء کردند با بعضی طمع حق ندی حق را پاپال کردند بدیوبت چنین حاکی ظالم خواهد بود  
و رفع ظلم بر نیت ملوکانه فرزند است در آن صورت واجب میشود که از دیوان عدالت مامورین بزرگ مامور  
شوند و در سبب کی بعضی و در مردم مخصوص باینها شود و برای خاکرم آن اعتبار و اعتماد در حضور  
ظهور نماید بون خواهد بود و بنزد مامور بکه از جانب دیوان عدلیه بخانه منسوب بیکر در آنرا از مظلومین رعایا  
کسی از بستگان و کاشان حکام شکایت و غرض داشته باشد که بخاک عرض کرده و خاک بجهت طمع پانز  
کبری مدعی علیه اعتنا بعضی مدعی نموده غوررسی و احقاق حق نکرده باشد مامورین خواهد بود که بجز  
عارض را غنیمت بدیوان عدالت برسانند که از دیوان عدلیه معروض خاکپای مبارک افتد بجز چاقفتنه  
رای جهان از ایها بون باشد حکم حکم حکم هم نطاع از مصدر خلافت کبری صادر خواهد کردید و اگر  
مامور بکه از جانب دیوان عدلیه بخانه منسوب میشود دروغ و افتراء حق کسی از خاک و غیره بنویسد یا  
بخلاف واقع عرض کند و در وقت غوررسی و تحقیق نتواند از عهد اجرای عرض خود برآید هم مورد تنبیه  
خواهد شد و هم معزول از شغل و منصب موجب بیکر در او ایذاء بکردارین دولت هیچ خدمتی مامور  
و منسوب نخواهد شد و در هیچ وزارتخانه او را نباید بخدمت دیگر و دارند اینست دستور العمل مبارک  
دیوان عدلیه اعظم که بر حسب امر اده رای بیضا ضمایها بون اقدس مرقوم کردید

# سواد دستخط مبارک

چون خدمت و نظم عارضین دیوان عدلیه را از شخص اعتماد السلطنه و زبرد عدلیه خواستند  
و باید درین فقرات کمال سعی را بکنند لهذا اینکتابچه دستور العمل دیوانخانه عدلیه  
اعظم بر وفق حکم و فرمانش مانوشته شده و صحیح است  
امنای دیوانخانه و سایر وزیران و حکام و  
عزیز بنیاد ازین تخلف نمایند  
۲۲ جاری الثانیه پینیل

۱۲۷۹

میرزا غفار خان صدیق الملک که چندی مامور با قامت سنت پترزبورغ بود این اوقات مغاوت  
بدار الخلافه نموده با کمال احترام او را در نمودند کتاب ستر الحکمه در تشریح و تجزیه اجزاء و صلح اجزا  
سپاله بدن انسان و کتاب زینت الابدان در امر من جمله به از مصنفات حکیم شاهر فتمسکی معلم قد  
علم طبه مد نظر طبع شده بفرش میرسد حاجی آقا بابای حکیم مامی بلقب ملک الاطباء و بکفطعه  
نشان از درجه دوم سرتیپی با جا بل مخصوص آن سرافراز کردید میرزا ابوالحسن خان صنبح الملک  
با عطای بکفطعه نشان سرتیپی و جا بل آن مابھی آمد معدن قبر دینی در زرند و ساوه با اهتمام  
حاجی علی اکبر امین معادن پیدا شده که هر روزه آن در کمال صفاست در شهر از ده روز دزلزلها  
متوالی شده است کلبه عمارات مبارکات دولتی را بجای محمد خان حاجب الدوله سپردند محض  
نظم و انتظام امر قشون دستخطی مبارک با افتخار جناب سپهسالار شرف صدور یافت که صورت  
آن از قرار ذیل است

# سواد دستخط مبارک

اولاً اطینان کامل باعمال و افعال سپهسالار داشته و داریم در باب عزل و نصب و جرح و تعدیل  
تصدیق و تکذیب احکام و اوامر در کل عمل قشون مابدون صوابد و صلاح سپهسالار بجز  
حکمی نخواهیم فرمود و آنچه سپهسالار عرض بکند همانرا منقاد و مجری خواهیم داشت در باب  
مواجب و تدارک نوکر که بجزج و لا یات مهابد باید سپهسالار شرحی بنویسد هر طور بکه صلاح  
میلند که مواجب جیره درست و بجز عیب در وقت و موقع بنوکر برسد بعرض برسانند و از  
آن قرار حکم صادر شود باید طوری باشد که مواجب سرنازی یا سواری را که در اقصی بلاد  
ایزان است بدون کرد و زیاده در باب اینک هر ولایت در نهب از وزارت جنگ بر سر قشون ایجاب

این کتاب در دیوان عدلیه اعظم  
 در روز ۲۲ جاری الثانیه پینیل  
 در سال ۱۲۷۹  
 در شهر تهران  
 در وزارت عدلیه  
 در دیوان عدلیه اعظم  
 در دستخط مبارک  
 در روز ۲۲ جاری الثانیه پینیل

از همه مجتهد دیوانخانه نظامی است اما منتظم باین طور بکه شفاها بیه سببکار فرموده ایم اگر غیر منتظم باشد به مصرف است باید سببکار همیشه بکنوع مواظبت خاصی در دفتر دیوانخانه ها داشته باشد و از التفات ظاهری و باطنی ما بالمره خاطر جمع باشد

جناب سببکار را با عظام بکفطعه کل مکر مکمل بالماس مفتخر فرمودند صبح شنبه پنجم شوال الحکرم بنساعت بطلوع آفتاب ماند نتر اعظم از برج حوت بحل تجویب نمود و سلام خاص در پیشگاه حضور مبارک منعقد گردید روز یکشنبه دویم سلام عام در تالار تحت امر مینارکی اتفاق افتاد پاشا خان امین شوری بکفطعه نشان از درجه امیر تومانی مفتخر گردید حاج میرزا عبد الله خان مستوفی بکفطعه نشان سر تلیپ سرافراز شد و حکومت همدان را نیز بمغزی الهه واکدار فرمودند بعضی از طوایف ترا که درم از خود سری میزدند ظهیر الدوله حکمران استرآباد آنها را تسبیح کالی نمود همچنین حیدر قلیخان خاک بجنورد نیز طوایف دیگر ترا که را که مصد و شرارت بودند تا دیکه متقاعد کرده است کلب حسینخان امین نظام بریاست قشون خراسان و منصب سر تلیپ اول سرافراز شد محمد باقرخان سرهنک بمنصب سر تلیپ سیم نایل گردید کارخانه بلور سازی از حسن مراقبت نواب الاعتماد السلطنه رونق کاسلی دارد میرزا عبدالرحیم کارپرداز اول و مخصوص دولت علیه مقیم قتلوس بمنصب شاردازی و اقامت دربار روس مفتخر گردید برای مراکب بحر تیره تبعه دولت علیه وضع قلم مخصوص نمودند که اسباب امتیاز و تشبیه آنها باشد حکومت استرآباد و مازندران را بعهده کفایت عین الملک خوانا لار واکدار فرمودند و محمد علیخان برادر مغزی الهه بنیابت حکومت و میرزا مصطفی خان مجاز الملک بمناسبتی امور مازندران سرافراز شد دوست علیخان معبر الممالک را با عظام بکفطعه نشان از درجه امیر تومانی قرین مفاخرت فرمودند میرزا رضای مستوفی خاصه پیر معین الملک بکفطعه نشان سر تلیپ با خا بل مخصوص آن سر بلند آمد عمارات دیوانی سبز میدان کپلانرا حسب الامر مرتب مینمایند نواب الاحسام السلطنه حکمران خراسان که بجهت بعضی عرایض لازمه بلاد الخلافه آمد بحال حکمرانی خود معاودت نمودند حضرت شاهنشاه ازده امجد و الامین الدوله (ظلم السلطان) دام اقباله بحکمرانی مملکت فارس منصوب و ظهیر الدوله بوزارت معظم الهه مفتخر گردید حیدر قلیخان ابلخانی و حکمران بجنورد بکفطعه نشان تمثال همايون مکمل بالماس سرافراز آمد امیر حسینخان ابلخانی دغفران لو که در غیاب نواب الاحسام السلطنه در خراسان مامور سرحد دار بود و اشرار ترا که را بجنوبی تدبیر و تنبیه نموده بتوسط نواب معظم الهه بکفطعه شمشیر کل و کربک مرصع مباحی شد محمد علیخان ابلخانی فاس بکفطعه نشان تمثال همايون مکمل بالماس سر بلند

کشت حاجی قوام الملک بمنصب متولیا شیکری آستان حضرت تاسن لائمه علیه السلام و لقب جناب مفتخر گردید دین العابدین خان سر تلیپ سواره شاهسون دو برن که در خراسان خدمت کرده بود به اعطای نشان و حجاب از درجه اول سر تلیپ اختصاص یافت سید علیخان سر تلیپ خرد کوهی نیز چون در خراسان خدمت کرده بود بکفطعه نشان از درجه دویم سر تلیپ نایل آمد میرزا جعفرخان سرهنک توپخانه که در عربستان خدمت کرده بود بنشان و حجاب سرهنکی درجه امتیاز حاصل نمود میرزا عبد الله خان مستوفی حاکم همدان ملقب بعلاء الملک شد آقا حسن نایب فرانشان مینار که بنشان و حجاب سرهنکی سر فراز گشت نواب و الامیر عبدالدوله حکمران عربستان و لرستان بکفطعه نشان تمثال همايون مباحی گردیدند و سلطان اویس میرزا ولد نواب معظم الهه رئیس دیوان نظامی لرستان بکفطعه نشان از درجه اول سرهنکی نایل آمد جلال الدین میرزا پسر مرحوم احتشام الدوله ملقب باحتشام الملک شد و کلات ملازم و توپسراکان را بنواب و الاعتماد السلطنه و زهر علوم واکدار فرمودند که آنچه مخارج مدرسه مبارکه دار الفنون است از مالیات این ولایات اخذ و فاضل را دیوان همايون مامور

دارند چراغ علی خان سر اج الملک بمنصب بیکلریک

و دیانت دیوان نظامی

اصفهان برقرار

گردید

وقایع و سوانح که در تمام روی زمین واقف گردیدند  
اتاق توپخانه

جنگ ایالات جنوبی و شمالی در کال مستحق است اگر چه فتح غالباً با عساکر شمالی است لکن هنوز نتیجه که فایده ازان بر دارند حاصل نشد خیرالگران سردار شمالی دوسه قلعه معتبر از جنوبیها بزور اسلحه گرفتند و مشرف شده است لکن رئیس جیم بودی تا نونی که حالا بواسطه این اختلاف کرد در میان شمالی و جنوبی است فقط دیانت ایالات شمالی را دارد حکم با حصار صد و بیست هزار قشون علاقی بر قشون معمولی خود میکنند دولت فرانسه در صد دیبا بیکری است که در میان ایالات جنوبی و شمالی اصلاح نماید لکن وساطت این دولت بیفایده میماند لکن باطنی انگلیس با ایالات جنوبی شورش سخت در نوپس که سبب چندین قتل و عرق عظیم میشود تقریباً معادل چهارم کرد و تومان پول ایران ایالات جنوبی تا اینوقت استقرض نموده و بمصارف جنگ رسانیده اند عدد کشتیهای

جنک طرفین بر پانصد و هشتاد و هشت رسیده با سی و چهار هزار عساکر بحری

### اسپانیا

ژان پیرد نکارلس ابراهیل ملکه اسپانیا نول را بسلطنت اسپانیا شناخته و حقوقی که پدرش و طاقتش در سلطنت اسپانیا داشته ژان دستا زان حقوق میبکشد زلزله سخت مانبل که مورث خرابی زیاد شد نزاع مابین سپاهها و سفیدها در هابتی با آنها بر تپکلاتا در هابتی سوزا بیندند

### افریقا

ماداکاسکار سورش اهالی برضند وزرا و خواص پادشاه و بعد از جنگ قتل پادشاه و نصب زوجه اش بجای او

### افغانستان

فوت امیر دوست محمد خان در بهار نصب امیر شریع علی خان ولد امیر محوم بجای پدید نقار مابین امیر شریع علی خان و برادر او محمد شریع خان جنک داخله و شورش در هرات و کابل

### المان

اتفاق آراد را بپادشاه باریمان واحد در تمام مملکت ملاقات اعلم حضرت امپراطور اطریش و اعلم حضرت پادشاه پروس در گاسین در سرحد اطریش و تکلیف کردن امپراطور اطریش پادشاه پروس که یک مجلس شورای مرکب از سلاطین و ولایة المان در فرانک فر منعقد شود که درین مجلس حل و عقد امور و کلمه المان بشود پادشاه پروس قبول حضور انجلس را نمیکند لیکن مجلس مزبور در اواخر تابستان اینسال منعقد شد سلاطین جزو با وزرای خارجه که دارند حضور بهم میرسانند اینجلس انطوریکه مقصود بود فایده نخبید افتتاح مجلس پادمان پروس که در تابستان اینسال شد و از مضمون خطبه که در افتتاح این مجلس مسیو بیژمارک صدر اعظم قرائت کرد معنی صلح و سلامت مفهوم نمیکرد در پروس بواسطه تباین دانی که مابین مسیو بیژمارک و وزرا و کلای ملت است مجلس و کلازل شد و کلای جدید منصوب میشوند افتتاح مجلس جدید را اعلم حضرت پادشاه پروس بتخصه نمودند استقراض وجه معتد به برای تهیه جنگ در مملکت پروس برآمد و نامارک در اطریش شخصی کوت نام از اهالی مجارستان ازادی مجارستان را از تحت سلطنت اطریش طالب است و جمعی باید در خود جمع میکنند مجلس پارلمان اطریش هم مساعد است از برای اینکه دولت پادمانارک جنک کند فوت فیلسوف معروف ژاکب کیرنر شروع گفتگو مابین دول اطریش و پروس از بکارت

دولت دانمارک از طرف دیگر راجع بمسئله اهلالتین ایشلیسویک و هلین که این دو دولت معظمه اهلالتین مدعا گوید راجع و مالک المان دانسته و تصرف دانمارک را درین دو ابالت بخی میبنداند و استرداد اهلالتین را بممالک المان طلب میکنند و در صورت مضایقه در استرداد اهلالتین مذکور بتوسط دانمارک در تحت جنک هستند که بزور اسلحه بکینند

### انگلین

از خارج وزارت جنک ده کرده بره کس میشود توپ جدیدی که آرم این توپ نام اختراع کرده بود دولت قبول میکند جنک در نیول زلاند با طایفه ما اودی قالیات دولت در هندوستان بوا تر باک و نمک زیاده از سال قبل است در هندوستان در شکر و پنبه را امت ملاح غار کی منزه زیاده و ضایعه است این مملکتها از سمت سندامک و بیشتر از زراعات سواحل رودخانه کنک و خراب کرده اند جنک دولت با طایفه کوهستان لاهور نصب سیرژان لاورانس بفرمانفرماندهند و فوت خاکر شایقی لرد الیزان ایجاد راه آهن در برزبینی در شهر لندن بقیه سناز مابین برزبل و انگلیس بواسطه ندادن ترغیب دولت برزبل انگلیس را در قتل و ضحایالی کشتی موسوی برین گال که در سواحل برزبل طوفانی شده بود قطع مراد مابین برزبل و انگلیس حکم قرارداد دادن دولتین مذکور پادشاه بلجیک را و حق دادن پادشاه بلجیک بدولت برزبل

### برزبل

برزبل و بای سخت در اغلب مسائل برزبل

### پورتوغال

تولد قتل مقصرین یعنی دولت ازین ببعدا شخصی را که واجب القتل هستند بقتل نمیبرند بلکه بجای گردن جنس مؤبد میکنند

### چین

شایان تو سر در چین که با آنها در جنگ بود تمام باین شد که شکستی که با آنها است از راه جنات بوده و با وجود خد مات چندین ساله که بدولت کرده بود او را محبوس نمودند و حکمی با وضاد شد که در مجلس خود را بکشد بعد از صد و در پنجم او خود را بدست خود کشت بقیاد بک کلپتا کاتولیکی در شهر گانتینگ

### دانمارک

در دامنارک و بعد از دولت فرید بنامد عمومی پادشاه بدون وارث فوت میکنند و فاصله  
چندی پادشاه دامنارک فرید بنامد بسم بنجاء و پیمانگی نیز وفات مینماید که سیمان هم که  
از اقوام پادشاه مزبور بود بجای او جلوس میکنند پادشاه تازه چهل و پیمان داشت یکی از صیایای  
ایشان زوجه نواب و بعد دولت انگلیس است و پسر بزرگ ایشان در اول پادشاه یونان میشود  
شورش در االت هلتن که محترمی از دامنارک بشود دولتین پروس و اطریش همت روز دامنارک  
محلّت میدهند که عساکری کجتهه تنبیه باغبان هلتن فرستاده است احضار نماید و الا شروع جنگ  
خواهد شد دول اطریش و پروس و ساکن و هانور در جنگ با دامنارک متفق اند دولت انگلیس  
بنابر دول تکلیف میکند که یک مجلس کنکره تشکیل یابد که در آن مجلس دعاوی دول المان با دامنارک  
مرتفع بشود

### روس

شورش در لهستان فرتهاد در روسی بلکه در سایر شهرهای دیگر نیز قطع سیم تلکراف و خط راه آهن  
شورشیان ریاست خود را بر می میرا فسلکی و اگذار میکنند دولتین پروس و روس معاهده میکنند  
که باغبانهای لهستانی اگر یکجاک پروس بنامه بچوبند عساکر روس تحلی نموده در خاک پروس آنها را تعاقب  
نمایند نوشتجات سختی که دولت فرانسه بدولتین پروس و روس در این فقره مینویسد بیفایده میباشد  
سد و فرمان اعلحضرت امپراطور روس که هر کس در طرف بیست و نواز باغبان اسلحه خود را ازین گذارشته  
قبول خدمت کند دولت روس از جریمه و جرم او خواهد گذشت فرارها که لهستان که با باطل با فرانسه  
رفته بودند بوطن مراجعت نموده با باغبان شریک و همدست میشوند فی الواقع جمیع لهستان در شورش  
ژنرال بروک سردار روس مامور تنبیه اشرا است و همچنین ژنرال مرادوف و جمعیت زیادی که از ضیاء کیشها  
و کسبه و غیره که در زمره باغبان بودند و سرداران مزبور آنها را بچنگ آوردند با مجلس کشند با سپهر  
بجس فرستادند بنای شویس در االت املنیک بالاخره دول فرانسه و انگلیس و اطریش متفق شده  
پاداشتی که شش تکلیف در او مرقوم بود و راجع بمملکت لهستان بدولت روس میفرستند و آن  
شش تکلیف این بود اولاً اعلحضرت امپراطور روس تقصیرات باغبانرا کلبه معفودارد ثانیاً چنانکه  
در کالسی که یکی از قسمتهای نلته لهستان و سهم دولت اطریش است مجلس شورای ملی برپاست و در  
در شویس برقرار باشد ثالثاً قبول نمودن امانی لهستان را در خدمات دیوان را بعباد آزادی عقاید  
با این معنی که هر متنی که در لهستان رسم روس است هر مذهبی را که دارد آشکارا بتواند بسبک آن مذهب  
عبادت کند علی الخصوص رعایت زیاد باهالی که طریقه کاتولیکی دارند خامساً باز که در عدالتخانه

و محاکات تکلم میشود زبان لهستانی باشد در روسی سادتا وضع گرفتن قشون از اهالی لهستان  
از روی عدل و انصاف باشد دولت روس قبول هیچیک از این نکالنهف را نمیکند و عقیده اش اینست  
که ابتدا باید رفع شورش و شرارت را کرد و باغبان و اشرا را تنبیه نمود بعد بمیل و رضایت خود فرار  
که لازم است برای رفاقت اهالی لهستان خواهد داد حکم امپراطور روس با احضار قشون زیاد که تقریباً  
سیصد هزار باشد برای دفع باغبان و رستن قطع جنگ نکود گرداند و کسطنطنین برادر اعلحضرت  
امپراطور روس که نیابت سلطنت لهستان او را بود خود را ازین خدمت معاف میدارد ژنرال بروک سقا  
از طرف اعلحضرت امپراطور روس فرمانفرمای لهستان میگردد در تقفاز مختصر شورش در میان کلا  
لوزکی سفایر جنگی روس در بنال صد و بیست و دو فرود است که در آن کشتهاد و هزار و دویست  
و چهل و شش توپ و بیست هزار و پانصد نفر قشون مجری بودند

### ژاپن

تجدید نامه انگلیس با این دولت بجهت استرضای قتل جمعی از انگلیسها در ژاپن بیفایده میباشد امپراطور  
انگلیس کیریک از شهرهای ساحل کاکو با ضرب کلوله توپ مهدم میباشد

### عثمان

اعلحضرت سلطان از درای خود در مسائلی که راجع بسروستان و قراباغ بود نارضایی حاصل نموده تغییر  
و تبدیل کلی در دایره و ذراداره شد خود پاشا از صدارت عزل و رئیس مجلس شوری و وزیر مالیه گردید  
ولیکن بعد از دو ماه باز بصدارت منصوب شد فوت سعید پاشا والی مصر در زمستان و نصب اسمعیل پاشا  
برادرش بجای او سفر سلطان بمصر و بهار اول تحریر کتایب جمع و خرج دولت در این سال که نایبات دولت  
شست و نه کرد و صد هزار تومان معین کرده اند و خارج را شست و هشت کرد و در دولت شست و نه تومان  
غیر از دروغ

### فرانسه

ورود سفرای انام ماچیس بنیاد پس افتتاح مجلس دارالشورای فرانسه در خطبه که اعلحضرت ناپلیون  
خود قرائت مینماید اظهار تاسف از بیچارگی اهالی لهستان و مظلومی آنها میکند و ضمناً از دول فرنگ  
انقراض مجلس کنکره در یکی از نقاط اروپا را طالب است که درین مجلس کنکره مسائل لایحلی که در تقییر  
حدود دول و بعضی مطالب عمده که از چند سال قبل تا بحال باقی مانده حل شود لیکن جمیع دول در  
این خواست را نموده اند دولت فرانسه برای مصارف جنگ مکزیک و ماچین معادل شست کرد و در

وجه استقراض میخواهد فوت نقاش معروف فرانس و وزیر جنگ عساکر فرانسه در حوالی شهر  
فوابلای مکزیک و فرار ژوآر و باشش هزار قشون بنا لوی مجلس شورای مکزیک که تازه در  
باهو انومان ژوآر و  
دین پوری مکزیک و  
تخ این شهر بدست ژنرال بارن  
در و در فرانسه بکری  
پای تخت مکزیک

مدربت پای تخت تشکیل یافته است بالاتفاق ارشید ولد ناکی میبایست برادر اعلی حضرت امیر طو را طریقی  
بامیر طوری خود منتخب مینمایند و درین مجلس ذکر میشود که چنانچه مشارالیه قبول سلطنت بپای  
نمایند مگر را که اعلی حضرت امیر طور فرانسه ناپلیون سیم انتخاب کند آنها با اتفاق او را قبول خواهند نمود

### ماچین

دبای سخت در هویته

### یونان

دول فرنگ در مسدود تقبیل پادشاهی از برای یونان هستند و بچند نفر از شاهزادگان المان که تکلیف  
نمودند آنها را کردند بالاخر در روز پسر و بعد دانمارک که در بنوقت هفتاد ساله بود قبول نمود  
سلطنت یونان با اسم در ژاؤل برقرار شد مشروط که خود را ولادش بعد ازین طریق و مذهب یونان را  
اختیار کنند با وجود تقبیل پادشاه باز در آن فرق مختلفه در شورش و با هم مشغول منازعه میباشند  
درین مورد دولت انگلیس و عدل سپید مد که بعضی جزایر یونان را که در تصرف داشت بدولت جدید  
یونان رد کند پادشاه تازه یونان بلندن و از اینجا بیار پس و از اینجا یونان بعد با آن پای تخت یونان  
ورود میکند

### وقایع سال فقهی سلطنت تاجدار علی حضرت اقدس خورشید

صاحبقران امر الله تعالی ایام مملکت مطابق

سند هزار و دویست و شصت و شصت

هجری شکر و شکر

ترکی

در این سال خبر مال امور کشور و لشکر و مهمان ملکی بوجهات خاطر خطیر همایون و اهتانات و لبای دولت  
قوی شوکت روز افزون اعلی درجه نظم و انتظام را دار و تعزیه دولتی را در ترکیه مبارکه سلطنت آباد  
مخوانند حکومت لرستان غنیمت حکمرانی که مانع نشان و نخواوند و سرمد زاری عراقین فرموده به  
نواب عماد الدوله واکذا فرمودند حکمران عربستان را بنواب الاحسنه الدوله تقوی بر داشتند

عبدالله

عبد اعلی خان اردبیل لعل پیشینت خاصه آقام فرعون در حکومت خود کمال کفایت را بکار برده بود  
باعطای بکقطعه نشان از درجه سیم سرتیپی با خابیل مخصوص آن سرفراز شد محمد یوسف خان سرتیپی  
بمنصب سرتیپی اول سرفراز گردید و دو فوج مراغه را با قاقاخان سرتیپی اول سپردند فوج پانزدهم شقایق  
علاوه بر فوج خیران شقایق محمد قاسم خان سرتیپی ابو اجماع فرمودند آقا چهره مرحوم عبدالقادر خان  
افشار بمنصب سرتیپی سیم نایل گردید و زیادت است بواجتاه نظامی مازندران و نیز بمشارالیه مقوض  
فرمودند نظر بحین سلوک عسکر خان سرهنگ در سرپرستی اراسته ارومی و سلیمان و محمداندار  
سفرای دول سخا به مشارالیه و بمنصب سرتیپی سیم سرفراز فرمودند نظر با تقاد و ولین علی بن  
ایران و عثمانی از جانب دولت علیه با سهیل افندک ناپی اول سفارت عثمانی نشان از درجه دوم  
و بناظم افندک ناپ دوم سفارت عثمانی نشان از درجه سیم نیز بمخلص افندی حکیم سفارت مزبوره  
نشان از درجه سیم مرحمت شد سصد نفر سوار ترا که سالور و ساروق که بتاخذت نواحی خراسان آمده بودند  
فشون طنز نمون خراسان که بسبب است مظهر الدوله دران سامان مینباشند آنها را تقبیل و تدبیر نمودند  
و چون با باخان پسر یوسف خان سرتیپی هزاره در بنیوقت خدمت کرده بود بتوسط نواب و الاحسام السلطنه  
حکمران خراسان با عطای بکقطعه شمشیر براق طلا مفتخر گردید ساروین نشان طلا سربلند گردیدند  
موجب همایون در ماه صفر المظفر تشریف فرمای نور و کجور است میرزاها شهنشاه امین خلوت اعظم  
بکقطعه نشان تمثال همایون مکمل بالماس سرفراز و میرزا محمد خان پسر مشارالیه بمنصب نایب پادشاه  
خلوت برقرار آمد در استامور نظامی عربستان بعد از عبداللله میرزا جنرال اجوان واکذا شد  
حاجی محمد بیک قهوهچی باشی با عطای بکقطعه نشان شهر و خورشید از درجه سرتیپی سرفراز آمد  
حبیب الله خان سنکافی بمنصب سرتیپی اول مفتخر گردید فوج اردبیل و مشکین ابو اجماعی حسن علیخان  
افشار شد ده هزار تنگ خاندان که جناب حسن علیخان وزیر مختار در یار پس تمام کرده اند متذکر  
طرا بوزن و تبریز میشود عمارات مبارکات سلطنتی دارالخلافت را حسب الامر مرتب نموده برفضت و  
وزیرت آنها مینمایند میرزا احمد خان ساعد الملک سرتیپی اول بر تیره امیر تومانی سرفراز گردید  
آقاخان سرتیپی اول سرتیپی دو فوج مراغه بناهی گردید محمد حسن خان صدر الدوله ایشیک قاسم  
حضرت مستطاب اعظم و الاول بعد دولت ایران بکقطعه نشان و خابیل سرتیپی مفتخر گردید میرزا احمد  
نوالی که در اداره وزارت علوم پیوسته مصدر خدمات بوده این اوقات که حکومت ملا پور توپیرکان را  
بنواب و الا اعضاد السلطنه و زبیر علوم واکذا فرمودند مشارالیه بلقب خانی و بنایب حکومت ولایت  
و توپیرکان سرفراز شد حاجی غلامعلی خان خونی بمنصب قورپنا و لیا شکر حضرت اجل اعظم و الا اول

سلطان مظفر الدوله

دولت علیه ایران مفتخر و عسکر خان ولدش را بده بمنصب بنایب ستم اجودان باشی نایل آمد محمد علیخان  
 برادر و عین الملک بمنصب بیکر بیکری استر آباد قرین افتخار کرد بد حضرت امجد اکرم والا نایب السلطنه  
 العلیه العالیه چون در قواعد نظامی درجه کمال را یافته اند در نظام دارای منصب سرهنکی از درجه اول گردیدند  
 محمد مهدیخان کشمیری باشی باعطای بقطعه نشان امیر تومانی و بگرفته جاهل مخصوص ان مفتخر گردید  
 امیرزاده انوشیروان میرای جنرال اجوان خاصه بیکری فوج سریند عراق سرفراز شد و آلیان پیشتر  
 پسر مرحوم مهرنجان باعطای بقطعه نشان از درجه ستم سر تنی با جاهل مخصوص ان بنایب آمد شاگردان  
 ابراز که در مدارس پاریس مشغول تحصیل علوم متنوعه بودند بموجب رابورهای مسبو و در معلم که بنیاد  
 صنعتیخان و وزیر مختار دولت علیه مقیم پاریس نوشته ترقی کامل کرده اند نوایب الامتعالی الدوله را در  
 جزو اجزای محترم دارالشوری کبری منسلک فرمودند محمد علیخان شاطر باشی بیکقطعه نشان از درجه سرتیپی  
 و جاهل مخصوص ان سرفراز آمد محمد ابراهیمخان معمار باشی بیکقطعه نشان از درجه اول سرهنکی با جاهل ان  
 نایل آمد امیرالامراء العظام محمد قاسم خان والی کیلان باعطای بقطعه نشان بمثال مجایون قرین افتخار  
 کامل آمد جعفر قلیخان سرتیپی اول بمنصب امیر تومانی نایل گشت میرزا نصرالله نایب لشکر نویسیان  
 مدبر و کمرخانه های ممالک محروسه بیکقطعه نشان از مرتبه اول سرتیپی با جاهل مخصوص ان سرفراز گردید  
 محمد اسمعیلخان وکیل الملک مددکران و توابع رباطات و حتامها و اینها بیجا خوب بنا نموده از جمله بازار  
 جدیدی است که در شهر کرمان در اواخر بازار کخیل خان که متصل میشود بمیدان جنابان ساخته و مسجد جامع  
 بسیار خوبی نیز در کمال وسعت بنا میکنند و قریب با تمام است در دار الخلافه باهره در خارج دروازه دولت  
 در جنب میدان مشق جنبه خانه بسیار خوبی بنا میکنند میرزا ظاهر سر رشته دارکاشان بمنصب استغای  
 دفتر خانه مبارکه از درجه چهارم نایل گردید از ولایات ممالک محروسه باشا علیه سواره در برف اخذ و  
 انتخاب میشود و درین اوان امیرالامراء العظام محمد قاسم خان والی کیلان دو بیت فرسواره در برف بیکری  
 علیخان نایب الحکومه پسر خود بر کاب مبارک فرستاده است فوج خوبی که ابواب جمع کجشد خان سرتیپی بود  
 حسب الامر بجهت قراولی مخصوص بعلیه علیخان اجودان باشی سپرده شد و جمیع خانرا بمنصب سرتیپی و بچنان  
 مبارکه سرفراز فرمودند ستم تلکراف از دریا بچنانرا حسب الامر سرتیپی را در امتداد دادند نیز مقررات که ستم  
 تلکراف از دار الخلافه تا بندر بوشهر بکشند و صاحب منصبان مامور و مشغول این خدمت اند حاجی حسن خان  
 سرهنک مستشار سفارت دولت علیه مقیم پاریس با مضای جناب صنعتیخان و وزیر مختار بمنصب سرتیپی از  
 درجه ستم و نشان و حجاب ایل این رتبه سرفراز شد و در درجه جاری الثانیه انسال با اتفاق بنده مؤلف که در

بنوعت بیانات و قیوم سفارت برقرار شده بود و زوانه باریس گردیدیم میرزا موسی مامور کاپورباشی  
 مصر بنشان از درجه ستم سرهنکی سرفراز گردید بعد از آنکه حکومت لرستان نیز بمنصب مکران کرمانشاه  
 و اکلان و نواب و الاعمار الدوله گردید چون امیرزاده ضارم الدوله ولد نواب معظم انب در تدریس و تالیف طایفه  
 شر بر سکون لرستان که تقریباً چهار هزار خانوار میباشند مجاهدات نموده بود باعطای بقطعه شمشیر برقع  
 مفتخر گردید و نواب و الاعمار الدوله را نیز بیکتوب جنبه ترمه شمشیر مرغ درجه اختصاص مرحمت فرمودند  
 آثار رضای پیشخدمت حضورها چون درین عکاسی بد درجه کمال رسید بلب عکاسی سرفراز گردید  
 پوشید نماید که یکی از صنایع جدید متعلق و منشعب از علوم طبیعی که در زمان سلطنت این شاهنشاه  
 رواج گرفته و ترقی حاصل کرده عکاسی است هر چند بسیاری از مردم میدانند که با آلات و ادویه عکس تمام  
 اشیاء موجوده در کره ارض برداشته میشود و کتر کسی است که معانی نه ندیده باشد و با وجود این از اسرار  
 حکمتی و تاریخ این صنعت بسیاری غافل اند اکنون بر سبیل اجمال شرحی تاریخ مانند ازین صنعت جدید  
 الاحداث ذکر میکنیم باید دانست که اجسام بر دو قسمند یا مادی هستند یعنی دارای وزنی اند مانند  
 جامدات و مایعات و بخارات یا غیر مادی و بی وزن هستند مانند حرارت و نور و الکتریسیته و مقناطیس  
 و هر یک ازین دو جسم دارای دورشته خواصند که یکی را خواص ظاهری یا فیزیکی گویند و دیگری خواص  
 باطنی یا شیمیائی مانند نور که یکی از اجسام غیر مادیست نیز دارای خواص ظاهری از قبیل انعکاس و انکسار  
 و انتشار میباشد و این معنی حکما و سلف مصر چونان در کتب خویش باجمال با تفصیل ذکر کرده اند و کتب  
 متعدده در مناظر و مرآت نوشته اند ولی خواص باطنی نور یا معرف حکمای سلف نبوده با در کتب خود مندرج  
 نساخته اند و نمیتوان گفت اهل مصر که علو طبیعی مهارت داشته از اثر باطنی نور و دخالت ان در شیمی و  
 تغذیه انهابی اطلاع بودند بلکه بعضی از یونانیان در کتب خود ذکر و ثبت کرده اند اختلاف لونی را که بعضی اجسام  
 و جواهر آلات از مجاورت متمادی آفتاب پیدا میکنند و معماران رومنه قدم عمارات منقوشه را در سمت  
 شمال بساخته اند تا از اثر اشعه آفتاب فاسد نشود ولی قرون متوالیه گذشته که حقیقه کسی از خواص باطنی  
 مستحضر نبود بعضی از کیمیاگران سیه صد سال قبل ازین ملتفت شدند که نقره را سب با تمک طعام مجاورت  
 اشعه شمس اختلاف لون پیدا میکند صد سال قبل ششل نام حکیم طبیعی ثابت نمود که بر توایب و بنفش آفتاب  
 ان نقره را زود تر سیاه میکنند در ان ایام بسیاری از علما و عمال در تکمیل تحصیل آثار نور در اجسام ادویه پدید  
 و پنهال گرفتن عکس اشیاء بر آمدند ولی اول کسی که توانست عکس صورتی را بر دار نیلس نام فرانسوی بود و  
 قهرجد و جوهر اسطوخودوس را در صفحه مس مفضض بکشد و هشت ساعت آنصفحه را در حجره مظلم مجاور

نور عسی سبانی مبرک و بعد با مخلوطی دیگر از اشب و میخ کابند هر جای روشن <sup>موت</sup> برده حسان را میجوید  
 و جای سپاه و سایر بحالت خود باقی میماند پس از تجارب شکار و تیرگیاس با شکار دیگر نام در سینه مسی  
 اشکال را در صفحه نقره نمودار کرد و شعبه تازه در علوم طبیعی احوالات شد و سعی و هفت سال قبل ازین در لندن  
 عکس در روی کاغذ انداختند و تلونام مخترع این کاغذ با این عمل صورت معکوس را بدست میآورد بعضی مواضع در  
 در کاغذ مظلم میشدند و مواضع مظلم روشن مینمود و این کاغذ را منقبه مینامیدند و از روی این کاغذ  
 عکسهای صحیح بر میداشتند و آنها را موهبیه نامیدند در همین ایام حکام و ارباب صنایع در تکمیل این مقام <sup>برآمدند</sup>  
 و ادویه مناسب این اعمال از قبیل قلبا نبات و املاح فضی و ذهبی و جوهرات ماخوذه از ماژو و سرکه و دیبو  
 مکشوف ساختند و عدد دقتی قوا و عاملین و قواعد را بدست آوردند و رفته رفته هشت ساعت زمان عکاسی  
 بچند ثانیه رسید و نه سال قبل برادرزاده نیلسن <sup>و بیست</sup> ملا کور ریاست در مجلس علمای که اگر برود از سفیدانم مرغ  
 که مزوج با ادویه عکاسی باشد در صفحه شیشه بکشند و مجاور در روشانی نمایند صورتهای عکاسی بجز از  
 کاغذ برداشته میشود بیست و شش سال قبل ازین نام ثابت نمود که استعمال کلدیون در عکاسی مناسب است  
 هم سرعت عمل بیشتر میشود و هم صورت کامل تر و دقیق تر منعکس میشود با جمله آغاز ترقی عکاسی زمان گذشت  
 کلدیون است و اکنون ابتقا عکاسی معقول مکانان جمیع روی زمین است و تقریباً سایر قواعد مترجم کند و اینگونه  
 عکاسی خواهد کلیه برای غایب ناس پیدا کرده بلکه در علوم طبیعی و جغرافیا و مساحت نجوم در کسب خانه ها و  
 کلیه کرد و موجب ترقی آنها و سبب منقطع فکرت از اینها و اشخاص تاریخی حقیقی و یادگاری <sup>بگذاشته</sup>  
 که غالب خلق با اشکال مخلوطه عکس از دوری با مراد خوبشان و دوستان خود را تسلی مینمایند و در اواخر  
 عهد شاهنشاه میرزا محمد شاه غازی البدر الله ثوبا <sup>مختر</sup> انور مسیور <sup>مختر</sup> پشاور که اکنون زبان انگلیسی <sup>مختر</sup> رسد  
 دار الفنون را معلم است با زحمات زیاد بر روی صفحه نقره عکس مینماید و در او ابل سلطنت شاهنشاه  
 روحانده که بنای مدرسه دار الفنون شد مسیور کیش فناوی معلم توپخانه قدیمی در روی کاغذ امتحان  
 عکاسی نمود مسیور فلکی معلم طبیعی اول کسی است که در رسد مسیور طهران کلدیون استعمال نمود و مسیور کار  
 که برای انتشار علم و عمل عکاسی با فرخ خان امین الدوله از پاریس طهران آمد عکس کلدیون را شایع کرد و چون  
 خاطر خطیر همایون بر ذاج و ترقی این علم تعلق گرفت خود ذات ملکوته صفات شاهنشاهی بر این علم اطلاع تا  
 باضمه بران شدند که یکی از جاگران دربار حضرت شاهنشاهی و خاندان خلوت همایون نیز درین فن مهارت  
 تام با بد که سفر و حضر بموجب امر قد و دماو کانه آشنا و غریبه و انبیه و اناد قد <sup>مختر</sup> عکس بردارد و خاطر مبارک  
 همایون که در اوقات فراغت بدان مشغول سازد پس قارضا پیشخدمت خاصه که امر و زاجوا <sup>مختر</sup> مخصوص حضور

سرتیپ

همایون و خازن صرف چوب مبارک اعلم حضرت شاهنشاهی و محل وثوق و اعتماد ذات کامل الصفات خسران  
 و از خازنان حقیقی در تربیت بافتگان ایندولت قوی شوکت است با موختن این علم شریف بر حسب امر  
 همایون مامور گشت چند برینا مد که ازین توجهات ملوکانه درین علم تکمیل یافت و شناسائی کامل حاصل  
 نمود خاطر مبارک خسرانی ازین معنی فرسند گشته مشارالیه را بوظایف ملوکانه مقرر ساختند و از برای انتضا  
 این علم و وسعت درین عمل یکی از عمارات مخصوص پادشاهی را مخصوصاً عکارخانه مبارک فرموده که گاهی که  
 از کارها فراغت حاصل میفرمودند برای تماشای ترقی این علم با نجاشریف میبردند در اسفار بزرگ مثل سفر اسرا  
 و نمازندان و کربلای معلی جمیع اماکن و انبیه قدیم و آثار بعد از عکس برداشته مرع ساخته بحضور مبارک  
 تقدیم مینمودند که الان هم در حضور همایون است

(نام الملک)

هم در این سال بعد از آنکه نریمان خان مستشار سفارت بعنوان شاور و داری در اسلامبول ماند و میرزا ملک خان  
 بهت قونول جنرالی بمصرفت در بیستم جاری الثانیه جناب حاجی میرزا حسینخان وزیر مختار دولت علیه  
 مقیم در بار دولت عثمانی با میرزا حسن نایب دویم سفارت از اسلامبول عازم دار الخلافه با هر شد و در بیست  
 و یکم رجس در طهران و مورد مرام خاصه ملوکانه گردیده در سلك اجزای دار الشوری <sup>مختر</sup> تسلك کرد و در بیست  
 حسن نایب دویم سفارت بقطعه نشان شهر و خورشید از درجه سیم و لقب خانی و نایب اول سفارت و خلعت  
 همایون سرفراز شد و در بیست تومان بر سهند تومان مواجب سابق مشارالیه افزودند و میرزا حسین  
 کارپرداز طرازان بلقب خانی ملقب و بحضرت قونولی سرفراز آمد

هم درین اوان نظر بحال مودت و اتحاد بین دولتهین علیتهین ایران و عثمانی از جانبنا اعلم حضرت همایون شاهنشاه  
 بقطعه نشان شهر و خورشید مکمل بالماس کر اینها با ما بل آید که از اعلام اولیه خاصه سلطنتی و امتیازات مخصوص  
 این دولت جاوید شوکت است محض اظهار تود و دوستی کامل برای اعلم حضرت سلطان عبدالعزیز خان سلطا  
 عثمانی هدیه و انفاذ فرمودند و برای جناب فواد پاشا و زبرجنک و صدراعظم دولت عثمانی و جناب عالی  
 پاشا و زبر امور خارجه اندولت نیز نشان تمثال همایون مکمل بالماس ارسال داشتند و در هشتم ذی قعد  
 جناب حاجی میرزا حسینخان وزیر مختار مجدداً با اجزای سفارت کبری از راه بغداد و دیار بکروان اسلامبول  
 شدند میرزا محمد علیخان سرشته دار توپخانه بمنصب لشکر نویسی سرفراز کرد بد <sup>مختر</sup> قاسمخان فیرز کوچه  
 بمنصب ریاست دیوانخانه نظامی کرمان بر فراز آمد

موکب همایون اعلم حضرت شاهنشاهی در هشتم شعبان عزیمت شکار گاه مسیله فرموده میرزا نصر الله مستوفی  
 پیشکار صفهان با عظامی بقطعه نشان از مرتبه اول سر تیپ و بکرشته حامل مخصوص <sup>مختر</sup> فرستادند

خان

بهاء الملک وزیر مازندران و استرآباد بیک قطعه نشان تمثال هابون سرافراز آمد عبدالمحبین خان فلا پیشین  
تغویله دار و تحصیلدار کل مالیات اصفهان بنشان و حامل از مرتبه اول سرهنکی نابل گشت در او آخر و جب  
زلزله های شدند در توشیز و تربت و کوه سنج شده است

در ماه رمضان اینسال وزارت مالیه را مستقلاً بعهده جناب اجل قای مستوفی الممالک و اگذار و ایشانرا  
مخاطب بوزیر مالیه فرموده در سه شنبه هشتم اینماه در مجلس شورای دولتی قلمدادی که محض آن ممالک  
بود از جناب سنی الجواب هابون بجناب معظم الشرحت شد و دستخط هابون درین باب شرفضد و ریاست

سوائی دستخط هابون

از قدیم الايام یعنی از ابتدای دولت قاجاریه الی شش سال قبل ازین که در امورات و زارتخانه های و دباری  
تغییرات عمدتاً قرار فرمودیم اداره عمل مالیات و جمع و خرج دولتی در دست بکنفران بپنجاه کاران معتبر و برای  
بود که در او وزیر مالیه خطاب میکردند در آنوقت که نظر ملاحظه و وقت در امورات دولتی مبادی  
از همه امور بظن تمام معامله مالیات و جمع و خرج دولتی را ملاحظه فرمودیم و بقیه حاصل شد  
که هیچ نظمی بکارهای دولتی داده نخواهد شد مگر اینکه در ابتدا مالیات و جمع و خرج بحالت نظم درآید  
این بود که بنفس خودمان در اینمدت خواستیم نظم کاملی در بکار بدهیم و بحمد الله تعالی انطوریکه مقصود  
و منظور ما بود اینکار منظم شد درین اوقات چون کارهای عمدتاً ترازین برای خواهد دولت ایران  
در نظر داشتیم و بکار لازم نبود اوقات شریف خود را مشغول اینکارها کنیم و اینکار هم مختص و ذمیر  
مالیه بود لهذا بموجب این دستخط جمیع نظم امور مالیات و جمع و خرج دولت را کلبه بعهده میرزا یوسف  
مستوفی الممالک که از نوکران معتبر بزرگ صادف در داری است محول و موکول فرمودیم که بیشتر از پیشتر

منظم دارد بتاریخ سال تنگوز پهل شهر

رمضان المبارک ۱۳۹۰

هم در ماه رمضان اینسال انوشیروان خان عین الملک خوانسار و حکمران مازندران و استرآباد بمنصب  
المخانبکری و ریاست بل جلیل قاجار سرافراز کردید چون در او اهل اینسال حسب الامر مقرر شد که سیم  
تکرار از دار الخلافه نمایند و بوشهر استناد یابد و بعد هائینتر قرار دادند که خطی هم از خانقین و کرمانشان  
کشید و بسیم تکرار دار الخلافه وصل شود تا بلا واسطه بادول خارجه مخابره نمایند لهذا این اوقات  
اوسته نقطه که بند و بوشهر و اصفهان و کرمانشان باشد شروع نموده مشغول انجام این خدمت میباشدند  
و نظر بوقت دولت انگلیس با ایندولت ابد آیت کاشتهکان اندولت نیز در تقدیم این امر مهم معاونت

و مظاهر تمام دارند مضر الله خان سرهنک فوج شوکت کرمان بیک قطعه نشان و بکوشته حامل از مرتبه  
سرهنکی سرافراز آمد غلامحسین خان پسر علیقلیان نایب اول اجود انباشی بمنصب بنای اجود انباشی  
سرافراز شد سرهنکی فوج خوی را بشخصه خان ماکوئی مرخص فرمودند جناب فرخ خان امین الدوله  
باعطای بیک قطعه نشان امیرنوبانی قرین مفاخرت کامل کردید جناب میرزا بن الغاب بن ولد مرحوم میرزا  
ابوالقاسم امام جمعه دار الخلافه که بعد از فوت معزی الیه اعلی الله مقامه الی الان مشغول تحصیل علوم  
دینی بود چون درین اوان بدرجه رسید و از نامه او آثار زهد و ورع آشکارا میباشد  
بمنصب امام جمعه کی دار الخلافه بفرار کردید باعطای بیک قطعه عصای مرصع قرین مناجات آمد و جناب  
میرزا مرتضی عموی جناب معزی الیه ملقب بصکد و العلماء کردید میرزا علی اکبر منشی بلقب ناظم مهمای

خارجه بند رعیتاسی و بیک قطعه نشان سرهنکی از درجه سیم سرافراز در وانه محل ماموریت خود کردید  
شب بیست و یکم شعبان اینسال زلزله شدیدی در شیراز شد و بی بحدت آسیبی بخانی نوساز شده است  
دیوان اشعار و منشیات مرحوم قایم مقام بطبع رسید و مینور شدند چون جناب محمد ناصر خان ظهیر الدوله  
ابشیک اتاق سنی باشی اغلب در ایالات ممالک محروسه مشغول انجام خدمتی بزرگ میباشد ابشیک اتاق سنی باشی  
کری را با سیرالامراء العظام امیراصلاخان مجد الدوله مرصع و بیک قطعه عصای مرصع و خلعت هابون  
ایشانرا سر بلند فرمودند سیم تکرار آذربایجان بمرحدارس واصل و بنیامین جانشین مملکت قفقاز و  
اعلیحضرت هابون شاهنشاهی و بنیامین اعلیحضرت امیراطور روس و اعلیحضرت هابون شاهنشاه مخابرات  
تخصیص آتیش شد نیز جناب سیرکوس که بهمت ذمیر عناد می بلی بکری محضوس از جناب دولت روس مامور  
اقامت در یاز ایران شد بود از روز و در بمرحدارس هر جا با تقدیم شرایط کامله معموله و مهماندار  
مخصوص مسافرت نموده روز چهارم در شب او در دار الخلافه کردید و شرایط پذیرائی دوباره جناب معزی

بوجه کل بعمل آمد میرزا محمد علیخان کارگذار خارجه فارس باعطای بیک قطعه نشان شهر و خود شهیدان  
اول سرهنکی با حامل مخصوص آن مناهی کردید یا نصد نفر سوار تر که بموت اتابای و جعفر بای استرآباد  
که بنای خود سری گذاشته بودند باهتام محمد علیخان بیکلریکی و خاک استرآباد منبیه شده مشارالیه  
بیک قطعه نشان از درجه اول سرهنکی سرافراز شد و چون عیاققلیان سرتیب لایبجانی نیز درین روز  
کرده بود بیک قطعه شمشیر سرورنه خلاف طلا مفتخر کردید و بعد حاج جعفرقلیان امیرتومان مامور شد که  
بوجه کل طوایف طایفه راند میرزا بد نواب الاحمده الدوله حکمران عربستان و بخبشاری بکطور که مکل  
بالماس بسیار ممتاز قرین مفاخرت آمد اعتماد السلطنه حاجی علیخان چون در امورات و زارت عدلیه عظمی



مناعی جنبه نموده بود بکعبه عصای مرصع سر بلند حاجی رحیمخان پیشخدمت خاصه بمنصب جلیل مندر  
 داری که جوهر دانی و درخت داری ملبوس تن پوش مبارک باشد برقرار و بیکتله کل کرامات و بکوتب  
 تومر سرافراز گشت اقا علی پیشخدمت خاصه خاکه و لایات ناره و ابل شامسون بغداد بکطوف کر مکل  
 بالاس میناهی کرد بد شب هفتم ماه شعبان بکساعت بطلوع فجر مانده در کرمان زلزله بسیار شد  
 شد و ناچند روز بعد زلزله حقیقت نیز ستواتر بود در ماه ذیحجه الحرام هوای شهر در اختلاف باقی  
 فصل کرم شده موکب هاپون تشریف فرمای پیلان شمیران و قصر نیاروان کرد بد امیر الامراء العظام  
 مجد الدوله به پیشکاری اصفهان و میرزا محمد قوام الدوله به پیشکاری فارس مامور شدند حاجی محمد  
 حسین تاجر کاشانی توسط نوآب والا اعتقاد السلطنه و ذر معلوم بمنصب ملک التجاری کاشان سر  
 افراز شد میرزا صادقخان کارگذار خارجه سابق کلان بکار گذاری خارجه استرا با مامور شد چون  
 نظم کلبه سرحد استرا با منظور نظر هاپون بود اردوئی بر کردی جناب میرزا محمدخان سپهسالار کل  
 عساکر منصوب نظام و غیر نظام مامور انامان کرد بد هنگام روانگی جناب سپهسالار با عطاء یگراس  
 اسبان اسبهای خاصه اصطبل مبارک با زین و پراق مرصع معطر و میناهی شد و جعفر قلیخان امیر تومان  
 که مامور تدبیر ترا که طایفه انصافات بود تنبیه کاملی از اشرار آن نواحی نموده مأمور مراسم کاسله  
 شاهانه آمد قشون ظفر نمون که مینابست باردوی جناب سپهسالار ملحق شوند متدبیرا روانه  
 میگردند در عین جناب سپه سالار با شاخان امین شوری و محمدخان امیر تومان با مورتشون رسید  
 مینابند میرزا محمد حسین دیکر الملک با عطاء یگراسه شرا به بند کافدر مرصع سرافراز کرد بد چون  
 اقرب طرق از دار الخلافه بجزر قحطی است که از کوه البرز در مقابل دار الخلافه میگذرد و از پهلایان  
 انصافات عبور نموده از کجور بکنار دریا میرود و سی و دو فرسخ مسافت است ولی بجهت قلل صعب المثلک  
 موجب خطر غایب است لهذا مسو کاسترگه هندی منامی که در خدمت این دولت جاوید شوکت  
 مامور شد که راه مزبور را در کمال خود بنازد که از طرق سهل المثلک گردد صادقخان بوز باشی برادر  
 شهاب الملک با عطاء یگراسه منصب سر تپیی از درجه سیم سرافراز شد

وقایع عهد و سوانح معظمه که در این سال در مریخی بین واقعات مکرره امراض  
 اتفاق افتاد  
 اما فی بنکی دنیا

رئیس جمه وری کنکون بن کرد قشون از برای جنگ با ایالات جنوبی حاضر مینماید جنگ سخت  
 مابین ایالات شمالی و جنوبی جنگ بزرگ شش روزه که طرفین دو دست و بیست هزار قشون در  
 مقابل هم داشتند سردار شمالی ژنرال گراند و سردار جنوبی ژنرال لای با یکدیگر محاصره نمودند  
 و محبت زیادی بکشتن دادند بدون اینکه شری بخشد مگر در سواحل رودخانه جس مختصر شکست  
 بعنا کر جنوبی داده شد چون موعد پخیال ریاست کنکان منقضی شد بود در انتخاب رئیس تان  
 مجد اورا بر قرار کردند محارج ایالات شمالی از برای این جنگ هزار دو دست کرد و تومان پول  
 ایران شده است تا بحال ایالات شمالی بنکی دنیا از سلطنت ناکه پهلپن برادر اعلم حضرت امیرا طور  
 اطربش در مکنز بنک مناتب ندادند فوت ژنرال اداس در سن بود و سرسالیکی این شخص یکی از آن  
 اشخاص بود که منتهای جد و جهد دارد آزادی اتانوفه نمود و از تبعیت انگلیس و دول دیگر این  
 ایالات را خارج و مخفی نموده دولت مستقلی کرد

اسپانیا

چهل و چهار هزار ذرع راه آبی که وصل میکنند راه آبن اسپانیا را بر راه آبن فرانسه از ده نهای کون  
 پیرنیه امسال با تمام رسد و مسافر میتواند از پاریس با در بد پای تحت اسپانیا مستقیما سفر نماید

آلمان

فوت پادشاه با و برما که پهلپن در سن پنجاه و دو سالگی و جلوس پسرش لوی دویم در سن هجده سالگی  
 فوت پادشاه وودین بزرگ کیم اول و جلوس پسرش شارل پنجمی او ایجاد تفنک سوزنی جدید در مملکت  
 پروس معروف بتفنک در بزرگ بود بواسطه اختراع این تفنک اول امبد بفتح و غلبه بر دشمن میدهد  
 شورش در نظمی در مجارستان و در اغلب ممالک اطربش مسافرت اعلم حضرت امیرا طور اطربش و شاهزاده  
 خانواره سلطنت مجار و نظم دادن آنجا را بشخصه وکلای مملکت اطربش بدولت پیوفانی دولت پروس  
 اثبات میکنند که چون خیال دولت پروس بزرگ شدن است لهذا بدوستی او بنا بد اعتماد نمود آتسا  
 در فقره ایالتین اسلیشویک و هلستن که مقدمات آن در دهل سال قبل ذکر شد بعضی از دول معطله  
 المان از قبیل با و پروس که مابل بر این بودند که از سلطنت دانمارک مخفی شده پرنس اگوست بودند  
 که ادعای مملکتها ایالتین داشت داده شود اما جزه دولتین پروس و اطربش نشود دولتین اطربش  
 پروس بدون مشاوره با سایر دول المان و بدون وساطت دولت انگلیس مسون خود را بر سر داری  
 پرنس فردرک شارل برادر زاده اعلم حضرت پادشاه پروس و ولعهد پروس فرار دایالتین مزبور تین

نموده هفتاد هزار قشون مسلح دولتی که بهترین اسلحه مسلح بودند با چهل هزار قشون داناوکی که اسلحه ممتازی نداشتند مقابلی نموده در ظرف هشت روز با لیتن مزبور تین را متصرف شدند و هر قدر دولت داناوکی بدولت انگلیس و روس و فرانسه ملحق شد فایده بخشید و قشون پروس و اطریش شکست قلعجات کرد دولت داناوکی در ابا لیتن داشت متصرف شدند دولت داناوکی که هر چه میبخت کرد رعیت داشت دو کرد و از غنای او از و مجری شدند اعلمحضرت پادشاه پروس با مشوینزها و لند اعظم خود بجهت ملاقات اعلمحضرت امپراطور اطریش بونده و از انجا بمسک پای تخت با و بر سفرینت با مشوینزها و لند ملاقات اعلمحضرت ناپلیون امپراطور فرانسه در تیرتیه فرانسه سفر کرده در پاریس و در بیابان پاریس با اعلمحضرت ناپلیون ملاقات میکنند و آخر الامر تمام بلاد و ارانی که در سمت جنوب ژولند واقع شده بعد ازین جنگ از داناوکی مجری شد پروس و اطریش و آنگار میشود و بعد از امضای عهدنامه دولت پروس بدون شراکت اطریش که بدو را با اومع بود در دست متصرف ابا لیتن مذکور تین است

### انگلیس

تولد پسر نواب ولعهد در زمستان و در دو گایا لدی بمملکت انگلیس با تشریفات کاملی که برای او فرستادند بطوریکه نواب ولعهد انگلیس بمنزل او رفتند و ملاقات نمود ملت انگلیس پر او های سخت بوزار گرفته اند که بجز او در فقره داناوکی بسکوت گذرانند صد و پنجاه هزار نفر از جمله ابا انگلیس بواسطه نرسیدن پنبه از بنکی دنیا بکار نمائند اند از مهاجرین انگلیس در ظرف این سال تنها بود و چهار هزار و صد و چهل و هفت نفر با تانوی بنکی دنیا بفرستادند در حوالی شهر شیفلد از بلاد انگلیس سدی که جلورود خانه بسته بودند خراب شد و وایت و پنجاه نفر آدم بواسطه طغیان آب هلاک گردید و زبانه از سه کرد و بر رعیت خسارت وارد اند در نول زلاند شرارت باغبانان و متمرکین بمنحصا درجه است در هندوستان یعنی در کلکته بواسطه طغیان آب بدوجه که سالها بود باند وجهه بدو نشد پنجاه هزار نفر آدم و معادل هشتاد و دو تومان پول ایران مکنت مردم تلف میشود افتقاد بجزایر دربار و لاهور بتوسط سپر لورنس فرانسوی های هند که ششصد نفر از سلاطین راجه و نواب و لاهور هند و افغانستان حتی از خوفند حضور بجزایر میبندند افتتاح راه آهن از بمبئی بداخله هند ابتدا تلگراف بحری از خلیج فارس که سواحل هند و سواحل عربت از اجمه وصل میکند چیت پنبه که از کار خانجات انگلیس در ظرف این سال بخراب برده اند معادل پنجاه و دو وایت و شصت هزار لیره انگلیسی و هر لیره معادل دو تومان و پنجاه هزار ایران میباشد

### ایطالیا

مسافرت گاری بالدی با دو پسر خود بانگلپس خیال نقبر نای تخت و نقل ان از تورن بفلورانس تقار آشکار مابین پاپ در دولت معاهد مابین اعلمحضرت پادشاه ایطالیا و اعلمحضرت امپراطور فرانسه که دولت فرانسه عا کر خود را که بجهت حفظ سلطنت ظاهری پاپ در رومه گذاشته بود از ان تاریخ بعد از انقضای دو سال بر دارد و پادشاه ایطالیا صمته است که بجهت وجه در صدد متصرف رومه و خود مدعیته سلطنت ظاهری پاپ بر بنیاد شورس و نقبر اهالی تورن که پرا با بد نای تخت از انجا عوض شود دو روز و دو شب قتل و غارت و جنگ در تورن نقبر اعلی از وکلای ملت ایطالیا بدولت فرانسه که بجهت مانع است که کر رومه جزو ایطالیا بشود

### بلژیک

مغادر بلژیک کرد تومان پول ایران دولت بلژیک از اهالی مملکت خود مانع داشته که بتدر آتورین معکم نموده قلعجات در انجا بنامانند

### چین

غدغن سخت در بنادر چین که کشتیهای اتانوی بنکی دنیا عبور نکنند چینی ها باینکه فرانسه ملحق شده باغبانهای تانوی بنکی را شکست دادند شهر نانکن را که مرکز باغبانها بود قشون زبا و چینی تفع کرد

### داناوکی

نامزد نمودن پرنس و آگار دختر پادشاه داناوکی را برای کراندوک نیگلایر اعلمحضرت امپراطور روس و ولعهد ایندولت

### روس

شورش سخت و خونریزی زیاد در ولستان پناه ندان دول پروس و اطریش باغبانهای لهستان را که دولت مابین دول روس و فرانسه که اهالی فرانسه باغبانهای لهستان را اغوا میکنند جلادان اغلب باغبانهای لهستان را بگیری و سبست سخت آنها نمودن پاپ در خطبه ها و وعظه مانست بدولت روس بسیار بد میگوید بواسطه بیرحمی که بجهت آنها میشود و غنای لهستان کمال رضایت از اعمال روس دارند که دفع شرملا کین و بجا و بجا اعتدالی که با آنها میشود شد در ابا لت تا زان بعضی قلاب مدارس نسبت بدولت بنای شورس را گذاشته مقصرین قتل و تپیه شدند طبقه پنجمین طبقه تازه هستند و بر شدتین و دولت و نظم عقیدت دارند سبب حرق شهر سامبریک شدند طایفه چراکس بواسطه قحط و غلای که مبان آنها بروز کرده و روی داده هزار هزار دسته شد با ابل و الووس

بجای عثمانی پناه میبرند و در بین راه جمعیت زیادی از آنها تلف میشود فتوحات قشون روس در  
خوقند و فتح شهرتین از شهرهای خوقند نامزد نمودن دختر پادشاه دامنارک و برای نواب ولایت  
دولت روس آغاات باطنی دولت روس بدولت دامنارک

### شاپین

عهدنامه های دوستی و تجارتی ایندولت با دول فرنگ و بنکی دنیا با امضای مپکا ذکر پادشاه روقا  
و حقیقت سلطنت با اوست اما مرگ نمیشود و بطریق پادشاه عثمانی که فی الواقع صدراعظم است  
بدون امضای مپکا نمیتواند عهدنامه را امضا نماید و قوتن اغلبی از اعیان مملکت و رجال دولت  
بشهر کیشو که مسکن مپکا بود مجبور شدن طبعی که او نیز از پای تخت که پادشاه محجرت کرده  
با بخار و درو با این واسطه هرچ و مرچ در امور دولت و مخصوصا در کار تجارت منازعه سفای جنگی  
انگلیس و فرانسه در جزیره یمن که متعلق بزاین است و بعد از جنگ و شکست دادن شاهزاده که والی  
آنجزیره بود دول متحد سرگرو و سبصد هزار تومان پول ایران بطور ترضیه و خسارت از دولت  
ژاین مطالبه میکنند

معادل

### سویس

انجام مجلس معظی در ژنو و حضور ماورین اغلب دول فرنگ در آن مجلس مقصود از انعقاد این مجلس  
انجام بعضی از قوانین و قواعد لازم آتیجه پرستاری و رعایت زخم داران و مرضی قشون دول فرنگ که  
از نگاهیه و ملتی باشند که با هم در صدد محاصره و مقاتله بر میآیند

### عثمانی

در اطلاق بغداد عراق برحق معمول کرد دولت عثمانی قرار داده والی آنجا قشون میگرد شورش و انقلاب  
در ایالت تونس نارضائی رعیت از والی بواسطه ایجاد بعضی مالیات فوق العاده برقرار داشتن  
دوازده هزار قشون همیشه در بیرق و بیجه نرسیدن مواجب با عینکری همین دوازده هزار قشون برسد  
والی شورش و انقلاب بحدت که کشتیهای جنگی انگلیس و فرانسه و ایطالیا بجهت حفظ تبعه خود از  
شتر اعراب در سواحل تونس لشکر انداخته اند طغیان در وینیل در مصر و خسارت زیار بر طاعت امتداد  
حفظ لکراف از مصر بر بیروت نیز امتداد خط تلکراف از بغداد به بمبئی و از بغداد با اسلامبول تغییر  
بلغارستان از ورود طوایف کسبیا با آنها مسکنی دادن دولت عثمانی اینطوایف را درین ایالت  
شورش اعراب در بغداد و شامات قحطی پول در اسلامبول

### فرانسه

عربی

جلس چهار نفر از اعالی ایطالیا که قصد تسل اعلمحضرت امپراطور فرانسه را داشتند در مقره فرستادن قشون  
بکن بک در مجلس پارلمان فرانسه ابرادات سختی بدولت وارد آورده اند ملاقات و بعهده هلاند و لیبک  
بلژیک با اعلمحضرت امپراطور فرانسه در قصر فونتن بل و ملاقات پادشاه بلژیک در ویتنی آمدن و زینک  
پروس در در روی شان نزد اعلمحضرت امپراطور فرانسه حکومت مارشال ما کاهون بالجزایر سورس  
و با عینکری بعضی شهرها لجزایر مخصوص در میان قبایل عرب قحطی و کار ببری سخت در لایچین متصرف فرانسه  
و رود سفرای ژاین بیار پس فوت مارشال پلی سبه ملقب بر دوک دمالاکت برقرار شدن ژنرال بازن  
سربار فرانسه که در مکنزیک بوده بمنصب مارشالی فوت پیمیز معلم معروف علم موسیقی و فوت هاس فیلدو  
جنگ مابین عساکر فرانسه و ملت مکنزیک با نهایت تشدد برقرار است او شهید و ک ما کسپیلین برادر  
اعلمحضرت امپراطور اطریش بعد از رفتن با نکلیس و فرانسه و بلژیک در اجعت بقصر مپرا مار مسکن خود میباشد  
و در اینجا قبول سلطنت و امپراطوری مکنزیک را نموده احکام صادر مینماید که معادل شصت کرد و یکصد  
و شصت هزار تومان پول ایران از قرار صدشش منفعت در سال و در مالیه برای مخارج لازم مکنزیک  
استقراض نماید در اواخر بخار هانسال بر و توا کر و زیند مکنزیک وارد میشود و ژنرال زینس جمهوری مکنزیک  
فرار بر قرار اختیار میکند و بعد از ورود بقاسله قلبلی حکم با ایجاد مداوس در اغلب شهرهای مکنزیک شده  
و میزان و مقدار بر دایسک فرانسه مینماید ملاقات اعلمحضرت امپراطور فرانسه با اعلمحضرت امپراطور روس  
در شهر نینس از بنادر خزانه

### مقرش

مقل و نصب طاغیه بنی اسرائیل در اغلب شهرهای مقرش مراده تجارتی ایندولت با تمام دول فرنگ

### هلاند

در جزایر سو ما ترا و برنر نو زاعت تنباکونی شکر و قهوه زایل الوصف بد شد است بروز و بای شد بد و دنیا

### بنگی بنای جنوچ

در مملکت شبلی شهرک پناپ بواسطه دلزله سختی معدوم میشود بروز کوه آتش نشان جدید مابین شبلی  
و بولوی منازعه مابین دولت برزبل و اردوگای

### یونان

شورش در اغلب شهرهای علی الخصوص در پای تخت نافرمانی اغلب افواج قشون بصاحب سفینان که در  
بعضی شهرها ساخلو بودند انضمام قلعه جزین کر نو رفیق عساکر انگلیس از انجام ورود عساکر یونان

دینار نمودن آن جزیره دول پورس و اطراف دولت جدید بوزان و باسلطنت روزه اول شناخته

را فرزند و شرارت تا طمان طریق

در اغلب نقاط بی تو

شرح قایع سال هجدهم سلطنت اعلی حضرت افند شاهی اجماع خرد  
صاحب فرزند شیدا الله تعالی ملک مطابون شهزاد دولت  
وهشتاد و یک هجری  
سپتامیل  
زنگ

در تمام این سال خبرهای خاطر خطیرها بون منوجه کلیه امور و رعایت حال جمهور و زرت و آبادی ممالک محری  
و دیارهای معوره و زرفه رعایا و ترضیه برآیا بود نغزیه و در وضع و لتی در تکمیل مبارکه سلطنت پاد خوانده  
هست و محمد لجان سردار که مامور سرداری قشون خراسان بود بجز این استرا با در سرفراز کرد بدین علی محمد خان و کبیل  
غاسر پیر حاجی نوام الملك بیک قطعه نشان از درجه و تم سر نیی انعام بگوشه جا بل مخصوص ان مباحی اینه بر ناعلی  
اکبر مشرف کارخانه مبارکه با سندن عماین الملك خوانسار بنیاب نظارت خانه سرفراز کرد بدین چون سها  
الدولت جید رفیجان ابلحانی زعفران لویا سواره و جیب مجبور و خراسانی حساب لاریارد وی استرا باد و کرا  
امده بود امیر حسین خان ابلحانی را با چند عماره نوپ جمعیت شایسته مقرر فرمودند نوای مجبور در رفتن بجز استقامان  
مشغول باشد قلعه ابر افشان از قلاع بلوچستان چون استخکامی داشت و اهالی بسبب اعتمادی که بمجساتان  
داشتند همیشه دم از خود سری میزدند ناچدی و بلکه و کبیل الملك ابراهیم خان سرنک بلوچ را با مبر زامه دی خان  
سهندس قشون مامور کرده قلعه زبوره را تصرف و خراب نمودند و بندر طیس کرمان حساب لاریارد پانوی اند  
محمد اسماعیل خان و کبیل الملك وزیر کرمان بلیغ جنابی مقرر کرد بدین پاشا خان امین شوق و مقلبان این الملك شد  
مؤکبها بون در این وان که ابتدای که های در الحلافه است شریف فرمای بلاق شهر شانک و سنگراب می باشد  
ششم شهر صغریه ولود مسعودها بون را در تمام بلاد ممالک محری سه باشکوهی تمام گرفتند جناب پهبسالار که  
باقشون ظفر بنون مامور بنیب ترا که کلان و بیوت بودند چون بچین کالیوشد سپیدند ترا که کلان که دو  
سه سال بود دم از خود سری میزدند مضطرب شده بچاه و شش نفر از رؤسای آنها با در و خدمت جناب مغزی اله  
امده اظهار عجز و طلب عفو نمودند و مقبل شدند که آنچه مالبان ایشان عقیق فغانده با آنچه در راه خراسان از احوال

عابری بفرستند مقدم نمایند حکومت بر در آمد و سبط خان معبر المالك و کذا فرمودند و مغزی اله محمد خان پیر  
والی کبلان را بکومت مبر زامه حسین نغزیه را بوزارتانجا معین نمود محمد خان امیر نوامان بیک قطعه نشان  
همایون سرفراز کرد بدین علی خان ادب الملك پیشخدمت خاصه حاکم فرسایر خدما که بیک قطعه نشان از درجه  
دوم سر نیی مقرر گشت سند وی عدالت حسبله لاریارد در میدان ارک فرار دادند که هر کس برضیه مخصوصها  
دارد در ان سند وی بنیاد از خاندان خان سر نیی بکومت در جزین و سر نیی فوج مخبران فرار کوز لوس سرفراز شد  
امیر زاده انوشیروان مبر زامه سواره باجلان و بخناری فوج سیلا خوری با بل امده بچان سردار کبیل  
از با بچان بفرع بن علی زین علی را حسب الامر مهابازد بفرع شیخ شیبزی را نیز مرمت میکنند چون جناب ناصر الملك  
ه شهر خاص حضورها بون وزیر بخنار و ابلحی خاص و لث علی مقیم در بار دولت انکلسر سا با فاعل علیخان نایب اول  
سفارت را روانه دار الحلافه کرده و از حسن خدمات مشارالیه اظهار رضامندی نموده بولها مغزی اله پیکان  
منصب سر نیی از درجه سیم مقرر کرد بدین محمد خان کار کذا خارجه سابق استرا باد بکار کذا ری خارجه کبلان سر  
افراز شد محمد حسن خان پیشخدمت خاصه بکومت کلیا بکان و خوانسار بر فرار امده جناب سپهسار و سردار اینکه  
با ایشان همراهند چنانکه ذکر شده توجه نظم صفحات کرکان و بنیب طوا بفره ترا که بیوت و کلان که دم از خود  
سری میزدند مهاباشندان و فاش جید رفیجان سهام الدوله ابلحانی و سلیمان خان افشار سر نیی اول و مصطفی  
ظلیخان فرار کوز لوس سر نیی اول و جیب الله خان نکابنی (ساعدا الدوله) سر نیی اول و صفر علیخان سر نیی ششم  
اینانورا از اردوی بزرگ خود جناب سپهسار مامورند بر بعضی طوا بفره نموده در سنگر غانی که بسپا جای بختی  
است فتح نمایان کرده اند و طوا بفره غانی را بنیب کامل نموده طوا بفره بکر یا نیز سرداران دیگر مغلوب ساختند  
خود جناب سپهسار نیز بعضی از طوا بفره بیوت را بخت و ل کرده اند سپهسار سوار بر کین نیز سرداری پیر محمد  
شیخ و دو سه نفر سردار دیگر بناخت محال با خرن بجز اسان امده بودند آنها نیز بکوب قشون ظفر بنون ساقو  
خراسان و منیزم شده اند اقا رحیم بصب رخنداری البسه خاصه سرفراز کرد بدین علی خان ادب الملك  
پیشخدمت خاصه بنیاب وزارت عدلیه عظمی مقرر امده حسین قطب افان نشان از درجه اول سرنیک مباحی  
کشت راه مازندران را که مسبوک است مهندس عسایر مشغول ساختن ان بقا با تمام رسیده و از طریق حمل  
المسالک و سپهر کرده است و کبها بون در ماه ربیع الثانی شریف فرمای صفحات کجور و سواحل بحر خرن  
شدند و در مراجعت از راه کلاردشت که راه مسبوک است با بچان فاعل مینا بلاق کتاره رود خانه جالوس  
قطع منازل فرموده هشتم ماه جمادی الاولی بفر سلطنت اباد محل نزول اجلال خرنه کرده بدین با بچان رسیدند  
نوبخانه قدیم حسب الامر ساختند و اب فنانیکه بنویج خاطر خطیر مبادی احداث شده و از عمارات سلطنتی

میکند و تمام اجوز مزبور داخل بشود و از اینجا جلالت شهر و حوض مغربان میزد و بعد هادرقام قضای این میدان باستانی راه عبور و مرور باغچه ها طرح و اشجار غرس و کلکاری میشود چون جناب میرزا محمد خان سپهسالار در سرحد کرمان چنانکه ذکر نمودیم خدمات شایان کرده بود یک حلقه انگشتری الماس بر لبیان بسیار کران بهای برای جناب معزی الیه انفاذ فرمودند میرزا مصطفی خان بهاء الملک بوزارت دیوان عدالت منصوب گردید میرزا مصطفی وکیل لشکر بیکفطعه نشان از درجه سرنپه سرافراز شد حسنجان سرنپه فوج مخصوص فرآورد بیکفطعه نشان از درجه سیم سرنپه و حامل مخصوص آن مفتخر گردید میرزا غفار خان صدوق الملک که بعد از مر اجتنال منکوبین از جانب سنی الجوابیه ایون بجهت ادای همت و شربک تقوی و نصیب جان پشینه ممالک صفقاز بنواب جان شین مامور نفیس شده بود خدمت خود را در محل مامورین انجام داده مراجعت بدار الخلافه نمود جناب محمود خان ناصر الملک وزیر مختار دولت علییه مقیم لندن موقتا اجازه شرفیابی بدین

همایون حاصل نموده میرزا سلیمان خان مستشار سفارت پاریس بر سیم شارژ دافری مقیم پاریس و بعد مؤلف نیمیست نهایت دیم سفارتخانه دولت علییه مقیم دربار دولت فرانسه خواهد بود سیم تلگراف که با بد از بندر بوشهر الی خانقین امتداد باید بدار الخلافه وصل شده و از دار الخلافه با اصفهان و شیراز و بوشهر و بمبئی و محابره دایر است همچنین سیم تلگراف که از طهران با سمرقند می کشیدند بحمل مقصود یعنی با سمرقند است نواب و الاملاک را بحکومت میرزا محمد در فرار و هوشنگ میرزا پیر نواب معزی الیه بنیاب حکومت وقت میرزا بوسنجان که در ماموریت کار پیرداری حاجی رخا و شارژ دافری بطریق و خیزال فونوسوگری (یعنی کار پیرداری اول) نفیس خدمت مان لا بقدر کرده بود بیکفطعه نشان از درجه دوم سرنپه و حامل مخصوص ان سرافراز شد حاجی محمد ابن ادم ساکن میناب بندر عباسی بلیغ ناظم التجاری بندر عباسی و نشان از درجه چهارم شیر و خورشید سرافراز گردید میرزا خان سردار کل پیشکار از دریا بجان در چین کاوگان که از بلوکا مراغه است از در وقت مرگ پادشاه هفت هزار نفر سرباز منعقد نموده حضرت اجل اعظم شاهنشاه مراده والا و لجهت دولت علییه ایران حکمران ادر با بجان با کارکنان علمی نظامی آن مملکت وارد وی میزبوری و تزیین فرما کرده فریبگاه در آن اردو و تعلیم و مشغول بودند لهذا بکثرت فبای نظامی سرد و دست و پا میزدند و از ملا بسین پویش مبارک با افتخار سردار کل از جانب سنی الجوابیه همایون انفاذ زادگان شد و بعد از انقضای اردو و مرضی افواج حضرت مستطاب شاهنشاه مراده معظم ادم الله اقباله العالی بشهر شیراز مراجعت فرمودند شب ششم جمادی الاولی در درشت آبادی سخت و زبیدن گرفت و رعایتی شد بدی بعضی افسانه کهنه را خراب و اشجار فوهمه را از یاد راندند بلکه موجب جد و شامراض غریبه نیز گردید

سلطان نظام الملک

سرداران که در اردوی جناب سپهسالار بودند و مامورین بدین طواغیر بلکه بازرگ رسیده جمعی از اشراف فراتی و بافند ششصت خانوار از طواغیر نشین که سابقا از در طاعت در بنامه بودند سر برقیه مطارعت و تمکین نهاد و سایرین که در مقام مقابله و مقاتله بودند نیز از خود در سپهسالار مدینه سپهسالار که در ارتک و مامورین طواغیر بودند و اب کرده هشت هزار قشون زبده نیز مامور کشتنیه شده کار و تجارت نیز منظم و مد رسنه کشتنیه را که بطور قلع و حقلک نباشد بود یکسان نموده و اهل کشتنیه بر راه فرار رفتند بعد از آنکه تمام آن حدود مصفا کرد بد جناب سپهسالار بدار الخلافه با همت معاودت نموده شرفیابی و زحاکپای مبارک کشته با عطا بیکفطعه نشان از درجه مکلان الماس با حاملان در بند سر بلندی و اختصاص یافتند و مخاطب خطاب سپهسالار اعظم گردید بد نده سپهسالار خان داوختان سرنپه شمر جم اول دولت علییه بیکفطعه نشان از درجه اول سرنپه با حامل مخصوص ان سرافراز و شیرهای اردشیر و انا پول بلیغ خانی نایل گردیدند چون از خدمات میرزا معصوم منشته هم خارجه اذریا چای میرزا عبدالوهاب خان نایب الوزاره (جناب نصیر الدوله) اظهار رضامندی نمودند با عطا بیکفطعه نشان از درجه دوم سرنپه سرافراز گردید میرزا انای منشی و امین ندکده کردستان بیکفطعه نشان از درجه سیم سرهنکی معتمد چون اغلب خطوط تلگرافی منده از بندر بوشهر الی سرحد خاقین بمبئی استادی و میر شامپین و سایر صاحب منصبان آنکلیس با تمام رسیده و بهم وصل شده فرار نامه مشتمل بچهار فصل بنابر شیخ شهر جاری التامیه با مضای وزارت علوم و سفارت آنکلیس بین طرفین مبادله شده که صورتان از فرار ذیل است

**صورت قرار نامه نابین و وزارت امور خارجه و سفارت دولت آنکلیس**

فرار دایری تکمیل فصل چهارم فرار نامه مورخه ماه و سیم ۱۸۶۲ مطابق شهر جمادی الثانی ۱۲۷۰ فصل اول عالجه عجلت همراه میر شامپین با سبب هشت نفر از اجزای حاضر خود با کثرت از دریا و افناح تلگراف ایران نامدش پنجاه بصواب بد نواب مستطاب اغضاد السلطنه وزیر علوم و با کسی که بجای ایشان باشد مشغول نظم و تعلیم تلگراف دولت ایران از خانقین الی دار الخلافه و از دار الخلافه الی بوشهر خواهد بود فصل دوم بعد از انقضای مدت پنجاه عالجه عجلت همراه میر شامپین و اجزای و تلگراف مین بوشهر و خانقین را بصاحب منصبان دولت ایران و اکنار و یکی بخلی خواهند کرد فصل سیم بیکفطه صاحب منصبان آنکلیس بعد از مر اجعت اجزای مزبوره از سر تلگراف ایران باد و نفر از اتباع خود نامدش ده ماه در دار الخلافه طهران متوقف مواظبت حفظ نظم تلگراف که در مدت پنجاه و سبوعی اهتمام عالجه میر شامپین اجزای و حاصل شده بود خواهد شد و عند الزوم باطلاع نواب مستطاب اغضاد السلطنه وزیر علوم از اتباع مزبور با احکام لازم دولت ایران

برای سرکشی نکران بطول آمدن دان هر جا که ضرورت نظر اقتضا نماید مامور خواهد کرد و باز مرا حین مدار  
 الخلافت خواهد نمود و اگر دولت انگلیس قبل از تکمیل ده ماه مزبور صلاح بداند که آن صاحب منصب یا دو نفر  
 اتباع خود از ایران بردارد بخار خواهد بود فصل چهارم شرایطیکه برای تعیین مجری شامپین در مدت پنجاه  
 مزبور معین میشود از قرار فصول این خواهد بود اول نواب مستطاب اعضاد السلطنه و زبیر علوم با هر  
 کس را که حکم هابون بجای ایشان باشد باید رئیس کل نکرانهای ایران دانست امر مزبور را سپرده باشند  
 نایب هیئت انبیا و ششم نکران بند را بوشهر دار الخلافت طهران و خاقان در سبکبار بقیه سبکباری  
 صواب بدعا بجای نخب و مجتهد همراه مجری شامپین مهندس خاصه اعلم حضرت پادشاه انگلستان و آنگار شده  
 است تا آنکه هر حکم که نواب مستطاب اعضاد السلطنه و زبیر علوم در باب حفظ سیم و استعمال آن و مامورین این  
 ان صادر نمایند بوسط و نواب بدعا بجای مجری شامپین صادر خواهند کرد در ابعاد در باب حفظ سیم باید تمام  
 مسافتان سرحد و نکرانهای بندر بوشهر شهر شمشیر بدین موجب شش قسمت تقسیم شود از سرحد و نکرانهای  
 الهمدان از همدان الی دار الخلافت از دار الخلافت الی کاشان از کاشان الی اصفهان از اصفهان الی شیراز از  
 شیراز الی بندر بوشهر نواب مستطاب اعضاد السلطنه برای هر قسمی یک صاحب منصب ایرانی مامور خواهند کرد  
 و او باید از عهد حفظ انقدر رسمی که در ضمنش واقع شده است در خدمت نواب مستطاب اعضاد السلطنه  
 بر آید و مجتهد انیکه صاحب منصب این مذکور با یا و در سن آن عهد هم میماند خود بر آید عهد معین از سوار که در  
 حکم او باشند در عرض راه غیر خواهند شد و با و در مذکور البته صواب بدعا بصاحب منصب انگلیس مباشرت قرار که  
 درباره محافظت سیم اظهار نماید قبول خواهد نمود و مبنای کار در این مواد با مکان و عادت ایران خواهد بود  
 خامساً نظم و تعلیم نکرانها فقط سپرده بصاحب منصب مباشرت انگلیس خواهد بود و کار کردن نکرانها باین  
 نظم و تعلیم در عهد آنها خواهد بود و نکرانهای ایران باید خدغن شود که بدستور العمل صاحب منصب مباشرت  
 انگلیس که در آن خصوص بدین مذاطاعت تمام نمایند و چون بعد از باز شدن سیم دستور العمل برای نظام  
 کار و تعیین تکالیف نکران عموماً لازم خواهد بود لهذا مادام که عهد نامه نکران مابین دولت ایران و انگلیس  
 مبادله نشده است موقتاً رجوع خواهد شد بقواعدیکه دولت ایران با دولتهای دیگر از روی قرار نامه بر  
 و کمال مضاکرده در هر دولتها معولست باستثنای قیمت تجزیهات دایره بین دولتین که برای هر سبب کلمه  
 بالکثر از خاقان الی بوشهر از بوشهر الی خاقان بکونمان و پنجم هزار و چهار صد سوار بر آن با چهارده شلک  
 انگلیسی حساب خواهد شد و شهرهای واقع در مسافت مزبور نیز بهین نسبت خدمت خواهد شد و دولت  
 علیه ایران بحال از نا انقضاء معاهده نکران مابین خود و دولت انگلیس در قیمت تجزیهات از بوشهر خواهند شد

و انقضایین تا اسلامبول وارد یافتند و در عزیمت دایره مابین این دو دولت نیز فرموده که غنایین در لندن انگلیس و شام  
 عهداً بقرارد شده است امضا خواهد نمود و در مدتی پنجاه رواج بوند از قرار بیست و چهار روز و ده روز با عیاد  
 خواهد بود و مامورین ایرانی نکرانها در صورتیکه منافع نمایند و مقدر خلاف شوند نواب مستطاب اعضاد السلطنه  
 چنانکه در فصل پنجم فرموده است بر عهد میگردند که حفا در جانب اخبار صاحب منصب مباشرت انگلیس هابون کوشش فرمایند و از  
 طرف عالیه مجری شامپین بر عهد میگردند که هیچ وجه از اندازه ان اخبار تجاوزی نشود و سابقاً صاحب منصب انگلیس  
 در خدمت روسان کاری ندانند که غیر از در هر نکرانخانه بدون واسطه نواب مستطاب اعضاد السلطنه حساب سواران  
 خواهد داد در دار الخلافت طهران بنا بر پنج یا نوزدهم شهر رجب الحرام سن ۱۲۸۱ مطابق با نوزدهم ماه و سی و هشتم

حضرت شاهنشاه اعظم و الامین الدوله حکمران فارس بکفطه کلکرم صبح بالاس بر پیلان مغفرت در نظام منصب نشان  
 سرهنگی مخصوص مزین عیونام الدوله پیشکار حضرت معظم السیال و الامان العالی بقب و خطاب جناب سرافراز کردید  
 بر از عبدالوهاب مستطاب کلمات منصب شغای دیوان هابون بر فرار آمدن بر از صبح و زبیر مازندران با عیاد یک قطعه  
 سریش با جابلان مباحی کشت فانات <sup>مابین</sup> که شهر را مشرب و عید داشت چندی بود بواسطه خرابی بان شهر بنامند خوار  
 بامزاده سلطان اولیوس بر زحاکر همهان و کوه کلو بر رحمت شده ان فانات را تفسیر نموده مجدداً جاری کنند تا بخریب  
 چهارم شهر خوال رای و ابغای ولو کانه بعضی غیرات در امورد و نکران داده دستخطی افتاب عیاد حاوی ان مطالب شرفصد  
 یافت که صورتان بنماد بر بخل درج میشود

### صورتی که بخارجها مطلع ملک

اصلاً تمام دولتی عیاد نشان و زار نکرانهای سه کانه عسکرت و مالیه و خارجه است که اگر ان نظام آنها بر وجه کمال باشد و آنچه  
 امورد و لشکر و نصاب خواهد بود و امر و اداره مهم و زار نکرانهای ثلاث هر یک در دست یک از کرا نکران نزدیک در بار شوکتند و هابون  
 که بعضی کلمات دولتی هم هر کدام از آنها افضل الله تعالی و توفیق واعتماد در ادریم و مراتب عقل و دانش آنها را بجز نبه سببند  
 و اکنون بحال الله ان نظم و پیشرفت مهم مزبور کمال اطمینان بر روی خاطر هابون ما حاصل است چون با انهم باز و وسیع  
 از امور وزارتخانه و غیره از چند سال بحال نظر صالح ملک بقب نفس هابون خود منفرمودیم دیگر برای ما حضرت ان باقی بود  
 که انکار عالیه کند و در مهم خطره دیگر که خاصه ششون سلطنتی <sup>است</sup> که دریم با هر چیزی است که از ان خبر نکران عالیه  
 نظیر میماند و الحی و دین و انیم که او نکرانهای مازاده بر انهاد را اشتغال بان امور که بعون الله در حوزه نوا نکران  
 بزور نکرانها بر او با فخر شوق لهذا در ابتدای این سال نخستین حال او بدین ازاره فرمودیم که وقت هابون خود را بیشتر  
 آنکه بود بر روی خصایر ششون سلطنتی که شاد و محنت انداز سلطنت منصور است خالص دریم بطوریکه ملاحظه فرمودیم اصول این  
 معنی در ضمن و فرار جدید ضرورت بود که بر نشان استقلال این سر و زار نکرانها که دارای مهمات امورد و دولتین غیر از ان

در کفالت امور دولت و اجرای خدمات ملک و ملت متفق و معین که دیگر فرار در هم بطوریکه از آنها اتفاقاً شخص واحد باشند که با وجود امتیاز مزبور هر یک از آنها از حق خود را که موقوفه بر افعال خود مانده گرفته بودیم یکی از آنها محول فرمائیم که آن بکسر علاوه بر ادای تکالیف مخصوصه خود با داشتن آن امتیاز نیز مخصوص محل اسب و پیم و مرجع نمکین و تسلیم خلافت نیز تواند بود و در موارد رجوع با و تکلیف خود شانرا از هر جهت معلوم نمواند نمود و همچو جهت من الوجوه نظیر نظام کلیه امور دولت و نظیر این باطن بهام ملک و مملکت باقی ماند و از طرف دیگر از فرمان نوجوهان ملوکانه که تا نا امانی عتاب خداوند جل شاندر کلیات امور دولت مبدول خواهم فرمود و در زیره زبر شکوه و افتخار و ثریات دولت و اسب واری که نوکهای زرین و کوملین از هر ملک و درجه بفرزاد و انشاء الله تعالی بجای برسد که در این مدت همیشه مرکز طبع منور و پیشنها خاطرهای مابوده است باین علیه هر یک از ذرات متنازل بهم و وجوب صد و ریز و سخطها بون کمال استغفار و تسلط را در مشاغل مفرز مرتبه بفرمائیم بطوریکه سوا بدیدای آنها از پیشین موقع قبول از زانی خواهیم فرمود و مع هذا شخص و جویان سببها لا اعظم ان بعضی شعبه امور بیکر ما خود موفقتا و سعی توجهها بون بر نهاد استیم مخصوص و مبارکی فرموده از تاریخ صد و دین و سخطها بون امر و مفرز مفرمائیم که در کمال استظفار و اجرام ملوکانه و عواطف شامله و مشغول و ارسای او و بهام ملکه شده حسن ادا و تبتک کمال کفالت و برانند که خود را در نظر ما ظاهر سازد و در ابادی مملکت و انتظام امور سپاهی و رعیت اصلاح احوال حاکم و محکوم و بالتحلیل و در ترویج آنچه عقل و شرع آنها را می دلالت مجاهده و فوره بفرموده رساند و از سزای هیچ بیک و بد جان بداند بسیار بدینها هر دکان عظام و وزراء کرام و عوم چاکران در بار و بید لولابین و سخط میارند که منضم صلاح دولت و مملکت است و اراده هابو ما بران تعلق گرفته است عمل نمایند و در عهد شناسند ۲۵ شهر شوال ۱۲۸۱

عبانرا که امر و ذرات آنها ای ثلاثه است حکام یافت و آنچه را از مشاغل دولتی بفرستیم هم بون متوجه بودند بجهت کفالت جناب سببها لا اعظم و اذکار فرمودند بکوی جبهه ترم و در وار بدینشمه وضع جناب سببها لا اعظم رحمت فرمودند و جناب و جناب و جناب و جناب و زبیر امور خارج بفرزاد یک با عطاء بکوی جبهه ترمه ششمه وضع و بکشته شرفیه مکمل بالباسر لخصاص یافتند حضرت شاهنشاه زاده اجل و الاحلالا الدوله را از حکومت صفهان انحصار و بیکران مملکت خراسان بر فرار فرمودند و نواب والا مؤید الدوله بکار گذاری سر پرستی آن سرحد و شعور و انتظام بهام حضرت شاهنشاه زاده معظم ما مورد کرد بدند حاجی رجحان صند در با عطاء بکف طعمه نشان تمثال هابون مرفر از کرد بفرزاد افضل خان صاحب جوان که از اجل چاکران ایند و لست ابد افرا تخبه و معر بستان بر مرفر از کرد بفرزاد افضل خان سراج الملک به استحضار به از خلافت ما و در امیر حسن لشکر بفرزاد سببها لا اعظم نظای سرفراز شد معابر و کویچه های دار الخلافه را سراج الملک در بفرزاد حساب بدینشور انعام جناب سببها لا اعظم نظیف میباید سر رفته داری کل معاملات خراسان را بعهده کفالت حاجی میرزا محمد رضای سنوفی بون اعلی و اذکار فرمودند

و قایع و سوا آنچه که در این سال در تمام ممالک سرگزمین و افطار عا سناج و افغ

مشه

انانوفی بنگلی دنیا

برابر بودن جنگ مابین پالین جنوب و شمالی بهم تقار و جنگ با دولت انگلیس فتوحات جنرال گراندر در ابالا شمال و تخریب اغلب ابالا و قلعه جان جنوب لنگن رئیس مجبوری در روز چهارم ماه آوریل که بفریب است دو روز از عهد خود و گذشتن در یکی از قاشاخانه های ولشنگ بن پای تخت بدست بکفر از باز بکرهای سابق قاشاخانه کشته شده است و نیز میبایست در همین جنرال گراندر در کل را بقتل رسانند ولی مجال نگردد ناله و اضویر جمع من مانا بر مندرجه در یکی دیناچه در فرنگستان از انفقره زنت که در عقوان جوانی بصنعت جنابط مشهور بود رئیس جدید شد جنگ سخت بین طرفین بدینشاوردن و فرزند و پسر رئیس ابالا جنوبی که باغی بر ابالا شمالی شده بودند قشاقین دولت انانوفی ماکسی میسین برادر اعظم شاه امپراطور اطریش و با امپراطوری مرکز اتمام جنگ بین ابالا جنوبی و شمالی مختصر کردین لشکر بری بحری ابالا شمالی در ایند جنگ از صد و جنگ و چند از امر مختلفه صد و بیست پنج نفر از فرارم بکشتن داده بودند منازعه مابین سپاهها و سفیدها در اغلب نقاط باغوی جنوی اشرار حبس قید شده بگذر فرسند و پسر رئیس ابالا جنوبی قنار دولت انانوفی با انگلیس بواسطه اعانتی که با ابالا جنوبی شده است قشوق که در اوالا ایتالیا بد و کرد و نفس میسین را واسطه سال زباده از دو پیش هزار نفر فرود و هشتاد و پنج هزار ازین عدد سپاه بودند و در اول سال یا نصد و سی کشتی جنگی بود که در آنها سه هزار نوپ و پنجاه هزار قشون بحری بود و در واسطه سال این عدد رسیده بود و هشتاد کشتی جنگی و هشتصد و سی نوپ و دوازده هزار قشون بحری فرزند انانوفی بواسطه این جنگ نبره یاد و هزار و هفتصد و دویست افواج مجلس پارلمان انانوفی در زمستان و اول مسئله که طرح شده قبول نکردن مداخله یکی از دولت فرنگ در نقطه از نقاط بنگلی دنیا بود و مقصود از این مسئله قشون فرستادن فرانس در مرکز بنگ و تقویت سلطنت ماکسی میسین امپراطور مرکز بنگ میبود

اسیانا

در بولی دولت در نهایت شدت استغراض اجباری از رعیت که سبب گدوشت دعا باشد است بلکه سه قسم است از چهار قسم اوله خالص خود را بملت و اذکار میکنند که بفرزاد رسانند و حاصل از این فرج عوی بد هند شود در ماد و در ابات و الا لاس جلای طین دادن و زوال پیرین و دوباره او را الحضا و کردن مسافر بلکه در ابالا شمالی خوب بنیفرین رعیت او را با بی سخت در جزیره ماد دید

افرهینا

صله از این نسبت بطایفه یهود در مملکت فرستاده شد و در آنجا که ساکنان را در آنجا ساکن کرد و در آنجا که ساکنان را در آنجا ساکن کرد  
کارین قونسل انگلیس و جمعی از تبعه انگلیس را که در حبشه بودند مجبور نمودند که به آنجا بیایند

### المان

بواسطه دولتین اتریش و پروس در آنجا که ساکنان را در آنجا ساکن کرد و در آنجا که ساکنان را در آنجا ساکن کرد  
پروس خیال دارد که تمام آنجا را تصرف شود و اتریش بواسطه بعد مسافت از مملکت خود چون نتواند آنجا را  
که اتریش بدو کند این یکی از دول مستغله المان محسوب می آید و در آنجا که ساکنان را در آنجا ساکن کرد  
پروس برای مدارا بنظر پروسین پایتخت اتریش می رود که آنجا که ساکنان را در آنجا ساکن کرد  
مسئولین بارک و ژنرال در آن مجلس شورای پروس بطور صراحت می گویند باید که در تصرف دولت پروس باشد و حفظ  
حدود و نفوذ المان را دولت پروس از این منتهی نماید و دولت پروس را بعضی از اینها که از آنجا که ساکنان را در آنجا ساکن کرد  
با اتریش برده به تمام خود تصرف شود و چون دولت اتریش ممکن با این مسئله نمی تواند پروس را مجبور کند که با او جنگ  
کند عیاز و ساکنان می آید که در آنجا که ساکنان را در آنجا ساکن کرد و در آنجا که ساکنان را در آنجا ساکن کرد  
سلطنت اتریش پروس را یکباره ملامت نموده مقرر داشتند که اتریش را با این قسم تقسیم کنند با آنکه اسلشویک  
تمام از پروس و هلند از اتریش باشند و واقع عیاز این تقسیم منافع کلیه را دولت پروس برده مسوولین بارک و ژنرال  
بگت شد (گت منبره خان است) و بغیر از سفر کرده با اعلیحضرت ناپلئون سیم ملاقات نمود و چون پروس در آنجا که ساکنان را در آنجا ساکن کرد  
بد و بیست و دوازده هزار نفر رسانید بنای ساختن کشتیهای جنگی در کپل بنوسط پروس دولت اتریش همه خشکی  
از پروس در احوال مجارستان و بعضی ایالات دیگر که المان نیستند و در تحت سلطنت اتریش میباشند از آنها خدیو  
فاویر می نماید قیصر و پسر اعلیحضرت پادشاه انگلستان پرنس آلفرد که بیست و یکسال از سنش گذشته است و پسر اعلیحضرت  
ساکن گورنگ که عودت پروس را می خواهد اولاد می دارد منصوب می کرد دکتر بارنت که از مسافران المان است که بر آن  
افزاید و خبره بود در برین فواید میکند

### انگلیس

در مجلس پارلمان بدولت تکلیف میکنند که مداخله در امور فرنگ و سبکی دنیا هیچی نکنند آنرا با عدد سفارین جنگی  
انگلیس مختصر شورش در ایران مآل هرگز در انگلیس بطور سخت که از منتهی روسیه مجارستان سرانگشته است  
زرعد و اغلب نقاط برودت طایفه فیسان در ایران که بمنزله کوشنیا و ایبها باشد همین اکثری از ایشان و فضل بعضی  
خون پالمرستون صدراعظم در سن هشتاد سالگی صداری بود در سیلین هفتاد و سه سالگی وزارت امور خارجه  
از کلایندن و حشمت و انگلیس که مبادا کانا که از تصرفات او است و سبکی دنیا را بشودند شورش سیاه  
پوسان در زمانیکه منصرف انگلیس حین قتل اغلب از سبهاها ایجاد چراغ کاز در کوهی همایمی جنگ در ایالت

یونان هند مشورتن در مدونول زلا ند ایما ملکه خرابه ساندیج مسافرن با انگلیس می نماید

### ایتالیا

تعبیر با یخت و نقلان از نورن بفلورانس خلی سبب کد و در نا اهل بودن شده است افتتاح راه آهن از نورن مستقیماً  
میکنند بر بند نری میروند بروز و باد طرف شرق و جنوب ایتالیا

### پروغالی

ایجاد اکسپوزیسیون عمومی را پرنس یکی از شهرها  
برنیل (بنگی د بنای جنو)

اتحاد دولت برنیل و جمهوری اوروگای بر ضد امپراتور روسیه و یارگای که بر چند بنای جنو است  
جنگ سخت بین طرفین امپراتور برنیل و ماد خود کت ذنوه لوی طیب پادشاه سانوفرانسه را سردار کل بنای  
شورش اهل مملکت پروس بر رئیس خود و عزل او جنگ اند و نت با اسپانیا اتحاد اغلبی از اهل ایالتی بنی د بنای جنو  
بر ضد اسپانول

### بلژیک

مابین و نچنگ و یکی از کلا بر مسئله اختلاف شده کار بچنگ طیانچ رسیده و دولت هر دو را بچین و فید  
بنی و می نماید ناخوشی سخت لاولیت پادشاه و فوت او در سن هفتاد و پنج سالگی جلوس لاولیت و پیم در  
سن بیست و سه سالگی بر روز ناخوشی طیفوس بطور و بانی و شیوع در این مملکت و سرانیش از هلاکت

### چین

پرنس کلن از اقوام سلطنت که سمت صدارت داشت در مدت شش ماه معضوب می کرد باغی گری سخت در  
شمال چین قلعه ناکو که عساکر انگلیس فرانس که حصار جنگ نکا داشته بودند تخلیه می کنند

### دانمارک

ملکان سلطنت دانمارک و سودو یکبار اهل دانمارک پادشاه سودو انطور که باید و شایسته مرانی می کنند  
جنگ تک کردن در جنگ اتریش و پروس است

### روس

شورش لسان مبدل بنظم کردید و از آن بعد جمیع امورات که راجع بلهستان است از مالیه و غیره بجای اینکه مثل  
سانو رود و شولیس معینی از برای تخفیف و اجرای مطالب باشد در پترزبورغ مرکز دولت روس خواهد بود  
مسافرن اعلیحضرت امپراتور پروس بنیستند و فرانس و خون گرانند و سبکی دنیا را بشودند شورش سیاه



دولت را داشت و در این بند رفوحات عساکر و در سمت خوند که در پای تخت خان خوند ساپرا الاشا و در آورده اند فتح ناسکند و سمرقند منازعه عساکر و در سایر امیران و مراد و نه نکر از نقل پس با برکت و نخبان و ایران بر دینش هفت و باقی در سمت سیر و بر و ز و با در سمت جنوب قفقاز

### ژاپن

سفری که کلبس و فرانسه و هلند و انا تون بطیفون امراری میبایست که امضای عهدنامه کرده سال قبل از این دولت مذکور با ژاپن بسته اند از مبادی شاه حقیقی و حاکم مطالبه نماید و چون عهد بدین شری بخشید سفری کرد با کشیهای جنگی خودشان بند را از اکا و معسکر فرار داده و بر داسلمه عهد نامه مبرور و مطالبه نمودند بطیفون جمعی از نجای اهل بلد را که از محارم میباد و مانع امضای عهدنامه بودند گرفتند و این خبر رسید نمود تا امضای عهدنامه مذکور گرفت و بعد از گرفتن آن سفری دول مراجعت سفارتخانههای خود نمودند

### عثمانی

شورای خاصی زود که در هفتصد و یکجا را جزای این شورا بود حضور اعلیحضرت سلطان حاضر شوند و در این واسطه ورود زوار مکر در تمام ممالک عثمانی و سرانیش از راه بغداد ایران فقط در اسلامبول در طرف هفتاد و روزی پنجاه نفر تلفت میشوند و بواسطه بافتن دو هزار و پانصد خانه طهارت میشود و آلی مندرگ و بون سفر نموده دوستی دولت اطریش را برای خود میطلبند

### فرانسه

طبع جلاد اول تاریخ دولت ستر فصر روم از نالیقات اعلیحضرت ناپلئون امپراطور فرانسه امپل اولی و پیر که یکی از وکلای دستچپ و برضد دولت بود مایل بطرف فراری دولت میشود گفتگوی سخت مینویسد در مجلس پارلمان برضد دولت که چو احمایش از ابطال نمودن فروش شمشیر پادی از جنگهای فرانسه که متعلق بدولت بود بحال دولت یک اکسپوزیسیون برای و سال بعد مسافرت اعلیحضرت امپراطور با الجزایر و بنایت سلطنت امپراطریش و جواد و در دایمیر عبدالقادر والی سابق الجزایر که در شامان مسکن داشت بمملکت فرانسه مسافرت اعلیحضرت امپراطور الجزایر چهل و دو طول کشید مسافرت اعلیحضرت امپراطور و امپراطریش بسوی ملاقات خانواده سلاطین فرانسه و اسپانیادوستن با سنین ملاقات پادشاه پرتوغال و اعلیحضرت امپراطور در بیارنیش برزد و یارد مارسیل که از اسکندریه مصر آمده بود در طرف پنجاه و دویارنیش شهر اردو چهار صد نفر مرده و دولت فرانسه در فرنگ را دعوت میکنند که در اسلامبول مجلس شورای تشکیل دهند برای حفظ صحت با نفعی که چون بروز و یارد این سنواست غالباً از سمت حجاز میبند و بواسطه زوار سرانیکر که با غالب بلاد ربع مسکون میسرید فراری برای

در ایجاد

سید پارس

تذقیف و آنچه بجهت عدم سرایت و بر و ز این من لازم است در این مجلس داده شود در الجزایر طبعان سبیل و بعضی از نقاط خراب کلی در ساند فون مارشال ما بنان از سر راهی فرانسه

### مکزیک (اینرنگی دنیا)

ایجاد نشانی موسوم بمقابله مکزیکی ایجاد یکدسته فشنون داوطلب اطریش و یکدسته فشنون داوطلب اینرنگی در مکزیکی جنگ هواخواهان ژواریس رئیس جمهوری سابق مکزیکی با امپراطور مکزیکی در اغلب نقاط ژواریس اعلان رسمی میکند و خود را همتا رئیس جمهوری میدانند و وضع سلطنتی مکزیکی را قبول ندارند تا آنکه تمام ملت بدون استثناء ضد وضع سلطنتی او را بنمایند اما پات مکزیکی در این سال صد و دوازده ملیان فرنگ که معادل بیست و دو کرو در دو بیست هزار تومان باشد و خارج دو بیست و بیست و پنج ملیان که معادل چهل و پنج کرو تومان ایران باشد و انا تونف و واسطه فرانسه را همچو جبه قبول میکنند که وضع سلطنتی را در مکزیکی بشناسند

### بنگی دنیای مرکزی

شورش سخت در سافسال و آدر و هند و راس

### یونان

یکی از اعزام پادشاه پرتغالی بواسطه بد رفتاری که بک کرده بود دولت او از پای تخت جلای وطن میبندند و بندها و زارهایی که دولت فرنگ یونان را تهدید کرده اند که اگر تقصیر در اثر نکند را مورد داخله و مداخله خواهند کرد ایجاد اول کلیسای کاتولیکی در پای تخت

وقایع سال نو در سلطنت شهبان اعلیحضرت افندس شاهنشاهی ایران صاحب فرزند خلد الله طاکر و سلطان و طابون شاهان در دست هشتاد و دو هجری و در پهل

### ترکی

در این سال فرخنده فال کلیه امور سلطنت و نیز در حال رعیت با صواب دای مملکت از ای شاهانه زور کمال داشته و خواجه دولتی در یکباره مبارکه سلطنت آباد شد چون بازار اکسپوزیسیون در بندر بمبئی افتتاح میباید از دولت علیه در این باب استناد میباید و بجهت دولت مراد سران شغال نموده و بواسطه نکر انا اعلیحضرت همایون اعلیحضرت امپراطور روس با صلیب کشته و از جانب اعلیحضرت امپراطور جوایبهای هودت امیران ظاهر میشود علی بنی خان سرنپس هوج سیم کرازی منجبت نمیشود و بیم سرافراز کرد پدا فواج کردی مفر شد محضر بکفوج تمام باشد که عبارت از یک هزار و صد نفر است و آنچه علاوه بر این عمده است معان باشند بر فتنهای ظهور و وجودش که در باغ لاله زار سلطنت بودند برای تعلیم و تعلم افزوده و دروغی دارد پانصد سوار از نرا که مردی بجزم ناخست صحافت خراسان آمده بودند و یکی از فراریان را معلم طبیعی

ناخبره در عبدالباقر خان که شاه با لشکر آمد با سپه قزوین و بجا آمدن تمام فرستاده بود خبر شده از آنجا  
 ناگهان در هرات تعاقب کرده آنها را بفرستاد برده با اموال خود بکار رود خانه گذاشته خود بآب زدند و چون  
 اب در خانه طغیان کلی داشته عرف و روانه در بار علم کرد بد نمودند و کاشانها بفرستاد عساکر منصوره دوامد سواران  
 شاهنشاهی با نال و غرسان نیز از آنکه فریاد و سایر اشرار و شحات را در قریب فرستاده اند در قریب فرستاده اند  
 از فرار مذکور در عظیم الجثه با کوله زده اند که بیخ من از در پوست سران و صعبه من در پوست بدن آن حاجی از آن  
 در تصرف با بد کردمان زلزله شدیدی شده قلعه قدیم بخارا از هم جدا ساختند و قلعه جدید بنا کردند آنکه در محفوظ  
 مانده است و گویا بون روز بیست و پنج محرم چون هوای این صفحات گرم شده بود بطرف کار و فرزند کوه آنها فرستاد  
 نواب و اعضاء الدوله را بفرستاد و فرمودند که هر که از این نوابان و اعضاء الدوله که هشتاد و چهار سال عمر کرده  
 بود شب فرزند محرم مرگوم شد این اوقات مستحظی بافتخار جناب سپهسالار اعظم میرزا محمدخان شرف صدر و نواب  
 که سوادان از فرار بد است

صورتی که خط جناب اعظم مبارک

نظم دار الخلافه طهران و نوابان از عمل حالصجات دیوانی و غیره از تاریخ بیست و نهم محرم الحرام ۱۲۸۳ و در بیان  
 بعد با سپهسالار اعظم محول و موکول فرمودیم و بنیک و بدکل موردار الخلافه از ایشان بخواهیم  
 چون حاجی فوام الملك مؤولیا بشی سرکار فیض انا و امام ثامن علیه السلام در شاتر دم محرم داعی حق و الیک اجابت  
 کتبه میرزا محمد حسین عضد الملك که این جنده بسوف بود بمنصب مؤولیا بشی کردی ان اسنان مقرر کردید جناب میرزا  
 حسینخان وزیر مختار و ایلی محضوم و ولت علیه مقیم در بار عثمانی بلقب نبیله شهبان الدوله ملقب فرمودند با شاخا  
 امیر الملك و میرزا هاشمخان امین خلوت را از خلوت خاص خارج فرمودند و بکارهای و جو حاکم صرف جناب مبارک  
 خلوت اجودان محضوم حضور همایون مرخص شد تفکداری در پیش سفید و در باستان خاص علاوه منصب هر داری هم مبارک  
 باعتماد الملك افصح حسن ضد و در سابق اختصاص یافت اسلحه خانه و کتابخانه مبارک حاجی در چرخان سند و قدار  
 حال بریده شد مؤولیا بشی زنده و ولی محضوم افغان علی (امیر مختار) بشی در خاصه کردید سر بفرستاد سواران ایلان قزوین  
 ایضا بعد از محمد بیخان سر بنیاد محول بود و چندی از این منصب اطلد در تانی بمبارا له محول کردید راه کابل  
 و بجای میرزا و جاپار و غایبهای جدید و اگر حساب لامر میساختند با تمام رسیده موکب همایون که در شرف فرمایند  
 فرزند کوه بود پانزدهم رجب الاول و در بنیاد و ان فرمود نواب و اعضاء السلطنه و زیر علوم بکفایت شش مرتبه  
 مقرر کردید در حکومت خوئی با اسکندر خان سردار مرخص فرمودند هزار و هشتصد سواران از آنکه در و سواران نیز تا  
 جدا در بنیاد سواران آمده بودند و از استعدا سپا منصوره که در ان تصور ساخلو میباشند خبر شده و در بعضی از  
 کردید در بنیاد سواران که اسلحه که جعفر علی پیک نایب کاسکخانه دولتی از مملکت در سرز پاری نموده وارد سرحد ایران

کرده است جناب علاه الدوله در امور حکمرانی و کاپان خمس شای اند و نسوق خالصه بخارا و در کمال خوبی و در وقت  
 میمانند نواب و الاحسام السلطنه ماه و در حکمرانی مملکت فارس کردید و حضرتنا جل الختم شاهنشاهزاده و الامیر  
 الدوله بجزیره و سی و انجام امر خیر ایشان حضار ببار الخلافه شده اند امیر الامراء اعظام حاجی محمد بیخان فاجار بنیاد  
 حضور همایون میباید کردید در پیش سفید عمل خلوت خاص همایون حاجی محمدخان حاجی الدوله فرستاد شای اختصاص  
 یافت منصب امام جمعه که شهادت مقدس با میرزا هدا پناه ولد مرحوم حاجی میرزا عسکری امام جمعه مرخص فرمودند و  
 میرزا اسدالله برادر کوچکتر معزی اله بنیاد پادشاه بر خارا کردید امیر نادره بدیع الملك بر نال و نواب و الامراء الدوله از جناب  
 نواب اعظم النبی بگویند لرستان رفت کتاب کچین مرحوم میرزا علی اله اوهاب عمدا الدوله طبع شده بفرستاد میرزا کاتب  
 قانون برای نظام نظام ظفر فوجام حساب الامر جناب سپهسالار اعظم وضع و ترتیب داده بفرستاد که طبع شود  
 و از همان فرار فرستاد موکب همایون روز ششم شهر ربيع الثانی بجهت حکمرانی شهبان شرفهای بیلاف شهر شتاب  
 شده روز بیست و نهم این ماه معاودت بسطنت آباد فرمودند حکومتی نواب شاهزاده معین الدوله و کدار  
 نمودند محمد اسمعیل خان و کجیل الملك وزیر کرمان بلقب جلیل سرداری ملقب کردید بجهت خان اجودان محضوم حضور  
 همایون با عطای بکفایت نشان از درجه اول سر بفرستاد امیر نادره شاهزاده مستور نظام اذ در با بجان بلقب مشیر  
 لشکری مقرر کردید میرزا اسدالله خان نایب الحکومه ملا بر نوبیرکان بمنصب پانزدهم و زیر علوم و لقب شرف الحاکم  
 مبارک آمدن و در بیخان ترکمان با سه چهار هزار نفر جمعیت ضد اخط و ناز دره جزو واحد و در آمده بود و  
 استعدا شون ظفر نمون مانع بنیاد مرام آنها شده منفرد کردید در ملایز بادی بکیرمان آمده و از اشرار را بکل خود  
 و بجا پانزدهم در خفای عریان دوباره برک و شکوفه آورده موکب همایون در زیم شهر جادی الاخره از بیلاف شهر  
 شرفهای در الخلافه کردید بعد از وضع میدان ارك و طرح حوضی وسیع در ان و غرس و باغ در در طرف حوض  
 و نصب شرفهای سنگی با صله چهار زرع جلو باغها و حجر چوبی در فواصل شون بها محض اینکه ساخچین میدان  
 از آمد و شد و اب که حمل اجناس میکنند مصون باشد حکم شد در جانب شرقی ارك همایون در وازه از خارج محله  
 بشهر فرار دهند و خدی شرقی ارك را بنا شده با سطح زمین برابر کنند و جابانی عرض ناد هند با زاویه شکل دهند  
 این اوقات این جمله صورت انجام یافته است جناب خیر الله افندی وزیر مختار و ایلی محضوم دولت عثمانی که در بار  
 مامور اقامت در بار همایون نشا ز اول و در درجه پانزدهم ایامی کامله معموله از جناب معزی اله نموده با شرف پانزدهم  
 وارد دار الخلافه با هر که در بیخان اجودان محضوم حضور همایون با عطای بکفایت کل کسب مقرر کردید در راه  
 چم مانندان که از مسالك صعبه بود و در سال گذشته کاسکدر خان مهندس سناری و شیاخزان راه معاود  
 شده بود این اوقات این خدمت را با انجام رسانیده و نهایت مایه اسایش عابرین کردید حاجی میرزا بیخان نایب

بله نور و کجور نیز در امداد کاسنکرخان با انجام خدمت مرابوره مساعی و غیره نموده است مصطفی خان سرنبل اول که در  
 سفر کرکان خدمت کرده بود بمنصب جلیل امیر نومیانی سرافراز شد نواب شاهزاده عصداالدوله حکمران کرکان نیز در بیک  
 قطعه نشان از درجه دوم سرنبل نایل گردید محمد صالح خان سرنبل سیم چون در امور پست و استانتان خدمت نموده  
 بمنصب سرنبل دوم سواره بر فراز امداد علیخان پسر نظام الدوله بمنصب سرنبل سیم مقرر گردید چون سابقا بجاری  
 در شهرت نبوده و اهالی بدینجهت که نزار عرب بودند این اوقات امیر الامراء العظام محمد قاسمخان والی کپلان برای  
 عمارت مبارکه ناصری مغزی خیز نموده محض اسایش و رفاه حال اهالی هر یک از چند شعبه و منشعب ساخته هر یک شعبه را  
 بجای جاری ساختارست پسران بیک خان بکار پیرانی عیادت مامور کرد بداعتماد السلطنه حاجی علی محمد را بوزارت  
 موقوفات و وظائف ممالک محروسه سرافراز و منصوب فرمودند محمد ابراهیمخان سهام الملک بمنصب سرنبل اول مقرر  
 گردید و پسران سرنبل اول که در سفر کرکان خدمت کرده بود طبعی شجاع الدوله شده باعطای نشان و جمال پیرانی  
 اول میاهی گردید محمد حسنخان سرهنک فوج کلهر بمنصب سرنبل سیم نایل آمد احمد پسر امیر تپه و پسران بمنصب نایب  
 اجودانی مرتبه دوم مقرر گشتند در سخنان پسر حرم پسران که پسران نیز بهین منصب سرافراز شدند علی اکبرخان پسر  
 حسنخان سرنبل فوج منصوب بمنصب نایب اجودانی درجه سیم بر فراز گردید و بطوایف اکراد در عراق رفت و مولود  
 آورده که دو سردار بیک جای خود و دیگری از بازی چپ برآمده هر چند در کجا و زباده از فاعده مودارد و عند  
 التولد هر دو سردندان داشته و علاوه بر دوستی که در پیش داشت یکدیگر نیز بازی مولود بود و این دانسته  
 ساعد بیاین دودست شده که در واقع چهار دست به باشد و هر دو صورت زباده شبیه بیکدیگر مگر آنکه یک  
 سر کوشش زبانه داشت و مکران و جالقی و طیس و بای شد یکدیگر ز کرده است جناب سبولکونت دما سناک  
 که برهم و زنجاری و پلچکی مخصوصا از جانب ولت فرانس و مامور اقامت در بارها بون شده بود از اول و اول  
 پسران آورد در الحلافه هر جا مراسم اعزاز و تشریفات معموله لایف در باره جناب مغزی آلیه بعلم آمد و غرض  
 شهرت و جیب وارد دار الحلافه کرد بدین مجلس جمعی دیوان نظام برقرار و نواب و الامیر الدوله بهرام پسران باین  
 مجلس منتخب گردید که مطابق فرات کجاچه قانون نظامی مامور نظامی رسید که نمایند و اخصاص مفصله بدین از لخوا  
 عدای مجلس میباشند (حاجی پسرخان مستشار لشکر) (پسران عباسخان معاون الملک) (پسران حاجی الله لشکر نویس)  
 (پسران افضل الله خان نولی) (جهانگیرخان سرنبل) (پسران ابوالقاسمخان علی آبادی) (پسران بزرگخان که در ایام  
 ماموریت بکار پیرانی سابق از نزهت الروم و بغداد مصدر خدمات شده باعطای نشان سرنبل اول با جمال مخصوص  
 ان سرافراز شد و سرخان که در لوازم مهمانداری مغزی و ولت فرانس نموده و حوض رفقا را و مشهور گردیده باعطا  
 بکفطه نشان سرنبل از درجه سیم با جمال ان سرافراز شد پسران صادق خان کارکنار خارجه استرا با بکفطه نشان

از درجه سیم سرنبل با جمال ان سرافراز شد پسران سیاه سلا و اعظم بنیاب جناب معظم بر پاست توپخانه و سوار  
 مقرر گردید و بر فراز امداد ناصر الله خان سرنبل سیم بمنصب سرنبل دوم سرافراز گشت حاجی میرزا اجمی خان نایب الحکومه بله نور  
 و کجور باعطای بکفطه نشان از درجه سیم سرنبل میاهی گردید بمنصب سرهنکی فوج ششم شفا فی و با بکفطه نشان از درجه  
 سیم سرنبل بر فراز امداد علیخان پسر حرم سرنبل سیم سرهنکی فوج ششم مبارکه بر فراز امداد راه شهاب ان مشعل  
 مدرس مبارکه دارالفتور و امتحان مفصل نموده مدایج ترفیحات شاگردان و اهتمام نواب الاقتصاد السلطنه  
 وزیر علوم در عهد سخنان وقت العاده یافت و بهر بیان فرات فضل در بل بدین مراسم فرمودند (پسران رضای مستوفی پسر  
 معین الملک نشان سرنبل اول) (جعفر فلانجان رئیس مدرس نشان و جمال سرنبل سیم و خلعت همایون) (محمد حسنخان  
 ناظم مدرس نشان و جمال سرهنکی و خلعت همایون و پنجاه تومان انعام) (مسئول ناظم علوم مدرس نشان از درجه  
 دوم خارج) (پسران عبدالغفار معلم ریاضی نشان سرهنکی و پنجاه تومان انعام و واجب خلعت همایون) (زوالفقار  
 سرهنک مهندس نشان و جمال سرهنکی) (پسران ناصر الله خان نشان و جمال سرهنکی) (میرزا عباس اول حاجی پسر اختیار  
 نشان و جمال سرهنکی و لقب خانی) (مصطفی فلانجان سرهنک و پنجاه نشان و جمال سرهنکی) (محمد فی پسر اول شاهزاده  
 شهبازی پسر اجودانی مدرس نشان طلا و نیش تومان انعام و واجب) (مسئول کار بیان معلم در زبان نشان  
 از درجه سیم خارج) (پسران کاظم معلم طبعی خلعت همایون و نیش تومان انعام) سایر پسران بیک بقدر رتبه و فرات  
 سرنبل خود بموجب نشان و انعام و مراسم ملوکانه مقرر گردیدند پسران الملک خواصا از بمنصب دران وقت شون مراد  
 و کپلان سرافراز شدند حسنخان شهاب الملک بمنصب جلیل امیر نومیانی بر فراز امداد پسران بعد از مدتی اول و نایب  
 سفارت پارسی باعطای بکفطه نشان سرهنک از درجه دوم نایل آمد پسران ابوالقاسم پسر مراد بیک مستوفی  
 بمنصب مستشار دیوان اعلی سرافراز گردید مصطفی فلانجان عرب غلام پست خدمت بنیابینا و در سنان بر فراز گشت  
 با طاعت عرض ده که مان را حسب الامر تقرب میباشند و مقرریاست که هر جا با طاعت بدین لازم باشد از نوبت گذارند حاجی  
 شهاب الملک امیر نومان بر پاست فسون خراسان مامور گردید در همان حسب الامر شدند و حاجی پسران کلی از سناب  
 و مدارق سایر ارباب نموده اند همچنین در شوش و رز قول و سایر صفحات عربستان تعمیر نمودند و با نیکه جریبه  
 بنا کردند مانند نواب و ابوالعباس احمد پسران (عز الدوله) را بکومت همان منصوب فرمودند و پسران از ک مستوفی بوزارت  
 ابنو کلا پسر برقرار کرد بدینجا جناب حسنعلی خان وزیر مختار و ایلچی مخصوص ولت علی پسر ایاصغای او امر ملوکانه احضار  
 مبدار بعد از مدتی شده بود اجازه انصاف بخل ماموریت خود حاصل نموده که در اخر ماه شوال روانه کرد و باعطا  
 بکفطه نشان مرتبه فرات امداد ناصر الله خان زینور کچی باشی بمنصب سرنبل سیم سرافراز شد پسران فی لشکر نویس  
 فزون بمنصب لشکر نویس استرا سان مامور گشت الله و در چنان سرنبل توپخانه مبارکه بمنصب سرنبل اول

واعطای نشان و جامه از درجه مزبوره مباحی که بدو بخان حاکم بکس بقطعه نشان از درجه سر نیی با جامه  
 مخصوص آن فخر آمد که خان سر هک فوج باوندی منصب سر نیی از درجه سیم سران شد بر زاعلی شرفی بمنصب لشکر  
 نویسی نایل گشته از حکومت مستدج و سایر بنی و غیره شهر را حسب الامر مقرر کرده اند  
 شش چهارشنبه سیم ذی قعدة الحرام پنجاه و شش کشته شد فتاب جهاننا بی از بروج حوث بجل مغول نموده سلام خان  
 در پیشگاه حضور همایون منعقد کرد بدو روز دوم عید نوروز در آلا بخش مر سلام عام انقاد یافت و حضرت  
 اجل از شاه هفتاد و نه و الا تلیا السلطنه در فنون نظامی مرتب و اسناد را کمال حاصل نموده اند با مضای  
 شمسالار اعظم بکس بقطعه نشان از درجه سر نیی اول و جامه مخصوص آن درجه مرتبه اخصاص یافتند و نیز  
 اسناد کتبات سپهسالار اعظم منجلی کیشکی با شکر کرد بان همایون را بجهت پیرزای محمد مهدی خان مغول  
 و مصطفی خان امیر تومان برادر جناب سپهسالار اعظم بنیای محمد پیرزای مورثه کیشکی که مبارک رسیده  
 میباشد محمد حسن خان پیشین منجلی منصب مغول داری جنس دیوان کل و ابات ممالک بحر سه بر فرار کرد بدو پیرزای  
 پیرزای مصطفی و کمال شکر منصب شکر نویسی بان همایون سرافراز شد در حرم دل خان پیرخان زاده مرحوم جعفر  
 خان امیر تومان لیسر منجلی فوج ایلان فرا جابغ بر فرار آمد بان ناصر که در روز هفدهم ذی قعدة الحرام  
 با هتاهم عضد الملک نویسی بان بود انعام یافتند و معزی الیه با زای پیرزای منجلی با عطای بکس بقطعه عصای  
 مکلان بجهت فخر فرمودند محمود خان پیرزای فضل الله خان وزیر نظام بمنصب سر نیی از درجه سیم سرافراز  
 شد بجان محمد خان سر نیی سیم فوج خلیج دلا اعد ما پیکه در کلان کرده بود بمنصب سر نیی دوم نایل آمد حسب  
 سرتب سواره فوریت بکود و اداء حد و انکار نشان و جامه سر نیی دوم سرافراز کرد بدو و کب همایون او  
 ذی قعدة الحرام پنجم سفر خیر بنیایان مدان داده از دار الخلافه باهر انفاض و دو بعد از آن در شهر ساری  
 اجلال فرمودند و در روز سیزدهم شهر ذی قعدة الحرام پیرزای منجلی بکس بقطعه نشان از درجه سیم سرافراز  
 بنای مغربی میباشد که موکب عالی کرد بدو روز بعد بنامشای صغی اباد که شاه صغی در بالای کوه مرغی سا  
 و عبارات از عمارت حکم خوبی که بر اشرف و جمع صفحات ما زندان شرفی بکس بقطعه نشان از درجه سیم سرافراز  
 صد و سیصد و پنجاه بمنصب بکس بکس که ای صفتان سرافراز فرمودند فام بکس بقطعه نشان از درجه سیم سرافراز  
 اندر با بجان بمنصب شیخ الاسلامی آن مملکت بر فرار کرد بدو و در روز شانزدهم ذی قعدة الحرام موکب همایون بنامشای عباس  
 اباد که در چهار فرسخی اشرف واقع است شرفی فرما کرد بدو عباس اباد عبارات از سده پیش که شاه عباس در میان  
 دره نزدیک است که دریاچه بزرگ مملو از آب است و این آب سرد و شیرین و بسیار است و اطراف آن همه جنگل است  
 و مسایط و آبشارکان بیوت و مکلان و غیره در اشرف و بجا کجای مبارک مشرف و هر یک علی قدر مرتبه بجلال

مرام ملوکانه سرافراز کرد بدو بعد از آن موکب عالی از اشرف بنام اباد نهضت فرما کرد بدو از ناصر اباد مغربی که در وسط  
 میان کاله میباشد شرفی بر بند و میان کاله همان آبگون معرقت و ما شرح از او رحلتا و کتابه را با الملکان ذکر نموده ایم  
 و در بیست و یکم ذی قعدة الحرام موکب همایون شرفی فرمای فرج اباد کرد بدو در کنار دریا بنام اجلال فرمودند و چهار فرسخی  
 دولت در میان دریا و در وی همایون لشکر انداخته بشرفی انظمامت مقدم مبارک اقدام نمودند و ادبیا الملک شرفی  
 خاصه از جانب صغی الجوانب شرفی با بلاغ مرام با دشاهی نسبت او در پلها نفخه رسانده جناب جانشین فقفا از  
 و سایر صاحبان و معارف مامورین دولت روس ماور که بدو روز بعد مشارالیم با شرایط اعزاز و تزیین  
 مخصوص همایون شرفی جسد و عصر پیر و سرکار علی حضرت همایون و ملزمن در کاب معلی در فایضا شرفی بنامشای  
 سفاین و جهازات روسی شرفی فرما کرد بدو و یکی از جهازات موسوم بجهان حاجی طرخان بود و چون علی حضرت  
 همایون مخصوصا با این جهاز شرفی و در دار زای فرمودند بعد از آن جانب دولت روس اسم انجمن را زانقبیر داده و بنام  
 همایون نامیدند با کمال درو زینت سیم ذی قعدة الحرام از طرف فرین الشرف ملوکانه شرفی فرمای مامورین دولت روس شرفی  
 و بجهت جان جودان مخصوصان شرفی با فرامین و احکام میان سفاین برده ابلاغ نمود و بجهت بیعت فرمودند و بجهت  
 مامورین و صاحبان و دولت روس را اعتماد السلطنه العلیه از جانب دولت ابدان عو شکرده همایون بسیار شرفی  
 از آنها نمودند و از وی و غیره همان بودندان وقت سفاین خود معاودت نمودند و در بیست و چهارم ذی قعدة الحرام موکب عالی از  
 فرج اباد بشلان اباد و در بعد نهضت فرمای بندر مشهد شد چون بارهای تجاروت تجار که از دو با سفاین بلانجا  
 آورده اند بجا محوطی ندارد بجهت امسج و در همان زمان حکم شد با بار دولتی بکس بقطعه نشان از درجه سیم شرفی  
 فرمای بار فرزند شد و در بیست و هشتم امل عله اجلال اردوی همایون کرد بدو و روز غر محرم قبول کرده که شرفی  
 بجای همایون خان نور پشته شرفی بر بند

و با بیکدیگر در این سال تمام کرده ارض و افطار عالم اتفاقا  
 و واقع شده است  
 انا و تو بنی کنینا

نویس سپهسالاری کل عساکر اندولت بزرگال گران بر فراری بزرگال شرفی بمنصب سرداری کل این دو نفر شرفی  
 در جنگ شمالی و جنوبی خدمات نمایان کردند و بپس ایالات جنوبی فرسند و پس که عدالت خان حکم قتل او را صادر  
 کرده در پسر هودی انا و تو بنی کنینا قتل و گذشت فقط بجهت نظر و بیرون رفتن از شهر شرفی از کفایت نمودند  
 فرزند دولت در این سال معادل و هزار و ششصد و چهل کرد پول ابرافش کرده و دستهای دولت با انگلیس  
 برافراشته بجهت منزلت است بر خلاف اتحاد انا و تو بنی کنینا با دولت روس طغیان سپهسالار و دروغها

اسپانیا

شورش را اغلبا فوج نظامی علی الخصوص در افواج سواره ساخلو آران و ژوزنیا و بردن و ززال پریم که محرم نشو  
است فردا بملکت پر توغال شورش سخت و مباد و پدای بخنایند و کت در نا جستان نغم بر داشتن نادر دلاز ان  
دولت که در مقام اطفا ناپه شرارت اشرار بود شورش و انقلاب بعضی نقاط جزیره کو با افتتاح راه آهن از شهر  
مادر بدین شهر کرد و و امندا دخط راه آهن از مادر بد به لوزن پای تخت پر توغال حیرت مارشال سزا

### المان

تاریخ عهدنامه گاستون و لوزن پریم حکم از بان سلسلویک و دولت اطریش حکم از بان هلستین را بر عهد میگرد  
ابتدای غار مابین دولتین اطریش و پروس در همین فتره در شورای خاصه مملکت پروس حکم بشداد و نه چنگل  
بالاخره دولت پروس با الصلاصه میل خود در تصرف با لوزن بدون شرکت اطریش اشکار میشد از دولت اطریش  
اشکارا نه جنگ می بیند و لوزن با پروس ساکن میخوانند طرف دولت پروس را منظور دارند اتحاد محفی دولت  
ابطال با باد دولت پروس بر ضد اطریش شورش با انقلاب در وین که آن وقت خلیف بد دولت اطریش بود میل اهل  
وینرا بشکلی جز ابطال بشوند دولت ابطال میخواستند جنگ می بیند و رود ززال مانو فل سراد پروس با عساکرا  
ان دولت با بان هلستین که متعلق با طریش بود ابتدای جنگ دولت پروس با دول ساکن ها و اور اطریش و رود  
فتون پروس پای تخت ها و اور و ساکن در نا جستان دولت اطریش بر سر ای بندک سپید و شش هزار فتون در  
مقابل پروس در دول با پروس و در تبرک که منعقد ملک با طریش شده بود ندان جای خود سوکت نمیکند و در فتون  
پروس بر سر ای توپ و لیمهد و پرتان فر در بلنستار لبراد زاده پادشاه پروس بوم خاک اطریش سراد پروس  
را اعحضرت پادشاه پروس کلوم شخص قبول میباید از طرف دیگر دولت ابطال ابرای خود اعحضرت پادشاه ابطال  
در عهدان شمالی شری ابطال ابراد و فی میزند متاخره فتون ابطال با ارسند وک الیز سراد اطریش و سوکت  
فتون ابطال با لیک سراد اطریش بعد از این فتح بواسطه جنگی که پروس در بوم میگذراند و در وین خاک ابطال  
نیمتا بد جنگ سخت مابین عساکر پروس و اطریش در بوم مقبول شدن جمعیت پادی از فتون اطریش بواسطه فتک  
سوزن جدید که عساکر پروس را استعمال مسلط بودند فتح نمایان فتون پروس بعد از جنگ سخت در ساد و  
در این جنگ از طرفین دو سبب هزار نفر مقبول میشوند فتون اطریش فرار با طرف وین پای تخت میبرد در این بین  
اعحضرت ناپلیون سیم امیر طور فرانس را با لوزن و نیز اطریش از خود مجزی خود وجود دولت ابطال امینت  
و دولت فرانسه مابین دولتین پروس و اطریش میبایستی میشود حاصل این جنگ این شد که دولت پروس با لوزن  
هلستین و سلسلویک را منصرف و مملکت ها و اور را نیز ضمیمه خود و ائتلاف را با فتون دولت اطریش را در تمام ممالک  
المان بست خود و کفدر را بسوی شمالی که عبارت از بالات و دول و اضم در المان با شدنی الحقیقه بر ایست خود  
بفرار ساخت و از بالات جنوبی خسارت کلی مطالبه نمود و دولت اطریش در الواقع از ممالک و سپه المان

باز سلج

خارج و هر چه محبوب شده بان بین و پای تخت در بوم و در مراد ای خاک اطریش برود ز کرد و همین فتره سید شد  
گفتون پروس با جگر حالی نموده با و طان خود مرخص نموده اند اسرای جنگی که در جنگ پروس با اطریش کرده بود  
بچهار صاحب منصب سی و پنج هزار نابین بود پناه حسین پادشاه ها و اور بحال اطریش جمعیت ابطال بعد از الحاق  
و بعضی طعانه بگر که نازه از اطریش منصرف شده بود در این سال بر پنجاه کرد و در سپید عد فتونیکه پروس  
بجهت جنگ با اطریش حاضر کرده بود ششصد و پنجاه هزار فتون نظامی و هفتاد و چهار هزار چریک و هزار و  
فوپ مخر لار دونی بود مر احب پادشاه ساکن از وین مملکت خود بعد از شریطیکه غاما محفی پروس معین بود  
نیمین سوکت صد را عظم سابق مملکت ساکن بود از شا مور خارجه اطریش

### انگلین

اشناد مال مری در مملکت انگلیس بد رجبه که در طرف مدت یکا و بیست هزار و هفتصد و چهل و یک و دو  
تلف میشود شورش و انقلاب طایفه فنیان در بار لندن افتتاح مجلس پارلمان انگلیس بعد از فوت پرنس الیزبت  
اعحضرت پادشاه انگلیس پادشاه معظ الهیه تا افتتاح این مجلس در افتتاح مجلس شخص حضور پرنس هاندر بود  
صدارت و وزارت طایفه نویدی و ریاست لرد و بی تقویض وزارت شا مور خارجه لرد استانی لرد و بی تقویض  
و انقلاب در شهر لندن و اغلب نقاط اتباع صد و پنجاه هزار فضا تنک شد پر مدون بیفتک شیندی و پای  
سخت در لوزن و در لندن شورش االی فنیان در این لند سبب صبر چندین هزار نفر میشد و مراد و لوزن  
بجری که سال گذشته ممکن شده بود امسال مستعینا از این لند مملکت انگلیس بر نو و مملکت بکی دنیا ممالک  
دهند و ستان بواسطه خار بدن باران در اغلب نقاط خطی سخت شده و در االتار دنیا که شکر در جمعیت داشت  
بواسطه خطی هفتصد و پنجاه هزار نفر تلف شدند در حبشه تبعه ما مورین انگلیس به ادرس پادشاه این مملکت  
نیابت ظلم و تعدی را میباید

### ابطالیا و روس

فرانسه و دولت فرانسه با ابطال ابراد و وجود دولت مستفاد دران مملکت که یکی سلطنت پایه در روسیه  
با حدود معینه و دیگری ابطال با معاهده محفی ابطال با پروس بجهت جنگ با اطریش جنگ در کوسین با اطریش  
شکست ابطالیا در این جنگ بجزی ایتنا با و دولت اطریش در لوزن که در این جنگ نیز برای عساکر ابطالیا  
نمیباشد و همین محفی با وجود فتوحات پروس در ساد و دولت اطریش مصافحه دارد که و نیز بطرف ابطالیا هد  
عهدنامه وین مابین پروس و ابطالیا و اطریش در پائیز این سال منعقد شده بموجب این عهدنامه وین با جمیع طلاع  
و اکتار ابطالیا میشود بمال المصالحه و دست پنجاه ملیان فرانک که معادل پنجاه کرد و نو مان ایران باشد محتاج ابطالیا

در جنگ با اطریش مقصد و چهارده کرده کرد و فرزند که معادل معناد کرده و در دست هزار تومان ایران باشد سبلا  
استعدا لشکر پاپ نیز بهاد و از ده هزار نفر است که بعضی از آنها اهل خارجه می باشند و زوای سید بدو در ناپل و غیر  
بیارم بواسطه مراد هشتون

### بلژیک

اهالی بلژیک کال وحشت از عظمت و شوکت پروردانند و ازین منبر سندا که فرانسین بر بواسطه هم چینی با روس  
در مقام نوسه مملکت خود بر اید و بلژیک را ملحق به مملکت خود نماید

### چین

جنگ سخت با باغبان نیان فنی غزل فرمان فرمای نان کن که با فرنگیان عداوت داشت بنای معبد کاتولیکی بنویس  
فرانسه هادریکن پای تخت

### دانمارک

از وایچ پرنسین و کار شاهزاده حاتم این مملکت با نواب ولعهد دولت روس در پانزدهمین سال

### روس

نادید کردن دولت روس کشیدند و کاتولیکی را در گشتنا و حرفهای سخت پای در این موضع کشیدند و چون بخارا  
دولت و قطع نمودن و نیز بخارا مراده را با پاپ و غیره پنا و از روسه یکی از نجیب ادکان روسی موسوم بکارا  
گرفتند پس بیست و پنج سال در شهر سن پترزبورگ در بهار فصد قتل اعلیحضرت امیر اطور را مینماید و بعضی  
خود نرسید مجلسی برای تحقیق اسبعلی ریاست زغال مؤاویف منعقد و گفتگوهای طولانی پیش و حدس کلی  
بهنند و در آن گشتنا بنهاد را نعل آماهد ستاد و فضای بیست و نوزدهمین از این مفسر بدست هاستند که هر کویست کاروی  
مباشند برین کار گاریم بر پاست مجلس اجزی این تحقیق بر فرار شده حکم قتل این مفسر را صادر و در پانزدهم ماه  
سیپامبر قتل مفسر حرکت ناکهانی چرا که در تصرف نمودن آنها سخوم قلعه داخلک روس با امیر بخارا استهانه اینکه یکی از  
سرمای بندولت و ناکه هداشته و علیه دولت روس بواسطه از دست آمدن بخند بخارا از خوف جدا میشود و قوت  
مورایف سردار معروف و مترا و حب نواب ولعهد دولت روس با پرنسین و کار دانمارک و از آنجا که پرنسین شارالها  
نامزد ولعهد هجوم برادر مهنر ولعهد حالیه بود که سال قبل وفات نمود و بعضی اینکه اینمرا و جنباستون باشد صدق  
بسیار از میل بخشدن مفسرین و گذشتن از بقایای کلاپات بنقل نمودند و آن لغت پیوسته کاری بکنند برگ افشاح  
چوای کاز در شهر مسکود و قلعه اردک کرمان و تقدیم نشیبات مذهبی

### ژاپن

بازشدن

بازشدن بنا در اسکا و هیکت برای اهل خارجه بموجب عهد نامه ها از فرار نر خنامه حالیه مامورین و این  
داد و در یک پای تخت و کال احضام پذیر شد و خراب نامه است دولت با دول انگلیس و فرانسه و انا توف و پنی با در باب و با  
صد و پنج از قیمت اجناس کرده آنها بر این و در باب نفیین نرغ مسکوکات و در فریبور و تعیین چغون اهل  
دول خارجه معاهده بخاری با ابطال ایاتک داخله بخارا مابین داموسها که عبارت از اعیان مملکت باشد جنگ  
مابین طیفون پادشاه جسمانی و شاهزاده شوچی فوئو طبقون و بر فرار شدن شاهزاده مناسبی بجای او  
نزلت با نفیین در بوکو موها

### سوئیس

در نوزدهم بکصد و شصت هزار نفر علیه مجلسی از وکلا برای بعضی مذاکرات منعقد شد و اغلب اجزای مجلس  
فرانسه و انگلیس هستند و کتر المان و ابطالی این وکلا شکایت از زنها از بابت کار کردن آنها در کارخانه ها و  
مدعیگری آنها بامر ما در این باب دارند

### عثمانی

شورش طایفه مارینت در بحال این در سمت جنوب شرقی تریپلی در دریای قسطنطنیه کام داد و پاستا کار علیسو  
اینان لشکر آمداری با هان بر دست گرفته با وجود این نمیتوانند این طغیان را رفع نمایند و ستم کام فرار مینماید  
ولی از طغیان را محترک است امینا میدهد و ابتدا پناه بجاکه شام که با داد و پاستا عداوت دارد میرسد و  
در اثرات بعد ملحق بقونسولهای اروپائی میشود اینهم مینماید و بگرد اخرا لامر با جزایر میرود و معتقد در اینجا  
اقامت میکند در قونین علی این غلام رئیس شورش طغیان اجزی کردار و مجوس میشود و ما ایاتشرا افتاده  
بزرگ اسلحه در یافت میکند خند پومصر از اعلیحضرت سلطان عثمانی اجازه حاصل مینماید که بعد از او سپراد  
منقبه وارث و جانشین او باشد چونکه در دولت عثمانی و خانواده ولایه مصر سلطنت و لایه پاستا طایفه  
میرسد منقبه با ولایه بر فرار شدن مجلس کلای ملت در مصر بنماید با اعلیحضرت سلطان عثمانی قرار داد اجزی  
خند پومصر با کپانی نهر مجمع البحرین سوز سرگشی و طغیان مجلس سواری سمنند در افلاک بغداد بر ضد پرنس  
کوزای ولی و معز ولی و زمامت و خواهر اغلب امنا و ملت با اتحاد مملکتین افلاک و بغداد بر فراری کلای  
دولت که عهد نامه سنه هزار و هشتصد و پنجاه و هشت یادشرا امضا کرده بودند از دم ماه مارس و کلای  
منعقد در پاریس مفسر شد و همه سواری دولت روس مفسر بقول و بر فرار شدن اتحاد افلاک و بغداد مینماید  
در تاسو اهل اجنارستان و ارمنه و روس بر خلاف این اتحاد حرکت میکنند ولی شمر تری نمیشود و لشکر مخصوص  
ملاوای اینها تطیع مینماید پرنسین شاول همین زلزلن پس بیست و هفت سالگی که سلطان فوجی از افواج  
پرنسین یکی از اقوام نزد پنا اعلیحضرت پادشاه پرنسین محل و توف مملکتین افلاک و بغداد و بو الیکری

مستحق

منجبت شود و در بیدارستان پرتش شارل دارد و بخارستان پای تخت فلاق بغداد میشود برقرار شدن و کلای  
 ملتی در سمت نظمان عشار کت و ولایت فلاق بغداد و سوکد پرتش شارل بیاق برتر داشتن این رسم و قانون مساوی  
 شارل و ممالک فلاق بغداد و توسط پرتش سیریک و بار علی از پرتش شارل و در فتن پرتش شارل با باغالی در یافت  
 نمودن از دست بعضی سلطان عثمانی استنای الی کری خود را و بدین ترتیب فنسول روس از پرتش شارل هنگام مرگ  
 در کال احرام و امتناع و زارتخانه و نطق پرتش شارل بزبان فرانسه میسر میسر و جمع دول نسبت با و امتناع  
 فرانسه مابین دولت پرتش و روس و باب آمد شد سفایر در دو دهانه پرتش عثمانی و بلغارستان بماند از  
 و داکتاشن و دولت عثمانی ها االی فراغ مرتعی که از سنه هزار و هشتصد و پنجاه و نه متنازع خبر بود عثمانی در جز  
 کرت و مینا طویف کوشا در سمت شمال کانه بجهت افزون ممالکات و عوارض مفاد مجالس علمیه و ولایتان  
 بجهت تشکی از دولت عثمانی در برابر وصول بمقاصد منظوره نحو شان و عرضیه ادن مجلس مرکزی بنا علی  
 از جانب طایفه یونان و اینهمه بجهت مقروض شدن درج است اول زبانی ممالکات عثمانی که عدالتها عثمانی تا  
 عدم مساوات مذاهبت بجان بعضی بر بعضی از نظام از نشان از آن شخصی انتخاب اجرای حکومت اعلان هالی کرت  
 بقلن و لهای و پانی و بنا بر صلح و توافق و فرائش علمهای یونانی و اظهار میل بر عیبه یونان هالی سفاکا اظهار  
 میل با اتحاد و اتحاد دولت یونان مینمایند بفقار مجالس متعه و در کل ممالک یونان بجهت معاونت بهم و طنان و  
 زادان یعنی خود که تبعه عثمانی هستند تکلیف نمودن بر غیر ال کار زبیر که در کرت متولد شده است باست قنوز و مع  
 کردن پادشاه یونان او را از قبول بن دیناست بچند آوردن باغبان اسلحه متفرقه از راه سامات جزایر قبرس و سیوس  
 مملکت پرتش و زلزول واضطرار است و دولت عثمانی قشون زیاد که اغلب آنها مصر مینباشند جمع اوری مینمایند نفاذ  
 سردار سهم پاشای مصر با استنبیل پاشا حکمران جزیره سفارت بر نوم مصطفی پاشا حکم قدیم کاتک از اسلامبول  
 بجهت دلالت باغبان بصلح و مامور شد همین سفر بکرت که قشون حاکم سفری بخار فرانسه و انگلیس از سفر عثمانی  
 در اتق پای تخت یونان ز بر بخار و روس مقیم اتق الجملة از سفر بر بود خطاب مینمایند بفرمانده موسوم بمبارک و قو  
 مقیم را سلام بود که بعدها امور متعده مانع اتفاق یونانها است از لوله استپا مینمایند و زود در لارستانها کازجهت او  
 در پرتش چندین هزار خانوادها بونان بواسطه سفایر روسی انگلیسی از وطن خود که خاک عثمانیست نهایت  
 کرده بخار و بلاد یونان میزند و در آنجاها با کال عسرت محسبیل معاش خود مینمایند بسیار نیز با نظر ارکشها  
 محفل کرسنگی و سرچرا می شود جنگ باس امیر یونانهای کرت با عثمانی و لول انگلیس فرانسه مایل بیکدیگر رفتن باغبان  
 بلکه برضد آنها مینباشند کشتی بخار یونانی موسوم میانهمین در فتنه هفتم است که از ممالک سفایر عثمانی که در جز  
 گرفته گذاشته اند و در ماکولان یونانها مینباشند اتفاق دولت فرانسه دولت روس در تعجب بر پانمون کبند موسو

بمقره حضرت عیسی و در سلیم بی بولی خوانه عثمانی که بدین واسطه ضایع قروض عثمانی که تا بدین ماه فروردین گذند  
 از عهد و پیمانند صدقات محمد رسد پاشا بجای فواد پاشا منعقد شدن مجلس حفظ الصحه و سلامت بود که استری  
 این مجلس از دول خارجه مینباشند یکی از مذاهبت فرادادهای این مجلس اینست که حاج در صورتیکه بیاد و مینا آنها باشد  
 مر اجبت زاده در پانینا پند برود و یاد داشته عثمانی و سربان یار و یاد تمام مرکز و شمال بن اقلیم تاهلا و دیگر  
 و فرانسه انگلیس و سپهان با تا ثونی بجز پراپندل

### فرانسه

در افتتاح مجلس سوزا امپراطور و عهد میل که بجهت دفع مفاہرت مابین فرانسه و انا تونی عساکر خود از امر کربلایه  
 احضار نماید و مجلس کلای و ولت پرتش که یکی از وزرات الصرحه تکلیف میکند از طرف علیمه پرتش امپراطور که از  
 نظم و اسودکی ملت اقتدار کامل در پرتش و ولت لازم است آنها را اتحاد باطنی پرتش با پاپا مافرانسه برضد دولت پرتش  
 که در عوض ولت پرتش از سرحدات المان که طرف در دهانه رن است بجز دولت فرانسه دهد با اگر دولت فرانسه  
 بلزیک را بخواهد متصرف شود دولت پرتش و پاپا با پاپا بطرف بوده سکوت کنند مطلق معررت و سبوط پرتش را بترقیع  
 که با کمال سختی مدتی پرتش را طریش را میکند که این دولت قوی بجز حق بدولت انمار که ضعیف تر بود و  
 و نکست جمله برنده تکلیف بدولت فرانسه میکند که در حجامن الوجوه ظاهره و نه با طنادر مفاہرت مابین پرتش و  
 مداخله نماید بعضی وزانها که بجهت سبوط پرتش در این موقع نموده اند حکم بمنع انتشار انها صادر کرد بجهت اطلاع  
 امپراطور ناپلیون بوزر امور خارجه فرانسه را بهر معررت خلاصان این است که ما مستقیما در صلح الحاق  
 بعضی ایالات سرحد بملکت خود نینیم لیکن اگر تقویت در نقشه اروپ و دهند در هسای یکی مایک دولت معضی  
 ایجاد شود ما مجبوریم این هستیم که امتداد بر محدود و شعور خود بهم علی الخصوص اگر شهرها باشد منظور است  
 فرانسه شوند اما لی بجا بطریق طریقت فارا کنند و اینه موقع طر جوی خواست بدهد که او را منع کردند غن  
 سختی از طرف دولت پرتش و ممالک شد که در این جنگی که اعلان شد مابین پرتش و پاپا با و طریش از یکدیگر  
 و پاپا با و طریش از همت بکرا اظهار رای کرده بینا و قایع نکاری کفا کنند تا اینکه بعد از شکست سار و اکر  
 ناپشتار و داد دولت پرتش با الطبع مخالفت و مخالفت و لک فرانسه را طالب کرتند و بتلافی این وساطت بانک  
 نیز اگر اتفاق جز دولت پرتش بود و هنوز ضعیف دولت پاپا نکرده بود اعلمت امپراطور طریش بدو  
 فرانسه و اکر کند که بعد و لک فرانسه بمیل خاطر بدولت پاپا با بجهت انتشار این خبر سبب خوشحالی و شغف  
 در تمام مملکت فرانسه گردید لیکن این خوشحالی شغف و ذامی نبود بعد از چند روزی که خیال دولت پرتش ضایع  
 شد و دانستند که مقصودش خارج کردن دولت پرتش از مجمع دول المان و بزرگ نمودن خود از طرف شمال و

و هیچ ندانند بفرانسه استخوانی دولت فرانسه ملغف شد که کاری از دست رفته و علاج ندارد بفرانسه طلبه ها  
مسبو طره ها همانا و انوفت معلوم شد

بندین که سفر کبیر فرانسه است در این با مسبو پیران لصد را عظم ملاقات نمود برای دولت فرانسه جوفظا  
مکنند و جواب باس با و میدهند استعفا در روان دولت پیران و در آنجا چه و نصب را کرد و بفرانسه سفر کبیر  
دولت فرانسه در اسلا مبول بوزارت امور خارجه ناخوشی سخت اعلم حضرت امیر اطور که سه ماه منوال با است  
بود مسلح نمودن فزون فرانسه را بشغف جدید که سسی شغفک شاسیواس است عدده فزون فرانسه را اسما الف  
اعلان نموده اند و کرد و دو بیست سی دو هزار و دو بیست و پنجاه نفر بود و بجز مکرک بفرانسه و جاده  
که دولت در جبهه های متعدده داشت چه نقد که بمباران فزون رسیده معادل شش کرد و رومان پول  
ایران بود جمعیت فرانسه و جبهه بغداد نفوس این سال هفتاد و شش کرد و شصت هفت هزار و نود و چهار نفر بود  
برقذوبای سخت در پارسی در نقاط دیگر طغان اغلب و در خانه ها در داخله مملکت و خزای ساندن انها  
و در سفرهای مارت بسیار شورش سپه لود و الجزایر ملخ خوارکی سخت و الجزایر فزون های املی بوجه  
لوی طلب پادشاه سابق فرانسه را نکلیس فون تونل از معارف رجال دولت صد و فزان بواسطه فرانسه  
انکلیس در باره اعلام مخصوصه از الوان بفرانسه تکلم در دریا و قبول فوری دولت از این سیم نکران بحری خط  
مخاطبه مابین ایران و فرانسه معبر میباشد بنا بر این افتتاح سیم نکران بحری از دنیا و عشق بدینای جدید که از  
پنورد پای فضا نا نوفت در ظرف هشت ساعت بمخاطبه بسیار پس میرسد

**مکرک بفرانسه (انزینگی دینا)**

در ویکران که سرداران فون و مکرک بفرانسه سرداران جمهوری طلب که هوخواهان ژوارس در پیرس و جبهه سابق  
مکرک بفرانسه است جماعی کرده از عساکر نا نوفت با خود شریک نموده بر چند ماکسی ملبین امیر اطور در دولت و ان  
و در امور خارجه فرانسه در بین بنوسط سفیر نا نوفت از دولت مشارالیه ثنا میکند که دولت نا نوفت بطرف  
بماند و داخله در امور مکرک بفرانسه نکند این تمنای جواب مانده دولت نا نوفت ممکن نمیکند بنا بر این نوشته رسمی  
طرف وزارت امور خارجه فرانسه بفرانسه متوقف مکرک بفرانسه شده میشود که از این بعد و همانا  
صرف خودمان را در حایت ظاهری دولت مکرک بفرانسه و بجزویم که عساکری را که بیک امیر اطور ماکسی ملبین شریک  
بودیم احضار کنیم بعد از انستار این خبر در مکرک بفرانسه بفرانسه طلب فوی دل شده بیشتر از پیشتر رسد  
بهم زدن دولت امیر اطور ماکسی ملبین بفرانسه و بالان تمام بلکه بعضی را بالان مکرکی بفرانسه در می آید  
ژنرال فوسر در فرانسه بفرانسه در سمت شمال حمله بانهای و دولت نا نوفت با داشت رسمی بسیار پس بفرانسه  
اگر فرانسه عساکر خود را کلنه از مکرک بفرانسه احضار نماید و نیز بطرف خواهد بود و کل ظاهر بفرانسه طلب مکرک بفرانسه

خواص

خواص نمود فزون شخصی ماکسی ملبین که مکرک با امانی بفرانسه و طریش بودند و عدد اچندان زیاد نشده در پرت  
خواستند که بعد از فزون فزون فرانسه کاری بفرانسه بر ندا ما جنگ و حملات ایشان بفرانسه و فایده ماند امیر اطور  
ماکسی ملبین از هر جبهه خود را بدین جهت بفرانسه و شان و هوخواهان او را میکشند و کل فرانسه با امیر اطور  
مکرک بفرانسه بفرانسه در تمام مکرک بفرانسه بفرانسه بفرانسه بفرانسه بفرانسه بفرانسه بفرانسه بفرانسه  
با و شورش در جبهه امیر اطور بفرانسه بفرانسه بفرانسه بفرانسه بفرانسه بفرانسه بفرانسه بفرانسه  
سفر نموده و بفرانسه بفرانسه بفرانسه بفرانسه بفرانسه بفرانسه بفرانسه بفرانسه بفرانسه  
ژنرال کاسل از طرف اعلم حضرت امیر اطور فرانسه با موید سختی مکرک بفرانسه بفرانسه بفرانسه بفرانسه  
تا بیون سیم را با امیر اطور مکرک بفرانسه بفرانسه بفرانسه بفرانسه بفرانسه بفرانسه بفرانسه بفرانسه  
دولت نا نوفت با الصراحت روز نامه ها رسمی و غیر رسمی اعلان میکند که مکرک بفرانسه بفرانسه بفرانسه  
ژوارس وضع دیگر در دولت مکرک بفرانسه بفرانسه بفرانسه بفرانسه بفرانسه بفرانسه بفرانسه بفرانسه  
خود از دولت مکرک بفرانسه بفرانسه بفرانسه بفرانسه بفرانسه بفرانسه بفرانسه بفرانسه بفرانسه

**هلاند**

شورش اهالی شهر استر دام نسبت با جزای حکومتی در اوقات شیوع ناخوشی و با مال مری شدیده مرکز اروپا  
و هلاند و سویس

**هاینی (انزینگی دینا)**

دولت جمهوری سنت و مینیک که سابقا جزو هاینی بود و در سنه هزار و هشتصد و بیست و چهار ان  
هاینی جدا شده دولت نا نوفت تا کنون او را نشناخته در این سال شناخت بکشم از شهر گنا پورا با غنا  
اش زدن با آفتن های شدیده در پرت پرتس

**بنکی دینای جنوبی**

بزرگ جنگ مابین برزیل و لوپز رئیس جمهوری پاراگای با کمال شدت است با وجود  
زیادی فزون برزیل ژنرال لوپز بانها بر شادت جنگ کرده جمعیت زیادی از انها  
ذاهلک میسازد در روز پنجم و یازدهم از شش هزار نفر از شش هزار نفر از شش هزار نفر از شش هزار نفر  
صنای احتیاد شبیلی با سپر و بر ضد اسپانیا و مابین شدن دولت فرانسه  
انکلیس در این فقره

**یونان**



اجماع قشون بونان در سردان پیر و شمال سرحدات و ن عثمان و پرتگال و ن عثمان اینطلب را شرح قایع سال پنجم سلطنت اعلیحضرت پادشاه خیر انصاری ذام فله مطابقت سنه ۱۰۰۰ و ۱۰۰۱ هجری با سن ۱۷۱۱ و ۱۷۱۲

در ابتدای این سال خبر مال موکب به سوغاها بون چنانکه در ذیل سال قبل مسطور شد نشر بفرمای صفحات مازند  
بود و در اساحت بر توپین و استراحت بر فرق اهالی و نواحی ملک می نالفت چنانکه در پیغم محمد تشریف فرما حاکم  
شدند و از آن راه بکلاردشت مرتزبان یاد و آشان که راه هزارچم است که حاضر فرمودند و از توجهات خاطر خطرات  
در اول این سال سید مجاکران اینک چون اداره نکلراف مالک بحر مد از حسن مجاهدت نواب عالی العتصاد السلطنت  
و نیز علوم نظم و نظام و نیز کلی هم رسانند و صاحب منصبان اداره مزبور هر یک با کمال کفایت و خردمندی  
این سبک مرا تبت و مواظبت شه و خاطر هم را ترها بون کرد بد نواب عظم البدر کماله شامله فرمایند حاضر فرمود  
هر یک با صلاحیت از فرار و مسطور در ذیل بدل عنایت فرمودند (علیه خان سرتیپ نکلراف منصب نشان و حجاب  
سرتیپی اول) (میرزا جعفر خان منصب سرتیپ نشان و حجاب از این درجه) (میرزا جواد خان نشان و حجاب سرتیپی  
(میرزا احمد علی باور نکلراف منصب نشان و حجاب سرتیپی) (میرزا افضل الله خان باور منصب نشان و حجاب سرتیپی  
(میرزا حسن حکیم سامانی و لدرجوم حکیم فانی نشان و حجاب و منصب نشان و حجاب سرتیپی  
سرتیپی) (محمد ابراهیم خان ناظم نکلراف منصب نشان و حجاب سرتیپی) بعضی از اشرار در صفحنا و امان شرارت  
میکرند اما آن الله خان والی کردستان دفع شرارتها را نموده است موکبها بون که از سفر خوارتر مازند ان معاودت  
در ذیل سبب ششم محمد از منزل او شان تشریف فرمای سلطنت آباد کرد بد

چون دای و بای مبارک پیوسته و کلیات امور دولتی نوجهات پیر پادشاه با راد سه ماه بون در هفت اسب بار  
سعادت لیل قرار تقسیم کارها و طرز اداره بهام دولتی را بوزارتخانهها و مقده داده و کفالت هر شعبه از امور و اعمال  
لپافتا مختصر بنده یکی از چاکران مجرب و ریاضی محول و مرجوع فرمودند که خلاصه نوشته میشود و خود بنفس نفیس  
ها بون بطوریکه لزوم کارها اقتضا نماید مواظبت و نظم و پیشرفت خدمات منقسمه مفرز خواهند نمود و وزیر و اعیان  
در باب کلیه امور و مطالب متعلقه بخود را در روزهای مخصوص که در ذیل نهم است عرض حضورها بون خواهند  
رساند و احکام از آن بخواهیکه رای بعضی اصنایها بون تعلق با بهام مفرز خواهند نمود هر یک از وزرا در خدمات  
دولتی و مهمان مملکتی که راجع بانهاست باید نهایت استقلال را داشته باشند بخوبی که نوشجات و احکام آنها را احکام و  
باشن امور و کاپا پیروده بان و در سرتیپ خود دانسته و در حضور مبارک با مضامین قبول مفرز دانند بلکه اگر فرمان

و ملغوفه فرمان و برات بهمین اول ذی اطلاق و امضای زیر یک نوبت در تحت اداره او است بولایات بهر حکام  
و لایات داجری ان بخواهند چون حساب هر لایه در حضورها بون از وزیر انجا خواسته میشود و زمان در مسقط و  
برای بهر مبارک سندان و برات لاغری نیک و بد و حسن و قبیح امور و افعال باشن و اعمال سپهر بهر ذریه از  
دیده میشود لاغری از وزارتخانهها نباید هیچکس مداخله در کار وزارتخانه دیگری نماید از هیچ وزارتخانه قسین محض  
رصد در حکم بولایت متعلقه بوزیر دیگر نخواهد بود بلکه پسندیده بود در خاک پای مبارک انکه منها امکن محض  
بولایات متعلقه بخود نفرستند و بحکام هم قدغن اکید نموده مراقب باشند که محصل بقراء و بلوکات بولایت  
ما مورد ناسبت لادرو و تیکه کمال ضرر در میان زوزاء در لایات که در تحت اداره آنهاست لایه بدست گیرند  
تسین محصل خدمات و لایه مملکتی انجام بگیرد که در حضورها بون پسندیده و مورد تحت بن خواهند شد اسم محض  
در کل این موقوف باشد اگر کسی جاتی ما مورد بولایت انجام خدمتی اسم او را ما مورد بیک نوبت بنویسند  
و همچنین و زوزاء در بار برادر باب قشون با مالایات با امور خارجه با وظایف کرد و غیره اگر ضرورت کاری  
در دنیا نوشته باق وزارتخانه اعلام خواهند کرد پس از حصول جواب عرض حضورها بون خواهند رسانند

حکام و لایات باشن و متصدیان خدمات مملکتی هر کس در تحت اداره مفرز مقرر شد باید بخود  
سپهره بان و ذریه بماند و در صل و عقد و نظم و نسق کارها و اودار و دستمالایان تابع رای او ان و ذریه  
لاغری بکند و ذریه را در بر عزل و نصب بخوبی بماند و زوزاء مطالب جزئی که قابل عرض حضورها بون دانند  
خوب جواب خواهند نوشت و هر چه را لازم باشد عرض حضورها بون خواهند رساند و جواب از مصلد خلاصه  
کبری صادر کرد بد بحکام بنویسند و با جا با غره و بنه مفرز باشند

تقسیم وزارتخانهها و خدمات و لایات این قرار

وزارت جنگ و ریاست قشون کاف و السابق ( اداره ذابکری حکومتین و لایات (خراسان) سبستان) استرا  
شاهزده (سیظام) (دماوند) (قزوین) (کره) (استراباد) (جاسریم) (نورین) (حکومت لایات مفضل  
خوان) (همنان) (دامغان) (خدمات مرقوم به بهد پهبان لاد اعظم میرزا محمد خان محول و مفوض است باید  
خود ان بخواهیکه در فوق تریم یافته مستغلا دارای خدمات مسطور دانستند و در انتظام و انشاق امور مزبور  
نماید و کمال علی مایلی از عهده انجام این خدمتها برزک برآید  
وزارتخانه مالایات و تقو و حقوق حسابات معاملات بولایت ( اداره امور از ریاستان و کوشان و مرقوم  
و ذند) (حساب رفه و لایه) ( اداره صندوقخانه و خدمات خاصه قاطر خانه و دفترخانه و نوشتار

وزارت و شکر کلانی و معادین (بنی) انتظام همه آن در همان فصله مسطوره بعهده مشوق الممالک است

روزارت علوم و صنایع (بخارت) (مدیر ستاد الفنون و فنون) (معادن) (روزنامه و لای و علی) (باسمه خانهای دارالخلافه و ولايات) (کارخانجات) (حکومت علمیه و تدریس) (وزارت امور مفضله که از امور مقدمه و لشکر عهده اعضاد السلطنه معوض معقول خواهد بود پس بده منزه است به انتظام امور مزبور و در برده خود فرض بداند و احتیاجی لازم در معمول دارد

(وزارت امور خارجه) (اداره حکومت و ولايات مفضله که مازاتنا همان) (الرشاد) (فناون) (خرقان) (نگارگری) (راه سازی) (حفظ و اسایش ممالک مختلفه که در ایران درجه رعا بای است و کتبه هستند) (وزارت امور خارجه) (کار و اداره امور و ولايات و مهمات مزبور بعهده وزیر و کارخانه است به بده و انتظام و انضباط سایرین امور مزبور نیز شایسته است و کفالت را بر عهده دارد

(وزارت حضورها بون) (حکومت کاشان) (اداره حکومت و ولايات مفضله) (اصفهان) (عارس) (نظری) (اداره که در کاشان و ولايات ممالک محروسه) (اداره امور مسطوره فوق بحول با مینا دل و کتبه خواهد بود میباید در انتظام خدمات مزبور

لازمه اهتمام و مبذول دارد (وزارت علمیه بعهده حاجی محمد علیخان بحول و معوض خواهد بود میباید با اجزاء و اشخاص بکسر مقرر است و سپیدی با غور عارضین و مملوین نماید و عرایض و در عداک را بخوبی که معولت سپیدی نموده در هفتگی بکسر و کتبه مخصوصا او قضا هما بون را برای اصفای عرایض بون عدالت معوض بفرماید در این زمین عرایض بکسر در آن هفتگی بکسر است با اتفاق صدر و بواغیان معوض و او در معوض رسانند و جواب حاصل ما از انفر حکم صادر نموده بوزیر و ولايات بفرستند بفرستند که تمام عمل باید بواغیان عدالت اظهار سازند تا بمرض حضورها بون برسد

(وزارت دیار و بلاد و منصب اشپاک فاسی باشی کری) (شاهزادگان و دیاری و ولايات) (علماء و سادات در الخلافه و ولايات) (اعیان و اشرف و اولاد الخلافه و ولايات) (عز و مهمانان و ولايات و در دیار) (انتظام امور خادمان عزم و خواجگه سرایان) (علیانی) (چاپار خانها) (مواظبت رساندن غله دیوان در الخلافه) (حکومت خوشفان) (حکومت کلیپکان و خوانشا) (ذات دربار و انجام خدمات مفضله مزبور بعهده محمد ناصر خان ظهیر الدوله خواهد بود میباید در انتظام خدمات مزبور کمال مواظبت بعمل آورده از این امور هرگز بی خبر و غافلخانه و اجمع است همان قدر اعلام نموده انعام عمل و مطالبه جوابی از آن وزیر نماید

(الچاقا بکری خوانین و اقبان فاجار) (اداره نظاره) (حکومت سرداری مشون مازندران) (اداره حکومت مزبور

عربستان (حکومت محلات) خدمات مزبور بعهده اعضاد الدوله خواهد بود که در انتظام حکومتها و مسطوره امور و شکر و اتقان و خدمات مزبور به نهایت سعی و جهد مبذول داشته بخوبی که در خاطر هر نظامها بون است در انتظام امور مزبور مرا نام بعمل آورده جاهد و سعی باشد

(ظهران و نواح و خالصیات و پلاط و اجارات و غیره) (اداره حکومت محلات و در جزین) (اداره حکومت محلات) (چاپار خانهای دیه از ریاجان) (خدمات مزبور و اعلا و وزارت دارالانشاء بعهده دبیر الملک محمول و معوض مزبور که با کمال نظم راه برید و بخوبی که در اول مزبور شد رفتار نماید

(وزارت وظایف) (وزارت و قاف) (اداره حکومت همان) (انجام خدمات مسطوره بعهده اعضاد السلطنه است حاجی علیخان میباید در انتظام و انشای خدمات مزبور سعی و جاهد باشد

(نظم خزانه و مالیات عایدی خزانه) (جمع اوری وجوه مخصوص خزانه اندرون) (وصول مالیات و اوقاف) (رسالت و تحویل) (از طرف حواله دیوان) (امرا بجانهای ممالک محروسه) (کالسه خان) (دیوانه خان) (حکومت کلان و نیز که جزو و جو محمول) (بعضی ایلی فرما بای محمول) (خدمات مزبور بعهده دبیر الملک محمول است به بده کمال اهتمام در انتظام خدمات مزبور بعمل آورد

(نهریاری و مبارک) (اداره حکومت مزبور) (اداره حکومت محله) (خدمات مفضله و اعلا و احضار وزراء و رساندن اخبار از جایب سنی الحوابت هما بون بعهده امین الملک با ستاخان محمول است به بده در خدمات مزبور سعی باشد و عینا نیز در آن و فرامین را بدو و صحیح دستخط مبارک بفرستند

(ارتش سفیدی خلوت) (و یا استغناک داران سرکاری) (چون خدمات مزبور سابقا نیز بعهده میرزاها شتخان امین خلوت بود کماکان با رجعت و مرجع گردد

برای انتظام امور وزارتخانههای مفضله که هیچکس موجب تطیل امر بگریه در عراض عراض معلفه بخود نشود تا بام هفته در آن عرض مطالباتها منضم بوقت مفضله نیز فرمودند که هر یک در روز صلوم شرفا بحضورها بون گردید مطالبات عراض منعلق بخود را معوض داشته جواب حاصل سازند دبیر الملک و معیر الممالک بجهت اینکه انتظام امور دارالخلافه و خوانشا بانهات تقیین وقت برای آنها مناسب نیست و وقت فرودت عراض خود را خواهند رسانند و کذا لک سایر وزراء هم هر یک عراض مطالبه فوری داشته باشند در هر وقت مازون معوض خواهند بود البته بدون تخلف میباید هکی از همین قرار رفتار نمایند (شبهه و ذریعت) (بکشتن و زینت) (دو شبته و زینت) (سه شبته و زینت) (خارج و زینت) (چهار شبته امین الدوله و ظهیر الدوله) (پنج شبته اعضاد السلطنه و اعضاد الدوله) (جمع تطیل خواهد بود) هر دو هفته صفر المظفر است

لوان نونف موبک هاپون درمازندران عمارات و باغ شهر را در خلد اشپان اقا محمد شاه طاب تره را که واقع در بلده سادات  
مفرغ فرودنده پرناسیح و زیر همان ندان مرمت نماید و در غرس اشجار و نظیف آنها مراقبت کامل داشته باشد چنانچه  
الک خوانسار و اهل خانقاه اهل جلیل قاجار - رساختن راههای سخت و صعب از نذران اهنامان کاچه نموده بود و در  
تشریفات موبک هاپون نیز در منازل سفرمان نذران رخوات کشیده بقیب جلد اعضاء الدوله ملقب گردید و محمد علیخان برادر  
مفرغ الهی که نیز در اوان تشریف فرمائی موبک هاپون با فضیلتان خدمات کرده بود منصب شفا از درجه چهارم و خلف  
هاپون نابالگ گردید حبیب الله شریک در کجور و کلاردشت در بعضی منازل دیگر که منعلق باو بود واقع در عرض راه  
خبر پناش از نذران خدمات نمایان نموده بشان و جمایل از نذران اول سرشوی مفرغ گردید بخت اقا اجدان و نذران اول  
خارج که در کتاری هم خارج کلان مامور شده بود و بخوبی از عهد خدمت مرجوعه برآمده با عطای نشان جنگ  
از درجه اول و جمایل مخصوصان سرافراز گردید محمد علیخان شاطر با شکی نشان و جمایل از درجه دوم سیرت مفرغ آمد

چون جمعی که از طوایف آنکه در روز و روزه و خمر و قمار و طرقات که مساحت آن از آنی نهرها شتر شده و فرخ و خوش  
ضلع بر در طرین میشود سکونی گرفته و ذاعت نموده بودند و بواسطه ضرب بکلات شامی برای کمانان الامان که بنیاد  
و ناز میفرشد شده و بسبب فور جمعیت برای کلات اینجمنه عالی از اسب و نذر شاه با الملک امیر نومان با جمعی از فسون  
ظفر خون و نوجوانان از ارض اظرف مامور شده اجتماعت بخندول و مفرغ نمود و چهار محک انوار ابراهیم مدهم ساختند  
هاپون بسبب کرمی هوا و اواخر ریح الاول تشریف فرمای شکراب و از آنجا بشهر سنانک نزل اجلا فرمودند نواب الا  
ختمه الدوله حکمران بر وجه و عرینان منصوب فرمودند غرینخان سردار کل بر روی کل فسون ظفر خون و نذران  
جنگ بر فراد گردید و دستخط اقباب منطدین باب شرف صدر با نکه صورتان بنیان در پیل نگاشته میشود

صورت دستخط جهان نظام الملک

چون همواره پل خاطر ما اینست که فسون و نظام و نورخانه دولتان ایران منظم بوده و وزیر و دروغی باشد خدا باست  
کلیه عک فسون نظام و غیر نظام و نوجوانان و نورخانه و جیاخانه کل ایران را بر نهران سردار کل بحول فرودیم باید کال  
ران شاه شفا در نظم فسون و غیره اورد اصل بنیان نظم فسون را که انکار دانی و مجوا هم و باید بجای آورد انان شرف  
که مختصر در این دستخط نوشته میشود

هر کس چنانست و تقصیر در فسون بکند از صاحب منصب الی احاد و فراد فسون با نجان از خدمت و لک نماینده القود  
نبدی سپاست شوی ابد کن شد و اغراض از تقصیر و بنا بد کرد  
علم نورخانه و جیاخانه باید چلی مضبوط باشد انشاء الله تعالی  
مواجه مرسوم و چهره کل سوار و پیاده که از دیوان هر ساله داده میشود تمام و کمال بدین عیب نقص در وقت

و موضع

نیز در کتاری هم خارج کلان مامور شده بود و بخوبی از عهد خدمت مرجوعه برآمده با عطای نشان جنگ

جز مینا

و موضع برساند

لباس و اسلحه فسون همیشه پاک و دینار باشد با فضای تابستان و زمستان لباس فسون بدهد که در هر فصلی لباس  
مهیبتی داشته باشد و بهر جهت داشته باشد

الثقات و منصب از دیادشان و مواجبه رفتون بفرخور خدمت لیاقت شخص باشد نه بواسطه و داهای دیگر  
ششم شهر ریح الاول تشکیل

محمد مهدیخان کیشکی باشی که قبل از سفرمان نذران در عمل کشیکانه بیدخل شده بود مجددا منصب فرودمانستلا  
والکافر فرودند حقیقت نور و سرحدات مملکت خراسان چون درجه اول اینجمنه با عبلا و حکمران خراسان  
و دامغان و شاهرود و طباطبای و اسفرآباد و سپستان بیله که تا پیش جاب پهلوان ماکول فرمودند و سید اوجید  
روزی جناب مفرغ الهی و نه بجل ماموریت خود کرد بدند بعضی معادن خوب و یابن شریه ولی یاد کلا و سقان و  
دو نای فرودید شده میرزا کاظم حلاق معلم فزیلیک و شیمی مامور و مشغول تحقیق و انکشافاتهای شد در تشریح  
ناخوشی با بریز کرده و چند روز مشغول داشتند همین جهت حضرت مستطاب اجل اعظم و تعهد و لنگه ببارد  
تشریح برده اند روز هم جمادی الثانی موبک هاپون از بیلاق شمشیران تشریح فرمای دار الخلافه باهره کرد بدند  
کلیه امور دار الخلافه را بر عهد آقای مستور الممالک معوض ماکول فرمودند و بصواب بدجناب معظم جناب علا الدوله  
بمسکری سیک کوی طهران و میرزا عیسی شیر حوم میرزا موسی با بمصدی کرمی کل خالصه جان طهران انتخاب نمودند بسیار  
از اجناس که کرمک برانها بسته میشود و سالی چندین هزار نومان کرمک داشت محض رفاه خلق کرمک آنها را معاف کردند  
تظریات خود در لپان بران و روس اینا و فوات بعضی نشاها از جانب ولت و روس بر جان و بزرگان و اکابر ایند ولت  
شد و اجازه اعطای فسون هاپون قبول و زبور بیکر خود نمودند و تفصیل آن از قرار ذیل است

(جناب علا الدوله سنت اسنانسل از درجه اول) (میرزا عبدالواهاجان نایب الوزان سنت اسنانسل از درجه اول)  
(محمد مهدیخان کیشکی باشی سنت اسنانسل از درجه اول) (علیق خان رئیس لکر افغانه ممالک محروسه سنت اسنانسل از درجه  
دوم) (نایب امیر طوری) (جعفر علیخان رئیس مدرسه اراقنون سنت اسنانسل از درجه دوم) (میرزا جوادخان  
مبازراه و نجادروس در طهران سنت اسنانسل از درجه دوم) (میرزا صادقخان مباشر امور خارجه در اسفرآباد  
سنت اسنانسل از درجه دوم) (میرزا اسدالله فنیتر اول و ذارشا مور خارجه سنت اسنانسل از درجه دوم)  
(میرزا عبدالغفار معلم علم هند سنت اسنانسل از درجه دوم) (میرزا کاظم معلم علم طبی سنت اسنانسل از درجه دوم) (محمد  
اسمه افغان وکیل الملک مراد باعلی عصا مرصع مجوا هر سرفراز و مستفلا بحکومت کرمکمان و بلوچستان مفرغ آمد و در تشریح  
فلجان سهند فوج ملا بر ولد مفرغ الهی تشریح دو نوج کرمکمان نابالگ گردید حاجی رشیدخان که در وزارتخانه خزانه خدمت

منظر الدین میرزا  
محمد مصفاخان

کرد

کره بود بمصیبت سفیاز در جرم فریب مفاخرت کشت بعد از انصال سیم نلکارف دولت علییه چون مخابرات  
داخله و خارجه زیاد شده بنواب والا اعضاد السلطنه و نیز حکم فرمودند بیکر ششم دیگر از سرحد بوشهر که سرحد حلقه  
برهان نیزهای سابق امتداد دهند چون یکصد بیجاه نفر سرباز یکصد بیجاه مرزبان والا اعضاد السلطنه آن ملازمین  
بمشائی و قلمذ و الفکار خان سرحد هندس در تعلیمات و فنون جدید از قبیل قلعہ سازی و نقاشی و قلعہ فوری و غیره  
خاصه در ماسخن فکان که عبارت از خیاره و زینی است و انش زدن آن با فوه الکتر بپسینه نهانی ماهر شده اند بحد حکم  
شد که بکصد نفر دیگر از ملازم سرباز که فرزند مشغول در یافت فنون و تعلیمات مسطوره باشند و این بام سیم نلکارف  
دولت علییه با سیم نلکارف دولت انگلیس انصال یافت

نظرا بخاطر دولت علییه بن ایران و عثمانی علیحضرت سلطان عثمانی این اوقات نشان سلطنتی دولت خودشان را که مکمل  
بلاسم میباشد هم هدیه مصوب جماعی عصمت آندی بین باشی برای اعلحضرت شاهنشاهی باید کار فرمادند  
این اوقات سیم نلکارف دولت علییه با سیم نلکارف دولت روس انصال یافت بنده مؤلف که سه سال بود نسبت بنایب سیم  
سفارت در ایران مشغول تحصیل بود در ماه رمضان سال معاودت بدار الحلافه نمود و حکمران اسرا را در آنجا  
والا حاجی کوپرت میرزای ملک دار مرمت فرمودند بعضی از آنرا که مری که در سرحدات خراسان شراوت میکردند  
خان سرحد و جوی بافتون ظرف خود آنها را انبیه و ندمیر نمودند چون میرزا ابراهیمخان مظفرالدوله سرحدی اول در  
سپستان خدمت کرده بود او را بمنصب ریوفانی مقرر فرمودند لطفاً همه میرزا سیم مرحوم عبدالله میرزا منصب هرکی  
فوج ششم خراسان را که در حلقه خان برادر مرحوم خانی باخان سرحد منصب هرکی فوج سیم را فرمودند  
شخصیت چهاردهم ذیقند الحرام ده ساعت بیجاه و سه دقیقه بیست و شش ثانیه ان شب که شد از انجا که انجا از برج حوض  
بجای خواب کرد و سلام خاص در حضور باهالنور مبارک منعقد شد و در جمیع یازدهم نیز سلام عام در آنجا منعقد شد  
بافت خشمهای طلا که برای کیندا ما بین ما بین عسکرین علیها السلام حساباً میباشند و از هدایا و فدا  
که مخصوص آن ملکوتی صفات مقدس فرموده در ماه ذیقند با ما موریت علی خا خان پیشخدمت خاصه (حاجی احمد  
الملك) جل بران عرب شد نواب والا محمد تقی میرزا حکمران و لایب حمسه را بلیف کن الدوله ملبس فرمودند میرزا ذکی  
مشغول در سابق همدان به پیشکاری خسته سرفراز شد و در یازدهم ذی قند الحرام موکب هابون بعزم سفر سعادت  
اشرف خراسان و در بارش از ارض اقدس سرکشی ان ملک از دار الحلافه با هر بقصر و نشان پنهان مکان فرموده و در  
بیشتر سیم روانه مقصد شدند و شرح این سفر خبر بنامش در نکات و شوق فایع سال بعد با بد میرزا علی سیم مرحوم میرزا  
موسی یوزار دار الحلافه و پیشکاری مخصوص حضرت اجل الخم والا نایب السلطنه دام اقباله العالی مقرر کرد بد میرزا  
محمد قوام الدوله با عطاء منصب وزارت کرمانه های مالک محمد و سرور افراز آمد حلقه خان نایب اول اجور بینه سیم  
سیرت و هم میاه می شد غلام علیخان سرحد نشان و حجاب سیم قرین افتخار کشت حاجی حسینخان شهاب الملک امیرنومه

در بیست و نهمین  
خبرین سرفراز شد

بکلفه

بکلفه نشان امیرنومه و حجاب مخصوصان سرحد کرد بد میرزا ابراهیمخان نایب و هموزر خارجه با عطاء در خراسان  
اول نشان و حجاب سیم و هم و کفالت تمام خارجه از با بجان سرفراز و ما مور شد میرزا محمد علیخان کادر پرا ز اول  
علیه مقیم بند و عطاء منصب سیم و هم و نشان و حجاب مخصوصان سرفراز با هات امده میرزا معصوم خان کادر پرا  
مخصوصان دولت علییه مقیم حاجی طرخان با عطاء نشان سرفراز سیم و حجاب مخصوصان مقرر کشت فلجان سرحد و اجودان خط  
خارجه نشان از درجه اول سرحدکی و حجاب مخصوصان نایب شد سید سلطان محمد ملبس بشاهزاده جهان برادر حکمران  
جزیره کرد که جزیره اینست از پل بمادا کاسک واقع در جنبه فرقیه بدربار هابون امده مفارن اشخاص موکب هابون  
بفر خراسان شرفیاب حضور مبارک و مورد تعقدات ملوکانه کرد بد از جانب دولت علییه برای مشا و الیه منزل و خار  
منزل معین شد چون اقامت حسینعلیخان و در بخار و ایلی مخصوص دولت علییه مقیم در بارش و میرزا اسلمخان نشان  
و نظرا فانا ببول و سایر صاحب منصبان سفارتان مملکت طول کشید بود احضار بدربار هابون شده میرزا بوسفان  
سرفر که مادام ما مورین حاجی طرخان و نظیرین و بطرز بودع مراسم کفایت خود را مشهود نموده بود و منصب شازاد فری  
ما مور سفارت پارسی کرد بد و علیخان سرحد سیم مرحوم حسینخان نظام الدوله که پیشتر سیم بنایب سفارت و بلدان  
و بعد هاد و سفارت پارسی مشغول خدمت بود سیم کار پر دانی اول ما مور اقامت نظیرین کرد بد حاجی حسینخان شرف  
اول که بر سیم بنایب و سفارتی در سفارت نگری ما مور بطرز بودع و نیز در سفارت مخصوصه پارسی بعد ها مستشار  
بود بر سیم شازاد فری ما مور سفارت لندن شد و روان عینت و کب هابون و امده آمدن سفارت خراسان بنایب  
نخض اعلحضرت شاهنشاهی نام ملکه مخصوص حضرت اجل الخ شاهنشاه زاده والا نایب السلطنه العلییه باشد

وقایع معظمه که در این سال تمام رخیزین و افطار غالمذوق و سلع

گردید است  
انانونی سیکه دنیا

اقتباس دولت انانونی بعضی را خنی را که در حوالی این مملکت دولت روس منصرف بود کسر عدد قشون بری و مجری  
و کسورت ظاهری و باطنی با انگلیس بواسطه حاجت از اناک جنوبی که باغی بودند امتداد سیم نلکارف مجری از نظر بد بجز  
کوبا

اسپانیا

شورش اناک کاتالون و ساراگوسا ملافات پادشاه بر نوبال با ملکه

اطریش

ملافات اعلحضرت امیرالطو فرزند با اعلحضرت امیرالطو اطریش در سال س بود که بنیچ ملافات اسباب جهال و سوء ظن

عربی

عزیز بود و لشکر بر سر کردید صد آرزوی مسوولیت شدند اعلم حضرت امیر طور در اوایل تابستان خبر فرمود که خود ما که علی بن  
امیر طور مکرک را که در دست جمعی در کربلا مکرک بقتل رسانید ملاقات اعلم حضرت امیر طور با پادشاه با و بر ملاقات اعلم  
امیر طور با اعلم حضرت پادشاه پروین در مملکت با و پس مسافرتش به پاریس لندن

### المکن

دولت جنوبی خصوصاً با و بر پاریس اند که وضع فتون خود را بسبب عساکر پروین نمایند و ظاهر معنوی با او پیدا کنند که  
و در تبرک هم با و بر در این مسئله مخفیند و اعلم حضرت پادشاه پروین را همین سرار اعظمی که عساکر المان هم از دولت عالی  
جنوبی باشند ملاقات اعلم حضرت پادشاه پروین با پادشاه ساکن در درین ایام پادشاه ساکن افتتاح مجلس پاریس  
کنند را سهون شمالی بدست اعلم حضرت پادشاه پروین شخصه با حضور جمیع شاه زادگان و بعضی سلاطین و وزرا و علمای  
فرنگ بود که پیشین مجلسی از برای هیچیک از سلاطین المان دست نداد و خود المان بوحش آنکه صیاد الوکسان و کوهستان  
بیشد بالا نضای با و بر سلاطین المانی نمودند و این دو سنی سازش باطریق کمالی بود اما مخفی بود اما شکار کردید و بر جلد آن  
باز آنکه فریب ظاهر سپید نمیدر و عساکر پروین زوال ملک و زوال رون و زجر چنگ بعضی قواعد و قوانین جدید  
بجاء میکنند و نفوس دولتمندی که خود را در تحت سلطنت اعلم حضرت پادشاه پروین قرار داده بودند بشت کرد و در  
این در هنگام صلح این شخص که در نفس با پادشاه پروین فرشتون مستعد و آماده داشته باشند اعلم حضرت پادشاه پروین  
دولت عهد و مسوولیت هرمان صدراعظم عجمی بنامشای اسپوزیتو و ملاقات اعلم حضرت پابلون امیر طور در این پاریس  
اعلم حضرت امیر طور و در هنگام مراجعت پاریس که از برین عبور نمودند با اعلم حضرت پادشاه پروین ملاقات کردند و توفیر  
کلا و شمالی مسوولیت هرمان که مخفی نسیک سوزنی هر دو در پیام که نسیک او در جنگ ساد و اچانکه مذکور شد مدعی  
فتون پروین عساکر امیر طور شد در این سال فوت نمود

### انگلیس

بره و خط و غلام اغلب شهرهای این مملکت بنیابی واضطرار با اهالی لندن در این فقره نادر جنگ بدین دولت انگلیس  
برهند پادشاه حبشه تا دروس که با وجود شورش اخلان مملکت مصر مضافه با عساکر انگلیس است برای ندادن این جنگ  
معادل ده کرده و همان ایران دولت استفرایق میکند پس در برین سپهسالاران فتون است تمام کارکنان جنگ از هر جنبه  
کمال اشکال را دارن زیرا که حمل و نقل از و فر و قورخانه را بواسطه چهار پابان باید با خله حبشه نمود و خود اعلم حضرت عبد  
الفرزخان سلطان عثمان و ولی مصر با انگلیس در تابستان

### ایتالیا

عروس و ملک داوود پسر پسر اعلم حضرت پادشاه در سن بیست و دو سالگی از دواج او با یکی از نجای اهل مملکت

### چین

با وجود ضعیف علمای مذهبی ایجاد مدرسه میهن پرستان و تعلیم و تعلم الشرفین در یک پای تخت

### روس

استغفای برین دایان از ولی کری نالک منکرین و دادن حقوق خود را با اعلم حضرت امیر طور روس بر سر کویا کت  
بلخ صدراعظم ملقب که در مذاکره دواج دختر کراندک قسطنطنین الکالی شاه یونان بعضی وقتها در بخارا

### ژاپن

فرستادن برادر طوقون بین پانزده سالگی با جمعی از معان بهت سفارت در دربار دول فرنگ انقاد مجلس  
سوری زبان مملکت

### عثمانی

بعضی جوانها که از نجای مملکت بودند و خپا از ادای خاندانند که اغلب آنها زاد و ولست خود کرد و جلای وطن  
داد صلاطین عالی با پادشاه و از در خارج خود با شاه مدعییت اعلم حضرت سلطان که بفرنگ تارنده بود چهل روز شد  
شورش بخالی عالی شد و جاهل شکاری و ک یونان از آنها مسافرت عالی با پادشاه صدر اعظم بشت برای استیلا  
با عساکر در ای عجمی بنامشای بجهت ندر با عجمی توفیر لقب بدوی بوالی مصر و بر سفایر تجار از نهر هوز و شورش  
اهالی بلغاریستا و از ام کردید آنها بر داشتن دولت عثمانی فتون خود را از قلمه بلکوار شریقا

### فرانسه

اعلم حضرت امیر طور نا پابلون از برای خدمت قلوب اهالی فرانسه بواسطه خطی که از رجال دولت در مسئله مکرک  
بظهور سید بود و بواسطه ایله ایوی که یکی از کلاهی سچ بود بهت خود استمالت داده و عد و زاون با و بعد  
از ادای و زنامه هاد را قنای مجلس پاریس اعلم حضرت امیر طور در خطبه خود استمالت قنای و کلاهی ملت ای حفظ  
و حرمت حدود فتون مملکت فرانسه مطبلد با خطا آنکه صیاد و ک مجبور بنام زده با و بر س خود هفتاد هزار فتون عالی  
بر معلو حاضر نموند و بعد از چنگ که اطمینان حاصل شد مختصر خانه شد و تقار و متکلی عجمی و کلاهی ملت با و  
در فقره مکرک در مکتبش سال که دولت فتون بکوبل فرستاد و مشیت طمان قرانک که مثال هفتاد و دو کور و تو  
ایرانست علاج بیجا به برای و ک بهر شید میو طر مخصوصا با کمال نشد قباح تمام و لنت اشکاد امینا بد  
افتتاح اسپوزیتو عمومی صنایع در پاریس در دولت المان سلاطین روس اعلم حضرت سلطان عثمانی پاریس از برای  
نامشای اسپوزیتو از سلاطین که بیایین بنامشای اسپوزیتو بنامند اعلم حضرت پادشاه انگلیس و پادشاه اسپانیا  
و پادشاه ایتالیا بودند هنگام بودن اعلم حضرت امیر طور در پاریس و متا فتون که اعلم حضرت پابلون امیر طور  
بجهت تشویقات سلاطین حاضر در پاریس که از جمله اعلم حضرت پادشاه پروین بود در حوالی پاریس ابتدا قبل از وصول

مشخصی از اهل عثمان طایفه بطرف اعلم حضرت امیر طور روس خالی بکند بدون آنکه کلوله با اعلم حضرت معظم بخورد  
 اعلم حضرت امیر طور ناپلئون بنی بریت بملکت اطریش علت فرج اعلم حضرت امیر طور ناپلئون و رفتن ایشان به بسیار یکن  
 از بنادر فرانسه معاجز شهرت بخاداد و کت ابطا لیا با پرس غلا و نسیم نای دریا و ریح و سایر بلاد دیگر و شکایت فرما  
 مردم از دولت و اغلب نقاط دولت فرانسه بواسطه عظمت پرس کمال محترمانه دارد و در صدد اینست که ایالت او کسب  
 که جز با ایالات المان محسوب شده و لیکن سلطنت انجا با پادشاه هلند است مضمون کرده و اجرای بعضی از اینها پادشاه  
 هلند ناطق است پادشاه هلند بحسب ظاهر مکن نموده اما باطن اعلم حضرت پادشاه پرس با از این ماجرا اطلاع میدهد  
 نظیر سخن اعلم حضرت پادشاه پرس از این مقدمه و آغاز دولت خویش شمالی المان بیکدیگر بر صند فرانسه خبر چند چیز  
 طرف دولت فرانسه و چه از طرف دولت المان علی الخصوص پرس بالاخره بواسطه دولت انگلیس بواسطه انعقاد مجلس  
 مشاوره در لندن که از جمیع دولت فرنگ با استقنای اسپانیا مامور در آنجا حضور بهم رسانند قرار بر این شده که ایالت  
 نوکس انورک بسطرت بوده نه جز فرانسه باشد و نه جز پرس همان قسم که در تحت سلطنت هلند است بحال خود بماند  
 لیکن قلعه مستحکم انجا که تهدید بر چند فرانسه و بنای زمین مساوی کرده در همین نحو مقرر شده بین دولتین کار  
 بمصالحه انجا پیدا حضار تمام نشون فرانسوز مکزیک ما رسال بازن که از طرف اعلم حضرت امیر طور فرانسه مامور بود  
 که بکبر بتواند ماکس میلیتی امیر طور مکزیکیان ببارد که از سلطنت استعفا و مراجعت فرنگ نماید از عهد ماموریت  
 خود بر نیامده نشون زوار از اطراف ماکس میلیتی را محصور نموده نادران ایشان او را بدست آورده مقبول میباشد  
 ژو در همدان چهار سال و هجده و بیست و پنج و فیروزی دارد پای تخت کرده مستفلا بر است مشغول بگرد

هلاند

وای سخن و اغلب بلاد

یونان

غریبه دولت مخفی و آشکارا اهل جزیره فدی با شور و زینت دولت عثمانی ساقی اعلم حضرت پادشاه فرنگ و  
 از دلش با یکی از شاهزاده خانهای روس

و باغ سال بسپیکر سلطنت ناخدا اعلم حضرت شاهنشاه صاحبزاد شید  
 تعالی دعا بکند و سلطنت طاقون فرزند و دولت مشنا  
 و چهار هجرتی شوق ایل  
 نرجی

ابتدای این سال اخیر ما لجا آنکه در شرح خانه سنما ضمه مسطور شد موکب فرزند کوکب هاپون بزم زبارت ارض

افلس و شهه مقدم باز دیده ملک و سپه خواسان و عدد و ثغور انسا مان انفاض فرموده بود توضیح آنکه  
 در پانزدهم ماه بجز سال قبل موکب اعلی از شهر دار الحلا فبصره و نشان پشه نفله کان کرده و روز بیست و سوم از دوشان  
 پشه عین زخوانون آباد نشریف فرما شدند

حضرت شاهنشاه زاده امجد اکرم و الا نایب السلطنه العلی حکمران دار الحلا فراد در غیاب موکب هاپون بنیابت کبری مخصوص  
 فرموده جمابافای مستو الممالک جو زارت نظام خزانه و وصول و ایصال مالیات بر غراندوزارت علمیه و تجارت و  
 نگرانی های ممالک بحر و مخصوص نواب و الاعضاد السلطنه و زیر علوم است زارت جنگ و نظام عمل نظام  
 بالتمام بعهده عزیز خان سردار کل اسناد دار و خارج سپرده بمیرزا سعید خان مؤمن الملک و زبارت و خارج جری باشند  
 محمد علیخان وزیر عدلیه است اما صورت همراهم و ملزمنین رکاب علی از فراد ذیل است

نواب مستطاب ملک علیا و خادمان حر جلالت

(نواب مستطاب مهد علیا و تمام خدمه) (خادمان حر جلالت و ساکنان کانتظام که شصت کلسه شش اسب محلا ایشان  
 بود و هزار و چهار صد مال از بر اینها ایشان معین شده بود) (نواب علی بن غزنی الدوله با تمام خانه زادان و عیال و خدام)  
 (نواب علی بن عیسی الدوله و سر موبد الممالک با والده امیر و مستحق خان و خدام ایشان) (حاجی اغا پوسف و خواجه باشی و  
 تمام خواجهای حر از پیشا و سفید) (مهد علیخان غلام مجید باشی و تمام خانه شاکردان و غلام مجیدها

شاهزادگان و عظام

(ملک منصور میرزا) (سلطان احمد میرزا و عیال الدوله) (تیمور میرزا پسر مرحوم فرما افغان) (محمد کریم خان پسر مرحوم مهدی میرزا)  
 وزیرای عظام

(فرخ خان امین الدوله وزیر دربار و رئیس ملزمنین رکاب حضرت شاهنشاه هاپون) (انوشیروان خان اعضاد الدوله و خادمان  
 و الخانی قاجار و حکمران و سردار مازندران و اسفرا باده و غیره) (حاجی علیخان اعضاد السلطنه و وزیر وظایف) (محمد ناصر خان  
 ظهیر الدوله ایشلیک نامی باشی) (میرزا محمد حسین و میرزا ملک) (پاشا خان امین الملک و یکدیگر ملک خراسان و غیره)

اعیان و نوابان غیر

(حاجی میرزا محمد خان دیر همام خارجه و وزیر وظایف سابقه) (میرزا نصرالله مستور کز کافی) (میرزا مصطفی و یکدیگر لشکر) (فاسم  
 جادچی باشی) (محمد علیخان شاهر باشی) (عبدالله خان پسر شیخی باشی) (محمد رحیم خان سر نشینند) (محمد علی خان صاحب جمع و  
 پیشخدمت خاصه) (محمد نظر خان) (ابوالحسن خان) (موسی خان و صاف) (محمد فی خان نایب زبارت و خارج) (رضا علیخان  
 نایب ایشلیک نامی) (میرزا طاهر مستور) (علی خان نایب اول شاهر خانه مبارکه) (محمد هاشم نایب جادچی باشی) (محمد حسن خان  
 جادچی باشی) (محمد حسین خان و ندا بیضا) (میرزا اسدالله غنچه رسائل) (حاجی میرزا عبداله مستور) (میرزا اسمعیل

منشی اجیه (میرزا محمد حسین رئیس کتاب) (امیرعلی خان قشیرالدوله) (میرزا سید کاظم منوق اصلط)

سرکردگان

مصطفی خان میرزومان و کبکی باشی (علیق خان اجودباشی کل افواج قاهره) (محمد علیخان سرتیپ حسام الدوله) (رحمت الله خان ساری اصلط) (حاجی حسین خان شهاب الملک امیرنومان) (حاجی میرعلی خان سعد الملک) (کاظم خان سرتیپ) (الله بارخان سرتیپ) (جانبان سرتیپ) (کلیب حسین خان سرتیپ امین نظام) (زین العابدین خان سرتیپ) (صفرعلیخان سرتیپ) (محمد صادق خان سرتیپ) (مصطفی خان سرتیپ) (عبدالقادرخان) (محمد نای سرتیپ) (حسینعلی خان سرتیپ برادر سار اصلان)

بوزباشان

(علیقخان) (چندرعلیخان) (صادقخان) (ابراهیمخان) (جلیلخان) (نصرت الله خان) (مصطفی خان) (کلیب خان) (صالحخان) (محمد حسین خان) (رضا علیخان)

افواج قاهره

(فوج خاصه) (فوج دوم نصرت) (فوج علی) (نصفه فوج سوادکوه) (فوج امیریه) (موزکاچیان مخصوص)

غلامریشخندان

(میرزا عبدالله خان غوثی) (حاجی محمد علیخان) (ابراهیمخان) (زین العابدین خان) (محمد علیخان حسام) (حاجی ابو الفتح خان) (آتابان فاجار هشتنقر) (فتح الله خان) (محمد علیخان) (محمد حسنخان) (طهاسب علیخان) (حاجی زان خان) (پرشیب) (طهاسب علیخان) (علی محمدخان) (علی آقا) (میرزا جوارخان مشیرازی)

سواران

(غلامان کشکانه مبارکه ششصد نفر) (غلام نصرت چهارصد نفر) (غلام درون کرد و بیست نفر) (مناوره نظام دوپشت) (غلام ایمانلو چهارصد نفر) (سواره شاهسون دوپشت ششصد نفر) (سواره شاهنوا بانو ششصد نفر) (سواره ایلات فرور چهارصد نفر)

(علیخان سرکرده سوار نصرت) (سوک خان) (علیق خان) (ابراهیم آقا) (میرزا حسن سرهنگه دار)

فرماندها مبارکه فرنیور کخانه کالسکه خانده سار امواجی فرزند سارهابان

(امیردوست محمدخان داماد اعلی حضرت شاهنشاهی) (دوستعلیخان مقبر الممالک حاکم بزرگ کبلان) (نصرت الله خان سرتیپ) (فرنیور کخانه باکچمد و بیست نفر) (نورمحمدی) (حاجی عبدالرشیدخان مشهور از مبارکه) (اهلخان فرزند از نواز و بزرگوار) (غلام کالسکه خان مبارکه باهشتاد کالسکه) (علی محمدخان مبارکه با بیست و هشت نفر) (علی نقاره خانه هاپون) (انامهدی ساعت ساز)

توخانه مبارکه  
با پانزده عراد  
و غیره

توخانه مبارکه

(حاجی رحیمخان سندون دار) (افا حسن بخندار باشی) (احمد محمدی اردمند و نخاند) (اسناد عبدالله خیا طعاشی و حیا طان) (علیجان سند و نخاند مبارکه)

پیشخدمتین

(میرزا هاشم خان امین غلوش و رئیس لشکر داران خاصه) (حاجی خان اجودان مخصوص و غولدار و سر قصبه هاپون) (انام علی امیرچمن و ساگر ساره و شاه شوغبار دی غیره) (عبدالقادر خان دیب الملک) (محمد فیضی خان افشار) (میرزا علیخان ناسار و وزیر امور خارجه و منشی حضور هاپون) (محمد نوریخان طهرانی) (میرزا مهدی غوثی) (الله علیخان پسر مرحوم اعتماد الدوله) (انام رضای عکاشا) (محمد حسنخان محقق) (حاجی محمد حسنخان) (علیخان کرجی) (اسدالله خان) (محمد علیخان) (غلام حسین خان مشهور و بزرگوار) (حاجی خان پسر هراچان) (نصرت الله خان پسر امین الدوله) (محمد حسنخان پسر بیضا) (میرزا محمدخان پسر امین خلوت) (نور محمدخان محصل امور دیوالتخانه مبارکه) (رحیم خان پسر مرحوم بیبا الملک) (احمدخان) (وجیه الله میرزا) (ابراهیمخان خلعت) (محمدخان) (محمد باقرخان پسر بیبا الملک) (انام غفور و حافظ شامال و دستخط مبارک حضرت ولایت عاب علیه السلام) (حسن آقا) (انام محسن) (حاجی علیغی فرانس خلوت) (انام محمد علی نقیب باشی) (انام عراب) (حاجی میرزا پیک فرانس خلوت) (غلام علیخان دربان حاضر هاپون) (پاشا پیک فرانس خلوت)

اطباء

(حکیم باشتی طکران فرانسوی) (حاجی آبا بای مللا لاطیله) (میرزا حسین دکنه) (انام میرزا سید علی) (میرزا عبدالعلی) (میرزا حسینعلی) (میرزا امیر) (میرزا سید حسین) (میرزا حسین و اسان)

نظارهخانه مبارکه

(نورالدهر میرزا نایب خاطر) (میرزا علی اکبر مشرف کارخانه) (حاجی قاسم شریه اروناظم البکام) (حاجی حسین اشیر باشی) (شریبار و طبایع)

ابدالخان مبارکه

(انام ابراهیم ابدال باشی و ابدال علی عرب و غیره) (انام ابو صفه شفا باشی) (انام محمد فیضی باشی که دوستان بند و بعضی از عمال هاپون سپردند و سب) (انام رضای ده باشی و ابدال علی خلوت) (انام حسینعلی) (حاجی حسن) (حاجی مبارکه) (ابدالان و بزرگان)

فهره خانه مبارکه

(حاجی محمدخان فیهو و حیا باشی و غولدار کشکانه مبارکه) (انام حسن نایب) (فهره چبان)

نفسکداران مبارکه

انگاشی خان (فهرماخان) (حاجی فرج خان) (محمد حسن خان) (رضا افغان) (مصطفی نیک پیک) (حیدر الله پیک) (ابوالقاسم)  
(محمد زمان پیک کلمه) (محمد حسن پیک) (سایر هفتاد نفر)

اصحاب شکار

(مصطفی افغان پیکار) (حیدر الله خان برادر ایشا) (ول پیک) (سایر شکارچیان چهل نفر)

اصطل خاصه

(محمد حسین زایر امیر خورنا پیک) (ابراهیم خان) (حاجی محمد علی نایب) (نایبان جزو دوازده نفر) (جلو وارد صدف) (مهر محمد)  
(سبب صدف)

فرانشخانها که

(حاجی محمد خان حاجی الدوله) (محمد حسین خان پیر حاجی الدوله و ناپیکل) (بافر خان) (مشهدی غای نایب) (شیر محمد پیک)  
نایب) (بوذباشیان و ده باشیان صدف) (کر بلای رمضان نایب قاپوچی ایشی) (نایبان جزو ده نفر) (فرانشخانان  
صفت صدف)

منه مؤلف که درین وقت منصب پیشخدمتی خاصه داشت بر بالترام و کا و ظفر انساب هابون سرافراز بود و در بیست  
نیم و پنج شریف با دیالمنی والسعاده والا فینا شریف فرما کرد بدندان خوانون اباد تا شریف اباد و در فرسنگ و نیم است و ده  
بیست ششم با بان کف که انهای حال و دامن است نزول اجلال فرمودند از شریف اباد با بان کف پنج فرسنگ است  
دو بیست هفتم قشلاق از فری خوار ضرب چام کردن احتشام معلی کرد بدندان هابون کف پیشلان شش فرسنگ است و ده  
بیست هشتم پاره منزله که اردوی هابون بود از قشلاقی پیاده سه فرسنگ است پیاده نیز از فری معبر خوار است در این منزل  
میرزا علی غنی طریک پنجاه خاصه ملقب بحکم الممالک کرده درین راه قشلاقی و پاده با پیک و فریان پیک طوق شش و ستاد  
بهدر ایش و بعضی که خدا بان و دریش سفیدان دیگر از طواغیر که مروی با عرضیه چاکری و پیشکشی بجای پای مبارک  
مصرف و بعد در نه مور و عواطف ملوکانه شدند و در بیست نهم بدندان نزول اجلال فرمودند از پاده ناده نمل سه  
فرسنگ است

دو شبانه عزم الحرم این سال و کعبه حضور خردی شریف فرمای لا مجرد کرد بدندان پاده نالا مجرد هفت فرسنگ است از پاده  
گذشته اول خاک سمنان می باشد و بعد و کلن بخند بار لغان همی که مانند خندق طبعی در میان خاک خوار و سمنان و غل  
(بار لغان لغت شریکی می باشد و عبارت از نهرهای عمیق و در بعضی است که بدو ریج از آب سبل و غیره پدیدار شده باشد) فضا  
لا مجرد فریب پسند و پنجاه خانوار رعیت دارد

روز دوم محرم موکب سعادت شاهنشاهی لشکر سمنان شرف و دو از آن فرمود از لا مجرد نام سمنان شش فرسنگ است شهر سمنان

از بلاد خند بایران و جیحان بدین نمره فرمودی ان طریقا از سر دراز دار الحلال فرست خانان خلد اشبان فتحعلی شاه  
طلب الله شراه مسجد شاه در این شهر نیز فرموده اند که از اینجه بیایا عالمه محسوب میشود در بنوفت حضرتان پیر جناب  
سپه سالار حاکم سمنان است و انشاء الله تعالی در حرف بن تبصیل شرح جزایان این بلد نکاشته خواهد شد در یکم  
و چهارم محرم و اردوی هابون در سمنان متوقف بود و بعد پنج سمنان اشها فرموده و شریف فرمای هابون کرد بدندان  
از سمنان با هابون شش فرسنگ است و در ششم محرم از هابون نهفت فرموده و بغوشه نزول اجلال فرمودند از هابون  
بغوشه هفت فرسنگ می باشد در بعضی نوارج مسطور است که شهر فوس در صحرای فوشه بوده و در هفتم امیر اباد ملک  
موکب هابون کرد بدندان فوشه نام امیر اباد و در پنج است و در هشتم شهر دامغان بمقدم هجرتیم مبارک از سمنان کرد بدندان  
بدامغان چنان فرسنگ است و در نهم و دهم و یازدهم بلد دامغان متوقف فرموده و کلبه اردوی که بان شکوه مشغول است  
دری و نهفت سبات روز ناسوعا و عاشورا بود و در دوازدهم راذات ملکوت صفات هابون بنما شای چشمه علی است  
که مسافت آن تا شهر دامغان چهار فرسنگ می باشد شریف فرمای کرد بدندان چشمه علی هابون مغرب و جنوب و در این فصل که او  
بهار است پیاده از بیست و یک نایب وارد خانان مغفور المبه الله حلال النور (فتحعلی شاه) عمارت و بنای عالی در چشمه  
علی باقی گذاشته اند و ناریج بنا در سینه بکفر اردو و بیست هفتم می باشد و چندی قبل جناب سپه سالار حکم هابون  
این انبیه عالمه و اسرمت فرموده حال اچنان بنظر می آید که بنای جدید است و چون این عمارت و وقت حضرت صلح الامر  
عجل الله تعالی فرجه منی باشد صورت و وقف نامه از این نیز در اینجیل مینگارند و می هذا

صورت و فنانه و بنا عمارت

در حق که در پانت ظفر ابات و الویه حضرت علامت پادشاه علا الشیاه و شاهنشاه کردون بارگاه فهران الماء  
والطین ظل الله فی الارضین المؤید بنای پادشاه ملک الحیارات ابوالنصر فتحعلی شاه فاجار خلد الله ملکه بزم نشین و پادشاه  
فرموده و بیکه ماوراء النهران دار الحلال فرسنگ است که در پاده این مکان دلفر و در پنجم ختام ظفر انجام پادشاه  
سند رای صورت بنای پادشاهی بخلق پذیر کرد بدندان در پنجم ارم مماثل عمارت ساخته آید که راه روان را از نایب  
افتاب پناه و از ریج راه از نگاه باشد و وقت صحیح شرعی نمودند این عمارت و لکن کار ابر کار فضا انا و حضرت صفا  
الامر سلوان الله علیه و علی ابان الطاهر بن سینه هزار و دو بیست هفت

بالجمله شهر دامغان از شهر هفتادم ابواشت و قلعه نزل عالی داشته و شرح جزایان این در حرف دال انشاء  
غالی نکاشته خواهد شد روز دوازدهم محرم شریف فرمای فرمود همان دو شب که بدندان دامغان نام همان است  
پنج فرسنگ است و در سیزدهم فرموده ملامه ضرب چام سلطنتی کرد بدندان همان دو شب گذشته و ملا چهار فرسنگ است  
روز چهاردهم ساحه بطام منزله موکب هابون امدان ده ملا بشاه و در چهار فرسنگ و از شاه مرد بیبطام از  
نهم فرسنگ قدوی پیشتر است شرح جزایان بیبطام و شاه مرد در حرف باء در جلد اول مرآت البلدان مسطور

میرزا محمد حسن



شد در بیوت نواب جهان نوز صیرا بحکومت شاه و دو بیطام مصوبت است برین راه ده ملا و بیطام نواب ملک اراک  
 اسرا اباد و عباس سلطان سرتیپ لاریجان شریف با حکامی مبارک شدند روز پانزدهم و شانزدهم موکب علی در بیطام  
 متوقف بود پس در سید کاظم مشرف صاحب خاصه در بیطام بمبیت شوکران سرفراز سید جید و فلجان سهام الد و ابوالفتح  
 طایف شاه و حاکم بخورد و نواب با نصد سوار در بیطام نریان حکامی همایون مشرف کردند روز هفدهم از بیطام  
 بخراباد شریف فرما کردند در بین راه نواب ملک آرا در حضور فرموده بجای حکم از خود بازگشتند <sup>مجلس خان لاریجان</sup>  
 با اجازه همایون با نواب معزی لایحه همراه شد از بیطام تا خراباد سرفراز سنک است از آنجا عملاحظه که در میان دشت نصف  
 اهالی ارد و رام فرمودند بر اینست حاجی شهاب الملک امیر تومان بگردن پیشتر از موکب سعود از راه معمول برینند  
 و از میان دشت گذرند و نصف دیگر را ردوی همایون که از راه او میآید است همراه باشند روز هجدهم فریاد میمانند که  
 موکب علی بود از خراباد تا امیر بیختر سنک است چپاری در این فرجه است عقیده اهالی هکله اینکه حضرت شاد مای پیچ  
 در وسط این چنار مد نفوس فلما انرا محرم دارند و ان شاخ و برگ ان بریند و عظمت کهنه کمان چار محل نظر جای شجب  
 می باشد میان نریان چنار در قدم الامام سوخته و از اصل ساق درخت چوبوست سطرعی نمائده است در اینجا پنجاه نفر از جوانان  
 و پیش سیدان طایفه کولان بنوسط سهام الدوله شرفیاب حکامی مبارک شدند روز نوزدهم شریف فرمای منزل  
 میای که بدندان از میان امای بیخ فرسخ است در میای برادران و برادران دکان ایلخانی چون سبحان فلجان و شیرو محمد خان  
 و غیره جلالت همایونی مقرر شدند سایر هرگز دکان شاد و همچنین ده نفر از جوانان کجگنه های رخورد و انعامان <sup>هائ</sup>  
 نابل که بدید روز بیستم منزل میان دشت مضرب بنام علی کردید از میای میان دشت پاده از شش فرسنگ است در  
 میان راه حاجی مصطفی فلجان حاکم کلاشکه از رضادین اعرضه جناب سپه سالار با استقبال موکب همایونی ملایک  
 پای مبارک مشرف سقا بان دیوانی زیاده از پنجاه باراب و در او بهر کار داشتند که در بین راه مجموع اهالی ارد و روز و ارد  
 مسافرین و پیاده کان می دادند و حکم همایون شد که در منزل میان دشت شوات عید احوالات نمایند که عابرن از آب شکر  
 دست نداشتند باشند در بیست یکم از میان دشت عیال با د شریف فرما شدند سرفرخ عیال اباد مانده فریاد <sup>هائ</sup>  
 واقع بنای این طایفه نریان در عهد ناخان مغفور شده است در بین راه هر شش شکار خاصه کور و فراد است از میان دشت عیال  
 اباد شش فرسنگ است و در بیست و دویم از شریف مضرب حتام اردوی همایون شد و در بین راه فان عدلت صفات  
 همایون فاعلم صد را اباد کرد در میان راه واقع است که بعد از آنجا با شریف فرما شدند از عباس با باستر بدیج  
 مستقیم بخر فرسنگ است لی از راه صد اباد زیاده از هفت فرسنگ می باشد استر بدیج بپشتا بورد است پنجاه خانوار  
 و بیست مزارع متعدد دارد روز بیست و سیم منزل داووزن نزول اجلال فرمودند تا استر بدیج با او روزی از راهی که موکب  
 سعور حرکت فرمود شش فرسنگ است او در زن اول خالک سبزواری است شاهزاده پیر و پیرمیرزا حاکم سبزواری با سوار

سبزواری و بین راه بخاکهای مبارک مشرف شدند بیست چهارم در داووزن اطراف و بجواب غرض در امشغول بودند  
 روز بیست و پنجم از داووزن منزل توجه فرمودند از داووزن تا مهر شش فرسنگ است و در بیست و ششم فریاد سبزواری  
 موکب همایون کرد بدندان از بیست و هفتم سبزواری و در بیست و هشتم ملوکانه منزل کرد بدندان سبزواری  
 جناب پهلوان حکمران ملک خراسان و پسر پهلوان ایلخانی زعفران و والده با رخا حاکم دره جز و پهلوان هزاره با کرب  
 و سواران خراسانی و ترکمانان ساروقی و نگه و شتر که زیاده از سه هزار نفر بود ندید و موکب علی با استقبال کرده زیارت  
 رکابا علی میای کرد بدندان از سبزواری بیست و نه فرسنگ است شرح جغرافیای سبزواری در جلد اول کتاب رجوع نامه  
 در لغت به منقوس طور شد بحال روز بیست و نهم در بیله سبزواری فامت با علمای ای بند با خاصه جناب  
 حاجی ملک هادی سبزواری که از جمله حکامی تاهلین شکافات و مفارضا فرمودند و ان رضای عکاسی است بیست  
 خاصه (اجودان مخصوص خان صرف جیب همایون) حسب الامر کسی از جناب حاجی ملا هادی بر داشت چو جناب حاجی  
 ناسیون عمل عکاسی بلندید بلکه از مخالفان و نون و بر همین علت حکامی سلف میدیدند نهایت شجب شدند و چون از  
 شهر سبزواری برود و در غلظت بهر سبب بود جناب پهلوان سبزواری فرمودند که از امر من نماید روز غر شهر سبزواری  
 همایون از سبزواری بریاطن زعفران شریف فرما کرد بدندان سبزواری و از ارباط زعفرانی شش فرسنگ است و باطن در مهند  
 و آنچه الان اباد است باطلی است که حکم حکم شاهنشاهی حاجی مصطفی فلجان نوری را با حکومت سبزواری بنا نموده و  
 نواب و الاحسام السلطنه حکمران خراسان نیز بر اعلی جای پا رخا زدی و ملی و مهاغانه و ابانبار و پنجالی در جنب است  
 اند روز دهم صفرا زعفران بزمان اباد توجه فرمودند در بین راه حاجی پهلوان خان فاجار حاکم پشاور بخاکهای  
 مبارک مشرف شد از زعفرانی نازمان اباد شش فرسنگ است و در بیست و نهم صفرا پشاور بود و در بیست و نهم  
 شهر ریاض رضوان که از بناهای امام و پسر پهلوان پشاور است و اول اجلال فرمودند از زنان اباد به پشاور چهار  
 فرسنگ است شرح جغرافیای شهر پشاور در حرف نون بیاید روز چهارم و پنجم و ششم و هفتم ماه را در پشاور  
 توقف فرمودند علی این بلند باریت حال مهر مثال مبارک فایز کرد بدندان مسجد علی کرج که از انبیه عالی پشاور است و  
 محتاج برین شده امر اعلی بنمبر این حرف صد و بیست و دو روز هشتم صفرا پشاور موکب سعور بقدمگاه شریف فرما  
 کرد بدندان در روز و پنجاه اطراف شد از پشاور بقدمگاه بخیر سنک است چون قدمگاه را کند ایست سبزواری بکاشی  
 معرفت بناهای سلاطین صفویه و باغی متصل یکدیگر با اصفا با چنابانی مطول که بعضی اشجار و امیر و رکند و  
 برده اند حکم بنمبر این آثار بزرگ فرمودند از قدمگاه شهر شهله قدس و راه است یکی از راه در رود که از پنهان  
 دوه در دو و کلستان و شریف می رود و راه پهلوان و کتابه دار است اما کاسکه و بیست و یکری راه معمول طرف و درین  
 است که در در و کم سپر است لی چون راه را ساختند و مخصوصا امثال جناب پهلوان غیر کرده کاسکه از آن

سلطان امیر سبزواری

عبور نماید و مبرای قوافل و قار استخلاصه و بعد از دم صفر تشریف نهی در زیاده شدند از قد مکاه نادریز یاد  
 چهار فرسخ است در روز و از دم تشریف با در تری و اجلا از فرمودند از زیاده تا تشریف با در چهار فرسخ است و در دم  
 بجای طرفی هفت فرسخ است در این راه در محل و سوره پنه سلام حضرت شاهنشاه از اجلا و اجلا لاله و لاله  
 فرما فرمای ملک خراسان و حاجی طباء الدوله و حاجی شریف خان بکری و حاجی میرزا محمد رضای سونی با سوار  
 شاهسون افشار و غیره بر سر استقبالی بقبیل کباب علی نایب کردند و اجازه مراجعت شهر یافتند که پذیرای مقدم  
 مبارک باشند از شرفی با در اطراف چهار فرسخ است در چهار دم صفر موکب سعید مشهد مقدس و در فرسواد  
 طرفی نا شهر مشهد بکری سنگ و نیم است راه بنهای صاف و وسط و کال سکة روی باشند از هنگام اشخاص موکب  
 از طرفی نا شهر عطا الفضال در خارج حجابان نوچیان بشلیک توپ مشغول گشتند مستقبلین هر جا از پیاده  
 و سواره صف کشیده بودند همه جا جمعیت از دحام زیاده از حد و صداهای شادی و ذکر صلوات بلند بود  
 از آسندای حجابان خارج شهر یاد در روز و سربازان ملتزم کبابان و سمشا پیاده از دروازه در بیخ مقدم  
 افواج منو قضا رضا اندس حاضر شده بودند کاکین و اطراف حجابان را اصناف و کسبه زینت بپوشیدند بقاره خانه  
 حضرت فیض آثار را بنواختند ناظر و محال و خدام حضرت رضوی با علمها و بید فهای زنگار و موکبها چون را استقبال کردند  
 در وقت ورود بعضی مطهر محض احترام امام همام و حرمت بعثت سیدانام اعلی حضرتها چون جفته مکتل بالاس  
 که از علایم خاصه سلطنت است از نازک مبارک بر داشته بر سر پیشکش در آستان حضرت رضوی سلام الله علیه نقدیم  
 فرمودند و با کمال ادب و خضوع از محض شریف گذشتند داخل در وضه متوقره شدند و با وقت قلب زیارت خواندند بعد از  
 لوازم زیارت و دعا بفرج مسجد کوه شاد تشریف برد و در سوره سوره موعود و بپوشیدند بر در عباس پیرنا طاب الله  
 ثوابه ناظر خوانده از در بالا حجابان بیرون آمده سوار شده از باغات حله مراب گشته بارکها چون تشریف و دروازه  
 داشتند و آردوی معنی در خارج اول سکوی گرفت و در او اعیان داخل شهر منزل نمودند  
 شهر مشهد را خندان قدمی نیست و از هنگامیکه مضیح حضرت مقدس رضوی شده و بجلیه آبادی بغداد و پیش از آن  
 طوس که مسافت آن تا این شهر چهار فرسخ است آباد بود و چون شرح حیرت آبی شهید مقدس سابر بلاد و فقیهات و  
 فرای خراسان بر تریب مردمی هر یک بجای خود براد میشود درین محل فقط بیکر انبیه مطهره معلقه حرم و محض وضو  
 متوجه می یازیم و آن از فرادید است

صحنهای مبارک

صحن بزرگ که در طرف شمال و پشت سر حضرت واقع است معروف به صحن عین بصف آن که در سمت کیند طلا شانه باها  
 شیر علی وزیر شاه سلطان حسین باقی است نصف دیگر که سمت ایوان شاه عباسی است سا بقا مدارس اهل سنت  
 بوده و مرحوم شاه عباس ثانی بر صحن افزوده و این صحن را چند راست در ایوان حجابان بالا و در ایوان حجابان و در  
 ایوان

بیاز و نیزه در ایوان بیاز از آن که از اقبیه بر فیض الله و نیز نظام است در صحن فکاکه که در ایوان با فاجع مرد  
 حجرات و اقدار بر صحن قوافل و تخانی است اینها از بناهای آن که با رسم است از بنجر است  
 ایوان طلای نادری که بنای آن از امیر علی شیر است و طلای نادری شاه از این ایوان در ایوان السیاده و در ایوان جید خا  
 میرود و کما جنانه مبارک که در این ایوان است در جنب این ایوان دو کوشک است یکی کوشک بالا که بیضا خا و در آن  
 میرود و در ایوان کلید طلای عباسی در دو بگری کوشک با این یکبند الله و بر روی خانی که در یک و امر بجای کرباس و صخره  
 مطهره بوده است منتهی میشود

ایوان شاه عباس مقابل ایوان طلا است که کاشی کاری آن نهان است اینها از در و در پشت سر آن محل مدینه و کلا نایب است  
 که در آن مدرسه کلا مشغول نادری آثار عالی بنیت میران کلا مشغول بعد از نادری شاه و والده خاقان خلدا شیبان  
 کرده است

مدرسه میرزا جعفر که از بناهای سبب اعالیه و در عهد اوزبکمان ساخته شده است در کتب ایوان مقابل آن است  
 سلطان حسین ضبط است مع معلوم نیست که مرحوم شاه سلطان حسین معبر با این بنا بوده  
 (حجره میرزای ناظر) (شماخانه حضرت) (کوشکانه مؤذن) (مکتبخانه انبام) (کوشکانه در بانان) (مجلسخانه حضرت)  
 (حجره میرزا حسینعلی وزیر) (عمارت وزیر نظام) (دار التولیه حضرت الملک)

سمت حجابان پانین بالای در پانین حجابان تقاره خانه حضرت است که مرحوم حاجی قوام الملک ام نموده  
 سفاخانه وسط صحن موسوم بیضا خا طلا که سنگ با ناز در عهد نادری آورده اند و اصل عمارت و طلای آنرا اسمعیل خا  
 طلا در عهد خاقان خلدا شیبان ساخته است

صحن جدید که صحن بزرگ باشد معروف به صحن خاقان که در پانین پای حضرت واقع است اصلان از بناهای خاقان خلدا شیبان است  
 کاشی کاری آن که در کمال اینها از آن مرحوم میرزا موسی خان و از آن سنگان قدیمی از مرحوم معری الیه و قدوی از آن  
 عبدالباقی میباشی و تمام آن از میرزا فضل الله وزیر نظام شده حوض و مطبخ از شاد الیه است آن صحن را چند بار است  
 در صحن مقابل ایوان موسوم بقصر اعیان در حجابان پانین در ایوان از زر که در ایوان بطرف مغرب مرحوم شیخ بهائی عمارت  
 واقع در صحن علا و عمارت تخانی و قوافلی که محل نوبن طلا است از بنجر است

ایوان طلای مبارک که ناصر علی اصل بنای آن از خاقان مغفور و طلای آنرا از جسیله شاهنشاه بجا مرحوم میرزا محمد حسین عضد  
 الملک در ایام حکومت خاسام السلطنه از منافع ملکی حضرت فیض آثار ساخته است از این ایوان در ایوان السیاده است  
 در جنب این دو کوشک است که خود ایوان منتهی میشود  
 (کاخانه و شرفخانه خدام) (سفاخانه کاشی کاری سلطان بنای حاجی میرزا محمد رضای مستوفی است)

مخبر جنوبی که در مقابل حضرت واقع است مسجد کوه رشاد است که یکی از بناهای بسیار عالی و معروف است خاصه کاشیهای  
 معرق و غیره آن که بلچینی های بسیار نماز میشوند بر روی کند و باقی بنای عالی کوه رشاد در سراسر بنام کوه رشاد است و در  
 صحرای ابروان و شبستان است در ویدان از این بنا است در ویدان از این بنا است در ویدان از این بنا است در ویدان از این بنا است  
 شیخ بهائی است در ویدان از این بنا است در ویدان از این بنا است در ویدان از این بنا است در ویدان از این بنا است  
 ابروان معصوم با کندی بیجا عالی در ویدان از این بنا است در ویدان از این بنا است در ویدان از این بنا است در ویدان از این بنا است  
 طولانی چهار ذراع است ارتفاع کتیبه که در وسط آن واقع است چهل و یک ذراع و قطر پهای ابروان پنج ذراع و ارتفاع  
 بنا از کله ها چهل یک ذراع است نیز از محاسن این ابروان آنکه از منتهی شد و پست که بنای آن شدالی همان همچو  
 محتاج بنام کشند

ابوان سن حضرت معری و ابروان دارالسیاده که در مقابل حضرت دارد و در جنبین آن دو کفتر است  
 ابروان مشرف (ابوان عری) (شبستانای طراف) (حوض مسجد معروف بمسجد پیر وزن)

عمارت و اوزمطهر

(مسجد عری که طول و ارتفاع آن سیاده است که از سمتی مسجد کوه رشاد و از سمتی در مقابل خانه ابروان طلای نادری است  
 میشود از بناهای کوه رشاد است) (مسجد مشرف دارالسیاده است که از بناهای اصفالدوله است پائین پای حضرت واقع است  
 بالای آن حوض پائین است سمت پائین ابروان طلای نادری (مسجد شمالی و جنوبی خانه) (میان غرب و شمال مقابل خانه و در  
 کله شطلای شاه عباسی است) (مسجد جنوبی از الحفاظ که سمت بالای آن هم مطهر است سمت ابروان مسجد کوه رشاد این بنا  
 عالی نیز کوه رشاد است پائین کاری از ابروان الحسام السلطنه کرده است) (میان شمال و شرق کتبخانه حضرت و کتیبه  
 الله و بر در چنان است این کتیبه خوی لا ساس که سابقا کرباس حرم مطهر بود هانا بنی الله و بر در چنان یک کرباسی فارسی  
 که در زمان سلاطین صفویه ساخته شده و کاشی کاری آن در کمال است) (میان مشرف و جنوبی در مقابل حضرت  
 که در ابروان علی بنای مشرفی است که ساخته است در حضرت بنام در سحر حال کتبخانه است در پهلوی  
 آن کتبخانه حدام و فوه خانه و راه رو کتبخانه معروف و کتیبه و در ویدان از این بنا است در ویدان از این بنا است  
 میان جنوبی مغرب بخوبی خانه منقولات و محوطه خانه فراتان که در هر دو از الحفاظ است)

حرم مطهر حضرت امام هشتم علی بن موسی الرضا علیه السلام و الحفیة الشاهلی است مربع که در وسط عالی آن صریح منقود  
 حضرت امام علیه السلام است چهار در و ابروان بنای عالی مقدار از فرار معروف از بناهای اسکندری است کوباد و در  
 از این زمین به شش این عبور کرده و واقع خار و عادی مشاهده فرموده سبب از این زمین تا ناچو یک کتبخانه اجا  
 معلوم نموده که این مکان مدفن پیکر آن لاد خانم پغیران خواهد شد پس نذری بخاطر گردانده و بعد از وصوفی طلب

چهاره بوری حکم در آن مجله را نموده که تاکنون بهمان اسم باقی است و روزی در زمان خلافت که غالباً از اسان و ما و راه  
 الهی را مفر سلطنت سلطنت است و سر و سر خشت و کلاخ بود هوای طوس را ملایم حالت و مناسبت باشد و در وی از زمین  
 بن محل رفیع آمده و این بنای پنج را مشاهده نموده از حقیقت آن خبر پاکت حکایت کند شش بار از شش کتبخانه است  
 شخص که از خانواده رسالت و خلفه غیر این نام و این مکان از برای مدفن من معین شده پس امر نمود که بر این چهار دیوار  
 عالی نگردد و چون با دیگر بخت جسم او در این محل دفن نمودند از آن پس در زمان خلافت مامون رومی پاک و کوه  
 ثانیاً امام علیه السلام در فرج سن با که هنوز بعضی از حلقه شهر مشهد است فناء مشرف است بمقام قدس و  
 مرکز اصلی و امید با اشارت مامون الرشید بعد مطهر را درین کتبخانه که بالای سر حارون است بحال سپردند و غیا  
 آن مکان را نویسی بدو رضوان کردند چون مقبره حارون در وسط واقع بود لایه ای از این مقبره مطهر منقود بالان  
 آن باشد پس صندوق مبارک نصیبتی و افشند که وسعت منبلا سر بسیار که فرزند یک دیوار کتبخانه حرم مطهر و شاه  
 عباس صفوی رحمه الله علیه بالای آن کتیبه مطهر باطلا نموده و داخل کتبخانه مبارک کرد در عهد شاهنشاهی عجمه عالیاً  
 پناه مبرک صادق فایم مقام ابدیه کاری کرده است کاشی از آره وسط کتیبه که سر کوب چینی صفوی است و ضم ساخته  
 شده فنی در کتیبه که خطوط رفیع و اسلامی در چشمه دارد و میتوان دعوی کرد که تا امروز چینی اصفهان و صنعتی این  
 دقت نشده است بگر خشت های سلسله سقید است که با خطوط طلا با بایات واحد پست ترین باشد آنچه چینی  
 پیوسته غیر این کاشی عالی از معدنی که بالفعل در نواحی مشهد وجود است حاصل میشود حرم مطهر از دو سمت که  
 از سمت پست سر و دیگر از سمت بالای سر و قضای شاه نشین مانند است که اولی مسجد زان و ثانی که حرم مطهر محمد  
 و طبریز ساخته است بمسجد ایشان موسوم معروف است از این دو مسجد یکدیگر را می گنند این کاری از اعباس سفلی  
 بر چرخ پستیا نموده اکنون محل نشین فراموش کلام است صریح مطهر مربع طولانیست سطح آن از حشمتها بلور و فرورش  
 و این صریح است صریح اول طلاست که حرم شاه عباس رحمت مکان در سفر یک پیاو با ایشان ملک پاستیا آمده  
 بر حسب ربع هفت هزار تومان انجام داده و نام مطهر برای نواده نادر شاه افغانا در دزدیده و بعد بحکم نادر میرزا  
 محل خود عود داده اند و طلای یکسخت آن در محل و نقل و موقوف شده است حال یکسخت آن نفره و سه سمت طلاست  
 دوم فولاد مرصع است که از فرار معروف نادر شاه برای فر خود ساخته بوده است چون چنین صریحی در لایه امام نبوی  
 بعد از فوت نادر شاه بعد از مرگ کار فرمای نادر سپه است صریح سوم فولاد است و در شریفی صریح فولاد  
 صفر نقره و بر روی آن صفر طلا استوار کرده اند حرم مطهر را سه راست در ویدان الحفاظ و در ویدان پائین پادری  
 بوجود خانه

در ویدان نقره و در ویدان مطهر

(در دلا و باب) (در روز بفره هفتاب) (در وضع طلای صرع که خاقان منفور خلدایشان ساخته بودند سالار  
 طلا نزار و بدید بعد چسبند چسبند نواب سلطان مراد میرزا حاکم السلطنه دوباره طلا و صرع کرده است) (دردار  
 الحفاظ که در صومعه عند الملك بر حسب فرموده و در هابون طلا کرده است) (ایوان نادر شاه یک باب) (سایر سه باب)  
 (در کابخانه) (در یک از دارالسیاده بدار الحفاظ می آید نواب حاکم السلطنه سلطان مراد ساخته است و در چهار چوب  
 از مرحوم عند الملك طلا کرده) (در کفشک اول) (در نو چیدخانه) (در دارالسیاده از سمت ایوان طلا) (در دارالسیاده  
 از ایوان نادر که مرحوم عند الملك ساخته است) (در پانین یا که طلا و صرع بوده و در زمان طفلیان سالار طلای نزار است  
 و حال بفره نهران باقی است

مقابر اشخاص معروف که در خدمت حضرت فیض آثار مدفون شده

حضرت فیض آثار (مرحوم شاه طهماسب) (شیخ بهائی علیه الرحمه پیران روانه و محوطه معروف پانین است)  
 حضرت (علاء الدین) (حاج میرزا محمد و میرزا محمد مسجد خودش) (محمد فیضی میرزا حاکم السلطنه) (حاجی نوبت  
 الملك) (فرمانفرما) (افای حاجی میرزا عسکری امام جمعه) (حاج میرزا موسی خان) (ولجان از جلدی و وفات پیران)  
 افامیرزا احمد) (شیرالدوله) (عند الملك) (سپهسالار اعظم) (میرزا محمدخان) (امیر کونین خان نوجانی) (شاهزاده ملک  
 قاسم افغان) (شاهزاده ملک حسین پیران) (عبدالقادر پیران) (میرزا محمد علی شوقی) (میرزا ابوطالب)

دارالشفاء و بیمارستان

(دارالشفاء در خیابان واقع است) (بیمارستان در خیابان بالا) (بیمارستان عیان در پانین)  
 بعد از آنکه در روز و نیم افات و یک ماه بون در عرض بود ابتدا بطالع را بفرمودند و آنرا از دارالشفاء در پانین  
 پراخت حکم بجواب هر یک فرمودند بعد هم پیران میان و شاعر ملک الشعراء حضرت رسول سلام الله علیه قصیده در مدح  
 حضرت و در دو مویک علی بارض فیض نزار نشان داده بود نوشتن محمد حسن خان پیشخدمت خاص معرین سائید و بانعام  
 ملوکانه نایل کرده و ما از آن قصیده مطلع آن آقا سائید ما بنم و هو هذا

انجمن بلک جهان جان بابت بهر نزار در ورود مویک سعوی کچان شهر بار

روز شام در خوابین و سرگردان و صاحب منصبان خراسانی بنو سبجانب سپهسالار شرفیاب خاکپای فرید ساگر و پند  
 نیزه ناصح و سایر صاحب منصبان و سرگردان مازندران بنو سبجانب اعضاد الدوله شرفیاب و حاصل نمودند روز هفتم  
 وقت نماز صبح جناب سپهسالار داعی خون البسک اجابت گفت و خاطر هر مظالم ازین جهت منالرشد

جناب سبجانب نزار محمد خان سپهسالار اعظم و وزیران و اولاد علی



ابو القاسم  
۱۲۹

نظیر پارسند مات و حقوق آنم فرمودند جمع روز و اعیان که ملزم رکاب بسیار بودند مشاوری و اشباع  
 نمایند با خرام هر چه تمام نزد علی که در سخن مقدس خود از مجموع انتخاب کرده دفن کنند و مواظب باشند که چیزی از  
 اموال او تصرف نشود و روز هجدهم در دیوانخانه مبارکه بعد از احکام و امور ملکی اشغال داشتند محمد صالح خان  
 کرد چهره سزایی که از پستان بزم نقیله اسنان مبارکه آمده بود بنویسند جناب بهر الملك بخاکهای مبارکه مشرف  
 کردید و حکم بفرمودند سر بر با جعفر در منزل سوان و نظیف معابر فرمودند و مفر شد که در راه و خانقاه که در موضع  
 پیشی بود بفرمودند بسبب در بخانههای شهر که معبر میان سیونانال فرانسوی چهار چرخ از مرغ افکند  
 امپان مثل نمره و چغندر بود و حیض و همایون آورده بانهای شایان نایل کردید و مفر شد آنچه چهل چرخ را با لاله ها  
 کار مشهود که کمال امپان را داشتند هم چو غنایه بدید که حضرت نمایند روز دهم ابتدا بعضی علمای بزرگوار در حال  
 مثال مقدس فرموده و صبا می شدند بعد از شش روز که موث و کولان و غیره که بزم نقیله عینه علیه آمده بودند و  
 جناب ظاهر بودند و له با بن مقبر عظیم نایل شدند چون دو ساعت بعد از بزم ماندند و آن معدک معانی هابون موعود  
 زیارت و در وضع منوره شدند و ابتدا بکجا بخانه مبارکه حضرت و در فرموده کتابهای خطی مناز و فریاضی که بزم  
 کریمه را مطالعه و ملاحظه فرمودند و روز بیستم که روز بیستم بود در وضع خوانی گذشت روز بیست یکم بر یک  
 طبر و اجریست خان حاتی و برادرش که مدینه بود از خواسان فراری در صفحات هر آن بزم مریدند بنویسند بنویسند  
 الدوله شرفیاب خاکهای مبارکه و صورتی تقطعات شاهانه کردید و چون هوا گرم شده بود رای مبارکه چنین افضا فرمود  
 که با معدوی از خواص خدمت بیدار کلسان شریف فرما کردند تا عظم ملزمین رکاب علی چون امین الدوله و وزیر  
 الملك و معالی الملک و امین الملك و سرکردگان افواج و غیره از این سفر معانی شدند و مفر شد عکاسی استی عکس  
 محترم و صفتها و اینبیه و مقدس بر دارد روز بیست و دوم شرف فرمای پلائی کلسان شدند از شهر نایبلا کلسان  
 سفر بیخ با بفرمودند چهل خانقاه و در عین و در خانقاه ایوب باغات مشجر با صفای دارد باج هوای آن نهایت خوب است  
 روز بیست و ششم از کلسان شهر مشهد مقدس عاودت فرمودند روز بیست و هفتم محمد حسن خان مامو کلان شد  
 و در نظام امور سواره هزاره و اسفرا بن احکام حکم شرفضد ریافت و پونسخان هزاره و نیزه که مصلحت  
 و بظنی شده در نظام امور سوار و رساندن مواجب مریوانی و مبالائی کرده بودند عزوجل شدند و محمد خان  
 هزاره با بل یکی کرایه هزاره منصوب شد بعد از آن زیارت و وضع منوره پیرداختند بیست و هشتم عرابی و زراکه  
 از داخل الحاق فرسیده بود معطالع فرمودند و روز بیست و نهم چایاری از اسرا بود رسیده از جمله اخبار این بود که  
 نایب از امانت در میان طايفه جعفری آمده و تبصیر خود را بغير طلب داده و بلفبا ایشانی که از امانت پیشوایان  
 است مصلحت کردید و مصلد شرارت شده است بران سرحد مری و کلاهیجان معروض افتاد که حیره افای مشکور  
 بیاس که از اشرا است غفلت را با بل فرا پایانی ناخنده بسیار ای کشنده و یکدیگر در لغات کرده و بخاک روم که چهره هم

اندر این

از ایشان و خودشان بجز آن سببند که مرضی شبیه بطاعون در بصره و حمزه و نهر هند پیر بر نموده اسباب وحشت  
 و اطلاق مردم شده است و این افات و احکام مفیده صادر کردید و روز سلخ بزم از خواجری و بیع کثیر بفرمودند (خواجری)  
 بیع از خلاص گهستان مولای شفقان و از افغان او پس فرزند و هم بن چان و طاهر بن عبد قیس بوده و از میانان  
 حضرت ردی و عراقی با سبب شکر عرب داشتند در جنگ صفین با چهار هزار نفر از وی بکوفه با آمد حضرت زین العابدین  
 جان فشان را نموده فرزندش پیش در کنار رودخانه طوس است چون مرحوم سلطان فتحعلی خان حیدرآباد شاهی  
 بزرخواست بیع مدفونان فاخته خوانده و بفرمودند و وقت عصر حاجت بارک شده و بوقت اعتقاد الدوله  
 معروف داشت که مراد ملقب با پستان بانرگان بیعت آن قلعه ناخنده و با نواب ملک و احیکه را ناخنده و جناب حاجی ملا رضا  
 رئیس العلماء در جنگ بدرجه شهادت فایز کرده و خود ملک را با معدوی در خانه آدینه خان که از جمله مکتوبان دولت  
 است مشخص کردید و محمد میرزا شرفی الهی به زخم کول و شمشیر داشتند و چون جمعیت نواب ملک را که در آن چندین هزار  
 نفر از پیشوایان برای او شده خاطر همه نظام از استماع این خبر آشفته و متوجه وضع غایبه بود که دو ساعت از شب چهار چرخ  
 از داخل الحاق رسیده شده داد که نواب ملک را عالت نر که حضرت و ایشان بفرمودند نواب عظم کشنده شده است که خبر خوب  
 مرتب کردید مع ذلک احکام آید در نظم صحف استرا با و حدود و مجر جز و تبصیر کامل از طايفه مطروده شرفضد  
 یافت روز نهم و بیع الاول اسنان حلام اسنان مبارکه حضرت رضو سلام الله علیه و تعدیل جمع و خرج موقوفه اسنان  
 مشرک و باز در بدین کجاخانه پرداختند و اوراق قرآن کریم که بخط میرزا بای سفراست بنظر مبارک رسیده مفر فرمودند  
 بهر جا بسیارند بفرمودند و از این قرآن را با پستان کجاخانه مبارکه موصول دارند و بوصول انعام سرافراز کردند و در  
 دوم و بیع الاول و اوقات مبارکه مصرف تمام ملکی بود روز چهارم محمد ابراهیم خان مظفر الدوله که مدت زمانی  
 مامور عدت پستان بود و از شهر جدید ناصری که در افسانمان بنا کرده اند با سواره و پیاده ابو اجمعی خود بنقیل  
 عینه علیه آمده بخاکهای مبارکه مشرف خود او و پیشتر مورد مراد ملوکانه شدند امیر شاعران خان پسر مرحوم سلطان  
 احمد خان حاکم هرات با عبدالله خان برادرش و چند نفر از رؤسای علی کدانی و خزانگی دیگر طوا ایضا افتاد که از راه پستان  
 طبرای مظفر الدوله بجهت شرفیاب اسنان همان آمده بودند نیز بنفقتان حضرت و آن مبارکه کردید و مبلغی در این روز باطل  
 استحقاق شهید سرکار اعظم شاهنشاهی و انعام فرمودند دعوی ابو ظیفه و مستمیر الخط و حرکه که در کابل  
 واسوده نمودند و عزم سیاحت تفریح بپلا فاف شاندرین و انصمیم دادند روز نهم ماه بمطالع نوشیجان مرحوم  
 مشغول بودند و میرزا علیخان منشی حضورها بون (جناب امین الملك) مختصر روز نامه اداری که چون شکوه معلی و که از  
 بدو حرکت مکتوب صورت در اراطلاعه ارد و طبع میسند بزم حضور مظهر و در سببند مقبول خاطر افند اسناد  
 روز ششم ماه به پلا فاف شاندرین شرف فرما شدند از شهر مشهد تا بندر بختی سبک و اکثر آباد و معوره است و تبصیر

شاندیز

شاهنشین یکصد خانوار رعیت و باغات و عمارات عالیه دارد و قلعه قدیم شاندرنگ که بالای تپه واقع است خندش و بادور  
 محکم داشته و چون حصانت آن گاهی موجب شترانها می باشد نواب و الاحسام السلطنه در ایام حکمرانی خود از آنجا  
 روز جمعیت بقصبة اجمیل فرستادند از شاندرنگ که هو و فرسنگ بنام است و فرسنگ صحرا و مسطح و بقیه آن باغات  
 و آبادی دره است این دره و باغات ناقصه دولت آباد و اجمیل که چهار فرسنگ است نامند دارد و همچنین میند است تا  
 قصبه کلکان که در نیم فرسخی اجمیل واقع است دولت آباد و اجمیل هر دو دو قصبه نزدیک و سه صد خانوار  
 رعیت دارد روز دهم ماه وارد چشمه سبز شدند چشمه سبز از فضا می درده که در سمت شمال شرقی نیشابور  
 است از آنجا تا نیشابور هفت فرسنگ است و در این محوطه نهر بسیار بزرگ و در وسط آن دریاچه ایست که هر وقت  
 اوست آب چند چشمه که چنان از اطراف بر او جمع شده و در وسط دریاچه چشمه تمام شده دارد که آب از آنها غلبان و غورا  
 در آنه بقیه مکه در ظاهر معلوم شود و زباده از چهار سنگ آبی از این دریاچه بجهت کلکان جاریست که این فرسبه و  
 مزایع آن را مشرب و بسیار در روز یکم ماه در شاندرنگ مشغول جواب عرابی و زرا بودند در آن روز هم شهر مشهد  
 فرمودند پس در هم سران یعقوب خان و ابی هرات پسر سردار امیر شیخ علیخان که بزم شربانی آستان مبارک آمدند بود با تمام بزرگان  
 و اعیان هرات و افاضتشان بوسیله ظهور اوله بار حضور هابون یافت و عرض پیشکشها نمود چهاردهم و پانزدهم فقط  
 مشغول مهمانگری و استقبال و پذیرایی بودند حاجی میرزا رضای شیخو خراسان بلیغ سننشار الملک را فراز شد حاجی محمد  
 خان و کپل طبرستان و الملک لعلی پادشاه و محمد حسنخان و لدمشاه و ابی نصیب هرات که با یکدیگر در روز شانزدهم بکارهای خراسان  
 و امور این ملک رسید که فرموده ارباب صنایع و غیره با بواطن و آشوبیات زاید اماکان امیدوار فرمودند و در هفدهم  
 عبد و ابو سعید حضرت خلیفای علی علیه السلام عبدی در دم مطهر پادشاه تمام امام علیه السلام انعمتاد  
 دادند و ذات مقدس شاهانه با تمام اعیان ادای نیت فرمودند و در روز سردار یعقوب خان و اعظم هرات و افاضتشان  
 بخلاج هابون سرفرازی حاصل نمودند روز هجدهم استان عرش نشان حضرت رضوی با وداع فرموده موکب علی فرقیه  
 چمن قهقهه کردید و سردار یعقوب خان و همراهان او نیز اجازه انصراف حاصل کرده و راه هرات شدند چمن قهقهه در شمال  
 مشهد و در چهار فرسنگ واقع و با هم فرقیه که از توابع ارض اندن فریب بطور است موسوم می باشد روز نوزدهم  
 چشمه کلاس نزول اجلال فرمودند از چمن قهقهه چشمه کلاس بخجرت است چشمه کلاس در فضای دامنه کوه واقع و  
 فرسیده سنگاب غلبت ناگوری دارد که در توابع شهر مشهد مقدس می آید سنگ کلستان شده از جنابان داخل چمن  
 مقدس می کند و نواب میرزاها که سب و ملتق به نیرالدوله شده از آنجا می آید اجازت انصراف مجلی حکومت  
 خود یافت و در بنیام چمن کویاغ متر کا موکب علی کردید از چشمه کلاس تا چمن کویاغ چهار فرسنگ است هر جا محمل  
 مسطح و سبز و خرم و موفضا پلاک کوا امو است که زباده از پنج هزار خانوار بسیار است و بنیام بک بلبه را در کان

شرفی که در پندار کویاغ برادر کان یکفرسنگ است قصبه دادکان قلعه بزرگ و محکم دارد که هزار خانوار در آن مسکن  
 دارند و در بنیام دوم ملاحظه مطالع عرابی و زرا در کان اطراف شد بنیام بک بلبه را در کان بنیام بلبه را در کان  
 از دادکان تا سوهان سه فرسنگ است راه شمال مغرب و در جلگه واقع است که از بین و بسیاران رسته کوهی نامند دارد  
 کوه سمت استان بفرسنگ زیاد از زباده و در بنیام قلعه کلان در سمت شرقی و اثنای شعبه این کوه واقع است و در  
 و چهارم بعلی آباد که اول خاک فوجا است شرفی که در پندار چمن کلکانی زعفران بود در بین راه با پانصد سوار  
 و سران سپاه و خوانین عرابی و بقیه کاب اعلی شرفی که در پندار سوهان ناعلی آباد هفت فرسنگ است و در بنیام چمن فوجان  
 بود و مسعود خرد و نیز بر کرد پلان علی آباد بقوجان (خوشان) سه فرسنگ است شرح جزئیات آن در موقع خود بیاید  
 و در بنیام ششم و بنیام هفتم و بنیام هشتم در فوجان توفیق و بیام ملک توجده داشتند امیر حسنخان الطحانی و امیر شیخ  
 لعلی که در دنیا بولجین خان پیر مشارالیه شمشیر کل مرصع مرصع شد و سایر کسان او بخلاج ملوکانه سرفراز شدند و  
 بنیام نهم موکب هابون شرفی که در پندار فراهان برادر الله پادشاهان حاکم دره جگر بار دی هابون احضار شده  
 بود باد و پشت فرسوار دره جزوی در راه بلخ زمین کاب اعلی دیگر سواران پوسته مفضو از احضار سواران خراسان  
 نندید طاعنه موت و کلکان بود و در احدی از قصبه نندید طاعنه هابون خیری نداشتند از فوجان بجز لیلی  
 دو فرسنگ و نیم راه است این چمن بسیار وسیع و سبز و خرم و از هر سمت چشمه ها و نهرهای آبگوار دارد و در ذی قعد و بیع الثاني  
 بنزل فخر آباد نزول اجلال فرمودند از چمن ایل تا فخر آباد سه فرسنگ است در فخر آباد قلعه محکم بزرگ دارد که فرسنگ  
 خانوار در آن سکنا دارند روز دوم بیع الثاني شهر شروان بود و مسعود شاهانه مزین کرد بدام کوه برادر شیخ الد  
 حاکم شروان با علما و اعیان بلخ زمین راه بزارت جمال مهر مثال مبارک فایز کرد بگلزار فخر آباد بشروان چهار فرسنگ است  
 بلخ شروان شهر دوم فوجان است که بحسب شاهان اول است هزاره و پانصد خانوار دارد شرح جزئیات آن بیاید و  
 سیم ماه متر عبد باد صرب چمن معلی که در بلخ شروان بعد با در سه فرسنگ است و در چهارم بفرساده شرفی که در  
 در بین راه چمن خان بکلریک و خانوار خان مرکز در هزاره با هفتصد پنجاه نفر سوار بار دی هابون پوست بکفر سنگ بود  
 ماند بعد از آن سهام الدوله الطحانی را که بخجرت و جلیم و جوبین و هزاره با هزار سوار شادلو که در نهایت شادلو بودند  
 بنیام یک کاب اعلی فخر کرده مورد نفقات شاهانه شدند در این روز و وقت عصر سهام الدوله را طلبیدند و از کویاغ  
 ضمیر بزرگ یعنی بر بند بر طاعنه کلکان و موت بود او را که می دادند و فرسنگ که قصبه ملوکانه را محفی دادند و  
 هفتاد و نهم ساعی ما شاندرنگ با در بنیام چهار فرسنگ است فوده اول خاک بخجرت است و در نیم بیع الثاني بلخ بخجرت  
 مقدم مبارک نیز بلخ فوده الی بخجرت چهار فرسنگ است شرح جزئیات آن بخجرت که در فوجان بخجرت ضبط شده در جلد  
 اول کتاب ثبت کرده است و در ششم و هفتم بیع الثاني در بخجرت افامت فرمودند و سهام الدوله را در نیشابور بک  
 با بدین شهر که طاعنه موت و کلکان در آنه شوند فوده و صاحب منصبان مفضل را بلخ فوده داشتند که در آنجا است

از صوابید سهام الدوله و امر او نکند و در شب هشتم رفت سوار صحرای شوغان بسیمت قصور روانه کردند

وامعای نوساوسرگردکان و صاحبمنصبان از این امر است

(سهام الدوله و صاحبمنصبان از این امر است) (شجاع الدوله صاحبمنصبان از این امر است) (کلیه صاحبمنصبان از این امر است) (صاحبخان سرنوب) (صاحبخان سرنوب) (عباد الله خان غلام بخشودش) (صاحبخان سرنوب و نورنگلو) (صاحبخان سرنوب و نورنگلو) (شیرعلیخان پادشاه) (صاحبخان سرنوب و نورنگلو) (فراخان سرکرده سواره دره جوئی) (محمدخان بیکلر سیکلر) (خان سوارخان سرکرده هزاره)

سوارکامامی

از مله زمین و کابها بود غلامان مخصوص (غلامان نضون) (سواره مهاجر) (سواره درین) (سواره اپستانلو) (سواره نورنگلو) از سواره خراسان (شادلو) (ذغرانلو) (ده جوئی) (هزاره) (جوئی) (اجامی) (علخان کریمی) (پیشوا خاصه اینر یاماموین حکم براهی فرمودند

دو هفته موکب فرزند از بخیر و در شرف غزای خیزه کردید از بخیر و دو فرسنگ است و در نیم از خیزه و چهار روز و پنج روز و شش روز و هفت روز و از ناچار بیچاره فرسنگ می باشد روز چهارم چهارده ستیغ صحرای منجم معلی کردید از ناچار ناچار ده بخیر فرسنگ است چون یکی از معارج صغیری ترا که که بیست عباس باد و بسطام و غیره و مردان دهنه ستیغ و درین میان فاصله چهارم و اسفرا این است که منتهی بجایها و کلا و نفاکشته از دهنه و در بیست میان دهنه و در میان این دو و کلن میان دهنه و عباس آباد و با از شیخ مرتضی علی میدان عبور نمود به مغرب و کلان و از اینجا بخیر آباد و دهان زیر ستیغ و در حکم ها چون شد در تمام آن گذرها و فراتر از آنجا ها و قلعه جات بنام اینده خاصه رسیده و گذر معروف که صحرای شوغان می آید یکی و سوسو بیست یکی بر باط عشق و یکی از مرد لوموسوم است و رهنه است و بنا کنند و فراتر از آنجا های معبر بسیارند و جنبه انوار در آن فلاح ساکن نمایندگان راه از شوا به خطر صوماند و در پانزدهم موکب علی عیال عیال فرما کردید از چهارم بجای فرسنگ است شرح جزئیاتی آن در حرف چیم بیاید و بیست و نه سوار هم سرکرده سواره جابو و میرزا فتحعلی نایبالحکومه جابو و یکصد نفر سوار جابو و قیل و کباب علی سر بلنگر بدند و آید جها نسوز میرزا حاکم شاه رود که در این و آن در نزدین بود باز نشان ها چون میاد و بنموده بنو ساطا اعماد السلطنه حاجی علی غاکه و کالتا بان شاه و در بسطام و نزدین و جابو داشتند و کجا ها هم چون شرف شد و در و از در جابو اما مشرف بودند و به طالع عربی که از دار الخلافه و سایر بلاد رسیده بود

مشغول کردید و در ضمن جواب جناب آقای مستوفی الممالک معلوم فرمود که طرفین معاودت موکبها چون از راه چشمه علی بیان و فرزند کوه است از جانب حکومت دار الخلافه بهر حال لازم باشد قبلاً از وقت غنیمت و سپور سوار است و حاضر نمایند روز سیزدهم از جابو بفرید آورده و در شرف فرمائید از جابو بدره دو فرسخ می باشد و فاصله و فرسنگ اندکتر باز در مسله کوهی است بلند و سخت که بسیمت غربی است و با فاصله درین سمت چند فرسخه و دو فرسنگ است یکی از آن دو فرسنگ با روی همایون است موسوم با بوار است و در چهاردهم ازین فرسنگ مبارک فرزند کردید از راه نزدین هشت فرسنگ است شرح جزئیاتی نزدین در هر طرفین بسیار در میان راه دره و نزدین چون راه را که دره و کالسکه نیست مضر داشتند کالسکه ها و از راه کجاها بکلان خج برده منتظر حکم باشند و در نزدین مرده فسخ و غلبه سپاه منصور که مامورند بهر ننگه بیون و ککلان بودند رسید و معلوم شد مامورین شب اول بشوغان که در نزدین فرسنگ بخیر است فتره روز دوم بر باط عشق که شش فرسنگ شوغان است شب سیم به راه رود که شش فرسنگ است چهارم هفت فرسنگ طی نموده بکالیوش رسیدند شب پنجم نیز هفت فرسنگ طی کردند و از مقابل فرنگ و فارسیان گذشتند در دهنه که کان منزل کرده اند شب یکم بعد از نماز مغرب و عشا سوار شده هم در آن تاریکی شب چهار فرسنگ جنگل گذشتند و در صحرای کرکان کشته از نمازی کیند تا بوس عبور نموده هنگام نماز صبح با و به های کرکان نزدین شد و آکیند تا بوس در کنار رود کرکان و هشت فرسنگی است آباد واقع و از این پس فدیما است بنا بر قول معروف بخیر تابوشن للعالی حکم از استرا اباد و مانندان بوده است خلاصه بعد از نماز صبح نشون ظفرون بلا جفا های آگه ناخن و مشغول نهج جلال شدند و تا چهار ساعت در نیم از طلوع اقیاب گذشتند تا پره حویا شتعال داشتند یکی از مداکب عذول و سپاه منصور غلبه کلی یافتند و زیاد از هزار اسپرود و بیست و نه سوار را که از چند طايفه فوج و تانار و فان بخیر و چار و او چور نصیب سواران جلا در نشان شده از در بند گذرانده و بنوده رسیده اند و در پانزدهم موکبها چون در نزدین توقف کرده بسپاه حین کالیوش که چینی است به نظر توجه فرمودند آن کالیوش تا نزدین و فرسنگ است در شمال نزدین واقع صفای بن چین معروف روح از موصوف هر سو چشمه ساری میان و نهی چون سلسیل جاری میان و از طپور و خرد مش و حوش و نماشای اصناف را چنین و کلکهای رنگارنگ طبع و انشالی خامی طری مخصوص میخشد و درین بین دور و در عظیم است که از کوه جاری میشود علاوه بر چشمه سارها درین شانزدهم موکب معلی از نزدین بکاشی در نهضت فرما کردید بدند درین راه سهام الدوله و شجاع الدوله و سایر سرگردان بر کاب معلی پیوستند و هر چند سوار و اسب سوار که بدست آورده بودند در معبر موکبانه حاضر ساخته می نمودند و مواظف خاصه خسر وانه سر بلنگر بدند و خلاصه در این منزل مفرز شده که اعضا الدوله و در حاکم و استرا اباد و سرافرازان و نواب جهانسوز میزاید بنیاد جناب ایشان مجله با استرا اباد و در خود اعضا الدوله از منزل خوش بیلاقی از آنجا

هابون مگر شکریه با فوج خاصه یکصد غلام و یکصد نفر از قایق جبار و یکصد نفر سواره نظام بمفره حکومت و ان  
 شوند روز هفدهم پلان و مترکاه اردوی هابون که پلان کاشی دار به پلان و سه فرسنگ است و در هفدهم از پلان  
 بخوش پلان شاهان فرمودند تا آن پلان و بخوش پلان چهار فرسنگ است لی موبک هابون از راه و در راه که زیاد بزرده  
 فرسنگ است تا به پیاده و در این راه شکار و جنگ فرمودند و از چهار فرسنگ است که از راه و از اجاره انفر  
 بجای حکومت خود بافت روز فرودم از خوش پلان بکلان خج بسطام نشریف فرماستند از خوش پلان بکلان خج چهار  
 فرسنگ است و این محل جدید بکلان سهام الدوله بخلعت هابون و نشان امیر فومانی سراج و زورخت معاودت بخوب  
 با قدر و ذیبتیم از کلان خج بکمره و طلعه و نو نضت فرما کردید تا از کلان خج بکمره و طلعه و نو نضت چهار فرسنگ است و در پیش  
 و یکم و بیست و یکم در کمره فامان فرمودند و اینجا مقرر شد که اردوی هابون منتهی شده است که در اسفار کوچک  
 و شکارگاهها همواره در رکاب اعلی بوده اند باز در موبک هابون با شکر است بکلان خج از راه و در اول منتهی  
 مهتعلیا از راه شاهرد و دوسمان و دامغان بدار الخلافه روانه شوند و بکمره که ما مور اسرا با ندا اعتصام الدوله  
 محل امور پیش خود روانه شوند ملتزمین خدمت حضرت مهتعلیا از قزاقان است

چشمه باستان بواسطه  
 مجاورت و انبساط باهر  
 غرض اخلاط طوفان بنیاید  
 و در صدد برطرف کردن  
 بیست و نه مزارن  
 و فی بقیه که اوردند  
 خلد  
 کردید و این را عوام  
 پنداشته اند و چون  
 مستند شد بگریزند  
 اند و شهرت داده اند  
 که در وقت جزایا ک  
 درین چشمه اند طوفان  
 میاید

بیست و نه و ملخ در چشمه علی اطراف شد و اینجا دستخط امین الدوله شرفصد و پانزده که چون تا فو لا دخله مسافتی  
 بیداشت پیشانی مبارکه تا فاعن نما پند بر خرد و یک شب را با سوسونان مهاسازند و بنده مؤلف حاملان و دستخط مبارک  
 بود عرقه جمادی الاوشریف فرمای سر خرد و سندن از چشمه علی تا سر خرد و سه فرسنگ است و در دوم جولاد دخله و سر خرد  
 مبارکه کردید از سر خرد و ناخود محله و فرسنگ و نیم است جولاد محل از هزار و هشتاد و سه فرسنگ است و در سوم بمنزل حرم  
 نوبه فرمودند از فولاد محل به نیکر حرم و فرسنگ و چهار فرسنگ است لی زیاد از شش ساعت راه است و در  
 چهارم نشریف فرمای اشران شدند بمنزل عربستان با غای مستوفی الممالک رسیدند از محل و در عرض دوازده فرسنگ و با  
 که در دار الخلافه بزرگ کرد بود در ماه ربیع الثانی هشتصد نفر را هلاک نموده و در او از خرماء مزبور شدند از مرض تمام و  
 با تحاطا فاده است خاطر مبارک مناله شده بکنز طولوزان حکیم باشی مخصوص اعلی حضرت هابون و حکیم الممالک فرمودند  
 لیر از حضرت و کبای علی السخضار و صوابد پند با غای مستوفی الممالک و میرزا علی و وزیر دار الخلافه از اسباب حفظ  
 صحت شهر را فراهم آوردند از خرماء اشران سه فرسنگ می باشد و در پنجم محلی کوسفند از جلال فرمودند و اینجا تا خوش  
 و یاد دارد و بر ذکر و علتان از قزاقان معلوم شد آمدن انواع از سم عثمان و دار الخلافه بوده از اشران بکمره سفید بفرستند  
 و نیم راه است چون ششم اردوی هابون در شب و در شان و جلگه فرود گوه اشهاض فرمود حاجی فرید علی خان سعید الملك  
 میرزا و جهان محمد خان سر نوی فوج خلیج از رکاب اعلی مخصوص روانه در الخلافه شدند بواسطه نلکرافت بزرگوه معلوم شد  
 مرض و با هنوز در دار الخلافه و اشیاست اسمعیل خان خوانندار نظام بانبر ضرر نکند شکر است که در سفید بشور نشان  
 چهار فرسنگ است و در هفتم تنگه دانی و قرار دی علی کردید و در هشتم و نهم و دهم در تنگه دانی اطراف شد عا  
 صاحب پارسل سفارتی تا تکلیب که از ابتدای این سفر خبر پشاور ملتزم رکاب اعلی بود از اینجا اجازت یافته بدار الخلافه رفت  
 بجای خان زبالا بود از حضور هابون بیک قطعه نشان و حامل از در جبره بر فومانی سراج از کردید با فاعلی اشیشانی پیشانی و خاصه  
 لغیب امین حضور و لقب کردید بعلی خان فاجا پیشانی خاصه شرفی که حامل خشنهای طلائی کسب علمها امین هابون بکمره  
 علمها السلام بود بعد از انجام این ماموریت پشاور را حجت کرده و در بخل انجا کجای مبارک شرف و مورد مرام خاصه و لوگانه کردید  
 روز پانزدهم بفر پشاور نشریف فرما کردید و در روز هفتم بمنزل ارجند و در این منزل پشاور اعلیخان پیشانی و منشی حضور هابون  
 و ناپساول وزارت خارجه که بر حسب امر اعلی مشغول نکارش احکام و روزنامه جات و غیره بود بخلعت هابون مقدر کشته شد  
 و روانه در الخلافه شدند و در سیزدهم بمنزل نشریف فرماستند و در چهاردهم در چشمه انکار و در پنجاه و یک از بیات سلطنت  
 کبری عرضی و با شکر کردید و در بیست و یک روز در بکره جویدی و شفا یافت و در بیست و دو روز با ترمیم بجای لارجان توجه فرمودند  
 روز شانزدهم چشمه لای حماند بقدم مبارک منبرین کردید و در هفدهم و هجدهم در دماوند اطراف شدند و اینجا باز بکمره نشانی  
 سلطنت بخلعتی و با دو چادر شدند و در بیست و یک روز شفا یافت روز نوزدهم در شب مبارک آباد دماوند حرکت فرمودند درین  
 روز چای پاری از دار الخلافه رسید جناب غای مستوفی الممالک اعراض محمد اسمعیل خان و کمال الملك و میرزا علی خان خسته الملك



امیران و سپهسالاران و محضوبان مبارک فرستاده از آنرا بر این معلوم شد که فلان ناد علی که انتصت و در هر میندوان فلاح محک است  
 ششون ظفر نون بعد از چهار ساعت محاصره و محاربه بفرمود غلبه را از ابراهیم خان بلوچ انتزاع نموده و منصرف شده اند و در  
 بیستم برسان من محال لو اسان نزل لاجلال فرمودند و در بیست یکم لیسان و کنار رود جاجرود محاربه و در بیست و دو ماهیون بویکشنه  
 بیست و دویم جادی اولی القین و السعاده وارد سلطنت ابراهیم در بین راه بسیار از شاهزادگان و در مجال و لعیان نیز یافت  
 جاله مرثال مقدس ظاهر شدند و از روز و دو موکی ماهیون محمد الله و فرزند و زیار و نیای گذار شد تا دم جادی الثانی و دیگر  
 هیچی و انا عزان فاند و در دهم جادی الثانی در شرف حضور و نشان سپه کرد بدند و روز پانزدهم شهر مزبور شهر دار الخلافه  
 بمقدم بیست و ششم مقدس نیز کرد بدجانبای مستوفی الملک و نیز در باستند و اسرا فرزند و باعطای فلان در صرع و حیدر شمس  
 کاز علامان این منصب جلیل است مقرر کرد بدست شاهنشاه زاده اعظم و لجهت ولت علیه بران فرما تقرمای از باچان از الحضا  
 بلاد الخلافه فرمودند بیست و شش شاهنشاه از اعظم عین الدوله حکمران اصفهان را بدین بارها یون احضار فرمودند

هم از و قیام ایصال آنکه روز و دویم سپهسالاران در دار الخلافه آمده بعضی از خانه های بیرون دروازه محمدیه و چند بار بجان نیند و کوی و کوی  
 خراب کرد و در شاهزاده عبدالعظیم هم خرابی نمود در سرحد جلفا نیز سیل عظیم آمده است بر فراز اهرمان مشیر لشکر اصفهان  
 لشکرهای اصفهان و نیشابور در جند اول و حایل مخصوصان سرافراز آمد میرزا علی اکبر خان اجودان باشی و یونچانده مبارکه  
 نشان و جها از و جبهه سرسنگی مقرر کرد بدین در احب الله لشکر نو بر لطف مشیر لشکر شد چون در عراق عرب با خوش طاعتی  
 بر و کرده حکم شده در سرحدات قرابین ایکنارند که سرب بمالک محرمه نماید و از آن فراساس از ابعده جبار ظاهر اند  
 و کتار و و کالنان ابالت را با امین الملک مقوض فرمودند حاج میرزا محمد خان بلیغ محمد الملک ملقب بمنصب جلیله نوبلی  
 با شکر حضرت امام ثامن علیه السلام سرافراز کرد بد حکومت بلوک خجابت بر الملک و مهمان و زکوه و دماوند با این خلوت  
 و کتار شد پیشکار حضرت شاهنشاه زاده اعظم و لجهت دولت علیه و کارکناری ملک از باچان را بنواب و الاضطرار  
 مقرر فرمودند امین لشکر چهره نوبلی و فوق امور ابائی و رسیدگی بکارهای نظام ماموران در باچان کرد بد محمد رضا خان فرزند  
 لیسر محرم میرانخان در افواج نوبچیان همدانی منصب سرسنگی یافت حاج میرزا محضظ منشی بکفطع نشان از درجه اول سرسنگی با  
 ان مقرر کرد بد در ماه جادی الاخره دستخطی بافقار جبار بر الملک شرف صدور یافت که صورت آن از فراد ذیل است

سواد خط جها انتفاع مبارک

چون نظام دار الانشاء دولتی سپرده بدین الملک است هواره منظور نظر است الحی نظام ابعمل باعظمت احکام صادره و بوی  
 است لهذا حکم پیشوان تاریخ غرض جادی الثانی و ما بعدها احکام مکه صادره میشود و از قبیل فرمان لقب فرمان منصب و  
 فرمان حکومت و فرمان نشان و مواجبت مستمری و غیره و احکام رسیدگی بکار بعضی دعاوی مردم سوای آنچه در بویانخانه  
 صادر میشود هر چه در پیر الملک باید بنویسد و بنظر برساند و بجهت رسید و بعد از آن بهر بیان و وزارتخانه آن احکام که متعلق

برسانند البته همین دستخط را بجهت وزارتخانه ها داده و اطلاع از این حکم بدین مقرران شهر جادی الاخری شد  
 روز چهارم جادی الاخره در تبریز ابتدا جشن عروسی حضرت شاهنشاه زاده اجل اعظم و لجهت دولت علیه نمودند و بلصیبه محمود مستان  
 نامه و در منزل جشن بود محمد اسمعیل خان و کبک الملک حکمران کرمان و بلوچستان در اجراء نوان و اجای اراضی مواجبت  
 جمله وارد و در باغ نظر کرمان عمارت در کمال خوبی است حکام بنا نموده است بر آن عیسوی و زهره الخلافه باعطای بکفطع  
 نشان مثال ماهیون سرافراز آمد محاسبه دار الخلافه طهران و نواب را بعهده میرزا عباسخان معاون الملک و کتار فرمودند  
 مدرسه دارالفتون از حسن اهتمام نواب و الاعضاد السلطنه انا فانا و برتر است کتابها که معین فرجه و نالیه

کرده انداز فراد ذیل است

کتابی که میرزا عبدالغفار معلم کل علوم هندسه و ریاضی و الفکره (رساله در علم حساب) (علم حساب کامل)  
 (اصول هندسه) (علم مثلثات) (علم نقشه کشی) (علم نبات جدید) (علم جغرافیه) (علم جبر و معادله) (علم جبرائیل)  
 (علم تیکرانه) (رساله ایجاد بلاد) (رساله در استخراج خط نصف النهار و انحراف) (علم شطرنج)

کتابی که میرزا کاظم معلم شیخ جبر و الفکره (شیخ مطلق و صنعتی و ریاضی و جبر جلد اول) (فیزیک) (دو سازی و غیره)  
 (عکاسی)

کتابی که محمود افغان معلم علم پیاده و زره و الفکره (مشق سراز و بخیران) (مشق باطالمان) (کتاب نیراندازی) (کتاب کالیف  
 سفر جنک) (کتاب فراول) (کتاب جدها داخله) (کتاب جغرافی) میرزا علی و میرزا رضای دکن نیز چند کتاب در علم طب جبر  
 نالیه کرده اند

روز شانزدهم جادی الاخره محمد اسمعیل خان و کبک الملک حکمران کرمان و بلوچستان داعی خوای الی باجابت گفت و صحبتان شها  
 الملک امیر تومان بحکومت کرمان منصوب کرد بدجانب سپه و بون پر که از جانب دولت فرانسه شهبان زینب خادی مامور در  
 دولت علیه بود از ابتدای ورود بجای آنجا بران جمیع شرایط احترام در باره جناب مغزی الیه معمول و در زینبیت حکم  
 جادی الثانی بلاد الخلافه با هر عز و وصول یافت نصر الله خان سرسنگی بنور کخانه باعطای بکفطع نشان سرسنگی و جها  
 مخصوصان سرافراز آمد نواب و الاضطرار الدوله را بحکومت کرمان و بلوچستان و بر وجود منصوب فرمودند میرزا سید حسین

سر شده در جها پارخانه مبارکه به پیشکاری شهاب الملک حکمران کرمان برقرار کرد بد  
 چون جمعیت آبادی دار الخلافه نهایت رو باز یاد نهاده و شهر کجانب جمعیت عالی را ندارد و ای صوابنمای ملوکا  
 انضمام فرمود که وسعت مکانی برای اهالی حاصل بدین مقرر فرمودند که شهر طهران از سمت شمال و از سمت جنوب  
 هزار و هشتصد و از سه جانب دیگر از طرف بکمبر از دوز و وسعت هند و کمالش اینرا را بعهده جناب آقای  
 مستوفی الملک و میرزا عیسوی وزیر دار الخلافه موقوف فرمودند و چند نفر از هند سپهسالاران مامور باین حد و در طول

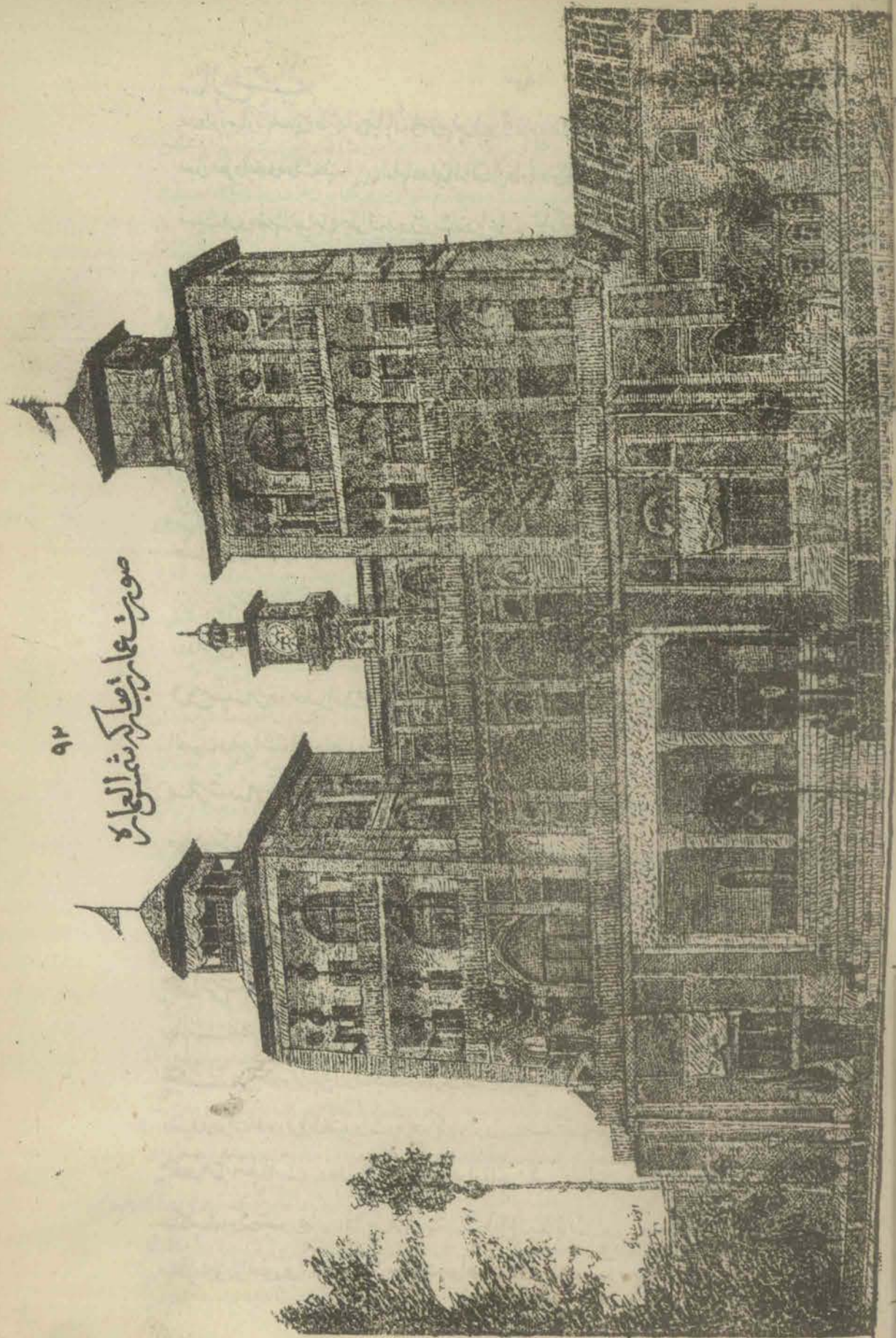
تقریر خان اتابک اعظم  
 از نواب علیه عالی  
 عزه الذی و اذاعت  
 شوکتها میشود

و در خندق آن فرموده و فرمود که خندق را حفر کنند که برای مردی درین معبر باشد و شهر از آن سبب محفوظ  
 گردد و پیشین باند هم شعبان در بیرون شهر در محاذی دروازه دولت سر پرده مخصوص ذات مقدس ما چون بر پا نموده  
 و در او شاهزادگان حتی زرای دولت خارجی معین در بار معدله نماز و در آنجا در هر جا در جامع آمده سلام عام معقد  
 کرده و بعد در موضعی که طرح خندق را در نقشه بودند با کنگری که از نقره و در کمال اعتبار ساخته شده بود در آنجا سرک  
 اعظم شاهنشاهی کنگری بدست مبارک بر زمین زده و حضرت شایسته شاهراده و لایه ناپاک سلطنت برافشاد و چون مسعودی  
 مبارک کرده ایشان هم کنگری بر زمین زدند از آن پس ما مورخین بجز خندق مشغول گردیدند و در این حال از آنکه منتهی شد که  
 سه ساله خندق تمام شود و در این شهر نخبینا سفر سنگ و نیم خواهد شد و در او زده و در او مفری است که ساخته شود  
 و ازین بعد شهر طهران موسوم بدار الخلافة ناصره گردید و میرزا محرم خلیفه در سن زیان مدرس مبارک که در آن  
 الفنون کرد و در آن ماده تاریخی طویلی دارد تاریخ این بنیاد چنین سرود

طبع محرم بادل شاد از پندار پنج کف جاودان باقر نیران باد شهر ناصری

و مقصود از دل شاد الفناست که اضافه ببلد مصرع ثانی میشود و با هزار و دو پیش هشتاد و چهار هجری که تاریخ بنیاد  
 مطابق میگردد

صورت کلیه خشتهای طلا و سایر لوازم زینت کیند اما مین هم امین عسکری که با هم ملوکانه ساخته شده و پیشتر آن میرا علی رضا  
 خان تاجار و پیشتر منحصرا نفاذ استان اما مین هم امین علیها السلام کرد بپایان فرار در پلاست  
 (خشت پیش هفتاد و هفتصد و چهل و هشت عدد) (کنج صد و شصت عدد) (حاشیه صد و بیست عدد) (سر طوق کیند  
 مطهر عدد) (دایره نرخی که اسم مبارک اعظم شاهنشاهی در آن نوشته شده عدد) در این اوان نیز در میان خشتهها  
 چهار کاشی معبر الما لایف رسیده شد و بقیه که عبارت از هشتاد و هشت عدد سر طوق و هشت عدد نرخی است  
 تا بعد نوزده نفاذ میشود حضرت شاهنشاهزاده اعظم امین الدوله حکمران اصفهان روز پنجم شعبان بدار الخلافة فرما  
 وارد و شرفیاب حضور مبارک کرد بدینا خان خاندان که چندین سال است که در صفات هند و شان متوقف می باشد  
 سزای خیر و نیک کرد بد و بار معدله نماز فرستاده این اوقات بوصول و وصول کرد بدهم درین سال بنیاد عمارت  
 مبارک شمس العماره که از یک سمت محدد و با بنیادی چنان با نام میرا است و بر حسب امر اقدس اعلی به بیج طیفه و  
 مرتبه ساخته شده و نظیر بناهای عالی فرنگستان است صورت تمام پافت این بنیاد رفیع بوقلمنت و اهتمام دوستعلی  
 مقبر الممالک ساخته شد و تالار و حجرات آن همه مزین پرده های مضمون دوز و چهل چراغهای بسیار نفیس که اینها  
 پرده های نقاشی قیمتی ممتاز اعلی و سایر اسباب و اشیا قیمتی است و صورت آن از قرار است که در صفحه مقابل  
 ساخته شده است



صورت عمارت مبارک که شمس العماره

در فوزه مبارکه ناصری را شاهی چابان ناصریه نیز زبور تمام یافت روز هفتم شعبان حضرت شاهنشاهزاده  
اجل اعظم ولید عهد دولت علیه ایران ادا الله افعال العالی وارد دار الخلافه با هر که بدیند و میرزا علی صادقی هم نهاد  
به پیشکار ای حضرت اجداد اعظم البه و وزارت شاذر با چابان بر فرار کرد بد که چینی مرا حین حضرت شاهنشاهزاده  
اعظم و لاد در ملاقات ایشان با چابان در خانه کرد و نواب والا حضرت الدوله بجز که از فرزند منصوب فرزند  
در این اوان ایام حضرت شاهزاده علیه بنحو مسطور در ذیل تقسیم شده است

ششم چون اول ایام عقد است برای عامه چاکران حوی در شرفیای حضور مبارک خواهد بود در صورت افضای رای  
صوابنای ملوکانه مجلس سلام و بارعام منعقد شد چاکران درباری شرفیاند و زمبشوند و الاخصوس احضار بعضی از  
شاهزادگان و وزراء و امر و سایر طبقات اصناف خدمت از مستوفیان و صاحب منصبان نظام و لشکر نویسیان و غیره و  
ادامه شفا خواهد بود

پنجمین بجا نوبت رسید سابقا مقرر بود دیوان مظالم و خاصه لایحه عرضی بوزارتخانه عدالت عرض کنند و عدالت  
بزرگ نیز در وقت ملا خطه های بی سبب بالنسبه عرض معلقه بوظایف و اوقات هم بنویسند و وزارتخانه وظایف و  
روز بعد من خواهد رسید

دو ششم روز تعطیل است بعضی از دو ششم ایامیدن مشغول در وزارتخانه و ملا خطه احوال منقلبین مدرسه دار  
الفنون و غیره اشتغال خواهند نمود

سه ششم بابت و فرامین و احکام و ارقام دولتی بملاحظه و تفسیح های بی خواهد رسید از هر وزارتخانه بابت و  
فرمان و حکمی باشد و نیز در بعضی مبارک خواهند فرستاد لایحه عرضی هم رسد مستند بکتاب مغرب فرزند خارج از خود  
دیوانه درین روز بعد من رسید عرضی نوشکا تا اعتضاد السلطنه و امین الدوله و سایر مطالب عرضی از هر مغوله  
بزرگ نیز در وقت حضور مبارک خواهند شد

چهار ششم امور مالی از قبیل محاسبات خزانه عامه و کتابچه های دستور العمل و لایات و محاسبات گذارنده و  
همه معلقه بحکام مالک عمر و سید که پیشوند و کلیه امور معلقه بوزارتخانه استفا مخصوص این وزارت

پنجمین مخصوص عرضی وزارت جنگ و خارجه است عرضی مطالب اینده و وزارتخانه درین روز حضور مبارک  
رسیده جواب مدو می باید بجز بروت و فرامین که باید روز سه شنبه بحضور بفرستد

ششمین تعطیل است روز فرغت و این ترتیب را و فانیست که دار الخلافه با هر مقرر سلطنت عظمی باشد اما  
هنکا بیکه و کب حضور های چون شریف فرمای شکارگاه با یکی از سبب فانیست و ذرا عظام هر یک عرضی و مطالب  
معلقه بنحوی را بطوری روانه حضرت ملوکانه خواهند داشت که در وقت مقرر بموقع آنها برون و وصول و ازین  
حضور مبارک بگذرد

محمود افای سرهنگ و معلم پیاده نظام سپهر هنکی فوج خلیج فرم سرفراز کرد بد حکم های چون شد که در بیخانه بجهت رضای مسکن  
ساخته شود و مهندسی مشغول طرح و نقشه ان می باشند و در چهارم شوال و کب های چون عزیمت شکارگاه مسیله و  
زیارت بقعه منوره حضورت معصومه فرمود حضرت شاهنشاهزاده اجل اعظم ولید عهد دولت علیه ایران را اجازه معارف  
بجمل حکم فرمود داد روانه از با چابان شدند و فایم مقام که برایش پیشکار ای از با چابان منصوب شده بود در وقت  
حضرت اعظم البه روانه کرد بد بمرزا غفار خان صدیق الملک بر پیش سفید در بیخانه حضرت شاهنشاهزاده اعظم بر فرار کرد  
نواب والا معتدل الدوله را بجز که از فرزند سنان منصوب هم فرمودند در بیخانه این اوقات نکر که باریده که دانه های ان  
بزرگ تاریخ بوده و در بیست و دوم شوال و کب های چون از شکارگاه مسیله و هم معاودت فرمودند بمرزا فتح علی خان صاحب  
دیوان بوزارت حضرت مجد شاهنشاهزاده والا امین الدوله بر فرار کرد بد که در خدمت حضرت اعظم البه روانه اصفهان  
شود اعتضاد الدوله حکمران و سر دار استرا با بعد از نظم اعتماد و سر کتی می اندازان بجا کپای مبارک مشرف شده بستان  
امیر نوغانی سرفراز آمد بمرزا اسد الله خان نایب و ذری علوم و نایب الحکومه نو بزرگان و ملازمین با اول و ذری علوم  
سرفراز شد حاجی میرزا علی مشکوه الملک مامور رسید که امور همان کرد بد حاجی محمد خان سپهر حرم و کب الملک منصب  
پنجمین سرفراز آمد بمرزا سید کاظم سر رشته دار سند و تخته مبارکه بمنصب سابقا مقرر کشت عطفی میرزای صرام  
الدوله ولد نواب والا عهد الدوله بستان و جمالی امیر نوغانی سرفراز کرد بد عطفی خان نایب اول وجود انباشتی بکف خطه  
نشان از درجه ویم سر شریف و جمالی مخصوص این میاهی امد فرج الله پیک با و در نوغانه مبارکه بمنصب سرهنکی نوغانه مقرر  
کشت رضا قلیخان اجودان حضور حضرت شاهنشاهزاده اعظم ولید عهد دولت علیه بکف خطه نشان از درجه ویم سرهنکی  
سر بلند کرد بد روز بیست و پنجم چهار ساعت چهل و دو دقیقه از طلوع آفتاب گذارنده هر جهان تابان  
برج حوت بجز که بگذرد و سلام خاص در لایحه بد شمس العاره در پیشگاه حضور های چون منعقد کرد بد روز بیست  
ششم سلام عام در لایحه مقرر انفقاد بخت حاجی خان اجودان مخصوص حضور های چون بلیغ بلیغ معتدل الملک مقرر بدیده بمرزا  
زمان بمنصب کلانتری شهر دار الخلافه سرفراز شد نظام امر چاهخانه مبارکه بجهت بمرزا احمد خان جنام باشی و بمرزا  
عظمت سرفراز شد دار و فرخان مبارکه موکول آمد عبدالرفی خان سرهنک فوج خرفانی بمنصب سر شریف فوج منور بابل  
کرد بد چون بمرزا ابراهیم خان مظفر لد و مرجوم شد بمنصب سر شریف فوج حسنه با ناخان سرهنک شیراز حرم مرمت  
فرمودند اسبان اصطبل نوغانه مبارکه را بمراتب محمد بیخان افشار و اگذار نمودند کتا بفرما بدین صالحی طبع شده و  
بفرستد و در ظاهر ماه و بجز الحرام بکثرت بجهت کثرت شمس در مکتل با فوٹ و الماس که مخصوص در عظم و شخص اول  
است بجا با اجلا فای مستوفی الملک مرمت فرمودند با شاخان شیخ الملک مقرر الدوله کرد بد و فوج حسنه  
با ضد فرسواره انجار ابوالحج حاجی محمد علیخان شیخ الملک فرمودند استرا با در و ما زنده ان و شاهزاده و سلطان که بجز

اعتمادالدوله فرزندش از فرزند پهل تو اب برای نولایات تعیین شد

حکومت از ندران با اعتمادالدوله در اعتمادالدوله به پیشکاری حاجی میرزا علی خان سریندی نویدی (بنای حکومت استرآباد محمد علی خان پیکر بیگ و کذا و شد) (بنای حکومت شامرد و وسطام محمد سخنان پسر شرفخان و کذا و آمد)

و بایع عظیمه که در این سال در تمام نقاط سرزمین افطار کره ارض

انفاق افلاک

اسپانیا

شورش بر بالنگر ناد نارضای مردم از دولت اتریش نمودن اینرا با ملکه همسر خود و شوهر او با اتهام سازش با باغبان ضدین سر راهای فسون با ملکه بریدگین عداوت تمام اهالی اسپانیا بدون استثنای با ملکه ایجاد و تشکیل دولت موفقی برپا شد زیرا که اهالی اسپانیا در صد این مسئله که وضع دولت را چه بود فراریدند و فراریدند و نکار کردند بکذا اقوام ملکه سابق بود جمعی از اهالی اسپانیا در حال این مسئله که پادشاهی از خارج برای خود ایجاد بکنند وضع جمهوری را قبول ندارند شناختن دولت نا توان جمهوری اسپانیا بول را و بعد از آن شناختن تمام دولت مند را این جمعی را بر آن دشمنی در جزیره کوبا با متعلق با اسپانیا و همین شورش مقدمه یک جنگ طولانی سخت خون ریزی شد که در این جنگ خواجیم نمود فرار ملکه اینرا با ملکه فرانس و پناه یافتن در آن مملکت

اطریش

عدو فسون تمام ممالک اطریش در حالت صلح بنسب صد فرانس شد

افریقا

مرغش با اعتمادی سلطان سپیده و لاجد با عنکری بعضی بلاد عربی خاصه طایفه ظهیر و عارت اطراف شهرها بر اثر زلزله بای سخت در میان اینطایفه ویرانگنده کردن اینطایفه را

افغانستان

منازه خجایا با امیر شیرعلیخان امیر افغانستان و فتح بلخ بدست امیر شیرعلیخان

المان

کوشش اعلم حضرت پادشاه پروس و مسوین پمارک صدراعظم در ائتلاف و اتحاد دول المان و شناختن آنها اعلم حضرت پادشاه پروس و امیر پروس خود آفرایشن مجتهد و رئیس مذ هب پرده نشان المان در حرس با حضور اعلم حضرت پادشاه پروس و همه جنگ پروس با فرانسه با کالادت و مخفی در المان دیده شده است جمال میانجی کریمی دولت انگلیس را معاینه پروس و فرانسه که بلکه احزابی ازین جنگ فریب الظهور و بشود اغلب روزنامه های المان نمی پسندند

انگلین

صدارت دهمین امپری شورش و انقلاب سخت در ایرلند استعفا و پس از بیعتان چند ماه و صدارت کلا در سن رئیس طایفه و پل فتوحات فسون انگلیس پسر داری پید در حبشه با وجود مخاطرات و موانع طبیعی در این نقطه جنگ سخت در حوالی ماگدالا پای تخت حبشه پیشتر عساکر انگلیس ازیدی مواد را از مختلفه تلف شدند تا بالاخره در واسط حمل بودند بیای تخت برده و اینخار مکتوب نموده پادرس پادشاه درین جنگ خود را بدست خود کشت نسیم پسر پادشاه ازین فتح لقب پسر و نامیده شد اختراع تفنگ مار بونی و توپ هانزی در مملکت انگلیس و قبول کردن دولت این اسلحه را و تقسیم نمودن اینرا بششون خود

ایتالیا

از درواج و لجهد با صید و ولد درین موسوم به بارگر پل طغیان کوه انش فشان انا

پرتوغال

ضد بپروس با یکدیگر در مسئله اتحاد اسپانیا بول و پرتوغال و تقویت سلطنت اسپانیا با پادشاه پرتوغال

چین

فرستادن یک ستاد در حال دولت سمیت مغارت با اغلب بلاد فرنگ برپا شد شخصی بکری پناهی

دانمارک

از درواج و لجهد ایند و لت با درخیز پادشاه سود

روس

در چهار شدن ابالا کشتال بخت و غلا و بره و ناخوشی طیفوس در فلاند تقسیم کشتن تر پروس و روس فتوحات در ترکستان بخارا فتح سمرقند بدست زینال کفمان

ژاپن

جنگ و شورش در داخله جمال عامه اینست که مپکا ذکر پادشاه حقیقی استبدون مدخله طیفون مستفلا با بولطنت برسد و دسترس شدن در پوسها (یعنی بجای ملک) غلبه هوا خواهان مپکا در هوا خواهان طیفون

سویس

طغیان رودخانه ها که از کوه آلپ جو بان دارند طغیان ایدر با چهره ها خرابی اغلبا با درها اقلان مال و آدم و پاد و رسیدن خسارت مردم زیاد از سر کرده

عثمانی

قله والی سر پیشل دگر دشاخه خارج شهر لیکراد و نصب پلان برادر زاده او بسن چهارده سالگی شود شش در  
جزیره فدی حرکت یونانها بر ضد عثمانی در حاله دول فرنگ در کار یونان و عثمانی صد و فرمان اعلا حضرت سلطان  
که ولایت عهد حق پس چند پواست بر خلاف قانونیکه رسم بوده که ارشد اولاد بخلاف مهر سپیده است

### فرانس

شورش اشکار بعضی از شهر هایدولک علیا زیا نزهه سالانیت اسود کا اغوا نمودن شورش اشکار مردم را بواسطه  
دو نامه و غیره نظرمای سخت خطبههای خشن در مجلس و کلا از جانب سپو پور و ولقا و در تقسیم نقتک موسوم  
بشاسپو بقتون فرانس با کمال بجهل فوت و الفک از معارف در گذشتن ر سنی معلم معروف علم موسیقی فوت  
بارون متر چلد رتن هفتاد و شش سالگی در عالمی که او با ملک مردم دنیا بود

### مکزیک (ازینکی دینا)

شناختن دولت ناون دولت جمهور مکزیک را بر پاستر زوارز  
بنویس بر روی سخت در این ملک سازعه سخت بر پایداری بر تدهای زود در ملک مردم دلتزه سخت در

پاشر اینسال در اغلی غلط روی زمین بواسطه این دلتزه در حواله کافرنه و شبلی طغیان امیر با سبب خرابی اغلب  
ایاد بها و هلاکت مردم کرد بد

رفایع سالکینت در بر سلطنت اعلا حضرت افندین شافقتا اچا خسر صاحبقران  
خدا الله شاکلکه در دولت هوطا بنو سندهزار  
دولت هشتاد و پنج هجری تو  
سلطنت کی

از ابتدای این سال فرخنده فال ذات پهمال و مثال اعلا حضرتها یون بنعم مکارم و مراسم شاهانه در باره خاص و عام و رعایا و  
خدام با احتشام متوجه بود علی رضا خان پیشینت خاصه حضورها یون ملقب بعبدا الملک کرد بد نواب الامو بدالدوله  
به پیشکاری کارگذاری ملکنا دریا چان مامور و باعطای جبهه شمشیر در مغز کرد بدند سر اولاد خزرخان و زبیر جنک باعطا  
بکر شنه چابل از در جند اول امیر نوبانی سر فرار آمد نواب شاهزاده محمد امین میرزا بر حسب سندهای نواب والا اعضا السلطنه  
و زبیر علوم نبیا بن علی بن نو بیگان نابل مدجناب رضایک و زبیر بخار و زبیر عثمانی مامور اقامت در باره علی از اول و زو  
چکان ایران سر اسم اعزاز و شرا بطی پزیران و احترام در خوجه ابغری الیه بوجه اکل عیال آمد روز غره ماه صفر شو شرفا جضوب  
مبارکت کرد بد روز بیست یکم ماه صفر موکبها یون از قصر سلطنت با دغری بیلان قهرمود نواب والا احام السلطنه

فرمانو

فرمانهای فارس بیکر اسب خاصه با برافه صرع جواهر نشان مغز کرد بدند کاظم خان سر نوبت نصب فرما شاهی کی سرافراز  
امد رتقی لجان قوللر اناسی باشی بنویس منصب کبکی باشکری مباحی شد جلد ر لجان بر مرحوم محمد و لجان فاجار از انوار  
دب و لجان کرد بد و مختلفها یون سرافراز کشت حاجی جهاد الدوله به بیکر کبکی کی بزیر بر فرما کرد بد روز دوازدهم  
الثانی بشکر ایشهر نشانک شریف فرما کرد بد روز چهاردهم بیست و نوا شهاض کرده روز بیست یکم از نونا بیست  
که اول خاک کلا ر سنان است نزل اجلال فرمودند روز بیست دویم دامنه کرد نه هزار چم و ضرب ختام معلی کرد بد  
راه هزار چم لک از مسالک معبیه بود حسب الامر چنانکه در شرح سنوا ن سابقه ذکر شد سپو کاسنکر همدس سنوا  
در کال خوبی ساخته و دروازه از سنک احداث کرده که از غراب سخته تا ناست بعبای و افزه شاهانه و لقب  
خان سرافراز آمد بالجهل موکبها یون بکلا در دشت نزل اجلال فرمود روز بیست هشتم رابع الثانی از کلا در  
بیا منکر کرد نه هزار چم معاودت نمودند روز بیست نهم شریف فرمای من سنا پسته کرد بدند نواب الا اعضاد

السلطنه زبیر علوم قطعه ماده نارنجی برای دروازه سنگی فرمود بنظم آوردند که بد نظر انور ملوکانه نهایت حسن  
اقتادوان قطعه بینهادر نزل ثبت بشود

### قطعه نارنج دروازه سنگی کلا نونواب الا اعضاد السلطنه زبیر علوم متخلص بفخر

دو ماهون عهد ای سترک خرد عادل شهشاه کریم بوالمظفر ناصر الدین شاه زاد کز نظیرش مادر کبکی عقیم  
درو کاشنخ و ضربت ملوک بر جای ششمت شو عقیم امر او جان بخش و امر مسیح رای و نایبند چون دست کلم  
دب راهی سخت چو و اخواه ساکنان از خود چو شریف معری پارک چو طبع حسو مسکانه ناریک چو طبع لثم  
دوران بدند با چشم عیان صدیخ و افتاب اعظم زیم بر جای ششمت پر مرغ خیال دروهادش که رسد کز عظیم  
دور مردم ز نظر بفر چتر همچو از پاش سلطان زیم فاطمان راه در طی طریق خورشید را بدین چو نرد سلیم  
کاروان چندین مسالک ادا کود کانی چندین بر عریبیم ارتفاع قلعه را و ناخداست انخفاض دره الله علیهم  
شد زبیر راه از قیام شاه شاد عیس خنده چو شرح قوم مسکانه حکم نواز سنک خا انکه سنک خا کیشین زبیر  
کری پاشا ششین بیداد همچو کیشینک زانار قلم بشر و اول بکن زبیر خوفین بس طوعه بسید و بک و بیم  
کلی و احکم ششکلش نوب زان خسر و ابر عظیم امیر عظیم انجین کاری کند عزم ملک خسر اعظم کند کای عظیم  
جست بر عقل نارنجین کف نوری صراط الشیتم در هزارتو صد هشتاد و پنج زبیر کلک من از طبع سلیم  
غری جادی لا و کندوان دو ناک از نواج نور است فرکاه موکبها یون بود روز دهم عیالک شریف فرما شدند  
از اینجا بکلا کلمه که از نواج شهر سنانک است نزل اجلال خواهد فرمود از جلد انوار کلا نواصیح انوار کلا نواصیح انوار کلا نواصیح  
السلطان الملک مشی دیوان اعلی است جلد کی احوال حضرت رسول صلی الله علیه و آله میباشد طبع شده و بفروش

هم در این اوقات حضرت  
شاهنشاه و معتمد  
جلال الدوله حکمران  
خراسان در آن مملکت  
رای حق و ایلها لیا  
گفتند

مهرمد

مهر سرد و آن بنا را بر طبع نموده اند روزی او هم جادی الاوقی موکب علی قصر سلطنتنا با در معلوم مبارک از زمین فرمود  
 تاغوشی با کجندی و بل بجهت زوار شهید در دار الخلافه برود کرده و بعد از تحقیق یافته بود چون عهده در بعضی محلات شده بود  
 موکب ها چون پنجم چهارم ماه نیمه لواسان حرکت فرمود که بعد از چهار شب توقف در کند و یک نفر امام زین العابدین را آوردند  
 شبانه در جادی الاوقی نیز با چپا عنان شب که شنه زلزله شد بنگ در طهران و کاشان و قم و غیره زکوه شد و در  
 دم بهین هجده سیم فلک از باجه با صوبه غیره زلزله که غیره بر سبک که هر وقت زلزله میشد بگرد پیشتر نوبه  
 اکثر پیشتر زمین موشوش میگردد و در صد خانه های فرنگستان بواسطه اسباب مخصوصه ساعت پیش از وقوع حکم  
 زلزله مینامند و در شب نیز بمیل از حرکت زمین معقارن زلزله حیوانات از خواب و طيور بگریزیدند و بعضی  
 مثل بوی کبریت چشم اغلب مردم میرسد که مایه وقوع بود چون کوه شامه حیوانات زبادن از انسان است بمثل سبب فرما  
 حیوانات همان بو شده باشد که از اجزای خمیسه در جوف کرم از دست که سبب زلزله از حلال و فرج زمین بیرون می آید اعماق  
 السلطنه والد و خلفه در سطح وسیع از ادای خود را پسنداجاب گفت

چون وقت وفات عماد السلطنه بنده مؤلف در کاخ ناصر نا انساب ما چون بودم و برادر بزرگ مولانا و پسر الملک پسر شاد  
 بودند در مقام احوال با خبر بدین واسطه خود چیزی نگاشته و موثوق با اطلاعات ادب الملک داشته ام و تفصیل احوال  
 او از نظر اینست که ادب الملک نوشته و در ذیل ثبت است

### تکلیف شاه ادب الملک

تا در غایت حرم حاکم علیان عماد السلطنه غفر الله له يوم جمع ریح الاوله شکره مطابق سال لوی پیل و ساعت زلزله  
 گذشت است که در فرجه جاران شملین در خانه جنابا فاسد محمد باقر جاران بجای باقی پوینده از سن ایشان شصت و سه  
 سال گذشت بود

سلسله احفاد از حرم علی حسین بن رسول بن عبدالله بن جعفر است که جعفر از هفت پسر و اسطوره پسر یک بن او نیک خان بن جعفر  
 خان مقلد پسر و تفصیل احوال او جعفر خان از فرزند است که در کتابه و ضمه الصفوا و حبیبا السیر و غیره مطبوع است  
 اینکه چگونه شده که در طایفه منوط کرد به و معروف و برافره هستند

در سنه هفتم پنجاه و هشت بنی پیل که مردی سلطان و موجود بود بگوشت شیرین ابل و در همان سال نیز پدرش که بگوشت پنجه  
 بر فراد بود از بیماری و علت نموده و بعد از ای او بره بر یک معلم پدر مرا حبس کرده و در همانجا بساط حکم کنی کسوف و همین حرکت  
 بر وی پیل در نیر سبب این شد که علامه در اجابهم شسته و اولادش را نواکینه مؤلف گشتند و تا زمان جعفر خان که هفت پسر  
 و اسطوره بر وی پیل میرسد و نیز مؤلف بودند و اما آنکه سلطان سلیمان الشکر محمد و از در با بجان کشید و شاه اسمعیل

صفوی نیز در کواخو و چالدران مجاریه و در سید و شکر عظیم خود هرگز و پازان مشک چالدران و خوشی و پاپان در حال احوال  
 اندر با بجان میرسد هرگز که در حرکت بود بجای بنام عزرا فرزند عمو با نکر که قد و رشک داشت در کمال زلزله بماند و از جمله جعفر خان  
 راه دار السلطنه فرزند پسر بود و در هاجا با فوطن اختیار نموده ناد و او با جلوس نادر شاه در اناسان فخط و غلای پاپان پسر  
 محمد پسر جعفر خان و طافت و پسر چالدران کمال استصال خود را بر عهده گشتند و در احوال دار میر چندی نگذشت فقر و استصال  
 بغیر و کثرت مان سبک کردید

همه نوکری سبب قیامت از حرم در دولت چهارم بعد از آنکه جعفر شهادت افاد محمد خان شاه شهید و شوشی بخان مغفور  
 فضل شاه طاب الله شاه رسیدن شهر از لشکر کشید و بجای بر صافان شفا فی رسیدند و در آن بین احدای شیخ شریح حاکم را  
 که در حاکم محمد بود و ملا رحامی علی پسر در شرا عمل و نقل بار تجارت میکنند و هنگام رفتن شاه شهید بقلعه شوشی که محل ابراهای  
 سلطنتی را نموده و بلبغ خانی سرافراز گشته بود بدین جناب امانت داده که در این غلغله که امر جهان باقی با صافان خان و رکشاکش و  
 خاطر ما مشور است هرگاه فرستاده و پیشکش نیز مکاره شان روانه ندادم خلافت کار حکومت حکمت است پس و عرض بیک بنده

باسم ان در جنگی نگارش نموده و با پیشکش نقد و موجود مصحح با فاسد حسین پسر محمد رسول بل که شخص کار دان و با کفایت با  
 استعدا و ذالبت بجای مشاجرت ایشان فرستاد و با باره که در حول و حوش و وارد و طاعت باشد هر یک را روزگار کثرت  
 و شکست خود بجای خود گذارد و آن بگری که نصرت و خود فتح و نظر فرستاد سبب کجاست مصمم و عرض بیک بنده غار پیشکش را  
 نقد و جواب بگرفته مرا غرض از حجت کن هنوز آن دو عسکر است بمیدان مشاجرت نمانده که فاسد حسین بگردد و نتواند خود را باورد

خانین مغفور و رسانید و مرایه و لغو ای جا که مرا غرض را بر شش عرض اخلاص گشتا بنده و عرض بیک پیشکش را تسلیم نمود و مرد  
 داشت که اهالی از در با بجان خود را رعیت خانان شهید می دانند و خطبه خاقانی بنام جهانبانی بنویسند از این تقریر و صد  
 بار عینا پند حشر وانی بر چهره امید داری خود گشوده که فاسد صدق است این فرستاده مفوضی است حکام حکومتی احمد جان کردید و کالی است

او را حکومت سرافراز کردا بنده شخص فاسد حسین را عینا با نماند و بجای او بر کردید و جواب عرض بیک احمد جان را فرمود داشتند و علی الظاهر  
 خیال باطن او نماند است نکاشته و در این بین و لشکر بای مجاریه گذاشتند و چیزی نگذشت که ارد و صافان شکست خود ده  
 و فاسد حسین چند من خود را انجام داده با پیل مر م مقام خود را حبس کرد و جواب عرض بیک احمد جان رسانید و همان عرض و خنده صادقانه

افا حسین اسباب نوکری ما و نماند و این دولت با بدین کرد چنانکه هنگام ما موثقی به عهد مغفور عباس بن نایب السلطنه طاب  
 الله شاه حکومتی از با بجان محض افاح حسین را خاقان مغفور سپرد که بمشاورت عینا پند عینا پند عینا پند و نایب  
 با در با بجان را بجهت بر افاح حسین را احضار نمود و عینا پنها فرمود از شدت خدمت دیانت کار افاح حسین بجای رسید محل

و ثوق نایب السلطنه کرد بدو در آنحضرت خدمت ملازم شایسته و اکثرین صداقت و امانت اموال خود و والد محمد شامیر فرزند  
 حلال النور که حبیب میرزا محمد خان ناچار بیکر بیک طهران بود با فاسد حسین سپرده گشت و روزگارش بدیانت و اسوکی و فراغت

میکنند چندی بدین منوال بصره را آنکه شهریار میر و دماضی محمد شاه طاب ثراه بگردد مرافقه برقرار کردید حضرت ولعهد جرج و امانت  
 حسین را بمقتضای دیانت و امانت بخدا شاه مرحوم مامور فرمودند و رعایت بر آنرا کردند آنوقت حاجی علیخان اعناده السلطنه  
 ساله بوقیام بجای خود و شاه میر در سرافرازی حاصل نمود بعد از آنکه رسید به بصره بکشت بعد از مصالحه و این  
 در حضرت نایب السلطنه بفرزادگان حسین را با نایب خدماست بشیخه است با شکر می شاه میر و محمد شاه مغفرت کرد و اینها  
 السلطنه را حضرت بر نیابت بدو مخصوص کشت و بعد از دو سال در منزل حسینان سفر کرد و آنرا اسان اعناده السلطنه تعجب  
 صدقند و در سپیده در سفر اول شاهنشاهی میر بطولت کارش از صدقند و نایب را که کشیدند و نایب خدماست و اعناده انان را که کویان  
 با و حوال کردید تا آنکه بعد از فوت حضرت نایب السلطنه منقود در ارض افسر شاهنشاهی میر و از هر طرف بشهنا آمد و بعد از آنکه  
 رسوم نایب حکم خانان مغفور و بعد از آنکه از حضور و بجای بدو بویعهد برقرار شد و از طهران با دو با بجان نایب میرا کردید  
 و چندی گذشت که خبر فوت خانان مغفور و فصلی شاه از اصفهان با دو با بجان رسید و در کادر و در بصره که در آنوقت نواب  
 ولعهد محمد شاه خندان ملک میران کشیدند و بمناسبت و در عطفه سلطنت نایب میرا بدو مناسبت شد و خواستد اسر  
 نظارت و خواستد ادبی بلخصه و جوع فرمایند که قابل و مستند و صادق و معتد باشد لهذا شاه میر در این منصب خدمت و امض  
 با امانت و صداقت اعناده السلطنه دانسته محض حفظ وجود مسعود خدمت خواستد ادبی با و موقوف کشت پس از آنکه در ارض  
 العالی و لوگامان از در با بجان نایب میرای طهران کردید و در بصره سلطنت سپید و تاج و تخت را از پشت بختیدند و آنوقت اعتماد  
 السلطنه از امر سلطانی بلیغ خانی سرافرازی حاصل نمود و بعد از حکوم کلان بلوکات و وجوهات بار الخلاعه طهران را بفرمودند  
 کا و خانه مبارکه با و موقوف فرمودند و همان اوقاتا حسین بگرم کاشان رفت

چندی بعد از خدمت نظارت عاقبت شد با نواب میرا کوی و والده شاه مرحوم بیکه منظر شرفیاب حاصل نموده و مراجهت از آنجا در  
 از با بجان سرراستان نواب مستطاب بپهله کرد و ناصرا الدین بفرزاده و در کباب بعد علیا دار الخلاعه آمده شرفیاب حضرت  
 هاپون کردید بر ارم خردانی سرافرازی شد تا آنکه شاهنشاهی میر را از این دوران در گذشت و از آنجا وجود مسعود اعظمی در  
 فدین شاهنشاهی بپناه ناصر الدین شاه خلد الله ملکه و سلطانه ملک ایران ضیافت کشت و نظر بایام فرزند او و کلان و در  
 مخیر بنظر کشت نواب علی بن علی بن محمد علی طایب الله تراها که در آن وقت میرا و فرزند او را که در آن وقت شاهنشاهی میر را بفرمود  
 حکومت نظام انولایب مامور فرمودند با نایب زمانی امور آنجا بر شنده نظام کشته و مالیات را بوصول رسانیده پس از آنکه  
 موکی مسعود بفر سلطنت با انجام خدش از کلان مراجهت کرد و شرفیاب حاصل نمود و در هر طرفی سرافرازی آمد و آن زمان مسمی حاج  
 علیخان بوز اعناده شاهانه بلیغ جلیل حاجب الدوله که مغفرت و سزا کردید و فراتر خواندند و با او که سر ایدار مانده و بچشم خانه و در خانه  
 باغات و خانه مبارکه عمارت و ایندرون بود سپرده با و کشتا موقوف شرفیاب سفرای دوله و در هر جمعی و جوهات که سالها بجز  
 اندرون برده میشدند و اینها بلیغ و در هر جمعی مال محرم سده حکومت خواندند و با او که در شرفیاب ملک و کباب هاپون

دور السلطنه فرزند حکم کون آمد و در اول و بعد از آنکه در آنجا آمد نام او نوزاد و کباب هاپون در آنجا با نایب السلطنه فرزند  
 که ملا شحلی نام که یکی از خلفای میرزا علی محمد باب بلعون با جمعی از مریدان آن در خانه حاجی سلیمان خان بفرموده حاجی آینه  
 آسپت بود هاپون طابیکه بکرم بیان بشتند تا روز یکشنبه در بیست هشتم شهر شوال همان سال جنانکه در جلد دوم کتاب مرآت اللبای  
 مسطور شد مسخر هاپون در داد و اعناده السلطنه بنیبه انفا بفرموده و در پیشگاه اقدس منقود شد فریب هشتاد نفر از آن  
 سلسله جنبه و بلیغ کرم و دولت امیرای خود رسانید

در سنه هزار و دویست و پنجاه و پنج از حاجب الدوله که عزول کشت اما زمان نکند شش که عزین حسابش از حضور مریدان شهرار و در گذشت  
 و حساب صادقه نایب با عباد و بگرفت تا حکم حرکت و کباب هاپون بفرمودند که سلطان امر و مفر شد که ملازم کباب نظر نشا  
 کرده در آن روز شهر فخر الحرام همان سنه بلیغ جناب الملکی و حکم از آن خوزستان سرافرازی کردید و بجز فرمایش خود را غیر حکم او کشتید  
 نکند شش که آفتاب خورشید بر سر سپاه افکن کردید و در هر شان و بختیاری و اضمیمه امانت عربستان فرموده و میرا بلیغ سپید و علاه با  
 آن سلاطین و منصبی بفرموده سرافرازی کردید و بعد از آن در حال مخصوص آن فرزند امیران امیران موال در ارض و در مشغول خدمت بود  
 تا آنکه بجز لزوم احضار بدو بار معدله نداشتند و منصب نارت جلیل علیه اعظم و لقب اعناده السلطنه و خطاب جناب و در جوجه و در  
 دادا الشوی و کرمی در ششده بفرموده کردید و در کمال افتخار درین شغل جلیل حکم کردید و پس از چندی بجهت مصالح دولتی از این شغل بکا  
 و بگرم کلانیا بکان و خوشنار مامور شد و چنگ نکند شش که احضار و بعد از آنکه کشته از این شغل بفرموده و عاقبت وظایف و اوقات او را  
 سرافرازی فرمودند و بعد از حکومت شاه مرد و بسطام و سمنان و دامغان و نردین بزرگ داره او بود و در این وقتا در وظایف  
 اوقات باقی بودند تا جهان فانی را وداع کرده و در بجا را باقی آوردند

امپراتور آنکه در این وقت از دولت ایدایش شاهنشاهی عثمانی هاپون (نشان و حاملان در جرج اول امیر نومان) (انگلیزی و حاج  
 کلین الماس) (فره صبح) (کل کرم صبح) (عسای صبح)

بناها بیکه بکرم هاپون بلیغ و سع و اهتمام ایشان با انجام و اتمام و سپیده از اینفر است  
 زدند و در وقت بیکه بکرم حضرت عبدالعظیم علیه العزیز و التقی است بکرم کار خا خا حاجت صنایع و بچشم ریس و کاغذ سازی طهران  
 و شکر بفرمودند و این بکرم بکرم بکرم میدان در حوالی اردک هاپون است بکرم عمارت جدید بنای عیشت این اند و در  
 که نمونه از خلدین بپسباید بکرم عمارت یاد بکرم است بکرم عمارت خرد و جی است که الحال موزه مبارکه است بکرم در با بجهت  
 باغ کلستان است بکرم چهار حوض اند و در وقت بکرم با بجان اول مبارک کشته که حالا بفرموده است بکرم عمارت مبارکه  
 سلطنتی یاد است بکرم عمارت بسیار و آن که محل بیلافی سلطنتی است بکرم در و نشان پنهان است بکرم غیرت و غیرت و بکرم  
 عمارت اند و در وقت بکرم با بجان های دار الخلاعه و سایر عمال محرم و سایر بجان و سرافرازی خانهای دم هر دو واژه است بکرم  
 بکرم عمارت و الا فابوی و السلطنه اصفهان است

امینان فرشتهای مولی از فرشتهای آحاد ناس از نضرات او شده نشان از برای کلاه و اسلحه و لباس یکجا عده بجهت آنها از نوبت داد و همچنین فرارش سوار با این فاعده که الان هست از مخزعات او است  
 چهار نفر او که داشت سعد کور و بلاناث هر یل از یک زوج اولاد بزرگتر عبدالباقان ادیب اللسان است که مادر سر صبیح  
 ملا احمد از علای مراغه که مسجبا با التوحه معروف بود پسر پانی عبدالحسین سرهنک فوج خلخال که مادرش از سارا  
 مرند بود پسر کوچیک محمد حسن خان صنیع الدوله است که مادرش صبیح رضا قلخان فخر که از اولاد مصطفی خان فاجار و جوانلو  
 برادر شاه شهید فاجار است

شرح احوال ادیب الملک تاریخ تولدش در نیم شهر شعبان المعظم سنه ۱۰۳۲ در سال اول جلوس شاهنشاهی در عهد شاه طاب لعه شاه اعزاز السلطنه  
 او را از مراغه مبارکخانه احضار نمود و در خدمت پدر مشغول تحصیل ادب از قون عجم و عرب بود و اعیان اندرون بحضور  
 مبارک شاهنشاه میر و شرفیاب با الطاف و اعطای ملوکانه کامیاب به شد تا بسلام بکل سرازیر کرد و بدو سال اندر در مینو  
 و در حضور مبارک خندان مینو ناچار بلام بیک سر آمد و از اندر بیرون آمد بمصیبتی بدی سرازیر گشت و بعد از آن بمینو  
 تظافر پذیرفت و از امینان آمد و در آن اوقات قاضی حسین خوارزمی بلیق بود بجهت ناسازگاری هوای کاشان بمر احضار حکومت  
 آسمان استعفاء نموده استعفاء او مقبول شده ادیب الملک بلیق ای و اما مقبول شد بعد از آن اعیان السلطنه بیکه مغلطه حبیل استعفاء  
 میر و موافق فرمان مبارک در سنه پنجم و شصت و نهم در کربلا و بمکه حفر نمود و بعد از آن در کربلا از هر چه بزرگتر  
 بعد از آنکه حضرت ولیم پسر حضرت مسافر شد از پیشخدمتها محرم مخصوص بود و چون میل او با اباد باب کمال دیدند در سنه  
 اولاد ادیب الملکی برگزیدند که عراض جمع ادب و شرف با مشارالیه باشد بالجملة اعزاز السلطنه در هر چند منصب حکومت بود ادیب الملک

همین از جانب سیاحت او را که آن معاونت با نبی خیم و در آن اوقات که در ایام نذر نشانیان با اعزاز السلطنه مسوق ادیب الملک بجهت وصول صدر  
 با حواله سیاحت و فرمایشات سرانجام یافتی بر قاصد قاصد مقام مامور او و با بیان کرد بدو در آن سفر خدمات بزرگ انجام رسانیده و در حکومت عربستان و بخاری و لرستان  
 سکونت بخدمت سعادت از جانب پدیدگان انسانان داشت اوقات بیکه اعزاز السلطنه وزیر عدلیه بود در سنه موافق دستخط اعیان نطق بنایت در عدلیه  
 شغل با خوش بود و نفعان فرمایشات که مینوی و جمیع مطالب ابریز برساند و جواب بیکریت و کمال افتاد و در این شغل و کار داشت در سنه حکومتش سرازیر شد  
 در آن سفر هم امینان با و عتاب بیکه بدین آرزوی اعزاز السلطنه اعترض اندر هم باو محض استعفاء و قابلیت خوش و ملاحظه خود  
 پدرش در سنه بوزارت و وظائف و اوفات برقرار و خدمات و وضع انظامش در حضرت شهریار رسیدند به آمد  
 و بعد از چندی بملاحظه مصالح امور ملکی از وزارت و وظائف و معاف شده و در سنه ۱۲۰۵ بحکومت  
 کلیان بجان و خوندنا برقرار کرد و چندی نکذشت که از این مثل استعفاء نموده در سنه ۱۲۰۸ بحکومت  
 مغان و دامغان مقرر گردیده و در آن سال کورانی انو لایت را چنان بر شش انظام کشید  
 که موجب خوشنودی خاطر مظهر مبارک گردید و در سنه ۱۲۰۹ بحکومت ساده و ذریعتش فرما  
 و بعد از چندی احضار بدربار معدله نما شد و چندی نکذشت که در بواجان خدمت جمعی از وزران عظام

مجلس

صورت فرمود اعزاز السلطنه حاجی علیخان غفر الله له



او تراب



مجلسی که تشکیل یافته وادب الملک در آن مجلس از جانب سنی الجوابت مدبر و در جمیع امور دواخانه مشا  
 و مشیر و مقام عرابی و مطالب متوسط او برضها یون برسد و کلیه احکام بدست او صادر بگردید پس آن  
 انقضای مجلس حال باز در دکان مشغول خندان حضور افتاب ظهور است و منشا خاص دارد  
 امینا زینکه در این عهد از دولت مبادت با و مرمت شده علاوه بر خلعت و بن پوشهای بدن مبارک  
 (نشان مرتبه اول سرینبی با حایل مخصوص آن) (نشان مرتبه سیم سرینبی و  
 حایل آن) (نخل کمر مرصع) (منه مرصع) (ساعت قاب طلای) (نشان مدال قرن سلطنت)  
 (خطاب عده الامراء العظامی)

در وسطی عبدالحسینخان مرشد فوج خلخال تفصیل احوال او در جلد دوم کتاب مرآت البلدان ذکر شده است  
 پس کوچکتر مرحوم اعتماد السلطنه محمد حسنخان صنیع الدوله است که تفصیل احوالات او در کتاب  
 مرآت البلدان گاه و حفر ذکر شده است اشقی امیر الامراء العظام عبدالوله که چندی قبل بکف طعنه نشان  
 امیرنوران مقفّر گردید بیکر ای کلان منصوب آمد ناصر الملک نایب الحکومه خسته بقیع عبدالملک سرفراز شد مرآت شریف  
 مفتوح زارن خا رجرا عطاء بکف طعنه نشان سرهنگی از درجه اول با حایلان فرین معاف نامد و گب هاپون روز دوم  
 چون هوای دار الخلافه رو با اعتمادال نهاد از بیلاق تشریف فرمای شهر ناصری کرد بدین تقریر این شهرت است و در سر قابله حضرت  
 شاهنشاهزاده لعلعلیق و الانای السلطنه نام افتاد اعالی ایشانرا بمصیبت جلیل و لقب بیل سر درگاشون سرفراز و بای  
 بکوب سرداری و در دربار بکف طعنه و بکف طعنه شمشیر مکلن الماس فیضی زری میا می فرمودند و آری الاحتیام الدوله  
 بنیاب اول و ذار و جنگ و مراد در انشا و انظام امور لشکر ماورد بکوب سرداری شمس مرصع مقفّر کرد بدین آمارت  
 و بواسطه فریاد مبارکه را منر پس بر شاغل اعضاء الدوله فرموده بکوب سرداری شمس مرصع معزی البه فرین افتخار  
 آمد و خان خانان پسر غصتا الدوله بمصیبت نظارت و خواند انانی و خلعت هاپون در جبر اخضا مناز جنباب برانجین  
 و پسر الملک بمصیبت نو نیا شوکی حضرت رضوی سلام الله علیه سرفراز آمد علیه رضا خان عضد الملک بمصیبت از خدمت  
 آثار در جبر افتخار یافت عبدالمطعمخان دپ الملک بشخصه خاص بمصیبت جلیل و ذارت و ظایف و اوقاف مقفّر کرد بدین آمارت  
 الدوله حاجی محمدخان بکوفت فرقا بن و خلعت هاپون سرفراز شد مسجد الملک سربله کرمان که از بناهای او در بزرگترین  
 این بیکار بنی این سلجوق است حسب الامر با تمام حاجی شهاب الملک حکمران کرمان تعمیر شده است همچنین حوض ممتاز که اب  
 بنا در بیست فاع در راه خراسان از طرف کرمان مرمت کرده اند و در سنه پنجاه و سه در کرمان بجهت لامده جناب حاجی سعید  
 جواد بجهت که ای از نو ساختارند بر کسب سپهر و نیز کرمان بمصیبت شهاب و خلعت هاپون نایل شده و در هشتم  
 شاکر بان مدد مبارکه دار الفنون و الامتحان فرموده مرآت شریف تمام مشرفی و با مقامات شاهانه سرفراز گردید  
 این اوقات فرار جدیدی در لرزشون ظفر بنون دادند که مینی بر و در فخره است شرح آن از فرار در قبل میباشد

نوشته در خان

فقره اول

۱۰۹۵

رای الشاری اقدس مهابون اعظم حضرت شاهنشاهی ادام الله سلطانها از آنجا که همیشه بر اصلاح احوال کتو و لشکر و بر فراری فواید  
 و رسوم و عقاید و معارف است که هر روز به با عیش و بهیروز و نوبت این مقصود و بزرگ باشد نهاد در این اوقات که استقامت  
 سردار کل سابقین خزان را از خد مات نظامه در پیشگاه اقدس ملوکانه نمودن تان بفرمودند و مقررین فرمودند و خورشید  
 فرارهای نازه شاهنشاهی در کلیه امور عساکر حضرت ما شد و لکن ابداً مقررین فرموده باشند که بدان واسطه منظور از علمیه  
 خسروانه بطور اکل و طرز اجمال صورت ظهور به برسانند و است و اخبار کل فتنون و موقع نیک و جلیل سرداری کل را  
 بشاهنشاهی فراده اعظم کاسران مهربانای سلطنته و مقام بلند و منبع نیل و کلیه و کارگذاری بالاستقلال ایشان را  
 بحضرت الدوله حضرت مهربان و امارت فوجانه مبارکه و رقی و فخر امور و مهمان خطبه از کاملاً با عضا الدوله و مهات فوجان  
 و جیا خانه مبارکه را عموماً بعلاء الدوله و آسایش و بر بعلیخان لاجوردان باشی خزان داری و جو نظام را جمیعاً بر پناه شاهنشاهی  
 این مملکت رجوع و تحول فرمودند و احکام و او را علیه بادشاهی در نفیض مهربانان شاهنشاهی عظیمه و عهده مهربانان ایشان  
 شرف صد و ریافت علا و بر فرارهای نوبت و رای نور اقدس مهابون اقتضای آن فرموده که عساکر حضرت دوله علیه منقسم  
 بشش اید و شوند که مهربانان اردو و هادر علیه فرقه بر حسب فضای اید و سینه مهابون معین شد با شرایط و لوازمی که از جیا  
 دولت مشخص است و توقف کرده مشغول مشق و نظم و نجهت اوزم خدمت مبعوث نظام داخله شدند اما در باشند که هر چه از طرف  
 فرزندانش و از علمیه و اشارت و و بهر آنکه حکم و دستور العمل صادر میشود و مقررین در داند و بخار و دوها و عسکری نظام  
 دوله علیه اسامی سرکردگان و ابوابی آنها علی سبیل الاجمال از فرار است که در ذیل اشارت شده است

اسم و عمار الخلفه ناصر

افواج ابوابی حضرت الدوله با افواج ابوابی علی خلیفان لاجوردان باشی

اسم و عمار خلیفان

افواج ابوابی نیا الدوله محمد صیبر و جیاسو میزا و بوخندان شیخ الدوله و مسال الدوله و مظفر الدوله و اناخان علی بنی خانی

اسم و عمار عراق

افواج ابوابی حشمت الدوله با افواج ابوابی ملک را و افواج و سواره ابوابی عاز الدوله و افواج ابوابی ناصر الملك  
 و مصطفی خلیفان و حاجی ذبیح خلیفان سعد الملك و افواج و سواره خسته کرد و سرگرد سنان و غیره و غیره

اسم و عمار سارلسیند

افواج ابوابی مصطفی خان و سواره ابوابی شیخ الدوله و سواره ابوابی حیدر خلیفان سهام الدوله و افواج و  
 سواره ابوابی مهربان خسته الملك و غیره و غیره

بجای

اسم و عمار گران

سوار و اعضا الدوله افواج ابوابی حیدر ارمغان با افواج ابوابی عباس علی خان و افواج ابوابی محمد علی خان  
 پیکر سوار و فوج ابوابی مهربان خلیفان و فوج ابوابی محمد باقر خان

اسم و عمار گران اصغر

افواج ابوابی حاجی شهاب الملك با افواج ابوابی عزیز الراجح خان سهام الملك و افواج و سواره ابوابی الخلیفان  
 فارس و افواج ابوابی رضا خلیفان عرب

و سوار و سرکردگان جزو نظامی هم که اسامی آنها در فوج و سینه مهربانان افواج از چاکران مجرب و همدید ترین شده و در  
 علیه و بر بود صدق و واردت خلیفان فتنان مریک علی قدر بر اینهمه اراسته میباشد

فقره دوم و نیز از فرار تفصیل است

اشخاصیکه بخدمت خدمت نظمی بر فرارند اعم از ابناء ملوک و غیره داخل سلاک نوکر هستند و سلاها و مجالس سینه  
 که با لباس نظام و نشان و جایله هستند و متواتران جای مقام نوکر و خواجه و نمانند بزرگ و کوچک و شاعر و کوی و  
 شاهزادگان ایدان باید ملاحظه شود در فتنون مکران اندازه و در جبهه منصب

پیکر مهابون از صاحب منصب که فی الحال این سر کرده اذن ندارد بقره افواج کند و فتنه حکم علیه دارد و فتنه مخصوص  
 فتنون از فتنه و نیز غیره و اذ آنکه در فتنه و سلطان بقره خود دارند و فتنه و نشان و ادا و ندا علیه سراز باید پاک و فتنه باشد  
 دولت علیه باید سر کرده که داده از و سنده بیکر اگر فتنه و شو غرامت و فتنه از سر کرده که خواهد گرفت و واجب است سبوسنگ  
 و چادر و ملبوس و کل لوازم فتنون را تمام و کمال بخدمت فتنه و فتنه و سینه نوکر برسانند هر گاه دیده شود  
 سراز و لباس سراز و مشغول فتنه است البته از فتنه و سینه و مواخذه میشود

تکلیف صاحب منصب است نسبت به سراز نوکر و مان زباده از تفصیل ذیل نگاه ندارد

نوکر

(پیشخدمت و نفر) (دهو و چو نفر) (فرار چهار نفر) (ابداد و نفر) (فرار شلو و نفر) (جلودارد و نفر) (اسیر و نفر)  
 (دهنر و نفر) (فاطر و نفر) (ساربان و نفر) (ناظر و نفر)

مال

(اسب و زاده و اس) (فاطر چهارده و اس) (شتر چهارده نفر)

چادر

(پوش فتنه و سینه کباب) (چادر جزو فتنه باب)

سر کرده اذن ندارد  
 اشخاص نامبر

تکلیف نیست و در کل اینر ایش نصف تکلیف سرتیپ اول است تکلیف سرتیپ دوم است و سوار هم آنکه  
دو هزار سوار دارد و سرتیپ اول و آنکه هزار سوار دارد و سرتیپ دوم و آنکه با صد نفر سوار دارد و سرتیپ سوار دارد

سرتیپ که یک سوخ دارد اسم سرتیپ اول است و سرتیپ دوم و سرتیپ سوم با داده میشود اما آن سوخ دیگر سرتیپ لازم ندارد اگر سرتیپ  
داشته باشد از صاحب منصبان خارج از سوخ محسوب خواهند شد صاحب منصبان خارج از سوخ کلاً واجب شده شاه خواهد گرفت و اگر  
بخدمتی مامور شوند آن وقت سالیانه مواجبه داده میشود هر ضعیفی از مشون که این اشخاص فصل اول از دین با داده میشود  
(نایب جودان سفیر) (مهندس سفیر) (مشاق دوفیر) (طیب جراح سفیر)

اگر صاحب منصبی در هرگاه اولاد قابل داری که کفایت منصب را بکند بجای پدرش برقرار میشود و اگر طفل است مواجبه پدرش داده میشود  
تا ده ساله مبارکه دارا القنون سرتیپ شود اگر در جنگ کشته شود مواجبه با اولاد داده میشود که در هر حال مواجبه با اولاد باشد  
منصب پدرش شود و غارت با حاکم داده میشود و صاحب منصب نظام و غیر نظام بر چنانچه تقصیر یا بی اشتغال عمل مفرود میشود مواجبه  
او و اولاد و بیوهان نظامی از فرزندان بجای اولاد است که بعد ازین طبع خواهد شد امشی

مناسبات اسلامیه که در روابط هر مفرود ما بین دولتین علمین اسلام در پیشگاه ظاهر ابرو علی بن عثمان شاهنشاهی است  
نویس که نسبت به دولت عثمان و شخص اعظمین سلطانی اول و سنی احرام گذارن خانه امام زین العابدین نهاد و بیوع و بیعت و  
حاجی بر حسب آنرا که وقت اجازه کسی بشود مخصوصاً افسر ها چون با فخر در مدتها فامش در باران دولت از حسن رود  
سفر نیز خود بر تهنیت بمانی و داد بین دولتین افزوده و آثار و اعلام از آن در نزد اولیای نظام هر دو دولت بمقتضای  
آورده بود از درجه و درجه بندی و اعطای کبری و محض و مراد فناء و بیوفی و بینه سفارت کبری سرتیپ و اعطای داده بود  
دوش و دلبشره و غیره نیز در مرتبه مرتبه بر صبح بالماس محل فرمودند

روز شنبه دوم شهر شعبان المعظم و کبری و نوی کوبها چون شریف فرما و فور خانه و جیخانه مبارکه کشته شد  
الدوله در نظام و ترقیات صنایع جیخانه و فور خانه و داده انداختن جوخ ام الاسباب کمال سعی و اهتمام را بعمل  
آورده پسند خاطر خطرها چون شده معزی الهه و با اعطای نشان تمثال پیمثالها چون سرتیپ و فرزند هرگز کون و فقا  
طراز فرمودند ازین موهبت عظمی و عظیمی که در معنی الهه مبدول افتاد در مفاخرت و مباحث  
بر اوج سموات سایش

چنانچه که چند فلجان الخاق سهام الدوله بشهد مقدس فرموده بود بعضی از آنکه فرستادند شمرده بقلمه جدید آباد  
که در حدیثان و افسان کتب خیریه بعد از آنرا جی الخاق با جی از مشون نظرمون بقلمه باز که سرحد است در دوازده  
بقای قلمه که مسکن و حکم کل طوایف نرگانه و سی فرسنگ مسافت از آنکشانند و در اعزاز کرده در اینجا بعد ازین بکسخت  
نفرین خیز از طوایف طایفه نموده است نواب و الاموال الدوله پیشکار مملکت از باجیان بیک قطعه نشان دینی شان که  
نمایند از آنرا در نظام حسین خان سپهر حرم جلی فلجان نایب جودان باشی هم منصب سرتیپ از که در کتاب بجمعه

حاجی محمد

الناظر و مشتمل اشعار و شجره طبع شده و بر وزیر سدا منصب کتابان در زفا و با حاجی الدوله طبع رسانیده است در  
شهر رمضان در شکارگاه دو شان پنهان کنی شکار شسته مبارک شدن آن وقت اعضاد الدوله داعی خوار لیک جانب کشته  
حکومت سرتیپ اول را بعد از اعزاز الدوله سپهر حرم و انکار فرمودند و محمد علی خان بیکر یکی بنیاد حکومت سرتیپ اول را  
کردید و جین الملوک در سپهر حرم اعضاد الدوله بمنصب نظارت و خوانساری لقب عین الملک سرتیپ اول شد و حاجی میرزا  
بجی خان کافی السابق بنیاد سرتیپ سرتیپ اول را در مهابه میباشند نواب و الاموال الدوله بیکر یکی و لایق عربستان و بر وجود اعطای  
بکوه بجمعه شمس مرصع سرتیپ اول آمدند و بعد از آنکه مشون بوزارت نواب اعظم الهه و خلعتها چون نایب املا نظام انواع  
سوار و نوکران در آن و سرتیپ اول را بر مخصوصا بر عهد کفالت نواب و الاحتمه الدوله نایب سرتیپ اول در وزیر جلد کفالت  
فرمودند نواب و الاموال الدوله هرگز آن کردستان بیک قطعه نشان امیر فرمان مکل بالماس فرین اخضر که در بدنه فلجان  
پشتخت خاصه بمنصب نوبل داری و جوه نظام سرتیپ اول آمدند و بعد چنان که بمنصب کسب یکی باشی که میبوی بود محمد بابا نایب  
مفتی کشان و نایب محمد با جماع الدوله امیر حسین خان الخاق شاد و و جلد و فلجان سهام الدوله الخاق نیز در مهابه  
الناظر حال بر طایفه تکره در خیال نشین ناخند یکی نظامی طایفه و مفرود بلکه تا بود نمودند احشام الملک سپهر حرم  
احشام الدوله حکومت کشان بر از امدان بنده مؤلف که در بیوفی بمنصب شخصی خاصه و جز آن اجوبای حضور  
مبارک سرتیپ اول بود در سرتیپ نواب و جی و انکشان یکی در پنا مساعی موفوره نموده حکمها چون شد که بعد ازین  
روز نامه های دولتی نیز چه های فدوی مدیله باشد بکما تکان سرتیپ اول افتار حکومت و سرداری استیلا در سرتیپ اول  
بر زاعی اکبر خان از اداره وزارت علوم بنیاد حکومت ملا بر تو بر کان و لقب سرتیپ الخاق و مفتی کشان نواب الاحتمه  
الدوله نایب وزیر جنگ بلف جلیل امیر جنگ درجه اختصاص یافت نظام نامی اجبا و جوا حان نظام بعده کفالت نواب  
ولا اعضاد السلطنه وزیر علوم موقوف است بر زاعی عبدالرحمن خان وزیر مختار دولت علیه که مقیم در بروج بود مقابله  
الملک شد حاجی میرزا علی مشکوه الملک بحکومت همدان منصوب کرد بد محمد فخران افتار پیشرفت خاصه و امیر خود اصطلح  
نویسند بیک قطعه نشان از درجه دوم سرتیپ و حامل مخصوصان سرتیپ اول آمد

روز شنبه ششم ماه ذیحجه ده مساعدی و فیروز چهل و سه تا سینه از روز گذشت سرتیپ اول در حوض بجل ببول نمود و سلام خاص  
در نالار شمس العاره انعقاد یافت در روز یکشنبه هفتم سلام عام در نالار بخش مر و منعقد گشت حضرت شاهنشاه ازده افخم  
اکرم و الا ایبالا سلطنه دام اقباله العالی با بمنصب جلیل و لقب غیبا امیر کبری درجه امین از عساکر فرمودند و با اعطای یک سوخ سرتیپ  
ششم مرصع و بیک قطعه کل کمال بالماس حضور در شرفنا محجود اعظم الهه میباشی که در نواب و الاحتمه الدوله بیکر یکی مملکت خراسان  
منصوب سرتیپ خان سرتیپ اول کافی السابق سرتیپ اول نظام و جی نظام سرتیپ اول کرد بد سرتیپ امیر رئیس قزخانه و نایب اول و نایب  
امور سرتیپ اعطای بیک قطعه نشان ششم و خورشید از درجه اول سرتیپ با حامل مخصوصان مفتی کرد بد محمد نایب سرتیپ نایب

اورد سفارته و آن علیه مقیم در دربار و نشان کلیس با عطا و منصب سریشی از درجه سیم و جای بل مخصوص از سر بلبلد آمد که  
بجای امور پیش خود روانه کرد و در تبریک علیخان امعقانی شمس الشیراز موم شد  
وقایع عظیمه سواخ نموده که در این سال در تمام سرزمین و افطار عالم  
ساخت و واقع گردید  
آنانو بی بنکی دینا

الکتاب رعیت زینالکران را بریاست

### اسپانیا

پایه لطیفه خنجر کل و کت در عقبه بارشال سزانه گذاشته شورش اهل جزیره کو با کال شدت و با و ب زرد بنز و این  
جزیره شایع است

### انگلیس

خارج جنگ حبشه که مجلس و کلاهی متشخصه داشتند همگی که در بوه که هر لوه و عیار و نازینت پیچیدار است سید است قوت  
لوه در بی بنس طایفه نور نهاد رسن هفتاد سالگی

### ابطالیا

نولدیه بر عهد ر شهنشایل و مقلب نمودن او را بشا هزاره ناپل

### بلژیک

قوت و له عهد پسر الهدیاد شاه در سن نه سالگی

### روس

شورش بلایفه قالموق و فرطین و تصرف نمودن آنها شهر اولاد کس در حواله دشت و بعد از مغایر نمودن قشون روس  
انقاریا بیامردن آنها بجان جنوه فرستادن امیر بخارا شهر پر خور را بطور کردی و بطرز بویغ و کاسن شوکت امیر بخارا بوا  
تصرف روس امیر با نصف ملکش او را و هر سال بجز بچورا است بجهت خارج جنگ مبلغی بکار گذاران روس تسلیم نماید و دیگر کوش  
بترها و باغی است بخشش اعظمی نامر اطور نقض و تمسیر با

### ژاپن

امرای فوعد و فواین حدیده اجازه دخول فرنگها دادا علی بناد و فرار دین شهر بدو در سایه ای نخبه دولت سفرای  
وانگلیس و ابطالیا و هلاند و پروس و انانوی در این پای نخبه من بعد سفارتخانه خواهند داشت ایجاد مجلس شویلی

دوای که از ایران تمام دیوسها (یعنی بخارا و اعیان) هشتاد

## شرح وقایع سال بیست و بیست و سلطنت و تاجداری اعلی حضرت افدین خسرو صاحبضرا نر خا مملکت و عزت نصره مطایب با سند هزار و دویست و هشتاد و شش هجری ثانی میل تاریخی

درین سال فرخنده فال عموم در عابا و بر پا و صنوف خدم و حشم از ارباب سبف و عام مشمول توجهات خاطر خطره لوکانه بود  
حکومت معینان و مستغلا میرزا فیض خان صاحب دیوان معقود من مغزی البه و املقب بخجنا و معقود و با عطاء یکوی بجهت  
پولک و زشمه وضع سرافراز فرمودند نظیر بجهت مروج محمد اسمعیل خان و کبیر الملک مرخصی فلجان در سر مروجوم و بلقب و کبیر  
الملک و حکمران کرمان و بلوچستان سرافراز فرمودند میرزا احسان مستوفی وزارت خارجه که در ماموریت لندن و بخرافات و زان و خارجه  
بطور شایسته از عهد برآمده بمنصب کانداری مام خارجه کبلان و نشان و جای از درجه سرهنکی سرافراز شد و نیز نظارت  
مهندس معماران مامور پیدا نمودن معمار شده و بعضی معادن هم پیدا نمود و در ششم شهر صفر المظفر که عید و ولادت مسعود  
ها بود و در آن وقت مامور سلام عام منعقد و شاهزاده سام میرزا که از مدحت سرایان خاصر ایند و لشجای و با خاصر اصل  
بلقب شمس الشعرا سرافراز کرد بدیو اب و الاضره الدوله که با نظام امور نو بخانه فرخار بودند بمنصب نایب وزارت  
جنگ سرافراز کرد بدیو سواره و ابل که در آن زمان در آن بکر بچکان سرنایب بواجع فرمودند میرزا جهان معتمدی نیز مامور  
انگشتان معادن گردیده و بعضی معدنها پیدا نمود محمد رحیم میرزای صبا الدوله که از شاهزادگان کابلیست نظم و نسبق  
امور زمینان مامور کرد بدیو کبیر منصب میرزا محمد ابر حسیب سندهای امیر و سنجلیخان معبر الملک امیر و سنجلیخان و له مشا  
البه مرعفت فرمودند علیخان پیشین و متخاصمه و لقب با مین سر کرد بدیو خان سرنایب و لقب بصمصا الدوله فرمودند حاجی  
خان سرنایب اول نیکابنی لقب ساعدا الدوله سرافراز آمد علیخان سرنایب رئیس کل نیکابنی های ممالک بحر سهر  
ملقب بخجرا الدوله کرد بدیو میرزا حسنخان دیر مروجوم حاجی میرزا مسعود وزیر و خارجه سابق بنایب وزیر و خارجه یافت  
موکب هایون کشره بنیهای شهر سنانک و فرید و نا و کجس میا شد میرزا کچکان سرهنک نورخانه مبارکه بمنصب  
سر نایب نورخانه سرافراز شد فوج سپه اخو دیو هر چه در که سه سال قبل خارج شد و مجددا آنها را در ماخذ هزار نفر

بفرزد

بر فراز کرده و سرخیه نوح مزبور را بجای کریم خان سر نوبی مرعش فرمودند که اگر با او که مفر شده بود از طه سمان  
 و شام و دو بیظام کشیده شود از سمان گذشته است علیجان سر نوبی کار بر آرد و آن علیه بقیه نقلی نشان و جابل سر نوبی  
 افرا کرد بدین جهت که منشی و زار و امور خارجه را عطا بکفطعه نشان شیر و خورشید از وجه سر نوبی با ما با مخصوصان  
 مباحی امدت را احسان منشی که در وزارت امور خارجه مستند کارهای عده بود با عطا بکفطعه نشان شیر و خورشید از وجه  
 سر نوبی جابل مخصوصان سر نوبی حاصل نمود که با یون روز هشتم جمادی الثانی از شهرستان بسطانتان تری و لاجلا  
 جابل سبوی که نسبت به زنجاری از جانب وک در سر امور اقامت در دولت علیه بود از اول و در وجه شرا بط اعزاز و  
 احترام سفری از کوه و درای بخار در باره جناب معز علیه بود که اهل امدت بعد از دور و بدار الخلافه در ستم وجه مخصوص  
 ظهور مبادک مشرف شد ابراهیم ابدار باشی خاصه بقیه امین السلطان و خلفها یون سر نوبی از کریم علی بخان کسری کاظم خان  
 فرزند شایسته نوح فخر و ابنه شفاقی بران مدتی قبل فخری بود در امان اتفاق افتاده تفصیل آن این اوقات در الخلافه  
 و از طرف بل است

### تفصیل فتح او اما کریم شتا

بلوک او را مان که از طرف کریم سمان مرعش و ابن علی بن برین و عثمانی و در جبال شام سخت واقع است سکنه و دوسای آن  
 بلوک میان کعبه و دینار و احشام اغلب و دانست همیشه با طنا باغی در آن بوده ولی ظاهر که اطاعت و کت کریم سمان  
 را کرده و کامی تمام از جاده اطاعت برین مفاد تا آنکه عندالدوله فرهاد میرزا که شاهزاده کافی دی شان بود بکران کریم سمان  
 شده و سال قبل که بعد و او را مان رفت حسن سلطان که یکی از فطاح الطرف بود و در اینجا اقتدار و اختیار پیدا کرده و نیز علی خرد  
 و سابقه نظم در ستمی در کار او را مان داده بود و چون حکم خسرو اسکند نشان بنای قلعه در همان که سد حکم بجهت دفع انظار  
 با جرح صفت بود بنا نهاد و خود در کیش قلعه و نظم او را مان با جرمی معدود و در ظاهر بود انظار بقیه برین علی المغفله بر شاهزاده و  
 کسان او پیشین و صدقه بهر امان او وارد آورده بعضی سباب عندالدوله و بقرار شیره جمعی از نوکرهای معز علیه نقل و  
 و خود با جرمی مستند مزاج که در تفصیل بعبه و بیای دولت و ساند بچگونگ تا شایسته از آن طایفه با غرضی بر او لیا  
 دولت کران امدت حاجی فخر علیجان سعد الملك را بر اینست که امور فرموده و از طرف مصطفی علیجان اعانتا السلطنه با نوح فرزند کریم  
 نوح خسته و شاد که بصوابی به عندالدوله با نوح کریم سمان و سواره سفر و باید دفع شر این فرقه را نموده اگر چه مکان سخت  
 جبال صبا السلک بود بطوریکه رؤسای آنها مثل سعید سلطان و غیره میگفتند اگر چند هزار لشکر با بدیهه مغلبه نخواهد  
 و اگر در این برین و عثمانی هم اتفاق افتاد از عهد سختی مکان ما بر نخواهند آمد عندالدوله اعانتا فی اینها که سه نوح و  
 دو عراده توپ و توپوزان طرف بین شامیان و کلون مامور ساختند و واسطه صفر انقباضی باند سفر که بار و جونی  
 شده بود در پیته شامیان که مجازی در بند کونینت حلافا ما انداختند و در غرض ربع الثانی جنگی در آن در بند اتفاقا  
 افتاد چون مکان سخت و غیر خطر و درخت بود لشکر منصوبان مفرم بودند با وجود این آنها از صدمه توپ مخدول

و مکتوب بر کشنده نیست عشق و بیع الثانی بعون پزدان و اجبال سلطان حاجی سعید الملك و اما خان سر نوبی در نظر  
 مرحوم با اخراج خسته سواران بلات و سواره خسته توپچی و توپخانه ناز راه و لیس سر برین جبال عروج کرد و در بند  
 دزدی و اخل شدند اهل دزدی از صدای شپو از خواب غفلت بیدار شدند چون بجهت عبور و شتواری وی اعانتا السلطنه  
 از اب سپردان اغلب بقیه های او را مان سعید سلطان بطرف شوی رفتند و وقتیکه از لشکر دزدی خبر شدند بجهت  
 اطلاع بعزم قتال امدت ناپره هر با اشتعال یافت و در سران اعناق افتاد و چند نفر از روسای انقوم مقول شدند و  
 با اجبال شاهنشاهی شکست ما خرد و در و فاحول و حوش بدین فسون ظفر خون آنها را نفاذ کردند و آن جاد افشا  
 نمودند و پس از این شکست نیت در اینجا محال دانسته تا شهرت در شناختند و افواج سرکانه و نیکو سفری و مریه  
 و باند و مردمی دادند و توپ و جرم و سواره و توپوزان طرف بسیار بر رفع فشره نوسو و امور شد بعد سلطان بل چوبین  
 و کشیده و سنکرها را بسند بر جبال افشانه بود نملشکر منصور روز و سوره ششمینا را با که در دستها بود که رفتند  
 شبیست بکرمادی الثانی اعانتا السلطنه بخبر با بریج و سنکرها را کما در و خانه مرغان در صبح بکف نوح افتاد که  
 بولکان سر نوبی هم سنکرهای بکریند و شتا و دان هر دو نوح ان موج احباط نکرده از ایشا گذشته سنکرهای اینجا  
 که رفتند و در پیست چهارم نفعی هر دو را مان بعزم رزم پیش آمدند و مغلوب شده بر کشیدند و در دوم جمادی الاولی با  
 شپو و ابان بر نوسو روانه شدند در عرض راه و حین عثمان بران سعید سلطان بچنگ آمدند و شکست خوردند و  
 و بریم ماه هم در نوسو که برای غنیمت بودند افزا شد شد الحرف سران و سرکردگان واحاد و افراد فسون ظفر خون کمال شد  
 و اگر در هر یک و در هر یک هم یون شد

مرغی علیجان و کبک الملك حکمران کرمان و بلوچستان با عطا بکفطعه نشان شیر و خورشید با ما با مخصوصان از در وجه  
 سر نوبی فرین مفاخرنا امد نظر بکجا با جناب حاجی میرزا حسینخان مشیر الدوله سفر کبیر دولت علیه بران مقیم اسلامبول  
 با عطا بکفطعه نشان شیر و خورشید با عطا بکفطعه نشان شیر و خورشید با عطا بکفطعه نشان شیر و خورشید  
 قطع عثمانی بمشال هم یون سر نوبی از کریم حاجی میرزا جیحون خان نایب الحکوم و از نندین بکفطعه نشان شیر و خورشید  
 و بکر شده جابل از در وجه سر نوبی فرین افشار آمدند و در پیست سیم وجه بقیه امین ممد رسد مبارک و القون و الامحان فرمود  
 مراد شریفات آنها و اهنامات نواب و الاعضا و السلطنه و ذی علوم معلوم رای موافق بنای ملوکانه کرد که بدیهه بکثرت بر کرد  
 شمس و صبح نواب عظم الیه مرعش فرمودند چون محمد ابراهیم خان معمار باشی عمارت جدید بدیجلا کرد در جاجرد و دنیا نوب  
 که پسند ظاهرند ملوکانه افتاد مشار الیه با عطا بکفطعه کل کر و نشان از در وجه سر نوبی سرافراز شد و سره خان سر نوبی  
 نوح فرامان بقیه امین مکتوب کرد بدیهه نوح علی بن شپو و در مرحوم میرزا محمد حسین عند الملك مغلبت بعد در بولاقخانه کردید  
 حاجی شریجان مستشار لشکر حاکم ترشیز و در وجه سندهای نواب و الا حشمة الدوله حکمران خراسان بقیه مستشار  
 الدوله مبارک حاجی حسینخان شاز و در دولت علیه بران مقیم لندن با عطا بکفطعه نشان شیر و خورشید و ایشا کلکین بر فراد

کریدند تا آنکه در این روزها که مابین او سفارت دولت علیّه مقرر شدند بود و بدین ترتیب با خلافت با هم و احضار شده منصب شاد و خلعت  
 هاپون سزایند و در آن محل مامورین خود کردید و جواب دادند و الا عادالد و در حکم آن که ما شایهان و در ستان و نهادند و احضار بار  
 الخلافت نمودند و در عهد نظر نواب معظم البیاضیستان از درجه سیم امیرنویان سزایند و در فرودند تا آنکه آن فرزند شایعی  
 حاجب الدوله کردید و حسینقلی خان ولد مغزی البیاضی کردید که یکصد نفر از سوار و نصرانیان و اوجی حسینقلی خان سزایند  
 افزایند حاجی میرزا علی شکوه الملک منصب کل ایامانی کل ممالک محروسه سزایند که در طولوزان حکمباشی مخصوص  
 هاپون با عطای یکقطعه تمثال پیمال مبارک فرین افتخار کردید بدین حضور پیشین من خاصه شریف و مامورین نظایفان و  
 انتظامات شهر دار الخلافت و حوالی آن فرمودند و نواب والا ششمه الد و در حکم آن حواسان در ندره طویف ترکد اهنان  
 نمود و قار بقلع و وطن و قلع و موم بقوشه کلز فلاح بزک طاقت و العید استخ نموده اند و غلام محسن پیمان روزی  
 عدلیه و برادر و منصوب کردید چون بجهت برخی و در مرحله دایره مابین دولتی علیین ایران و عثمانی بایکدیست و در  
 مامورین در آن سرحدش و در نواحی ناظم فرخان مبارک که در جزیره سفارت کردید و لندن و سفارت اسلامبول و غیره  
 خدمت کرده بود با عطای خلعت هاپون سزایند و بجهت مقصود بود مامورین در حد شد نظر آنکه در سفارت نمایند و در  
 در مامورین بطرز بورخ و پارسی و در وزارت خارجه خدمت کرده بود منصب شاد و در ذری و اقامت در بار و در آن  
 خلعت هاپون و نشان شیر و غور شیدا از درجه سیم پیشین و حامل مخصوصان سزایند که در آن محل مامورین خود کردید  
 میرزا عبدالصناب اول سفارت بلیغی خان و منشار و سفارت شریف فراد کردید بهر نواحی اهدخان نایب و سیم سفارت بنیاد  
 اول نایب کردید بعضی بنای ماصب الامر در استرا با کرده اند از جمله آن قلعه مشغول تعمیر میباشند و در حاجی فراد کردید  
 بود که با تمام آن اهتمام شود این اوقات بیست چهار چشمه بلکه یکصد و بیست و سه طول و شش و نیم عرض دارد و کمال  
 استحکام ساخته شده میرزا ذکی پیشکار عثمان و بر وجه ملقب نصیبا الملک کردید نواب شعاع السلطنه در قار و در  
 دیوار الخلافت داعی و بالیلک اجانب که جناب شیخ عبدالحمید بن محمد بن محمد در هین ماه در عبادت عالیان بخوار و عالی  
 پوشیده و کتبه هاپون روز یکشنبه بیستم شهر شوال از دار الخلافت با هم بعزم سفر خوبیشا ترکلان اشاهان فرمودند  
 موکب سعوت شاهانه حضرت شاهنشاهزاده امجد اکرم نایب السلطنه امیر کبری و جناب اجلای مستوفی الممالک بهرام ملک  
 میرزا نذاری و ذری عظام نواب الاعضاد السلطنه و زین علوم و وزیر موار و در ظاهر و ظهیر الدوله ملترم در کاب اعلی  
 میباشند و تفصیل این سفر خوبیشا ترکلان فراد ذیل است

خبر از این خانی  
 معهود

حکمان

حکمان این ملک در شرفیات مقدم مبارک مساعی جمله خود بود مسلح شوال نیز وین و غیره ذی بعد از فرودین بفرمان با با  
 نشین فرما شدند و در نیم فریبکندی از نواحی فرودین سزایند که در کشته بگردید و اینها اطرا شد روز چهارم  
 بدر ملا علی که از خاک طارم سفلی است توجه فرمودند و اینها نیز بگردید و اطرا شد و چون طارم سپرد و نواب الاعضاد السلطنه  
 در علوم است و در نواحی خاک طارم لوازم شرفیات مقدم مبارک که در کمال خود فرماهم آوردند امیر الامراء القظام مجلد و در کمال  
 کردید یکدیگر کای مبارک شرفیامان ملا علی حبسلا مر کجیل حکم آن خود معاود شد نمود روز ششم بل او شان که اول خاک کجیلان  
 محال در هاپون بود روز هفتم نشین فرمای مجید که در عزمه و بل که نهم فرستاد بالای مجید مکان بقای با صفای خوش  
 مواست و در اجلا فرمودند و بگردید در نواحی اطرا شد و سر هر دو بل که بیست و یکین و بلند میباشند هفتک نوع نظر دارد  
 معرقت درخت نیشون بنور و اینها بیست است و در نهم ماه بر ستم آباد نشین فرمودند و در ذری فرمودند و چون غویان بگردید  
 جناب جلوسی ماریع مجید که از اجلا است حبسلا مر هاپون در نظر بل و مواطین خود و مخصوص مبارک مشرف کردید و چون  
 چشمه ها جدید بنیای بل بسیار خوب و مستحکم ساخته شده بر شرفی از جناب شاد و در نهم ماه در کتار بل بسیار چرخ سنگ  
 که در نواحی نودون علیه حبسلا مر از فرنگستان اینساع و حمل نموده اند از لحاظ آنکه در ملک کشته مقرر فرمودند نواب  
 والا اعضاد السلطنه و زین علوم اسباب مذکور در آن و در دار الخلافت کنند و چون حسینقلی خان شریف سعید شاد و نواب  
 نظر نواحی مامورین سفید کردید اسباب با اعراضه مبارک شوال از دار الخلافت بر نهم ماه جنگل اما از ده هاشم و کتار و  
 خانه سفید رود بود و مسعود شاهانه زینت یافت ساهل الدوله در اینجا شرفیاند و نواحی مبارک شد و در یکشنبه  
 باز هم ماه و بیست و سه بالعمی و السعاده شهر دار المزدشت بقید و موم و مبارک را راستد و علما و اعیان و عموم اهالی  
 در این ایام مقدم خردانه خدایمانی و جانشانی با جمال و در نواحی که موکب کلسا از سر جزوه و بل بدین سمت مقصد  
 غریب فرود نایب دولتین در کاب و غرض خوش گذشت و راهی که در سوا بواصب مسالک بطوری خوب ساخته شد که  
 تمام این شانزده فرسنگ خیابانی مسلح بود و بجای جهنم دره معروف بهشتی و صفای و بهر گونه صفای و موم و موم در سمت راست  
 هم چار و ده خانه سفید بود و جنگلهای و کوههای و سبزه بولند و عشا باد و در سمت چپ جنگلهای عظیم و کوههای اخضر و سفید  
 زار و بسیار بلوکن چون رود بار ما بخت خاطر خطی ملوکانه میگردید روز یازدهم ماه که در نهم و موم و مسعود هاپون  
 بهشت بود و در آن نواحی که در کاب و نواحی که از جناب اعظم شاد و در سوا بواصب مسالک بطوری خوب ساخته شد که  
 موکب سعوت شاهانه حضرت شاهنشاهزاده امجد اکرم نایب السلطنه امیر کبری و جناب اجلای مستوفی الممالک بهرام ملک  
 میرزا نذاری و ذری عظام نواب الاعضاد السلطنه و زین علوم و وزیر موار و در ظاهر و ظهیر الدوله ملترم در کاب اعلی  
 میباشند و تفصیل این سفر خوبیشا ترکلان فراد ذیل است

دو شانزدهم

دوازده ماه بزم از آن شش ماه بود و در حین آن جناب ظاهر بود و در عین آن که در آن روز در آن وقت  
 اشکام امور بود جبار علیه الدوله بهر آنکه در آن روز که در آن وقت که در آن وقت که در آن وقت که در آن وقت  
 از آنکه در آن وقت که در آن وقت که در آن وقت که در آن وقت که در آن وقت که در آن وقت که در آن وقت  
 در آن وقت که در آن وقت که در آن وقت که در آن وقت که در آن وقت که در آن وقت که در آن وقت که در آن وقت  
 که در آن وقت که در آن وقت که در آن وقت که در آن وقت که در آن وقت که در آن وقت که در آن وقت که در آن وقت  
 امور خارجه و در آن وقت که در آن وقت که در آن وقت که در آن وقت که در آن وقت که در آن وقت که در آن وقت  
 و غیر از آنکه در آن وقت که در آن وقت که در آن وقت که در آن وقت که در آن وقت که در آن وقت که در آن وقت  
 امین السلطان و فرقی بود که در آن وقت که در آن وقت که در آن وقت که در آن وقت که در آن وقت که در آن وقت  
 دوام داد و در آن وقت که در آن وقت که در آن وقت که در آن وقت که در آن وقت که در آن وقت که در آن وقت  
 نزال قولی بکن با کسی که در آن وقت که در آن وقت که در آن وقت که در آن وقت که در آن وقت که در آن وقت  
 فرقی بود که در آن وقت که در آن وقت که در آن وقت که در آن وقت که در آن وقت که در آن وقت که در آن وقت  
 نایب آنکه در آن وقت که در آن وقت که در آن وقت که در آن وقت که در آن وقت که در آن وقت که در آن وقت  
 از آنکه در آن وقت که در آن وقت که در آن وقت که در آن وقت که در آن وقت که در آن وقت که در آن وقت  
 بودند صد ها بجز این که در آن وقت که در آن وقت که در آن وقت که در آن وقت که در آن وقت که در آن وقت

که یک کس کو حلیک بخاری (که بزک بخار و مخصوص سوارهای ما چون موسوی شاه) (که افشکی پیشی) (که افشکی پیشی)  
 خلاصه و ساعه غیر و بماند و بیارند و لایق و اضره در فضا از آن شریف فرما کرد بدند و هفدهم که روز و هم  
 در آن وقت که در آن وقت که در آن وقت که در آن وقت که در آن وقت که در آن وقت که در آن وقت که در آن وقت  
 صاحب منصبان هر چه از آن مقدم بجهت خروانه بدین باری شایان عمل آوردند و کشتی بزک دیگر که حامل صاحب  
 دوس بعضی از چاکران اسنان مقدس بود در طرف کشتی ما چون بمیان کوه کمال سرعت پسرین و در آن  
 صاحب منصبان در آن روز و شوق او از هوای بلند می نمود و بدین سپهر شاهنشاهی در دریا و جزیره و ساعت بود  
 هجدهم ماه علی از آن شرف زیارت حال پیمثال شاهانه را اسندت نمودند بزکان و اعیان آنرا نیز شرفیاب  
 خاکهای مبارک کرد بدند هم در آن روز و بیجا عن بجز و باند کشتی بخار کو حلیک بنامشای صیدهای و شیل شریف  
 فرما شدند و در آن روز زیاده از چهار هزار ماه صید شد و روز نوزدهم حیل امیر نواب و الا اعضاء السلطنه و  
 جناب مؤمن الملک و معتمد الملک در چهار دریاخانه نشسته بهر ارض مردم از طوالتش و غیره رسید که بودند و ذات  
 ملکوتی صفات مقدس در در شکر نشسته با چند نفر از خواص جناب در سمینکه از ساحل دریا بزک بطالتش دو کاب  
 مرد و شریف فرما شدند و در آن وقت که در آن وقت که در آن وقت که در آن وقت که در آن وقت که در آن وقت که در آن وقت  
 که در آن وقت که در آن وقت که در آن وقت که در آن وقت که در آن وقت که در آن وقت که در آن وقت که در آن وقت

از پیل انقیل و کابا علی نابل که بد و چون در پیل ارام بود اعلم حضرت شاهنشاهی در کشتی بزک بخار نشسته قدری  
 بشیر بجز در باخند و در آن وقت که در آن وقت که در آن وقت که در آن وقت که در آن وقت که در آن وقت که در آن وقت  
 جناب مؤمن الملک و در آن وقت که در آن وقت که در آن وقت که در آن وقت که در آن وقت که در آن وقت که در آن وقت  
 دریا بزک شریف بود و در آن وقت که در آن وقت که در آن وقت که در آن وقت که در آن وقت که در آن وقت که در آن وقت  
 روز بیست و چهارم نواب و الا اعضاء السلطنه و جناب مؤمن الملک و امین الملک بخاک ما چون بیازد پیل پیمثال  
 قاضیان و آنرا در وقت که در آن وقت که در آن وقت که در آن وقت که در آن وقت که در آن وقت که در آن وقت  
 وارد پیل و غیره بخلاص ما چون سرافراز کرد بدند از آنجا نزال قولی بکن و سایر صاحب منصبان دولت و در آن وقت  
 شریف فرما کرد که در آن وقت که در آن وقت که در آن وقت که در آن وقت که در آن وقت که در آن وقت که در آن وقت  
 مکل بالاسر و در آن وقت که در آن وقت که در آن وقت که در آن وقت که در آن وقت که در آن وقت که در آن وقت  
 با و طان خود معاودت نمایند سبب الملک عاکر طوالتش نشان شهر خود شد و حایل و خلعت ما چون سباهی آمد  
 علی اکبر خان در پیل یکی نشان سرهنکی و خلعت ما چون نابل کرد پیل لطف الله میرزا سرهنک تو چنانه نشان و حایل  
 سرهنکی سرافراز شد خرد الله خان سرهنک خارج از فوج نشان و حایل سرهنکی و شمشیر کل و شعله و حکومت کرگان و  
 مفرقت امان الله خان محکوم طالتش و لایق غیره و اعطای شمشیر ندر طلا سر بلند شد و در آن وقت که در آن وقت  
 شمشیر ندر طلا سرافراز شد سایر اعیان و بزکان و صاحب منصبان نظام و غیره نیز عوارف شاهنشاهی میاهی کرد بدند  
 بیست و ششم از راه منکوره که کنار و در خانه مبارک ابا و واقع است بوله پیل از آن وصل پیشو موکب ما چون عام  
 و شکر کرد بدین راه داد و ابا ما حکومت بخاک الدوله حیل امیر با خارج کرانی ساخته اند و در خانه مبارک ابا  
 از آنجا در آن وقت که در آن وقت که در آن وقت که در آن وقت که در آن وقت که در آن وقت که در آن وقت که در آن وقت  
 سبکان اعلم حضرت ما چون در کشتی بخار کو حلیک نشسته و خواص مجال اسنان معلی شرفیاب نزام و کابا علی مشرف کرد بدند  
 نزال قولی بکن هم در کشتی ما چون حلیک مبارک امداد هندی و مبارک ابا دلی صاف نمودند در آنجا از کشتی فرود آمدند  
 بقای سوار شد و نزال مغزی لیه عبدالرزاق خاصه مرخص فرمودند شش ساعت غیر و بماند فانی ما چون در آن  
 منکوره ایشان از فانی بد در شکر نزال شریف فرمای شهر شد که بدند روز بیست و هفتم اعیان دارا از آنجا  
 بعواطف و خللاص ملکانه قربان خاصه میاهان فرمودند و با فاعان شایسته عبادت و طلبه دادند روز بیست  
 و هشتم بقصر ناصر شریف فرما شد تا وقت عصران نواحی مقدم مبارک از مزین بود و در آن وقت که در آن وقت  
 عینک که بجز سرهنکی شهر در طرف شمال و سر راه فومن و طول واقع است شریف فرما کرد بدند روز سی و نهم که در آن وقت  
 اخرون و موکب مسعود بر شرف نعام اعیان و مجال کلان و ما مویدین مؤمنان سامان بخلاص ما چون و عواطف  
 خروانه شریف شدند و کارگزاران دولت بخاک بهر مقدم رشت با بیخلاص فاخته و اشیا نقیسه فرین مفاخر فرمودند

و مقر سنجایه مؤمن الملك و زير امور خارجه و حكمران كلان چند روزی در كلان توقف نموده بهام این ولايت اچانكه  
 باید در حيز نظام گذارد و در غره شهر نجف باليمن والسعاده از شهر خارا لرزانه حاضر فرموده شريف فرمای مانزاده هاشم  
 شدند روز دوم در انجمن اطراف شد روز سیم رستم باد و ضرب جناب با احتشام کرد بدو چهارم مجزه و پلنگ و الجلا  
 فرمودند و زنجیر کار پل لوشان مقدم مبارک مزین شد افغان مظفر الدوله و علی قلی خان سر نیک از خسته زیارت خاک پای  
 فرموده آمدند و در منزل بنفیل و کابا علی فایز کرد پند و نیشتم بالای کردن خزان مترکاه ارد و علی کشت و در  
 منزل انابا و در هشتم بظاهر فرزند و در دوازدهم در فرزند اطراف شد و علما و اعیان و شایگان  
 این بلد جو اطراف مباح که در وجه اختصاص افتاد و زدهم که بعد از آن بی بعد از تقدم شراب بعد بعد بفر به خال علی  
 شریف فریاد شدند روز پانزدهم شهر نجف مفر سلطه کبری یعنی با و الخلاصه نامه ی غیر قدم مجتهد روزم اعلم حضرت شاهنشاهی  
 نام ملکه زین کبری بد شنبه و شنبه هجدهم که شب بعد غدیر بود بعد از گذشتن چهار ساعت بشت قبضه و سونای پنجشنبه  
 پنج جلدی که شاهنشاهی اعظم از برج حوث مجل بخوبی نمود و سلام خاص و پیشگاه حضور افند من انعقاد یافت و در  
 روز دهم سلام عام منعقد و میرزا فضل الله وزیر نظام بخطابان ملوکانه سرافراز آمد

تذییر

در دین سال حضرت اجل کرم شاهنشاهی از ده کامکار و میران الدوله حکمران فارس بلیج علی ظل السلطان ملقب کرد بدند  
 برزاق و پیر حوم میرزا زین العابدین البرز منصب مستو کوی مباحی کشت میرزا شفیق منشی وزارت خارجه بلیجخانه  
 سرفرازین در محمد صادق خان سر نوب برادر شهاب الملك که بیکه معظه و شرف شده بود در عرض راه بر محمد لیزری پوپند  
 تا رسید محمد باقر خدیو فرزند شیخ اعوان و البسک اجابت گفت که با و صواح اللعتره الطبع نمودند

وقایع و سواخ عده که در این سال تمام رخیز و افطار عالم سواخ  
 و واقع گردید

اطرفین

مسافرین اعلم حضرت امیرالطور اطرفین چند مرتبه در زمین گذارده و وحی و واد تا با سلامبول و از اجا بونان و از بونان بژا و از نا بجا بینه  
 گذرد و لذا بیشتر مبر آمده و در افتتاح شهر نجف سوئز حضور بهم رسانید بعد از آنکه بفرنگ بودند اتفاقا و معاهده نجف  
 با د شاه سیام و اعلم حضرت خاقان چین

عثمانی

حضور اعلم حضرت سلطان ازا اینکه در اول فرنگ دفع محاصره و بنا بونان نمودند و وقت فرود پاشا وزیر امور خارجه

دو نفر از بنادر فرانس فرقی بعضی وزارت جنگ بحین عوف پاشا که حاگر جزیره فندی بود بنو سوط عالی پاشا صدر اعظم  
 مسافرت والی منتگرو بد و ن اجازه سلطان بنام فرنگستان و در سپه و مراجهت نمودن بولا پاشا خود با پرنس و الفسوک  
 که یکی از اجودانهای خاصه اعلم حضرت امیرالطور و در است مسافرت والی اقلان بنام بتر بفرنگستان و مرزا و جناب پرنس  
 البراب در سوئیس حذب و معرکه مغز و بالطاف اعلم حضرت سلطان شده بکن اجازه و اذن باب عالی در نامه افتتاح  
 مجلس شورای مینا بد نیز در خصنا اعلم حضرت سلطان بفرنگستان سفر نموده سلاطین عظیم الشان را دعوت شایگان  
 نفر جمع العجین سوئز میکند هشتم کرد و در دوشنبه هزاره هفتصد و هشتاد و دو نفران و در فران کنسارج این  
 بوغاز شده و طول بونان بیست و هشت فرسخ و یکصد و بیست و هشت فرسخ و در نیمه و در حلهم پاشا عوف و حله  
 و مصطفی پاشای برادرش که از خواص اعلم حضرت سلطان هستند سعایش از خدیو میکتد بنا بر این صدر اعظم عثمانی  
 هند بد نام مجل بود مصر منو بسید که اوله عند فسون خود را که کند تا بنا بر عهد سنان چکی بفراید تا آلتا شهر سال کتابچه  
 فرج و دخل خود را بباب عالی اسلامبول انقاد دارد و آجا بد و ن اجازه اعلم حضرت سلطان نه مراده بخار ف نه بولینکی  
 با هیچ دولتی از دول فرنگ نداشته باشد خامس بد و ن اذن اعلم حضرت سلطان استقراری نماید با کله بعد از ده سال  
 کار بر پاست فرید بناند فرانسوی و هفدهم نوامبر اینسال افتتاح شهر نجف العجین سوئز کرد بد حضور اغلب از سلاطین  
 و مشاهیر ده شاهزادگان فرنگ و جشن افتتاح شهر بد کوی بجز مشاهیر ده شاهان خوانده انگلیس

فرانس

فونکامارین شاعر معروفه را واسطه زستان فونمار شمال بیل و از الحیکه شمال لوبوف چون این سال  
 سال صدم ناپلیون اول بود برای بزرگ و جشن در این خانواده علیا حضرت ملکه و نواب و کچهد بجزیره کرتین  
 که موطن و مولد اعلم حضرت امیرالطور ناپلیون اول می باشد سفر میکند شد مرص اعلم حضرت امیرالطور ناپلیون سیم  
 و این واسطه هر چه و مرج امور خطبه ها شورش انگر خواندن پرنس ناپلیون ابن ام اعلم حضرت ناپلیون برود و با  
 در کمال شدت در مشرفات فرانس در مایهین مسافرت علیا حضرت امیرالطور بفرانس و زمین و حضور ایشان در مصر  
 بوضع افتتاح شهر نجف العجین

یونان

محاصره مابین ایند و ولت و دولت عثمانی که بد و از ابتدای شورش اهالی فندی بود و تا این زمان امتداد داشتند و  
 بواسطه یکجایس کفر این کرد و پارس منعقد کرد بد مامورین دولت فرنگ که در انجلس جلوس نمودند و رفع محاصره شد  
 مقدم شدن شهر سست فر بواسطه زلزله

در این شهر



و قابع  
 سال بنی و چهارم  
 سلطنت ابدایت اعلی حضرت  
 نو پشوک افدک شاهنشاهی  
 خرد و صاحبزادان خدایه ملک و دولت  
 مطابق سنه هزار و دویست و  
 هشتاد و هفت هجری  
 یونیت پیل

در این سال فخره مال کتبه رعایا و بوابه اطوف لولا که در بند و شمال بقی نجاب و مؤمن الملك که صاحب الاخرید  
 روزی در یکدن فامت است تمام انتظام ان ولایت در بر عهد میرزا محمد الوهاجان نایب الوزاره (جناب نصیر الدوله)  
 واکار نموده خود بخاکای مبارک مشرف آمد حکمران دارالعباد نیز در ابواب الاحسام السلطنه نفوذ فرمودند و پیر  
 ابوالفتح میرزا ولد نواب عظم البه بوزارت میرزا محمد حسین مستوفی بنای حکومت ابوالایب رفتن پسر خان سردار کل  
 بوزارت و پیشکاری اندر باجان سرافراز کشتن معین الملك بمنصب صولت باشی که حضرت رضو علیه السلام بر بلند  
 آمدن فلجان شاهر باشی ملقب به بام الملك شد سر پدار باشی بدید جبر سر نپسیم و نشان و هایل مخصوصان نایل  
 کرد بد فوج فراهان را که یکی از افواج ابوالحجی نصر الملك است ملقب ب فوج کامران نمودند نقشه اراضی شهر جدید در  
 الخلافه ناصری لاجعفر فلجان و نپسوم مدرسه مبارک و الفنون و میرزا عبدالفقار معلم کل علوم و ریاضی با بنیاد  
 مهذب بن کشته بنو سوط ابوالاعضا دار السلطنه و نیز علوم محضی مبارک برده نسیه هزار تومان انعام سرافراز  
 یکی از طوایف خود علی جعفری ای از طوایف که چون بره شرافت میرشد سلیمان خان صاحب اختیار حکمران استر ابادانها  
 نسیه نمود محمد حسنین سرنیپ نونجان کیرم جوم حاجی پیرن خان مرحوم شد حاجی غا پوسف خواجه باشی و عشاق  
 عالیا بر عشا نیز دی پیوسته میرزا فضل الله خان نوای نیز در کتشت فارغی مختصر ناپیلون بزرگ امیر طوایف فرائضه  
 مسیونیشا خان فرانسوی معلم ترجمه کرده و طبع نموده اند نیز رساله زبده الحکمه ناصری و ماهیت و خواص کنه کنه و  
 رساله طبایع الحکمه ناصری که هر دو از مصنفان دکن طوایف حکیم باشی مخصوص منصفیها فی طبیع رسیده و روایح

میرزا ابوالقاسم

منقول

شهر در شکارگاه و نشان پنهان بشکار شنبه مبارک شد امیر الامراء العظام مجدالدوله بمنصب پسر خوری اصطلح  
 مبارکه سرافراز کرد بد بطن سلطان عضد الملک اعطای نشان شمال بمیشال هما بون درجه اختصاص یافت حکومت همدان را  
 ضمیر حکومت کرد نشان فرموده بنواب الامراء الدوله واکار فرمودند و امیرزاده سلطان اول پسر میرزا ولد نواب عظم البه  
 جلبت ایشان حکومت همدان رفت اقامه مدی ملک التجار مرحوم شد اقامه علم ولدان مرحوم بمنصب النایب التجاری پسران مفتخر کشت  
 علی قنچان سر نپس فوج کرانی ملقب به مصدا الملك شد محمد حسنین سرافراز کوزلو پسر مرحوم علیخان نصیره الملك بلفج صام الملك  
 کرد پسر میرزا محمد حسنین نایب الحکومه اصفهان و له صاحب دیوان بنشان و هایل سر نپس سرافراز آمد جلوی محل فلجان اصفهان  
 و نیز فرار من بکف طهر نشان شمال بمیشال هما بون فرین مفاخرت و غراز کشت بعضی زغم درین بلوچیت شارا ابراهیم نایب دولت العمل  
 و کل الملك حکمران کرمان و بلوچستان بنیبه نموده است امیرزاده اسمعیل پسرزا ولد نواب الامراء الدوله که در انتظام فوج  
 سپاه خوری اهتمام نموده بود بنشان و هایل سر نپس سرافراز حاصل نمود میرزا ابوطالب خان نایب الحکومه لرستان  
 مرحوم شد محمد حسنین حاکم سمنان و دامغان بلفج اعضا الملك سرافراز شد بونجان شجاع الدوله حاکم خوی و سلماس  
 وادی و سجدات که بدید بار معدل مقدار احتضار شده بود باعطای بکف طهر نشان از درجه اول امیر نومی و بکر بنده هایل  
 مخصوص آن قرین مفاخرت کرد بد و فوج خوی بنیبه علا و سه فوج افشار ابوالحج مشاعر نیز فرمودند نواب الاعضا  
 السلطنه و نیز علوم بکف طهر نشان در نشان امیر نومی و بانی مکلک بالاس با بکر بنده هایل مخصوصان درجه اختصاص یافت  
 میرزا سپید احمد مستوفی حکومت ولایت عراق منصوب آمد میرزا علیخان منشی حضور نایب اول و وزارت خارجه جناب امین الملك  
 بنشان از درجه نایب خارجه مباحی کرد بدید نایب اول باعطای بکف طهر کل کلک بالاس سر بلند شد میرزا سپید احمد  
 سر بلند در مالکات خراسان بمنصب نینغان در درجه چهارم سرافراز آمد میرزا محمد حسین پیشکار حسین بنیبه نایب سرافراز  
 امان الله خان سر نپس بجای الملك لقب یافت علیخان پسر سلیمان خان صاحب اختیار حکمران استر اباد بمنصب سر نپس فوج  
 اخلاص افشار اسد اباد مباحی کرد بدید میرزا حسنین پسر شد مرحوم ناسع و وزیر امور خارجه بنیبه نایب اول و وزارت خارجه  
 نایل آمد میرزا اسد الله خان نایب اول سفارت علی مقیم بطران بویغ بکار پیرانی اول نقلی ناموس شد میرزا عبدالله که در ملوک  
 بقدر عباسی مسقط خدمت کرده بود بمامور بنیبه مخصوص بندر رجس سرافراز و بنشان و هایل از درجه اول سر نپس نایل  
 کشت جناب صاحب دیوان اصفهان بکر بنده هایل و سیر نپس امینان آمد جلوی نایب نایب النوار بنیبه نایب نایب  
 مجموع الریایان در علم طب نایبانات حاجی اقا بابای ملک الاطباء طبع شده است

از درجه سیم

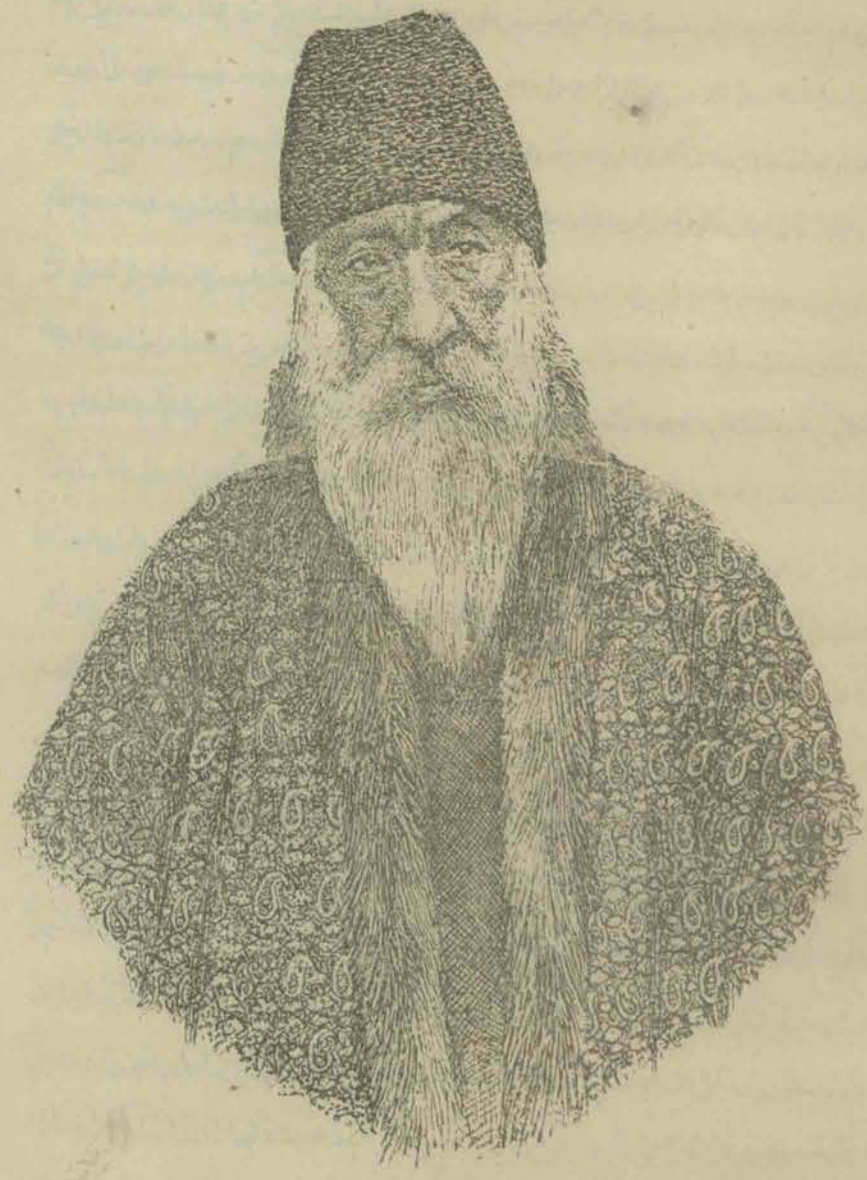
از وقایع معظم انیسال میل خاطر هر مظاهر مبارک نیز بارز عیاشات عالیا و باز بدید و سپاحت ساختن عمر و عمری است  
 و اگر چه شرح هر یک از اسفار سعادت انا را هما بون در کتابی مخصوص نظم معجز رقم مبارک نوشته شده و بطبع رسیده ولی

مختص بنوعی مطالبین کتابیان خلاصه و فایده ان اسفار سن البدن الی الخیم در مواز خود ذکر میشود  
 پوشیده نباشد که از سلاطین عظیم الشان و خردین با حشمت توان ممالک ایران وجود مبارک اعلی حضرت شاهنشاهی بام  
 اول شهر یار بست که در عالم تسلیم تصفا و اندیشه حریب غز از ثغور عمالک خود بخا و ز فرود و در مالک خادیم و غنچه  
 خاطر مسافرین و کرمش بوده اند و سفر زیارت عینات عالیات و عراقی و عربی اول سفر اعظم حضرتها بون بمالک خا و جزی  
 و ابتدای این سفر عادت شایسته و جمع بیستم شهر جمادی الثانی این سال خیرتعال بود که از سفر خلافت عظمی شرفی و شایسته  
 پیر نظر کان فرمودند شرح روزی در این مسافرین خیرتعال ایشان فراد است

**شرح مسافرت اعظم حضرتها بون و خاندان بغیات عالیات و عراقی عرب**

روز بیستم ماه جمادی الثانی چنانکه ذکر شد نقل کان بقصر و شان پنه فرمودند و محفل بیکه و مکررین رکاب علی انقیاب راه  
 فراغت حاصل نمایند و در آن محفل توقف شد و در بیست و پنجم خیمه علی کرد و در آن روز یک روز و پیر مقدم حضرت عبدالعظیم است  
 مضر بیخام با احتشام معنی کردید ذات ملکوتی صفات مقدس ابتدا نیز بارش اما مراده واجبات عظیم بوجود فرموده بودها  
 اردوی کویان شکوه بمقدم مبارک منین کرد بدین پنجانی سره و ذاطران شد با است حراشک دوی و علی انواب و  
 حسام السلطنه و کتار فرمودند و عیال و کبها بون حضرتها اعظم شاهنشاهزاده و الا ایاب السلطنه و جناب اجلالت  
 مستوفی الممالک و وزیر اول بمهام ملکه رسید که میان این اعلی از رجال دولت و خواهر علی خلو و ملتزم رکاب علی میباشند  
 و اسم هر یک در جا و خود ذکر میشود خدام حرم جلالت نیز این سعادت مستحقانند بنده مؤلف نیز غالباً خاطر مرهاتر میل کرد  
 نیز چه روزنامه ها خاصه اخبار معلقه بچنگ فرانسه بر سر مستوفی مبارک خلاصه و زیب است هشتم نام اسم با ان  
 مترکاه اردویها بونست و بیست و نهم رکاب کریم شریف فرمودند روز و شب سلح دود با کرم اطراف شد  
 شریف غم و حجب بر چهره با دروند ملکی محمد ادرخان سر نیز وندی ترول اجلال فرمودند راه شش فرسنگ بود بین  
 راه جانمیر خان سر نیز علی و محمد صادق خان حاکم زند و فتح علی خان سر کرم شاهپس و بغدادی و قبیل رکاب علی با برانند  
 ناظم افتخار شاد و فرغانی و مسوکر بل نایب اول سفار و سر همراست و در دوم ماه با میرا با د شریفی و در آن  
 فرمودند راه و فرسخ و نیم بود از ابر باد ناخانی با دروند که مترکاه قواظ است نیا ده از یکمندان نیست و در نیم  
 اباد ساوه مضر بیخام با احتشامها بون کردید راه شش فرسخ است و در چهارم در عبدل اباد اطراف شد و اینجا علی  
 ساوه بجزوق مبارک شرف جشد روز پنجم بشاهی سوادکند و شریف فرما شد راه چهار فرسخ منکین بود و  
 ششم نوبت که اخر خاک ساوه و اول خاک هداست مترکاه اردوی کویان شکوه شاهزاده نیا ده از پنج فرسخ و خود نوبت  
 فخر و ساوه است و نوبت چون نکرانخانه هشت معتمد الملک حسابی و وسط ملکران از حضرتها عجم شاهنشاه  
 و الا نایب السلطنه و جناب اجلالتای مستوفی الممالک و سایر روز احوال پروردند بعضی احکام بنوسط نکران و غیر

**صورت جناب جلالتنا بجلالکمرافای مستوفی الممالک و وزیر اول**



وزیر اول

صد و بیست و دو روز هفتم ماه و دو نوبت از طر اشدر و ز هشتم ماه بفرید فرادای ملکی حسنخان حسام الملک ترمذی جلالت  
 شاه شرف سنی بقا و نهم نوبت یکی خوش اباد از حال در جزیرا روی و علی منزل نمود خبر بر زده که مترکاه کاوانت سزا بود  
 بعد از آن شریف فرمای بپول اباد شد نواب والا معتدالدوله حکمران کرد سنان و همدان شرف اندوز خاکای مبارک شد  
 راه چهار فرسخ بود بعد از آن در بون باها فامان فرمودند و از دم نبرخ اباد شرف و دو و پنج شدند راه بجز سنی  
 بود و سیزدهم رجب که عید ولود مسعود حضرت امیرالمومنین علی بن ابيطالب علیه السلام بود شهر همدان خندوم بجز نهم  
 مبارک زمین آمد جناب حسنخان وزیر بخارا از کردستان آمد امر در نوبت قبل کار اعلی فانی شد راه سفر سنی بود علما و اعیان  
 و بزرگان همدان در استقبال و شکر گذار روی و دو کوب ها بون جانفشانی کردند و چهاردهم در همدان اقامت شد و  
 پاشا خان و هلول پاشا خان ماکو و که از اذربایجان بطهران و از طهران آمدند و مبارک شرف شدند و روز پانزدهم  
 علما و اعیان همدان و خواهرین ملازمه و نوبت کان بزرگان در مجال مهر مثال مقدس شرف شدند حکام معزز از علما چون فاضل شاه شرف  
 کردند و اوقات ملکوتی صفات مبارک ملاطفه مطابقت فرمودند فاضل همدان و خود فاضل نیز با حفظ مرئوسان شدند  
 (اشاره بجای که شیخ سعد علیه الرحمه در گلستان ذکر نموده و ابتدای آن اینست که فاضل همدان از شنیدم که با غلبه شیری  
 سرخوش داشت) لطف این عبارت برابر و در معلوم است هر زاده سلطان او پس نیز حاکم همدان ملقب با حشام الد  
 کرد بد روز شازدهم بفرج و سپرده عیان که نایب ایصف و از دره ها مشهور ظاهر همدان شرف فرمادند و از ایجا  
 براه کرد نه شهر مشانه که بویسکان میرد نوبه فرمودند و با لای کرد نه سلطان سلیم میرزا اسامه هات فویسکان که  
 نمودار بود بعرض سپارند و هفدهم مشغول بهام دولتی بودند و ز هجدهم از همدان انباشت فرموده بجز زاعده که سه  
 فرسخی همدان ترمذی جلالت فرمودند و روز نوزدهم قضیه اسداباد مترکاه اردوی ها بون شد خانبابا خان پسر  
 سلیمان خان صاحب خنیا و با خواهرین و در پیش پنداران افشار در راه نیقیل رکا و مبارک سرافراز شدند و ز بیستم در  
 منزل اطراف شدند و ز بیست یکم شریف فرمای قضیه کنگور شدند راه پنج فرسخ سنگین بود غلامعلی خان برادر سزا  
 اصلان نایب کنگور و با جمعی از خواهرین افشار نیقیل رکا و علی شرف کشند و ز بیست دویم در کنگور اقامت نمودند  
 روز بیست و سهم از کنگور نهضت فرمودند به ابتدا بنامشای نیای که اعرابان قصر التصویص میمانند نوبه فرمودند  
 ازین قصر شرف سزا و باقی ماند و شرح جزو آن در هر جفاف با پدید از باز بد این بنا بطرف حصن و اندک درین  
 دریا پیر که در سپهر نواب الاعمالدوله و امیر زادگان نواب عظم الب و حسینقلی خان والی پشت کوه لرستان و  
 محمد حسنخان سریشکله و محمد رضا خان سریشکله و بر خور دارغان سر کرده فوج امرای برادر فخر الله خان امرای و سایر  
 بزرگان که با شاهان و کله و غیره خاکای مبارک شرف کردند و همدان راه بجز سنی سنگین است و ز بیست و چهارم در محله  
 اطراف شد و ز بیست و پنجم شریف فرمای براج کرد و جلوشک دین و واقع است شدند راه زیاده از شرف فرسخ است و ز  
 بیست و ششم و بیست و هفتم در براج اطراف است و ز بیست و هشتم بپنجون محله اردوی ها بون شدند راه سفر سنی بود

بسم الله الرحمن الرحیم

روز بیست و نهم بجای ابادی از اجلا لغز بود و راه باغ سر فرخ بود و در روز شنبان عمارت عمارت باغ واقع در کنار دروازه  
 بطنه مبارک نیز که بدین جای اباد عمارت کثیر از چهار سو بسنگ و از عمارت به نام شاه که از کبریا است و در روز و بیست  
 چهارم در عمارت باغ آمدند و در روز چهارم بجای از عمارت مشرب الدوله و در روز چهارم در عمارت مشرب الدوله مقیم است و  
 که از راه حلبت دربار کرد و بعد از آمدن اندک شرباب چاکای مبارک شدند و علمای و اعیان که با ایشان تیر در تیر در میان  
 مثال شاهانند که در بلند روز بیست و چهارم در عمارت مشرب الدوله و در عمارت مشرب الدوله و در عمارت مشرب الدوله  
 مرآت البلدان ثبت شده است و در ششم نیز در عمارت مشرب الدوله و در عمارت مشرب الدوله و در عمارت مشرب الدوله  
 هشتم و نهم اردوی کوه در عمارت مشرب الدوله و در عمارت مشرب الدوله و در عمارت مشرب الدوله و در عمارت مشرب الدوله  
 مشهور بنامه فعلی خان ماسای شهر را که در کال حویل بنا داشت خود بعد از شرباب فرمای اهدایت شد و شرح جزای  
 که ایشان و توابع در خود بسیار است و الله تعالی از عمارت به با همدست پیروز و از شهر که از شاه ناما همدست چهار فرسخ  
 میباشد و در بازدم هادون ابادی که راه اردوی معلی کرد بد راه شش فرسخ بود و سوار کاهم زینکی هادون اباد سوله  
 ایشاده بودند و در روز دهم در هادون اباد از آن شد و در روز دهم تشریف فرمای کردند و در راه پیچ فرسنگ بود و در چهار  
 در کربلا طراف شد و در یازدهم پای طاق مقدم مبارک نیز با آمدن شش فرسنگ بود و در شش فرسخ بود و در شش فرسخ  
 بالا از آن راه اینست و لا جلا فرمودند و در عمارت مشرب الدوله و در عمارت مشرب الدوله و در عمارت مشرب الدوله  
 مظفر الدوله پاشا خان که با صلوات سوار مکرری از آن با جان آمد و در آنجا کپای مبارک مشرف کرد بد توابع اقبال الدوله  
 هتک که در عمارت سکوی که در با استقبال و کوب همایون آمد و در نیز در باره وی معلی پیوسته و نوزدهم و بیستم در حضور  
 عزراش از قرابلاغ ناصرتش پیچ فرسخ است و در بیست یکم شرف فرمای خانقین شدند طیفات نو که در نیز در عمارت  
 لباسی بود و در پنجاه در محل و سوم بر آرد و در کماز جانب و در عثمانی با هر کوبه شرفات شایان مامور  
 با استقبال و پذیرایی و کوب همایون بود و در شش فرسخ بود و در کوب بود از یک سو سواره نظام که چیده و فعال عربی در  
 و یک سو سوارهای سوار که هر یک قاطری داشتند و نقل سیرانها ساسپ و تو و یک سو سواره هر کسی یک سو سوار  
 سوار و چندین لباس بدنه هم با زین و برک عثمانی که آنها را جلودارها پیاده میکنند و در عمارت مشرب الدوله و در عمارت مشرب الدوله  
 و جای کال پاشا مامور مخصوص اعلم حضرت سلطان عثمانی و حاصل نامه مودت علامه که سلطان در نیز در شرف فرمای  
 مویک مقدس بجای از عرب نوشته بودند و در پاشا مامور هم سرحد عثمانی و ایران که در بانوفا مامور حکومت  
 جزو کرب شد و معلی یک شرفی و آجودانهای سلطان و غیر هم بودند و این جمله تا اردوی همایون که در مسافتی  
 دو روز ابادی زده شده بود با نقد پشرا بطا اکرام و تکریم همراه بودند و وقت شنبان نیز چند مجوعه شام از خور و شام  
 در ظرفی مرکب از طربا و براتی و فرنگی از جانب سلطان عثمانی ضمیمه شام اعلم حضرت شاهنشاهی ایران شد از قصر  
 بخرین

شیرین بخانقین شش فرسنگ است و در بیست و نهم در خانقین اطراف شد مدتها شاد و کال یا شاد و روز و شب با ناظم  
 شاد و از فرزند عثمانی مؤلف حمیدی ملک کارکنان عمارت عمارت مجبوت مبارک مشرفه کمال پاشا نظامی حری و رهنبرد  
 و در مویک خضر و آنه و طوبی خود نمود این کال پاشا در مویک خضر و آنه و طوبی حری و رهنبرد و ماضی نا و الله برها  
 بیست و چهارم با اختلاف آمده است و در بیست و پنجم فرزند با طمع و جنابم کرد و در آن احتشام معلی کرد بد راه پیچ فرسخ بود  
 روز بیست و چهارم شهر روان منزکاه اردوی همایون شد تا هم مقام یعقوبی اجزای جوانی انجا با سوار و نظام و سواره هابطه  
 امر و با استقبال آمدند و پیچ فرسخ است و در بیست و پنجم شرف فرمای یعقوبی کرد بدند (یعقوبی مصطلح اهالی عم الشیخ  
 این اسم یعقوبی است چنانکه اعراب تکلم بنمایند) در این راه بقدر مقدار در ضیاعه رسیده و چون مقبره خزان داشت مقبره فرمودند  
 بنو سوط جناب شهربالدوله تعمیر شود راه هشت فرسنگ بود و در بیست و ششم در یعقوبی اطراف شد و در بیست و هفتم  
 در محل و سوسومین که بمسافت فرسخ و نیم از یعقوبی است و در اجلا فرمودند و در بیست و هشتم شعبان در خان  
 طیفات ملکزین کباب اعلی التیسمه حاضر شده بودند و با السلام بغداد نهضت فرما شدند مدتها شاکه از یعقوبی  
 یک سو بغداد رفتن بود و بعد از استقبال مقدم مبارک شتافتند و بعد از ساعتی محفل نظام امور پذیرایی و شرفیاری  
 جلواتاده بغداد در قشای اهالی بغداد و مامورین و عثمانی و نیز در آنجا جمع دقا بقراسم خدمتگذار و اعزاز منظور  
 نمود و بود تا از اهالی شهر عجب با در پیرون آمد و از طرف جهاده صف کشید بودند از جلوسنقلین بقاصلا که ملک  
 فرزند از عساکر عثمانی ایشاده بود بعد از آن فواج سواره نظام صف کشید پیش روی مردم با کرب فرمودند و در شش  
 موزیکانچی عدد در قاصلا فواج و سوارها شدند در این راه ساپانی سلطنتی از اطلس رد و زدی با پیشه ها و طراف  
 کلایون برای توقف و صرف قهوه و نرف و وجود معارف مستفیلین ده بودند و غیر این بر ششم روزی مقبره و تفرقه  
 وجود عساکر و ملک و فاضلی معنی و سایر معارف ایشاده بودند که در اعلی حضرت شاهنشاهی دام ملکه در انسا پان  
 قهوه میل فرموده و مستفیلین با عواطف و تعففات شاهانه سر بلند کردند و در بیست و نهم پاشا و سایرین لای جلوسنقلین  
 دادند و پاشاها و اعیان مزبور کلبه پیش افتادند حضرت همایون پادشاهی نیز سواره حرکت فرموده تا بطراف نصرته که  
 حضرت شرفیاری در مسعودی بنا کرده بودند و در بیست و نهم طراف فرنگیها آرتیسیون و فیکو بند غلام طراف و جوانی اعلیها  
 و بیست و نهم در راهی مختلف از استیجو و وضع و ترتیب با شکرهای ایشاد نمود و کشتیها و یک سو طفلان ارمی که لباسهای  
 چهره نازک و مایلها کبوتری صف داشتند همه از صف کشید با هم که خود یعنی میکردند و هم که بکر علمای هم و یک سو طفلان  
 بهین ترتیب را با ایشاده دعا بوجو مسعودی همایون مینویسند تا نام مسلمان که از مانه مدتی پاشا در بیست و نهم با ملکی  
 نظیف ایشاده و در بیست و نهم از هر فرم هر مذهب اهالی شهر از حام و جمعیت شاد شدند و ابتدای طا و حضرت پاشاها و  
 پیاده شده جلوسنقلین در کباب اعلی افتادند از طا و حضرت ناد و با فکری برای زوال اجلا لعل حضرت شاهنشاهی عز نصره

معین شده بود افواج ایران از مشون ظفر چون اینها ده وصف زده بود ندان باغ در کنار شط از بناهای نجیب پادشاهی  
که در سابق از منتهای بلندی بود اما در حین پادشاهی از اینها باقی نماند و آنچه در این باره نوشته شده است در کتاب  
تاریخ این باغ که مشرف به شط است مخصوص تزیین و در وقت مسعود اعظم شاهنشاهی بنا و تعمیر فرموده و در وقت پادشاهی  
با فواج و انعام اسباب چراغ و غیره مندرج در کتاب خوب است اینها بنده خدایه خلاصه این است که در وقت پادشاهی  
ظفر و کوه بغداد و موهبت ظفر و شاهانه را ساخته کرد بدو سایر را معزیز کرد و اسامی آنها از فرار ذی پادشاهی

مدعی پادشاهی  
عسکر و لشکر

امراض باطن عسکر

پیران (افندی پاشا) (میرزا صالح پاشا) (میرزا عبد الله پاشا) (مفتش میرزا حسین پاشا) (سر عسکر پادشاهی)  
فوق (میرزا ای حاجی مصطفی پاشا) (میرزا ای حاجی منیر الله پاشا) (میرزا ای حاجی محاسب عسکر پادشاهی) (میرزا ای  
حسن پاشا) (میرزا ای صالح پاشا) (میرزا عبد الله پاشا) (میرزا ای عبد الرحمن پاشا) (فایم مقام ارکان حرمیه  
حسن پاشا) (فایم مقام حسین پاشا) (فایم مقام محمد پاشا) (فایم مقام احمد پاشا) (میرزا ای حاجی محمد تقی) (فایم مقام حاجی مصطفی  
پاشا) (فایم مقام حسین پاشا) (فایم مقام مصطفی پاشا) (میرزا ای حاجی عارف) (میرزا ای حاجی بهاء الدین افندی) (میرزا ای  
عمر افندی) (میرزا ای طباطبائی افندی) (اجزای صحیفه شاکر افندی) (اجزای صحیفه حسن افندی)

ملکیه

ظفر بغداد شاکر پاشا (دفتر دار عبدی پاشا) (مفتی محمد زهرا افندی) (کاتب اسرار صائب افندی) (مدیر اوقاف درویش  
افندی) (شیخ سابق منشی منصور افندی) (معاون منشی بغداد احمد پاشا) (رئیس اداره بلدی بغداد ابراهیم افندی)  
(نایب بغداد مظفر افندی) (رئیس مجلس جانب نظامی ابراهیم افندی) (اعضاء اداره نظامی محمود افندی) (معاون  
والی بغداد رافت افندی) (حاکم کریم پادشاهی) (مفتش حکام زین العابدین افندی) (نقیب علی افندی) (مدیر مهم خارجه  
محمدی پاشا) (شیخ عسکر و شمر فرحان) (مدیر انکشاف پادشاهی) (مدیر تزیین مصطفی افندی) (اعضای مجلس  
اداره و کلاب سید افندی) (منولی امام اعظم مصطفی افندی)

در وقت پادشاهی هم شعبان عزیمت زیارت کاظمین علیهما السلام فرمودند و عالی کاظمین و خدام امامین هم این از مویک منصور  
استقبال با بیعت و سرور نمودند در سفر نامه عیاش که قلم معجز فرمود مبارک نوشته و گوید بروضه مقدسه و  
چنین نکات نوشته اند و در وقت ششم از هجرت هجری و از دعوت آنی اسنان بن موهبت و سعادت شکر هاکردم  
آنچه مشاهده می کردیم که با امر عالی برای کینه طهر عسکرین علیهما السلام ساخته شده زیاده آمد و با و آنها و کاظمین سلام  
الله علیهما را اطلاع بکردند و عیاش و تقدیم آداب زیارت و دعا چون فرشتهای وافر و در وقت چندان خوب بود حکم فرمودند

اندازه

اندازه بگیرند که فرشی نیز برای آنجا سفید رنگ شده بود در محبت بقیه امام اعظم و هم نماز نموده و فاخته قرآن فرمودند  
م در پنجم و چون حلول ماه رمضان سید فخر بن پاشا با سندهای مدحت پادشاهی که در خارج بغداد شکل  
پاشا بود نشر بفرموده شد مشوق و حرکت و اعمال عسکر و نظامی عثمانی را ملاحظه فرمودند و بعد پادشاهی را کال پادشاهی  
و مشیر پادشاهی و سایرین جاهل و نشانی در خون اعطاسد شبان روز لشکرانه قدم بجهت لزوم مبارک در بغداد  
اشبازی منازکی کردند و در کتبها و سیر از خانه مؤذکان با انواع الحان سرش بخش زده میشد و در وقت شیعیان با  
جمعی از ملزمین رکا با علی در کشتی بخار بزرگ نشسته عزم مداین در زیارت حضرت سلمان رضی الله عنه فرمودند که از  
این نزد در جلد اول کتاب رفته ابوان مفصله مسطور است و زغره رمضان المبارک که قوشوها و ما مورین خارجه  
منوطف بغداد با نفاذ جناب شهباز و در حضور مهر ظهور مبارک مشرف شدند بعد از آن زیارت کاظمین علیهما السلام فرمودند  
فرمودند بر بفرموده که حبیب الامیر زاده محسن میرزای امیر خور ساختن این وفات در وقت مظفر نصب کرده اند و در وقت  
رمضان بقصد تزیین عبدالقادر کپلانی معروف به شیخ شهاب الدین عمر سهروردی وارد وی نظامی عثمانی سوار شدند  
هم در این روز در هزار تومان بروج و سوار ملزم رکا با تمام مرخص فرمودند و هشتاد تومان مبارک سوار تمام در بیعتانه  
و افواج عثمانی اعطاسد نیز در این روز بواسطه انکار از دار الخلافه جناب مستوفی الما لشیر بادند که چند رنجان الحاقی بیعت  
نکته نمی کرد و نیز آنکه احوال در این روز است و در رمضان از بغداد آنها هم فرمودند و خارج قضیه کاظمین مضرب جام معالی  
روز چهارم در کاه اردوی ها بون محلی است و مسطور و در وقت مکون صفات مقدس زیارت کاظمین علیهما السلام  
مشرف شده بعد از زیارت ابوان مظفر جناب اسد صاد و علمای کاظمین کثر الله امثالهم و بعضی مبارک اوزه معزیه نمودند  
و بنویسند جناب عزیمت جناب شهباز و در خلاصی دیگر از جانب سنی الحجاب ها بون مرخص شده بود اتفاق داشت و خدام  
حضرت را کلبه دار و صاحب صفت نیز هم جو اطفا و لوکانه صاهمی شدند بعد هاجر بمشرفه فرمودند و در بین راه جلا  
بنای عفر فوف بر باغچه و تفصیل عفر فوف در جلد اول کتاب مرآت البلدان ناصر مسطور است با کمال کسباعت از شب  
گذشته نیز کاه مشرف و در او زانو فرمودند و در پنجم ماه نشر بفرمای مسیبت شدند و در کاه بون راد و کار شط فرار زده  
وضع با صفاتی داشته اند فرسخ بوسه نظام منوطف سبب مصطفی فایم مقام سبب استقبال مقدم مبارک است  
نمودند و در ششم در سبب اطراف شهاب علم میرزا علی و جناب شیخ زین العابدین محمد هاد زندق و بعضی علمای دیگر  
و اناسد حسین کلبه دار حضرت عباس سلام الله علیهما را که بلا علی با استقبال مویک علی امده در نیز در حضور مبارک نشر  
جسد جناب شهباز و در چهارم در حین پادشاهی از پیش بکربلا رفتند و در کاه از راه شط قرآن عزائم اسلامبول بفرمودند  
مهر و مشرف و در وقت رفتن عصر اعظم فرمودند و زیارت طفلان مسلم رفتند و چون سخن دیکند ابوان و غیره فرمای  
داشت علی الل حکم فرمودند تعزیر مرخص نماید و در هفتم رمضان روانه مقصد علی بکربلا می شدند و در یکم شهر  
شهر و فرموده عون این زینت علیها السلام پیاده شده زیارت خوانند این راه راه معوی که در وقت کتبی از

زیارت

نهار عین بهره مند بشود از آنجا که گذشت بر آن حسن کلید دار حضرت سید الشهدا علیه الاف التحية لثناء باحسانه  
 باصفیال امداد بویک ماه چون پیوسته چون قدری بگذرد در ساعت اذان شد و تکبیر بارید و مردم تر  
 شدند و سفرنامه عیادت که بر زبان معجز بیان مبارک و نکاشته شده میفرمایند (اصان و زواران استان را از لوت دعا  
 پاک خواستند که پاک شود و پس در پیدایان پاک اندازند و بگویند که باغ شهر باران آید و جناب مدینه چاه شاد و جاب چهر  
 الدوله هم که با علی پیوسته بود نماند پس بگفتند که بر روی بلج سپید ساخته شد و عجب خود نماند از آنجا بهتر با بقا  
 بواسطه کثرت شهرها و تنگی کوچها سبب آن شد و او بود اما درین پاشا محض کثرت یافت مقدم مبارک اعلی حضرت شاهنشاهی  
 نام ملکه این راه را ساخته و در سینه کرده و بجای شهرها و دزدان کرده همه جاها بان و کوه چیده زباده از ده ذرع عرض  
 دارد خلاصه فرغ این راه از دو طرف میفرماید و غما شاهی آید و اکثر ارباب و عجم بودند و حضرت عباس علیه السلام  
 هم پیاده در جایان استقبال نمودند و علمای آنحضرت را اینها از جلو میکشند خلاصه در روز موعود مبارک و از آنجانب  
 ولید و دو دو و عجم مقدس پیاده شدند و باطلی خاضع و عاشق و حالتی نهایت تواضع بر وضه مقدسه تقریب کثرت جستند  
 و در آنجا مبارک با داب زبارت و در عاید آمدند و از آنجا که مظلوم پست هلا و مصاببت رده در آن سرزمین قلب مبارک  
 فرزند رفتند که بگذشتند و در آنجا که شاه و چون کبیر که مطور و پیران او و مشغول داشتند بعد از زیاده  
 مرده و حضرت سید الشهدا صلوات الله و سلامه علیه و صبح در وضه مقدسه حضرت عباس علیه السلام مشرف شدند  
 آنجا زیارت خوانند آنجا که بچشم مهر اجتنام که نزدیک روز پنجشنبه باشد نزدیک اجلا فرمودند روز هشتم و نهم  
 چهار ساعت بعد از زیارت وضه مقدسه حضرت سید الشهدا مشرف شدند بعد از زیارت حواقیق مبارک و  
 گوش فرمودند و فرمایند در تعیرات و اوقات خوابی داشتند و در شش کینه مطهر نمودند و حجرات حسن را که در  
 شیخ عبدالحسین از جانب سنی الهیونین همون مرشد کرده و ساخته باز بدگرددند و در نهم بقصد زیارت حرم باهی  
 اشخاص فرمودند و در علمای که بکلیت توسط جناب افسسید صادق و محض مبارک کثرت جستند بعد از زیارت  
 وضه مبارک که در وقت بیاض حضرت امیرالمومنین سلام الله علیه بدیش مبارک رو صند و مطهر گذاشتند و فراتر خط  
 حضرت امام زین العابدین که کوچک و کرم و در وضه حضرت علیه السلام بوزن زیارت کردند روز نهم در طریقه عید  
 زیارت وضه مقدسه مبارک و در حقیقت ما بر حسن کلید دار داخله بیخ شدند و زیارت و دعا خوانند و قول در این معجز  
 اتم و غیر مطهر داشتند بجای سبک بر حسن از جانب حضرت سید الشهدا که فرخنده اثر شاهانه نمود و در روز دهم در وضه  
 حرم نجف اشرف بجای شو که زیاده از شش فرسنگ راه است شریف فرمایند و در نهم برای نهم درگاه عرض  
 آید و حضرت امیرالمومنین و عیسی الدین صلوات الله و سلامه علیه مصمم شدند در و فرمودند که مبارک وضه  
 مقدسه نمایان شد و ای شکر آری شادان از قبل نهایی مقصد دولت این نوز عظیم نمودند مدحت پاشا و مستقیلین نیز  
 یکجا علی پیوسته در نیز زینا از سواری علمای محقق که با استقبال قدوم سقا کثرت هم شاهان امداد بودند از جنس

حضرت مبارک لبهره پایک بر بند شرح و در مویک سعید بدین ساختند از هشت سفرنامه ها بونی بدین بیان فرمودند  
 بر اعش مسطور است نزدیک دروازه پیاده ششم با همه نوکرها و پاشاها پیاده و رفتیم تا و از شهر شدیم کوثر حاتم  
 آنکه با اولاد المقدس طوی و پیشیندینان در و یاد خلق و جمل صد و می گفت این حال که در وضه مقدسه با پادشاهان و فرزند  
 جزوی از حینت اینی که در آنکه وطن جان و منزلت دل است و روح و راحی مشاهده کردیم که در طاق میان نیستیم خلاصه  
 شهر بار آسمان جاه در و در و در وضه مقدسه تقییل استان و درگاه امیر مومنان و سرور دانش جهان ناموده اینجاست  
 عین مبارک و کوه نایب که با او نوشتن دران در وضه مقدسه و در سینه و در سینه و در سینه و در سینه و در سینه  
 مولای مومنان سید مضر شاه رضوان جا پاکه شهید (افا محی شاه) طالبه شاه نوحه فرموده ادای حاجت نمودند و نیز  
 مقبره والده خانان مغفور (فخراش) و مقبره حسین خان برادر خانان مبرز و مقبره عید اعلی حضرت ها بون فاش خوانند و زیاده  
 نادم دروازه طی مسافت فرموده اجناسوار شدند و از وادی السلام عبور کردند و بارید که در حقیقت شهر نزدیک واد  
 السلام زده شد بوشرفی فرمایند و در چهارم در محلار و در آنجا حرام قوی مسلمانان نیز پیاده در محلی نزدیک مبارک  
 قرار دادند بعد از زیارت در سینه و در سینه و در سینه و در سینه و در سینه و در سینه و در سینه و در سینه  
 زیارت فرمودند و در سینه و در سینه و در سینه و در سینه و در سینه و در سینه و در سینه و در سینه و در سینه  
 الملك فرمایند که در روز شانزدهم بعد از آنکه از بعضی اوقات علمای آنجا زیارت وضه مقدسه فرمودند و در سینه و در سینه  
 بیارک مبارک داشتند پیشکش استان مبارک پاشا حضرت شکر کردند و هم در سینه و در سینه و در سینه و در سینه  
 هفتاد سال بویاد شده باز نمودند و اسباب رجوع را از جواهر طلا و سایر نیک خوده دوباره از جانب و اینان بران  
 عثمانی هرگز ننگه حقیقت میل روان نشود و در هفدهم و هجدهم مشغول زیارت بودند و در این روز آخری در سینه و در سینه  
 مطهر باران کردند و در سینه و در سینه و در سینه و در سینه و در سینه و در سینه و در سینه و در سینه  
 فرمودند و در سینه و در سینه و در سینه و در سینه و در سینه و در سینه و در سینه و در سینه و در سینه  
 شویا از نور و بطرف فکر بلاستند و در سینه و در سینه و در سینه و در سینه و در سینه و در سینه و در سینه  
 اغلب زیارت و دعا میگذشتند و در بیست و چهارم در وضه مقدسه حضرت سید الشهدا و سایر پاشاها در کوه  
 ها بون بودند و در بیست و پنجم در سینه و در سینه و در سینه و در سینه و در سینه و در سینه و در سینه  
 و در بیست و ششم نیز زیارت کاظمین علیه السلام فرمودند و در بیست و هفتم ملاحظه فرمایند که زیارت حضرت سلیمان  
 شب و آنجا اقامت فرمایند و ملاحظه طایف کسری و زیارت حضرت سلمان بمقبره حدیقه میان و عبدالله انصاری و سینه  
 رفتند و آنجا شریف فرمایند و در سینه و در سینه و در سینه و در سینه و در سینه و در سینه و در سینه  
 انعقاد یافت اجزای آن سلام و در و در حال ایند که با او شو که پاشاها و سایر رجوع و اعیان ملکیه و عسکریه  
 وافواج و نوجوانان ایران و عثمان بود الحی سلام ملج با شو که منعقد کردند و هم درین روز اقامت بسیار انجام و نیزه بدین

فرمودند و جناب شهبان الدوله بوزارت علمیه اعظم و وزارت وظایف و اوقاف منصوب گردید و روز دهم شوال بزم سرین لی  
 انعام فرموده در منزل دخاله در حوالی شطراپوده معطر افراشته شد راه زاده از شرف فرسنگ بود روز سیم بقا از ایند شرف  
 کرد پند راه چهارم فرسخ و نیم بود روز چهارم خان بخارا در و شها بونست و شش فرسنگ میباشند و پنجم بصورت مسافر بود  
 فرمودند راه از شرف فرسنگ است اما چون روز شطراپوده فرمایند و کشتی بخاک که جزیره حادث و راه در شعبه  
 بوزاره را غلط کرده و کشتی بکل شکست و معطلها رخ نمودند هشت اعتنا شد که شنبه بار و شنبه بار در شهر در  
 ساحل جل بود رسیدند این یکشنبه سار و منزل خان بخارا مردم خلی سخت گشته که راه را در پی تو همان و پیشتر رسیدند  
 و بدست تمامت سار چیزها هم بهین قیاس بود روز ششم وارد شهر شد و وزیران بر او خند کینه عسکری بن علیها السلام که با  
 اعطای اشته شکوه و اغلاف تمام داشتند خادم با علمها و اداری که دارند با استقبال آمدند بعد از زيارت حضرت عسکری بن علی  
 الله علیها از مقام عبودیت حضرت امام عصر علیه السلام شکر فرجه کسب میسازند بعد از آن بیازدیدن غیرت و وضع طلا شدن  
 کینه و غیره که هر یارها بوی زبور انجام یافته بود پر خند نگاه بنماشای بپوشید و بختی بختی متوکل عباسی است از  
 جلینار و پنجم بلندی میباشند توجه فرمودند روز هفتم بقا است و از دیدن خلیه طائر که نه مساره که بیشتر در شمال و  
 ساره است مشغول بودند روز هشتم شوال از ساره عزیمت دار الحلاله راه را تقسیم کردند و بعد از زيارت و بعد از  
 نهادن منزل خان بخارا و غیره پیشتر فرسخ راه است و در نیمه غا از ایند منزله که اردو و شها بونست و دهم شرف فرمایند  
 (بعقود) کرد پند محمد رحمان سرین لی و معصومی فلجان بر شکار و بعضی دیگر مرض شدند که عکله معتبره مشرف نشوند

بازدم در بعقوسه اطراف شد و در روز دهم از بعقوسه بشهر وان توجه نمودند و روز بیستم در شهر وان طرفی شد و روز  
 چهارم منزل رباط مضر چچام سپهر اجنتام کرد پند و زیارت هم بجای بقین نزول اجلال فرمودند و در شازدهم در خان  
 نوقف شد و این روز برای پاشایان و عاموسین که از طرف اعلیحضرت سلطان عثمان آمده بودند و مصدقند هفتاد شده  
 انقدر در مرصع و انگشتری شال و وجیزه نقد نقد که شاپسند بود ارسال داشتند و مدحتی اشواکال پاشا و ناظم  
 آمدی با بصورت طلبد در باب هم سرحد فرمایشات فرمودند روز هفتم قشور بن محل اردو خروانی کرد پند پاشا  
 که ناسپتا از راه و الترام رکاب اعلی داشتند بعد از ای شکران و افرود و طبع مرخص شده معاودت کردند و  
 نیز یک نیر قشور بن مرطوح باغی فرمودند روز هفتم فرایح جابگاه اردو که ها بون بود روز دهم شرف فرمایند  
 پای طان شدند روز بیستم در پای طان از آن شد و با بجا واسطه نگر از خبر دادند که شنبه چهارشنبه هجدهم شوال  
 عزیر خان سردار کل در تبریز حرم شده است و در بیست یکم بکر نزل اول اجلال فرمودند روز بیست دوم در کربلا  
 شد نواب و الامداد الدوله در منزل محض مهر طه و مبارک مشرف آمد و در بیست سیم هار و اباد و در بیست چهارم  
 ماهی شصت و چهارم کردون اجنتام کرد پند روز بیست و پنجم در ماهی شش طرف شد و در بیست و ششم عمان بعقود

مبارک من کرد پند روز دهم در پنج بجهت رسیده با مورد و بعضی عراض مردم نوقف فرمودند و پنج دوم نضوت و با سوا  
 شاهسوار از پنج سرخر کرد پند که از راه همدان باز در بجان برزند روز بیست و نهم نواب مستطاب معد علیا که در خانه  
 صادم الدوله منزل داشتند ذات ملکوت صفات مقدس را دعوت نمودند روز غره ز بقعه بفرج طاق و سظام  
 اشغال داشتند روز دهم شرف فرمای پند کرد پند بخروفا تا اسکند خان سردار که اغلب را در بجان  
 و عاکر خوی مراغه بود در منزل سپید و در سیم ماه محرم منزله که اردو معطی بود روز چهارم کنگا و در شرف و در  
 مسعود شاهان من بن شد و در پنجم و ششم از خاک نوبسکان منزله که موکبها بون بود نواب الا اعضاء السلطنه  
 و در علوم که از دار الحلاله عزیمت شرف اندوزی از خاک ای مبارک نموده بودند و اینچرا که با علی پو شدند و در ششم  
 شرف فرمای فرسخ شدند در میان راه نواب الامداد الدوله در مضر فرمودند که محل حکم که خود معاودت نماید  
 هفتم در فرسخ اثرا و شد و روز هشتم حمل باد محل اردو ها بون بود در بین راه نواب الامداد الدوله حکم کرد  
 در مضر فرمودند که محل حکم که خود روانه کرد راه دو فرسخ و نیم بود و در نهم حسین اباد مضر چچام معطی کرد پند  
 فرسنگ بود روز دهم بدو نشا با دلا بوزول اجلال فرمودند راه چهار فرسخ بود جناب صاحبان که از اصفهان  
 آمده بود بجای ای مبارک مشرف شدند و شری از کربانی اصفهان معروض داشتند فرستاد و لا پاشا حو و حوش بقده  
 کباب عین اصفهان حمل نمایند روز یازدهم در دولت آباد اثرا و شد و در دوازدهم منزل پری شرف نزل از زانی  
 پری شهای خالک ملا و اول خاک عراق است راه چهار فرسنگ بود قبل از سواری جناب میرزا خردی و اتمام  
 جمع علمای کربان بهر حال مبارک فایز شدند و پس باه میرزا سید احمد پاشا الحکوم عراقی و علی قلی پاشا  
 ملقب بصمصا الملك بتقیل کباب اعلی سرافراز کرد پند و در بیست و دوم منزل فرحضا شرف فرمایند راه پنجم فرسنگ  
 بود و در چهاردهم فرسنگ کور منزله که موکب منصوب شد راه سفر فرسنگ بود و در پانزدهم سلطان اباد که مرکز  
 حکومت عراقی مقدم شاهنشاهی من بن آمده سفر فرسخ بود علمای عراقی و طبقات ناسر با استقبال میادند نمودند  
 روز شانزدهم و هفدهم در سلطان آباد اثرا و شده در همام ملکی توجه فرمودند روز هجدهم ز بقعه شرف فرمایند  
 مصلح آباد شدند راه چهار فرسنگ بود روز نوزدهم با شیان ترول اجلال فرمودند راه چهار فرسخ و نیم بود روز  
 بیستم در شیان اطراف شد و بنماشای قطبه شیان و اطراف آن پراخند و در بیست یکم منزل دستخیز شرف و در  
 از نانی فرمودند قبل از حرکت علماء و اعیان اشیان محض مبارک شرف جسته و در بیست و دوم فرسخ فاضلی  
 اردو ها بون و راه چهار فرسخ بود روز بیست و سیم شهر فرسخ مقدم مبارک من بن آمد علماء و اعیان و متوکل پاشا  
 اهالی شهر با شوق کامل استقبال موکبها بون آمده بودند و در بیست و چهارم در فرم اثرا و وزیران و ضمه ظاهر  
 حضرت معصوم سلام الله علیها پراخند و در مغیره خانان مغفور (فخشی شاه) الدب الله حلال النور و مغیره شهبان  
 میرزا محمد شاه) ادا الله فی باطن الرود فاشرفا شد فرمودند و در بیست و پنجم نیز در نوقف اششد و چون کی غله

ده سفر فرسنگ  
دوم بود

نوسط

دو اعلیٰ کرامت حال جبار است فخری زیاده مقرر فرمودند تا حسین مجاهدان غلزدی بونی ندارد نان کره باغیا  
روز نفرار که بشمار هزار نفر بشوید تا طعام کنند عیال بلیجان لیر مرحوم محمد و لیجان فاجار بنیاد حکومت سرافراز شد و روز  
بیست و هشتم بمنزل پل لاک و روز بیست و نهم محض سلطان شریف فرما کرد دیدند روز بیست و هشتم گزاره کرد منزلکا  
ادو کجا هم چون بود روز بیست و نهم حضرت عبدالعظیم و زبارت داد به مقدس میادرت نمودند روز شنبه غره و پنجم  
بامیان سعادت اقبال ملبا و خلافت باهره و مفر خلاف عظمی زوال جلال فرمودند و عموم و ذرا و خدام اسنان همایون و علما  
واعیان دارالخلافت زبارت جمال افتاب مثال شاهانه فرزند شرف و مسرت و مویش و شده بدعا و جو میادرت و بطیالسان کرد  
و این سفر خیمه پشایر بسعادتا احتشام یافت

تذییل

در روز و روزی مویک سعوتی با السلام بغداد از جانب سی الجوابی با علف حضرت سلطان عبدالعزیز خان با سلام  
تکرار شد

سوال تکرار همایون

بخدمت وصول بغداد واجب از همه بدیم که و داد صمیمی خود را بواسطه تکرار مخاطرات شاهانه و معلوم کم و نیز اظهار خشنودی  
از مدحتی اشا و کمال پاشا و مامورین با غرضان اعلی حضرت و اجزای آنها تمام در خالتان اعلی حضرت بحمد الله بوجوه و مدحت  
خاصه در وقت بغداد بیست و شش کذشت نظر و کفایت مدحتی اشا جای خشنودی پدید و این احوال و مزاج ملوکا  
نیز بسیار خوب بود با شد بخبرارت بکجهی ایات تکراری باز یاد مشتاقیم بیست و هشتم شرفی المظفر ناصر الدین شاه  
نرمه جواب تکرار از جانب اعلی حضرت سلطان

تکرار تمامه و الا که جهاد عالی و در بغداد را بکمال صحت و عافیت بیشتر حرکات و معاملات بعضی مامورین را منضم و  
موجهای صمیمی را در خوش خالصانه ما سوگند بود و اصل دست خلوص شش بخشین فرمودن ذات همان بطرفه از مساعی مدحتی اشا  
و کمال پاشا در مدحت شریف فرمای ممالک و دولت علیه ما محض استراحت سهولت سیاحت سینه که اقدام افکار و تفکر  
از و بیست و هجده و بیست و نهم و اسباب و علت از یاد تو جبر ما در خوش خفا شد ثقیات علیه اظهار که محض تا کبد  
وفاق و اتفاق و ولین علی بن اسلام ارت و طرفین و بقای عزت و عافیت شاهانه و دعای آن تکرار و تبریک مدوم شاه  
ابتداء میشود غره شهر رمضان ۱۲۱۷ عبدالعزیز خان

بعد از آنکه مویک فرزدی کوکب همایونی بدار السلام بغداد رسید در هنگامیکه سیلا منی و جلال و ایهنت اقبال از  
دروازه قصر ناصری شریف فرمای فرستادند در سردروازه فرموده این مسراج را نکاشته بودند  
قد و منته شهر را با باد مسعود

محمد امین منشی بغدادی در وصف قصر ناصری و شرف فرمائی خدیو همان فرخنده عدالت کثیر در آن قصر که از مدتی  
مهمتر و عشرت و شک و وضه رضوان بوی بود و بیست و نهم در عرض و افشاد نمود

ناصر الدین قمر قند علا و سما  
بلای قضاوتی فیه الغلک  
نری التصایح فیه القجوم بدت  
لبلا و کالتشرف فی طلعه الملك

محمد زهالی افندی معنی بغداد بنیر قصبه فارسی بشکرانه و روزی مویک سعوتی و اتحاد دولین علی بن عرض و در حضور  
ساطع النور خورشیدی افشاد نمود و در هر قدر شد که آن قصبه سمنان طباع با بد و قصبه مزبوره بعینها خدا  
بجود درین روز و قدر بدت نمود ج شد

هزاران شکر که فضل و عطای این مردمان  
چو آمد شاه ایران پادشاه روم را بهمان  
انین دو اینه عالم ازین شریف شد قوم  
بدار دستان خدا چمن پیشکدک با بجان  
ز فر اسلام را شایده که بر امان ساید  
کبرین و فر با هم در غل غشند چو اخوان  
جهانی را بنفشه شرف مشرف ساخت تا باید  
مندان از خالق اکبر بیایند بر ایشان

در روزی بعد نظر از جانب اعلی حضرت ناصر الدین با علف حضرت سلطان و لاجتماعی تکرار شد  
الحدی و بیارن اماکن مقدسه را علی و رحمت خودی با پای شپیم و در مشایبان ذات همایون شاهانه شمارا مهم نزدیک میدانیم  
که اعظم مسند عیان درگاه خداوندی از یاد شوکت اسلام و بقای استحکام و داد و اتحاد و سلامت جو همایون ملوکا نه بود  
در اینجای بغداد که مصلحت با چنین عین بزرگ اسلام شد و روزی ما را و نیز بلیا بن عبد عظیم را با اظهار خوشی از چند مانت  
زخات مدحتی اشا و کمال پاشا لازم تر از همه دانستیم که با اطلاع خاطر شاهانه بر ما بنام آمد و این دو ها صمیمی ما در این شهر  
دوستی و بکجهی و ایند به در جرح و مفرون شود (ناصر الدین شاه)  
صوت نرمه جواب تکرار از جانب اعلی حضرت سلطان عبدالعزیز خان

بجهد تبریک و تهنیت عبد سعید سعید بخش نظر در شرف و مؤت نام فرستادن بفرمود که ذات عالی صفات شاهانه شما سیع فرمود  
الفضل المنعم و یابن و سیله جلیله که تکرار خاتم خاتون اخلال من شعار و سال فرموده اید و بشا در صحیح و عافیت وجود  
شاهان بخاری بوی در جبهه نمون و منت دار شدیم که شرف و بیان نمیتوانم کرد خضعاً ذات عالی شاهانه را نیز در اینجای  
شرفیه و مسرت عده به مستعد در سیر عزت و جلالش برقرار فرمودن از درگاه الهی مکرر با نیتی صفا هم از اینکه مدحتی اشا  
و کمال پاشا در تحصیل اراده خدمت شاهانه موفق شده اند و حسن نظر همایونی در باره ایشان توجیهات خالصانه را نیز در  
دیگر در خوانها فریاد و نایند نمود چونکه اصل از وی عیان ما در وقت سیاحت مبارکه تا در ممالک ما شهبان و در بیان صفا



سفر به و جوها بون ستارا بقدر امکان فرود می نمودن است هر کس در محصل این مفضو اهتمام و غیرت نماید مثل اینست که شخصی  
بنات و شخص خود من خدمت خود است (عبدالغفر خان)

چون جناب شهبان دولت سفر کرد دولت علیه ایران که سالها تقیم اسلام بود درین سفر چیزی بشا اثر مشهای خدمتگذار  
جان ثانی با علما و محققان و روحانیان و غیره که در خدمت سابقه و لاحق معز و الی و نظیرین و مقام و درجه  
که در حق و نظیر معتمدان کثیرها بوشن این اوقات و ذرات علیه اعظم و وزارت و اوقات و وظائف را بجهت کتابت  
و کفالت معز الی و مفوض و معتمد فرمودند و این موهبت بین الاما با الافران مباح و در جمند و مفردن هزار گونه مفاخر  
و اعزاز کثیر با عطا و بکوی جتیه شمس و در یک طرفه آنکس از الماس اعتبار و اختصاص یافت که محال است موقوفه بود

سواد شخطها بون بافتا و مشیر الدوله

بنا بر خدمت عدیده که در ممالک خارجیه در بار دولت علیه عثمانیه مخصوص در آمدن ما در سفر اعزاز و عین بارت نمود  
مطهره منوره ائمه هدی علیهم السلام از میرزا حسینخان مشیر الدوله سمع ظهیر و باخته است بنا بر اوقات مخصوصه که  
نسبت بشخص و در این مملکت باقی اوقات خاصه نسبت با او بفرمایم که جوهر کار دانی خود را در آن روز برون منصفه و  
برساند و باقی خود را عاقل و باطل نکند از آنرا بیخ نیست هم در قضایای بون و باطل و با عینت ذرات علیه  
اعظم کل ممالک ایران بجلا و وزارت و وظائف و موقوفات ایران هم ضمیمه وزارت علیه کرده سرافراز فرمودیم باید  
انشاء الله بجلا این سر و ذرات بخانه کمال نظم باید حد از بغداد نوشته شد

هم در این سال نواب و الا معتمدان دولت فرهاد میرزا حکمران کردستان را با عطا و بکفایت شمشیر صاع مکل بالماس خیزین  
مفاخرت و اختصاص فرمودند حاج بیچخان سند و فدا و خاصه طبع مجازان المملکت کرد بدجان محمد خان سرنشین فوج  
خلیفتا که در جنگهای قادی و سایر مواضع خدمت کرده بلیق سبفا السلطنه سرافراز آمد هم در این سال شاهی  
احمد اعظم ظل السلطان دام اقباله امالی با عینا بیادی و معا و لدی د کور عطا فرموده بلیق جلیل جلال الدوله واسم  
کرای سلطان محمود و موسی و ملیک کرد بد سلیمانخان صاحب اختیار بنشان و حاجال امر نوبانی مفر کشته میرزا حسین  
که در خدمت امیرزاده ابوالفتح میرزا حکمران بزد و وزارت این ولاست دارد بر حساب صدعای نواب و الاحصام السلطنه  
بلیق ناظم المملک مباحی اید میرزا جعفر نایب الحکومه ملا میرزا ابوالقاسم نایب الحکومه نویدیرکان بلیق خانی و خطاب  
مفر و الحاقی سرافراز آمدند میرزا عبدالوهاب خان و لدر حرم میرزا محمد علیخان و ذری امور خارجه استیاب اول  
ذخیره علوم بافت جناب قوشن الملك میرزا سعیدخان و ذری امور خارجه بیکه قطع و اذ مرصع بالاس و درجه اختصاص  
با فتنه میرزا عبدالوهاب بخان نایب الوزاره و نایب الحکومه کپلان (جناب نصیر الدوله) با عطا و بقطع نشان نمثال

مجاور مکل بالاس مفر کرد بد میرزا عبدالوهاب مشیر کپلان بنشان سر نوب دوم با حاجال ان مباحی اید نعمت الله خان  
حاکم و سر کرده نوکر شرف و در حجتان حاکم و سر کرده نوکر شاد درین و جلاله خان حاکم و سر کرده نوکر ماسال و معانی هر یک بنشان  
نایب کرد بد میرزا زکریا ملک بنشان و حاجال از درجه سر نوب دوم سرافرازند و از جویبان شد و میرزا زین العابدین پیر مشا  
الیه بنجلیشکر نویدی با جلا بر بر او کرد بد سر شاد و غلظت خالص جلا و لا با مالک محرم سله بهده حاجی رشید خان مشیر  
و کذا فرمودند میرزا هدایت پیر نیک لسان الملك بمنصب سبفا سرافراز و میرزا عباس علی پیر دیکر مشا را لیه بمنصب انشا محض  
مباحی کشت میرزا عبدالباقی پیر با شی کپلان در ماه شعبان در گذشت نصیر الله خان پیر امین الدوله مرحوم شد میرزا اسد الله  
مشیر پیر حرم میرزا موسی نایب عمر بن سکنه و فانت کرد لطف الله میرزا حاکم سر نوب و با اسناد عای نواب و الاحصام الدوله  
حکمران خراسان ملقب بشجاع الدوله کرد بد فزانت کبند و نه پیر و لکه مرحوم حسینخان نظام الدوله احدان کرده بود بواسطه  
عدم تفریق شده ناظم الملك با مروی و دولت با جوار و نصیران پیر باخته است حکم مشکر و نواب و لا محرابین میرزا  
فرمودند هادیخان پیر بر جو حاجی محمد و لیمیرزا و ابوالقاسم میرزا و لدر حرم کفینا د میرزا مرحوم شدند از علما و اخیر که  
در این سال خیر مال خیمه سایر ما از سینه این شهر بار تا جدار دام ملکه کرد بد یکی اینست که راهها صعبه دار الحلاله و ناها  
طویل از غریب عزان عرب و فرمودند سبک اسنکر خان هندس و سنا و که در خدمت این دولت جوارید ملدنا مشایخ  
و مسلح و هموار و کاسک و و فاید و مشا و لیه در انجام این خدمت بدل بجهت خود و الحاق این آثار با ابدالدهم و جلیه حوا  
و سهولت فرود و فواقل و نوار و بهترین و سبله و اسباب عا کونی و جویبار کشت

و فایع معظمه که در این سال هر تمام عالم افطار کرده ارض مسامح و واقع شد

است  
اذا توفی بنیکرینا

خدا د نفوس اهالی انا توفی هفتاد و هفت کرد و و چهل و شش هزار نفر سپا شد چهارده شهر در انا توفی هت که  
هر شهری علاوه بر صد هزار سکنه دارد

اسپانیا

استغقای ملکه انرا با از حقوق سلطنتی خود با اسم پیرش در ان نقش در یاد پیر شاهزاده هوهن زلز بواسطه ضدیت  
فرانسه که بنی خلیک پر سر فرزند شد سلطنت سپید بر در هوهان و اهان د نکا و لش که داعیه سلطنت داشت و با  
نوار و اطلب شد دولت و اوست پیر دوم اعلی حضرت پادشاه ابطالیا برای سلطنت اسپانیا ضد فرمودند دولت  
اطرین بر سر این حال او را پادشاه شدند او با این مملکت قتل از و روی سپای تخت و نوال پیر کرد و اوست شایان  
پادشاه شد بود بدست چند نفر اجنبی مقتول میگردد و بعد از در قبیله تخت و کذا استن تا ج سلطنت بر سر موسوم  
بامید و هم میگردد

اطریش

فداد نفوس تمام ممالک اطرافش در این سال هفتاد و یک کرد و چهار صد و چهل و سه هزار و پانصد و نود و نهم رسیده است

### المان و فرانسه

اضطراب و زلزله در فرانسه از آنجا که اسپانیا پارسا و پلنگ و پلنگ هورن در بیستم اعلحضرت پادشاه پروس را به سلطنت خود باو و چون پلنگ خشمی که مابین خانواده سلطنت فرانسه این شاهزاده برقرار است بممالک آنکه مبادا از یکدیگر هم با یکدیگر از شاهزادگان خانواده سلطنت پروس هم سر جدا بشوند که بممالک آن برای فرانسه مضرات است و لذت فرانسه با کمال سختی و دشواری و لذت پروس بکلیف می کشد که شاهزاده مزبور را مانع از قبول این سلطنت شود از ابتدا ای گفتگو معلوم بود که کار بین دو پلنگ پروس و فرانسه میان خود جدا کشید و بنوعی انگلیس و ایتالیا و اطرین میان خود می کشند و لذت می بخشند و با وجودیکه شاهزاده مزبور بطبیعت خاطر استعفا از پهل پادشاه پروس بدین سبب که در فرانسه مقیم دربار پروس و در شهر امس در کنگر حاصل اعلحضرت پادشاه پروس ملاقات نموده مستقیماً با ایشان تکلیف می کشد که او را بجز خودشان عدل و خاوری دولت فرانسه بکنند و تا پانصمان که شاهزاده هورن زلزله شمال و نوردراپه و جهان را از وجهه بجز سلطنت اسپانیا نباشد اعلحضرت پادشاه پروس اعنائی بفرانسه نکرده بلکه او را غرض می کشد که بجز خود پادشاه بناید و مطالب خود را مستقیماً مرخص ندارد بعد از فرستادن این خبر پادشاه پروس در دربار و جسد و مجالس و لذت و مملکتش و جنگ نیست و کلاهی و عجز چه خاصه و چه عمومی هر دو دید و لذت فرانسه تکلیف می کشد که اسنادی که سبب این جنگ است بجا بماند بعد از آنکه جنگ کند و لذت اعنائی با نپردارند مگر هفتون بر روی و جری خود را حاضر می کند و بعضی جهال بار پس بجزال و خون بیفارت و شرف غارت نمودن باجها هستند و می بینند که بر ضد این جنگ است بیکدیگر کرده و وجهه مسکوک برای مخارج هفتون بر روی و مسکوک و صد هزار تومان بجهت مخارج عساکر بر طرف سرد و زلزله می خورند و از آن طرف اعلحضرت پادشاه پروس تسلط بر دول شمالی و جنوبی المان مقام و منظور است و لذت فرانسه را با لفظین می کشد که غرض است و لذت نیست که بجز و چهره جهان را می کشد و با ما جنگ کند و نفر فرود میان جمعیتها بپندارد و شوکت و قدرت ما را بکاهد بنا بر این دول جنوبی از پیش او بر و در نبرد و با او که تا آن زمان با او با پروس نداشتند با ایند و لذت منفق شده فی الواقع بک المان بنامی بر ضد فرانسه برخواستند و تمام دول بد و نداشتند سرداری هفتون خود را با اعلحضرت پادشاه پروس آنگاه کردند و لذت انگلیس و اطرین و واسط و میان خودی کرد و لذت شمر نشد و از آن طرف اعلحضرت پادشاه پروس امیر اطراف فرانسه سرداری عساکر فرانسه را قبول نموده با افسر خود نواب و لیب و هورن و لیب و هورن جنگ در پروس کرد که لذت و لذت فرنگ تمام بدون استثناء سطر اختیار می کشد اعلحضرت پادشاه پروس امیر اطراف فرانسه چنین تصور می کند که اگر با یکدیگر هفتون منخرف بعد خود را بمجلا در جد رسانند همین قدر نخطی نموده دسه شهر کوچکی از ممالک المان هفتون شو و از طرف دیگر و لذت انگلیس و اطرین و واسط را با نخبه فرارده هم سنگی المان علی الخصوص پروس در دارد و در هم چهار دول فرانسه از آن کرده است نیز بعضی شهرها از آن طرف بملک خود افزوده است و علی غایت از آنکه در مقابل مسجد بجا

فرار هفتون فرانسه بگریزید و لذت پروس با صده هفتاد هزار لشکر هزار و پانصد هزاره نو چنان کرده است با سر راهای معتبره چنان فرود آمد که شارل بنی عم اعلحضرت پادشاه پروس نواب و لیب خود پروس ساپه پروس دارهای مجرب با زلزله استن و نیش و ملک و غیره و علامه هفتون معلوم بخواه هزار سواره او همان جلوه هفتون المان بطرف پیش فرار و لذت می کشد که در آن شهرها پروس در اول جمله با حضور اعلحضرت پادشاه پروس امیر اطراف فرانسه هفتون فرانسه را مد و از آن طرف در و ساپه پروس یکدیگر هفتون عمده فرانسه سرداری مارشال ماکاهون شکست خورد و معدوم و منقرض شد سرداری هفتون پروس نواب و لیب هورن و لیب هورن پروس و در روز دیگر مارشال ماکاهون با اعلحضرت هفتون شکست داشت و پادشاه از سوی بجزا بپشتد با یکصد هزار هفتون پروس سرداری نواب و لیب هورن پروس مقابل کرد و تفصیل جنگ و خون ریزی رفت چون زیاد معدومت ها بیکار شدن نیمی از آن نیمی از آن نیمی از آن شکست پادشاه مملکت فرانسه برای هفتون پروس باز شد اعلحضرت پادشاه پروس که تا آنوقت در و بجزا فرانسه نکرده بود و از شد و شهر استرازا بود که از آن قلعجات سر جنگ فرانسه هفتون با دحاصره نمود و بعد از چندی شهرش که یکی از قلعجات معظم است سرداری فرود یک شارل محض شد مارشال بازن سردار فرانسه با صده بیست هزار هفتون در مملکت مشخص شد و اغلب قلاع فرانسه نیز محصور کرد بعد اعلحضرت پادشاه پروس امیر اطراف فرانسه با لیبون از حوالی ملس طرف شمالی بغیر فشت عساکر پروس اعلحضرت امیر اطراف فرانسه می کشد از ابتدا جنگ تا آنوقت از هفتون المان صد و پنجاه هزار نفر مقبول شد و از کار افتاده است لیکن علی الاضمال از مملکت المان یک مصلحت نواب و لیب هورن پروس مارشال ماکاهون و اعلحضرت پادشاه پروس نواب و لیب هورن پروس مامور کردن یکدیگر از هفتون پروس محاصره پادشاه مارشال ماکاهون هر قدر بخواهد مارشال بازن و صل شکاری از پیش برده عقب نشینی یکدیگر از فرانسه با اعلحضرت پادشاه پروس امیر اطراف فرانسه در مقابل این هفتون که اعلحضرت پادشاه پروس نواب و لیبون در آنستند اعلحضرت پادشاه پروس حرکت می کند جنگ و خون ریزی زیاد در حوالی سدان رخ می کشد و از آن مارشال ماکاهون هفتون فرانسه تسلیم و پادشاه از پنجاه هزار نفر اسیر شد اعلحضرت پادشاه پروس نواب و لیبون نیز تسلیم کرد بعد از آن هفتون متوقف قلع سدان هستند و پنجاه هفتون و چهار صد هزاره نو پادشاه و صد و پنجاه نو قلع و ده هزار اسیر جنگ اعلحضرت پادشاه پروس ملس و اسیر اعلحضرت پادشاه پروس امیر اطراف فرانسه فرستادن او یکی از قلعجات و قلع در حوالی کاسیل فرار نواب و لیب هورن پادشاه پروس نواب و لیبون بجزا بزرگ حرکت کرد و بی هفتون پروس محاصره را بر سر خلع اهالی پاریس را بلیو و خانواده او را از سلطنت ایجاد دولت و نوبت فرانسه بلکه امیر اطراف پروس پاریس اعلان دولت جمهوری کرد در پاریس برپا شد جنرال گرگ و زای ساپه و نصب زرای جمهوری طلب ساختند مسیو بلیون و دو پلیر بورخ و لیبی شدن دولت مذکور و بجزه میان خودی کردی همان فرانسه پروس در حوالی پاریس و لیب و هورن و دو سال که در حوالی پاریس است عساکر محصور اعلحضرت پادشاه پروس کرد و محاصره پاریس از هر سمت نیمی از آن فرانسه هورن دولت را از پاریس شهر نوازش گرفتن عمارت سلطنتی سن کلود و حوالی پاریس تسلیم شدن مارشال بازن با تمام هفتون و خود و او کلاشن قلع و ملس با پروس هفتون پروس اغلب قلاع و شهرهای شمالی فرانسه را کمال سختی و نماندن سخت گذشتن بجزوین و نبودن آن و در پاریس آماج کناری اعلحضرت پادشاه پروس در و ساپه که امیر اطراف تمام مملکت المان باشد و تمام

و انعام این سال در حالیکه یاریس هنوز در بند خاصه و است و کثرت روس میل به الحاق خود را در قوای خود بر سر ظاهر پدید آورد و نشان  
سنت و روزگاری نشان مخصوص دولت روس است برای مردان و هائو و ثنون پردهس از انفاذ مبادد و با رضایت و اتفاق پردهس بعضی  
نصوب عهدنامه هزار و هشتصد و پنجاه و شش لکه در مجلس کنکریه یاریس منعقد نمودند بهم میزند بگریز است نیست که حامی محاسن  
عثمان و ضامن انهدنامه باشد و در تقاطع که در سواحل قریا نکیر ممنوع بود قلعه بسیار بدجلان خواهد ساخت و تحکم  
خواهد نمود چون دولت پردهس و اطراف قریا نکیر این جناب روس را کردند و دولت انگلیس هم لابد تمکین نمود مرآه در حال دولت  
جهت که در شهر نور مشرف بودند با اهالی یاریس بواسطه با اون و کبوتر جلد کار از کی از قریه طوری بمحض یاریس  
سخت شده بود که ز با تا در شهر کو با نان در یکشنبه از روز شنبه یک نفر بنشیند رفتن اجزای دولت جهت موقتی از شهر نور  
شهر پردهس و مصمم شدن اهالی فرانسه برای جهاد

### انگلیس

فوتی که کلانان و وزیر امور خارجه در سن هفتاد سالگی منصب دیگران و بلجای او دولت انگلیس جدا کامل برای منع منازعه  
ما بین فرانسه پردهس نموده و در شهر می نشیند یکی از کشتیهای و قوی در سمت غربی اسپانیا با پانصد نفر آدم که در آن بود  
غرق شد

### ایتالیا

بمجلس اینکه اعلان جنگ ما بین فرانسه پردهس پیشتر با وجود اینکه با پردهس شورای بزرگ و کشتیها و قسطنطنیه اثبات میشود  
خود نمود چون از تحت حفظ و حمایت سلطنت فرانسه خارج شد و ایند و لث بواسطه جنگ با پردهس مجبور شد مغول گردید  
و عساکر خود را از دست طلبید اعلیحضرت پادشاه ایتالیا را و در باید و نخاصه بادی از طرف عساکر با پردهس صرف کرد و یک  
معروف بمسئله که حد و سده ما بین فرانسه و مملکت ایتالیا است سهصد سال تمام بود که آن کوه را سوراخ میکردند  
دو اوبان مستان این سال با تمام رسیده کالسه های راه آهن از دست مملکت این سوراخ کوه عبور می ورید

### دانمارک

تعداد نفوس تمام این مملکت در این سال بزرگ کرد و در و پست هشتاد و سه هزار و پانصد و شصت و پنجاه رسید

### عثمانی

اجازه دادن اعلیحضرت سلطان که هنگام شب کتی از هر دولتی که باشد بدون ممانعت وارد دو بغاز بشیر و در آن  
شوق با نقین سخن در اسلامیه در محله ارمنیه و فریادها که هزار و دو پست نفر تلف شدند و شصت هزار نفر بجانها زدند  
شورش اعرابیه حوالی نجد

### یونان

تعداد نفوس این مملکت در این سال و کرد و صد و پنجاه و هفت هزار و هشتصد و نود و چهار نفر میباشد

شرح  
وفایع سال  
بسی است و بجز سلطنت ابد انکلیس  
افد خسر و ضا حیف از شاهنشاهی حجاز و حنا  
فداه طابو کسند هزار و دویست  
وهشتاد و هشت  
هجری قمری  
شرفی

دو اوبان این سال خیرال دای صوابهای ملوکانه بران خلافت یافت که شاهزادگان عظام و وزرای کرام که اسامی آنها در ذیل  
مسطور است هفتاد و دو روز شنبه سه شنبه باشد و در او شورای بگری حضور بهم رسانند و در مهم ملکی مشاورانند  
و گذشته از این دو روز هم اگر مری وی نماید بموجب اخبار جناب عند الملك که ناظر امر مشورتخانه مبارک است در دار  
الشوهر حاضر شوند و فرمایشات ملوکانه اجرا نمایند و اسامی شاهزادگان و وزرای معظم الیهم از اینقراری است (نواب والا  
مؤیدالدوله) (نواب الاملکان) (نواب والا اعضاد السلطنه و ذریه علوم) (نواب والا نصر الدوله و ذریه جنگ)  
(عبداللّه) (نواب الاملکان) (نواب والا اعضاد السلطنه و ذریه علوم) (نواب والا نصر الدوله و ذریه جنگ)  
و اوفای (نظام الملك) (غلام حسین خان سپهدار) (جناب بکر الملك) (دو شیخان معیر الممالک)  
(جناب علاه الدوله) (پاشا خان امین الملك) (جناب ناصر الملك) (جناب سیف خان و ذریه بخان)

اداره و زمامت دولتی در الطباعه تمام الملك محروسه دارالترجمه دولتی را بر بنده مؤلف و کتار و در زمانه دولتی را  
باسم ایران موسوس فرمودند حکم آن خراسان علاوه بر حکومت پردهس که کاتب نواب الاحسام السلطنه و کول و شش  
و حاجی سیف الدوله بنیاب نواب عظم البه روان خراسان شد امیرزاده محسن میرزا محمد بمبضب میرا خوری میرزا  
کرد پدغلا محسن خان سپهدار حکومت قزوین یافت حکومتان زندران را عیجاب عند الملك علم رضا خان قاجار حجت  
فرمودند حکومت عراق و کریم عیجاب عند الملك نفوس شد حکومت شاهر و در سیطام و زریه را با این خلوت میرزا  
هاستخان و کتار نمودند پاشا خان امین الملك بمبضب فارغ حضرت شاهنشاهزاده اجل اعظم نایب السلطنه و  
پیشکاردی در ان خلافت برقرار کرد پداده چایا و خانهای کل ممالک محروسه را بمیرزا علیخان فیضه حضور (جناب امین الملك)  
سپردند و فرستادند که مجری از اداره وزارت جنگ بود با این اداره ملحق کردید جناب میرزا بوسه مستوفی الممالک

جناب علاه الدوله  
فشی باشی عیجاب  
فرمایشات که در  
شد

انعداد اول و وزارت و سایر استعفا عن این اوقات و دستخطی با افتخار شاهنشاه مراده اعظم نایب السلطنه امیر کبیر  
شرفه در یافت که صورت آن از فراد ذیل است

سواد خط خجانه طاع مبارک

نایب السلطنه انفق و رایالت شاه بنصره الدوله قدس سره کردیم باقر زندم مرفوم ملتوق شرفه از باب مناصب عساکر در  
همایون ما زباده از حدت و مطلوب نسبت لکن تا شرفه و ترفیع و بنده و منصبی است از آن فستونی مبنی بر صدق خدمت عمده  
بنیاد با مناصب نظامیه در صد ایام خدمت کما یلوق بر عجایب و نایب از خدمت و مقرریم که در این خدمت در عرض  
و تقدم و ترفیع و بنده منصبی با مناصب نظامیه خدمت صادر و در وجه احتیاطی باید وقت شده باشد تا تقریر بدین معنی  
در سالی اهل شرفه از نظام و غیر نظام از این حکم اطلاع بدهد

عاشق اکرام ملک محروسه در بجهت نظام الملک میرزا کاظم خان موقوف فرمودند و میرزا دود خان برادر جناب مغزی لایه بنیاد  
ایشان برقرار کردید حکم الملک پیشین خاصه همایون ناظم دفتر خانه مبارکه شده مامور گذارندن محاسبات کل و معاملات  
دیواری کردید جناب میرزا ملک بوزارت و سایر خصوصه همایونی که مستوفیان بود سرفراز شد عمل جناب ملک محروسه در  
حاجی میرزا محمد خان عبدالملک و گذار فرمودند مملکت اذربایجان را بعد از فوت میرزا خان سردار کل بهمان حکمرانی حضرت  
اجل اعظم و بجهت دولت علیه ایران مظفر الدین میرزا دام افغانه العالی و پیشکار و این لشکر ابقا فرمودند میرزا دود عبدالحمید  
میرزا مامور خدمات نظامی اذربایجان شد غلبه دیوانی اذربایجان و علاقه بر پادشاه حساسی با این خصوصه پیشین خاصه  
موقوف فرمودند محمد علیخان زبیر ارباشی بلیغ من السلطنه سرفراز شد جناب حاجی میرزا جواد محمد زبیری که چندین مرتبه  
اشرف و شرفی بود از فراد دستخط همایون امام جمعه کردید به احتساب با احوال و با هر که بدید که از اذربایجان و آنه بنویسند  
فاسمخان والی بود از حضرت شاهنشاه مراده اکرم انعم ظل السلطان حکمران فارس سرفراز آمد میرزاها شتخان امین خلوت  
از بخواهی و اول الشوری کبری کردید جناب حسن علیخان و بر بخار سابق فراموش ما و بوی بخار و اسلامبول کردید به منصبی  
که از اجله مناصب شریفه کفایت عضد الملک میرزا دود حکمران مازندران و گذار کردید دستخط مبارکه در این باب  
صدق یافت که صورت آن از فراد ذیل است

سواد خط خجانه طاع مبارک

منصبتان که از خدمت شاهی و دولت و شخص است انتظام آن از هر کارها واجب و مقدم تر است چون نوکر که عتقا  
ما را شایسته و سربازان باشد لهذا از ابتدای سنده قوی میل ما بعد ما این تخیل خط را بعد الملک علی رضا خان علاو  
بر حکومتان ندان و میرزا علی نقی شرفه بود که در نظم اینکار زباده از حدت کوشد ۱۲۹۸  
امین السلطنه منصبی صلحی سرفراز شد میرزا علیخان سرهنگ مجاهد نشان از درجه سرتیپی نایب کردید در پنج اردو بخار

جدیداً احداث در دستگاه بار و کوی مهمان نهایت خوب کار میکند حکومت کاشان از اعلا و مشاغل و مناصب برزها  
خان امین خلوت فرمودند مجلس شورای نظامی مجدداً برقرار کردید میرزا محمدخان ولد مرحوم میرزا محمدخان سپهسالار  
اعظم باقی انصاف الدوله ملقب بر حبیب سنده عالی مرتبه منصب کشیک باشی کردید و با هم میرزا ولد انصاف الدوله  
مرحمت فرمودند میرزا دود علی بیگ الملک میرزا ولد نواب الاعمال الدوله حکومته نشان و نشان و حجاب از درجه دوم پیشین  
سرفراز شد میرزا محمدخان پیشین مناصب خاصه له این خلوت بمنصب نیکو کار باشی کردید روز و شنبه سیم  
ماه صفر امیر اصلاخان محمد الدوله بخوار رحمت الهی فست حکومت عربستان و بر وجود علاقه و عرفانی و کرم بخاری و بعد  
للالک مرحمت فرمودند حاجی میرزا محمدخان محمد الملک در سلاک و وزاری و الشوری منسلک کردید بعد از علیخان ادیب الملک  
پیشین مناصب حکومت کلیپکان و خونسار سرفراز شد حکومت اصفهان از اعلا و بر حکمرانی خراسان بنواب الا  
حسام السلطنه و گذار فرمودند و امیرزاده ابو الفتح میرزا بنیاد نواب عظم الیه با پیشکاری میرزا محمد حسین ناظم الملک و  
اصفهان کردید حاجی میرزا رضای که بعداً منصب کل اربابان یافت بعد از فوت مرحوم فرخ خان میرزاها شتخان امین  
خلوت ملقب با امین الدوله کردید میرزا محمدخان نیکو کار باشی و گذار میرزاها شتخان امین خلوت لقب یافت حکومت زباده  
با هم میرزا محمدخان امیر الملک و گذار فرمودند میرزا محمد علیخان سرتیپ که مدتی کار کرد از بمبئی و بقیه بمبئی لوزا  
و نیابت حکومت کلان سرفراز شد میرزاها شتخان امین الدوله منصبی وزارت حضور یافت در ایچون برای دستان  
خپان باب همایون ریخته اند که کمال امین و ترفیع دارد و این اول بنیاد حیرت که در کارخانه دار الخاند  
کردید تا خوشی یاد در الخاند و اطراف برود کردید و چندین شده ندارد و کتب همایون و بعد هم سبب اول غریب پل  
لان نمود میرزا اسد الله خان کار برد از نقلین یک قطعه نشان شریفه خورد شیدا از درجه سرتیپید و هم با حجاب حضور آن  
سرفراز شد میرزا اسحق کادیر از سابقا دانه الهم بمنصب کلیر برای اول مامور اقامت بغداد کردید و با عطا یک قطعه نشان  
و حجاب از درجه دوم سرتیپی سرفراز شد هفتصد سوار از شکرگان خپو لوزای ایشان که از امرهای نامی در کمان است  
در حوالی حاجی محمد خاندان داشتند بعد از فلجان سهام الدوله الجانی و سردار کل خراسان خیر شده با سواران شیدا  
بر سر ایشان ناخن خنبله در گرفت ایشان سردار و دستیار آن سواران فرا که را بدبار عدم فرستادند و بقیه السیفان  
ایها مرفوعه و منفرد شدند نواب مامر الدوله علی بیگ میرزا که بدید بار مسند از راهای اختصاص شده بود حکومت خاندان  
برقرار کردید از خاکیای فرقد سا اجازه انصاف یافت محمد علیخان سرتیپ و آن اجودان که سابقاً شیدا و ذریه  
علیه و لندن اقامت داشت سرتیپی فوج نظریه در احوال و کرم بمنزله پیلیر است سرفراز شد نواب الاملک ان منصب  
کشیک باشی کردید بر فراد مناصب عمده الملک بمنصب وزارت حضور مقرر کردید سرفراز خان بلوچ که جمعی از شرار  
دور خویش کرده دم از خوی سرتیپی میرزا محمدخان سرحدی داد و دستگیر کرده بکشد بیجا نفرزنا بعضی و در او نه

دیشم نوروزی اینچنین کفچه نشان باودی با درجه شد در خراسان کارشهر چنین و غلابا اگر فتنه است  
دوماه ربيع الثاني اینسال چون خدمات و صلواتی که بنده درگاه یعنی مؤلف مشهور و مقبول پیشگاه اقدس اعلا  
کرید چاکر بلیغ صبیح الدوله و دستخط ها بون فرقی مباحث بفرمان سواد خط مبارک از فرار نبل است

سواد خطها منعطاع مبارک

چونزینا حاصله دارا الطباعه ها بون از حسن مراتب و اهتمامات که مله محمد حسن خان پیشینه و مفرم مخصوص و رئیس  
دارالطباعه کمالا پان مشهور افتاده خاطر مارا که ملا خوشنود داشته شده را بلیغ صبیح الدوله مخاطب  
فرمود که موجب بیان واقعات و احوال و شمول الطاق علیه پیشتر در خدمت محوله نمود اتمام نماید در شهر ربيع الثاني  
میزان کتب اللطیفه و غیره بنام و بختیاری سرافراز کرد بدینا بختیاری که با شایسته اشخاص بیدار که از اجله زردگان و  
اسرای قوم لاریکان و از قول مصنفین معین و از اکثر علوم و سیر و جلال باخبر و صاحب صفات عدیده که کثیر بود  
کننده از اینکه در مراتب مقامات عالی عرفان و در جانت و ششور و غیره سلوک و ابقان مقامی منبع و عالی رفیع و مشرف  
و مسلک کتب داشته را و بپناه ربيع الثاني این سال طایر و خوش شده نشین کرد بدین زمان نوری مستوفی و درجه اول از  
منصب استیفا مقرر آمد طور و طرز و اجرای احکام عادلانه و قطع و فصل کارها و احضان و حقوق در دیوانخانه علیه عظمی از  
توجهات کماله علیه حضرتها بوشاهنشاهی بلم ملکه و بختیاری صلی میرزا احتیاجان مشیرالدوله و در علیه خانیست که هرگز  
نظران دیده شده و در این اوان محض بساط معدلت در تمام ممالک محروسه بلاد در درون یک فرایین فضا این مجموع  
حکام بلاد و ایالات و ولایات نفاذ شده و ما سواد یکی از آنها که خطاب حضرت شاهنشاه زاده اجل اعظم و بجهت  
دولت علیه است اقتضای مینمایم

سواد ملفوفه فرمانها بون

مصباح مشکوه روح و مفتاح ابواب فوج فرزندان سعادت شد که مکار و بیهوده و لنا با افعال و مساجد اختیار مملکت  
از ریایان بوفور مزاج و همتا پاش بجهت باها و کانه مقرر و سرافراز بود بدینا از آنجا که تمامت همتها و کانه مصروف  
ارامش بلاد و حضور این عباد است که در ناحیه مملکت کافر رعیت که حضرت باری تعالی بفرموده و بعد از آن هرگونه  
هتدیه و اضطراب مثل و عذاب که در غیر ضرورت و وجوب خارج از قانون شرع مستطابست فارغ واسوه باشند  
و پس از این هر رسمی که معمول حکام پیش بوده که با نیک تقصیر و حرکت خلاف که از راهای نارای ناشی میشود بیاشون  
پالنه و حکومت و اجرای حدود بکافات و مجازات باندازه میرزا خند که می مقرر واقع است سیاست های شد  
و زمان مردم بی تقصیر گرفتار بودند خواستیم کلیه این رسوم مرتفع شده اختیار مجازات هر یک از مقررین عباد در  
لبی این بلاد فقط با ذات کامل الصفات اقدس ها بون سلطانی مطلق باشد لهذا از همه السعوه قوی بیل ما بعد

ولایت

معدلت ملوکانه چنان اقتضای بود که در این حکام ممالک نامور مقرر داریم که در سپنت و خصاص مقرران هر طبعه که باشد خواه مباشرت  
نفوس یا مقرران و ناموس که باقتضای شراعت فطرینان در اقدام جنایات و جنایات میباید نفس پالنه و حکومت قبل از نبوت  
و وضوح نطبعه ابدی مجاز و مادون در سیاست خصاص نباشد و ازین تاریخ هر چه میگردد بدینا افتاد و هر مقرر که  
ولایت بهر سبب فوراً مجوس نموده بجز خلیس حکم دیگر هیچی چه بکنند مراتب را با اماران و اسباب ضیاع و اثبات توسط  
جناب جلالتاب غواما اللیخ و الا بنو المشیر الدوله علیه العالیه که در ارتش علیه اعظم و علا و امور و ظایف و اوقات و عهده او  
مرجع و خاطر معدلت نظام را بجا سن بدید و اینه و استقصا او در کلیه امور اعتماد حاصل است بجا پیکار مبارک معلوم دارند  
تا بعد از غور و کمال آنچه در خصوصها بون فرین نباشد افتاد و حکم مجازات از مصدر خلاف شرع ضد و پان جنایات بجز  
مطلوب حکمها بون و اینها نموده از ان فرار اجزادان در آن نمانند معاندند بخوبی که مقرر در فتنه معقول داشته اند شود العمل  
تخلف و تخلف نوروز و در عهده ششامد شهر ربيع الثاني ۱۲۸۱

ابوالحسن خان ولد امیر حسنخان شیخ الدوله در غفرانلو حاله فوجیان ندیر چنان که در فتنه ناخف و ناز اسپندان و آن  
حدود داشته اند نموده عوض مراد خان سردار را با بجهت نقران منابین او دستگیر کرده و شیخ الدوله سر دوازده  
و از برای خود رسانید میرزا عبدالوهابخان نایب الوزاره که در ماموریت خارج از ریایان و حکومت کلان معدلت  
نمایان نموده و کمال کفایت و کار در این خود را مشهور خاطر خط و خردی داشته بلیغ صبیح الدوله ملقب کرد بدینا از آنجه  
مگر بدینترجمین السنه خارج و دستدکان علوم غیره و فضلا و ادب و بفرار و بنده مؤلف برایش مجلس مامور و بپناه  
لک و دستخطها بون درین باب شرع ضد و با فتنه سوادان از فرار نبل است

سواد خطها منعطاع مبارک

شایع ترین و ولایت و مذاق فزون که جو بر آرد کان عهده ها بون دارای علوم و داناتی السنه و مصطلحات غیره شده اند نامرد  
موافق منظورات ملوکانه حاصل شده است این اوقات داده علیه ما اقتضا کرده است که با نفعاد دارالترجمه دولتی خواهد  
مترجمین امر حاصل شود و چنانکه در مساجد دول اینکار در تحت قاعده معتبره است در این ملک محرومترین فایده ان از آنست  
علوم معین و کسب اطلاعات لازمه شایع فرمایم محمد حسن خان صبیح الدوله مترجم مخصوص حضورها بون در این  
تاریخ فرخنده بریاست دارالترجمه دولتی اختصاص دادیم که مترجمین از هر زبان و هر فن در عمارت که مخصوص اینکار  
معین شده است جمع داشته بطوریکه بالمشافهه العلیه فرمایند شده است همه آنها را بجهت ماند مقرر باز در مقرر  
آنکه عموم مترجمین و دستدکان السنه خارج از تبعه دولت علیه ایران بلا استثناء خود را جزء مجلس مقرر بودند  
و از دستوالعمل صبیح الدوله خود را خارج ندانند فی شهر ربيع الثاني ۱۲۸۱

امیرخان ولد محمد صالح خان که در سینه سر شهباز که یکی سواره که در سینه بر فراز کردید حاجی محمد حسین امین از اعیان  
 قریبین بجای از درجه سر شهباز و حاجی و مولد معری که بنشینان و حجاب سرهنکی و در پانزدهم جمادی الاولی و کوفت اندیش  
 کدانی پلانی که معادرت معمر مؤید سلطان با اجلال نمود حکومت همان را ضمیمه سایر شاعران و مناصب حجاب علیه السلام  
 فرمودند معادن خوشتر حوم میرزا محمد حسین ناظم الملك پشکارا صفهان حسینقلخان مافی بر پیشکار و صفهان سرافراز  
 شد میرزا حبیب الله و لدر حوم میرزا شکر الله شکر نوبس منصب شکر نوبسی معتمد کردید جناب میرزا فتحعلی خان حضا  
 دیوان بر پیشکار و میرزا باجان و وزارت حضرت شاهنشاهزاده اعظم و لیدر مده و لث علیه ایران مبارکی که بدین مراد ابراهیم  
 میرزا حاکم و میرزا حشام السلطنه لقب یافت محمد باقر خان سر شهباز شجاع السلطنه شد معتمدی قلخان و کجا الملك حکمران کرمان  
 و بلوچستان اعیان نشان شمال پشمال همایون معتمد کردید

چون اعظمی را میرزا طوری و در سینه نعلیس تقسیم مرام داده اند اعظمی شاهنشاهی مرام ملک و بر آن  
 وصول اعظمی را میرزا طوری اخذ و معتمد فرمودند و ابوالاشته الدوله امیر جنگ با جمعی از صاحب منصبان از راه کجلا  
 روانه نعلیس شوند و ابی معظم حامل نامه علامت و سنان و امور با ابلاغ حضور اعظمی را میرزا طوری و در سینه مرام  
 صاحب منصبان بود از فرادید است

شاهزاده عبدالله میرزا پسر سابق قشون خراسان (علیخان سر شهباز و جنرال قشون مامور سابق نعلیس سر حرم نظام الدیم  
 امیر محمدخان سر شهباز سابق بغداد) میرزا مهدیخان هند سر حرم (میرزا طوری سرخان حرم مخصوص و وزارت خارجه که  
 چندی هم در سفارت بطریز بود) میرزا فی طیبی که در مدرسه دارالقانون و باستانی حکیم باشی مخصوص حضرت  
 شاهنشاهی مکر طویوزان در علم طبابت و لسان خارج مهارت هم رسانیده این اوان دور میرزا پسر پهلایه است مبعوث  
 مراد نومان نغده که در بیجا فرادار جنس دهه السنی حرم نقرایم تخفیف دادند همچنین شش هزار و هفتصد تومان بعضی  
 مناهای دارالخلافه تخفیف بدول فرمودند بر آنحضرت الله خان سرهنک که در مدرسه دارالقانون تحصیل علم هندسه نوبخانه فرمود  
 معملی کل اوج نوبخانه قاهره برقرار کردید و در سینه نقرایم حلی نریا و سپرده شده میرزا پوسف خان مستشار

وزارت علیه اعظم بر حسب سندهای جناب مشیرالدوله وزیر علیه اعظم بر شهباز سر شهباز اول خارج از قشون و حجاب نشان شهباز  
 خورشید را از آمدن خوشی بلکه در سینه بیرون با فرمودند و تخفیف نهادند در خوشی نقرایم فرمودند و اولی که شده است  
 شاهنواز خان خادان بکرمان مد که فرادار خود را بگزارد هزار و ششصد سواره و پیاده در کمان در حوالی مرخس فرود  
 شده و عازم ناخند ناز اجدود بودند سهام الدوله ایلخان حکم نواب و الاحسام السلطنه و اینها تا حتم نموده بسیار این  
 انها را مقبول و بقیه را منصرف ساخت همچنین از کلان خبر دادند که دو هزار سواره و پیاده از حوالی چچر عبور کرده بقلمه رسیم  
 سر کوب قلمه را بکنان و بنیه هاسر کوب با جناح مستوح شده و اطراف قلعه را بکنان و محاصره نموده و بنای جنگ نهادند بر آن اوان

نوشته و پیادگان در چولانی و اهل قلعه بسند نقرایم از اعیان و اعیان بکولان از اید و در دهر و واقع از  
 نرکه حرمی اسپر شدند

روز سیزدهم رحیمه عید بود مستوفی حضرت امیر المومنین علی بن ابیطالب علیه السلام است سلام عام منعقد و ذوات ملکوتی  
 صفات همایون در آن ادرخت غریب بر سر چشروانی جلوس فرموده و نطق مسطور در ذیل با بیان فرمودند

نطق همایون در سلام مخصوص روز عید مبارک

الهدی و جناب بکنده چرامن ملت بر طیار اهل نظام شده ام علت افشک که چون امر و روز عید بود و امیر المومنین علیه السلام  
 در روز فرخنده و مبارک گشت با ستم کلمه قشون را بعهده خود گرفتارم و از امر و زبده داخل خدمت قشون محسوب خواهم بود  
 و سینه را البته صدای بنده درین سنوات گذشته نطق بکنده باید و رسانیده و لث پراشت و ان تمسکه منظوم نظر ملبوس فرمایند  
 در شبان نظامی و غیر نظامی حاصل شده مخصوصان از قیام بکنده در سلطه حیدر پور و در قواعد شوق در رس علم نظامی که  
 آقا قادر تر است سر پیا بران نکرده و سر کردگان و صاحب منصبان از بزرگ و کوچک کالیف حد و خدمات خود را کرده  
 شان و احترام نظامی از میان رفته بود و سر کردگان و رؤسا و کسانیکه داخل در خدمات عسکری بودند و بعضی اعمال ناشایسته  
 عادت کرده و قوانین نظامی را فراموش نموده بودند و در وها بکنده در مشق و حرکت با پایا شده و در سجدات چه در داخله  
 و نقاط معین بچگونگی مانده که فراموش شده بود و همچنین بعضی معایب بکنده دفع انها الزم امورد و لینه است این ستم که  
 ریاست نظامی را بنقض نقیض لازم دانستم و کار قشون و انتظام انرا بعهده خود گرفتارم چون بکنده بود و لخواه صدیق باعد  
 لازم که واسطه میان ما و او قشون باشد لهذا میرزا حبیبخان مشیر الدوله را که حاضر حضور است انجا بنام خود نایب کرده  
 ملبس با سپهسالار اعظم و وزیر سپه اعظم عسکر بر منفر مایتم و بنید و کتاب قانون نظام و اگر سابقا نوشته شده و هنوز اجرا  
 بنامه بر روی دست و خورمان با و میدهم که انشاء الله تعالی نقطه اخر میری ارد و بکنده نکرده و ازین روز و بعد الفایده منا  
 نظامی را تحقیق باید باشد به واسطه و داشت و از امر و زبده خدمت با یاداشتن بکنده خواهم داد و هر چه

بنیته سپاس گزشت و انما فریضی چه خواهد شد خادم محرم خواهد ماند مفصرا تا درخواهد کردید

عرض مشیرالدوله در جواب فرمایش ملوکانه

خانبه مغفرت و کمال مباحات فراد و احاد قشون ایران را حاصل است که از امر و زبده جنابان لایحه و اگر امانت سخته خود  
 و اصله با خواهد گشت معذور عتاب در تقدیم خدمت دانسته اند از به سبب در وظیفه جانت شناخته اند کالیف  
 و انو معصوم ملک معدوم و بگشت انشاء الله بهین سبب از قیام منظور خاطر مبارک و غیرت ستم ظنون و برخواهد یافت  
 صدان تمام نطق همایون هر روز و شاهزادگان و امر و صاحب منصبان نظام و غیر نظام مرخص شده با سپهسالار اعظم  
 با طایر نظام رفتند (معتمد الملک در طایر نظام ابلاغ دستخط مبارک را نمود

سواد خط مایون

۱۴۵

چون قبل خاطر ما در نزد دولت خاتم و نظام است و حال آنکه ما هم که بکفر و نظام نازده دیار مریدیم هر چه در و شباهتی  
بسا بودند استبداد نشاندند الله تعالی بر کلبه و عسکریم موافق دستور العمل ابدی و تحت فاعله و قانون باشد لهذا در واسطه  
فوقین و چهرت لیل شب و الی غیر اینها حسنها را که بگویند و در حاضر و وقت از دولتخواها ایند لکن در ارتقا عظم عساکر  
منصوب نظام و غیر نظام و بلیغ پهلای عظمی و بلیغ فرمودیم که در اجوی و قوانین منحصرا عسکریم تحت اکل باشند از جانب  
انچه صلاح دانسته حکم بکنند همان حکم ما است بخلاف سواد

و هم بین در مبارک فرمود نظر بر خدمت ظهور و صدف و فواید و مصلحت و نیز خزانة عامه معظم التی بلیغ نظام الدوله  
و منصبی از عاریت ممالک و سران سران فرمودند و سخطها بود در اطاق و موسیقی ایشان با حضور جمیع ارکان دولت

سواد خط مایون

میرالک و سلطان چون در خدمت خود کمال اهتمام و اگره است خاطر ما از طرف خدمتگذاری خوشنودان در وقت  
که واسطه هذاه السنه قوی پیش خیرین لیل است و بلیغ نظام الدوله و وزارت مالد که از عظم مناصب و بار بستان  
فرمودیم که در بهای مبادی مشغول خدمت خود باشند

حضرت شاهنشاه فراده اجل اعظم ظل السلطان فاری که احضار بارها فرموده بودند و نیز در هر جهت و در اختلافات  
دردها که داشته مانا خوشی و بابر و زکریه در عربستان و بعضی قلعه ها پیمانند و سبیل شازادان فرانس که تازه  
ماهی افامت یار و لنت علی شده سینه هم در رجی و بعضی ظهور و همایون مشرف شد کتاب فرهنگ انجلی نامی  
از وفات مرحوم رضا خان لیل باشی روح الله روح طبع شده و بفرودش پیرسد و همایون ظهور الدوله ایشیک افاسی باشی پوزان  
علیه سرفراز کرد بدین واسطه خدمتگاران و فقرا و ضعفا اطراف ممالک محروسه بارها فرمودند و نموده جناب پهلای  
محض و نحو فرمودند که محمد علی خان سر تپت بیس نظیر ضعفا و فقرا و لایب از غریب بوی جمع او کرد و در قلعه نصر آباد  
ملک در سکنی دهد شادان و ایستادار و امکان جمع کرده بوجه فرود و وعده نان و کوشش میدهد چنانچه اطفال

فکر که در عین پیر شادان و ایستادار و امکان جمع کرده بوجه فرود و وعده نان و کوشش میدهد چنانچه اطفال  
مراقبت حاجی پهلای حسنیان کار پوزان مشغول تحصیل ادب علوم هستند از و چهارشنبه هم شبا جشن و عرس و عرس و عرس  
نایب السلطنه امر کرده و شروع نمودند و تواب الاحسا السلطنه عرس و عرس و عرس و عرس و عرس و عرس و عرس و عرس  
نواب الاعضا السلطنه در علوم و تجارت و صنایع معاد انظام و رونق نماید و روز پانزدهم شهر شعبان که  
عید لادن حضرت صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه می باشد بقبضه ششم کل با ما سر کرده هزار تومان قیمت است و بدو  
مرخص فرمود حاجی سعدالدوله فیر علی خان بمصلحت تومانی سرفراز کرد بد

در وقت  
در وقت  
در وقت  
در وقت  
در وقت  
در وقت  
در وقت  
در وقت  
در وقت  
در وقت

دو نوبت هم شعبان اینسال جناب جلالتنا پهلای حسنیان سپه سالار اعظم را بمصیبت بک صدراعظمی دولت  
علیه سرفراز و منصوب فرمودند و عمر همین روز با حضور جمیع شاهزادگان عظام و رجال دولت و اعیان و اشراف و  
ملک جناب عماد الملک و نیز مخصوص حرمه شمسه ترصع که از لباسها و خاصها بود بود با دستخط مبارک مسطور  
در وزارت اعظم عسکریم از طرف فرزندش و لو که از ابلاغ نمود

سواد خط مبارک

چون در هر دولت هم و فرار نیست که بکفر از نوکران کافی و رجال دولت را سواد دولت و مناسبت و نظم جمیع احوال لشکر  
و کشور و مالیات و جمع و خرج و اسوق حال رعایا را از و بخواهند و چون این امر و ولنا بران منزه و نهمل مانده بود و بدین  
واسطه بعضی اختلافات را مورد و لنت پیدا شده لهذا در بنوفت که شسته قوی پیش خیرین لیل است چنانچه مصلحت دانستیم  
که فاعله متداوله سابق با مجری شده شخص کافی و دولتخواهی مسؤل کرده امور دولت و لنت کلبه با و بسیار پهلای حسنیان  
اعظم را که از چاکران آمده و ولنا است بلیغ صدر اعظم سرفراز و نیک و بد جمیع امور دولت را از فستون و مالیات و  
ولایات و کلیه نونی و فقی دولت را از او خواهم خواست امید و رهشیم که انشاء الله تعالی فاعله متداوله متداوله  
بندهگان افسر همایون شاهنشاهی خلد الله ملکه و سلطانند دستور العمل نظم و لنتی و بهام ملکتی با دستخط مبارک از  
فرمودیم فرموده اند که جناب سناطاری صدر اعظم از همین فرار مجری آرند

کلبه را مواند دولتخواه کشورخواه لشکرخواه داخلخواه خارجا باید صدراعظم شخصی خود رسیده که نمایند و امور  
دولتی را از پهلای مجری آرند

اولا امر سال و رسول نوشجات و لا باشد که از بهام عهد دولت است جناب صدر اعظم از رو و دست سواد اعظم  
علیخان منشی حضور و رئیس چارخانه باید هند که پهلای این باشد که چایان در غره و بنه ماه بد و ن خلاف و ناخرا  
روانه و لایب شوند و از ولایات نهرانم در بار کردند

ثانیا حکام ولایات ممالک محروسه سراسر مطالب خود را بجناب صدر اعظم بنویسند و از جانب معری لیل جواب خواهند  
نه عین سابق که از مزایای هر حرف و عرض و مطلب باستان همایون عرضیه نکار شده سراسر خاطر مبارک منبشند جناب صدر  
اعظم بعد از مطالعه نوشجات و لایب و اطلاع از مطالب اینها چنانچه پهلای که معری ما باید رسد خلاصه کرده بحضور فرستند و هر  
طور جوابی حتمی پیش از آن فرار از صدارت عظمی حکام لازم صادر نمایند ولی در همان عرضیه که باید در مافرساده شود  
جناب صدر اعظم باید رای خود شان را در حاشیه کتب مطالب اظهار کنند و در صورتی است که جناب سناطاری صدر اعظم در کار  
مبارک باشند و قبضه در از حضور مبارک باشند جواب نوشجات نباید قیفر ناخبر بقیصد بعد از ارسال جواب سواد آنها  
در هر جا که ردی همایون مشوق فاسد سال آرند

ثالثا مضمون طلبتانی که ذکر شد نیست که جمیع احاد و افراد چاکران در بدای از خدمت و حشم از فستون و غیر فستون و کجا  
و رعیت جهان را بوجوهی که بخواهد مبارزه نماید بنویسد هر عرض و مطلب که دارند باید بجناب صدراعظم اظهار کنند و جواب  
از جناب سنطاب عظم البه بخواهد

رابعاً آنچه در بیان و برات و احکام نظامی و احکام دیوانخانه و اسناد خرج و غیره کمی یا بسبب عجز مبارکه برسد از تاریخ  
بعده بجهت مخاطب مبارک خود را بر حتم نوشتن و مشغول بغير ما یم اخی و خلق بدین فرخان مبارکه است تمام الدوله و غیر  
حسابت مبارکه خود شان کمال و اطمینان در تفریح آن برات با آن فرمان کردند و هر چه بودند باید بهر جناب سنطاب صد  
اعظم برسانند هر صدراعظم در عوض همه اینها بنویسد بعضی آنکه خاطر مبارکه هم اطلاع از صدور فرامین برات بهر سبب  
خلاصه فرما بخواهد بنویسد جناب سنطاب صدراعظم هر چه باشد بنویسد فرستاده شود

خامساً وزیر امور خارجه مطالبه کرده خود را با اطلاع صدراعظم برساند باینجه جواب سوالیکه با سفرای خارجیه هم  
طهران میشود و نوشته بخاکد و بدین مکرر در ابتدا و در امور خارجه باید با اطلاع صدراعظم برساند بعد بنویسد  
و همچنین مطالب نوشته بخاکد از سفر و اموری که در ولایت علیه بران کرد و صفحات خارجیه هم هستند در سرحدات می  
و در امور خارجه اول بنظر صدراعظم برساند بعد بنویسد اما اگر مطالب فوری فوری باشد و در امور خارجه  
کره مثل اینکه سابقاً بنویسد مبارک میفرستاد تر صدراعظم بفرستد ایشان ملاحظه کرده حکمی که لازم است بنویسند  
نگین در امور خارجه اجرای حکم است بعد وزیر امور خارجه مطالب بخاکد اطلاع خاطر مبارک بنویسد

سادساً در باب امور لشکر امضای اکتب منصفان در عظمی جناب صدراعظم در حقیقت تقوی عمل نوشتند و در  
فستون معین باشد البته پیشتر در امور زیاد تر است جناب سنطاب صدراعظم پیشتر از پیش باید مراقبت در عمل فستون نمایند  
و عمل لشکر را از کارهای عمده مخصوص خود بداند و هفتاد و مرتبه فستون خلاصه فستون را بنویسد که در ایون نظامی باشد  
و بگزارم و در این عظمی عسکریه فرار بدینگونه هفتاد و مرتبه در ایون را بنویسد و جواب بکند و آنچه از ولایات  
نوشته و طالب نظامی هر چه چون خاطر مبارک زیاد و ما بیل بظلم اداره عسکریه هفتاد و مرتبه جناب سنطاب صدراعظم  
اصل خلاصه همان مطلب بنویسد همان جوابان بفرستد که بنظر مبارک برسد

سابعاً امور وزارت عدلیه و شوق است یکی عرایض مختصر است که خواهی ظهر الدوله بکند و اندک بکند بعضی همهاست که  
باید عرایض ظهر الدوله خلاصه کرده بنویسد و محمد خان امین بتواند صدراعظم ارسال دارد جواب صدراعظم بنویسند  
محمد خان محمد مبارک برساند از آنرا که صدراعظم نوشته است مجری بدارند  
ثامناً مطالبیکه مغلوف بود از علوم است در سراسر الفنون و نگارخانه و تجارتها و نظایر آنکه اعراضه السطنه  
بهتر برساند و جواب بکند بر صدراعظم برساند و احکام صدراعظم مجری بدارد

تاسعاً در وجوهان عالیها جناب سنطاب صدراعظم باید بچشمی مراقبت نماید که اضا ط از ولایات برود و بچوب  
و بوضع وارد دار الحکله شود بعد از وصول بفرمانه عامه با اطلاع نظام الدوله وزیر مالیه بخارج دولتی برساند  
بعیان وصول فستون برساندن بخارج لازم صورت حاصل

تخواه و بخارج را باید بنظرها بود

طبرسان

عاشراً مطالب غیره در این قبیل هم خانیه مبارکه بنویسد میرزا که نایب وزیر در بجم نظارت خانیه فستون  
در بطن اصطلح خاصه سند و نخانه و خندان و جوهه صرف جیب بخوبی امین حضور فراتشخانه در بن خانیه اصطلح  
توجهانه دارالطباع خاصه دارالترجمه خاطر خانیه شرفخانه بنا خانیه سرایدارخانه باغات بوانی فستون و غیره  
اشاع میرشکار و غیره کلا باید بر جناب سنطاب صدراعظم برسد و از صدراعظم جواب گرفته شود حکومت طهران  
باید و وزیر نامه شهر حومه را هفتاد و مرتبه بنظر جناب صدراعظم برساند

که بعد از ملاحظه ایشان بفرستد حضور

مبارک برسد

در آنها ای بفرستد العمل بنویسد مبارک مرفوم شده بود

دستخطها باین

عجله دستنوال علی است که در امور دولتی جناب صدراعظم نوشته شد

از انظار معمول و او مندا انشاء الله

تالی ۱۲۱۱





محمد میرزاخان اعتماد الدوله با پنجانی کوی ابله جلیل قاجار سرافراز شد آیین حضور پیشینت خاصه شریفه خان  
 صرفه جیبها چون کرد بد حکومت صحنان و دامغان را بعهده کفایت عبدالمجیدخان پیشینت خاصه شریفه واکدار  
 فرمودند جناب سبزواری و وزیر مختار دولت انگلیس و ز ششم رمضان المبارک با اتفاق جناب زبیر اورخان  
 شریفه حضور با امر انور مبارک کرد بد از مسیوانه که از طرف دولت انگلیس بجهت نوسو لکری مامور بودند و بار  
 ها چون استعفی نمود رضا فتحان نایب اول نیقی باشی مستشاری به یوان علیله برقرار آمد عبدالحسین خان سرهنگ  
 پیر حوم اعتماد السلطنه در سن سی و هفت ساله که در شب ششمین سحر شعبان بر مرض طیفه و محرّم بر حمله از روی پیش  
 نواب الاقصیه الدوله امیر خلیفه که بجهت خدمت مقدم اعظم فراموش طور در روانه نقل شد بوسیله شعبان  
 مبارک خلافت کرده نام هر علامه مجتهد اعظمی معظم البه که در جواب نامه محبت خاتم اعظمی شاهنشاهی فرمودند  
 بود ابلاغ نمود حاجی محمدخان و وزیر مقیم دولت علیه مامور با قاضی و بار دولت انگلیس با عطا لیتت سعید وزیر مختار  
 سرایند که بدین اوقات از مغربین مدد مبارک که در انقون نموده هر یک از مغربین و مغربین مباشرین را بعطای  
 و اضافت و واجبات اعقام و خلیفه که سزاوار بودند مورد عواطف ملوکانه فرمودند در این امتحان میرزا علی اکبر کاشانی بلیغ  
 نقاشی و مکتب کرد بد و میرزا جعفر خلیفه ساگردان نقل شد با عطا لیتت سرافراز شد و مسیوانه بشار معلم زبان  
 انگلیسی و خیره را نیز بلیغ خان درجه اختصاص دادند جعفر فتحان رئیس مدرسه مبارک با عطا لیتت و جمال سرایند  
 با همی و مقرر گشت نواب الاقصیه الدوله و وزیر علوم که مساعی جمیله در کلیه امور مدرسه مبارک میدولت نموده بودند  
 خاطر مرم ظاهر ها چون از مجاهدات ایشان را بدامانان فرزند خردمند کرد بد نواب اعظم الیوم با یک قطعه کل و کل  
 بالاسر کرا بنهار عواطف ملوکانه مورد مرخص فرمودند حاجی محمد فتحان کومانی از اجله علمای شیخیه در راه عثمان عالی  
 بجوار رحمت الهی رفت این اوقات مجلس شورای نظامی برقرار کرد بد چون امیرزاده محسن میرزا امیر خود بواسطه برودت  
 نظر میرزا نانی التزام رکاب مبارک گذاشت بر حسب استدعای معزیه امیر حسین میرزا و لذا ایشان بمنصب جلیل امیر خود  
 برقرار کرد بد این اوقات که بواسطه خشکسالی از وفور در بعضی از ممالک محروسه کبابیست و مردم بیضاغش از اوطان خود با  
 مرام ملوکانه در ویدار خلافت آمد مرامی چندین هزار تومان نقر نقیسه مبارک وجه الاغانه بفقرا و ضعیفا و اراکل  
 اپتام مرحمت فرمودند و شاهزادگان و امرا و وزرا و رجال دولت جاوید شوکت علیه از شخص جناب سبزواری  
 الدوله صد اعظم ناسپر و زرا و امرا و غیرهم افتد البقیه سینه شاهانه نموده هر کس که اعانتی بجناب میرزا میدادند  
 از فقر از در اماکن معتبره جا داده و بنویسند مباشرین مخصوص با آنها آذوقه میسرسانند و از برای اصلاح احوال مجلس  
 معتبر برقرار داشت فوج نظیره را بالهبار خان سرنوب خروج و سواره حرفان واکدار فرمودند که فوج حرفان نظیره  
 اول مبارک و فوج نظیره بر سپیدکی نظم شهر دار الخلافت برقرارند میرزا حسن خان منشی نیز بری که از اجزای

امتحان

سابق سفارت کبری سال ۱۰۰۰ و در آن سفارت مصدر خدمات کردید و صاحب کفطعه نشان افتخار از جانب دولت تونز کردید و در سال ۱۰۰۰ و بیست هشتاد و چهار یکا پر بازی از دین الزهراء بر رخا بر روی و یکتا بعد از آن یک کفطعه نشان و هم از درجه دوم سریش و دو بیست تومان اضافه مواجیب سرافراز شد و یکسال قبل از هذه السنه باست مجلس اجرای حقوق را پس از آن منصب سرادی جناب جلالتا بصدراعظم نایل آمد

دارالخلافه

حکومت طهران و نواح را مستقل بعهده کفایت حضرت شاهنشاه اعظم نایب السلطنه العلیه امیر کبیر پادشاه العالی مقوض فرمودند و پیشکاری حضرت معظم و وزارت مستفله شهر دارالخلافه و نواح موکول و محو میرزا علی و وزیر کردید حکومت سواد کوه را ضمیمه حکومت عازندان نموده بجناب عندالملك حضرت فرمودند و سرافراز و وجود مسعود مخصوص هابون که با فوج سواد کوهی است حاضر جناب مستطاب صدر اعظم کردید بدینا از جانب خود جناب عضد الملك را بر سپید کی امور فوج سواد کوهی فرارول هابونی کاشته محو خان سرشپ فومنی اعطای یک کفطعه نشان شرف و خوشبختی از درجه ثانیه خارج سرافراز و بمیان تارای سفاری دول شجابه که از کلان بدر بار معدن تارای آید و سرافراز کردید میرزا ابوالقاسم معین الملك منواری باشی حضرت رضو سلام الله علیه در رمضان اینسال مرحوم شد علم را در خان سرشپ فوج زنجیری در گذشت داشته است ستر جات سواره افشار اروج سواره چهار دولی و سواره چلبیانلو و سواره ایلات خراج غوغ و سواره شنای و سوار اردبیل و مشکین را بخدمت افشار میرزا خود اصطلح بوجانده حضرت فرمودند حاجی سلطان محمد میرزای سیف الدوله بوابانسانه وقت حضرت رضو علیه السلام سرافراز کردید در دارالخلافه و اکثر مالک محروسه بانند که های کام مایع شده و امیدوار حاصل شده که در بهار آید مردم از جهت چند ساله خشکسالی فارغ شوند آسای بخار که بواسطه اسباب بخار در نورخانه مبارکه دارالخلافه ساخته شده و با هتمام جهانگیر خان سرشپ اول اجودا بنا شده است هر کرده مورد

محسن و موجب سلام مخصوصه اعظم فرمایند نسبت بجهانگیر خان است بعضی عمارت دیوانی بوسط او نهاد جناب علاء الدوله ساخته شده که نهایتا مشایخ از هر جهت دارد

و از آنجا که جنابان در روزه دولت و در وقت

موسویا بهابونش که نایب عالی

و ممتاز و بسیار باشکوه است

شده است

اداره باغات مبارکات سلطنتی سیلان و عمارت مبارکه دوستان شیر را باین حضور بشیخه خاصه شریفه و الکتا فرمودند این پام بعلیه جناب مستطاب صدر اعظم منوی از مکتوبات خاطر خفیه خسرانه بجمکام و لا باات مالک محروسه مرفوع نموده سواد آن از فرار دیلا است

سوال تعلیفه جناب جلالتا امیرالدوله صدر اعظم

از جمله بدیهات است که اعتبار و عظم هر دولت منوط و بسندید و چیز است نظام در امور و در بارای سایر رتبه های دولت و شرف و رعیت همبند است و فقره در دست و مستحکم باد بر یکی از اجزای او اختلال بهم رسید از عظم و اعتبار دولت که هبه میشود و نوع اختلال هم با عرض که در حقیقت عرض هم از این است بطریق سیدین آله عقی و نقلی بدین وبال از بیلی بجهت خرابی دولت طمع است نادولت بطور جد و بقیه بدین و بیخ این عرض هلاک مسری نکند نمیشود انداز بقا شان و عظم خود مطن و اسوده شد سرکارا قدس هابون شاهنشاه عادل و ظالمه فی الارضین خلد الله ملکه و سلطنته در و بیخوام و اکمل ملتقائین ضربه شده اند و نمیکند شغل منصب جلالتا صدر اعظمی را باین بنده درگاه آسمان جاه مرحمت عنایت میفرمودند اول فرمایش او امر هلو گانه در طمع و انعام این عرض هلاک که در باران عالم کبر شده است فرمودند و بجد الله از الهی و نوجوان اول در جات شاهنشاهی در اینند نسبتا ظلیل در دربار هابونی کار سهل شده است که مینوان گفت و تا نموان رشو و غارت و هدیه پیشکش که با سالی مختلفه بفرستاده و در ناسمی باقی نماید مناصب مامون پنهانی و نعلیه بیایف و استحقاق داده میشود و مال خزانة دولت که در نفس الامر اموال بیت المال مسلمین است بجا و غارت نمیرد و شوق که از امتناز بابت اربابان در یافت میشود و خود آنها و حفظ نفوس مملکت و بیضه اسلام کرده چیزیکه عیال باقیانند است خدا بدعت دنیا باین حکام و رعیت است تحصیل رفاهیت این چاره ها که در بدیهه الهی میباشد باین شبهه بجهت حکام عارض شده که انشاء الله بعد از رفع این شبهه میدویم ایستفهم در تحت نظام و فاعده بیاید ان شبهه اینست که هنوز بعضی مالک محکم ملتفت نشده اند و در دست خاطر نشان آنها نکرده است که سلطنت اولاد و اقتزاد و دست خصوصیت بنا بلکه در سکاری معقولیت ملک در خدمات دولت و طبیعی سبب التفات پادشاهی میشود و اولاد و ارضی سلطنت میشوند رعیت هر که با آنها بطریق ظلم و تعدد رفتار نمود غضب سخط ملوکانه در بدست خود از برای خود دعوی کرد و استحقاقی در سلام عام روز یکشنبه بیست و پنجم شهر شوال سرکار اعظم فراموش هابون شاهنشاهی حنا فداه بلقب مبارک فرمودند و بصیغه جلالتا بر وجوه مبارک خود نشان محترم نموده اند که در این راه حکام که علاء برمالیات دیوانی بابو سبیلدیکر بجهت نفع خود تعدد بر رعیت غلبه کرد چه نسبتا ظلیل باشد بقایر مال و جان و ملک و رعیت او نقره آیند و به بدین عقوبات و رافعات نمایند از راه اخلاص و مهربانی که نسبتا دارم لازم دانستم که قبل از وقت بیاید هابونی شمار اطلاع بدیم و بنویسیم که دولت از مال حلال خود و از عین مایات برهم مواجبه است و سوابی

و غیره بعد از آنکه گذران شما با آبرو بشوید مرخص فرموده است علاوه بر بعضی فضل و وسعت عیشتان که حلالی نیز که موجب  
 آبادی و کسب است برای شماست هر چه از آنکه به فرموده کفایت و ضرورت بدین تحصیل نفع از پادشاهی شریف خود بفرمایند  
 و آن آبادی خالص و دایر کردن معادن و احداث قنات جدید در زمین بلا مالک و لا یتخلف حکومت خویش است هر قدر کفایت  
 دارد در این امور بکار برده بشود خود بفرمایند بگردان و ضامن اینکه شما مایل دارید چهار دست سوارانی بی طلب داشته  
 باشید با در مجلس شما قنات فتح صورت جدید شود با خود بچند پارچه ملک شش دانگ بلیغ نمایند با بچلانی که بفرمایند  
 خوان حاضر که بنیاد است اگر بهمان مواجبه استصوابی مرتبی قنات در پدید طبع و بعد بر امین و پندار خودتان در تمام  
 نعم لطلوب الا اصلاح در امور خلع خودتان از حکومت است بلکه گرفتار خواهید شد و بدکم گرفتار میشوید بکفر و بکرم  
 هست که چنان بنیاد بسیار شایسته خودشان فرارید هندوان نیست که بگویند چنانچه از این قبیل حرفها سابقا شنیده  
 مخصوص گشته است مجازا دهنده که لهذا از اینها تمام محبت بنویسیم که در هر جا و هر موقع چشم دولت با شما است و آن  
 رفتار و اطوار شما از روی حقیقت و بی غرضانه مطلع است اگر در ذره برخلاف آنچه در این دفتر نوشته شد از شما  
 بصدق و وفای بر سده ملک پادشاه اسلامیان پناه را بگریز خورده و بدین و شرعیت محقر صلوات الله و سلامه  
 علیها حیانت کرده باشم که اگر بقدر خردی اغراض اسکوت تمام مگر اینکه خود را بجز از چاکای مبارک و همایون رسانیده  
 و مجازا شما را بطور استیلا اصرار مستعدی خواهم کرد بدعا لغت پادشاه شما بعد از وصول بنیاد شجر  
 در دست خودتان خواهد بود

جایگاه بلخان الحاقی که سالها در خارج سرحد بود بر حسب استدعای جناب مستطاب صدر اعظم احتضار الحاق  
 در راه ذیقعه باستان مبارک آمد و بعد هم ذیقعه در شکارگاه دوستان شکر بلندی شکار شست مملوک  
 کرد بعد از رسول خان سرحد بگومش ملا بر تو میرکان سر فرار شد بعد مستحان پیشکش خاصه خود بلداد  
 نظام شد جناب معتمد الملك بمصیبت جلیل سر کشیکی با شکر و با همی آمد و با جبهان خود میرزا سر نیاول حکومت  
 شاه و دو نظام مقرر گشته پادشاهان امین الملك بوزارت جلیل علیه عظمی منصوب کرد بدعا جبهان میرزا علی  
 مشکوه الملك بگومش همدان سرافراز شد

سواخ عظیمه که در بنیاد در تمام کره ارض و اطراف عالم واقع شده  
 اناثونی (بنکی دنیا)

شهر شکر که که مسجد ده هزار سکه داشته و مدتی بی شبانه روز علی الاضمال مشغول و بواسطه این بقیه  
 محرز پیشوایان صد نفر آدم تلف شده و زیاده از صد که در نومان ایران خسارت ببرد و طایفه ای بد

نقوی و زارشا و خارجه به کشتاند سوس که یکی از اهل بخارا است

المان و فرانسه

پادشاهی رسمی با حضرت پادشاه بر سر در قصر سلطنتی در سال حوالی پاریس در اول عید فرنگیان که مفارقت واسطه  
 است محاصره پاریس و قلعه جان اطراف آن با کمال شدت بنیاد بگرد تمام نارنجک و تانکر و در شهر پاریس بسیار بدفقوس  
 امیر طور و تمام ممالک المان بمیل اهالی آن مملکت با حضرت پادشاه بر سر تاج گذاری ایشان اهالی شهر پاریس یعنی جمعی  
 طلبان سخت رسیده اقدام و حرفه در حکومت شهر پاریس هستند مراد و مسپوز و افانور با مسپوز ارک در و رسایل  
 و خواهرش را که نمودند مسپوزین باره و قبول و نشیط اینکه اهالی فرانسه وضع دولت معنی اختیار کنند انتخاب کلام و لایحه  
 فرانسه را بچنین فرمودند و پاریس بنویسند عساکر المان و جویمه نمودن امیر طور المان اهالی شهر پاریس را بمحله کرد و نومان اوان  
 عده عساکر که در بنیاد دولت المان در خاک فرانسه جا فر کرده بودند بنهصد شصت هزار مرد و پیشه هزار اسب رسیده  
 بود و از ایندی جنگ تا کون صد هفتاد و بیست نفر از قشور المان تلف شده بودند هفتاد و نهمین و پنجاه  
 هشتصد هفتاد و نوب صد و هفتاد و نوب صد و چهار صد هزار اسب از قشور فرانسه بنیاد قشور المان بدامد بود  
 بقیه وضع و لاجه بود در مملکت فرانسه بر با سبب مسپوزین نصیب مسپوز و لقا و روزان و خارجه کشتوی او با مسپوزین  
 بجز عیال صالحه الاخره در بنیاد ششم فوریه امضا عهد صلح از طرفین در رسایل شد بشرط مفصل ذیل

اولا که گذشتن بالین الساس و گرن با حضرت امیر طور المان تا پنا معادل هزار کرد و نومان خسارت جنگ دارن تا ایشا  
 قلعه جان مشرف استراز بورگ و ممالک طوق دولت المان دانستن بعد از انقضاء صلح جمیع سلاطین کویله المان از خاک فرنگ  
 معاودت با وطن خود نمودند حضرت امیر طور المان نیز در بهار بعد از انقضاء صلح غایبان بیرون پای تخت خود وارد کردید  
 و با پسر و نسب امیر طور سابق فرانسه از مجلس خلاصی داده سمیت انگلیس و آنکه کردید و در قفس سلبش خود حوالی لندن اقامت  
 جست افتتاح مجلس پادمان المان بنویسند حضرت امیر طور بنیاد نعت شاعر که مسپوزین باره از طرف حضرت امیر طور  
 المان و گذشتن دولت المان اختیار عساکر بری بجزی خود را با حضرت امیر طور حد بگومش پادشاه بر سر جمعیت تمام  
 ممالک المان در این سال هشتاد و دو کرد و صد هفتاد و هشتصد چهل و نه نفر است

انگلین

در مجلس کلای و ولتر گری و بل و زار موخارجه چندان اهتبی برای جنایات دولت روس را بنیکه در پای پست برای عبور  
 مرد و کشتیها او را از دست فرار نداده که در واقع یکی از قصور عهدنامه موسوی پاریس که بعد از جنگ فرم منعقد شده بود  
 دولت روس اطله پس از دنا خوشی سخت نواب لجه و دولت انگلیس در میان این سال بغداد نفوس سحر بره انگلیس  
 در این سال شصت و سه کرد و صد هفتاد و هشتصد چهل و نه نفر است

و در وقت که عهد است و لذت و زور و شهر و دولت و نوطن نمودن در این شهر بعهده نمودن اعلیحضرت پادشاه ابطالیا که در آن  
در افتاد و در حاقن پاپ تمام بدو در سال سیصد و بیست و دو هزار و پانصد تومان از خزانه دولت واجب و حق پاپ بر فرار  
کرد بدین پاپ بول نمود و در وقت اعلیحضرت پادشاه ابطالیا این شهر را پاپی تخت و دولت ابطالیا نمودند  
فکر کردند که از پاپ بول منزلت افتاد راه اهن منبسنی که یکصد و بیست و یک کوه الپا سوراخ نموده بطور دالان و راه اهن  
ملکت فرانسه را به اهن ملکت ابطالیا اتصال دادند طول دالان نزدیک دوازده هزار و دویست و بیست متر است و معمران بعد از یک  
پنجاه سال که هر دو یکدیگر می آمدند

مسافر شاه اعلیحضرت پاپ بود و امیر طبرستان کافرک نفوس پاپی سلطنت در زمان عیادت ایشان بدختر امیر طود  
**برزیل** **رنگی دنیا جنوبی**

**چین**

معاهده مابین چین و ژاپن در لغت و درستی

**روس**

مراد از آنکه ابتدا دولت با ژاپن از ژاپن با بطریق بزرگ بازده هزار و دویست مسافت است اول بخاطر آنکه از ژاپن بطریق بزرگ  
در مدت ده ساعت بخوبی می رسد و در آنجا که در فصل رسیده است

**ژاپن**

ايجاد در رسد و لغت و لغت برای تعلیمات علوم فرنگی در پاپی تخت

**عثمانی**

فوت عمیر پاشا سردار کرم فوت عالی پاشای صمد اعظم اقتدار کامل سفر روسی و زال که بقیه و اسلامبول اعلیحضرت سلطان عبدالعزیز  
خان جمال ارد که برخلاف قانونیکه در سلسله جلیل سلاطین عثمانیست که ولایت عهدیه در شاهان و پادشاهان است  
و در عهد الحاقی خود را که ولایت عهدیه در خلع نماید و در سیزده سال خود عمرالدین افندی را ولایت عهدیه سازد

**فرانسه**

بعد از معاهده نشانی المان از اطراف پارسی و روسی و کلاهی ملش و در این جهت بود و سایر امور از جهت و طلبان سخت و پاریس  
برای استیلا اسم خود را گذاشتند و در وقت که در روسیه است مردم شهر پاریس را اغوا نموده اغلب این پادشاهان را  
عمارت سلطنتی پاریس را در حکومت و عمارت وزارت مالیه و دارالتشویب خاصه عمارت وزارت عدلیه و غیره را آتش زده و چند  
نفر از معارف که یکی از آنها کشیش پاریس بود بقیه را مساندند نفوس سپهسالاری کل عساکر فرانسه را شاله اکام  
خواه کردند که در کوششها خانه مسبو طبر زاد در شهر جنگ سخت  
شهر پاریس در وقت که در روسیه است مردم شهر پاریس را اغوا نموده اغلب این پادشاهان را

سی هزار نفر اسپوزانها و کپل نمودن جمعی از رعایا و نفر از شاهزاده ها و اولاد لوی خلیفه پادشاه سابق فرانسه را قوت  
الکساندر و ما نویدند و شاعر معروفی در سن شصت و هشت سالگی مسلمان شد و در پاریس که نود سال بود  
باین محفل پاپ بود و در هزار نفر از اهالی فرانسه در مجلس پاپ سرکشند و در پاریس با همین فتنه در ایام اسپوزان که سنک  
و پاپی که تلف شدند علاوه بر یک هزار که در وجه نقد که دولت فرانسه متقبل شد که بدولت المان تسلیم کند معادل هزار که  
نومان این بتر خارج جنگ و خسارت دیگر بر آورد شد سه کرد و در وقت و هفت هزار و دویست و بیست و هشت نفر سکنه

الساسون این از بیعت فرانسه خارج شده جز و دولت المان شدند

**پاکستان جنوبی**

در ملکت بر یک شهر و سوم بهوی و بواسطه طغیان ابد نمودم کردید مصالحه مابین بر و واسپا پنا بوساطت  
دولت برزیل

شرح سالیست ششم ساطین شهر پاپ اعلیحضرت افند من خرو صاحب  
شاهنشاهی از امامت کجا ایام ملکه مطابق  
سنه هزار و دویست و هشتاد و نه

**هجری یحیی عجل  
ترکی**

از بد و پستان خیرال بیامن اقبال مصون از زوال اعلیحضرت همایون شاهنشاهی دام ملکه کلبه امور ملکی و دولتی ناپا مانا  
و غیره و انشاء دارد حکومت خستین نواب الامیر تقی میرزا کن الدوله در حفره و در حکم مندرجین را بنوای الله قلم زای  
مفوض داشتند و ماجرای مابین اسرا با داد و تقصیر و احبب الامر سلیمان خان صاحب اختیار در کمال استحکام ساخته است  
اماره و در دولتی با این چاکر سپرده و با عطای کفقطه کل اسراف از غرور نمود و دستخط درین باره خطاب بخیرال بیستار پیشتر  
الدوله شرف صد و بافت که سواد آن از فرار دنیا است

**سواد تخت جمعا مطاع ملک**

جانبدار عظم بدین یکسال گذشته که خدمت مطیع و انتشار روزنامه دولتی بعهده محمد حسن خان صنیع الدوله محول شد  
موافق عهدان خود فقرات فرار نامد این را به الجوا کرده خوب از عهد برآمد است این وفات که داده او را قوتی با و مرجوع شد بر  
نشو و نما او و علامت عنایت ملوکانه یکقطه کل کر قمع با و عطا و مرجع شود که در انجام خدمت پیشتر سماعی شده امید  
و سرافرازی حاصل نماید شهر محرم ۱۲۸۹

تاسخان والی حکمران فارس شیب باز در شهر حیدر کدشت جلال الدین میرزا ولد تاسخان مغفور (مخطی است) مرحوم شد علی بنی  
 صادم الدوله ولد نواب الاعمال الدوله وفات نمود سحاب ابا عبد الله مجتهد که هاشمی بر حاشی می پویست کتب سنجان ابن قلا  
 داعی حواله الیک ما جانت گفت حکومت کرمانشاهان و توابع را بعهده کتاب نواب و لاموید الدوله واکذا فرمودند حکمرانی خود  
 در سنه ۱۱۰۰ و لا حتمه الدوله عزه میرزا امیرجلای رحمت فرمودند چون در موقع عید ولود همایون که روز ششم ماه صفر  
 است جناب مستطاب پیشوالی الدوله صدر اعظم دولت علیه جشن ولود همایون در دو شب بکر و ذرا بدماکان با جلو و شکو کرد  
 و مبلغ پانزده هزار تومان بخارج این جشن سعید رسانیدند پارس خدات جناب معظم بکند فلان طلا مکتب الماس بر پلایان از  
 سنی الجوانب همایون برای جناب مستطاب صدر اعظم انقاد و مرحمت فرمودند حکومت بر وجود توابع بعهده نواب الاعضا السلطنه  
 وزیر علوم و تجارت رحمت شد حکومت ایلان کیلان را بدو سنجان نظام الدوله وزیر مالیه نقوی فرمودند و توجیه سران کرمان  
 هزار سوار که بزم ناخدا ناز در جزایر خراسان آمده بود سپاه منصوب شد و العمل نواب الاحصام السلطنه حکمران خراسان بر آنجا  
 ناخدا توجیه سران را با سپه سواران همراهمان او بره عدم فرستاده باقی منازم و متفرق شدند امر در کعبه مبارکه که بعهده علا  
 پیشخدمت خاصه شریفه واکذا فرمودند و دستخط مبارک درین بار شرفند و یافت

**سواد خط مبارک**

امر که کعبه مبارکه از آنکه غالب اموک همایون در حرکت است و نقایس جواهر و جلا بل و خا بر و لقی در آن مکتون و مدغز شده از امور  
 که درین نظام آن در حضرت سپهر سلطنه مکانه کاملاً مرعی است غلام حسین خان پیشخدمت خاصه که از مبادی سن و اول اهل در استان اعلی  
 زینت یافته و کمال امانت و حسن درایت و کتابت خود خاطر اهل فرین اطمینان و مسترب داشته است و در سنه ۱۲۰۹ به جمع  
 این خدمت امینان و افتخار داده ام که موافق منظورات علیه با تنظیمات لازم این امر را منصف باشد مگر آنکه جناب اجل اکرم صدر اعظم  
 ملزومات و کعبه را از اسباب موجوده و وجوه عاید و محل و مصلحات کلیه غنغن نماید بلا محسن خان محمول شده و دستور العمل آن  
 در حفظ نظم امر نکالیف است این خدمت با بد و حد و مشغول خدمت در جمعه شرفی شهر صفر المظفر ۱۲۱۹

مشرف الیه و وزیر بخار و دولت آنکه کس سالها در دربار دولت علیه موقوف بود شیب شیب شیب بیست یکم شهر صفر وفات نمود و در تبع  
 جنازه و اولاد معاضد علی امیر کجانی سر شیب فوج سپه خوری که از عربستان ببارد خلافت احصا شده بود درین راه مرحوم شد اس  
 کشیکانه مبارکه و منصب جلال کشیک باشی کردی با جناب علا الدوله واکذا فرمودند و دستخط مبارک درین بار شرفند و یافت

**سواد خط مبارک**

کشیکانه مبارکه از معظمان مورد ولت و محل اعتبار و اعتماد شخص سلطنت است همیشه طرف رجوع این خدمت اشخاصی بوده اند که  
 خاطر انکسابت و در تقوی اهل آنها مطمئن بوده است این وفات که معنی الملك و وزیر مخصوص از منصف این خدمت استعا کرده چاکر و تقوی

علاء الدوله پیشی باشی که از هر مجتهد در پیشگاه مبارکه محله توفی و طرفه رحمت است برای شغل جلال کشیک باشی که با شکر و شتاب و رجوع این  
 خدمت اشخاص را بدیم و بعلا من الطاف علیه بکفینه شصت و ششم مرصع از اسلحه خاصه اعطا و مرحمت فرمودیم که با کمال مباحات و دلگرمی  
 بوجبات نظم و نسق این خدمت اشتغال نماید مگر آنکه جناب جلالنا با اجل اکرم صدر اعظم توازم منصب فرمود و را بجزایر ایدر رجوع محمول  
 داشته ملقب الطاف علیه شاهانه با معجزی الیه ابلاغ و او را بشمول این امر فرین افتخار دارنده شهر ربیع الاول ۱۲۱۹

میرزا صادق فایم مقام که چند سال بود بنا خوشی فلج و امراض دیگر مبتلا بود در این وان بر حاشی می پویست در ماه ربیع الاول انفسال  
 را پورق جناب مستطاب پیشوالی الدوله صدر اعظم بحجیه بعضی شپرات و ابداع رسوم جدیده نوشته نظر انوار فد ساعلی رسانیدند  
 وفات ملکوت صفات همایون بقلم مجتهد در صندان را پورق فرمودند (بسیار صحیح است انشاء الله هینطوی بجزی شوق)  
 و اسوادان را پورق را بعبه جدان محلی نکابیم

**سواد را پورق جناب مستطاب صدر اعظم**

خداوند عالم جمیع غنائز انجا که و با اهل ایران عطا فرموده است ولیکن بچندین سبب قدر این نعمات را چنانکه باید دانستیم و نه  
 هزار یک فواید ناغایه برده ام معادن و منافع ثروت و خزان رضی و استعلا شخصی و همزهای ان خود را اکثر محمول در  
 و معطل گذاشته ام نعمتی که در ایران از جمیع نعمات اعلی بیشتر ضایع و پامال شده است و عمر است از سؤر بیک بدین  
 ممالک مشرق و جنوبی و قدیمی نداشتند حال آنکه اولین سر مایه زندگی و وقت و عمر است چنانکه مکرر دانستیم و نه  
 شفاها با این غلام اسرار داده فرموده که وقت نباید ضایع و فد این نعمت با بالا نرو زیاد نواز فد رسا بر نعمات خداوندی است  
 اوضاع حکمران در این ممالک از قدیم چنان تر پشته است که لا بد هیچ امری نباید بگذرد مگر پس از اول زمان و تقصیر و رفتن با  
 علامه اهل این جزایر زبان منوانند معروض بیازند که ازین سبب بزرگ چه قدر ضرر و چه قدر خرابیها دیده اند از طرف دیگر  
 محض میدانیم که یکی از اسباب انقراض و رونق ممالک خارجیه نیست که محض و قدر و وقت را چنانکه باید باخته اند و بواسطه  
 ندادن توجیهان رضی برین باره اند که از سر مایه کرامت های وقت مثل سایر نعمات طبیعت هر نوع فیض فواید بسیارند چو  
 اعلم حضرت اقدس همایون همیشه بر تقوی این الاعظاف توجیه نام داشته اند در این وفات که رای جهان آرای شاهنشاهی

محمود فرزند پادشاه که اوضاع ایران بر ضایع جدید و بادی ملک بر ناپا بر حکم بر بنیاد بنا نمود در بخانه موجب کفرای و معین شوق  
 که فلان از هر یک  
 اول او فایز

تا امر و بعضی از اداره سابق و بخصوص این سبب هایل تحلی که وقت و حواس اولیای دولت را محض تصور نقطه واحد داشته باشد  
 آن نبود که بکلایه و با ساس تنظیم و توجیه اندای شود اما این وزها از فضل اعلی از قدرت هم اعلم حضرت اقدس شاهنشاهی  
 مصایب اطراف و باخطا ما و امید چشم داشت خلق مثل این بهار چرب بخش و بخیری و فلور خلق تشنه آسایش مادی و معنوی  
 دیگر هیچ ملاحظه را جلا و منظورات عالی همایون در تقیه ناخبر و ناخواهد بود لهذا بحجیه شرع با این اقدامات تازه که انشاء الله تعالی

از پهلوانان جنگ پند شاهنشاهی باید و وضعی از نو شوکت حکمت که نشانه اعدا و غایبات و غایبات خدمان در بر طوفان مشو ال  
و اشاره شاهنشاهی بهیم و معین نموده است که ای قدر همایون مبارک هرگاه قرار میبود پند دای مبارک و بشوفا منای ما  
موشع شو ایوان بر عهد عوم بندگان واجب خواهد بود

### فراد و فایده مریدان

در دایره مدارت عظمی ایام و ساعات ایوان مورد بر این ترتیب معین شده

هر روز بجز از جمعه سه ساعت از روز گذشته ناد و ساعت بفرمانده صدر اعظم بجهت انجام امور دولت در دایره رسمی خواهد بود

تخصیص روزها از برای امور دولت ازین قرار است

شنبه شورای دایره

یکشنبه امور عسکر

دوشنبه امور مالی و دفتر

سهشنبه خارج و عدلیه

چهارشنبه خلوت و بیوات

پنجشنبه با دعای از برای مطالب که خارج ازین امور معین باشد و هرگز نخواهد طلب با حاجتی بکنوا یا استغاثا  
اظهار دارد مفد و باشد

هر شخصی که کار خود را خارج از روز مخصوص آن برض برساند مجموع خواهد بود و شخص را بگذر خواهد شد

کسانی که بجهت کار در روز مناسب دایره مدارت حاضر میشوند بجز مداخله از روز گذشته ایشان را يك با طاق مخصوص  
نخواهد خواستند هرگز در خود را بدون مجازات از غیر واضح و بی پرده بگویند و جواب نشانی و مسکت نشین و لکن بر آن  
شخص لازم است که عید از ادای طلبت شنیدن جواب خود تا نویسد بگری تواند رسید

هرگز طلب فونی که داشته باشد میتواند هر وقت که باشد بجز با مقام صدر اعظمی معروض ندارد بجز بطلب لازم است  
که بر دایره فونی معارض بک لفظ فونی نویسد بجهت طلبی که فونی نباشد و نخواهد بجز بر امر و ضریبانند باید بیارت روشن  
و نسبتاً محض نویسد و در روزهای دوشنبه در دایره مدارت با طاق عراض برسانند جواب این نوع محض بر این روز  
چهارشنبه صبح بصاحبان عراض و مطالب خواهد رسید بجهت کسی که از دون پیش که بجهت عرض خلوص یا محض ملاقات شخصی  
بباید مدارت عظمی بر حضور اشخاص در این دایره باید محض کار معین و آتم با بگذرد و زمین باشد

صبح هر پنجشنبه و شب هر یکشنبه صدر اعظم در منزل شخص خود بجهت ملاقات معینین که با ایشان ربط شخصی دارند حاضر خواهد بود  
هر که بخواهد بجهت ملاقات در این شرايط از برای عامه از باب رجوع منتظر چه قدر فواید خواهد بود

### سال بیست و ششم

هرگز محسنان و لزوم این شرايط را در نکند و برخلاف آنها حرکت نماید که او معوق و متخلف و مردود خواهد بود و اشقی  
نظم اهل جليل فاجار را بعبارة اخوی منصب الخانی کری این ابد لازم البنجله بانوب والاعزاله و له عبد الصمد مبرنار من حشره فرود  
و دستخط مبارک درین باب بر ضد و ریافت

### سواد دستخط مبارک

اهل جليل فاجار که منشأ سلطنت جاپه و اصل این شجره ها بودند در نظر ما چندان مورد رعایت و طرف توجه و مرعاه نشدند  
غالباً ملاحظه هر دو کلام و امورات آنها را خود بنفس نفیس مبارک بعهده فرموده ایم و هر یک از اعظم حکامان برایشان الخانی کری اینها  
ماورد شده که الحفظ از جانب سنی الجواب است ثابت باشد بود ندانان اوقات که معتمد الملك وزیر مخصوصه و مترجمان  
این شغل جليل استعفا کرده و استعفا معزی الی در حاکم ای اعلیٰ مقبول افتاد الخانی کری فاجار را با الاستخفاف بود  
عزاله و له عبد الصمد مبرنار مروج داشته که در نگاهداشت و سرپرستی آقان و اوصال رسوم دیوانی آنها بودند و موقع و حفظ  
موجبات فونی این سلسله و نظم امور آنها بجهت بلوغ ظاهر کردند و هر روز در منزل مخصوص خود بدیوانه حاضر شده بر توفیق  
و نظم و نسق این شغل تمامید و محض مزین با افتخار و نور چشم معزی الیه بکنطه نشان عثمانال بهمثال مبارک با و اعطای فونی  
جناب اجل اکرم صدر اعظم شرح مرام علیّه را با ابلاغ نمایند شهر بیع الاولات

محمد علی خان افشار پیشخدمت خاصه که اصطبل توپخانه مبارک قریب میدهد مقرر الیه است بلیق حاجب الدوله و منصب  
فرایش با شکر بر فرار و با عطا و بکنضه عصای مرصع سرافراز کردید و دستخط مبارک در این باب  
شرفند و ریافت

### سواد دستخط مبارک

اداره و انتظام خدمت فرشتگان مبارک که از مرام مغفله دولتیست احسان و انشای موقوف سلطنت کبری و سده سپهرهای  
این منصب معقول و مربوط است با بنوفا که علاوه الیه و له فیجی باشی از فغان بن شغل معارف کرده بر بنی جليل کشیک پیشگیر  
نایل شد محمد علی خان پیشخدمت خاصه همایونی را که در حضور ما بکمال صدق و امانت معروف و حسن کتابت و کار دانی و پذیرش  
مبارک معلوم است بجا جلاله و له ملقب بفرشتگان شکر سرافراز کردیم که موافق حسن ظن ملوکانه در اداره این خدمت و  
انتظام آن مرایا مانت و کتابت خود را ظاهر سازد و محض مزین با اعتبار و افتخار او بکنضه عصا مرصع بمبارک اعطای فونی  
کردید جناب اجل اکرم صدر اعظم شرح عنایات علیّه شاهانه را بمبارک ابلاغ کرده ملزم و مانت خدمت فرمودید صاحب  
الفریاد مروج مارند و بیع الاولات

ملک آقا ولد خان مغفوق (فخیل شاه) بر جناحی فرشت شاهنشاهی را به اجل اعظم ظل السلطان حکمران نادکس اصحاب  
بدر بار معتمدان شده بودند با عطا بکنطه نشان امیر نوایی از درجه اول مبارک کرده عازم محل حکم این خود شدند  
و حامل این نشان زیشان بنه مؤلف بود روز بیستم بیع الاول چون هوای طراکلافه کردیم و موقع بیلان در رسیده بود

موبک هاجون از دارالخلافه اشهاض در در نصر سلطنت با دتر و لا جلان فرمود محمد صالح خان سرنپ که بچهره جوم شد  
 میرزا مصطفی قلیخان مستوفی نوری در گذشت بر اینجهل کلانتر سابق که زیاده از هفتاد سال داشته فاش نمود چنانچه نام الملک محمود  
 خان در مجلس شورای عسکره منصبی بر نومهانی سرفراز شد کتاب با نامه ناصری که علم شکا دار مولفان شاهزاده نیمه بر این  
 بطبع رسیده میرزا فضل الله نوری نیز نظام سابق که تقریباً هشتاد سال داشته جوم شد بر ناصری نیم الملک نیز بر عسکره  
 مرحوم میرزا انبیا اغلی بر خصمه که بعد از غلابر و زکرده میباشد بوده اند حکومت را بدو بجا میماند شرف شامیانی محو فرمود  
 جناب شرف پاشا وزیر مختار دولت عثمانی مامور توقف ریارد دولت علیه که از اول روز جنگ ایران شرابها را از ارض ارمات  
 دیاره و زدی غنای بلوچه مغزی البه بجا آمد در عشر آفرینع الثاني بخصوص مبارک نشتر جنس و زغره جمادی الاوی موبک هاجون غریب  
 پلان از فرود چنار اخوند ملایکی العابدین کلبا پکانی که تقریباً هشتاد سال از ستشان گذشته بر این استقامت در جنگ کانی و  
 بجوار رحمت الهی پیوسته حاجی میرزا جوم پیشتر منحصراً نام دفتر خانه مبارک که جوم شد

امسال بخلاف سال گذشته که بیخ شکالی عجم تمام اهل الخرمه مدد و کفر و غلا و شکی و مصیبت بودند الحی الله تعالی الحی  
 و فرزند شد بدو بفرج کردیده است بعضی از کتب چنان ناخوش و ناز سیر جدا خراسان آمده بودند نواری الاحصام السلطنه چند  
 بعد بطریق البغداد بر اثر کمان ناخن بسیار از آنها را در چهار هلاکت نموده باقی بره فرار شد جناب جلالتنا و شواله  
 صدر اعظم و زبیب یک جمادی الاوی بجهت بعضی مطالبه و لئی در کار در پورن چهل چشمه بخصوص هر طریقی مبارک نشتر  
 شد هاجون سرفراز لا بچانی یا کسک خان مهندس سنساری مامور و مشغول ساختن راه آمل با لکلان فرمود شد با محمد  
 خان هاکم بخورد نیز بعضی اشرا را که را بنیستند بر سر نومهانی است میرزا ملک خان ناظم الملک لقب یافت بشیر خان آقا باشی جوم  
 شد و حاجی آغا جوم منصب خواجه با شکر سرفراز شد موبک هاجون از لا غریب ساختن فرود کجور و کمان و مساحله و کا  
 خرفه و و از کمان و با از راهی که با مر اعلی کسک خان مهندس ساختن بعضی از راه کجور شرف فرمای شهر شانک که بدین  
 محمد حسنخان ولد محمد یحییان حاجیلک و له عصبه ششخده مشغول هاجون سرفراز و محمد خان ولد بکر حاجی الدوله بنیایت  
 مغزی البه بر با است اصلیل نومیخانه مبارک که بفرار آمد موبک خان سرنپ اول افشار بلیغ ایفان الملک لقب آمد نواری البه  
 جوم با حکم ای و لا بنه شتر بر فرار کرد بدعبد الباقی خان افشار بجای حکومته جام و با خرفه نایب الله عبدالله خان ولد جناب  
 علاء الدوله منصب قول الراسی باشی کبری مغز کشت محمد حسنخان ولد کهر جناب علاء الدوله منصب شیخی باشی کبری سرفراز شد  
 میرزا کاظم کلابی که از محو کمان و عدان اطباء عصر است بلیغ نایب الملک الاطباء سر بلینا مد حضرت شاهنشاه از اجل  
 اعظم و له هاجون و له علیه ایران سلطان مظفر الدین میرزا ادم الله اقباله العالی که احصا بار خلافت شد بودند روز هشتم شعبان  
 وارد شهر ناصری شد موبک هاجون روز چهارم شعبان از پلان سلطنت با دتر شرف و ناصری عارث سلطنتی دار الخلافه کرد

سال بیست و ششم

درین روز یکتوبه جمعه زمره در دربار بد ششمه مرتجع جناب مستطاب شرف مشیر الدوله صدر اعظم رحمت و اعطا فرمود  
 میرزا ملک خان ناظم الملک مستشار صدر اعظمی نشان نشان همایون درجه افتخار یافت مکتب مجازی از برای تحصیل السنه خان  
 و علوم مشغول هاجون مؤلف در این سال چون یکسال تمام بود که منصب صدر اعظمی عظمی بحجاب  
 مستطاب حاجی میرزا حسنخان صدر اعظم نفوذ پیدا کرده جناب معظم الهی را پورنی حاوی شرح خدمات یکساله نوشته بطریق  
 نظر نور در هر اثر شاهانه داشتند و در سخط مبارک از جانب سنی الحوائت هاجون خطاب بحجاب مستطاب صدر اعظم شرف صدر  
 یافت که سواد آن از فرار بدست

سواد در سخط جهان طاع مبارک

جناب صدر اعظم کتابچه را پورن یکساله اصدار خود نان را که نوشته بود دیدت ملاحظه کردم مکررتم خواندم اشهد الله تمام ما خدا  
 عمده بود که بدون یکقطره زیاد و غرازی که با کمال صداقت و درستی کتابت عقل عملا آورده انجام داده اید و منوایم بگویم که هزار  
 خدمت کارهای دیگر را که کرده اید نوشته و مکتوب شده اید که من خود میدانم که هر یک از آنها را هم سایر وزیران بسیار بسیار  
 و شما قابل نوشتن و مذاکره نداشتند اید و از هر چند ما بالانرا سوگند چنان شخص ما بوده است خلاصه همانطور که نوشته اید از خدا  
 عالی مستک و بنمایم که عمری بد صد و ماوشما را موقوف کند که از بعد از خدمات و اصلاحات و حیالات عمده که برای ملت و دولت  
 در نظر است کاملاً با انجام و انعام برسد اینکه نوشته اید که خطی با خطاتی بار فتاری کردید باشد که ما به بخوری باشد و  
 بیاد شما با و عم کرد و آینه شکر آن بشو خدا شاهد است بجز خدمت صداقت و عدول و خواهی مفرط و عشق بخدا مان دولت در دنیا  
 چیزی از این شانه شهادتین یکساله از اول نوکری شما الی حال که صدر اعظم دار بدینده ام نه شنبه ام الحمد لله بجز خود چیزی نیست  
 که نوشته شود زیاده فرمایند بود در چهارم شهر رمضان پیشی بد

چون در سنه موبک هاجون غریب و فرخنده از نیکسان خوانده فرمود ناظم الملک میرزا ملک خان که علاء و بر دوازده مختار  
 و مامورین با فاش شدن برای اعلان عمریه موبک علی بفر نیکسان بدو بار سلاطین فرنگ است مامورین مخصوص در دینیه  
 رمضان روانه فر نیکسان شده که طولوزان فرانسوی حکیمباشی مخصوص اعلمت هاجون که موقتاً از دربار معدلتدار  
 مرخص شدن بود بفرانسه فر این وفاد معاودت کرد و بجا کپای فرود سامشرف و بکفوق طلی انجیدان مرصع بالماس سرفراز  
 حاصل نمود جناب مستطاب خان که سابقاً از جانب دولت علیه در فرانسو و بعد در اسلامبول و زبیر مختار بودند بود و فرمود  
 عامه که از وزارتخانه هاجون که ناز در ایند و لک ابدایش بر فرار شده منصوب کرد بدین

حضرت شاهنشاه از اجل اعظم کمان و له هاجون اباب علیه سلطان مظفر الدین میرزا ادم الله اقباله العالی را یکقطعه  
 از درجه اول امیرنویانی مکمل بالماس بر بلپان فرینا غرا فرمود جناب شرف پاشا و زبیر مختار دولت عثمانی بیاب عالی احصا

و جناب پنهان فندی بجای و بر فراز کردید و چون در آنکه شرف پاشا جبار بخرمای لهر را بنشان اول شهر و خورشید و جمالی سیر  
و عطای یک طعنه قوی انقیاد مشکل بالاسن با طغرای ملوکانه مبارخ فرمودند و قوی فرمودند و در صلح فصد غزائی بود که در مدح اعظم  
ها بون افتاد کرده بود حضرت مستطاب بسعد و لیه که چون مهذب اجازه اعظم حضرت ها بون روانه محل فرما نفرمانی و حکمرانی  
خو بیع مملکت آذربایجان کردیدند حاجی شهبان الملک امیر نو بخانه مبارک حکم و متفراسان سرفرازی حاصل نمودند و اوایل ماه  
ذی قعدة الحرام اینسال لاجچناب مستطاب شهبان ولد صدر اعظم در باب تشکیل دربار اعظم نوشته معروض حضور مظهره و ها بون  
و ساینده صدر آن لاجچر بدستخط جها منقطع مبارک موضح کردید و ما بنقمتا ابتدا صورت دستخط مبارک را نگاه داشته بعد  
سوار لاجچر را ثبت بنمایم

سوار دستخط جها منقطع مبارک

جناب صدر اعظم این تفصیل و زراود در باره نوشته ای در پیچاید بنمایند و انشاء الله فراراش را بنودی بدید و همول  
بنار یکدکه مرقد شجوعا افتد باعث ضرر دولتست بخیرانی ۲۲ شعبان ۱۲۸۹

سوار لاجچر مبارک

محنت تشکیل دربار اعظم را مکرر بنده کان اقدس ها بون شاهنشاهی خلد الله ملکه و دولتت بیان و تصدیق فرموده اند بافتخاریها  
فرمایند ملوکانه ایند و لک ابد مدت باید حکایت هیتت سنی داشته باشند و با بدجان هیتت سنی با منظورات جدید شاهانه  
انزیرای دولت علیه بران محسوس است خصوص از برای این عهد که بنده کان اقدس شاهنشاهی عازم مسافرت فرنگستان هستند  
در عینا ها بون زبانه از حد لازم است که دولتت بران یک هیتت سنی بکوت با عظم باشکوهی داشته باشد  
خلاصه صول دربار اعظم را عرض کرده ام چو این معانی را بر صفحان چندان برزد و ظهور کند داشته اند بنظر خیلی ساده و سهل و  
بفرجه خواهد آمد همین قدر عرض میکنم که انشام کلام و دولتت بسیار چند فقره مطالب ساده است نتایج اینطال را باید در افتخارات  
سایر دولت مشاهده کرد امیدوارم که از این هیتت و نقوش هیتت شاهنشاهی بر این اساس ساده یک بنای ساخته شود که نام نامی  
شاهنشاهی را با افتخار و تواضع مانده لشکر ملت با بون و موجب مجدک آبنده کان بسیار

تشکیل دربار اعظم

رکرا و اعظم شادان اقدس ها بون شاهنشاهی کلام و دولتت در میان نه و وزارت و یکصدار تقسیم خواهند بود

اسامی نه و وزارت از این قرار است

وزارت داخله

وزارت خارجه

- وزارت جنگ
- وزارت الهیات
- وزارت عدلیه
- وزارت علوم
- وزارت خوارید
- وزارت تجارت و زراعت
- وزارت دیار
- صدراعظمی

اجرای جمیع اوامر پادشاهی و اداره کل دولتت بران بر عهده این نه و وزارت است

اطرافه این نه و وزارت محول بصدراعظمی است

در بار اعظم عبارتست از هیئت اجتماع این ده وزارت

صدراعظم شخص اول دولت و رئیس دربار اعظم است

عزل و نصب صدراعظم شخص موقوف با اذنه اقدس ها بون شاهنشاهی است

عزل و نصب سایر وزراء بحکم اقدس ها بون شاهنشاهی موقوف بر تعیین صدراعظم است

در باب مجلس وزرا

کلیاتش مودولک راجع بحالرس وزرا و حضور صدراعظم است

صدراعظم شخص اول دولت و رئیس مجلس وزرا است

مسئولیت کل ادارات و اموری بر عهده صدراعظم است (با این معنی که ارجاع خدمات و صدق و نفاذ ایشان علیه بلا واسطه شخص صدراعظم خواهد شد و صدراعظم هر یک منوط به اداره است راجع خواهند داشت)

سایر وزراء که دارای مخصوصات در محضر صدراعظمی مسئول امور وزارت خود میباشند

هر چه در مورد امور وزارت خود کاملاً مستلط است

هیچ وزیر عیلاً حق مداخله یا مورد وزارت دیگر ندارد و اما کل وزراء در شور کلیه امورات و اموری شریک اعمال هم دیگر و عموماً

مسئول امور دولت هستند

در باب شرایط مشورت وزرا



عموم و زاهد و زکات و غیره در پیشینه در یک اداره در جینا داره صدرت عظمی چهار ساعت نظر باند جمع خواهند شد  
مطالب شورش قبل از انعقاد مجلس معین خواهد بود (که در آن روز از چه چیزها که متکثر خواهد شد و چه موارد موع مذکوره گذارده  
خواهد شد)

مجلس شورش در کجیل مخصوص همیشه تا این خواهد بود خارج از آن دایره مشورتهای آن خواهد بود  
در دایره مشورتهای آن روز مشورتهای آن روز در کجیل اقدام نخواهد شد  
بجز در آن چیزها که داخل دایره مشورتهای آن خواهد شد  
در دایره مشورتهای آن روز خارج از دایره مشورتهای آن خواهد بود

### در باب اصول تئیب و تئیب خانها

هر وزارت باید یک وزارت خان مخصوص داشته باشد  
اجزای هر یک از وزارتان و زوی و پوتان و زوی و صدقات عظمی و تصدیق و تصدیق عظمی و با مضای اعلم خندان هر یک  
شاهنشاهی خواهد بود

عده و مواجبت مناصب تکالیف جمیع عمال و وزارتخانهها بحکم مشورتهای وزارت معین خواهد بود  
همه وزیران و ندون نیست که عده اجزاء وزارت خود را بدو اجازه صد اعظم در مجلس مشورتهای آن وزارت نماید  
همه وزیران و ندونند بدون اجازه مجلس منصفانه اجزاء نماید

همه وزیران و ندونند بدون اجازه صد اعظم یکی از اجزاء وزارت خود را از توکری اجزاء نماید  
مواجبت هر بوط و مخصوص مناصب تئیب و تئیبی اشخاص نخواهد داشت و اجابت نکالند توکری است با اصل  
منصب مخصوص است و جواز اشخاص مواجبت حقوق و ولایتی را بطاوتیست که ندارد شها اجرت خندی است که با اشخاص  
در جوع شده است

تئیب مناصب اجزاء از روی یک قاعده معین خواهد بود  
امم و رسم مواجبت هم جدا نیست و هر چه با زای هر منصب ده پیشوایی نهاده و نقصان هان میرسد  
مواجبت که خوشی اجزای وزارتخانههاست بدان اسم مواجبت از ستمی و مغروری که مشورتهای  
عطای این ستمی و مواجبت یک قاعده مخصوص خواهد بود  
ستمی هرگز با مواجبت مخلوط نخواهد شد

### در باب تئیب و تئیب خانها

بجز تئیبی که در این وزارتخانه یک قاعده جداگانه خواهد شد  
چون وضع این قواعد و تئیب مشورتهای آن را بدو اول مشورتهای آن وزارت را بر فراز کرد  
روح در بار اعظم همین مجلس مشورتهای آن وزارت است

هر وقت مجلس وزارت موافق این اصولیکه وضع شده است با قدر بار اعظم نیز قرار شده است  
این اساس اصلی هر گاه در دست نظم بشود سایر امور دولت بالطبع بدین شیوه استقام خواهد بود بجز یک حال را واجب است که این  
اصول و مواجبت را که هفت اجزاء آن را در بار اعظم میگویند درست حکم بداریم و آنهم موقوف به این است که شاهنشاهی است که اعظم  
و محافظت این اصول را بر عهده جمیع وزارتها و مواجبت خواهد بود

صدراعظم باید مشورتهای کل باشد در حضور مبارک همایون و جمیع وزرا و شعبات سپرده بخودشان مسئولند در تصدیق و تصدیق  
مراعات امور دولت در حکم ای مبارک شخص صدراعظم است یا بفرقی که سایر وزرا مطالب مستدعیات و دایوت کارهای وزارتخانه  
خودشان را باید بصدراعظم اظهار نمایند و صدراعظم امور دولت لازم را در عین حکم ای مبارک در عرض داشته باشد و جواب خود را بهر یک از  
انوز که تعلق دارد مکلف به اجابت نماید

اینست قاعده هفت و در آنکه با اصطلاح فرنگیها که بنده مناصب معالار یا قبول کل یا بعضی از فقرات معروضه موقوف بر اصول و مواجبت  
اقدس شاهنشاهی و حانفاه است که امر لافس را لای علی مطلع مطلع معروضه و از دم شهرت شایسته المصطفی صدراعظم  
قوات الامتداد و دیگر این ولایتها از ندان منصوب کرد بدین ایجاد سالنامه در دولت علی با همایون و صواب بدین جناب سلطان  
الدوله صدراعظم در ماه ذی قعدة این سال شد بجز این اجزاء و مواجبت برای جنابان ناصر و غیره از محضر ملک این سال است جناب

کنت و سیکه وزیر بخار و ولایت آستر که علاوه بر مواجبت انعامت در بار همایون مامور بدین معنی است که شاهنشاهی است که  
و شاهنشاهی با زاکسین و سوس و پنهان از ابتدای و در دولت در پشته بیان معنی دولت و ستر اول محتایه در بار جناب شاهان میر بوجیک  
به آمدن روز بیستم معنی و از دار الخلافه شد چهار روز بعد مخصوص هر ظهور مبارک در مشرف و نام معروضه شاهنامه اعلم خندان را بر طوریست  
مبتدئین و مواجبت با تبلیغ کرده و تقاضای آن را با تئیب اعلم خندان را بر طوریست که در پیشگاه بر عمل مخصوص آن از در تئیب است

### ترجمه نطق گشت و بسکی

میشد  
شاهنشاهی اعلم خندان را بر طوریست که آقا و ولایت معنیست معنیست و بر زویل باطنی خوشتر است حکام  
رشته مودت و توفیق را بطرح محبت مراد است و ولایت نموده این بنده را مفضل ساخته مامور خدمت اعلم خندان شاه  
ایران داشته اند که عفا بندان اعلم خندان را معروض دارم

اعلیحضرت ابن بنده بهایت بدین مامورین مغز و خوشنودم زیرا بوسطنایز مامورین اکنون در محاذات غنی بنام دارم که الحال  
سه هزار سال است بر او استوار است در میان ملتی هستم که در شهرت و نام معروف آفاق و ایام است سندی از با بیره بر سر  
هزار ساله هستم که مرعی شامه بنده از عهد تکلیف خود بطریق شایسته توانم برآمد

پادشاهها امیران و مساول پادشاه مجارستان چو از ضدها یون شامیبا فرزند ننگسان و سیاحت باز بد بعضی و ایام مغز  
پای غنیهای مالکان اظیم سخن کشیدند حضور اسفار شرفیونند که خدمت اعلیحضرت همایون شامه عرض مکشون دارم که با کمال شغف  
خوشی هنگام افتتاح اکسوسیتوان مویک اعلیحضرت شامه رو بایند بیکر خواهند نمود و بر علاقه پذیرای هر آموی که از مویک همایون شامه  
خواهند نمود اعلیحضرت شامه برای العین لاطحه خواهد فرمود که در عازرتی در حاکمیت صناعت که اسباب فقر مباحثات بنوع انسانا  
بچاپه و اندازه رسالت

اعلیحضرت ابنک نوشیچایکه دلالت بر مامورین بنده دارد و هدا پابیکه حاصل کتب صنعت بنده است اعلیحضرت امیران و  
محض اظهار محبت حضور خود بنده است اعلیحضرت شامه انقاد داشته اند از کمال صبارت و نظر انور همایون شامه بسکندام

مضمون جواب اعلیحضرت همایون که بنده مؤلف زبان فرانسه ترجمه کرده  
ما بهایت شعوقه کفتاز سفارت دایمی از طرف اعلیحضرت امیران و پادشاه مجارستان در دربار و بار فرار شده و مخصوص از اعلیحضرت  
استان دارم که کتبختر شامه اسفاد خود قلمی نموده اند و امیدوارم که بواسطه قابلیت شخصی شامه شایسته محبتی ملا با اعلیحضرت امیران و  
بیشتر است حکام و اشظام حاصل آید بر صبر و قدر لیس بدین است حکام مغز و مرطوب است پیوسته بله لاف با امیران و در اغیر علاحظه  
و بانه بود ایم که در مضمون نوار معروضه مشهور است که اعلیحضرت امیران و نبوسط شامه بسکن سلطنت خود ما را دعوت نموده اند  
ما نیز با نهایت میل قبول مینمائیم و امیدوارم که انشاء الله بویاندر خدمت امیران و ملاقات نمایم هدا پابیکه از جانب همایون دوشان  
آورده اید قبول کرده مانند یاد کار عزیز حفظ خواهیم نمود اما شامه انقادات بلا نقایات مانسب بخود دان مطهرین و معتقدینا شید  
بوزدی خود امر فرموده ایم که کتبختر شامه را که طابو عدل و موافق و شعی باشد پذیرند

میرزا بوسطنان مستشار سابق بوان عدالت بنیاست و زار و خارجه مباشرت بهرام خارجه آذربایجان برقرار کرد بد میرزا نصر الله  
مشق خاصه زار و خارجه بنیاست و زار و خارجه نابل آمد میرزا محمود و کپل کار پرانی حاجی نیرخان مامور کرد بد چون نزد ملک این  
سال نیز مال حقوقی بوانی عمو ططفاش نوکر از حیره و مواجبت علیالذواب و پادشاه بنده و این از خدمات عمده و اصابتی رای جناب  
مستطاب صدراعظم میباشد مسخطی مبارک با افتخار جناب عظم شرفصد و دیات که صورتی ان از فرار دبله میباشد

سواد خط مبارک

جناب صدراعظم معین الملک اسانده و سواد در محانه و صاحب معین دیوانی ببطور مسانده که در هذه السنه سنج میل تمامه دو ما با خرتیا  
مانده بانها رسانده اید بنقصره واضح است که شامه اوقات خود را تمام از در محصاف و امانت و در لخواهی و تصف خدمات کلی و جزئی

دولت نموده اید و در فیض آسودگی و فراغت نشاندند و ندادید و مثل و ذرای سابق بجا لاف شخصی بر پا خیزد کمال غیر شایسته و هیچ  
نه شامه دولت خود مان بلکه در از مندر سابقه نیز هرگز دیده نشده که تمام حقوق و بوانی طبقات از فزون و غیره باین زودی و حوی  
رسیده باشند این بنسبت مکرر کمال کفایت شامه و انشاء الله امید است که در کل شعیات دولت و ذریه و نیز در حاصلا شامه خاطر را از  
خدمات شامه کمال خیرت کند و رضامندی طوره سنه سنج میل ۱۲۸۹

در ماه ذیحجه ایصال امتحان از معین ملک محقق که با هتمام بنده مؤلف دایره است عمل آمده حسن و محاسن این مکتب گردان السنه  
مختلفه و جزئی و غیره ندر پس میشود مشوق جناب مستطاب صدراعظم و سایر اولیای دولت علیه کرد بد بعد از مجیدان شامه  
جناب عظم مکتب مزبور را بطرف جلب خود موصوف و مکتب مشیر بنده نامیدند و بسیار از معینین دامبدال و نشان نقره و موصوف  
فرمودند و در حواله این اتمامان مبذول داشتند و در هفدهم ذیحجه بکظمر نشان اقدس که اول نشان این دولت اید است  
از جانب سنی الحوائج همایون بجناب مستطاب صدراعظم اعطا و مرحمت شد پاشا خان امین الملک و زید علی در بین راه شاهزاده  
عبدالعظیم روز هجدهم ذیحجه از در شکریه شده و بهمان صده روز نوزدهم مرحوم شد نواب والا معین الدوله حکمران  
کرد سنان را موفقتا از محل حکمرانی خود بدار الخلافه احضار فرمودند که در جناب مویک همایون و اوان شریف فرمایند بیکر شامه  
معبودت حضرت اجل اعظم شاهنشاه را و الا نایب السلطنه امیر کبیر بهام کتوز و لشکر می رسد که نمایند نواب عظم و  
ذیحجه و در دار الخلافه شدند

و قایع و سوانح عمده که در این سال در تمام کره ارض و افطار عالم واقع و سالی  
گردید

اناثون بنکی درینا

در طرز بدین سوره سال هسند و هزار و چهار صد و بیست و پنج هزارهالی المان و بیکر که در هشتصد و سی و یک هزارهالی  
و هشتصد و پنجاه و بیکر از هفتصد و شصت نه هزار و یکصد و بیست و پنج هزارهالی اناثون مهاجرت نموده در اینجا سکون بجای گرفتند خشکالی و بارند  
نشاند و بالان بخورد هلاک شدن جمع کثیری از صدها و زار و آفتاب در این سال هشتصد و پنجاه و دو میل امتداد  
آهن اناثون است

اسپانیا

در ایالات اسپانیا و ناوردن کارسای از شاهزاده اسپانیا ادعای سلطنت نمود و جمعی بر او و در حوضه مینا بدید و دیگران شامه  
نابینان جمیع فصدت پادشاه و ملکه را مینا بدید و صد و شصت و سی و یک هزارهالی و مینا بدید

المان

در دویم ماه مبارک رمضان باروز ماه مضایع و مناسبت ما بین المان و فرانسه منعقد در سال قبل بود جشنی در برلین و سایر بلاد المان گرفتند به پیش نظر آنکه در آن معرکه جلادان و رشادین بر زاده بودند از طرف اعلیحضرت امیر طووس  
فدیه ملایم انعامات بنال و اعطاشد از جمله پیرین فرزندیک شاد و کشته ملک و ذوال رون و ذوال مستقل معادل چها  
هزار تومان ایران که هر نفری صد هزار تومان باشد انعام داده شده سافر اعلیحضرت امیر طووس المان بمالک جنوب المان بمجره کشتی  
آن مالک ملاقات اعلیحضرت امیر طووس و اعلیحضرت امیر طووس را بر پیش با اعلیحضرت امیر طووس المان در برلین و مستحکم نمودن مبان دوسی  
نمایند

### انگلین

زنج عساکر هند و عثمان با طوایف باغی در طرف شمال شرقی آن مملکت قتل ادما بوز فراقهای هندید شخصی از مسلمانان نصب  
نشد و در بر فراقهای هند جشن اهالی انگلین بجهت سلاطین مزاج نواب و بعد طایفه انداختن شخصی دیمت اعلیحضرت پادشاه  
انگلستان و محضو نامان اعلیحضرت معظم البها از ان ایتباع نمودن دولت انگلین بعضی منصرفات هلا داد و از بقا امر اجتناب  
و غیر دادن از مسلمانان نگشتن مسافر هر روز دولت انگلین شش کر رود و دیک پیچاه هزار لیره بد و لانا توفی بکی و بنا خاوار کشتی  
موسکو با آما که آباد انگلین ساخته شده و در جنگ ما بین انهن شمال و جنوب با توفی اهالی جنوبین کشتی ایتباع نموده و بمباران  
خاوار کل با لانت شمال رسانیدند میدهد

### ایتالیانیا

فوت ماهی از معارف طبیبان کوه افش نشان و زود  
افتتاح راه آهن نعلین به بندر بوطی انقضا عهد الفت و دوستی با خان کاشغر لرزل و اندیشه خان جنوه از عساکر روس رود  
و یاد با لانت جنوب و مرکز مملکت

### ژاپن

بانگین بخت و شهرت پای بخت فوت سپید پیچاه نفر بمسکن و ماوی مانک سوزان نقر افتد ار سلطنت صمانی دو حان  
میکاد و فرسنادن جموز جوانان بمالک فرنگ بجهت تحصیل

### سوئیس و فریج

فوت شارل پانزدهم پادشاه آن مملکت و نصب اسکارد ویم برادر و بجای او

### عثمانی

عزل و نصب کلیه در این مملکت بغير صدور و وزیرای جنگ بوزار صدایت مدعی پاشا انعام محمود پاشا و صدر اعظم سابق باخذ پول  
زادان صرافان فرنگ فتح عساکر عثمانی قطع بخت صنعا و عربستان اختیار نام دادن و در جمیع امور از طرف اعلیحضرت سلطان  
مصر ناز عساکر مصری با امیر طووس همیشه

### فرانسک

فوت ملر شال واپان از سرداران خیالات و رئیس جمعی در نظامات داخله و دادن وجهه مفرغ و خسارت جنگ را بد و لک المان که در  
مالک فرانسه را تحلیه نمایند

### مکزیک

فوت زوار زینس و وزیر و نصب لمر و تارا بجای او  
شرح و فایع سالی سنیست هفت سلطنت شهریار اعلیحضرت افد کس شاهنشاهی خیر و  
صاحب نظر از امر استعانت سلطنت ایام ملکه مطابق  
سند هزاره و شش و هجرت  
تحاقی سبل  
نرکی

کلیه امور دولتی در این سال جزیرال بوجها خاطر خطرها بون منظم و اهالی مالک محروسه جمعا در خصیصت و مهیا بونی  
جای محمد پلخان آصفالدوله بوزارت عدلیه عظمی منصوب گردید بر تاجی قوام الدوله وزیر بحسابت محرم شد و جناب پرتو  
الهدیه لشکر سابق بوزارت فر فرار آمد جناب پرتو بحسب دیر الملک هلاک و بوزارت و سابل بوزارت اعلیحضرت پادشاه  
کشت امور چارخانه های مالک محروسه با هر زاده همدی بقیل مرتز و له محوم حاجی محمد و له پرتو و اکنار فرمودند جناب پرتو  
وزیر بخار و لسانکلیس مامور افتاد و بار دولت علیه بانشر بخت و عملی وارد دار الخلافه گردید جشن عید و ولوه مسعود  
شاهنشاهی را جناب سنیطاب صدر اعظم با کمال شکوه مائده سال قبل گرفتند بینه مؤلف باعطای بکف طعنه نشان از درجه  
تائید بزرگوار فرزند جناب وزیر ناظم خان نظام الملک بکرمه منصوب گردید و سنیطاب آن نظام الدوله در من پیچاه و  
چهار سالگی بر خرم محوم شد بخت سنیطاب پسر محوم فیضی امان ملک انشرار عثمانی بی پوشان و فاش که زمان غایت  
سفر فرنگستان نزدیک شده فتنه نظرمون حاضر کار با اعلیحضرت امیر طووس در برین روز ده دولت حاضر شد و در آن وقت  
صفای فتنه مبارز بجهت مساکر منصوبه شریف فرما گردید و لغو فرمان همایون خطاب با حاد و افراد سنیطاب هر راه شرف  
صدور بلاشهر بوجای سنیطاب شریف الدوله صدر اعظم باواز بلند فرما شد نموده هر یک از مضمون موهبت سخنان باخبر  
داشتند و سواد ملفوفه فرمان مبارک از فرار قبل است

سواد موقوفه فرمانها بون

عموم صاحب منصبان و آحاد و افراد سرازان اردو دار الخلافه بدانند که غرض از موقوفه کتبها بون بساحت فرمانگشان و علافای اسلامین و  
 ناچاران باغ و نمکین که در دست خدا هستند نزدیک شده و امر و زک که چهاردهم شهر فروردین است محض بیست و مشاهده حالت  
 شاه ابا بنو فتح آمدیم مشها آرد و میلها بون ما نرفی اموز عسکر و انتظام کارهای بن رفته معطر و فاقا و اسوقی کما هما بوده  
 و خواهد بود چنانکه بدیدید ایده فون عسکر چه وقت و موقع خود بدون ناخبر عاید بشاها شده است در آینه بنی بون بون بلکه  
 انشاء الله خلی نظام نرو و بنزد باره بشاها مملکت خواهد شد از عذبات و مواظبت بشاها در وظایف و کوری خاطرهای بون ما را من و خشنود  
 و حالها هم با عینان صدقات نامه مواظبت مملکت که طایفه عساکر مضو به سراغ داریم که در عینابها بون ما را بدو علی استیون بر مدارج  
 و صدقات خود خواهند افزود و نظم مملکت را در تحت او امر و ستا خود حفظ خواهند نمود این مسافرت را بحیثی قلیل مدت اختیار فرماییم  
 خاصه شهاها را که اصول اردو دار الخلافه هستند باید کمال افتخار و عینان بدانند که زانان اندسها بون ما با تحت و جمیع  
 ملزومات عسکر و دولتی بشا سپرده و با عینان بشا گذارده حرکت میفرماییم و ازین سفر خیرین اثر از جمیع افکار و خیالاتها بون خودمان را  
 صرف تکمیل لوازم عسکر بدو و لشکر از جمله اسلحه و مملکت و غیره خواهیم فرمود و از فکر بشاها خاطر مبارک خودمان را فارغ خواهیم گذاشت  
 در عینابها بون ما نرفی بنده بون نایب السلطنه را بنیاب خود مان و در با سکتیبه و چون صلح اعظم بشرف التزام کار مبارک ما مشرف  
 هم اگر معتمد الدوله را با اختیار نامه در نرفی بنده مریا لیه میگذاوریم ناصر الملک هم از جانب جناب صدراعظم بویا بشا شامعین است  
 همان اختیار و اقتدار که از جانبها بون ما در امور عسکر بر عینا صدراعظم مرمت شده است ایشان در عین خود دنیا مملکت  
 داده اند اطاعت و بر جمیع صاحبان مناصب نظام و تقریب عسکر به واجب لازم است هر کویا اختیار از عزل و نصب سلب و برباید  
 با و داده شده است تصدیق و تکرار با اطلاع و تصدیق معتمد الدوله در باره هر یک از شهاها در حضورها بون ما موقع قبول  
 خواهد یافت و واجب چیزه هم آحاد و افراد فسون ناصر الملک خواهد رساند این فرمایشان و او امر ملوکانه را در دست اصفا  
 نموده مختلف نوزند در کمال رحمت شمار و داع میبکنیم حلی المظفر معمول و در عهد شناسند بخبر برانته چهاردهم شهر صفر المظفر  
 حاجی شهاها بملک علی خراسان بعضی از اشرا را که را بنیاب خوده است بر زار صاحبان اجودان صدقات عظمی بخصیصه بونی بون مقرر  
 کرد بدو حد قای سر بنیاب اردو دفتر سابق دوله علیه مقیم لندن که بدو باره معدله دار احضار شده بنیاب اول و وزارت نواید  
 فرار کرد بد

از وقایع معظما اینسال سفر خیرین اثر اعلم حضرتها بون کشتن فرمانگشان که سابقا بنیابان اشاره نموده ایم و اگر چه شرح این سفر  
 نیز چون سایر سفار ملوکانه بقلم معجز فرخنده و نه مرسوم و بعد هالیکرات در ممالک بقا و سوسال سنه مختلفه طبع و منتشر کرد بدو  
 و از نتایج و فواید عظیمه آن بسطی از ازاب و جنبرت و دعوات مجربند و مستفید شده اند و ما با خلاصه فایده این سفر عظیم و  
 اثر گریه را زبورد و بنیاب کتاب اراش و اشرا و هوش اولوالالباب فرار داده بطور اختصار در این اوراق و بیج مینمایم

شرح سفر خیرین اثر اعلم حضرتها بون شاهنشاهی امر که بفرنگستان در سال

۱۲۹۰ هجری

چون مویک فرخنده کوبها بون ما میان این اقبال بزرگ و عذا فرزند عازم سفر فرنگ شد و صحنی با افتخار نواب کامعتمد الدوله  
 شرفصد و یاد که سواد آن از فرار بدو است باید بخط مبارک ازین راه مرسوم و مرجع

سواد بخط جها انطاع مبارک

معتمد الدوله از باب کمال اطمینانیکه بدو لخواهی و کفایت کار دانی ان عم کار داریم زاید بشما ایم که امورات را بنوع غیر و غیر  
 بفرم مرسوم و انتظام و انضباط کارها را سفارش و ناگید فرماییم ان عم کار دارم و عیسو الید فرمودیم انشاء الله شها از فرار  
 حکم فرمان مبارک که بکل ممالک بحر و سب با افتخار حکام و لایات مرسوم و ارسال شده است دستنوی العمل مکتوبه و شفاهی مرمت عتبات  
 شده است کمال خوش قلب مشغول رفیق و فوق امورات و لای و مملکت بوده و فایده انفا فایده هر روزه بمانکر ارف نماید هر کس از  
 او امر و خواهی شها مختلف کند ان عم از حکام و لایات و مامورین و لای و عاقران درباری سایر قطعا بخواهد و بخط یاد شها که فرنا خطا  
 شد چون عرفت ان عم کار در عرض راه در سببان دستخط مبارک را حضرت افتخار ان عم کار مرسوم فرمودیم بسم الله اولی

روشنه بیست و یکم صفر المظفر اینسال خیرمال بایدرش عون و عنایت قادر معال علی الصباح از دار  
 الخلافه با هر و مقرر خلاف عظمی شهاض فرموده تشریف فرمای فرمای که در بدو جناب صفا فتد الحی و لث عثمانی که نازه و از در الخلافه  
 شده در کن شرفیای حضور مبارک شد و در شنبه بیست و هشتم از کن بنیکه سولفان شریف و دو پنجشنبه سده شنبه فرم بیع  
 اول کرج مصر بیچام علی بوق چهارشنبه و بیچام با د پنجشنبه هم کار دان سنک جمعه چهارم عبدالله اباد شنبه پنج فرم بین  
 یکشنبه ششم اقا با باد و شنبه هفتم خزان سده شنبه هشتم لوشان چهارشنبه نهم جمیل پنجشنبه دهم رستم با د جمعه یازدهم اناراد  
 هاشم شنبه دوازدهم رشت بود و مسعودها بون مرین کرد بدو امر و خبر نس میچکوف که از جانب دولت روس مامور ممانداری  
 مویک علی سنک از بطرز بودغ با مرزا عبدالرحیم خان ساعد الملک سفیر دولت علیه مامور اقامت سنت بطرز بودغ قبل از رفت  
 بر شها بونها بون پیوسته حکیم الممالک مامورین برای ممانداری دولت روس استی بون میچکوف خیرمال اجودان مخصوص  
 اعلم شها بر طود روس است کلند بزرگ اجودان مخصوص اعلم شها بر طود بزرگ او هرله و ممانداری است و یکشنبه سپردیم  
 بعزم اترا شهاض فرموده از بیره با زار بنیکه شسته قدری خود را زرد و دخانه سه فرزند کشتی بخار کویک اینساله بود که  
 یکفر وندان نانه حکمها بون ساخته شده و نهایت عمارت و مریز است ساعتی سه فرسنگ راه طی مینماید و فرودن از دولت روس  
 میباشد ذات معدن صفات مقدس و کشتی بخار که با مر اعلا ساخته اند شسته و یکی از کشتیها روسی است که از جانب زبیر بخار روس  
 و لاملر سب و یکین و دکتر طولوان حکیمانی مخصوص اعلم حضرتها بون جای داشتند و کشتی دیگر روز یکا پنجان روسی بود

وزیر مختار روسین و بایکلی بخشور هر ظهور مشرف ساخت معتز بود خلاصه هر ساعت جزو بدمانه وارد انزل شد  
دوشنبه چهارم ربيع الاول بعد از آنکه جناب حاج ملا رفیع چهلای سفر خواند با بدو در حاضرت حضرت باری تعالی کشتی  
بخاری در آن بله نشسته را ندانند تا بکشتی فسطاطین که مخصوص مسافرت همایون و دولت در حاضرت بوده بود رسیدند و بدان  
نظاره فرموده پنج ساعت بجزوب ماندند که کشته کشتی برده افتاد چند فرزند کشتی جنگی در آنجا حاضر بودند متصل شلیک  
سپرند کشتی فسطاطین اطرافهای خوبه ارد هم برین و نماز پیشیندهای اعظم و امیر اطور روسین با سبب نفوذ حاکم و غیره از  
پترزبورگ آمده بودند اسامی ملتزمین و کابای علی و سفر خیر انزلی کشتان از این فرار است

### اشخاص که در کشتی اول موسوم بقسطنطنیه که مخصوص اعلم حضرت هایون است بودند

- (جناب مستطاب صدراعظم حاج میرزا حسن قلی) (جناب عثمان الملک) (جناب عثمان الملک) (مفتی حنفی) (امیر السلطان) (امیر المظفر)
- (میرزا علیخان شیخیناصه) (دکتر طوفان حکیم انوشیروانی) (عکاشیا) (غلامحسینخان زین الدین) (میرزا علیخان محقق) (امیر علیخان)
- (میرزا علیخان) (امیرزاده و میرزا) (میرزا علیخان) (میرزا علیخان) (امیرزاده و میرزا) (امیرزاده و میرزا) (امیرزاده و میرزا) (امیرزاده و میرزا)
- (ساعت الملک) (سلطان حسین میرزا) (امیر علی) (امیر علی) (امیر علی) (امیر علی) (امیر علی) (امیر علی) (امیر علی)
- (سفر) (بنده مؤلفه نیز در کشتی بشرف انزلی و کابای علی مباحی بود)

### اشخاص که در کشتی نهمی بودند

- (نواب لایزال و میرزا عبدالصمد میرزا) (نواب لایزال اعتصام السلطنه وزیر علوم) (نواب لایزال الاحسام السلطنه) (نواب لایزال الدوله) (نواب لایزال)
- (والاعمال الدوله) (جناب علاه الدوله) (جناب سنجلیخان وزیر خواجه) (جناب الله علیخان ایلیخان) (میرزا غفران امین لشکر) (حکیم الملک)
- (میرزا احمد احتشام الدوله سلطان اوچس میرزا) (میرزا احمد سرینیا اول) (جناب میرزا الدوله) (جناب السلطنه) (میرزا علیخان زین الدین) (میرزا)
- (رضاخان سرینیا جوان سدارت) (ابراهیم خان نایب) (میرزا احمدخان ولد جناب علاه الدوله) (علی و اردو نفر) (میرزا کفر) (میرزا کفر)

### انزلی که با کشتی نهمی بودند

- (جناب سپیدیکه وزیر مختار منس) (جناب سپیدوس من نایب سفارت انگلیس) (سپیدیکه حکم انگلیسی)
- سینه پانزدهم ربيع الاول اول طلوع امشب که ساعت ایشادان رسیدند از دو ساعت بظهور مانده در پانزدهم طوفان شد و تا مدتی  
ایران را در دام داشت که ساعت پنجم از شب گذشت کشتیهایمانی رسید که معرفت بفرمانین است کشتی بزرگ داخل انجا میشوند شد  
و باید کشتی کوچک نشنت بجای طرخان رفت ساعتی بعد مسووبین حاکم حاج طرخان بحضور مبارک مشرف شد و اجازت

حاصل بود که شبانه چهار طرخان رود و همایون نیز بران مقدم مبارک باشد خلاصه از دو بار در دو دکاه شده و با چها  
ساعت نیم بجزوب و در چهارشنبه شانزدهم ربيع الاول کشتیها در رود و در حرکت بودند ساعتی بطور حاج طرخان  
بود ساعتی خنثی بران آمد صبح شانزدهم هم میرزا ملک خان و وزیران خان و میرزا اسدالله خان و سول و میرزا کابای برادر  
میرزا ملک خان از حاج طرخان بکشته آمدند پل بران کار گذاران دولت در حاضرت حاج طرخان از مقدم مبارک با علی و میرزا کابای  
طان فرزند خود ساخته بودند کلا تر شهر چنانکه در ممالک روس رسم است که حکام و در و امیر اطور و پادشاهان لایحه در حاضرت  
مبارکند نان و نمک جلو آورد و بران نمکدان طلا و در و نقره مطلقا که نان و نان نهاد و نارنج و رود مسوق اعلم حضرت هایون را  
بشهر حاج طرخان نقش کرده بودند و در آنجا حکوم برین شهرهای منزل معین شده محض نشرفات قدوم سعادت از قدوم مقدس نایب بود

نیت یافته با چهل روز تخم کوف و کلنگ بزرگ با نفاق جناب مستطاب صدراعظم از حاج طرخان اجازه هایون از جلو مسکو رفتند  
نایبهای این شهر و خوشی در حضور مبارک کردند و در پنجشنبه مقدم ابتدا مسیحی مخصوص سلمانان شیعه بعد از آن

که متعلق با اهل سنت است شرفیبرند پس از آن بعد از آنکه بعضی از اسباب بطر کپرد را آنجا ضبط است و بجزوب فرود آمد و باقی  
بزرگ در آنجا بنظر انور رسید که بطر کپرد بدست خود ساخته مخصوص صایکی از ابقا را بسپاهو به منبت کرده است و  
بطر کپرد و کارین امیر اطور بران هم آنجا نقش کرده اند بعضی از اسباب بخاری بطر کپرد قبل از آن و کلنگ و بر غیره در آنجا عمارت  
بدو و راه او بخند بران از یاد بپایان ماکن بعد از ظهر این روز نشرف فرمای اسکله شده بجزوب ساریستین در کشتی بخاری موسوم  
بالکند که از کپالی است نشنت کشتی میز بود در دو دکاه و لکابراه افتاد این کشتی بیست و نهمین روز رسید و در آنجا

ساعت دو ربع بجزوب ماند بشهر ساریستین ترول اجلال هم در آنجا در بلندی و دکاه و در دکاه واقع شده و از آنجا ابتدا  
راه آمدات حاکم سارا طوق که شهر ساریستین جزو حکومتها است حاجی بحضور مبارک آمد اسامی گاو کپرد و اراغی است و آنجا  
طان فرزند خود ساخته بود در میان ملاقات مستقبلین مجرب بکشته سعادت فرموده یک ساعت از شب گذشت راه آهن ترول فرود  
کالسکه های راه آهن از کالسکه های مخصوص اعلم حاج طرخان و وسیع و مزین با اطرافهای متعدد از سفر حانه و خوابگاه و اطمان  
بزرگ هم به هم وصل با چراغ و نور و صندلی و تخت و نیم تخت خلاصه عبور از آنجا است و ساریستین در الفور یکی حاکم شهر مسکو  
با استقبال و کبکهایون آمد و مسکو از وقت شرف اعلم حاج طرخان را که در حاجت اعلم حاج طرخان را که در حاجت اعلم حاج طرخان را که در حاجت

شد بعد از آن شهر مسکو و در فرود آمد و شرح نشرفات را اگر میخواهیم در هر جا بنامه بکاریم آن خود از نو کتابی مسطور شد و در  
آن در سفر نامه مبارک که هایون مسطور است همانا ما بر فایده هم در بیست و نهمین روز از مسکو به منبت منزل اعلم حضرت هایون در  
و کابای علی در مسکو عمارت کریمین است که از عمارت سلطنتی معروف بنا میباشند بود نهایی از یاد این عمارت که هر یک از  
موضوع بر بنیاد تر است ملحوظ نظر او کرد و بدین جهت در این عمارت که هر یک از جواهر لایق و ناچهای قدیم پادشاهان

و غیره را چیده و از چندینای قدیم و طلا و نقره آلات و اسباب تحفه و عنایمیکه در جنگ گرفته اند در این محل بساطت استوار کرده اند  
 و شاهخانه و موزه این شهر نیز ملحوظ نظر شاهانه کرده بدعا جمعیت و جنرالهای نظامی مؤلف مسکو باردار کرده و مسکو  
 مخصوص مبارکه آمدند و مورد تقدیر کردند بکشتی هم در خانه پرنس القور یکی ببال نشرف فرستادند و در بیکت سیر اول  
 بگاری بکلا که سر راه آن بطریق بوع است و جعفری و بعد از اعطای نشان مثال هاپون جاکر مسکو از این شهر بفرستاده و در وقت  
 چهارم شهر سن پترزبورگ بالین و الکفان نزول فرمودند اعلم حضرت امیرطورکل مالک روس الکند در دوم با نواب لبعهد و دیگرها  
 دیگر اعلم حضرت معظم و نواب کراندول بکلا پهلاد کل عساکر و در نواب کراندول فسطین بکلا بوج برادران اعلم حضرت امیر  
 در کار با شرفال حاضر بودند و اعلم حضرت شاهنشاه ایران با کمال کرمه پذیرفتند صاحب منصب زیاده بالباسهای  
 سر راه بود و خلاصه با شرفال اعزاز و خارج از جزیریان وارد عمارت سلطنتی شدند بعد از نشرف برای باطنی مخصوص  
 مترکاه هاپون بقاصد الحکومت آید و در پرده دراز جانب اعلم حضرت امیرطورکل نشان سنا آند که اعظم نشانی و ولایت و  
 و مکل بالاسرا با جلال آید آورده با اعلم حضرت شاهنشاه ایران تقدیم نمود بعد از ذیقه اعلم حضرت شاهنشاهی سازد بدلی علی  
 امیرطورکل نشرف بدهند ساعتی بعد عازم باز بدیوای و لبعهد شدند و در عزم با اعلم حضرت امیرطورکل اعلم حضرت شاهنشاهی  
 آورده متفقاً با شاهخانه بوج نمودند و بکشتی پنجم پرنس کرچاکف صدر اعظم دولت روس بحضور هاپون آمد و بعد از  
 معاود نشرف حضرت امیرطورکل اعلم حضرت شاهنشاه نشرف آورده بانفاق نشرف خرمای میدان نشان ملذذ بنویسند  
 مشوق شدند و سان خوب داده شده زیاده از نسبت هزار شون سواره و پیاده در این میدان بود و بعد چون عمارت بجان پرنس  
 اول بپوشید همان بودند روانه آن ساختند مقدار نصف شب مجلس بال بجان نشرف فرما کرد و در وقت اعلم حضرت امیرطورکل  
 مجلس نشرف داشتند و در شب ششم ابتدا سفاری خارج بجهت مبارکه مشرف آمدند بعد بنامشای موزه از روی لوح خوش  
 نگار چنانچه شهرت در این روز مشوق خوب بودند و مشوق آنها ملحوظ نظر انور کرده بدین عمر این روز در منزل اعلم حضرت امیرطورکل بشام  
 موعود بودند و در این شام صد و هفتاد نفر دعوت شده صرف غذا کرده اند در این روز پارسی خیزد اندک مسوول  
 نپس هموز از این شغل استعفا کرده و مارشال کاهون سردار در پیکر کرده اند و در بیکت هفتم از نواب کراندول فسطین  
 برادر اعلم حضرت امیرطورکل و نواب کراندول بکلا برادر دیگر اعلم حضرت معظم و پرنس کرچاکف صدر اعظم و باری بپوشید که در وقت  
 اعلم حضرت امیرطورکل و مرد بسپایر محضی است بدین فرمودند این شخص بکونی مالک ففاز بپوشید است و در بیکت ششم ابتدا  
 امیرطورکل اسکاتش عیدان مشوق فترت نامشای مشوق سواره نظام و غیره نمود و بعد بقلعه و بانکه و لنی نشرف فرما کرد بدین  
 و در لفظ آنکه در همین طبعه سپاسند از بدین فرمودند در اینجا عدالتی بزرگ که بکلمه آن صوت اعلم حضرت امیرطورکل  
 دیگر بختیاری تاریخ و در واسم مبارکه اعلم حضرت هاپون نکاشته در رسم شده و در وقت نشرف از لیسر دویم اعلم حضرت امیرطورکل

دیدن فرمودند و در منزل ایشان با اعلم حضرت امیرطورکل و نواب لبعهد و جمعی دیگر از رجال و اعیان شام صرف نمودند و  
 بیکت ششم پرنس و نامشای بطریق مؤلف و کمر نشاندند و در نقره شهر بیع الثانی بل پرنس کرچاکوف و محاربه فرموده شد  
 در شهر بار مسکو که عمارت و باغ مخصوص اعلم حضرت امیرطورکل در آنست چهار فرسنگ بکتر باشد مسافت دارد و باره آهن در پستان  
 از راه ملی پیشو بشام موعود بودند و در پرنس اعلم حضرت امیرطورکل بپرنس رکا با علی ثقیان نشوفا نشان و دانشوری عشا  
 و غیره دادند و اعلم حضرت هاپون اسب سوم بجای با اعلم حضرت امیرطورکل و اسب لفته بجز وجه نواب لبعهد هدیه دادند و در جمعی  
 بعد از و با اعلم حضرت امیرطورکل و از راه و پستان که شهر روس کونینگس بویغ که شهر روس است عزم المان و روس فرمودند  
 در نهم عمارت سلطنتی شهر کونینگس بویغ مترکاه اعلم حضرت هاپون و ملز پرنس رکا با علی است از اول حال پرنس شرافت  
 نشرفان مقدم مبارک کلام معمول مسوق رئیس همانند ان که دولت روس فرستاده و در اول اجودای و غیره است پیش بپوش  
 در نهم عازم بر لیسر کرده از شهر بار بپوشید عبور فرمودند و در آخر این روز وارد کابرین شدند اعلم حضرت امیرطورکل بپوش  
 نواب لبعهد پرنس ایشان و نواب پرنس شارل برادر ایشان و فرزندیک شارل برادر اعلم حضرت امیرطورکل که فخر است و شاهزاده  
 دیگر از خانواده سلطنتی مثل پرنس همون زرن که شاهزاده جوان است حین المان و فرانس در سر زمین شاهزاده شده که در این  
 راضی بودند که پادشاه اسپانیا شوی پرنس برادر صد اعظم و لسان المان و مارشال رون و در جنگ و صد اعظم پرنس است  
 جنرالها و صاحب منصبان و فوج خاصه و در یکا فوج سواره نظام و غیره و جمعیت داده از حد هر سر راه آهن بودند و بپوشید  
 خوب شاهان کردند انگاه اعلم حضرت هاپون با اعلم حضرت امیرطورکل رکا اسکاتش سران و نشرف بپوشید سلطنتی که برای مترکاه موبک  
 علی معین شده بود نشرف فرما کرد بدین و بعد از کمرش در این عمارت و در وقت اعلم حضرت امیرطورکل خود عوق نمودند و فیقه بعد  
 اعلم حضرت شاهنشاه بجان اعلم حضرت امیرطورکل رفتند و ایشان نایب استقبالی کردند بعد از بدین و چند فیقه صحیح عمارت  
 فرمودند و در پنجم بسپایر شهر بنیسیام که خارج بر لیسر است خضرت فرستاده درین شهر از ملکه قدیم یعنی نوجیه پادشاه سابق  
 پرنس که برادر اعلم حضرت امیرطورکل و عاقله بود بدین فرمودند و از روجه پرنس شارل که خواهر اعلم حضرت امیراطریس  
 المان و مادر فرزندیک است در عمارت پستان بدین کردند بعد مراد حبیب پرنس فرموده شد در عمارت منزل اعلم حضرت  
 هاپون اعلم حضرت امیرطورکل مخصوص بنیامنازی دادند و در ششم بسپایر باغ وحش پرنس و بعضی اماکن دیگر شهر کرد  
 در نهم بسپایر آوار بپوشید یعنی بپوشید جوانان و بنات در باری را بجهت شاهزاده میدارند و بوجه فرمودند در این روز از لیسر  
 و در وجه نواب لبعهد که دختر اعلم حضرت پادشاه انگلستان است بدین فرمودند شد اعلم حضرت هاپون با شاهزاده کان ایران و  
 از شاهزاده ها و شاهزاده خانها پرنس و عمارت فوقانی منزل اعلم حضرت شاهنشاه همان اعلم حضرت امیرطورکل بودند و در نهم  
 بیان بدین میدان مشوق و نامشای مشوق فواج و سوار و باز دیدیم بجان مشوق بودند و در شرف برادر امیراطریس اعلم حضرت هاپون و

ملک زین کاتب مبارک را دشنام دعوت نمودند و در وقتهم نشان آنرا تراز مکلان با حمل زر در از جانب اعلیحضرت امیرالمؤمنین  
شاهنشاه تقدیم شد نگاه با اسکا بخار شریف خراسان شهرت پیدا شد و شب برای دعوت شام اعلیحضرت امیرالمؤمنین را بنام  
تشریف پذیرند و خواب غزل معاودت کردند و زده هم بر بار و لست یعنی دارالشوری المان و در وقت فروغی ندم بعد از بیاید برین بزرگ  
بعد بوز که مقابل عمارت سلطنت منزل اعلیحضرت هابون بود توجه نموده و هم در این روز با اعلیحضرت امیرالمؤمنین و باغ فرمودند و  
باز دم عازم شهر کلون و رسیدند میز ملک خان (ناظم الملک) بحجیه فراوانه خبر بد شک در برین ماندن بین ماه حکام بلاد  
و قلاع محض مبارک تشریح محبت شد از شهرها نورد و فلرو و سنانی کن شد یکساعت غیر و باز یکخانه کریم رسیدند  
سبک کریم صاحبیکارخانه بکرآمده ثوب پر شش بوند استیلا علیبتکش مقدم مبارک نمود شب هر کلون منزل مویک هابون بود  
بعد از دو روز بعد از نمازهای باغ ستان و باغ وحش و ماه خانه کلون حرکت فرموده تا شهر بن رسیده اند از آن گذشته شهر کریم  
از اقلیمی کرده بعد از طی مسافت زیاد شهر رسید و فرمودند وقت بیستم قضیه شیخی از شهرت تخریب شهرت تخریب هابون  
آمد و در چهارم غریب شهر را کفر فرمودند و بعد از باز دیدن و سیاحت شهر بوز با در مراجعت خود شبیاد و پنجم برین رفتند و  
باز دم عزم بادن با آیتها فرمودند و از شهر با بادن فرات کفر و مار سدا عیون شود و ناخجا با اعلیحضرت امیرالمؤمنین و نواب  
و امیرالمؤمنین و در جوار ایشان ملاقات کردند و معظم المهم از شهر بینه با بکرم امیرفرستاد از اینجا گذشته شهر همدان که اول  
گرایند و با دامت سپیدند این آن شهر که در لسه که پای تخت کراوند که با دست خود فرمودند کراوند که با جمیع بزرگان  
ملک در کار حاضر بودند و بحاضرین عقداوندی که شرفزده نگاه با راه آهن روانه بادن باد شدند این کراوند که از آرای  
استقلال دارد و در اعلیحضرت امیرالمؤمنین و در جوار دست خلاصه شک در بادن باد ببردند و در وقت شام هم کراوند که بیاید  
آمد و در پنجاهم و سی و یازدهم و آخر الامر بوز با در معاودت فرمودند روز هفتم در کشتی بخار نشسته از کورون  
عازم شهر سپاس که اول خاک بلز باک است شدند بعد از طی مسافت شهر کلون رسیدند از اینجا گذشته شهر بون و روز و فرمودند  
کشتی بون آمده تا شهر کورون را بلند و از اینجا و کورون یک نموده از شهر دور که از شهرهای برون است عبور کرده بعد  
از شهر آکلا شایلی که باز از شهرها المان است گذشته و رسیدند برو خانه کوچکی که سرحد بلز یک المان است از اینجا نیز  
بخاز نموده بدو حال و ستمت که شهر اسپا کردند مع ذلک حاکم شهر و بزرگان آنجا و سواره نظام در جمیع زبانی راه  
بودند و در جمیع روز هم سیاحت اسپا و حوالی آن گذشته و در بیستم غریب شهر و کسل پای تخت بلجین فرمودند و بعد از  
وصول بکار در کلسکه های مجادی اعلیحضرت پادشاه ببلجین تمولویدیم که برای سواری اعلیحضرت هابون و ملکزین کاب  
اعلی حاضر کرده بودند نشسته و نترسیدند بعد از مسافت شهر این که کارخانه هاشمک سازی و کلسکه بخار سازی و غیره وارد  
رسیدند از اینجا گذشته بعد از مسافت شهر بکل و در وقت فروغی پادشاه و برادر ایشان کت و فلان

و هم صاحبان نظام و ممالکی و غیره در کار حاضر بودند بعد از تقدیم تشریفات کامله اعلیحضرت هابون اعلیحضرت تمولویدیم  
کالسکه سواری نشسته بخار دولتی و قدر در اطرافهای هر شهر دویم اعلیحضرت پادشاه منازل اعلیحضرت هابون داشت  
داده منزل خودشان که اطرافهای آخر همین عیلت بود رفتند اعلیحضرت هابون ابتدا نشان صورت خردانه را بر آن پادشاه  
نخجا فرستاده بعد بیاز دیدن ایشان رفتند اعلیحضرت تمولویدیم و دخترهای لوی فلیس پادشاه سابق فرزند و پسرانی اعلیحضرت  
پادشاه حالتی نگلیس است سر دختر دارد درین کرد و فلان در این نشان عیلت و لعی مهد است که لوس صاحب کامبل صاحب  
طوس صاحب چند نفر دیگر از اعیان انگلیس که برای ممالدار می آمده بودند در هر کس که محض مبارک مشرف شدند در پیش  
و بیکر بیساحت بعضی انبیه و مواضع شهر قتل کن که عمارت بیلائی پادشاه و ملکه است در این عمارت نشان آفتاب با حمل  
ملکه اهدا فرمودند شام امشب همان اعلیحضرت پادشاه بودند و روز بیست و دوم بعد از وداع اعلیحضرت پادشاه بکار تخریبها  
شد در کلسکه نشسته از ده بندر آستاند عازم انگلیس شدند و از مملکت فلان گذشتند به بندر موز بود که بخار نگاه غیره  
رسیدند در اینجا از کالسکه پیاده شده از اسکا داخل کشتی اعلیحضرت پادشاه انگلستان کردند بدان کشتی و سو بوز بلان بود  
آمرال معین باین انگلیس که موسوی مال کن نلس است چند دفعه سیاحت قبط شمالی رفتند با استقبال مویک هابون آمد  
صاحبان مجری بسپا تر آمده بودند از بندر آستانه ناد و روز که اول خاک انگلیس است بحضارت او میباشند در پای دانش  
که بطوفان و موج زیاد معروفند و بنوفت هابون آرام بود در عقب کشتی و بلان سه کشتی برفتند و کشتی بزرگ در وقت  
جکی توسطت دست است و چه چرخ احرام حرکت میکرد سفاین بسپا آمد و نشد و چون بسواحل انگلیس رسیدند  
کشتی جنگی زیاد با استقبال آمد کشتیهای بخار و نایضا و سفاین که بجای انگلیس اعیان در آنها نشسته نباشد آمد و بند  
بشماره در می آمد خلاصه بیدر روز و روز و روز میرا اعلیحضرت پادشاه انگلستان با زپرد اول خارجه انگلیس کرد  
گرا نویل اعیان و اشراف لندن با استقبال آمده بودند و فرود آمدن و سوار بشپا و نما شا بجی زیاد پندار ایجاد ملبشد  
بیر وسطی اعلیحضرت پادشاه دولت داد و بیورغ و پیرستی برین آرد نام دارد آتشیک آفاسی اش اعلیحضرت پادشاه موسوی  
بلز رسیدنی که مردی و غیره قیمنصب پیشکش داشتی دارد با استقبالین همراه بود بعد از انجام تشریفات لایق از اسکا بالا  
رختن سوار کالسکه بخار شدند بعد از طی چند قدمی بچارین رسیدند که در آنجا نهار حاضر شده بود پس از صرف نهار  
باز در کالسکه بخار نشسته غریب لندن فرمودند و پس راه از قضیه آباردی سیلیشه نور است که مقرر یایلیون ستم بوده  
و هاجا و فاش کرده گذشته تا رسیدند ببول شهر لندن نواب و لعی مهد دولت انگلیس برین و گال با سواره زره پوشش  
نواب معظم و هم روز با اعیان و جمعی پیاده از جدا هل نظام و غیره حاضر بودند اعلیحضرت هابون پیاده شده با نواب  
و لعی مهد و لک انگلیس و جناب جلالتنا بصدراعظم و در هر لعی مهداندار در کالسکه روانی نشسته روانه عمارت بو کت کام

وجه فرمود

که در شهر اعلی حضرت پادشاه است برای من لکاهه اعلی حضرت ما بون و ملزمنین رکابا علی عین شده بود که در بدنه عموم اهالی لندن اظهار سرگام از دور و مسعود شاهانه میکردند حکام عزیز بود اعلی حضرت پادشاه انگلستان و امیر اطراف هندوستان در حضور پرتوی که در شش فرسخ کشته است باره آهن در سینه عظمی سافت مزبور بود و میشود بودند و در بیست و نهم ریح الثاني بیازد پید نواب و لیمه در شرف برده نواب و لیمه در ولت روس و زوجه ایشان که خواهر زوجه نواب لیمه در ولت انگلیس و هر دو دختر پادشاه داماد آنجا بودند بعد بتبرکات پرتوی که ملقب بود و در بیست و نهم ریح الثالث آنجا نماند و در دو کد کد امیر بیچ پیر عوی اعلی حضرت پادشاه که سپه سالار کل فتون انگلیس است بعد آنجا خواهر پرتوی از آنجا نشرف های منزل کرد بد سفری خارجه و در آنجا انگلیس که در بنو فتان از سنوینک میباشد بالرد کلا دستون صدر اعظم وارد کرد او بود و در خارجه حضور مبارک نشرف جسته و شنب در منزل نواب لیمه در یاشا هر دو کان و جباب مستطاب میداد و غیره موجود بودند بعد از تمام نیز آنجا نماند و در دو سوئد که از پنجای انگلیس است سالیک که در مدخل دارد نشرف نشینی عمو شدند و در بیست و چهارم با جمیع ملزمنین رکابا علی بقصر و بند زورید پادشاه اعلی حضرت پادشاه انگلستان نشرف برده چون در پای پیر قصر پیاده شده اعلی حضرت پادشاه تا پای پیر اعلی حضرت ما بون را استقبال کردند و جمیع شرایط مودت و اعزاز ملحوظ بعد هارون امیر لاندون در دربار پادشاه نشان از پرتوی کل بالاس که بران بوند عروف و از نشانهای غیر انگلیس و سوا اعلی حضرت پادشاه انگلستان که پیش از او این نشان آمد و شاهرادکان انگلیس سلاطین خارجه کسی دارای این نشرف اعلی حضرت شافقا آورده اعلی حضرت پادشاه انگلستان و امیر اطراف هندوستان بر جاشه بد نشرف خود نشان بسیار نورد و لوکانه زدند و حایلش را انداختند جو را بپند دام دادند (فتان زاور پرتوی) او را در سیم پادشاه انگلستان در سنه هزار و سیصد و هجده و منه علی و در حضور پند زور احترام نمود بعضی گویند از اسباب کار فتح کریمه که قلب چهارم پادشاه فرانسه است و این نشان را آنکه کرد بر روی پرتوی آنکه در یکی از مجالس مال جو را بپندگنیش سالسیور معشوقه او را افتاده اسباب خنده حصار شده پادشاه از کال غیرت و علاقه که با او داشت جو را بپند پرتوی گفت منفعی باد که سبک جبال کند و همین عبارت در نشرف نشان زانو نشرف گفت همین بند جو را بپند عظم خواهم کرده که هر برای تحسین آن مت بکشد این شد که از نشان اول و در نشرف اعلی حضرت ما بون نشان و حایل افتاد و کل بالاس با نشان تصویر در نظر مقدس ما بون اعلی حضرت پادشاه انگلستان دادند بعد از پنج مرتبه از فرمودند پس از آن قدری دوران فواجی کرده و در احتیاج نشرف شد در خانه در نزد امیر اطراف هندوستان لندن بهمان نشرف سی و سه سوید که شام بعد از نصف شب است بودند سهراد نفر امشب عوف شده بودند و در بیست و نهم ریح الثانی کارخانه جات و اویج که خیر خانه و آنکه خانه ولت انگلیس است و اویج در حقیقت شهر نشرف و چون با بادی اندیش باز محلات لندن می باشد بعد از نماشای کارخانه جات و باز در نشرف اویج که خیر خانه نشرف نشرف فرمودند و در محلات نشرف نشرف بودند

و تو بخانه

بیشتر حضور مبارک کردند و در بیست و نهم ششم شبی با حاشای باغ و خوش گذشت و در بیست و نهم برای سان کشتهای جنگی عزیمت پند بر نشرف که یکی از بنادر مغرب جنگی انگلیس است فرمودند و از نشرف جنگی در بابی و کارخانه جات که اسباب کشتی بخار و بخاری نماشای کاملاً معجز آمد و شب بجمیل کشتی بعضی ساز و آواز که در خار نشانها است نشرف برده در بین راه اغلب کارخانه صنایع مشرفه ملحوظ نظر انور ما بون کرد و مجلس ساز مزبور طوری بود که از اول عالم تا آخر زمان کسی نظر آنرا ندیده و در این مجلس جوانه هزار نفر مستمع در کمال سکوت و آرای باستماع نغزات بسیار خوش مشغول و معظوظ بودند و در بیست و نهم در بند اجزای خود حضور مبارک نشرف جسته اهالی شهر با انگلیس نیز اعراضه نشرف شرفا بشدند و ساعت بعد از ظهر بجهت یونان نشرف که اعلی حضرت پادشاه انگلستان خواستند بدند عازم قصر و بند زورید شدند در میدان مشوق که چمن و سبزه پوشیده است هزار نفر سواره و پیاده در کمال خود مشوق کردند و پرتوی اعلی حضرت پادشاه انگلستان بشرف مراد حبش شد و در بیست و نهم بکن و بکن که نه متصل بشرف و نه خارج و در کنار رود طمس واقع و در حقیقت از محلات دور است حاشای نشرف بر نماند و در سبزه انگلیس و اینجاست ملحوظ نظر آند که در پیر بعد رسد خانه نشرف برده آنجا از پرتوی باز در پیر فرمودند و در ریح الثاني شبی با حاشای شهر لورد پول و قصر تمام که مال دوک و سوزن آن است گذشت و در جمع عزیمت اولی عازم شهر پرتوی شدند و بعد از نماشای کارخانه جات پارچه پرتوی انیش که در نمای عروف است بقصر تمام معلوم فرمودند و در بیست و نهم نشرف فرمای لندن شدند و عصر در شرف یک برای کرد مش و صحبت و عمر نه همان نواب و لیمه در انگلیس بودند اعلی حضرت پادشاه انگلستان هم با پنجاه نفر نمایان عمارت و باغ مال دوک و در نشرف است که از صف اول انگلیس میباید و اما نه نواب لیمه در که بیاید از نشان باشد در باغی در ایجاد رخ کاهی اعلی حضرت ما بون بیاد کار بدست عمارت عروف فرمودند این عمل در فرنگستان بکوی احترام نیز بکشد نشرف با شخصان نزدیک روز سیم بگردش در بعضی مواضع شهر کن شد و در چهارم بصفت بعضی زدا و نماشای مشوق نلی چیان و بوی کس نشرف در نیم مشغول بودند نشرف عمارت بلور که اول اکسپوزیسیون فرنگستان در هجده نوزده سال قبل از آن بر ایستاده و عوف شام بود باغ عمارت بلور و در این عمارت انگلیس است بعد از شام انشای میثاری شد و در پنج و نیم نمایان با نیک و برج سپه لندن و کلیسای سفید پول و وست نشرف پارلیمنت و خانه کلا دستون صدر اعظم نشرف فرمودند و در ششم برای دفاع با اعلی حضرت پادشاه انگلستان فرمودند و در نشرف برده و بعد از تقدیم رسوم نشرف بک و اعزاز عکس حال هر مثالاً در ایباد کار با اعلی حضرت پادشاه انگلستان دادند اعلی حضرت پادشاه انگلستان نیز عکس خود را با عکس پرتوی پرتوی که در کوی چنگل با اعلی حضرت ما بون دادند از آنجا آنجا پرتوی در سنه هفتاد و شش اعلی حضرت پادشاه انگلستان که در زوجه پرتوی که در پستان از شاهرادکان هولسین المان است نشرف بعد از عطف پرتوی و نفس البریت شوهر اعلی حضرت پادشاه فرمودند و در احتیاج پرتوی راه و در رخ نشرف کوه بیاد کار بدست مبارک در محله پرتوی فرمودند و در نشرف عمارت بلور نشرف فرمودند و بعضی اسبابهای داخله بعد



بنام شاه عازم که از روی نظر الحاکم اعراب حکام فسلط خود نشان در اندلس و تعلیم در اسپانول بنا کردند ساخته اند و جزیره  
 از آنجا با هم خانه رفتند و بعضی سیاحتها میگردیدند و روز هشتم ابتدا بیدین نواب لجهه انکلس فریفتند بعد بر بعضی خانه رفت  
 نوبت کرد و مقابل پارکنت واقع است از آنجا خانه لر در کابل و زهره هند و پس از آن باز در سیاحتها ماکان و اینها و نماستانها  
 گذرانند هم برای اعزاز و احترام و شرفیاد در دولت انکلس از شخص اعلحضرت پادشاه انکلسان تا وزیر و اعیان و اعا  
 و افراد ناس نسبت بوجود مسعود اعلحضرت ها بون و ملتر پس رکاب بدرجه بود که بجز بقع برینا بود روز نهم جمادی اول  
 عزیمت بندر شریع فرانس نمودند در کار و بکنور یا انواب و لجهه و در کعبه که با کالسکه بخار حرکت فرمودند و بعد از سه  
 ساعت وارد بندر پور شعوت شدند و از آنجا در کشتی فرانس که سابقا موسوی با کلبه از ناپلیون بستم بود که برای سوار  
 خودشان ساخته بودند و حال را پسند نام دارد داخل کردند و وقت عزیمت با قناب در بندر شریع کشتی فرانس که  
 روز نهم جمادی اول بود سوار نواب شدند و بطرف ساحل نوبه فرمودند بعد کالسکه بخار و نشسته از ملک نورماندی عبور شدند و نیم  
 ساعت در شهر کان پای تخت نورماندی توقف کردند و از شریع نواب نیز از راه اهره ساعتها و نوبت فرسنگ  
 دارد یک ساعت فرجه بمانند بجز اولی پارسی سپید از پل روخانه رسد که در خارج شهر جامع است که شش داخل شهر پارسی  
 در یکساعت موسوی سپاسی است هم در حال و اعیان دولت فرانس حاضر بودند که کار با امثال کاهون رئیس دولت جمعی بودند  
 دور و یکی که ناز و زهره و خار جبهه شده نهار فرمودند که از سیاحتها که اعلحضرت ها بون است امر روز و امشب بعضی  
 و اینها معبره پارسی سیاحت فرمودند و با مسیور رئیس دادالتوی و ملتی و بعضی دیگر از بزرگان ملاقاتها افتاد و در آنجا  
 سیران باغات و مواضع که از جمله باغات وحوش و طیور و ماهیخانه بود ملحوظ نظر فرمودند که در شرف بازاری سر پوشیده و نظیر  
 فرانسند خلاصه از آن نسبت به هم مویک علی در پارسی اقامت داشتند و بیاز در امان معبره و کارخانه جات و مدار و غیره  
 میرداختن جمله روزی بهامشای عمارت و باغ و رسایل شریف فراموشند و شب و آنجا همان روز که در چو اعانی و انشای  
 مناز بود روزی عزیمت نواب کرد که معبره ناپلیون اول و سایر سرداران و برادران ناپلیون و سرداران قدیم اقامت لوی چهاردم  
 و غیره در آنجاست فرمودند روز بلونشان که چون مسیور است برای میان خستون شرفیادند و در فریب صد و بیست و پنج  
 نظام که هر روزی چهار صد پانصد نفر بودند و مسیور عراد و توپخانه نظرها را از هم بون گذشتند و روزی نیز برای اسب تان  
 بونشان توجه فرمودند و شب نیز چو اعانی و انشای بود و مسیور بیامشای سپهر رفتند و از آنجا عمارت لوی که هیچ حکا  
 و دانشندان پارسی آنجا بودند شرفیادند که در روز بیجا که پانزدهم یعنی در آنجا نام دارد سیاحت مشغول شدند و در آنجا  
 حالت جنگ فرانس با پرورش حاضر پارسی چنان نمودار بود که کو با آن صورت و نوع دارد روزی بکلبای نر نام و بعد سه  
 معادن و در آنجا بگردن عمارت مسیور که در بنویف دار الحکومه شهر پارسی میباشد و بعضی باغات و عمارت دیگر و کلیساها شرف

بروند شب پاره را با آنکه چنانست مسیح و در آن چهار صد پانصد کان دارد که هر چیز از جواهر اصل بسیار خوب و بداند  
 اسباب خزان بلور و چینی و غیره میفرستند شرفیادند بعضی چیزها خریدند و وقت بهامشای شرفیادند و در آنجا خانه  
 نالی باغ و چایخانه و عمارت نوبه و در آنجا عمارت بود و سا بل و کارخانه چینی سازی و رسایل و دارالشور و در باغ و  
 و بناات و شش در عمارت نواب خار جبهه و موسوی و بر کلبه و زهره و خار جبهه شرفیادند و در آنجا بونست که معیت  
 جنوب پارسی و خارج از شهر است صحرا بود و چمن و جنگل و ناپلیون بستم در آنجا چایخانه و در باجه با صفا ساخته و بجز  
 و همین روز مدینه خواهران نرجم بنی طیار از بدفرمودند و شب نیز بهامشای سپهر که شش خلاصه بعد از آن باز در بدو سیاحت  
 کامل و در شبست بستم شهر جمادی اول از پارسی عازم شدند که یکی از شهرهای فرانس است که در کالسکه بخار فرستند و وقت  
 عزیمت پارسی شهر در فری فرمودند در آنجا پای تخت ملک بود که است و نسبت چهارم اردین حرکت فرمودند و عزیمت شهر شریع  
 رسیدند همانند از آن فرانس که در نال با ژال و نزال آدور و کلنل شورن و مسیور برین بودندان آنجا که از خاک فرانس  
 است در خمر شده و نشاندن نواز شهرهای موسوی و کارخانههای ساعت سازی و موزیک سازی آن معرجه و بناات روز  
 نسبت نیم سیر و در باجه شریع بود که نواز در امان مسیور نزل برین بدان که وطنش شهر و نواب است بودند شب جمادی  
 و انشای خوبی کرد و با نوبت کشتی کردند و در شبست ششم نیز سیاحت همان حد و گذشت روز بیست و هفتم در آنجا  
 هونک لایه بنهار موعود دولت موسوی بودند و بعضی ماکان و موزه و غیره ملحوظ نظر افتاد با شرفیادند که در عصر آن  
 نیز در باغ و سیلان سپه و در آنجا از معولین و جنای و سویل است و آن باغ و بهلا و کنار در باجه شرفیادند و سمت مخالف سویس  
 واقع است همان بودند و در شبست ششم از نوبت شهر نوزن پای تخت قدیم ملک ساردن و سپهر نون شرفیادند که در آنجا  
 در بین راه از شهر شامبر که میبکند شرفیادند و بعد از آنجا نواب بکار شهر نوزن رسیدند اعلحضرت  
 و بکنو اما نول ثانی پادشاه ایتالیا و نواب برنش هونر و لجهه و نواب برنش آید لیر و هم پادشاه که در سال در استیا  
 سلطنت نموده بعد استعفا کرده و مسیور کنی صدراعظم و بعضی دیگر از رجال دولت ایتالیا دم کار مویک علی را  
 پذیرفتند و اعلحضرت ها بون با اعلحضرت پادشاه ایتالیا امر کالسکه و بازی نشسته عمارت و لوی که برای متر کاه اعلحضرت  
 ها بونست و اعلحضرت پادشاه ایتالیا نیز در همین عمارت متر لایه از نوبت شرفیادند و وقت شب بود و کوچه ها را چو اعانی کرد  
 بودند بعد از چند فقره بیاز در اعلحضرت پادشاه رفتند و در شبست نهم در نون اقامت شد و بیاز در اعلحضرت  
 و بعضی ماکان دیگر گذشت شام را همان اعلحضرت پادشاه ایتالیا بودند و بعضی اسباب که در آنجا در اعلحضرت شرفیادند  
 با اعلحضرت شاهنشاه عازم فرمودند روز سیاحت جمادی اولی بهامشای اینها و اعلحضرت پادشاه ایتالیا و باغ و وحوش  
 و بلور و کردن شهر میدان مشغول بودند شب چو اعانی و انشای خوبی کردند و در آنجا عازم شدند و از آنجا نوزن آمدند

و داعی اعلی حضرت پادشاه ابطالب و بدو در ایشان نام کار عازم شهر میلان شدند و دو ساعت بجزوب ماندن این شهر رفتند  
فرمودند در همین روز کلبستان این شهر را که نظیران در تمام عالم نیست چهار هزار جسم مرمر بزرگیهای مختلف دارد تا مشا  
نمودند و اگر چه این کلبستان شایسته است که شرح داده شود اما چون وصف آن بوجوهی که در کتاب سنجاب مفر نامده است  
باقلم نمی توان نوشت و مسطور شده ما از آن گذشته فقط بواجب تاریخ می پردازیم تا آنجا که نواب بعد از ولایت ابطالب  
که از روز قبل میلان برای پذیرایی مقدم مبارک آمده پذیرایی کامل نمود و شیک همان او بودند و روز دوم غریب شوی <sup>شهر</sup>  
بود که جزء مملکت طبرستان است فرمودند و از شهرهای متعدد عبور شده در نقاط کامله هر جا می آمدند در آنجا سواران آه که حد  
دولت ابطالب و آسیر است که اسکندریه و مامون بن و هماننداران اطرافش حضور مبارک آمدند و در یکس میانداران کنت  
دو کربوبل شخصی عزیز و پیشکش باقی اعلی حضرت امیر طبرستان است منصب نظامی هم دارد از اینجا گذشته شیب هم در راه بودند  
فرماندهای سوار بود و فرمودند روز سیم بقصد بنه موکب مسعود خردانه اتفاق خورد در این راه از شهرهای متعدد  
عبور کرده در نقاط کلبستان میلان در یک غروب با سناستو پانزنگ رسیده کال سکرا پستاد اعلی حضرت امیر طبرستان  
فرانسواز و زنف هم کال سکرا پستاده مشغول بودند بانواب و بعد و شام از آن مملکت که دو فرسنگ شهر با استقبال  
آمده بودند پایش آمده با اعلی حضرت امیر طبرستان بطور شایسته مودت و اخلاص ظاهر ساختند و با کال سکرا بخار روانه شدند که قصر  
لاکستان بود و است شدند این قصر را شهر بنه بخیر بنک مسافت دارد منزل اعلی حضرت امیر طبرستان و قصر شوی و نوزده است که شهر  
نزدیکتر میباشد روز چهارم بقصد شویرون بیان بدو اعلی حضرت امیر طبرستان شرفی بردند روز پنجم علافت نواب رسید  
و کردش در همین اماکن گذشته و در ششم بعضی از شاهزادگان و کشتاند اسیر صدر اعظم و بعضی سفیری خارج خود مبارک  
نشر و جیشد بدانان با کال سکرا بخار بقصد شویرون شرفی برده شام را همان رسمی اعلی حضرت امیر طبرستان هم شد شویرون  
قصر است و خانها و آن وصل بخانه های پر وف شهر پند است چندان از شهر و در نیست و این روز اعلی حضرت همایون  
نشان مثال مبارک خود که سکال بالاس بود بنواب بجهت دادند و در هفتم نیشای شهر پند و یازاد اسپوز پس چون  
پراختند و بسپار از مواضع و الا اسپوز پس و غیره که باز بدو بقصد شویرون اعلی حضرت امیر طبرستان هم راه بودند و در آنجا  
مناع و اجناس این اسپوز پس آورده و با همایون اعلی حضرت شاهنشاهی نام ملکه عارف بنه بسیک ایران در کال امپا  
ساختند و در هشتم یک در شایع و در یازدهم که شد و در تمام اعلی حضرت امیر طبرستان همایون را بشکار دعوت کرده شکار بسیار  
خوب شد هم درین روز باغ و خوش طبعی ملاحظه کردید و در همین روز که در بیلو مانیک و بنه حضور مبارک نشر و جیشد و در  
یک روز و عکس گذشته شد در شاهان شاهنشاهی که حالات شویرون و پری و اجتناب کلهای سبز و بهار و بعد حالت <sup>شایسته</sup>  
دو هفتای و مواضع آنجا از اینهمه مستور بودند روز پانزدهم برای سان مشو شویرون شرفی فرما شد و اعلی حضرت امیر طبر

پانزده هزار مشو در پیر و زان سان نظر هم از اعلی حضرت همایون گذاریدند و روز دوازدهم شب پانزدهم چون علی حضرت  
امیر طبرستان که چندی از آنجا به میلان رفته بودند را احضار شویرون کرد و در آنجا محامی و بیجا بود و خود را از آنجا و سعادت  
مقدس شرفی فرمای شویرون شدند و اعانی و آشنای و بیجا خود هم شدند و روز سیزدهم بعد از وداع با اعلی حضرت امیر طبر  
شهر سال بسویغ شرفی فرمای کردید و روز چهاردهم شهر انیسر و ک بود و مسعود شاهانه مزین شد و در پانزدهم غریب  
شهر بولون ابطالب فرمودند در نیشنگرانی و منبر اظهار مرتب و ایشان از اینکه جدا اعلی حضرت همایون بجا ابطالب و در <sup>نیشنگر</sup>  
از اعلی حضرت پادشاه ابطالب که در شکار کوه آبی بسیار شدند و روز شانزدهم در بولون توقف شد و بگردش این شهر و نوا  
پراختند و روز هفدهم عازم بر نیشنگر که آنرا بنام ابطالب است اینجا کشتهای دولت عثمانی حاضر شده که موکب اعلی را با سلا <sup>موت</sup>  
بیر شدند و فرمای این روز که روز هجدهم باشد بنه در شویرون و در کشتی از دولت عثمانی یکی موسوی سلطان بنه حضور  
سواری اعلی حضرت سلطان عبدالعزیز بن سلطان عثمانی و یکی موسوی بطبعه در اینجا حاضر و مشو پانزدهم که سابقا بنه در  
عنائی در آنجا نشان است این کشتهای دو ساعت بجزوب ماندن اعلی حضرت همایون با بعضی حوام در کشتی سلطان <sup>نیشنگر</sup>  
و سایرین داخل کشتی طلبه شده و روز نوزدهم عازم اسلامبول کردید و در آنجا اعلی حضرت سلطان در کال امپان  
طرح میکنند و در بیست و یکم از خلیج آن پای تخت بویان گذشته شش ساعت تمام از نیشنگر گذشته  
تر یک بجاز داران شدند و در بیست و دوم بعد از چهار بیغاز دار داخل رسیدند محمد رشید شاه صدر اعظم مشو و نیش و ان <sup>نیشنگر</sup>  
بار حال و صاحب منصبان بزرگ دولت عثمانی از اسلامبول اجاب اعلی حضرت سلطان عیاق قلعه با استقبال و کوب همایون آمدند  
کشتی سلطان مقابل قلعه سلطان بنه لشکر انداخت محمد رشید پادشاه همایون و بحضور مبارک نشر و جیشد از اینجا تا اسلامبول  
ده ساعت راه است که پانزدهم فرمودند لشکر کشیده بطور اسلامبول روانه شدند و در بیست و یکم صدر اعظم از نیشنگر  
که در اسلامبول بودند در کشتیها نشسته با استقبال و کوب علی آمدند اینجا خارج تر در کشتیها نشسته با استقبال آمدند  
خلاصه کشتی آمد تا عازم عیاق مشو و بیگلر بیگ که برای منزل اعلی حضرت همایون تعیین شده اینجا طرف اناطول لب بغاز واقع  
است از عمارت بسپار نماز و ولعی میباشد و چون در محله بیگلر بیگ ساخته شد این اسم می نامند آنجا که جریان آب بغاز  
از بحر فرات بگذرند و در آنجا بیست و یکم کشتی ممکن نشد که عیاقی عمارت لشکر بنه از آن عمارت گذشته هزار قدم بالاتر  
ایشاد بعد از چند دقیقه اعلی حضرت سلطان که در عیاق بیگلر بیگ بود ندانند و نواب حضور که برای اعلی حضرت همایون حاضر کرده  
بودند بکنه سلطان آمده از اعلی حضرت شاهنشاهی پذیرایی شایسته نموده پس از قدسی صحیح از کشتی پایش آمده اعلی حضرت  
شاهنشاهی ایران و اعلی حضرت سلطان عثمانی منفق در نیشنگر کشتهای بسیار شدند و اعلی حضرت سلطان اعلی حضرت  
همایون را بیعاری برده اطافهای منزل و عمارت نشان داده بیعاری خود نشان را احضار نمودند و در روز موسوی مسعود کوبه

شرفیات بوجه کمال آمد بعد از نیم ساعت اعلی حضرت شاهنشاهی با جناب شیخ الدوله صدر اعظم و جناب عبدالملک و علی بابا  
 شرفیاتی باشی هم از کوه باغچه سبزه با اعلی حضرت سلطان رفتند اعلی حضرت سلطان نایب تریه با استقبال آمدند و اظهار کمال و در آنجا  
 نمودند و بعد از آن در محبت منزل معاودت فرمودند روز بیست و چهارم سفری خارج بمقام اسلامبول و کلای دولت عثمانی بمحض مبارک  
 شرفی جسد فرزند پاشا از جناب والده اعلی حضرت سلطان باحوال پر و هفت روز مسعود مبارک آمد قدری از روز دهم کربلای  
 سپاه گذرانند روز بیست و پنجم در عمارت عالی چراغان نهادند همان اعلی حضرت سلطان بودند روز بیست و ششم در شهر اسلامبول پاشا  
 مسجد با صوفیا و سفاخانه این شهر فرمودند نواب پسر اعلی حضرت سلطان که شانزده ساله می باشد در نزد  
 پدین اعلی حضرت همایون آمد مشی شام را در عمارت بسکطه مشی عویش بود روز بیست و هفتم در بیاض کشتی عزیزی بر غما  
 گذشت و بیست و هشتم در باغ والده اعلی حضرت سلطان با اتفاق اعلی حضرت معظم بهار و عویش بود در باغ و عویش و طوبی هم  
 ملحوظ نظر آنور که بد شبی در عقیق از عویش همایون کارهای عزیزی که روز بیست و نهم کاملاً پاشا و پسرانش را الشواریت  
 محض مبارک شرفی جسد پسر و زبیری صدر اعظم شرفی فرمودند روز بیست و نهم در عویش و عویش و عویش و عویش و عویش و عویش  
 عزیزی بود و چون کشتی طلوع کرد وقت آمدن با کشتی سلطانیه بود چندان امتیازی نداشت کشتی و عویش و عویش و عویش و عویش  
 و کابا علی معین شد در چهارم بر بند بود و رسیدند و پسرین محکوف و کنگل بزرگ مهانداران سابق دولت روس که ابتدا با آن  
 آمده بودند از باغچه آمد مشغول پذیرایی مقدم مبارک شدند و از کشتی سلطانیه کشتی بخار کوچکی که از طرف پوتی آمده بود  
 نغذای کان کرده و در دو خانه داخل و با یکدیگر از کشتی خارج میشدند لب و در خانه اطاف کوچکی موجود کرده بودند و نواب  
 کراندوک پیشل برادر اعلی حضرت را ملاطفت و در هر که جان نشین و فرما نغذای و نغذای است اصاحی معینا و در اهدام اسکله حاضر بودند  
 بعد از مقدم نغذای نغذای با کالسه بخار بر راه افتادند و فرما صبح بقلین سپیدند و با یکدیگر از کشتی جان کامله جلا آمد و در  
 این روز نواب کراندوک پیشل پدید آمدند و نواب عظیم پسران و وجه خود بیازد اعلی حضرت همایون آمدند و بعد ها بعضی مواضع  
 و در شب پسران و ملحوظ نظر هر اثر شاهانه کردند روز بیست و نهم شاهزاده همین میرزا که از فرابع آمده بود با پسران خود بحضور  
 مهر خور و مبارک شرفی جسد پسر و زبیری صدر اعظم شرفی فرمودند و چون پسران و آتشباری بسیار خوب هم کردند روز هفتم از  
 نغذای پوتی که در فرمودند روز بیست و نهم شرفی فرمای کثیر کردند و در هر طرف نوابان چای که از حال شکر است و عویش و عویش  
 باز دهم دو ساعت از شب نهم شهر شامی بود و مسعود همایون من بر کردید هم جارا چراغان کرده بودند روز دهم نیز در  
 ساعت شکر شهر یاد کوبید و در فرمودند و بعد از صرف شام بکشتی سلطانیه که در ابتدای سفر خیر پاشا در آن نشسته  
 داخل شد و بعضی مقررین با کابله رضای همایون نیز در کشتی و مسویشاه نشسته راه افتادند روز دهم اگر چه در  
 با تری میاند و طوفان و انقلاب در با مانع بود که وارد اسکله اترک شوند و در چهارم در جیب پاشا شرفی و عویش و عویش

عموم اهل الک و سلاطین معاودت اعلی حضرت شاهنشاهی فرزند شکر کاملاً و سرش وافر کردید و سفر خیر  
 فرنگستان سعادت اختتام یافت

تذیبات

بعضی سواران که فریب پیدا و ناخوش نواب جهان سواران سواران سواران سواران سواران سواران سواران سواران سواران سواران سواران  
 بودند از ایشان مستحق ساختن و تابع حزن آنکه اینسال رحلت نواب علیه عالی خند عظمی و شکر گری مهد علیا والد خیر  
 اعلی حضرت شاهنشاهی است که روز ششم بیع الثانی و در الحلافه طهران بجوار رحمت الهی پوشید و در بلده طیبتم  
 در بقعه مبارک حضرت معصوم سلام الله علیه در مفره شهر بار میر و مراضی مدفون گردیدند عینا سلطان سربازان بجای بیست  
 هفتم بیع الاول در حرم شد نواب خیر الدوله عمه اعلی حضرت همایون شب بیستم شهر جمادی الاول بر عشاء پندی پویش جناب  
 حاجی سید اسد الله مجتهد صفهان ولد حرم حاجی سید محمد باقر از اجله علای صفهان در بین راه عینا عالیات و سربازان  
 شب سلخ جمادی الاخری داعی خونی را بیک اجابت گفت جناب حاجی پسر احبب خان مشیر الدوله صدر اعظم بعد از دو مویک مسعود  
 بجاک این از نهم صلیبا استغفا کرده در درشت مؤلف کردیدند روز سلخ رجیال حب مویک اقدس علی که از سفر خیر  
 اثر فرنگستان معاودت پیفر متوجه دار الحلافه با هر دو مقدم بیست مبارک نیز نمود و نذارت جنگ و امارت نوب جانیه مبارک  
 و قورخانه و کعبه امود و معلقه با داره عسکره کاف السایق بعد از کفایت نواب الاقره الدوله مویک اول امده مجلس در بار  
 یا اجزای مسطوره در ذیل تشکیل یافت (جناب اجله پسر ابوسف مشی الممالک و زبیر داخل و در پس کلدفان و محاسبات و  
 خزانه و غیره و در پس دار الشو و ناظم دار الحلافه و خالصه حیات) (نواب بدلا مضرة الدوله و زبیر حیلان نواب والا اعضا  
 السلطنه و زبیر علوم) (نواب الاعمال الدوله و زبیر عدلیه اعظم) (جناب پسرنا سعیدمان مؤمن الممالک و زبیر امود و خراجیه)  
 (جناب خیر الدوله و زبیر حیات) (جناب مجتهد الممالک و زبیر وظایف) (جناب پسرنا علیخان منشی حضور و زبیر سایل) (جناب اجل  
 آفای مشی الممالک باعطای فلما فی مرتع بجار مریاهی کردید و شملی جهات قطع بافتار جناب عظیم شرفی و صدور یافت  
 که سواد آن از فرار دیلاست

سواد آن از فرار دیلاست

و چون جناب آقا در بخانه دولت لازم است از آمدن جناب ایشان کمال حرمی خوشحالی باد مشی و انشاء الله تعالی و صلوات  
 و سپرده بخود را عینا بیخ فاعده و نظم خواهد آورد  
 از امر و زکد و زغره شعبان العظمی است بخواست خداوند متعال امود معصوم معتبره طیبنا با ایشان محول و مویک و پسرانم  
 که آنچه در قوه دارد با شطام آنها بکوشد و در این امور و اشا و اخلاصا امداد و مرید و تائینا ما کمال تقوی و انشاء الله تعالی

نوشتارهای قبل مرصعین از فرنگستان نوشته شد

دوازده ماهه که حدود مقصد دارد و تفصیل داده خواهد شد و پاست در انشورای دولتی رسیده که بحساب دولت و مملکت و پاست فرخانه استیفا و جمع و خرج نظم حرانه و پستان دولت کلته رسیده که با مورد در الحاقه با هر و خالصات مخصوص طهران و بلوکاشان

جناب علماء الدوله که علاوه بر منصب کشیک با شکر می فرستند نیز از فرنگستان موافقت استیفا آتاسی با شکر می فرستند و این وان اواره فرستاده مبارکه و باغات و عمارت و جوانی دار الحلقه با هر و سایر بلاد مالک محروسه را فرزند سایر مشاغل جناب عزیزی تهیه نموده با پستان و کنار و باعطای بکفایت عساکر مملکت بالاس بر پستان مبارک آرد تا عساکر با شکر و پیشخدمت مخصوص حازن صورت و حجبها چون کردید و دستخط ملوکانه در بنیاب شرف صد و ریافت که سوادان از فرزند پست

سوال دستخط مبارک

آقا رضای عکاسی استیفا و حاصرا از عهد صبی و اول حاله داستان اعلی فرزند شده و در رجوع خدمت غالب خود با ظاهر کرده خاطر ما را از این داشته است این اوقات منصب بخوبی در رجوع صورت مبارک و جنبی با عهد او محوله فرموده محض رعایت خاطر ما از او را دست اجوداتی مخصوص حضور مبارک اختصاص دادیم که این بود و هرگز کمال مباحث و مسائل آن بوده در خدمت محوله شرایط امانت و صداقت مرعی دارد فی شهر شعبان المعظم شد

سوال دستخط مبارک

چون نظم امور با او عرض ما رضی و مله و من همیشه منظور نظر ما بوده و همیشه لازم است که دستخط این دو کوی دولت و نظام این شغل را بریزد که بکاریم که بعد از تمام وضع ظلم را از مظلوم کرده بر مراد عاکوفی و آسوی که هموم را با عاقبت این اعدا الله که دارای صفات حسنه است شکر فرموده این شغل را بعهده کتابت در پست که در پست و امید و این نیز منظور نظر ما است ثواب و درین ماد ما از طرف ما کمال تقویت را نظام این شغل را خواهد شد انشاء الله تعالی استیفا و پست

سوال دستخط هاپون

فرزند پست

عاد الدوله برای ابلاغ احکام هاپون بدیوان عدالت عظمی و عرض مطالب این وزارتخانه مخصوص مبارک و کمره فرستادن در سواد محسنان صنایع الدوله را معین فرمودیم که در سفر و حضر مواظب بخدمت خود خاطر آن عم اکرم را از این فقرات است داد و بموجب این دستخط بصفت معلوف دیوانخانه عدلیه اعظم برقرار و انجام و اجرای کالیف مفرزه مامور است شعبان ۱۲۹۰

برای هر یک از ولايات ممالک محروسه نیز مقرر شده عدالتخانه موضوع و برقرار شود و در پستان از طرف وزارت عدلیه دار الحلقه معین کردید و در هجدهم شعبان موکب علی نشر فی فرهای صد مبارکه داد الفنون و در بیخانه دولتی شده وضع انتظام این دو دایره جلیله را بنا بر توصیف پسند خاطر مظهر شاهانه کرده دستخطی با شمار نواید الا اعضاء السلطنه و ذی علوم شرف صد و ریافت که سوادان از فرزند پست

سوال دستخط مبارک

اعضا السلطنه مواظب تمام در خدمت دولت همیشه مطبوع مابودن و اینکه در عباد خود هم چنین اداره و کفایت خود طوری مقرر شده سایر جنات مقرر و نگاه داشته اند که امر و کار مدینه و بیخانه را با این خود مشاهده کردیم بیشتر خاطر ما را از این بد بلا مشا من رضا و مستحق خودمان بکوی براری از ملبوس مخصوص فرستادیم که بر حاکم مله ما زیاد امیدوار باشید زیاده فرماشتی نیست

حکمرانی عراق و جناب بی الملک و کنار فرمودند جناب بی در اعلی و وزیر رسایل بلیغ جلیل امین الملک مکتوب کردید دستخطی در ان اجودان محکومند که با اشارت پست و مشکین و ایالات شاهنشاهی این دولت سرافراز فرموده این شغل را علاوه بر پستان افواج سپرده با فرمودند جناب بی صد نلک را علاوه بر منصب جلیل خواهان لاری و خازن مهره آثار منصب الجانی کری ایل جلیل قاجار سرافراز فرمودند و دستخط هاپون از فرزند شرف صد و ریافت

سوال دستخط مبارک

چون انتظام امور قاجار همیشه منظور نظر ما بوده و همیشه در هذه السنه تخافوی پست و معابد ها الطحانی کری کل قاجار پست علاوه بر نظارت و مهراری بعهده عضد الملک و کنار میفرمایم که در او استیفا و نوکر ایل و نظم امور شان مساعی صلیه بکار برده که تا می نکتند شهر شعبان المعظم ۱۲۹۰

جناب کتبی که در پست مختار دولت منسوخ در بار دولت علیه ایران که چندی قبل بجهت پذیر این مقدم مبارک اعلی حضرت هاپون بویسند معاودت کرده بود که بعد از این بموجب امور پست سابق و لا حق خود بد بار دولت علیه عود کرده روز پنجم رمضان با شریک نشر جنات دارد در الحلقه کرده و روز هشتم مخصوص مهر ظهور نشر و حجب مخصوص

ارجاسنی الحوائج همایون دربارہ حضرت مستطاب اجل شہنشاہزادہ معظم و لجهاد دولت علیہ ایران سلطان مظفر الدین  
ادامہ ایفادہ العالی بکفیت شہسپہر صبح مکلا بالاسر لسیجا کراہیا بافتخار نواب مستطاب معظم مرحمت فرمودند و این بندہ آن  
مبارکہ را بجا بصلحت ہوان وزیر مملکت از دریا بجان ابلاغ داشت کہ ایشان خدمت شہنشاہزادہ اجل اعظم بلیغ تمام  
و جاب صاحب ہوان ہر منصب لیل و لعل جلیل و ذہن نظامی بکفو بختہ شہسپہر صبح خلعت آفا بطلعت ہمایون سرفراز کردید  
دستخط ہمایون بشرح ذیل بافتخار جاب عزالیہ شرفصد و ریافت

سوادک خطاجا منطاع مبارک

چون صاحب ہوان در خدمات محولہ خود در آذربایجان کمال سعی بکرم داشتہ و در امور مشغول و در این اوقات کہ از کرا  
مرخص شدہ با ذریعہ بجان ہمدان و انصیب جلیل و ذہن نظامی مقدر فرمودیم کہ با کمال دلگیری مشغول خدمات محولہ نمود  
باشد شہنشاہ مخافوی پیل

ابلاغ دار علیہ مجلس شوری کبری و غرض عراض و ذرای تمام بجا کما ای مبارکہ بر عہدہ امین السلطنہ پیشینہ خاصہ  
آندود دستخط ہمایون از قرار شرح ذیل شرفصد و ریافت

سوادک خطا ہایون

اعلام واحدا و ذرای دار الشوری کبری عہدہ امین السلطنہ است کہ سمت پیشک آفا سی باشکری و ذرا خواهد داشت  
در ایام شنبہ و سہ شنبہ و پنجشنبہ و شنبہ و اوقات دیگر حسب الاوقات کہ مقرر باشد و حضور و ذرا لازم آمدہ و در مجلس  
ذرا با اعظم حاتم خواهد کرد و موافق فرمایش مامور مشورت و مسئلہ مقررہ با با ما ابلاغ خواهد نمود و حاصل مشورت  
مخبر خواهد رسانید شہنشاہن شہنشاہ

جناب سپہ و ملینہ کہ از جانب دولت فرانسہ سمیت زہر بخاری و مامور در بار دولت علیہ بود در واسطہ رمضان با شراہ  
تشریفات معمولہ و در مدار الحلاہ کردہ روز سہم و روز پنجشنبہ و روز شنبہ و روز یکشنبہ و در اوقات شمع الدولہ بکوت  
ہمدان سرفراز آمد نواب محمد امین میرزا حکومت کلیا پکان و خواستار مبارہ کرد بد انجام خدمت مسطورہ در ذیل عہدہ  
میرزا فخران امین شکر موکل کردید (وصی و وجوہ نظام از ولایت مالک محروسہ) (نصدا امر ملبور کل مشون) از رسیدن کما  
جام خانہ نظام (محاسبات نظامی رسیدن کما مور محاسبہ خور خانہ مالک محروسہ)

حاجی میرزا بچی خان نائب خور و یکی از نوکرهای او نیز چار بارہ از یاد آوری امیر علیخان حشم الملک امیر فرمان کہ در پیشینہ  
خدمت کردہ بود بکفیت شہسپہر صبح مکلا بالاسر مقدر کرد بد فوج بہادران نیز با علاوہ ہر فوج ششم اقبال جمعی محمد باقر  
شیخ السلطنہ معزز علیہ ابوالجمع فرمودند و ذرات عسکر تہ بہا تمام حضرتنا اجل اعظم شہنشاہزادہ والا امین السلطنہ

امیر کبری ادامہ ایفادہ العالی و نواب والا حسام السلطنہ و نواب والا معین الدولہ و جاب نامر الملک و میرزا موسی بک  
شکر نہایت تمام است و ذرا امور خارجه را بر عہدہ کفایت حاجی میرزا حسنخان مشیر الدولہ مرحوم فرمودند و دستخط مبارکہ  
در بنیاد ذرا شرح ذیل شرفصد و ریافت

سوادک خطاجا منطاع مبارک

چون وزارت امور خارجه اعظم امور دولتشہ نظام آن پوسندہ منظور نظر است لهذا در این اوقات دارہ و مستشاران  
امور خارجه را بعهدہ کفایت حاجی میرزا حسنخان مشیر الدولہ و کذا فرمودیم کہ بجز در قوه خود داشتہ باشد صرف  
انتظام اینکار نماید شہنشاہ مخافوی پیل

امیرزادہ مؤمنک میرزا ولد مرحوم ملک آرا با الجانی کبری کچرا سوار افشار و در پرن و غیرہ و لقب الجانی سرفراز فرمودند  
مقر اللہ خان حاکم کرا کو در منصب شریفیہم واللہ ہار خان حاکم اسالہ بمصبت سر منکی مبارہ آمد خدمت دولتشہنشاہ  
پاشا حضرت رضوی سلام علیہ بجا بصلحت ہمدان مؤمن الملک رجوع فرمودند علی الجانی سر کردہ ہو کر  
اشرف بکفیت نشان سر منکی از درجہ اولہ با حمالان سرفراز آمد و ذرا تجارت بر عہدہ جناب نصیر الدولہ پیرزا  
عبدالوہابخان مقر است حکومت در جوب کفایت و ابوالاعزیز الدولہ عبدالصہب میرزا موکل اسنا براہم میرزا پیر محمد  
حاجی ابوالفتح میرزا بنیاد حکومت بخیرانی غلامحسین میرزا در محوم احتشام بنیاد بلیغ فرار کردید ہر ذرا عبدالغفار  
معلم کل علوم ریاضی کہ مخصوصا در علم نجوم و ہیئت و ہندسہ شریفی کامل دارد و منصب سیم باشکری اعظم شہنشاہ  
ولقب نجم الملک و خلعت ہر طلعت ہمایون سرفراز شد عبدالحسین خان ولد مرحوم خاننا باخان سردار بلیغ منصب نزال  
اجودانی و اعطای بکفیت نشان و حمالان از درجہ دوم سر منکی مبارہ کردید سدا قول بلیغ منصب مقدم التشریح  
سرفراز آمد آرا و عمارات ہالہات و باغات مبارکات را با عملہ احتساب پیرزا کرا و کذا فرمودند و دستخط اجا منطاع  
مبارک از قرار شرح ذیل شرفصد و ریافت

صورت خطا مبارک

محمد حسنخان صنیع الدولہ کہ برودہ نہر پیت عسابت است در مدت خدمات حضور ہمایون کفایت و صداقت و ازان  
در عہدہ السنہ مخافوی پیل و ما بعد ما علاوہ بر خدمات سابقہ از فرار تفصیل خدمات دارہ باغات ہوان را بعهدہ کذا  
اور رجوع فرمودیم

عمارات و باغ نکاستان عمارت و باغ کانداز باغ و حوش و جلوس عمارت و باغ الجان عمارت و باغ سلطنتی ابد عمارت  
باغ افندہ عمارت و باغات بناوران باغ مرحوم ہمد علیا طالب شہزادہ بناوران جنابان سرک بناوران عمارت

نهاد خودی و بند چنان بابها بون چنان بان ناصرتی کوچهای اطراف عمارت چنان بان باغ بلخان چنان بانهای مهمند و از آن  
شهران و جلوه خانه اعضا دولت و عمارت و باغ کن باغ و عمارت دولتی باد عمارت قدیم و جدید جامع و عمارت و باغ و قصر  
فاجار و عمارت اجناس تمام اقوات منقلب بی باغات

که در موطن و شرط این حد من چنانکه منظور نظر ما بونش کوشیده ما ما را در بنا نظام و آباد نگاهدار در حسن  
خدمت خود را درین امور و بنا ظاهر سازد و بی شکر بجز الحرام نشاند

حاجی میرزا حسنخان وزیر مختار اسلامبول بلفظ نیل معین الملک سراسر فرزند  
سواخ عدل و وفایع عظیمه که در نظرنا اینسال در شمار روی زمین و افکار العالی نقاشی

افتاد

اسپاینا

شورش هواخواهان دن کارلس قوت و امتدادی بهم رساند و دولت هتبه زبادی بجزیرا عیان می بیند چنانکه در پیش  
جزیره کوبا استغفار آید و دوم پادشاه جدیدان سلطنت و رفتن پادشاه با خا نواده خود بر نوال بخشد و جمع  
نمودن قووات دن کارلس را اغلب نقاط

اطریش

قوت امیر اطریش را روپن گوشه از اقوام امیر طور مقرر داشتن ششون دولت اطریش را بگشنده خراب افتتاح اکتیون  
صنایع در اول ماه مذکور و در و اول اعلی حضرت امیر طور و در و نواب چه بداند دولت بناشای اکتیون پیوسته در اول ایزد  
و در و در اعلی حضرت امیر اطریش در ان در و اواخر همین ماه و در و اعلی حضرت شاهنشاه ایران بوین در سیو یکم ژولیه ملاقات  
اعلی حضرت امیر طور ایتالیا و اعلی حضرت امیر طور اطریش در وین اختتام اکتیون پیوسته در و نواب میر جتین سال بیست و بیجم  
جلوس اعلی حضرت امیر طور را در اغلب نقاط گرفتند

المان

ورود سفیری ناپلین در برلین شورش و زلزله که استعمال جوهر بادی دفع شود شبان لازم شد مسافرت اعلی حضرت امیر طور  
بیطین بورخ از و لاج شاهزاده گلد باویرا پرنس ثرزل دختر اعلی حضرت امیر طور اطریش و در و اعلی حضرت پادشاه ایران  
دو برلین در سلخ ماه مرچون نقطه آخر خنسا و پنجهک فرزند داده شد قلعه بلگر که آخر نقاط منصرف بود و بطور که کان  
نگاهداشتند بوند عساکر پر و سر خالی کرده رفتند ملاقات اعلی حضرت پادشاه ایتالیا و اعلی حضرت امیر طور المان در برلین  
و ملاقات اعلی حضرت امیر طور المان با اعلی حضرت امیر طور اطریش در وین قوت و ان پادشاه ساکس

انگلیس

بعضی از رجال دولت از نمایان و پیشرفت فنون و در وقت حیات آنها در وقت خوبی متغیرند بنا بر این دولت در وین در حال  
سوال اجودان مخصوص اعلی حضرت امیر طور را بجز اطمینان دولت انگلیس بلندن میفرستند قوت ناپلیون سیم امیر طور  
فرانسه در نظر سلطنت خود در تمام توپیکاعت و نیم قبل از ظهر در افتتاح مجلس پارلمان ژرژ گرانویل وزیر امور خارجه کلا  
ملک اطمینان میدهد که دولت روس بچوبه در حال نگاهداشتن جنوبی نیست اعلی حضرت پادشاه انگلستان بفرستد  
و نسلت بقصر سلطنت میبردن امیر اطریش در لندن رفتند ابتدا و سناز عمر ما بین پادشاه آستانه که یکم سلاطین افریقا  
باد دولت انگلیس در حال و نسبی مامور ممتاز عمر با پادشاه آستانه است فتوحات سردار مذکور در ان مملکت

ایتالیا

طهیان روخانه نو و خرابی و ساندن با اغلب نقاط استغفار اکتیون ناپلیون سیم تو حبه کردن مردم در میان فتوحات  
برای ما خن مجسمه ناپلیون سیم و در و اعلی حضرت شهر با بران در بیست و بیجم ژولیه با ایتالیا

چین

خاتمان چین که طفل بود بسن بلوغ رسیده خود کفیل امور سلطنت میشود

روس

قوت عمده اعلی حضرت امیر طور در گران دورش هین و روسی از معارف غیر بیطرفان بورخ و نظام نمودن از لغات خان جنوبی  
بنابر این در حال کفران باد و از ده هزار فنون به نسیه خان جنوبی مامور شد و در و اعلی حضرت شاهنشاه ایران در شانزدهم  
ماه مرجع اطریش در و در و اعلی حضرت شاهنشاه معظم در بیست و یکم همین ماه بطین بورخ عساکر روس در اول تابستان  
از دو نقطه وارد جنوبی شده شهر خوه را تصرف کردند بعد از تصرف شهر جنوبی در بیست و بیجم ژولیه انعقاد مصلحت  
سردار روس خان خیره شد مشروط بر اینکه یکسمله از مملکت خود را بفرستد سردار روس یکسمله استبصر سردار و با  
دهد و خود را مثل سایر خوانین ترکستان در تحت سلطنت روس نشاند بعد از انعقاد این صلح تا اینه خون جنوبی بخان  
خون شود بدند و خان مجبور شد که از سرداران روس استعانت جوید انعقاد عهد نامی ما بین دولت روس و امیر طور  
کشتی طای در و اموزان و خواهد بود کاروان بخار و روس با کال ازادی در تمام حال بخار است و استخوانی کند غیر از این  
اینکه دارای باش بر تاز روس باشند حق توقف در بخار ندارند و فرزند و برده منوع است

ترانین

مسافرت نواب کرمانه و اکتیون امیر طور روس با مملکت مباد و عهد نمودن و نیکوکاران جشن گرفته سفر این را کردند

سولیس

فوت و در روز پنجشنبه در شهر تبریز و پنجشنبه معادل چهارم که در این زمان ملا خود را با هالی شهر

عثمانی

نصیب علی شاه بشارت و عزت محمد شاه پاشا و در اول عیادت شاهنشاه ایران در هجدهم ماه اوایل سال

فرانس

ایجاد و گدای و ولت که در زمان سلطنت رسم بوده و موسوم مجلس سنا استغای سبوطی از پادشاه جمهوری و زاری که بینه او بودند در او آخر آوریل و نصب مارشال ماکا هون بر پادشاه و در ماه و نیمه بسیار پس مدت ریاست مارشال ماکا هون هفت سال مقرر شد مارشال بازن کرد و قلعه متیس محصور بود و آن قلعه را بصره عساکر پرور داده بود حکم عزرا و ان سر داری با حکم قتل او از شورای عسکر بر صداد شد مارشال ماکا هون بواسطه حق عفو که دارد از قتل او در گذشت لیکن مقرر شد مدت بیست سال تمام در جزیره سن مارگریت که نزدیک سواحل فرانسه است محبوس باشد

مکزیک

لرزه بزرگ در زمین و در افتتاح مجلس در صده این است که بلکه بواند ششم الفتن و دوشی که سابقا با فرانسه داشت حکم کنایه املت روز خوش و آرزو پس سابقا در روز عزاد و روز تولد او مقرر داشتند روز عیش برای تمام ملت باشد و برای ولاد و فرزندی او و طیفه فرار دادند

هلاند

ابتدای منازعه بین هلند و سلطان آفرین که بگفتن منازعه بر سواحل سلطنت ارداهالند هی اسلام دارند شکست خوردند و هلندیان نشون ایچین بواسطه زخم خوردن ز نزال کفر سر دار نشون هلندی شرح و قایع سالیان پیش هشتاد سلطنت علی حضرت اقدیس ها بون شاهنشاهی اجلا خسرو صاحب فرزند شد الله تعالی در غایم بلکه مطابق بنوشته شد و در اینست بود یک هجری بخافوی شیل که که بعد از یکجا

تقریباً پست

ملشون

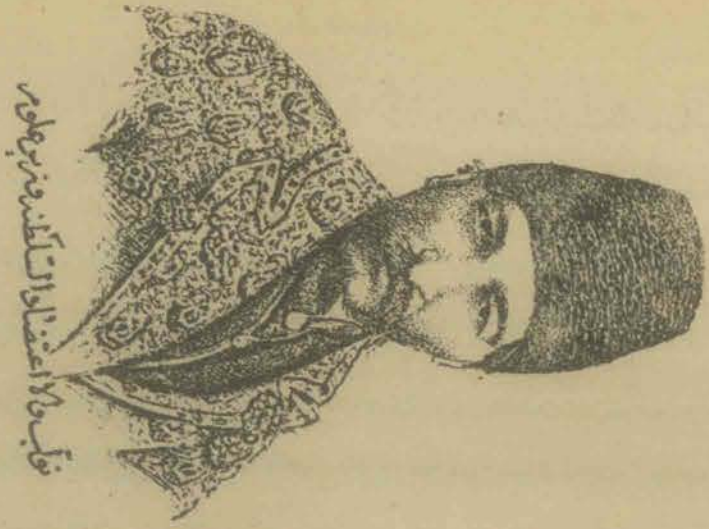
کنند

کلیه امور و مهم دولتی و ملکی در این سال جز مال شو جات خاصه اعلی حضرت هاپون مخصوص و با نظام تمام و ترفیات کامله است و سرافرازی ابراهیم خان سهام الملک ملقب به پام الد و کرد بدین آسید رضی برادر مرحوم میرزا سید عبدالله ناظم میرزا منصب استیفا از درجه بیستم نایب آمد حکمران دارالعبایه در این جناب عبدالملک وزیر مخصوص حضرت فرمودند حسین قلی خان مافی وزیر سابق اصفهان از جناب جناب عظیم بنیاب حکومت رفت حاجی حسین خان شهاب الملک و از خراسان بلقیه جلیل نظام الله و خطاب جناب میرزا آمدن کجا در خان سرتک و در این کارخانه اذری ایچان بمنصب زنی مقرر گشت و انگریز پالت کردستان از این حکمران که هانشان فرموده بنواب کامو بدالد و در حشر کرد تدهکرت عراق و بر وجود با بعد که کالت نواب و انصره الدوله و کتا و فرمودند مهم امور دولتی واجیع بود طی سنده کرد بدود مستظ مبارک از فرار شرح مسطور در ذیل شرح و در یافت

سواد خط مبارک

انواعی و کت و اعضاء ملک شش امارت مهم دولتی را که جناب مستوفی الممالک و جناب مشیر الدوله و نواب اعانتا السلطنه وزیر علوم و نواب عمار الدوله و وزیر علمیه جناب علاء الدوله و وزیر جنگ و جناب عبدالملک الپاتی و خازن مبارک است انشاء فرموده و در ذیل و بار اعظم لقب دادیم و کلیت امور ملک را که مقرر با بعد هر یک از آنهاست مستقل از اینها و جمع گذاشتیم با اینچنین که هیئت مجتمعه مزبور که در قاریت مختار در بار آید شده است از این تاریخ که شهر ربیع الاول است سینه هزار و دویست بود و یک هجری است انجمن و کل مملکت ایران مستولست تکالیف این جمع و مجلس را که تطبیق جمع و خرج و نظام نشون و رفع هر گونه اختلال داخله و تعدد حکام و کاپات و مباشرت در بوان وصول و جرح و حاله و اشغال بر و ات اجرای بعضی مفاصله عالیها و نفاست جدا کاند در ضمن اوقات چند بدست خود مرسوم و مقرر داشتند که من بعد فقط مهران مجلس که بلعظ صحیح و ذی داری و بار اعظم است بر این تمام و نفاذ احکام کافی خواهد بود و در حواله بر و ات هر یک که مشیر داری و بقیه وضع شده است بحال حواله زده میشود تغییر و تبدل بر منصفان امور با دلا بلیت و حجان مختار هستند و با اختیار و اتا خود که بلا استغنی در امور دولت دارند در هیچ موردی و مقام و سبب عذری نخواهند داشت این اعانتا ششگانه که شش واحد هیئت متحد دارند و در داری و در و پت آنها ذره اختلال نخواهد بود

وزارت مختار در بار معنی بگفتند و بلیت قوی ظاهر خواهند بود که هیچکس نغدد و ذی با بنصوب با و در که صورت متحد و منفرد به بینند و این ذی که با این مقام اختصاص یافته اند به و احدی و معاصدت و اتفاق با یکدیگر قدرتی را که با آنها افاضه فرموده ایم حفظ کنند و اشکالات امور را با این وسیله تشهیل نمایند رؤس مسائل و امور مهم را با معاضد کنند سایر



غياث الاعظم والاعظم من بروجرد



جناب شيخ الاسلام



جناب محمد حيدر خان علاء الدوله

دوره غياث

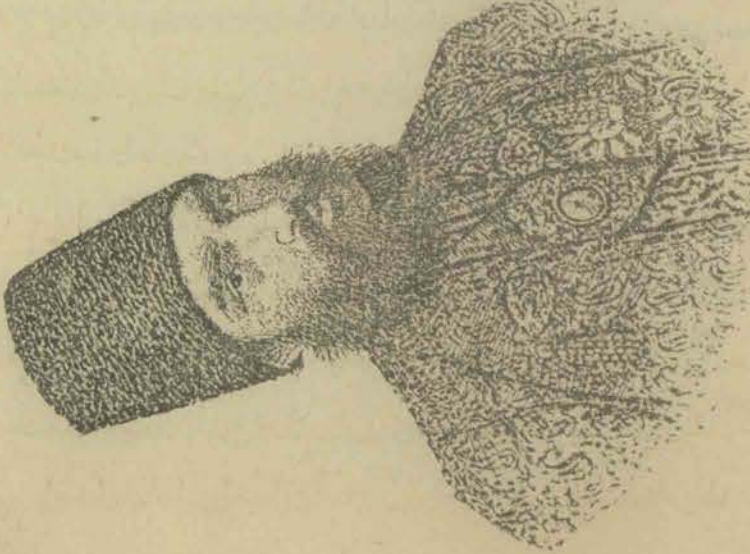


غياث الاعظم والاعظم من بروجرد

دوره غياث



جناب شيخ ماجد بروجرد حيدر خان مشير الدوله



جناب عضد الملوك



کارها را که خود قطع و فصل میکنند ایلافنا بطور روزنامه معر من خواهند داشت جوع و لا پاش کلینت با این مجلس  
و جواب این مجلس را در پیشو سایر روزی در بار که بلفظ مختار اخصاص بدانند اعضا و مجلس عوی خواهند بود خلاصه بر حکم  
انست که ازین تاریخ بعد کلا مورد ولت راجع بوزاری مختار سند است که غیر و اینها منحصرا هستند و از جانب ما کال تقوی  
در انتظام عمل آنها بعمل خواهد آمد و آنچه در مورد ولت صلاح بداند و فراموشی و بیادیم و احکامیکه در شرف مملکت از طرف ما  
میشود قبول یا بدیجری دارند و از این تاریخ بعد مسئولیت کلا مورد ولت بعد و وزاری منحصرا است شهر ریح الاول

اين پيل ۱۲۹۱

رسم شتابان حسنه معمول و اجوی آن بعد نواب والا اعضا و السلطنه و کول آمد و دستخط مبارک در شرف و در آنکه  
سواد آن عباد را بر یک ریح میشو

سواد دستخط مبارک

اعضاد السلطنه کتابچه که در دربار عظم نوشته شده است از روز بعد شام حاصل الجرای تمام فقرات و قانون آن کتابچه  
مستند که در وکالت معین فقرات کتابچه قانون حسنه بدیجری نماید و نگذارید احدی تکلف نماید هر گاه از شما و اهل مجلس  
مامون و لا پاشاها را ظاهر شود مواخذه سخت خواهد شد شهر صفر ۱۲۹۱

جناب علاه الدوله محمد علی خان بوزار جنگ سرفراز و دستخط مبارک در شرح ذیل شرف و دستخط

سواد دستخط هاپون

محمد علی خان علاه الدوله از بدایت فکر و خوی مرغی خدمت شد بخوبی از عهد برآمد و در هر موقع و مورد بحال که اینک فای  
امور محوله را ان طوری انجام داد که میل خاطر ما بود چندانکه باستان نشون عرف بعد مغز و اله محول بود از امر در خدمت نشون  
از ریاضت نام ضمیمه از او فرمود و بموجب این دستخط او را باستان سفله و اختیار نام برده هم در عزل و نصب و در قبول  
اویات منصب بجز و مختار و وزیر جنگ دولت ایران است باید خود را مستقلان با این خدمت تکلف مملو دانسته در انتظام و  
تشیق اهتمامات مفیده مبذول دارد شهر صفر المظفر این پیل ۱۲۹۱

نواب تیمور میرزا حاکم الدوله که زیاده از ششاد مسان زندگانی کرده بود بر عشا طریقی پوشت آنکه مرد و سالور و ساد و آغا  
را که عزیمت ناخفته از خراسان داشتند شجاع الدوله امیر خراسان حاکم توجیان و اللهیار خان حاکم در جزیرت و اهل  
تظام الدوله و از خراسان تبعیض فرموده اند موکب هاپون در ماه جمادی الاول عزیمت لار فرمود و در روز هشتم بهاد  
الثانی از لار عاودت و بقصر میرزا و دران تشریف و در ازانی فرمودند تا قارضا اجودان محصور میگردد نشان شهر خورشید  
از درجه دوم و پانصد تومان اضافی و جوی میرزا از امدا علی حضرت پادشاه انگلستان یکقطعه عکس شما بل خود را که بسیار

نوب

خوب شبیه انداخته بودند و در چهار چوب عالی نصب کرده بر سر پادکادی بلی العلی حضرت شاهنشاه ام ملکه فرستادند و فرستادند  
فاجار و لقب شهاب الدوله شده بر نام موسی خان سرهنگ فوج سواد کوهی یکقطعه نشان شهر خورشید با حامل سرهنگی از طرف  
امدان جانب و در پیرمان سفارت نامه جدا جدا بار معده اندازند و نواب محمد علی میرزا ولد نواب الامیرالدوله نجابت نواب  
معظم البیاض الحکوم که درستان کردید و در مجید هم رجیستری کردمان نشان و کردستان نواب الامداد الدوله و در حجت  
فرمودند جانب میرزا کاظم خان نظام الملك بود در شرف علیه اعظم منصوب و مباحی شده دستخط مبارک در شرح ذیل شرف  
صدویات

سواد دستخط مبارک

نظام الملك وزارت علیه اعظم از هم جلیل و ولت و محل توجه ملاحظه خاطر خطیر است از آنجا که در دولتی خواه راد و موقع  
خدمت کافی و صادق و بیادیم و با اقتضای تربیت هر چه که از ما بدید است اقدام خود را تابع میل و اراده معاد لانه ما نموده است  
این مهم خطیر بعد از آن در دلخواه مرجع مبادیم که از روز و کال محمد و سواد و فائش شبانه روز خود را در فاحقان حقوق  
و حصول مویات دعا کوی دولت و در آن روز و نماز و در هر صند و قهای عدالت و وضع در و لا پاشا محروسه و افوق تربیت  
چند که فرموده ایم مرفیست کرده هیچیک از شرایط این خدمت بزرگ را نکرده و نیز بدیجرات و مراسم مابشکوه و شریکت  
ا بر این بفرمایند شهر رجیستری این پیل ۱۲۹۱

جناب میرزا علیخان امین الملك و وزیر سیال خاصه شرفیه با عطا و نشان ممتاز به مثال هاپون مکلان الماس سرفراز شد میرزا  
موسوی پسر دفتر شکر منصب جلیل و وزیر شکر می مقصد حسنه بقلبان سر تربی حواره شاهسپن خوردن بیکو منصب تربیتی  
اول مباحی کشت نواب بیع الملك میرزا ولد نواب الامداد الدوله بلی جلیل حشمت السلطنه مملکت از جانب نواب اعظم البیاض  
بحکومت کردستان منصوب و سرفراز شد جانب نام برسد محمد امام جمعه و لقب سلطانه اعلام فرمود شد اداره لکر افغان را  
بلا واسطه بخبر الدوله و لکر از فرمودند و دستخط مبارک در شرح ذیل شرف و دستخط

سواد دستخط مبارک

میرزا لکر از فرزند داخله ایران مرجع کلینت دارد و غالب اخبارش و لوق و مخفیات امور مملکت منوط بکلمات لکر است  
و با این حال امر بر بود تا با جلی ملاحظه و محله هاپون و دفت کاملا مستحض رعایت جلالت و اهمیت این کار ازین تاریخ ازان  
تکلیفی دولت علیه را بر این قبض نفیس و شخص خود مان کردید از امور مخصوصه سلطنت فرار یادیم و باید وجه امن الوجود است  
مداخله بخبر و کلان نکرده ان چاکر از طرف فرزند شرف ما مستقلا مشغول شریف انتظام این امر باشد و ان طور ها که فیض  
خاطر است شرایط انتظام این خطیر و حفظ کند فی شهر رجیستری

عبدلایق

عبدالرسول خان نایب الحکومه کلان نواده مرحوم صدراعظمان بمصیبتی اول سرافراز آمد حسینقلی خان مافی وزیر بزرگ طبع  
 سعادت کما می امدان قاضی و هاشمی بلقیه نظم خلوت و باعطای بکیش لعل نشان شیر و خورشیدان درجه سیم سرافراز کرد  
 میخیز از دولت المان برای بدین گذشتن زهر از مقابل اکتای باران خلافت آمده و روانه صفهان شدند حاجی میرزا صفا  
 از اجله فراد در خلافت مرحوم وزیر یکی چشمه علی میان راه شاهزاده عبدالعظیم مدخون شد و بقعه برای او ساختند  
 پناه هزار فیضه بقعه انبیا از دولت المان برده بدین خلافت میرزا حکیم نظامت حسنه را غلبه کلابان بر فرار است و راه  
 شوال این سال مورس خط جها مطلع یکی افتخار جناب اجل آقای مستوفی الممالک و دیگری افتخار جناب شرف حاجی میرزا حسنه  
 مشهور الدوله شرف صد و ریافت که سواد هر دو از فراد زیلا است

**سواد در سخط هاپون با افتخار جناب اجل آقای مستوفی الممالک**

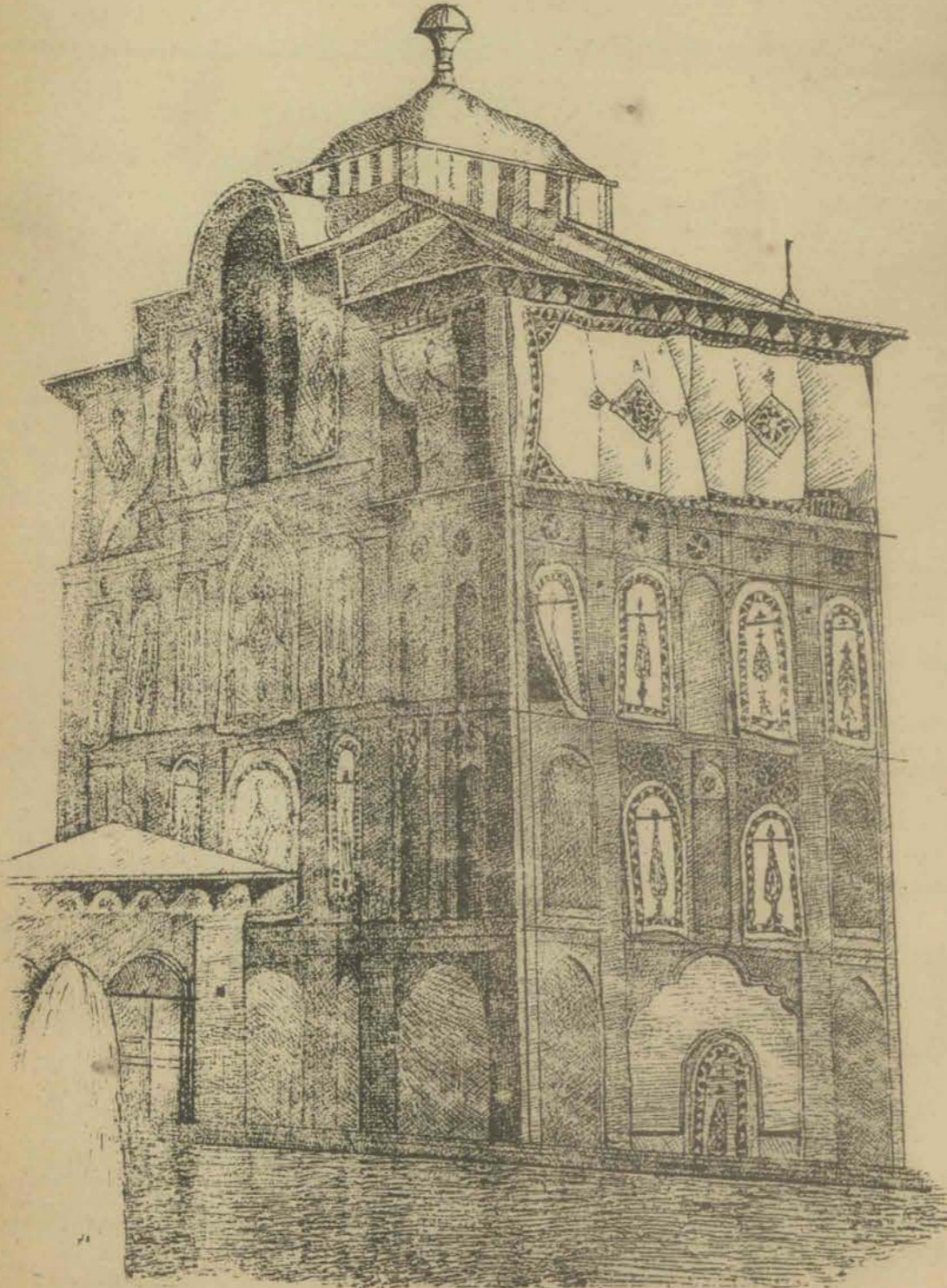
چون نظم امور ملک و رعایت آن و خوانند و حکام از لوازم است و شخصی کافی دولت خواهی لازم است که منصفان اعمال باشد  
 لهذا حال که نصف آن سواد بیست ساله است کلام و حکام و کلد کلابان از بلا استفتا و امور خزان و حوائج دیوانی و غیره  
 و غیره و غیره با جهده کفایت جناب نامو کول فرمودیم که انشاء الله تعالی در وزیر و غیره تمام جمع شعبات خزان و رعایت قبول  
 و خاطر ما را خیر و سودا سوخته دارد

**سواد در سخط هاپون با افتخار جناب شرف حاجی میرزا حسنه مشیر الدوله**

برای نظام امور فسون لازم شد که کبک از بخندیده داده شود در این اوقات که واسطه سنه خیر و بدی است  
 این برای این استفتای احدی از هر طبعه سواره و پیاده تو بچانه و نورخانه و جبهه خانه و ملبوس نظامی و چادر و نایل  
 نظام بدلا و منصب نثار نام و مؤخر جبهه جناب حاجی میرزا حسین خان فرموده او را ملبوس سپهسالار اعظم فرمودیم  
 که از این فقیر بجای فقیر از نظم امور فسون و غیره خود را معاف ندارد و حسن ظن ما را در باره خود بفرماید  
 روز بیست هشتم شوال این سال چون طرح باغ عشرت آباد ریخته شد و دیوار و نساخه بنای مشجر نمودن آنست  
 بندگان اعلم عشرت هاپون شاهنشاهی نام ملکه شریف فرمای این باغ که در میان قصر قاجار و نکارستان واقع است  
 و چهار اسله درخت بدست مبارک حضرت وانه درین باغ غرس فرمودند میرزا محمد حسین آدیله که منشی بود ناقله بود  
 و در صحیفه و لغات قطع شده این درختکاری عرض کرده با نعامات و مراسم ملوکانه سرافراز شد و سوادان قطعه  
 عینا در نایل ثبت میشود با همایون کتیبه شده دیوار قصر عشرت آباد نصب کردند

نارس می غرس  
 هاپون

مادون



قصر عشرت آباد

اورس

بادست خوش خرد در قصر عشرت آباد  
ای باغبان فرخوس نام خوش بود صوا  
فرمود از عتبات دای درخت کاری  
کوشه بار کاپک شد و فشا آباری

اصلش بود عدالت	فرعش بود کرامت	شاهی که شرفشاند	بادست شهراری
نابرتک گشدر	ابنشاخ عدل است	بکچند روز تراش	ای بر نو بهاری
شاخ ملک نشان بد	صد بار بر توان گفت	از در حدیث	از سر دجوی باری
از این شهرها	بیندامل عالم	بر زنجبیری	به زنگامه کار
زود که عشرت آباد	هم چون سپهر کرد	هم مشرف کواکب	هم مطلع دباری
بر جای پو خوشترید	آرتقا بن درختان	از فرشته پاری	از فرط نجب پاری
نا اصل کرامت	بار آورد فنون	دست ملک نشان	شاخ بز کواوری
اصلش از اندس	فرع انجلی عالم	از اصل فرع داباد	پوسته استوار
در باغ عشرت آباد	ازین دست خرد	باد اشکته دایم	کلهای ناجاری

شعرای پباشند	در مدح شاه شاهان	چون آفتاب روشن	مانند ابجاری
شاخ فشا کی کنت	نارنج غرس خرد	کی خرد انشاندی	شاخ امید داری
سعی صنیع دولت	امجد بولعظم	نجشید این بنا را	آذین استواری

و اما لشواری که می بود در بار اعظم بر اثر استعفاء حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام از جانب خداوند تعالی  
حکمران صفهان و مضامین بزم نعیبها استبان معلی بدان الحاکم فرمودند اداره و صدق و وفای عدالت و لایا با تاجان عضد  
الملك نفوس فرموده و بخط جها مطلع ها بون شرح ذیل شرح دادند

سوادد خطها بون

عضد الملك از وضع صدق عدالت و انبیا بر ائمه که شخصها بون خود در ضایق خود اجرائی عمل نمایند هنوز در وقت خود  
آسوده و مطمئن نتوانستیم فرموده که نتایج حسن نیت ماد را ساین خلق و رفع ظلم و جور صورت و وقوع و وجود خارج داشته باشد  
چرا که تا کنون برای وصول عراض و نظایر اجرائی احکامها بون نهایی می بود و ایچا که با ما است و در بنداری و در لغوی است  
اداره این خدمت بزرگ را که مشتمل بر رضای جمیعها و اسایش خاطر عدالت ظاهرها و راه و راحت بندگان خداست بعهده ما  
و اهتمام ایچا که محول میفرماییم انظور که بسبب غرض و مقصود خاطر ما آگاهی دارد این امر را محال خلی اتمام و مراعات فرار داده است  
انتظام و ترتیب از موجب کمال رضا و مرحمت ما بدانند که ایچا که اگر بخواهد در نظر بود اینست که شرح داده میشود و البته خود نیز  
شرایط لازم را در بار حاجت شرح و تفسیر میباید

حاجم بر این استیذان و اجرائی مجلس صدق عدالت را نزد خود آورده مامورین خود را با آنها معلوم دارد و ترتیبها بیکدیگر  
با این ترتیب مستحسنه برقرار کند و اسباب اصحاب این خدمت را در نکات خود نشان دستورات العمل کافی بدسد

عراضی که از بدو استفرار صدق و وفای لایا با تاجان رسید و بر طبق آنها احکام صادر شد و مامورین رفت و اتمام عملها فرستادند  
غالب نظرات آنها صورت حقیقی و قطعی ندارد و نمیتوان آنها را فصلی دانست عضد الملك از روی ثبت تا از این مجلس اجنبه  
نظر کرد و عراض را با احکام صادره و اتمام عملها مطابق نماید هر چه ناقص و غیر مجرب است تا بنا برین نوید کند بعرض ما برسانند  
و اجراء و اهتمام آنها را بعهده مامورین و لایا با تاجان گذاشته نظام قطعی هر فقره را مقرر فرمود

سابقا مامورین موثقا از عمل خلوت و نشکنداران و اهالی کشیک خانه بولایا با تاجان رفتن بود که بعضی معاودت بعضی در کار اجابت  
عضد الملك باید با عمل آنها رسیدگی و غور کند که هر یک در مامورین خود چه قسم سلوک کرده خوبان عهد بر آمده اند با بخل  
تکالیف خود بد رفتاری و طمعکاری و خاطر خواهی کرده اند و نگذازد خوب و بد آنها بجزازات بگذرد و از جمله میر و هدیه بجان مامور  
خسته بگذرد و بجزایر بجزایر رسید خوب حرکت نکرده اند با بدبا تحقیقات بجز صانع خود حقایق و حالات آنها معلوم کنند  
مامورین حدیث که حکم یکساله افامه و لایا با تاجان رفتن انداخته بنظر میرسد غالباً قابل رجوع این نوع خدمت نبوده اند عضد الملك  
ملاحظه کند و موافق لایا با تاجان این هم خطرها مامورین را بجمع و تعدیل نماید و اشخاصی منتخب مامور کند که حقیقت شایسته بعهده

انجمنه باشند

در مرکز معینه هر ملک و نقاط اصلی و لایا با تاجان صدق و وفای فرستاده شده است بقوا عهد مفروضه با بدو و نوینان هر عمل که  
بیشتر برسد حکام و لایا با تاجان در فرستادن کیفیتها اتفاقا عدالت و مساواتین چایار خانه هار از این نیستند باید عضد الملك فرستادند  
مامورین و لایا با تاجان هر ماه دو مرتبه بکف عراض را بجا بیاورند و نگذارند که عراض در محل خود انقدر بماند که بکف عراض چندین  
خاطر مارا خسته کند و لایا با تاجان خارج از خطوط چایار خانه هارست و موافق احکام سابقه مامورین بلا محصل باشند  
فاصله و وسایل مکتوب بکف لایا با تاجان چایار خانه هارست از این نظر هم عضد الملك کیفیتهای خالی شده را بمعیط محل خود  
دهد که موضع ان خالی و معطل نماند و اگر بکف عراض بگذرد که فایده حاصل نشود از نو بگذرد و کف عراضه ساخته آماده داشته  
باشد

کفهای عراضه بعد از ورود عضد الملك سر پیش حضور خواهد آورد در حضور مهران بر داشته شده اجمالا ملاحظه و بشو  
هر چه عراضی است که فقط بلا خطه و مخصوص است در حضور ضبط میشود سایر عراضه عضد الملك بد فرجانه عراضه جرات خود  
بر او در پیش عراضه خلاص عرض بطوریکه از مقصود عراضه خارج نباشد باید دانست که در عراضه حضور مامورین و اشخاص  
بعد احکام صادر و عراضه بر عضد الملك داده میشود که بموقع اجراء و ثبت ترتیب بگذارد

بجز از عراضه بلع با دارا و و ذرات کفهای درباری اشخاصی است که در بار الحاکم حاضرند عضد الملك با مشورت و رجوع  
و مرافقت نخواهد گذاشت که در بعضی ناخبر شده در ترتیب امر خلی لایا با تاجان

احکام مقرر طبق سند عیانت عارضین صادر میشود از هر کوندر رسوم و خواستهش معاد خواهد بود

مامورین مختلف که برای انجام و اجرائی بعضی فقرات و مواد مخصوصه فرستاده میشود باید اشخاص در دست این بطبع باشند  
و آنها نظام مامورین را در نظر بگیرند نه فواید و عواید مامورین و عضد الملك در این نوع مامورین هم خلی طبق شود  
و در عیانت آنها خود را مسئول بدانند

عراضه صدق و وفای غالباً بطامع انجام و وظیفه و شرح دعوی گفته بود و میتوان تصور کرد که آن نوع آزادی برای صدق و وفای  
نیست که نتوانند از ظلم و ستم که مقصود الذات بود اظهار می کنند مامورین و لایا با تاجان در عیانت بیکدیگر باید معارضه نظم حکومت  
نباشند در آزادی صدق و وفای آنها را ثبت نمایند

این فقرات ثبت که در نظر بود و درین دستخط مندرج شد عضد الملك سایر شرایط و لوازم پیشرفت منظور را در عیانت  
مارا ملاحظه کرده مجرب و مرعی دارد و این حکم را در عیانت فرایض و واجبات دینی معذور داشته از حسن مرافقت و

اهتمام مان کا فی خود خاطر مارا فرستاد و در عهد شناسایی شهر ذی الحرام ۱۲۹۱

و فایع عظیمه سوادد که در این سال تمام مرقوم و فطاری کرده است

### اتانونی (بنکی دینا)

عده قشون دولت بهمه مجتهد به بنیست فراد نفر فر داشتند

### اسپانیا

نفر نفر پادشاه دولت جمعی اسپانیا را مبارک شال سزانه فوجات کارلس در بلبا او قتل مارشال کشتایکی از سربازان  
که بدفع دنگار لیس فدیو بقضیب طولی طول نمودن مارشال سزانه رئیس جمعی و سربازی قشون را بجهت دفع دنگار لیس  
جمعی از معارف وزیر کان ملک طالب سلطنت ان القس میرزا بل ملک سابق میباشند بجهت وضع جمعی و مسافرت  
مارشال سزانه نفرانده تمام قشون بدون استثناء دن القس را بیاد شاهی میخواهند

### اٹریش

مسافرت اعظمی شامیر اطور اٹریش بطور زبورغ و ملاقات ایشان با اعظمی شامیر اطور روس

### المان

امدن تویب و لپه و لانت انگلیس و زوجه ایشان به برلن خطبه برتس نیز مارک در افتتاح مجلس بر ضد جمعی از وکلای  
حرف زدن و ختم کردن مطلق خود را با این مطلب که یکی از شرافات من اینست که اول شخصیکه طرفت تمام اهل اروپا  
مسافرت علیا حضرت شامیر اٹریش بیا و تحت با ویر مسافرت اعظمی شامیر اطور اٹریش نیز به با ویر ملاقات صحبت خود  
عده قشون المان در وقت صلح از صاحب منصبان بجز صد و پنجاه و شش و پنجاه و بیست نفر فر کرد بد مارشال  
ملک در مجلس اظهار میکند که فوجات مادر مملکت فرانسه اسباب جذب قلوب سایر دول نسبت باشند بلکه کینه و عداوت  
ز یاد کردید با آنچه در حال از بد اسلحه تحصیل کردیم باید با عانت اسلحه حفظ کنیم اعظمی شامیر اطور روس که مملکت انگلیس سفر  
میکند در برین با اعظمی شامیر اطور المان ملاقات نمودند با ملاقات و امیر اطور در شهر آنتون شخصی موسوی بکلان  
بعینت سپه بر بارک طایفه حالی کرد که جنفی نالی بدشاد و دار آمد ملاقات اعظمی شامیر اطور المان و اعظمی شامیر اطور  
اٹریش در ایشل مجلس گت مارنیم سفر ببلون دولت المان در باره تمام اینکه بعضی فوجات دولتی رسمی که در مسافرتخانه  
پارسی بوده محقق باشند است منعقامت و فوج برین نیز مارک و قبول نشندان

بواسطه جریط و  
عده نگار و دولت  
خود

اطلاعات  
دیگر

### انگلیس

دوازدهما حرکت عساکر انگلیس کوماسی بای تحت طایفه اشانی که پادشاه آنجا اعلان جنگ با انگلیس کرده بود از دواج و اب  
دو کلدای نیوگ کپور و اعظمی شامیر اطور با گران در شش ماهی صحبت اعظمی شامیر اطور روس بخط و غلامی  
دو تکاله هند و فوج چندین کرد در نفس سرباز قشون انگلیس که کوماسی که بای تحت اشانی بود دفع نمود قشون از ان شهر را

انز زده که کار بمصالحه محمد علی و زری و بیک و نصیب ندای نوری بر پادشاه مسعود پسر ایل و در اعظمی شامیر اطور  
بلند در پاتک بکال سی کرد و نفس که دوچار خط بودند با عانت دولت انگلیس از هلاکت خلاص شدند پادشاه فرستادن دولت  
عثمانی بدو المان و اٹریش در روس که وجه امن الوجوه و اغفاد عهد بخار طایلات که در نفس عثمانی است از قبیل اطلاق بغداد و  
و سننگر و نارد فوج دار فوریت ششون مصر جمعیت از فور که نصف مصر آمده که نداشت

### ایتالیا

جشن بزرگترین مردم مجتهد سال بیست و پنجم جلوس پادشاه

### بلژیک

بنیادین بودن اعظمی شامیر اطور روس با شرفیات لازم و قشون که امیر اطور معظم از انگلیس  
مراجعت میکردند

### چین

تقار و کدورت سخت مابین ایندولت و ژاپن بجهت فرستادن ژاپنی ها چند فرزند کشتی جنگی بنیست فر فر بواسطه طوفانهای  
بسی که در دریای واقع شده بود در اوایل پاییز اینسال در سواحل جنوبی چین و سواحل ژاپن ایندولت پادکشتی پادکشتی کشتیها  
الستی زده دار غرق شده و مسئله غیر فرین و ولین چین و ژاپن کار بمصالحه صلح انجامید و قشون ژاپنی جزیره را تخلیه  
کرده رفتند

### دانمارک

استعقای تمام و زرای ایندولت مسافرت پادشاه مجتهد از لندن که جشن سال هزارم الحاق این جزیره بملکت دانمارک  
گرفتند

### روس

اجبار قانون نظامی المان اروپا در وضع گرفتن احاد قشون و اجبار خدمت نظامی بنیام رعیت بدون استناد درین مملکت  
دو نواری بجهت انگلیس و زوجه ایشان بیطرن بوزغ فوجت کت درک سرباز و حا که طشان ملاقات اعظمی شامیر اطور  
اٹریش و اعظمی شامیر اطور روس در بیطرن بوزغ مسافرت اعظمی شامیر اطور المان و بعد با انگلیس یک از برادرهای  
جنوری و قشون روس قبول خدمت میکند

### ژاپن

بنیادین امیر اٹریش و جات مغزی کبار که در ایندولت بودند فرستادن بلکه شد قشون سربازی سانی گو و نفر جزیره

عثمان

عزل و شدی پاشای صلا اعظم و نصیب سپین هون پاشا و وزیر جنگ بجای او و در دگر پسر پلان والی سرب با سلا مبول

فرانس

مدت ریاست مارشال ماکاهون بدون نزد بد هفت سال مفر شد فراموشال بازن از جزیره سن مار گریث

هلاند

فتح کرانز بکر از فلو جا شاپن بدست سردار هلاند و جشن اهالی هلاند در موقع سال بیست و نهم جلوس پادشاه

بنکی در بنای جنونی

بر بنیاد صالح حیفی داعی مابین هند و یار گای

وفایع سال بیست و نهم سلطنت ناچندر اعظم شاهنشاهی خیر و صاحب خلد الله ملک و دولت موطان و هزار و دویست و نود

و در حج و این بیست و یک که بعد از دو ماه

تکونریل می شود

کلیه امور دولتی و مهم ملکی در بنیاد اخیر مال بوجوهات کامله بنده کان اعلم حضرت خدیو دولت هماون فرزند نظام الملک  
می باشد جناب حاجی ظهیر الدوله محمد ناصر خان مامور حکمرانی و والی بکری خراسان و سپهسالار و بد حاجی سلیمان خان نایب بیک  
آقاسی باشی مامور حکومت فرج افراسیاب که هم بکرات ندارد امر اعلا شرف نفاذ یافت که با آنها نیز هم بکرات  
کشته شود اختتام الملک بنصب برقی که فرزند جدید رخان ولد حاجی اصمقالدوله بنصب برقی هم سرافراز شد پاشا  
مدد سید نظامی صاحب ضیاء انام از بعد میرزا عبیدخان سرنیت مهندس و کارگر بد حکمرانی دار الخلافه ناصر علی  
مخصوص حضرت اجل اعظم شاهنشاه زاده و الا نایب السلطنه العلیه امیر کبیر ادام الله ابوالعالی فرمودند و در خط مبارک  
بشرح ذیل شرفیاد یافت

صورت خط جها نطاع مبارک

دار الخلافه طهران که مرکز سلطنت و مقر خلافت است عالی عدل و مقتدر و مجتهد که نالی شخص هماون ما باشد و بان در وجه  
دعوت و اطمینان که شاهنشاهی این امر خطیر است شرایط این خدمت و کار و رعایت فرمایم فرزند کامکار نایب السلطنه  
کبار خدیو سید و محاسن را فیتش در این امر عمل و نواز است عهدان لقبی ترا و در بنای سلطنت و حکمرانی پیش از آن

در بنیاد فرخنده فال و مابعد ها حکمرانی دار الخلافه فراد و زمین مشاغل سایر بیهوده فرزند مغزی الهی موكول و محول فرمودیم که

با همتا این خود خاطر ما را کاما کاسوده و خمشنود دار شهنشاه انظر این بیست و یک

حاجی حسنخان نظام الدوله روز بیست و نهم عمره حج شد حضرت اجل اعظم شاهنشاه زاده و الا نایب السلطان حکمرانان  
و وفایع ادام الله ابوالعالی بکفطه نشان افسر مملکت بالاسر و درجه انحصار با منزه آستان فایان بجل حکمرانان  
فرمودند وزارت ربار هماون که از اجله خدمات دولت و وزارت و دست عهد جناب علاه الدوله موكول فرمودند وزارت

عدلیه اعظم و این جناب ضد الملک معوض و نیز پادشاه مشاغل جناب معظم فرمودند حکمرانی عربستان و لرستان انبواب والا  
مقرالدوله علم میرزا و کار فرمودند حکمرانی فارس را بعهده کفایت جناب معتمد الملک موكول داشتند حکمرانی کلان بر عهد  
جناب ناصر الملک مفر و آمدن البکر پسر و اینجده خان والی سرنیت اول و در حین فرمودند موكول همایون شرفیاد شکر این شهر

کر بد روز بیست و یک حاجی الدی الثانیه موكول علی از قصر نیاوران با درونی نظامی شرفیاد شده چون انظام اردو و با بد  
کال دیند روز دیگر بواسطه تلکراف و خطی خطاب جناب سبطان شرفیاد سپهسالار اعظم از قصر نیاوران شرفیاد  
با فک صورتان از فراتر بیست

صورتی خط جها نطاع هماون

دیر و نیک بار دیو نظامی آمدم بیست و یک وقت و کرمی هوامند و رفتند رضامندی و مسرت خاطر خود مانا از شاهان چنان بیست  
و حسن انظام اردو و کمال مجددا هنام شایع صاحب ضیاء انام از فراتر بیست و یکم حالا بواسطه تلکراف و حضور تلکراف خود در کرم  
که شما خود مستقر شد و هم از این مناصب بفراتر نشون دولتی با اطلاع بدهید خاطر ملی انداز از علا خطه این اردو آن  
نوع نظم و ترتیب آرمی مسلمان کردید هم مسرت و دست ضامندی با بنساط طبع خاطر خود مانا از الاهما مات حسن و فرزند  
دولتی و شایع میبهم که حقیقت در امور دولت با یک حدیث شرفیاد طبع خطی حرکت میکند  
تا بنا از صاحب ضیاء انام حاضر اردو هستند مرا باین انظام امور نشون هستند خیلی رضامند داریم  
دیگر از فراتر نشون که با خطی همین کرم و حواری و فو و طاف جز حفظ تکلیف تبعیت با حق نظم از آنها امر صادر شد

مرحمتا را به بیانات واضح همه القاء و ابلاغ کنید

نواب و الامداد الدوله در بنیاد رجب طبعی خود و لیک اجابت گفت و نوا چشمه السلطنه بدیع الملک میرزا و لانا در حرم حکومت که مانده  
و کردستان سرافراز شد وزارت کارخانه مالک محرم سردار میرزا آقاسی این لشکر معوض فرمودند روز هفتم شهر شعبان  
بجهت امتحان نشون ظفر قون و در بیانات اداره جنگ در بحر ای و نشان پیر در حضور مشور و در کرمه شد چون نهائیکامل  
و مطبوع بود و انور بکلیت شرفیاد شرفیاد انحصار هماون جناب سبطان شرفیاد سپهسالار اعظم مرخص فرمودند

و در خط مبارک حاوی شرح رمضان شکر قصد و یافت که صورتشان از فرادید است

صورت خط چهارم عطاء مبارک

جای بسیار اعظم الحمد لله تا از روزیکه خدای تعالی مشون را بعهده کفایت شما و گذار و مرخص فرموده ایم روز  
بروز در شرف و شوق است از این جهت خاطر ما کمال است بر او داد و مخصوص در انفقاد از دنیا بستانای طهران کمال مرا بخت و نظر  
مشوق و حرکت مشون دیده شد و انشاء الله امید کلی هست که در اندک زمان کلیه مشون بحالت شاد و دلخوشی برسد  
آنکه علامتی از صنایع خودمان لازم بود بظهور برسانیم لهذا بکفایت مشون که از مشون ما مخصوص است برای شکر و شکر است این  
انفاق را نشان کمال مرحمت خداوند بپیش از پیش در نظم امور آن محوله بخود ساعی باشد سنه ۱۲۹۲ سکن زیل

میرزا فخران امین لشکر با عطاء مثال هابون و لقب جلیل جنابی سزاوار آمده و خطها هابون بشرح ذیل شکر قصد در یافت

صورت خط مبارک

انوار ایلامی عمده هابون میرزا فخران امین لشکر در سلاک خدام دولت بود و با نظر تربیت و مرخصت با جوعا که در جوانی اتفاق  
شده قابلیت جلی و صدای منطوق خود را وسیله کسب عادات و بند درجا شکر که مراسم ملوکانه را بیشتر بخود متوجه داشت  
نادراین اوقات که منصب دارت کرد دولت علیه مضمون شد برای احصای اشخاص و اشخاص معزول بکفایت نشان صورت هابون  
که از امتیازات جلیل بند دولت اعطاء و عنایت فرموده او را بابت نیل جنابی مخاطب کنیم که باین واسطه غایبان ملوکانه  
فرین امید واری سزاوارتی بوده و مدارج خدای تعالی بخود بنیر اید شهر شکر سکن زیل ۱۲۹۲

موجب فرزند کوی هابون عزیزت مغربینا شرمنازندان فرموده روز بیست و چهارم شعبان از انقضاء سینه بفرزادشان  
لشرف فرمائید

شرح سفر خیریتا اثر ما زندان

دو شنبه بیست و ششم شعبان موجب فرزدی کوی علی از اوشان روانه شهر شکر که در پیداست شنبه بیست و هفتم در اینجا اتفاق  
بیست و هشتم کوی سرب و بیست و نهم نیز در همین منزل اتفاق فرمودند جمع سیر از کردنه کندوان که سرحد خاک عراق و عمان اندرا  
عبور فرموده بمنزل و ناشرین فرمائید شنبه غره رمضان منزل اول که از توابع دولت است و ضریب چهارم کردن احتشام کردید  
و در دوم هابون اتفاق شد و در سوم از کردنه معرفت با نوس گذشتن بودی که نزد یک فرزند نوس است و سیم موجب  
علی کردید و در روز در اینجا اتفاق شد و در ششم منزل اول که از توابع کجور است و شریف فرمائید هفتم جلی که کجور است  
فرموده از حال محظوظ حال اردوی هابون کردید و نا با زدم در اینجا توقف شد و در دهم بمنزل اول معاودت فرمودند  
چهارم شریف فرمایید شکر نظر شدند پانزدهم برزن آباد که کناره و خانه چالوس است شریف فرمودند و در بن روز

در باب واضح و در نزدیکی هر صوم را که در نظر کوی است دوران از مسافت چهار فرسخ و اربابان فقط از چند چشمه است که  
از زیر موجود شده و با حشر فرمودند ششتر دهم بمنزل اول که از راه معرفت هابون که چند سال قبل ساخته شده و از شهر شکر  
الکمار در با امتداد دارد عبور فرمودند هفتم بمنزل اول که از راه معرفت هابون که چند سال قبل ساخته شده و از شهر شکر  
اتفاق شد و در نوزدهم بمنزل اول که از راه معرفت هابون که چند سال قبل ساخته شده و از شهر شکر  
اتفاق شد و در بیست و دوم بسوله ده و بیست و سوم به عزت ده و بیست و چهارم بحجرت آباد که سرحد و اهلم رسان است  
شرف فرمودند بیست و پنجم از آن اتفاق شد بیست و ششم فرنگی از روی هابون کردید بیست و هفتم عتبه بمنزل  
اجلال فرمودند و نا بیست و نهم از آن اتفاق شد بیست و نهم بمنزل اول که از راه معرفت هابون که چند سال قبل ساخته شده و از شهر شکر  
عزت سوال در اینجا اتفاق شد و بیست و نهم بمنزل اول که از راه معرفت هابون که چند سال قبل ساخته شده و از شهر شکر  
از دو مبارک آمد و در چهارم یورت مضمی کرد و در وسط شیب جزیره منزوره بسیار شده و در پنجم معلی کردید و در ششم اینجا  
اتفاق فرمودند و در هفتم بقعه پلنگان معاودت فرمودند و در هشتم بمنزل چهارم امام و نهم بشهر اشرف و شریف فرمودند  
و در دهم بمنزل شکر موجب علی توقف داشتند و در دوازدهم بمنزل اول که از راه معرفت هابون که چند سال قبل ساخته شده و از شهر شکر  
ساری عزت در آن فرمودند و در بیستم ملک آدابا بکاه موجب علی معین کردید و ملنگ بین رگاب علی در حوالی بلخ  
چهار روزند

موجب هابون نوزدهم شهر شکر از شهر سار و موقوف بود در نزد کوی کرده منزل علی آباد مغربینا چهارم کردن احتشام کردید  
و در نوزدهم بشهر اشرف و شریف و در اجلال فرموده عادت بحرام مفرح حضرت که درون بسطت خسران کردید و در بیست و یکم بلاد که  
بمقدم مبارک من همکری پدا هالی و اعیان و علمای شریفات و تعلیمات ذات ملکوتی صفات مقدم سر با علی درجه منظور فرموده  
اظهار لشکر است و این روز کوی علی پدا شاحت و جنود خلاصه روز بیست و دوم در بار فرود شرف اتفاق شد و در بیست  
دوم بمنزل کایم بسکی شریف و در بیست و یکم شهر آمل بود و مسعودی بمنزل اول که از راه معرفت هابون که چند سال قبل ساخته شده و از شهر شکر  
توقف شد و در بیست و پنجم از آن اتفاق شد و در بیست و ششم بمنزل اول که از راه معرفت هابون که چند سال قبل ساخته شده و از شهر شکر  
که از بلوک لاریچاقست و در اجلال فرمودند و در بیست و ششم در اینجا اتفاق شد و در بیست و هفتم حکمران ما و از آن که در حوالی  
آسایش ملنگ بین رگاب علی با شراحت عبور مسعودی هابون و نظام امور حکمرانی خود کمال خد متکذاری مرا بخت با علی آمده بود  
بکوی سرب و در ششم در مع مغربینا و در شنبه بیست و نهم بحجرت لاریچاقست و در بیست و نهم در حوالی بلخ  
از آن اتفاق شد چهارم بیستم بیستم (بوم هند) شریف و در عتبه فرمودند و بیست و نهم در حوالی بلخ حاجی میرزا ملک فراد داشت  
جمع چهارم هابون و شان پندر و شنبه بیست و نهم مفرح خلافت عظمی و مقدم بیست و نهم مبارک آراستند

دارالشوری که در مجلس و در عید افتتاح شده و بنقل مجلس همایون در مجلس افتتاح نشد پس فرما کرد بدو و نطق فرمودند

کر از فرار پل است

مغایرت از نام در دار  
الخلافت در عید است  
در خیابان ناصریه  
رای مدرسه مبارکه  
دارالفتون ساخته

صورت نطق همایون

امروز خودمان باین مجلس آمدیم که افتتاح مشو بخانه دولت را خود مان کرده باشیم با اینکه فی الحقیقه در این مجلس و در  
تک نشسته بود لیکن بان ترتیبی منظور به نظر می رسد و البته تا این مجلس مستقل در مقام مخصوص حد و محفوظ است  
و هیچ کار خارج و شخصی بر وجه وارد نشود تا بدین ترتیب در این طایفه که از سابق مجلس زیاد و دارالشوری اختصاص  
هفته دو روز شنبه و سه شنبه مستمر بدون تعطیل باین مجلس شود و منعقد شود و اگر گاهی کار لازم و فوری پیش آید در سایر ایام  
پنجم و شنبه این مجلس منعقد میشود امین الملک بنظم و ترتیبی مجلس را فایده احکام ما در مجلس تقریر نماید و رای مجلس را بر مبنای  
دو سایر ولایت این مجالس در کمال قوت و دوام و بر فراز است با بدعا و بهر تکلیف و ولنی حکم مذهب تا کلمات شرعی باشد  
در امور و حفظ مجلس شود با نظر و اجابت باین التمسک فکر ما عقول و نفس بسیار در هر جزو کار چیزی های پسند که در این  
کاملان در حد پیمان و منصوب است این همان مجلس است که در هر جا با اصطلاحات مختلفه نامیده کرده اند و ما دارالشوری و مجلس  
و در امیکویم این مجلس هیچ کار جزئی و کلی را نرسد که در آنچه حکم میدهیم باید تا نقطه آخر و حدیث ابرساند و هر وقت  
که مقررات و فرمایشهای مجلس فرستاده شد بدو باید خودشان در آنچه منضم صلاح دولت و اصلاح امور مملکت است  
کشف کنند و آراء و عقاید خود را بر عرض ابرسانند امین الملک ما موافقت و مجلس را بر روی فرمایشش محافظت کند و نگذارد  
ساعتی از مجلس معطل شود روزها همین از صبح تا عصر و مجلس با حضور تمام اعضا بر فراز خواهد بود و امین الملک از هیچ  
عذر و اجنبی باز نماند حضور قبول نکند از آنکه حاضر است که نخواهد شد و لدی الاقتصار عذر ابر خواهم از فرود آس  
مجلس بکمال راستی و دقت و تقوی و در هر قسم ملاحظاتی لغواست با باین مجلس را داعی و مستحکم و دارالشوری و حدود  
معین دانست

نزد خطی مبارکه مشرعبود و حقوق این مجلس بجا باین الملک و ز پر سا با خاصه شرف و صد و با فک صورتان  
از فرار پل است

صورت نطق مبارک

امین الملک افتخار این مجلس چنانکه مکرر شفاها و بنوشته حکم و مقرراتش از لوازم امور حاله دولت است کمال میل و ابر  
و انتظام از این و کمال تقویت در هر باب حاضر هستیم علی با و بر بعضی فرمایشات تازه نظر اند که لازم شد مجربا  
حکم بشود و مجلس فراتر شده جزو نظمیات و فرار داد مجلس شنبه (اول چون فرمایشات زیاد و مطالب و ولنی و در

بروز را در این هفتاد و دومین افتخار مجلس را کافی میدانیم باید هفتاد و سه روز مجلس بشود (شنبه) (شنبه) (پنجشنبه)  
تا با اهل مجلس رکعتی و حروف را در هشتاد و چیزی با باید بدون شامیه هیچ غرضه با بدون هیچ نمره و هر چه فرمایند  
فی المثل از صفه مال اگر شخصی چیزی در روزی بزرگ بر آید و در بیاورد و بگوید بوفلان کار را فرمایند کرده با باید باین  
آنچه بگذرد فی حاصل کند بلکه هیچ خنار با باید کار بیکه میکند جوابان شخص را موافق فاعله دارد نماید با اذعان نماید  
هر یک از اجزای مجلس آنچه در شب و روزهای تعطیل در غیر وقت بکار ایشان بیاید با داشته کرده در مجلس مذاکره نماید  
ثالثا آنچه از مجلس پس از آن فرقی و کلی فرار گرفت باید بنوشته و هر غای اهل مجلس باشند این نوع امور به پیغام با غیر شفا  
هیچ پذیرفته نیست حتی حکما بیکه بعد از این بولایات تعیین بشود با یکفر نیز بجای می رود با یک حکمی فوفا عاده و غیره صادر  
میشود باید متصدق و رای اهل مجلس باشد

پنجم آنکه مالک محرم سربازان در پیمان بوضع پنجاهانه های فرنگستان کرد بدو خود فرموده اند که با جمعیت با دنیا  
سردان و اسان آمدن بود خود با جمعی از مرهان و بدست سپاه منصوب مقبول و بقیه السیف صرف شدند با جمعی  
البحانی را بکوش هماد سر بلند فرمودند

وقایع و سوانح عهد که در پینیا ان تمام شد و نیز در افطار که از سر و نمود  
اناقون و پیکر دنیا

فوق این سن و پس سابق

اسپانیا

در غیره که با زوال کوزا مردم را دعوت به بخت پادشاه جدید القس منیا بد و در اعلمت پادشاه جدید در نیم ژانویه  
بارسلن از بنیاد اسپانیا منازعه سخت و خواهان و کارلس با عساکر پادشاه فغانی مابین کارلینها و نفر فرمان آنها  
فتوحات عساکر پادشاه در ممالک که کارلینها تصرف بودند

اطرش

مسافرت اعلمت امپراطور بملک الماسو ملاقاتش با اعلمت امپراطور با اعلمت پادشاه ایطالیا در شهر پیزا ملاقات  
والی منتظر با اعلمت امپراطور در کانارا اقصای کشتی را در شعبه از دانوب که حکم امپراطور و آن حضرت بوده از وسط شهر  
و پنهان بوده اند ملاقات اعلمت امپراطور با اعلمت امپراطور در سن و در وقت امپراطور فرزند عموی اعلمت  
امپراطور حالیکه از سلطنت استعفا نموده و سلطنت با این امپراطور تقویت کرده و در بیست و نهم ژوئن در شهر پراگ  
پناه جستن باغبان مملکت عثمانی بجا اطرش



مخالفت آشکارا پادشاه بر ضد اهل دولت صدور احکام از دم بکششها که توانی عذیب که تمکن و اطاعت خوانین جدید که دولت  
میتواند در خوانین مذهب ایجاد نماید نماید غرض دولت در بیرون بردن اسباب از مملکت بر نفس پادشاه با قراضه مجلس بود  
میگوید که در مسئله عذیب برابر است که شخص مخالف معتقد باشد نه مخلوق و نه مقصود از سخن کتابه بیایست ملاقات نواب <sup>لعمد</sup>  
المان و پادشاه ایتالیا در شهر ناپل در هفتم ماه مرسکتی موسوم به سپیل که از هانور که عاده به سکی دنیا میفرستد و مراجعت  
میکرد است سبب و بجزایه نفر را حامل بود حرف پیشروان ازین جمعیت سصد و دوازده نفر هلاک میشدند ملاقات <sup>لعمد</sup>  
امیر اطور المان و اعلیحضرت امیر اطور روس در برلین ملاقات اعلیحضرت پادشاه سوئد و ملکه این مملکت با اعلیحضرت امیر اطور المان در برلین  
ملاقات داشتند و در البرت سپهسالار عساکر اطریش با اعلیحضرت امیر اطور المان در امین مسافرت نواب <sup>لعمد</sup> دولت المان بملکت  
اطریش و ملاقات اعلیحضرت امیر اطور المان با اعلیحضرت امیر اطور اطریش را در پیش کشش شهر کلن که برخلاف حکم دولت رفتار نموده بود  
اخراج بله پیشو ملاقات اعلیحضرت امیر اطور المان با اعلیحضرت پادشاه ایتالیا در میلان

انگلیس

صد و بیست هزار نفر جلایان که در معدن زغال سنگ مملکت گال کار میکردند شورش نموده تعطیل از کار میکنند <sup>لعمد</sup> خواه فری  
بمکن انگلیس نیز بر امور خارج در مجلس بود کلا اطلاع میدهد که دولت روس المان و اطریش با هم متحد شده اند که با االات سر و  
افلاک بغداد که جزو مملکت عثمانی هستند بدین استبدان و اطلاع عثمانی معاهده بخاری به بندند <sup>لعمد</sup> امور و یکدیگر در علمای انگلیس  
برای تحقیق و انکشاف علمی مملکت چین مفری و بمقتضی رسیدن و در اوایل و در و بحال چین صد کلیدی بدن و کشته شد <sup>لعمد</sup> جوانان  
در ارض خود در بحال بر همان رفتار مابین دولت انگلیس و دولت ایران و االات هند بجهت دولت انگلیس در االات  
و بجهت انگلیس صحیح فراموشی آنها این دولت مسافرت جمعی از علماء و دانشمندان بقطب شمالی در هجدهم ماه اوستی موسوم به االات  
اعلیحضرت پادشاه انگلستان در آن کشتی بود و از آن برین بهر شرموت میامد و عرض راه علی التقلید یک کشتی میسرتی <sup>لعمد</sup> خورد و عثمانی را  
کشتی را شکسته فرغانه میبندد کاپیتان و بیاز بندد و در انگلیس به بندگانه فرانس و االات از در با عبور کرده بیست چهار ساعت  
تمام در راه میماند و پادشاه انگلیس بجهت مسافرت هند و سنان از بندد و در حرکت کرده در هشتم نوامبر  
بندد بمبئی پیشو این باغ دولت انگلیس بهای که چند و صمد در جمع البحرین سو داشت هشتاد و یک انگلیسی و اول سابع  
نواب بجهت انگلیس میلان میرسد و در پانزدهم ماه بعد رسد و در بیست و یکم بکلکت

ایتالیا

گاریلدی در مجلس کلابد لک تکلیف میکند که در خوانه تیرا که از وسط شهر روم گذشته و پیشرو است قابل کشتن را می نماید

بر طبقه ملز و شامه هادرم

چین

خود خوانین چین در دوازدهم ثانویه

عراق

نقاد دولت با خان خوانند و در عساکر روس در باره جزایر کفان بخوانند ناصرالدین خان والی خوانند طبع میگردد بلکه عبدالرحمن  
نای بر خرد و در سایر جاست حکم میباید که در االات اسکلف مامور بندد میر عبدالرحمن شده تمام خوانند و امر ضعیف و اگر چه در  
طرف صلح را دارند و از جنگ حرف نمی زنند و لیکن دولت روس شورش بعضی االات عثمانی را بدیده حفظ نمی کند و سهل گرفته و غنای  
بندارند و همت جنبک میر باره و آشکارا اعانت و رعایت ندادی با عیان عثمانی مینمایند

عثمانی

با عیبه هرگز بر حیا بافتن دولت در بحال هستند اهالی االات منکر و سر و با آنها اعانت میکنند با عیان شهر نیز را حاضر کرده اند  
استعفا اسعد پاشا از صدارت و نصیب محو پاشا مامور میبندد و از طرف دولت عثمانی با عیبه و سنو لهای دولت فرنگ تر <sup>لعمد</sup> عیان  
هرگز کوبن برای تحقیق شکایات آنها از دولت مامورین میدانند و در پیشرو سنا هر چند در سنا با عیان را می طلبند که حاضر نشد  
گفتگو نمایند آنها قبول میکنند و مامورین بینه مقصود مراجعت مینمایند و سر و کلاوی ملک بوالی تکلیف میکنند که باید حلیت  
با عیبه های سر و سر کرده بانها حمایت نمود دولت عثمانی اعلان بطلان آن نمود مینمایند که نصف طلبی که از دولت عثمانی دارند از این فرغ  
نخواهد دولت نخواهد داد و از واج والی سرب با پرسش نائل کوشک و در عساکر مصر بجهت و سنگسار شدن از حبس در مراجعت کردن آنها  
بمورد شوالی هرگز کوبن و بیسرها پاشا است و در روز و در پیشرو سنا پاشا است و در عساکر مصر بجهت و سنگسار شدن از حبس در مراجعت کردن آنها  
بجای و نزلت سخت در آن بر حوالی ایجاد در دوازدهم ماه مرسکتی از دوازدهم نوامبر هلاکت میسرند

فرانسه

فونکتند در خوان و در دوازدهم رجال معبر فرانسه طغیان اب در خوانه های جنوب فرانسه خوانی در ساندن با غلبه امکان <sup>لعمد</sup>  
هزار تومان دولت از خوانه با شخاص که اموال و املاکشان تلف شده است عیان ناخشن میبندد

هلاند

فوجات مشتاقانند و در راه چین

بنگلی دینای جنوبی

شهر ایلان بواسطه زلزله کلبه خراب میشود

شرح نیای سلاطین و نا جدار اعلی حضرت افندگشا هفتساجا خیر  
صاحب نظر خلدالله ملک و دولت و طایفه سندهزار و درویش و نواد

و سرهبری نکون شایسته کی که تفریب با بگذرد  
رو ماه پچگان بیل  
ملیتوی

کلمه به نام ملک و امور و لغتی درین سال فرخنده فال بوجهان اعلی حضرت ما یون و امامان اولیای دولت و وفادارین فرین  
نظم و انتظام است امور و ملک خراسان را از هر چه بجزایر سستاب انتر فرشته شیرالد و له سپه سالار اعظم و اکثر فرمودند  
و در خط مبارک که بشریح ذیل شرح صد و ریاضت

سواد خط جها نطاع مبارک

چون جناب سپه سالار اعظم در هر فرمایشی و خدیو که از جانب ما رجوع شد و پیشو کال اهتمام را در نظم ان کار و در لغوی  
خود را بنظور و ساینده ان فرخ و اخر سینه نکون بیل و ما بعد ها امور و ملک خراسان و اسیر آباد را از هر چه بجزایر ایشان و اکثر  
مهر ما هم که آنچه لازم که کفایت در لغوی است را انتظام امور و سرحدات و رعیت فسون آنجا بجا آورده خاطر ما را آسوده  
دارد

جناب حاجی طهرانی و له با مر اعلی عار و لبیب اعلی بجهت محل سکای لاه و حکمرانان خراسان در شهر مشهد مقدس بناموده اند  
چشم بینا دستار بنیادها یون را جناب شرفنا محمد سپه سالار اعظم با علی رحبه کال که فشد مر تمام بلاد مالک محمد سده نیز  
شرایط این چنین و عهد مبارک خود بنظور و تقدیم شد انکراهای و سنان از روی کمال و داد و انقاد از سلاطین عظیم القبا  
فرزانی بنی بخت عید پلا خرفانه بجزو ها یون بلیغ شد و اعلی حضرت شاهنشاهی نیز با جویبه و موث آنرا نکرانی با هر یک از  
سلاطین معظم اظهار توفیق و مخالفت فرمودند چون در نوزدهم ربيع الثاني هزار و دو بیست و نواد و در جناب کوسین تمام  
آرشیو که از طرف حضرت بابا هدا با و نام بجزو مبارک که شرف بیست حواریان نام را از جانب اعلی حضرت شاهنشاهی  
بدین صورت که عید در ذیل مسطور پیشو بلیغ شد

صورت جوابی که از جانب سنی الجوابی ملوک کتبختر پاپ فرموده شد

حضرت سپه سالار و له که در تهنیت پاپ محترم لبیبنا عیبات حد و تک و موبد باشند (نام مؤمن علامت حضرت ملک  
که اکثرین بخت نکاشته و با نخت هدا با ای خلیل نیز و کرامی که در جامع بیاد کارهای عزیز و ملا حظله آنها هواره موجود است  
مؤن باطنی است مصحح جناب اکوسین محترم آرشیو که فرستاده خود در سال داشتند بود بجزو مخالفت و خود را

واصل کرد پدا برای زبانه خرام و اعتبار اکوسین از شولک و نام و هدا با ای اعلی حضرت مخصوصا هر با بجزو ملوکانه خود بدین  
و از حالت مخالفت دو سنی خالصانه بنا بطوریه ایش حضور با بد نموده لازم شد دریم بصدق این لغوی و فرجه بخت او فرشته  
قلیبه شفق با طینه خود مان را از انبکه اظهار مؤت و صفای بی رویی بنا ظاهر ساخته خاطر در سنی اثر شمار مطمئن  
سازیم که چنانکه مرضی طبع و خواهش بیانت خالصه بنا است کالی السابق ما مورین ملک محترم که توبلیک و آحاد و افراد  
این ملت در نظر شفقت اثر ما عزیز در نزد اولیای دولت علیه ما ممتاز و بر کز پدا و محل هر کز در رعایت و موذ اعلی در رعایت  
بوده و خواهند بود علاوه بر رعایت های سابقه بعد از ظهور این مراده مطلوبه احکام اکیده در رعایت و محافظت از انبی  
کا توبلیکها در عفا بجزو شان دبیر افزای حکام صادر نمودیم مادرحقیقت آحاد ملت مزبور در رعایت دولتشان بران را  
و در بجزو حضرت پاپیم و معلوم است طبع شمارا کاملاً بجزو میدانیم چرا که شخص شمارا نیز کزین مریدها حضرت سید علی  
و بان در جلاله الاحرام میباشیم و خواهش داریم که از صفای قلب خود نان ما را در مقام استیجاب بجزو عوانا از خاطر خود  
فراموش ننویسید و پیشو مراده اعلی حضرت پاپینه بماند (در دفتر ملوکانه در الحلاله طهران شهر ربيع الثاني)

جواب نامه که حضرت پاپینکاستند

بجزو اعلی حضرت پادشاه و امیرالمؤمنین با افتخار با احترامات ارادتی که بجزو ما هم بوجه پاپینک انقاد حضور  
مبارک پیشو با اعلی حضرت ما یون ظاهر سانی این نامه الحاق نموده تا بان وسیله بخت خلوص قلب خود مان را مشهور  
مبارک تا این بن هدا با نیز بواسطه ارزش عزیزان بلکه شان آنها بواسطه بختی است که بموجب آن آنها را تقدیم حضور ما یون  
مبازیم بر ما واقع است که شما پادشاه خلیل نامور و لبیبنا مقدر الطاف بجزو صبر و مرام ملوکانه خود نان را هواری  
شامل حال ما یون کا توبلیک و مریدها حضرت مسیح که در مالک مؤمنند مفر ما پدا این مرام خاص لبیبنا ایشان سبب  
گردیده که در کمال از ادق بختهای شغف درین کا توبلیک که بان علاوه بر ان پدیری خود مراسم از اجری در اندا لبیبنا ایشان  
که هیچ چیز برین فقره بیشتر موجب سرور و نشاط قلب ما بجزو در بجزو صورت این دان نامساعد که انهم صد ما را کز  
ساخته و نیز هر چه بنویسند بجزو از صفات خفیه ما یون شخصی شایسته که با نفا بجزو صل مشاهده مینمایم آشکار سازد  
با این لحاظ در کمال شغف سرور و خلوص ما لبیبنا که از بخت الطاف ما یون ایشان دریم مشهور نظر مبارک اعلی حضرت ما یون  
شما میسازیم بجهت مقام خلوص از ادق ما معلوم خواهد گشت بجزو و فیکه بجزو فر ما پدا که جمیع بنکی و انفا بیکه  
با اهل کا توبلیک شما خواه از جانب ما یون با بواسطه اشخاصیکه با جرای فر ما پدا اعلی اشتغال با رند بدل  
کو با در باره خود ما بوده است علاوه بر این اعلی حضرت ما یون شما خوب مستحضر انکه ما یون مذ هی کا توبلیک ما اهل کا توبلیک

مذهبی که انقدر از مراسم ملوکانه نشانی خود با لیده و در زیارت رکال نرفتن با اظهار داشته اند در روز پنجشنبه از مسجد  
و جهاد است عمل آورده تا بواسطه اطاعت انفراد که شخصها بوقت شام از آن استخفاف را بیشتر لا یوان مراسم سازند و مخصوص  
دینی که ایشان بپروردگارند بر آنها تکلیف گذارده که سبک وطن روز زمین در هر یک که برخلاف عظم خداوندی باشد اطاعت  
انفراد داشته باشند چه بجز بجز برای ایشان فایده اش بیشتر است آنستکه در ازای مراسم و الطاف ملوکانه نشانی و فواید از خود  
ظاهر سازند اجرای تکلیف باست مذهب خود میباید که جسارت و روز بده بطریق ناگهیب جمع کانونیکها باشد در مالک محرم  
توجه دارند بشما سپرده و استند عاقلانم که در بدین لحاظ ما بوقت خودشان نسبت با ایشان اعاده فرمایند بعلت و از اینگونه  
مشوجه مراسم خصصا کرده اند بزرگواران و جوها بوقت شمار محفوظ و مالک وسیع نان را حواست خواهد فرمود بر کوشش  
ارشوک هر کله که مامورید ببارها بوقت شماست فرمودیم که بوضع اکل جمیع خلوص ارادت ما را با علف حضرتها بوقت شما عاقلان  
در آوردید مقرر است اینست که او مستوجب مراسم ملوکانه نشانی کردید و در آنچه تعلق بخصصا و سلامتی نفوس اورد در اجرای مامور  
خو اعلم حضرتها بوقت شما در احاطه باشند چنانکه خلوص ارادت خود در مان را با علف حضرتها بوقت شما عاقلان از خدای رحمن  
استغاثه مینمایم که مراسم خود را شامل حال شما جمیع خانواده سلطنت نان داشته طول عمر شما اگر امده و ممالک شما را  
محافظت فرماید و بعلت و دعاهای که مانمان است که شما با ما داشته باشید خداوند متفق باشد در شهر و در حضور  
سن برود خدایا ماه سبنا بر سنه ۱۸۷۸ در سال ۲۹ سلطنت مذهبی ما شروع گشت

حضرتنا جل اعظم شاهنشاه فراده والا و لیهله کرد و نمهده و نعلیه ایران ادم الله انبائه العالمی الحضر بدار الخلفه  
روز بیست و دوم صفر وارد داد الخلفه کردید در باغ دولتی موسوسیاغ ایلخانی منزل برای حضرت اجل معظم معین کردید  
علیفخان مخبرالدوله در مجلس داره فکر افغانه بوزارت لکراف و اعطای لقب جناب سرفراز شده در خط مبارک بشیرج  
ذیل شرفصد ریافت

سواد خط مبارک

مخبرالدوله علیعلیخان سر نیک ل که بدو لخواهی و صداقت امتحانات شایسته داده و بخدمت گذاری طدر جان بلند نموده  
این اوقات که در سلك و زرای و نیک از انصاف مجلس و الشوری اعظم بر فرار شد و را بلیغ جناب عالی بوزارت لکراف  
دولت علیه مخاطب فرمودیم مقرر دانستیم که عوم چا کران دولت و ذافزون مغزی البته با این سمت شناخته در چه و مقام او را  
رعایت نمایند ۱۲۹۳ صفر

روز دوشنبه بیست و پنجم شهر صفر سه ساعت سو و هشت دقیقه و چهل ثانیه از روز گذشت موافق جمعه بیست و یک  
انفای عالم نایب بر حوت محل تحویل نمود حکیم الملک پیشخدمت باشی سلام بحکومت موجود منصوص کرد بدو ابواب الارکان

حکایتی با آن فرسان و سپهتاش مقرر کرد بداد امیر الملک پیشخدمت خاصه شریفه بحکومت هم وساره و زرد سرافراز آمد  
حاجی میرزا نوری و کجلا تر عبا که سابق بیکه خدای محله و لاجان بر قرار بود منصب کلانتری را تخلیه فرمودند و در میانها  
محمد حسن پسر مغزی الهه بیکه خدای محله مسطوره مباحی شد شخص ظهور عواطف خامه خسرانه در باره حضرتنا جل اعظم  
شاهنشاه فراده اعجاب کرد و لیهله و نعلیه ایران ادم الله انبائه العالمی بکینه ششمین صرع مجاور شنبه و فروزه از  
ششمین ماه خاصه سلطنت بدست مبارک هایتو محضرتنا مستطاب معظم حضرتنا حکم آفا بان عربستان و لرستان انبواب  
والاحتمه الدوله معروض داشتند این خصوص پیشخدمت خاصه شریفه بحکومت کاشان سرفراز شده میرزا اسدالله مستوال  
به پیشکاری از زندان مقرر آمد و ابواب لامعنه الدوله فرهاد میرزا که عمده معظم شرف شده بودند غره ریح الثاني بدار الخلفه  
و در نوبه بخاکهای مبارک شرفیاب مود و محضرتنا مقرر کرد بدیند حاجی میرزا محمد شاه مستطاب و الملک پیشکار فرسان  
قلدان دوان مرصع و خلفتها بوقت سرفراز آمد حاجی میرزا عبدالله خان علاء الملک بکف قطع نشان نتمثال بمیشال مبارک  
مقرر آمد جمیع چیز از اثر لکه با عاشور لیک که یکی از سرداران فراد است اذنه نفس که آن نیز از و و سائر کافان می باشند  
و از سرحدات فرسان آمد مصطفی تلخان میر نیچ در پیش از دو فرسان با قشون ظفر غون سر راه بر آنها گرفتند جمعی را بقتل  
و عاشور لیک کشیدند اذنه نفس با دانه نفر سوار دستگیر کرده باقی منفرق کرد بدیند بعضی طو ابق بکر نیز لکه را بتر سپاه  
عمره بنیبه کرده اند حکایتی و فرماضر مانی مملکت فارس طرزد سائر مشاعر جناب مستطاب شرف سپهسالار اعظم فرمودند  
در خط مبارک از فرار شرح ذیل شرفصد ریافت

سواد خط جناب مستطاب مبارک

نظر بعضی تفضیلات بلکه در عایت از بداد امنیت آبادی مملکت فارس چنان صلاح میدانیم که اشطام آن مملکت بکلینه از جناب  
سپهسالار اعظم بخواهیم موافق این در خط حکم میشود که از امر و ز فرارها بیکه لازم است ای نظام ان مملکت در فاقه و نیک  
رعایای آن و نظم سرحدات و تنبیه اشرا و ابلا و غیره بدهد اما امانت سر بیانه نماید و ان مملکت با آباد و دایر کرده بهر چه نظم  
آن نواحی خود داری نماید و کل حکام جزه و مباشرین آن مملکت را در انحصار کار دان با نظم عادل عاقله معین نماید و عایت حقوق  
رعیت و نظام امور دولتی را بهر چه مقدم دارد از این تاریخ بعد ان نظام کل فارس را بهر چه از و بخواهیم و مسئول خواهد  
بود سپهسالار ۱۲۹۳

و نارسه عادن ممالک محرمه در عهد با بر عهد و ابواب الاغتمنا السلطنه وزیر علوم فرمودند حضرتنا جل اعظم شاهنشاه  
والا و لیهله و نعلیه ایران ادم الله انبائه العالمی و ز چهارشنبه هفتم جمادی الاوی با اجازه هایتو غریب محل حکایتی  
که مملکت آذربایجان باشد نمودند و راست بطلان و بجان مبارک را بنواب جهانسون میرزا مرشد فرمودند بدار محمد خان ایلخانی

شاد لونیتهی در سرحدات مجبور دانز که نموده است محمد خان والی حکمران بزرگ بختیاری جناب سزاوار آمد میرزا حسینعلی طبیب  
از اطباء حضوریها بوقت شیخ الاطباء مملکت کردیده و کتبها بون در ماه جمادی الثانیه عزیمت ببلقان کرد و فرمود حکومت  
فرمانفرمای فارس بنواب الامتدالدوله واکذا فرمود محمد حسنخان ولد جناب علاءالدوله وزیر دربار و اعظم منصب فریاد  
سزاوار شد سیم لکران خراسان بمشبهه مقدم صل آمد آرد ملبوس خدام خانه نظام را بجهت مراد صاحب میرزا عبداللہ خان  
علاءالملک و کول داشتند و راه شعبان این سال نظر بخدمت جناب امیر خاندان پهلای اعظم بکوی برهاری مقبول بود  
نظامی شمس سر قع از ملا بر خاص بن پوش مبارک شکر حضرت فرموده و خط جماعت مبارک شکر قصد ریافت

سؤالات خط جماعت مبارک

جناب پهلای اعظم چون در این سال از کلبه خنده است که بشما محول شد خاطر ما کمال خوشنوی با دارد و در اجرای او اثر  
احکام مادی فقیر خود داری نکرده است خاصه در نظم و انضاد و تقوی بملای مسال و فرستادن اردو و کما متعدد  
بکران و سایر مرحدات و بوقت وقوع رساندن آنها بجله های مامورین لهذا بکساری مقبول دوز نظامی شمس سر قع  
از ملا بر خاصه ها بونی برای نشانه التفات برای شما فرستادیم ۱۲۹۳

مجلس تحقیق علاوه بر مجلس شوی که بر مجلس خاصه در برابر فرار و دایر کردیده و اجرای این مجلس از فرار ذیل میباشد

اعضا مجلس تحقیق دولتی

- (نواب الاعضا السلطنه و غیر علوم) (نواب الاحصام السلطنه) (نوابه الانصره الدوله) (جناب حاجی ظهیر الدوله)  
(جناب صرا الملک) (جناب حاجی میر الملک) (جناب حسنعلی خان) (جناب نصیر الدوله) (جناب امین اسکر) (جناب خیر الدوله)  
(جناب امیر الملک علی مجلس) (میرزا محمود خان منشی اسرار و کاتب مجلس)

بعضی بناهای بیع رفع بر ایند سلطنته دارا خلافت فرود شد بیا انصره الدوله بحکومتها با الت مرکز که عبارت از عراق  
و همدان و ملایر و تبرکان و کلیا بکان و خوزستان و نهاوند و تبریز و بروج و بوشهر و بلیق و فرمانفرمای مملکت کردیدند  
و در خط مبارک در پیناب شرح ذیل شکر قصد ریافت

سؤالات خط جماعت مبارک

عم اکرم نصره الدوله که در جمیع هر کار و منصب هر خدمت بر حاجونی خاطر ما و رفاه خلق و صلاح مملکت را پیشنها کرد  
در غیر خواهی ایند و اوقات روز افزون انظور اوقات صادراته دارد که مقصود خاطر معدن مظاهر است باین وسیله علی  
درجات و کسب مقامات نموده و هر قدم مرتبانه بافته است این اوقات حکمران با لانت مرکز عراق بجهت عم معری البه  
مخولست با قضای رای مرخصای ها بون و اربلیق علی فرمانفرمای مملکت مخاطب فرمودیم که این عاطفت جز بیدر اسرا بیه

منزلهای عبادات و قربانیات بزرگی خود داشته اند و دانی با بوجوه مستحسنه تقدیم برسانند و مورد شمول مراحم  
دیگر آید ۱۲۹۳

حکمران ابا لنین گرامشمان و کردستان و بعد از نواب و الاحصام السلطنه و فرمودند و آنستند و روز دهم شهر شوال  
این سال جناب پهلای قندی وزیر مختار و ایلچی مخصوص دولت عثمانی که حاصل اعلان نامه رسمی جلوس علیحضرت سلطان  
عبدالحمید خان بر تخت سلطنت بود مخصوصه ظهور مبارک مشرف سنا یا لانت فرم و کامشان و سواره و وزیر دراصحبه  
مزید مشاغل و حکمرانی حضرت حاجا اعظم شاهنشاه و الا امیر کبیر نایب السلطنه دولت علیه حکمران دارالخلافه  
احام الله ابنا له العالی فرمودند و نارت علیه اعظم را بجناب میرزا کاظم خان نظام الملک که مسبقا باین بود تقوی فرمودند  
مقام شریف بکر شکر جمالی سراج و نشان سر نفی سزاوار آمد بپشت خط راه فارس که بیدر پوشه مقبول کردید مجلس جماعت در  
الخلافت ریاست نواب و الاعضا السلطنه و غیر علوم و معادن در کمال نظم و ابراست و ذی بیست سیم ذی قعدة الحرام کوب  
ها بون عزیمت شکار که مسجل فرموده چون اوایل عشر سیم ذی قعدة الحرام این سال میام سلطنت شهراری علیحضرت  
شاهنشاه عجم بود و این فرزند سعید باقرین صدساله سلطنت سلسله ابدی و نایبها جاریه افزان داشتند جناب امیر خاندان  
اعظم جشن فرمودند و این روز و چند روز و چند شب بوجه کمال گرفتار بپشت ذی قعدة الحرام شروع بفضاینها و چراغانها و مجالس  
و سرود و آسارای عزیزی نمودند و سلطان عظیم السان فرزند بواسطه لکران فتنها که شد اجوبه فرمودند امیرزاد جناب علیحضرت  
همایون بواسطه لکران فتنه شد جناب سعید بنوب و وزیر مختار و ایلچی مخصوص دولت روس مامور با فامنت ربار دولت علیه  
که اول و دوم و ثالث اسرار شایع از آن و نشرها شامه و در باره سفرای بزرگ دولت مختار در باره جناب معری البه بوجه کمال  
آمدند و نشانزد هم در محراب و دارالخلافت ذکر بدو محمد مجتهد مخصوصه ظهور و نشر و نبیست

و قایم و سواخ عمده که در این سال در تمام سرزمین و افطار کردی ارض ساح کردید  
اناثون (سنگی درینا)

دو چهارم و سه که سه شنبه و از دهم جمادی الثانیه باشد جشن سال صد آزادی اناثون را در تمام ان مملکت کردند  
(مخوف نمائند که میل از صد سال ممالک شیخ السالک اناثون جزو مملکت انگلیس بوده و آنان نادر بی بعد از آد شده دولت  
مستقل بزرگ کردید است) و روقه امیرالمؤمنین ببلد رها و این سال بر بنور لای و تخت مختار جبکه شخص بپشت اناثون  
مهداد انداز طرفه دولت آن مختار و در آن گران رئیس نصیفت خود امتیاح اسپو بپوش صنایع عمومی برای جمع دولت و مملکت  
نوبین در شهر میلاد دنی در اواخر بهار

اسپانیا

تمام نفاذ که عساکر با عیون نکار نشدند و در وقت حمله نصرانی را در شازده هزاران فسون باغی کار لیب  
اسلحه خود را زمین گذاشته مطیع اعلم حضرت پادشاه اسپانیا شدند فرارند نکار نشدند بملکت مراد و در اعلم حضرت پادشاه  
اسپانیا با فتح و نصر تمام دید

### اثریش

مسافرت علی حضرت امیر اطریز انگلیس ملاقات اعلم حضرت پادشاه یونان و ملکه اسپانیا با اعلم حضرت امیر اطریز و پنه  
ملاقات اعلم حضرت امیر اطریز و پنه با اعلم حضرت امیر اطریز در شازده در حالیکه صدراعظم دولت و سر و صد  
اعظم دولت اطریز کتانداسی حضور داشتند ملاقات اعلم حضرت امیر اطریز در و پنه با اعلم حضرت پادشاه ساکس  
و در و اعلم حضرت پادشاه یونان و پنه

### المان

منع دولت فروش اسب یکسایمکه میخواهند آنها را بجا بخرند غوث زرنال پوکر از معارف در برین طغیان با اغلب  
در خانه هاعلی مخصوص در شهر فرانکفورد و در مسافرت اعلم حضرت پادشاه انگلستان بشهر ملاقات اعلم حضرت پادشاه  
انگلستان و اعلم حضرت امیر اطریز المان در شهر کوبورگ ملاقات اعلم حضرت امیر اطریز و اعلم حضرت امیر اطریز المان  
دربین ملاقات در شیدول البرین پنهسا لار اعظم دولت اطریز با اعلم حضرت امیر اطریز المان و اعلم حضرت امیر اطریز  
دو شهر امین مسافرت نواب لبعهد دولت اسپانیا باز و جبه خود برین ملاقات اعلم حضرت امیر اطریز و اعلم حضرت  
امیر اطریز المان در سالز بورگ و در و اعلم حضرت امیر اطریز و پنه با اعلم حضرت امیر اطریز المان

ملاقات وزلی دولت  
تلاش روس المان و  
اطریز (پنه که با کت)  
اطریز (پنه که با کت)  
انداسی

### انگلیس

لرد درجه زبرامو و خارجیه منشا از وضع سلطنت و حکمرانی دولت عثمان میکند لقب شدن در پسر ایل صدر اعظم  
بلقب کت بود کونسل دولت و ظلم عثمانیها نسبت با اهالی بلقان نشان با کال فقرت در انگلیس بدو میشود مسکولاد  
نمایند در مذمت دولت عثمانی نشا میکند سان دادن فسون مستدردها با حضور نواب و بعهد افتتاح پار  
با حضور شخص اعلم حضرت پادشاه انگلستان تکلیف پسر ایل صدر اعظم بود کلا که با القاب اعلم حضرت پادشاه انگلستان  
امیر اطریز هند و شازده فرود شوا ایتیاغ استقامت و صبر از شرک حضرت جمیع العیون سوزن بواسطه دولت انگلیس  
مسافرت اعلم حضرت پادشاه انگلستان بالان و مرچین با انگلیس معاودت کارین سباح مردم قازان فرقا با انگلیس  
مرچین نواب لبعهد از هند و نشان با انگلیس فرستادن کشتیها جکی انگلیس با سلامبول بجه رعایت دولت عثمانی  
ایتالیا

مسافرت نواب لبعهد بار و جبه سطرین بون و در سفرای مرعش بودند و محضو اعلم حضرت پادشاه رهن اهالی ایتالیا  
صدعائیکه از طرف دولت عثمانی با اهالی بلقان نشان چه سوار میباشند وقت کار دینالان نوبلی صدر اعظم  
پایتبر قرار داد دینال سب و بجای او زوجه دولت را وقت لیدر ویم اعلم حضرت پادشاه ایتالیا فوت میباشد مسافرت نواب  
امیر اطریز سابق فرانسه در شهر نیم

### برزیل (از نیکی دینا)

مسافرت اعلم حضرت امیر اطریز بر نیکی دینای شمالی

### بلژیک

و در و اعلم حضرت پادشاه یونان و ملکه در این مملکت نیز و در اعلم حضرت امیر اطریز و پنه با اعلم حضرت امیر اطریز  
پادشاه بلژیک و ملکه در شهر سبنا شورش مردم در شهر بر کسل پای تخت و در آن فوس

### چین

قنوجان عساکر چینی کاشف کردن شهر از کت سی از بقو بیک امیر کاشف

### دانمارک

مسافرت اعلم حضرت پادشاه باز و جبه خود بیطرین و بون

### روس

در دم نواب امیر اسپانیا که مطابق است با جبهه سبب در پی شوال خطبه اعلم حضرت امیر اطریز در مسکو با حضور رجال دولت و  
اعیان و اشراف مملکت فرستاده اشکارا بیان میباشد که اگر اجاع دولت فرنگ نتوانستند فراری در راه نیست علیسویان و عیبت  
عثمانی بدهندن سلاطین شخصه حاضرمه که کمال رعایت با آنها بنام و سرد و زعبه عساکر کرد و حاجتوی با مو توفیق  
پالان و ساگر بدین نواب کرا اند و بکلا براد را اعلم حضرت امیر اطریز سر را بر این اردو کرد و پادشاه و عیار نشا از  
دو بیست شازده هزار پیاده و چهل هزار و دویست نفر سواره و ششصد و چهل و هشت عراده توپ و بیست  
کرد منات عیال از برای تدارک جنگ دولت از داخله مملکت استقرار نمود و مقر شد که از آن بعید و صبر کردند  
مسکوک باشند بول دیگر تمام اهالی روس از هر مملکت در هر نقطه عرضیه با اعلم حضرت امیر اطریز و س نوشته دعای خیر  
با اعلم حضرت اعظم میباشد که بخیاال آزادی و سب و بجا عثمانی است و اول دسامبر که مطابق با جبه چهارم ذ بقعد الحار  
است و این کرا اند و بکلا و سپهسالار براد را اعلم حضرت امیر اطریز که سردار عساکر جنوب بود سمیت کشتن بیکه عسکر  
اند و روس بوجهر کت نواب امیر ال کرا ب و در پیر مجرب در زستان خون کرا اند دو شش هاری خواهر اعلم حضرت امیر اطریز

الحاکم خوند بمصر فاطم و موسوم نمودن این پالت را با بالک فرغانه قنوجان و غلبه نزل اسکند  
سر در بر طایفه فراتر قوت

### ثابین

سازن میکاد پادشاه این ملک اسفان بجای با طراف جزیره خود موقوف داشتن شکر با نسبت بمصر در این ملک  
سورش ایلان مغربه قتل باغبان

### سود و نروج

فوت عا در اعظم پادشاه در بادستان

### سویس

دخا این ملک در این سال هشت کرد و در وینت چهل و یک هزار و پانصد و پنجاه و دو قومان و شش هزار و پانصد  
و هج هشت کرد و در چهار صد و بیست و هفت هزار و شصت و هشتاد و دو قومان

### شیلی (بنکی دنیا جوبی)

نیوان خود داده شد که مثل رجال آنها نیز در مجلس پارلمنت حق بصین و کپل دارند

### عثمانی

جنگ بخند دولت با باغبان هرز کوبین و بسنی کتاند راسی صدر اعظم اطریز سنود العله و پاداشی برای استمال باغبان  
هرز کوبین و بسنی که با مصای دولت روس المان و انگلیس سپه استلا سلطون وانه میبازد و اوصاف ایند شو العله پاد  
منی بلین بقره اژاد نام و تمام اهالی در مذهب که پروردی میکنند (فانوق در وضع اخذ مال پالت که بغلی با آنها نشو) (نوشو)  
زارین و ملاحان) (بگفتنی از مال پالت معتبره که این دو پالت باغبان بد دولت عثمانی میدهند هر ساله خرج خود خوان پالت  
شو یعنی صرف ساحن ملایر و راهها و بر بعضی خانهها و غیره برسد) (اجداد مجلسی در این دو پالت مرکب از عیسوی و مسلمانان  
که معاد در آن مجلس نشسته فرادهای لازم برای رفاهیت رعیت بدهند) دولت عثمانی قبول این تکلیف را میباید و چنانچه  
هفته باغبان مهلت میدهد که اگر در طرف ایندنا سلطه برین کند استند البته اخبار کتند آنها را عضو کرده نیز سلطان  
برای خرابی که با هالی سپه مقرر میدارند که در نظر و وسایل تخفیف کلی در پالت آنها داده شو ملاقات نزل نروج  
حاکم الماسی من پالات اطریز با عالی پاشا و مختار پاشا سرداران عثمانی در شهر کوز باغبانهای بسنی باغبانیتند  
برضد دولت هشت مختار پاشا با هفت هزار فسون با باغبانهای هرز کوبین و بسنی در جنگ استندای بنورین و بقار  
استعفا محو پاشای صدر اعظم و نصیب محمد رشک پاشا بجای او بدست آوردن قونولهای فرانسه المان که در سال ۱۸۰۸

بند عثمانی مقبول شده بودند و بقتل رسانیدن آنها در اسلامبول خلع سلطان عبدالعزیز خان از سلطنت برسی ام  
که ششینده ششم شهر جمادی الاولی باشد و نصب سلطان مراد پنجم بجای او در چهارم ماه ژون که یکشنبه پانزدهم جمادی  
اولی باشد عبدالعزیز خان شهران خود را با مفاخر در برده خود را هلاک میبازد در شانزدهم ژون که شنبه بیست و پنجم  
جمادی اولی باشد حسین عوف پاشای وزیر جنگ را و رشید پاشای وزیر امور خارجه را حسن نام چرکس در خانه مدخا پاشا  
صدر اعظم بقتل رسانید در جینی که در بلغارستان در هرز کوبین و بسنی فسون دولتی با طغناء ناپره شرارت باغبان مشغول  
بودند مان پالات را منظم کرده پالت سردی بهانه اینکه میخواهند حد و سنو خود را محمولان دست برد و تحلی باغبان  
باشون منظم دولت عثمانی نمایند عساکر زیادی حاضر میکنند و بر این میلان والی سردی سرداری این فسون را بخصمه قبول میکند  
در اول ژو که شنبه نهم جمادی الاخری باشد مننگر و سر و بیعتانی اعلان جنگ میکنند سر و عساکر سردی نزال پونا  
می باشد فوجان مختار پاشا در مننگر و از طرف دیگر شکست دادن فسون مننگر و عساکر عثمانی با وحس کردن عثمان پاشا  
عساکر عثمانی سرداری سر و را کریم عبدالکریم پاشا در و بجا کوزستان میانید فوجان عبدالکریم پاشا در سر و میبازد  
دولت انگلیس که اسباب اصلاح میان سر و عثمانی را فراهم آورد در سوه یکم ماه او که در شنبه نهم رجب باشد فونول شیخ  
الاسلام که سلطان مراد خان پنجم برین مجوزت و قابل سلطنت و فرمانروائی نیست از سلطنت خلع شد برادر کفر و عبد  
الحمد خان بجای او منصوب کرد بد در هفتم سپتامبر که پنجشنبه هجدهم شعبان باشد سلطان عبدالحمید خان رسما جلوس بخش  
سلطنت میکند تکلیف صلح نمودن دولت انگلیس دولت عثمانی را با سردی و مننگر و با شرکت سایر دول فرنگ و جواب هم  
دادن دولت عثمانی و در اعظم حضرت امیر اطور بریزیل با سلامبول ایجاد پارلمنت عثمانی مرکب از صد و بیست و نوزده  
عبدالکریم پاشا در سر و و استمداد نمودن سر و از دولت روس و در صاحب منصب بر از زبادی باسم داوطلب مملکت  
سر و بطریق اختیار کردن اطلاق بعثتانی قبول کردن دولت عثمانی بکفر ارضی که اجزاء این مجلس سفرای کبار دولت  
فرنگ باشند بجهت فرادادها حیدر در داخله عثمانی استعفا نزل حرم باغبان سرداری عساکر سر و دولت روس  
بنهای مطالبه یک صمانی از طرف دولت عثمانی میکنند که بوعده شها الکفان نموده باید ضامن شو که فراتر حاجد بیکه  
مامونین دولت خواهند گذاشت از عهد بر آید و مامور با وجود اینکه این مجلس برای و منفذ است خود حضور در این مجلس را  
نداشته باشد دولت عثمانی حجاب مدحت پاشا و هم پاشا را از طرف خود مامور نموده باین مجلس میفرستد افتتاح مجلس  
کفر ارضی در وازدهم سابع که ششینده بیست و پنجم ذیحجه الحرام باشد بدون قبول حضور مامور عثمانی بر پاست  
نزال اکتشافیت سفیر کبر و روس نزل رشک پاشای صدر اعظم و نصب مدحت پاشا بجای او دولت عثمانی پنج تکلیف  
تکلیف مجلس کفر ارضی را قبول میکنند

فرانسه

دعوت سپهسالار مجلس پارلمان و در وقت اعطای پادشاه انگلستان به بندر شر بود و در وقت بیرون آمدن از آنجا  
کامیون و دو سفیر مرعش پاریس

مکزیک

شورش اهالی پوگراند بخوبی زلزله زد و شکست یافتن باغبان از فسون دولت

هلاند

آزاد کردن غلام و کتیرا دولت هلندی در جزیره سوماتا

بنگی و بنای جنوبی

دعوت ابراهیم پادشاه بموید منتخب کردید

یونان

دعوت اعظم شاه امپراتور بر بله و این ملک را احبنا اعلم حضرت پادشاه یونان بعد از گذشتن و سپاهیان تمام فرنگستان

بملک خود استقران دولت برای ندادن فسون فرستادن چند کشتی جنگی به بندر سالونیک

شرح و فایع سالک و یک سلطنت و نا جدر اعظم فوسونک شاهنشاهی  
خسر صاحبان زان الله شاه شوکت دولت مطابقت سندهزار و ستم

نور و چهار هجری یحسان بیلرک

که بفرستد بعد از در و مال

او در بیلرک

ابتدای اینها خبر مال محض زین نظم و انتظام امور دولت و دفاع و اساس حال رعیتها بشارت عجب بسیار است و عیبه

ملوکانه قانونی بر این مبنی مدو و تکالیف حکام و دستگافسون که در ولایات ممالک عمر و سه هستند نوشته با مضای

ملوکانه و موقع و صورتشان از فرار شرعی که در دنیا مسطور شود بولا پادشاهان داشتند

صورت قرار داد و قانونی که جناب اشراف اجدید سپهسالار اعظم نوشتند

اولا بنمایند و در فکر هر دو بجز انجام خدمت دولت معین بشوند تا بیکال انفاق و اتحاد بوده بوجه من الوجوه بایکدیگر

مخالفت نداشته باشند

تا بناحاکم هر دو کفایت خود را بر پیش نظام خواهد داشت

تا نشاند و موصی که خدمت دولت افتضا نماید و حاکم بجز دفع مقرر شود با امنیت و لایتن سون عسکر را بیک از نقاط و لا با نصاب  
به بنیاد بید مکتوب بر پیش نظام تکلیف معلوم نماید و پیش نظام باید اطاعت حاکم را در این هر چه بدون سوال نماید و اگر  
انحراف بدون موثع واقع شده مسئول در نزد دولت حاکم خواهد بود

داعبار شسته ایند و اداره کلیه از یکدیگر موضوع و جداسازی نامعنی که پیش نظام هیچ وسیله و بجا نماند با موانع و لایتنی از  
قبل مالیات و پیش ضباط و نواب سایر کارها بیکدیگر عهد حاکم است نباید مداخله نماید و همچنین حاکم هیچ وسیله  
باموران فسون نباید مداخله نماید بجمع اموران معلقه فسون باقره و معلقه پیش نظام اولایت دارد

خامس آنخواه نقد و جنسی که در کتابچه دستور العمل خرج ان و لا پشامده است تمام او را باید بدون هیچ قسم مداخله نمود  
از جانب وزارت عسکر به معین بشود بشلم نموده و فیسران مامور را سند خرج خود بداند لا غیر و اگر مداخله فرموده نماید و خود  
بخواهد به تنخواه نقد و جنسی فسون دخل و تصرف نماید و فیس خرج را سند خرج خود فرار بدهد در یونان و در فرنگستان  
ایضا مقبول و مستوع نگشته و ان قدر که خود مداخله فرموده است نماید و ن عذرا و استراده خواهد شد

سادس حاکم و لایات باید بنخواه که در کتابچه دستور العمل بیوانی نوشته میشود با هم فسون و سایر مخارج و مصارف فسون  
داشته و ان قدر و جو می خود او را تنخواه فسون را برساند و هیچ عذری از قبیل فاضل کتابچه دستور العمل بیکر و لایتن  
و لایتن است تمام آنچنین تنخواه فسون را نباید معون و معطل بکند بلکه تنخواه معلقه فسون را مقدم داشته و از بزرگ  
معادیر و مستند عیان خود سایر مصارف مخارج و لایتن را محمل فرار بدهد تنخواه فسون را واجب الابد دانسته مخلف  
جایز ندارند

سابع آنکه در فصل چهارم ذکر شد که ایند ر شسته حکومت نظام از یکدیگر کلیه موضوع و جداسازی بهیوست که  
اجزا و اسباب کار ایند ر شسته خدمت دولت هم مختلف جدا خواهد بود ممکن است که دولت بجز مصالح خود را باستاند  
ر شسته را بشخص واحد مفوض نماید انتظام این هر دو کار را از ان شخص نخواهد لیکن آنجا که هر دو عمل با رجوع شده است  
باید ایند و کار را از یکدیگر موضوع و جداسازی این قانون نامر را در نظر خود رجوع نموده و دوس مسائل را بمرجع  
هر یک از دو کار رجوع و اظهار نماید

تا مگر از باب شریک اختلافی مابین حاکم و پیش نظام بود فوج هر یک از این اختلاف را بجز چه اسباب تقاضت و  
عداوت مابین خودشان قرار نداده در کمال ادب انسانیت و معقولیت بایکدیگر رفتار کرده مابین اختلاف را بر و سا  
و در جمعی خود نوشته هر قسم حکم رسید رفع اختلاف نمایند

تا سعا اگر می بیند اهل نظام و فسون با اهل ولایت در عین اختلاف و محاجره واقع شود حاکم و پیش نظام متفقاً

داشته خدمت هر یک از این  
دو شعبه را بجزای خود

و شرف کا باید رسیدگی و غفور و موعود و احقاز حق کنند

عاشرا اینکه در فصل پنجم و ششم ذکر شده و تا کیده و اقبال و جو منغلغه نشو کرد بده اش این مفهوم واضح و بدیهی است  
مالی اینکه افراد و صاحب منصب نظامی باید در جزو و مالیات کل و لا با آن بجا که بد بده بقدر بکه غلوی با آنها دارد و حاکم باید برین  
نظام محل داده و نیزه و جبهه منغلغه بقسوی و مطابق مدلول و مندرجات در فصل پنجم و ششم کار سازی دارد

بر اساس کتاب که تقریباً یکصد ده سال عمر کرده شب جمعه هفدهم صفر در شب جمعه هفدهم صفر در شب جمعه هفدهم صفر در شب جمعه هفدهم صفر  
شاهنشاهی دام ملکه را اجاب شرفناحی پید سالار اعظم با علی در وجه کمال با سکو و زینتی تمام گرفتند و تمام بلاد مالک  
محمود و سربازان عید سعید با شرفیات کامله گرفتند بعضی استخوانهای مامونش را در اسفهان میرزا فیض خان حکیم شای  
حضر شاه اجلا اعظم شاهنشاه و الاطلا السلطان حکمران اصفهان و مضافات آنکشاف است مامون جوانیست که قبل

از طوفان نوری رگه ارض وجود داشته شب بیست و یکم روز ششم صفر در شکارگاه جاجرد و پلنگی عظیم  
شکار شست مبارک شد و در سه شنبه چهارم شهر بیج الاول بعد از نه ساعت بیست و هفت دقیقه و معی و مشق  
بجانب پنج حد پندرته از روز گذشته بر اعظم از برج حوث بجل بخوبی کرد سلام خاص در عمارت عجاج در پیشگاه  
حضورها بود منغلغه در دو روز چهارشنبه که در عید نوروز است سلام عام در نال آنحضرت با انقاد یافت حکمران

مانند و از این عهد کفایت جناب معتمد الملک و نیز مخصوص موکول است شد مجلسی برای تحقیق اشیا معتدله و فرائض  
برایست نجات الاعضا السلطنه و نیز علوم و معادن دایره برقرار کرد بدین راه که بعد از مراجعت از سفر فزیک  
که برای تحصیل رفیه بود از اطباء و حقوق هابون و منصب معالی علم طب عد و معاد که در انقون سرافراز آمد بسید

با مور و رستمان و لرستان را بعهده کفالت جناب علاء الدوله وزیر مالیه و در بار اعظم موکول داشتند نیز اطراف  
کپلان را مرید سار مشاغل جناب معظم فرمودند و ضیاء الملک بحکومت کپلان منصوب شد حکمران غنسه نیز جناب  
عزالدوله عبدالقصد میرزا و کادرفرمودند میرزا محمد حسین پسر میرزا جعفر و قباغ نکاح و منصب پشاسرافراز آمد و یک

هابون یا تردهم جادی اولی شرفی فرمای بیلاق کار کرد بدین طریقی دردی مراجعت فرمودند بر سر سکه و ضوابط  
دولتی در محلی که مشهور بکارخانه ریشمان ریشی است بر است جناب میرزا علیخان امین الملک و نیز در سایر خاصه  
مباشرت سبوحی عساکر و تکمیل و دایره پیشو آقا محمد ابراهیم امین السلطان بلفی جنابای مملکت از اجزای دارالتشرف  
کبری که بدین مقام و امور دولتی یاد رخت و وزارتخانه فرار داده جناب اجلا قای مشو الممالک را و از این  
کشور و جناب شرف پید سالار اعظم تا و در پرامور و لشکر خوانند و این شهر رجب موکب هابون عید با عانم لار و  
نمارستان شد میرزا کی ریشی وزیر در بجم حلالک بجناب جناب مغفر آمد در سطح شهر رجب شهرستانک

ساجد از طوفان دیگر  
پیش چون و جو  
بافزار است

مضر و جناب معالی کرد بدین عید از معاودت سفرای پیرمان از دار الخلافه بان ملک میرزا فضل الله خان کار پر از عیب  
مامون با لاجری سفر پیرمان فرار دادند مشارالیه این مامون با لاجری را از و کفایت با جناب رسا بنده معاودت کرده این  
اوقات عمر پیران مسافرت و شرح سفارت خود بجا کیمای هابون ارسال داشت میرزا شفیع خان برادر مرحوم میرزا  
سرتیپ او چنانچه مبارکه منصب سرهنکی نو چنانچه نابل کرد بدین راهها استخوان امین الدوله مرحوم شد میرزا محمد خان امین  
ولد مرحوم میرزاها استخوان علاوه بر ریاست ننگداری خاصه بر ریاست خورش هابون سرافراز کرد بدین سبب و نکلا سرتیپ  
جانب سپهر پدید و رئیس کل بیستخانه های مالک محرم و سر وجه ریاست کل با فزاد خلابان اداره کرد بدین مجلسی از اجزا  
عمر مسطوره ذیل برای رسیدگی امور دپو و خانانه عدلیه اعظم با مر هابون تشکیل یافت

رئوس الاعضا السلطنه (جناب نظام الملک) (جناب نصیر الدوله) (مستشار الدوله) (میرزا ذکی نایب) (ادب  
الملک مد مجلس) (میرزا محمود وزیر طهران) (حاج میرزا حسینخان) (صدیق پو خان) (اعتماد الملک) (حیدر قلیخان)

(بعضی اجزای دیگر) در ماه رمضان اینسال تکیه دولتی محل و جایگاه غزیه داری استماع و اعطاست در غزفشان  
جوهر فرودشان دار الخلافه و بخار و ارباب صناعت و محرف منزل نموده بکسی و فر خود مشغولند بضر الله خان نصر الملک  
سرتیپ اول بکف طعنه نشان ثمال هابون سرافراز کرد بدین راهها استخوان جناب منصب نایب نظام العلماء یافت و اب  
جهانسون میرزای امیر تومان حکمران استرآباد با عطای نشان ثمال هابون سرافراز آمد حسینعلیخان ولد جناب علاء

الدوله منصب غلام بشیر شایا شیکری میاه کرد بدین سبب سرتیپ بر است نواب و الا اعضا السلطنه و نیز علوم و معادن  
برقرار کرد بدین که اجزای آن امین و امین و اجناس را بقدر ابراز عجمه اکتیو و کیتو که درین سال آئنده در دارالملک این  
افتتاح حرا بد جمع آوری حاضر نمایند و میرزا جواد خان که مامور حمل این امین بریار پس میباشند منصب سرتیپ دوم

مفتخر کرد بدین راهها استخوان علی ناظم بیستخانه بعطای بکر شسته جمایل نشان از درجه سرهنکی نایب آمد بعضی از نالک و  
که بخاک خراسان بناخت و تا زمان آمد بودند مصطفی قلیخان پسر رئیس نظام خراسان آنها را ندمیری سرتیپ نموده است  
همام حکمران خراسان و سپهسالار استرآباد را مرید مشاغل جناب مستطاب اشرف سپهسالار اعظم فرمودند محمد علیخان  
امین السلطنه جامه خاص بعطای بکف طعنه نشان و جمایل سرخ از درجه دوم سرتیپ سرافراز آمد میرزا اسدالله خان  
حیرالفتو دولتی و مقامه و مقام نقیلس با عطای نشان و جمایل سرتیپ اول میاه کشت

سوانح و قایم عمده که در سال هجرت و نیز فی افطار که ارض واقع گردید است  
انالیق بکنی دنیا و بکنی دنیا شمالی  
در بهار اینسال ریشارد های برایش جمع و کبر فرار و زلزله گران ازین محل خلع کرد بدین سالی پنجاه هزار و دلا بر پیش



مواجهه مرسوم داده میشود

(هر یک دلا و معادلت با بیخبران بول ایران)

بغیر از این که مذکور است بدلیل احوالات و در ضمن نام بغیر از این که مذکور است بولک بقتل برسد تمام قشون الاثوئی بروی  
حری بیست بیخبران است مسافرت رئیس سابق نزال کران نسبت نزلک و وروا و به بول بندر انگلیس شکست عساکر  
دولتی از طایفه سپهسوار که از وحشیها اندیم یکی دینامی باشند

### اسپانیا

مواخواهان دنگالتر که بخارج فرار کرده بودند بحکم اعلحضرت پادشاه با وطن خود بر میگرددند تمام باغچههای جزیره کوبا  
مطیع و منفاد دولت شدند

### اطریش

ملاقات پرینس بزمهارک صد اعظم المان و کنتاند ساسی صد اعظم اطریش در شهر سانسبورگ

### المان

گرفتن اعلحضرت امیر اطور جیش در موقع سال هفتادم داخل شدن ایشان بخدمت قشون و سال هشتادم عمر اعلحضرت  
معظم بر آتن بزمهارک بواسطه علت مزاج و وقتا چند از کارخانه مجید ملاقات اعلحضرت امیر اطور المان با اعلحضرت  
امیر اطور اطریش در شهر ایشل

### انگلیس

در سفر ایچین بلندن کشتوی محبت در مجلس پارلمان در مسائلی که راجع بعثمانی است الحان جمهور ترانس وال اتریش  
فره بر آس امید بمصرفات انگلیس در آن ناحیه سفایر جنکی انگلیس در بولجیج بزیکانزد یکی اسلامبول میکنند

### ایتالیا

پنجم با پیش سال پنجم سلطنت و حانی و جیشا خود را میکند

### بزنزل از بنکی دینای جنوبی

بواسطه خشک سالی میان مدن بارن در بالان شمال مردم بلبیة فحلی مبتلا میشوند

### پرتغال

ببطریق ایندولت در جنگ روس عثمانی

### چین

قوشون بعهد در سن سیش و هشت سالگی

### روس

صد اعظم ایندولت برینس کرچاکت بدول المان و اطریش و فرانسه و ایتالیا پاداشتی میفرستد که دولت عثمانی  
بهمین حد تکالیف دولت روس را در مسائلی که راجع بر فاهمه عیسویان آن مملکت است قبول نموده و با این مجاهد دولت  
روس در نتیجه قشون است آمدن اعلحضرت امیر اطور به کشتیو با نغای نواب بعهد و سان دین قشون و در آنجا  
اعلان جنگ کردن بعثمانی مشار ذرافر عثمانی با تمام اجزای سفار خود از بطریق سمیت لکت خود حرکت میکنند اعلحضرت  
امیر اطور با نواب بعهد بشخصه در عساکر روس که بجای عثمانی و روس میکنند حاضر هستند

### ترابین

ایجاد راه آهن جدید و افتتاح آن با حضور پادشاه از آکا برکیٹ

### عثمانی

سرداری سلیمان پاشا بجای عثمانی پاشا در هرز کوبین صفی پاشا در مجلس و کلان از طرف سلطان اظهار میدارد که در تکالیف  
مجلس کفر انش دول را که در اسلامبول منعقد شده بود چون ایشان و مشوک عثمانی خلی دار می آید اعلحضرت سلطان  
قبول کرده و در غنوه اند مجلس کلای دولت عثمانی تمامات تکالیف مجلس کفر انش ول ذریک دارد که در قشون مامورین دول  
که در مجلس کفر انش حاضر شده بودند از اسلامبول عزل آمدت پاشا از صدر شده منصب هم پاشا بجای آنفقار مصاح  
ما بین برهستان و عثمانی سرداری کل سفایر جنکی عثمانی به هم پاشا نام که اصلا انگلیس است قوشون شد مشار ذرافر  
با اشیاع سفار در فرخو با اینده از اسلامبول خارج شدند در سیش چهارم آوریل مطابق سیشدهم ربیع الثانی  
عساکر روس در روسیه عثمانی نمودند با آن اقلای غنای قشون روس اجازه میدهند که از مملکت او عبور نموده  
بجای عثمانی بروند و ولای اقلای غنای پرینس شارل سرداری عساکر خود را قبول کرده بر ضد عثمانی بر میخیزد نصرت  
عساکر عثمانی ششم قلعه را از بنادر روس و هفدهم مطابق سیشدهم جمادی اولی شهر اردهان در روس منصرف شد  
شیخ الاسلام فتوا میدهد در چهارم ذون مطابق سیشدهم جمادی اولی عساکر روس شهر فارصا  
حاضر میکنند و سیشدهم همان ماه عساکر روس از دوانو عبور میکنند بدو عساکر روس در سمتار و پینو  
خاک عثمانی پیش فر اول قشون روس سرداری نزال کوزکوز کوه بالخان عبور میکنند شهر بیکلی نصرت عساکر روس  
در می آید شکست خوردیم روس بدست عثمان پاشا سردار عثمانی محلی پاشا بجای عبدالکریم پاشا سپهسالار اعلا  
عثمانی در سیشدهم عثمان پاشا در یلونا محصور شده در حمله اول عساکر روس بان نقطه ده هزار نفر قشون و کشتی

میشود و شکست بر نواز کور کور در حواله نوازان تو دو مید هند سلیمان پاشا در کلمه بار و مهاجرت چنان آوردن در شیکا  
 دو هزار نفر بکشتن مید هند عساکر افلاک بغداد با عساکر روس متحد شده در محاصره پلونا حمله متفقینند و سرداری این  
 دسته فوشون با پرین شارل حاکم افلاک بغداد است و فضا چا بصره روس دو آمد در حمله دوم عساکر روس افلاک  
 به پلونا بپشت هزاران عساکر روس کشته میشو شکست بخار پاشا در آلتنگد خود را بقعه فارصل انداختند در هجدهم  
 نوامبر مطابق یکشنبه با زدم بقعه الحرام قلعه فارصل تصرف فوشون روس درآمد و عساکر روس بیست هزار نفر حرکت  
 در دم دسامبر مطابق و شنبه چهارم ذیحجه الحرام عثمان پاشا با فوشون ابوالجیمی خود در پلونا تسلیم عساکر روس میشو  
 و در همان وقت با لک سر با وجع عقد مصالحه یاد دولت عثمان نقص عهد نموده با فوشون روس متفق میشو با وجود سرما  
 سخت و بر فضا عساکر روس از چند نقطه کوه بالخان عبور میکنند

### فرانس

در پاست سپو کردی مجلس وکلای ملت فوت نزال شان کا در پنهان سردارهای معروفه در پسم سنبا میر کرد و شنبه بیست  
 و چهارم شعبان با شد سپو پلوس ساقی دولت جمعه و در فرانس فوات میکند

### مکزیک

در پاست یاز نام در مکزیک

### هلند

فوجات عساکر دولته را چنین فوت ملکه این مملکت در ناپستان

### یونان

با کمال عجله دولت در غنچه حاضر کردن فوشون است کارخانه جاتا اسلحه سازی ایجاد میشو بیست هزار فوشون علاوه بر فوشون  
 معمول حاضر میکنند در تواری بعهده و لئا تکلیس بر این پای تخت یونان

شرح قایع سال و در و بر سلطنت و نا جدر اعلحضرت شاهنشاهی  
 خسرو صاحبقران غرضه و نام ملکه طلبون سندهزار و در و پست نمود

پنج هجری او دیل ترکی که تفریب

بعد از خواب و نیم پادشاه

طلبشود

کلیه دولتی درین سال فخر خله فال از نوجاهت کامله سیدکان اعلحضرت شاهنشاهی صان الله ملک عن التاهی نایبا

ماکان فرین نظم و انتظام است حسین میلاد سعادت بنیادها چون با جناب ایشرفنا محمد سیه سالار اعظم بوجبه کل طرفه شایان  
 گزشت کتاب مستطاب منتخب شوی که بفرمایم در مماله اشفا بر شده بطبع رسیده است که کوشه کرمان و بلوچستان را با جاج غلام  
 خان شهاب الملک مقوض فرمودند بر اعمار مستوف و داجی میرزا بابای حکیمباشی منصب سفیای نظام سرافراز شد شیخ شایسته در دم  
 ریح الاول بعد از شش ماه ساعت یا تریزه دقیقه و در و تا پنهان از شب مجاسبه فرج جدید فرنگی افتاب عالم از تابان بر حوض جلال  
 نموده سلام امر و عمارت عجاج منعقد کردید و چون دوزخ هم نرسید و لو دمسوق حضرت سید المرسلین و غلام البقیع  
 جدید نور و زفرین فضا باین روز قرار داد و در اولار تخت مرمری انقاد با فضا اداره و ذاری امور بنائی دار الخلافه با ره و شای  
 مالک محمد سید بر عهد نواب الاعضا السلطنه و غیر علوم و معادن موکول فرمودند حکمران بر وجود و کلیه پکان و خوشنسان  
 ضمیمه حکمران اصفهان نموده بجز شایع اعلحضرت شاهنشاهزاده و الاطل السلطان حکمران اصفهان امام الله اقباله العالی  
 فرمودند نواب والا عیاس میرزا که چندین سال در عیاش مالیک و عزان عربی بر میرهند عواطف و مرام ملوکانه ایشان ابدار  
 احضار فرموده و شمول نفقات ایلانها با نفقه مبلغ شش هزار تومان وجه نقد از خزانه عامه بریم سپو فخال و عواطف  
 خون و اب عظم و بکنزار و با نصد تومان در خون نواب محمد میرزا و نایبانشان مقرر و بر قرار فرمودند علاوه بر این موهبت نواب  
 والا عیاس میرزا بلیغ جلیلاک آرائی و حکومت غنچه و بجان مباری شدند نواب الامیرالدوله بهرام میرزا و زار و عدلیه  
 عظمی مقصر و منصوب فرمودند حکمران بلا بر نوب پکان و بجاوند و بر عهد کتاک نواب الامور بالدوله موکول داشتند جناب  
 الله فلجان الطحان بجوگت همدان منصوب و مباری کشت حاجی محمد و بجان فاجار شایسته ای بر پاست مجلس مظالم عامل ملک مالک  
 بر قرار آمد امیر و بجان معمر الممالک با عطای نشان نیشال همایون سرافراز کردید بر اخص نوری و لایزال ابراهیم  
 منصب بنگال در جبریم نایب امیر حاجی میرزا علی بنی منشی باشی نظام بلیغ سپو لشکر سرافراز آمد حاجی اعجاز خواجه شایسته  
 بلیغ محمد المرم مقصر آمد کل فر و کماهای دار الخلافه را بعهده کما نایب امر زاده و جید الله میرزا بپشتن مظاهره سران دار کل  
 وجود نظام و کلاد فرمودند نایب امیر ای جودان مخصوص حضرت همایون و خازن و جوهر و عیاس بارک با عطای بکفطعه نشان  
 از در جنرال سپو و با جمیل سپو مقصر آمد اصفند پارخان سر نایب بکفطعه نشان سپو و خورد و بکشته شایسته حاجی ابراهیم  
 آن مباری آمد

از قایع عده این سال خبر مال مسافر بیدکان اعلحضرت نوبت شوی که همایونش غیر کستان که شرح آن در سفرنامه  
 مرقوم فلم مجر زدم شاهنشاهی مفصل و مبسوط مسطور شده و انطباع یافته است ما محض نیمه قیمن این کتاب ضلالت از  
 زیو باین اوزاد فرمودید هم مقدمه اظهار مبارکیم که چون مقصود و خیال خطای نیشال خسروانه از این سفر خارج است  
 دقایق نکات عمده علوم و فنون و صنایع و بدایع اظلم او و پاستو این سفر مبارک را بدو ن سمت سمت فرار دادند از قیاس

با تمام محال سخنان تحقیق

دعوت اهل صلاحین و وزیران دول و روسای ممالک مغرب طلب منظورم کرد

شرح خبر اهل حضرت هاپون بفرنگستان

چون موکب سعوی مقدس عزیمت فرمود تا بمشاورت محمد شاه ایران در دولت عینت و ملکوت صفات اهل حضرت اجل اعظم شاهنشاهزاده انجم و انامی سلطنت علیه امیر کبیر ادم الله انبیا الله العالی مقوم فرمودند و جناب اجل آقای مستوفی الممالک در کلیه کارهای کشور مشارک در مجلس حضرت شاهزاده و عظم فرمودند و جناب معتمد الملک وزیر مخصوص نیز از جناب جناب شرف اعلی عظم مشغول رسیدگی بکار لشکر نظامی و ممالک و دارالخواجه کردید و بعد از وضع این ترتیبات در پنجشنبه صبح اولی که بازرده و در عزیمت بود موکب هاپون از دارالخلافه با مراد شاهرزقی تشریف فرمای تهر حسین آباد حاجی سلیمان خان شدند جمعه غره ریح الثانی بفرنگ که پنج و شش روز پیش از آباد و یکشنبه هم بگذران سنک و دوشنبه چهارم بطاهر فرزند در فرار جوینت و لاجل از فرود آمد و پنج و ششم در اینجا اطراف شد و بعد از ظهر روز ششم شهر فرزند بمقدم مبارک فرزند در و هفتم در شهرشاهان که آخر حال فرزند است ضرب خپام کرد و نواختن آمد جمعه هفتم بقصد امیر تشریف فرستادند در اینجا اطراف شد و هم بجا از قلعه خالصه که بقول اصطبل توخخانه است فرود آمد و روزی فرمودند و آنگاه ملک حکمران کلان بنشان مثال هاپون مغز آمد روز بازم سلطانه نزول اجلال فرمودند شرح خبر انسلطانه در حرف بن انشاء الله بیاید دو روز هم ظاهر شهر بنجان مضر بچپام معلی کردید سیزدهم نیز در اینجا اقامت شد و روز چهارم در شهر بیک تشریف فرمای کردید و پانزدهم در فراتر از مراد ملک نظر الملک شرف و در و پنجشنبه در شهر فرزند سیزدهم و هفدهم در حال آباد که خاک آلود و شقایق است و جمعه هم با فتح مضر اردو و گوان شکوه کرد بدین راه حضرت اجل اعظم شاهنشاهزاده والا و بعد از آن ملک ایران صاحب اختیار و حکمران مملکت آذربایجان و جناب صاحب دیوان وزیر نظام و پیشکار آذربایجان و صدر الدوله و علما جناب حضرت عظیم خاکپای مبارک مشرف شدند و روز هم فرمودند و علیه ملکی جناب صاحب دیوان فائق کاه است معلی کردید بیستم نیز کان جای بیست و یکم نیز از مراد اجلال فرمودند بیست و دوم نیز که در شهر و در حال عباس بیست و سوم نیز حاجی فائق کاه موکب سعوی را بعذر و اطمینان نیز که با استقبال آمدند در اینجا حضور مبارک تشریف فرستادند بیست و چهارم نیز از اینجا تشریف فرمای کردید و شنبه بیست و پنجم شهر فرزند بود و سعوی فرستاد نیز که در پیله در باغ سنا نزول اجلال فرمودند مامورین حاج و جمعی پیشماور و افواج و سوار سپاه موکب معلی با استقبال کرده هر یک را از حضرت شاهنشاهزاده معلی رسانیدند که در روز و سعوی سلام عام منعقد کردید و بوالاحسن از خلفان حضرت مستطاب اجل اعظم و بعد از آن ادم الله انبیا الله العالی که تا این فرمودند و مبارک مشرف شد از تفصیل

امشان اهل سعوی و چهار آمد بیست و ششم جناب غریب سکر کبر سغانی که از راه حلب و دیار بکر و دیار بکر فرمودند و در روز بیست و هفتم نیز از شهر سعوی بامر التور مقدس مشرف کردید و عقب بیست و هشتم برای صرف چهار عیال حضرت اجل اعظم و بعد از آن ادم الله انبیا الله العالی که در شهر است تشریف فرمای کردید و از آنجا آمد و آنحضرت فایده الساطنه مقصود حضرت با طالب الله راه مشرف و در آن روز و در این روز در اینجا شکر دان مدنی و جدید البانی نیز که برایت بر حیا سیرت پسیر روح حاجی وزیر اخبار را بر است بگنجای مبارک مشرف کردید و در روز پنجشنبه و کعبه بان شهر و علمای راه خوی را در سعوی مقصود حضرت با طالب الله راه مشرف و علمای نیز از آنجا رفتند روز بیست و نهم از شهر فرزند شاهان فرزند صوفیان بمقدم مبارک فرزند آمد و در شنبه جمعه جمادی اولی نیز در فرمودند شرح خبر انشاء الله در عرض و روز دوم بکلین بنای سیم بکار و قرار در شهر فرزند در روز شنبه چهارم باید در حفظ خداوند از روز سوم فرمودند عازم حفظان شدند در تنگ بیک کوف که از جانب دولت روس موکب سعوی میسر نامهاندار بود با صاحب جناب بادی ب و در آنجا ایستاده بودند پس در سنک و پس از آن میلونین و وزیر جنگ دولت روس که اجودان حاصله حضرت امیر المظفر امیران رسلا و لقب و صاحب منصب کلشون برطان بر آنجا فرود آمد و سوار و غیره که بر راه ایستاده بودند بجا طرف شاهانه مشغول گردیدند حضرت اجل اعظم شاهنشاهزاده انجم و الا و بعد از آن ملک علیه و جناب صاحب دیوان امر و فناز و کاب اعلی مرخص شد و محل خود معاودت فرمودند و شبانه نیز از جانب دولت روس در آنجا فرمودند و در روز پنجم مخوان بمقدم مبارک فرزند کردید تا در این شهر با فوج ساحلو فوجان عظمتان مقدم خبر و آنرا بجا آوردند

اسامی ملزمن کاب اعلی در سفر فرنگستان از فرار در این است

(جناب شرف عالی علیه السلام) (جناب ضد الملک) (جناب امیر الملک) (جناب امیر السلطان) (دکتر طولوزان حکیم بیکار مقصود) (جناب شرف عالی علیه السلام) (جناب امیر الملک) (مهندس بقلجان پیشین) (آقا رضا الجودان مقصود) (خان صرغ صاحب هاپون) (محمد علیخان امین السلطنه) (امیرزاده سلطان حسین میرزا) (علاء محسن زین الدین باشی) (محمد سخا حنفی) (فرخ خان پیشین) (حاضر شرفیه) (جناب قلجان غلام بیجا باشی) (آقا رضای ناظم خلوت) (آقا محمد علی آبدار باشی) (آقا میرزا محمد) (حاجی حسن آبدار) (حاجی حقیق) (بنده مؤلف نیز شرفی التوازم کاب و بلای شرف فرزند بود) پنجشنبه ششم با شرف فرمودند که یکی از دهان محال شود در این است از نگاه او و هاپون شدند جمعه هفتم عزیمت فرمودند حال آنکه پیشتر موسر کرده قشون ساحلو و ایران پذیرای کامل از موکب معلی فرمودند و در هفتم در ایران توفیق شد و در این روز بیازیدید و سجد جامع ایران و بعضی مواضع دیگر با وجع کلیسا تشریف فرمای کردید و در آنجا در آنجا که جمیع صاحب منصبان نظامی و دولتی و حکام و شرف اهل دیار و مرا بیهوشان فرستادند و همگی مشغول عوارض لوکانه گردیدند

ناظر المکالم

از پیشه عازم و بجان کرد بدند و شنبه هم آن کتبت منزکاه موکبها چون شد بکارگان حاکم قلمی شهر نعلیس که با استقبال  
 آمد و توام روز درین راه بکباب اعلی پوشت شنبه باز هم عزیمت نعلیس نمودند و درین راه جناب امین الملک که چندین اقبل  
 مامور و فرنگستان شده بود بافتو <sup>نیز</sup> این مقیم نعلیس بکباب اعلی خاخر کرد بدند در کنار شهر سر راه فرزند اخرو طای  
 نعلیس زده بودند و شرفیات زیاد در روز مسخوشاها نعلیس بکباب اعلی آمدند و در نعلیس هر سکی با جانشین جمع صاحبان  
 نظامی و قلمی و ففاز داد و حضور با هر انور اقدس معرفت کرد نوای کراند و ک بمشلا جانشین ففاز ایتجا بودند و در و سپر  
 ایشان که در پیشه نوقف داشتند بحضور مظهر مقدس نشسته شد شب چراغان و انباشاد و جوئی شد کار گذاران  
 دولت روس نماینده منگداری با بعلی آوردند و از دم در نعلیس قامت شد و از شاهزادگان که پیش از این باز بدند  
 و موزه و بعضی جاها ای دیگر نعلیس با سباحت نمودند و امشب نیز چراغانی بود و در روز بعد از آنکه شاهزادگان در سر جا  
 جانشین نشان و حاملان بران عطا فرمودند و سایر اعیان و صاحبان نعلیس را نیز بقدم شنبه مستول کادم ملوکانه داشتند از  
 نعلیس شاهان فرموده بمنزل طلیق شریف فرما کرد بدند و در چهار دم شریف فرمای شهر که در ففاز شده از وسط شهر  
 با کاسکه گذشتند و گاری پاده کرد بدند فوجی با موزیکان صف کشید حاکم و صاحبان نعلیس با و جمعیت بادی از زن و مرد  
 فرکی و درین پیچ سر راه ایستاده بودند نظر آقا و وزیر مختار بران مقیم پاریس هم از پاریس آمدند بحضور مبارک مشرف شدند  
 داخل کاسکه بخار شده ناشن ساعت از شب گذشتند و این محل نوقف شد نگاه کاسکه راه افتاد و ناسه شبانته زاز کاسکه  
 برین بنامه متصل در حرکت بودند و در دو شنبه هفتم جمادی الاوله و ساعت پنجم بجهانده بشهر مسکو و در روز فرزند  
 در این روز فامان و شرف حاصل اعلی حضرت امیر طور که از پیر مامور شدن بود و پیر ناظم خان ناظم الملک الطی مقیم لندن  
 بحضور مامورین شرف شدند در روز یکاد بر نش و انور که حاکم مسکو با همه صاحبان و جزایا با استقبال آمدند و در نعلیس نگاه  
 مامورین در مسکو فرنگین است شنبه هفتم در مسکو افتاد شد و میازد بدو موزه انبهر و بعضی ماکان دیگر که در شرف  
 خورد هم تا غروب و مسکو نوقف فرموده بعد از صرف شام بر راه آهن شریف فرما شده عازم پترزبورگ گردیدند و در این  
 بشهر پترزبورگ نزدیک شدند لباس رسمی در کرده نشان دولت روس را به پیکر مبارک زده در آستانه آن سوی که آبادی  
 لویان بود کاسکه ایستاده مامورین اداره شرف و وزارت خارجه بحضور مظهر مبارک نشسته بودند چون بکار و در  
 فرمودند اعلی حضرت امیر طور با لباس رسمی نشان ایران و همه شاهزادگان خانواده سلطنت و جمیع صاحبان نعلیس با شاهزادگان  
 ناگوار با استقبال آمده بودند و این محل بعد از اتمام و انجام رسم عودت و مخالفت اعلی حضرت امیر طور و کلام تمام شاهزادگان خانواد  
 خود شانرا معرفت کردند نگاه با اعلی حضرت شاهنشاهی درین در شکره سیرانی نشسته باریت در مسانی از آنجا که منزل  
 اعلی حضرت مامورین در فرمودند و ز پاده از آنجا بحضور بیابا اعلی حضرت امیر طور را با بیبا احترام و شرفیات و پذیرائی و کب

میرزا محمد خان

مما چون دافز ام آورده اند جمع بیست یکم در پیر افتاد شد پیر ناظم خان ناظم الملک بر حسب مامورین یکم داشتند و از مسکو  
 روانه برین شده درین روز اعلی حضرت امیر طور و نوایان برادان اعلی حضرت معظم با زد بدند فرمودند شام را امشب مخصوصا  
 در منزل اعلی حضرت امیر طور و عودت بودند شنبه بیست و نهم در میدان شان دو مارین سان بسپا خوبی از نشو و نوقف  
 در پترزبورگ داده شد و درین سان جمیع فرمان را خود اعلی حضرت امیر طور میدادند امشب نیز در منزل مخصوص اعلی حضرت  
 امیر طور شام رسمی دعوت شدند بکشتی بیست یکم بکروج کلدان چینی بسپا امتناز اعلی حضرت امیر طور برای اعلی حضرت  
 مامورین فرستادند و شبانته روز دو خانه نواخت لجهده دولت روس شام رسمی همان بودند و در این شب نشان مثال امینا  
 مامورین مکمل بالاسر برای نوای کراند و کاسکی اهدی فرمودند و شنبه بیست چهارم شریف فرمای پترزبورگ شدند نگاه  
 بخار سبوع ساعت راه است شرح صفا پترزبورگ و سفر سابق فرنگستان مسطور است و در بیست و نهم بعد از ولع با اعلی حضرت  
 امیر طور و جمیع نوایان خانواده امیر طور و اظهاریت و اظهاریت های کامله از امینین با کاسکه بخار عزیمت در سافر نمودند  
 روز بیست و نهم یک ساعت پنجم بفرودخانه وارد شهر شدند منزل اعلی حضرت مامورین در پیشه حضور کاسکه است حاکم  
 صاحبان نعلیس و نعلیس و اعیان درین پاره موکب اعلی کمال اهتمام با بعلی آوردند شب چهار شنبه بیست و ششم شنبه  
 بیست و هفتم در روز شام افتاد شد و موزه و سپرک و بعضی مواضع دیگر این شهر را نما سافر نمودند و بیست و هشتم  
 عازم برین شدند و شب یکشنبه بطرح جمادی الاوله وارد برین گردیدند و شرفیات کامله از مقدم مبارک بعلی آمد روز سلخ  
 اعلی حضرت امیر طور و کلوم بدیدن اعلی حضرت مامورین آمدند و اظهار محالفت و داد کامله از جانبین شد منزل اعلی حضرت مامورین  
 همان همان روز و لای است که در سفر سابق فرنگستان در آن منزل داشتند و در بعد از نیم ساعت اعلی حضرت مامورین با باز بدند  
 اعلی حضرت امیر طور و شرف بیست و نهم در حالیکه اعلی حضرت امیر طور برای کرد شرفیات شام در کاسکه و بازی نشسته در  
 مکررند شخصی دیگر شازاد بنیلک نام از خاندان معروفه از طبقه موسوی به سبب ائمت مکررات با تفکلی که با چهار پار  
 پر کرده بود و پیر بطرف اعلی حضرت معظم حال نموده چون کلاه خود لیدر استند سر ایشان محفوظ ماند و ولی حوالی شان و کل  
 ایشان مجروح کرد بدیدن سافه زیاد ما بنظر اعلی حضرت مامورین و جمیع مامورین بدید سه هفته پیش از اینهم بکفر اطمین  
 مذکور طایفه شش اولد با اعلی حضرت امیر طور انداخته اما آسپس با ایشان نرسانند شنبه غرض جمادی الثانیه دو ساعت غرض  
 ماند و بعزم بدن بادا شهاض فرمودند و در نیم با بشهر وارد کرد بدیدند و در نیم شبانته بعضی قضبان و آبادها  
 آن نواحی که شام در وقت چهارم و پنجم در حین ساعت یکبار و تفریح مشغول بودند روز ششم نیز بیازد بدید ماکان همین  
 نواحی گذشتند و در شنبه هفتم یک ساعت بطرف ماند با کاسکه بخار عازم پاریس شدند و درین راه شهر استرا از بویخ  
 را فاشا باز بدیدند و شنبه هشتم صبح بسپا زده وارد دار الملک پاریس کرد بدیدند در کنار نعلیس و بعضی

مما

زیرک منازل و اطافهای خوب برای اعلحضرت هاپون و ملترهین یکجا علی اجاره و معین شده بود هم پادشاهان که  
 پاریس و آسپند در همین بهاخانه منزل یکصد جاب ارشال ماکا هون رنبر جمعه و در بدین اعلحضرت هاپون آمد بعد از آن  
 بیازد پداسپو نشریف فرما شدند روز دوم و در مسعود بعمارت الزه بیازد بدجناب ارشال ماکا هون رفتند  
 بعد سما باکسپو نشریف و در پنجشنبه و جمعه جاراکر در بیازد بد فرموده از جمله بنای که حکم هاپون بسبب ایران در  
 نهایت خوب ساخته اند ملاحظه نظر انور افندس کردید و منعه نماز ایران را که در پیغارت مبر منظره کنادیده بودند ملاحظه  
 فرمودند باجمه بکر در بیازد باکسپو نشریف روزی بیرون شده و چون که تفریح کا به بیباخونی است و زی بر آن گ  
 که فضا بزرگ است نشریف فرما کرد بدیند از سواغ این پام انکه پادشاه سابق هاونو که مملکت از او است  
 شرف کرده و عموی ننی اعلحضرت پادشاه انگلستان است مدتی در پاریس بوده و غلظه وفات میباشد

روز شنبه سیزدهم نوای بعهدده این انگلیس از اعلحضرت هاپون دیدن نمود و مسیومین و در مختار فرانس که منیم  
 طهران بود و بعد از موکبا علی بیار پس آمده امر در حضور مبارک نشریف و جیش بعضی دیگر بن شرفیاب شدند انگاه موکب  
 هاپون بیازد بد بعضی اماکن پرداخت روز چهاردهم در آن سان اسپدانی بود و اعلحضرت هاپون با جناب ارشال  
 بنامشای اسپدانی نشریف فرما کرد دیدند روز پانزدهم از دریکه داخل محل ما ششها پیشو باکسپو نشریف داخل شد  
 ما ششهای فرانسه انگلیس و روس بلژیک و غیره و بیازد بد فرمودند شرفیاب برای شام همان جناب ارشال ماکا هون  
 بودند و در شام هم بقلعه مون و ازین وجیه خانه پو نشریف فرمودند بگره بزرگ در دوستان بود بولون سان فسون  
 بزرگ که فریپنچاه فرانس بود در حضور مبارک داده شد یکشب در خانه و فرمای لیسکی که مال ملکه اسپانیا  
 موعودیشام بودند و در جمعه روز دوم عزیمت قونین بلو فرمودند شنبه بیستم بعد سه نوحخانه نشریف بر بند بعد  
 بنامشای عارت قدیم و لوقی پراختد بگره در هم باغ وحش را بود بد فرمودند روزی بنامشای هون بود که در نطقه بزرگ  
 نشریف فرما شدند و آنجا بد رسکو رها رفتند و روزی بر سن زدن که باره آهن کفران یکساعت باه است نشریف  
 بر بندند روزی بر سن زدن و در کسبفانخانه ایران و در روز ماگازن دول و در که چند بن بطرفه و چندین دالان  
 و هزاران بیخ و خم و اطافها و نالارها دارد که هرگز از انصاف اجناس است نشریف فرما شده و چون روز آخر راه رفتن  
 شد و بعد بعد از ابداع و اسهادر رسید و اسپد جیش و عیش و چراغان و انشای فرام آمد بشی که چراغان و انشای  
 بود با جناب ارشال ماکا هون بالای آوند در بنویف که وسط شهر است از بالای آن هر شهر و چراغان و انشای بها  
 اطراف شهر مردم پیدا شدند نشریف بر بند و در شب بیست و نهم جماد و الثانیه نشریف فرمای الزه شده جناب ارشال  
 داود فرمودند بعد از آن باکسپو نشریف توجه فرموده قدری کردی که در روز سه شنبه عزه و حیان پاریس و المین و السعنا

عازم ایران شدند ما رساله ماکا هون و اعظم ان مملکت موکبا علی را بد فکر کردند و وقت شب از استراحت برون رفتند  
 و در عصر شهر سلوچ و روز فرمودند نوایار شدند که برادر اعلحضرت شامر طو را در پیش که از جانب اعلحضرت شامر طو را استخرا  
 آمده بود در اینجا حضور مبارک نشریف و جیش نشریفان کامل از قدم بچشم مردم مقدس بعد آمد روز سیم در اینجا نوحه شد است  
 در عازم بیازد خارج از شهر همان نوایار شدند و یکروز بود روز جمعه چهارم عزیمت و بنه فرمودند و چون بگاری و بنه رسیدند  
 اعلحضرت شامر طو را باکسپو نشریف و مودت سنند آمدند و بعد از نقد هم رسو و نشریفان با اعلحضرت شامر طو را در کلسکه  
 روزی نشریفان و ننی موسویا لرد بود نشریفان فرما شدند منزل اعلحضرت شامر طو را در همین عازم است بعد از دفعه اعلحضرت  
 هاپون بیازد بد اعلحضرت شامر طو را نشریف بر بند روز پنجم بقماشای همین عازم از خوانه و عوزه و غیره گذشت شام  
 اعلحضرت شامر طو را بنده شامراکان و نیز کان و وزای اند و ملتز همین دکا با علی سر شام حاضر بودند روز هفتم  
 از وزای مختار و نیز کان و بنه حضور مهران و مشرف شدند روز هشتم بجهت خانه و نوحه خانه شد نشریف بر بند شد  
 در قصر شونیزون همان اعلحضرت شامر طو را بودند روز نهم باره آهن بقصر کلسا موعود نشریف فرما شدند و در آن وقت  
 که مشرف بودند روز دهم باکسپو نشریف و در خانه داوود شرفیاب شدند و در چهارم در کشتی خود رفته شدند روز پانزدهم  
 بسبب این که لیرق آنها مشرف بودند روز دوازدهم اعلحضرت شامر طو را و داود فرمودند بعد بقصر شونیزون نشریف فرما کردند  
 باغ وحشی که درین قصر هست ملاحظه نظر انور شاهانه کردید بعضی مواضع و این دیگر نیز از لحاظ هاپون گذشت رفتند  
 سیزدهم در جمعه که عید بود مسعود حضرت شامر طو را بنام علی السلام است و بنه بطرف ایران حرکت فرمودند و اعلحضرت  
 شامر طو را منزل اعلحضرت هاپون آمده بعد از نندی صحبت در حالیکه در صاحب منصبان و نیز کان دولت است به حاضر بودند  
 با اعلحضرت شامر طو را کلسکه نشریف بطرف گلگشت رفتند و در گار مجده اعلحضرت شامر طو را داود فرمودند و روانه شدند و  
 فرما قبل از ظهر وارد مسجد و در شندناز آنجا گذشتند چون بر روی پلوت که استاسپو روسها بود رسیدند صاحب منصبان  
 روس در اینجا حاضر بودند و از آنجا باکلسکه ها و نون مخصوص اعلحضرت شامر طو را در داخل کریدند و از آنجا که در  
 ناخوش بودن از اجودان موسویا کو شلوف بجای از جانب اعلحضرت شامر طو را هم اندازی موکبا علی را موعود شده بود و  
 خدمت پیشین شامرا سابق و غیره و مپلوتین لیر و در چنگ هم در اینجا حاضر بودند خلاصه در پنجشنبه هفدهم در جم  
 بوداد فقفا نشریف و در آنجا داشتند قبل از دو بوداد فقفا محمد علی پسر زاولد همین منزل حضور مبارک مشرف کردند  
 دو شب بوداد فقفا نوحه شد و نشریفان کامل از چراغانی و غیره بعد آمد شنبه نوزدهم از بوداد فقفا حرکت فرمودند  
 بیستم بگردن نوبی بیست یکم از اینجا آنها مشرف زوده باکلسکه را بسند بطرف و منکی طی راه شد از اینجا در کشتی موسوم  
 بالکسند سزابو بیخ و روز فرموده روز چهارشنبه بیست و پنجم در حیان نشریف مقدم فرخنده ششم مبارک در منزل آمد و این سفر

و صاحب منصبان و غیره  
 دم کار بالیترن رسمی  
 حاضر بودند اعلحضرت  
 هاپون با اعلحضرت  
 شامر طو  
 روز ششم بنامشای بعضی  
 و عکس و پرش های نقاشی  
 و غیره مشغول گردیدند

عظمی و کرامت و تقوی  
عظمی و کرامت و تقوی  
عظمی و کرامت و تقوی  
عظمی و کرامت و تقوی  
عظمی و کرامت و تقوی  
عظمی و کرامت و تقوی  
عظمی و کرامت و تقوی  
عظمی و کرامت و تقوی  
عظمی و کرامت و تقوی  
عظمی و کرامت و تقوی

تذکره

میرزا علیخان در سنک و در بلاد افغانه اذربایجان بمنصب نوبی سرافراز شد حاجی آقا جوهر معین الحرم بمنصب نوبی  
دویم و نشان و جمایل حضور آن مباحی کردید پوچمان همدانی و فغانندی و شراهی و کرمه افغانی را پیرزاعلی اکبر  
خان آجودان باشی نو پجانه مبارکه ابواجع نمود چون خط لکرا و مریشمان کسبیده شد جناب بجزالدوله وزیر کلا  
با عطای یکقطعه نشان شیری و خورشید از درجه اول با جمایل سبزه مخصوص است مخفی فرمودند و حسن بیگلر خان  
در پیش لکرا افغانه و در جناب مغزی البه بمنصب نوبی سیم و نشان و جمایل آن مباحی کردید و در پنجشنبه چهارم جماد  
الثانیه جناب مغزی پیک سبزه کرمه عثمانی مامور اقامت و بار دولت علیه باشی را بطاشریفات معموله وارد دار الخلافه کردید  
امیرزاده و جلیل الله میرزا سرتیپ ل با عطای نشان شمال هاپون سرافراز کردید الله و پروردگان سرتیپ اول نو پجانه با عطا  
نشان شمال هاپون و مخفی آمد موسی خان سرهنگ فوج سواد کوهی بمنصب نوبی سیم مباحی کشت با فرخان سرهنگ  
افشار و اول حضور بمنصب نوبی سیم نایل شد اسمعیل خان سرهنگ فوج فرزند کوهی بمنصب نوبی سیم سر بلند فرمود  
هنکام اقامت و کوب هاپون در بطریق بود یکقطعه نشان سنت استانبول سرافراز درجه دوم با ستاره و پلاک از جناب  
دومین به بند مولف اعطاشد و قطعه نشان طغرای غرای نامی مبارک مکلل بالماس که از نیردگین نشانهای  
ایندونجا وید شوکت است جناب باشی را مجد سیم ساله اعظم مرخص فرمودند و در خط مبارک بشیرج نیردگین  
از محل حکم فرمودند

سواد خط مبارک

جناب پهلاد اعظم اخصاص شخص شایسته امان خدمت او با بطور بدو با بط معنوی که عجب صداقت و دلخواهی  
خود در تمام حاصل کرده اید ترا و در علام حضور صلیت که بالاخص ما پیر امینان آنجناب باشد و قطعه طغرای مکلل  
بالماس که باسم هاپون ما است ای وضع آن در دوستانه و نیردگین لباس نیم رسمی خود را بان طغرای هارم کرم کردیم که این  
نشانه لطف و عنایت و مفضل ما پیر امینان و افتخار آنجناب بوده همیشه نوجوهان را از نیردگین خود یاد آورید که در شهر  
رمضان المبارک بار سبیل ۱۲۹۵

مهد بیگلر خان پیشینت غاصد شریفه بنشان شمال بمیشال هاپون سرافراز شد عبدالملک ولد مرحوم عبدالدوله  
حسین سرافراز آمد نشان قدس مکلل بالماس که از نیردگین نشانهای دولت علیه است جناب اجلا فای و مشوق الممالک

مرخص فرمودند و در خط مبارک در مشول این عنایت شرفصد و بافت که عینا در نیردگین بناید

سواد خط مبارک

جنابان مقتضیات مقام شما و معقدات صادره آنجناب ترا و در علام مرخصی است که بالاخص ما از وجود افتخار  
ما صادر شده باشد نشان قدس از ابداعات شخص هاپون ما و احترام ان نالی احترام علام خاصه سلطنته آن  
آنجناب با عطای یکقطعه نشان مزبور مکلل بالماس مخصوص مینمایم که از الطاف خفیه ما آتی ظاهر و علامتی  
باهر بوده هانظر که شخص آنجناب بصدق و دلخواهی شما از است به نیردگین این مرخصی نیردگین امینان باشد عتد

سوال بار سبیل ۱۲۹۵

عادت سلطنتی که در پلان شهر شانک بقایه عالی و مرتین با مر هاپون جناب امین السلطان بنا میناید نیردگین تمام  
باشه است حضرت اجلا عظم شاهنشا هزاره والا نایب السلطنه العلیه امیر کیر ادم الله اقباله العالی یکقطعه شمشیر  
مکلل بالماس از شمشیر خاصه سلطنته مباحی کردید بند میرزا محمود مستوفی وزیر دار الخلافه بلقب جناب سرافراز شد  
محمد حسینخان رئیس عملیات حکومت دار الخلافه بنشان سرتیپ از درجه سیم نایل آمد این اوقات اراده علیه هاپون  
انضافه و کمر نیشات سابقه ادارت و ولتی را تکمیل فرمایند تا کالیف هر چهاره مستفلا محدود باشد و در چین  
نیردگین تاج و فوایدیکه همیشه مخصوص خاطر خطرها هاپون است که به نیردگین و جرح حاصل شود نواب شرف والا امیر کیر نایب  
السلطنه دولت علیه ادم الله اقباله العالی و جناب اجلا فای مشوق الممالک و جناب شرف سیم ساله اعظم بحضور  
مهر ظهور خردانه احضار وید بنکونه خطاب فرمودند که انتظام مهمان مملکت اگر چه بمراقت و دلخواهی نیردگین و کار  
گذران دولت خصوصاً نیردگین هنوز فاعل ما فاعل و راضی نیست که معاذیر و بطی اقدامات شما اصلاحات نیردگین  
امور ناخیر کرده و منظور است بلند ما با مقام انجام بناورده است

چون نایب السلطنه را در مبادی عمر و شوق و شور جوانی رجوع خدمات اشخان کردیم و می بینیم بغیرت و دانش فطری  
چیزند بخدمت دولت ما پیداست در دیده شاهزادگی پانزده و زینت هم داده و در بن خطا با شایسته مکتبم و اداره  
امور مملکت چنانکه بود با چندین برابر استیلا و استقلال استیلا فو فیض میشود بشیرا بط و حد و دیکه خواهم نوشت شما  
سرفراز با جرای این تکالیف مامور و مستوفی فرار مینمایم باید و نالی ما مستوفی و مستوفی باشند باید و کارها بطرز و  
اسلوبی که فاعل نشوند با پندار و ستمگاه و ذرا اسباب فقر فقر حواس و مفسده و سواس مستوفی شود که کذا در حضور  
ما و سایر و وسایط مختلف نظام احکام و عراض را تحمل کند تمام نوجوانان از هر نیردگین و مرخصی ما امین الملک برسد او  
بخصوص آورده عرض کند و جواب هر اداره را و غیره شده مشوق العالی تکالیف شما را می نویسیم و باید خود را بنام امین

ومقرر کرده ایم مکلف میباشد

پس از رخصت زری و تمام جنابا من الملک بمحضو همایون خواسته از روی پاداشتی که مشرف صاحب شخصی همایون مزوم شده بود حدی و تکالیف ادارات مستفله را نیز فرمودند جناب مغز علی که منصب مشاور و امیر علیه را تکیه با مقام ملوکانه نوشیح داد و خطاب بهم پهلای وزرای مسئول که در دستخط مخصوص من بر تشریح اداره و توضیح تکالیف معظم الیه صادر نمود و مقرر کرد بدینکه روز دیگر تمام چاکران و رجال دولت و شاهزادگان و اعظم درگاه را در تخت مهر جاوشده دستوالعمل و تکالیف و ذرات مسئول در مجمع عام فرات و دستخطهای مطاعه که با فخر هر یک شرفصدور یافته در همان مجلس ابلاغ شود

روز سه شنبه هفتم شوال حساب الی علی مجلسی مشغول بتمام شاهزادگان و وزرا و رجال و اعظم ترتیب شده دستوالعمل ادارات مستفله را با شرح ذیل اسان الملک فرات نمود دولت علیه ایران برای نظام امور و تنظیم تکالیف و تفصیل بنای صحیح که منشأ آن نظم داخله و استحکام اوضاع استوار بنا بر پنج پایه شوال باد من پهل هزار و دویست بود پنج فرار کارها و او بر هر مملکت را با بنطور معین و مرتب بفرماید

مرحبت زار تختها و ادارات و حکام و طبقات نوکر و صنوف اهالی من بقرار داد معلوم و حدود هر کار بدینجهت محفوظ خواهد بود که مغزی و مجا و ذرات نظر خطبای کبریه و مستوحیه اجازات سخاست و این قاعده هر کس تکلیف خود را نخواهد داشت و طرف مسئولیت و تکالیف در بنک و بد معلوم است

نواب شرف والا امیر کبیر نایب السلطنه دولت علیه در ام ایفاله العالی و لایات و امور مشرفه و جنرال ادارات خواهند کرد حکمرانی و انتظام طهران کافی سابق مانندان و کپلان دماوند و غیر مذکوره هم و کاشان و ساوه و دزند ملا بر و نوایران و نهانند

عرا یمن و حوائج سادات و علماء و محترمین بنو سطا ایشان بمحضو مبارکه میرسد شاهزادگان و منسبین خانواره سلطت انا تا ذکر او را هر نوع حاجت و اسئله علی بنامند ایشان اظهار کرده بواسطه ایشان بمحضو همایون عرض پیشو و حوائج ایشان رسیده ابلاغ خواهند نمود امور تجار و حکامان این طبقه با اطلاع و صواب بد ایشان خواهد بود جناب اجلائقا بالا استقلال و لایات و امور مشرفه و صرا اداره خواهند کرد کورس که همان و بلوچستان اصفهان و نیز کرمانشاهان و کردستان عربستان و لرستان عراق و برجه و کلیایکان

دخوند ارگرمه و نظن و جو شفقان و عجات همدان و اسداباد و کنگاور

نظم بغیر اسبفا و محاسبات دیوان عدالت عظمی وزارت و ظایف و اوقات تشریح قواعد و موضوعه جدید البشکخانه و اشطامات در خانه نگارخانه کورس و یونان و لقی از هیل سند و خانه و رختدارخانه و زنجانه و غیره و غیره و غیره ثنوت و باغات و عمارات دولتی امور خزانه و نظم و ترتیب حواله جات عماله خلوت ننگداران جارچیان شاطران کالکخانه اصطبل خاصه چایخانه

جناب اشرف سپهسالار اعظم بدین تفصیل کفایت مهمان ملکی خواهند نمود

امور مشغولی کلان و مستفلا بدون استثنای جزئی باشرایط و توازن آن که از شرح تفصیل مستغنی است امور خارجیه بالآخر شرط و حوائج وزارت آذربایجان خراسان و سیستان استراباد و کرکان و ترکمان فروین و خسر سمنان و دامغان شاهرود و بسطام کرمان و خرقان این امور سرحدیه و تذکره هیتی و مسیحی دیگر

نقط نواب الاغضا السلطنه و زیر علوم و جناب علاءالدوله و جناب عضد الملک و جناب ایلین السلطان و پیشکاران دارند که در خدمات جموعه امور شخصی خود نا آنجا که با ادارات مستفله راجع نیست مستفها بمحضو همایون عرض مطلب کنند

در مویجات استقلال و رعایت حدود ادارات ثلثه از طرف غیرین الشرف همایون توجه مخصوص میند لخواهد بود و بالمرحله مقرر است که هر حکم بهر جا و هر کس باشد بمناسبت بیخون ادارات مستفله صادر فرموده و از ادارات مزبوره جواب خواهند خواست

صاحبان ادارات در جزو و کلی امور محوله مسئولند حکام و لایات باید رجوعشان بالاخصت با اداره مبعوضه خود نشان باشند و بخصیه اشکار حتی باخوانیات هم مکاتبه و بخرات مشرفه را ترک خواهند کرد از امور مشغولین و سرحدی اینجهت با اصلاحات خارجیه بوط است ادارات مزبوره بجناب شرف سپهسالار اعظم اطلاع داده بصواب بد ایشان جواب خواهند نوشت

گذشته از تکالیف مخصوصه ادارات مستفله هفتمه دویزد و دو شنبه و پنجشنبه و زری نلثه در مجلس خامن دولتی نشسته چند نفر از وزرا و رجال دولت حاضر و در اصول مهمان و اصلاحات امور ملکی و ترتیبات مشرفه از فشن و غیره گفتگو کرده حاصل مذاکرات و فرار داد خود را بر عرض رسانند

عرا یمن و بخرات و ادارات بسایر مختلفه بمحضو همایون فرستاده نخواهد شد فقط بنو سطا جنابا من الملک عرض

بسیار احکام علیه مختصرا جناب معزیه بادار انا بلاغ خواهند کرد و جواب خواهند گرفت

اصول مطالب خلاصه مختصرات طرف را بد و نخواست و باید و نخواستی را که شرح ان قابل ملاحظه و حاوی مطالب لازم است عینا نزد جناب امین الملک خواهند فرستاد

جناب امین الملک در اجرای تکالیف اراک از طرف فرین الشرف هم چون مواظبت مخصوص دارد و باید همیشه انجام واجبات او را علیه تکالیف هر چه را مطالبه کند

باید و زرای مسئول خود را کفایت و احسن فرض کرده در وقت وید مرکا و غور شریک و معجم بدانند در مواقع امور اگر برای احدی از ایشان مشکل و در وقت دیگر او امداد کرده تا آن جزو کار با صلاح پایدار ام نکند

هیچ مسئله تمام در نظر این وزیر نخواهد داشت اجابا اگر انا احدی روایت فیه آینه پند علاوه بر تده وضع بیخبر گشتن این رسم را یکی از میان بر دارند

حد و کارها خود را همیشه ملاحظه کرده تکالیف فریده را بی هیچ نوع تخطی و تجاوز محفوظ خواهند داشت و عالت بکار و تکلیف بیکدیگر احرام خواهند داشت بالفرض اگر سهوا کاری متعلق با دار انا بجای دیگر جوع شده باشد تکلیف با ملتفت نموده مسئله را بجای خود راجع نمایند

در مخارج و کاپات و سایر وجوهان فقط اسناد احکامی با علما غنا دانند که معجزه امضای هابو مؤرخ است که غیر در آخر مهال حساب کاپات و وجوهی خود را بلا عذر در دفتر بگذرانند

با عمل مرکا و مباشرت که خدا و بلوکباشه همارا قبا باشند و از رفتار آنها روزنامه صحیح داشته باشند که بعد از رعایا وزیر در شان تقدی نشود

اوامر و احکام دولت را فوری اجرا بدانند یا در شی نظیر و فساد را بنا خیر بگذرانند

معنی اداره و مقصود از این نیز بی حفظ مال دولت است نگاهداری احکام و منع تعدد آنها بر عین ایجاد قوانین و قواعد جدیدی که منضم آبادی و لایب باشد و حفظ رعیت انشاء صنایع و رواج تجارت و انکشاف معادن و ساختن راهها و پلها

و نگاهداری بنیاد و عمارت گذاشتن نظم در سکه مردم از مال و جان خود ایمن و ناموس خلق محفوظ باشد نظم طرفه شوارع نادیده قعر اشرا و نثر اشید خراج بیخبر باری دولت زیاد کردن منافع مملکت که در مخارج بهبود ایصال حقوق مردم رسانیدن حقوق خزانة دولت بر قرار کردن دیوانخانه ها مطالعه در شهر که بکمال استقلال و بی غرضه بر

مظلومین آن ناحیه رسیدگی شود فرستادن اطباء و جادوی بهر جا و تشکیل مجالس حفظ صحت و تکمیل و توضیح دیوانخانه ها

در شهر آبادی و رسیدن روزنامه جات مجلس حافظ الصخر طهران اهتمام زیاد را اجرای قانون المله کو بی خنی در میان طوائف محرمانه هم این رسم ترک نشود رعایت نظیفات شهرها و آبادیها بطوریکه در هیچ جا اسبب فساد هوا

جمع نشود

معنی و لایب اینست که مکرر در ضمن فراراد های دولت لفظ مسئولیت گفته شده است چون معنی و نسبت این لفظ

ب نظر سهل ملاحظه کرده همیشه از منظور نداشته اند در وقوع خلاف تعهد مرجع حذرت مدبر امر مسئول است این معنی که فسخ غیرت و عدم کفایت خود را ظاهر کرده وقت دولت را ضایع و کار مملکت را معطل نموده است ازای این مقصود

مورد پرسش و مواخذة کرده اند ان تمام اعتبارات و امتیازات محرم خواهد شد

عبان فرات شرح مزبور ناظم خلوت وارد مجلس شده و تخطیهای مبارک را که بعنوان وزرای تشریح صادر شده بود ابلاغ نمود و بر بار آنها که خلاصه مسئولیت العمل و منضم حد و تکلیفات هر یک بود افتخار حاصل نمودند در ختام مجلس جناب امین الملک فرستاد که ما بین دولت منظره برای منصفان در تمام خطره دولتی رسم است ایشان تکلیف نموده بر

و در شی قبول خدما محوله و حفظ مفرده را سوگند یاد کردند

صوتی فرستاد که بهر وزرای مسئول در فر خصوصها بوفی ضبط است بشرحی است که در ذیل ابرار پیشو خدا و فعالی شتم را بعد از خود شاهد خواسته شایع و نخبه ها بون و خوشنایند و لذت روز افزون فتم باد مملکت که

و تمت غرض و مجال خود را بخر خواهی شاهنشاه و صلاح دولت و مملکت و آسایش و امنیت رعیت مختصر کرده جز این خیالی بجا نخواستند هم از طمع غرض شخصی کلبه برهنه تمام و اگر غیر این عهد و بشرط ان من صادر شود در پیش خدا و خلق شوشا و در خصوص شاهنشاه معافیت مواخذ باشم

نشد



صورت حضرت اجل اعظم شاهنشاه ازده معظرتنا اليه السلطنة العلية بركاتها الله العليها



در وقتیکه مخاطب خطیب

وزارت کربلا

چون از نالیفات بنده مولف در بارین بطن العجائب مسبو شرفیتر جم باشد دولت جمهوری فرانسه در یکس مدرسه السنه  
شرفیه و سایر علما و دانشمندان خیر و بصیران مملکت که وقوف کامل و مهارتی نام بزبان فارسی و عربی دارند رسیده  
زاید الوصف بنجید نمودند و جناب امیرالکامل و نسیه نووی رئیس مجلس جغرافیای فرانسه این بنده را جزو اجراء ان مجلس  
شرفیه جاب سپو بار دو وزیر علوم و صنایع مذاهین دولت فخریه پس از اظهار بر جمال دولت جمهوری فرانسه در ممبران  
العلوم که بالارزین علام و نشان فضل و دانش است بفرمان مخصوصان از طرف وزارت علوم دولت جمهوری  
فرانسه برای این بنده اخصان داشتند و از خاکپای همایون اجازه استعمال ن یافتند و کاغذ که جناب مسبو شرفیتر  
موقع نوشتن اند از فرار شرح ذیل است

سواد کاغذ جناب مسبو شرفیتر

از بارین تاریخ پانزدهم ژوئیه ۱۸۷۱ العجائب محمد صبحان منبع الدوله ملتی و شرفیتر جم باشی مخصوصا اعلمت فوشوک شاهنشاه  
ایران و یکس از الطباعه دارالترجمان مملکت خود

آقای من یکس شرفیتر جم که در سماتشان و فرمایان که فخر علوم و صنایع ادیان بنجید جناب شما بن تاریخ اول ژوئیه امضی نموده است  
بلای جناب سال دارم و با کمال افتخار قبول این ماموریت که از طرف وزیر علوم دارم مینمایم و مخصوصا بمن ماموریت داده اند که از  
طرف وزارت علوم از شما اظهار اشنان نمایم که ترجمه ها شما کلید بقای سید کاظمی و اطلاع اهالی ایران که هم وطنان شما هستند  
است بر این علم و دانش علما و دانشمندان فرانسه و مخصوصا جناب وزیر علوم بفرمایان نشان و رضایت ان شما دارند که یکس  
مؤلفه خودتان را که راجع بسهیل علم و تعلم زبان فرانسه میفرستد مطبوع و ششم ساخته اید و ماها بنر کلید در علوم و دانش  
ممارست میکنیم امیدوار هستیم که در این راه داشته جاده مستقیم که جناب شما با اینهمه مقام و مراقبت پیش کرده اید و شرف  
افتخار و ترقی و فایده شاکت و سستی نکند نتایج افکار ابریکار خودتان را کاملاً اظهار ساخته بخاتم برسانید و این نالیفات  
بیایان بریده که موافقان نام و مناقع ان عام است

مخلص حقیقی شماره پیکر مدرسه السنه شرفیه شرفیتر

محمد علیخان امین السلطنه جامعه خاصه شرفیه و خازن مخزن مدارکات عسکریه بمنصب صند و فنداری صند و فندانه

مبارک سرافراز شد

وفایع و سوانح عدله که در این سال تمامه شرفیتر جم ازین افطار کثیره امرض و خداداد است

انا لله و بنی دنیا

بره ذنب زرد با نهان شدت در بعضی ایالات انانوف

اسپانیا

عروضی اعلمت بادشاه با پرنس مرسیه و خرد و کدمونک پانسیه که خاله زاده اعلمت معظم بود شورش اهالی کوچا بر

مدرسه السنه

این دولت رفع شده آنچه بکلی مطیع میشود فوئد ملکه جدید روجه اعلم حضرت پادشاه در بیست و ششم ژون مطابق چها  
شنبه بیست و چهارم جمادی الاخری این ملکه که پنجاه و اندی بود عروس کرده در هزار و هشتصد و شصت و شصتی مولد  
شده بود جمعه بیست و هفتم شوال شخص جلیک ساز و چپا غیر بطرف اعلم حضرت پادشاه حالی کرده ولی با ایشان نمود

### اطرش

گنجانند راسی در اعظم اطرش بدول المان و انگلیس و فرانسه و ایتالیا اعلان رسمی میفرستند که ما مورین در مجلس کنگره  
که از برای فرار مسائل شرعی منصفه خواهد شد بوسیله پای تخت اطرش روانه دارند و دولت المان تکلیف میکند که محل  
انفاد این مجلس برین باشد حصول عهد نامه در میان اسفند و ما بین روس و عثمانی را گنجانند راسی قبول میکند  
و در عساکر اطرش بهر نکوبن و سیسی ایتالیا عثمانی بجهت بفرز نمودن این دو پالت و راضی نبودن اهالی و ششم  
رمضان این سال عساکر اطرش شهر پیرین را در هر نکوبن و سیسی تصرف نمود و با بنوا سطره دولت اطرش از تصرف  
کردن این دو پالت و جنگ با اهالی آسوه کرد بد سفارت کبری مسعود بکشد طرف دولت اطرش بفرانسه اشر کرش  
موسو با سفنکس در محوطه تلف شدن با نصد نفر استقر اض دولت معادل دوازده که در ایران بجهت محارح  
لازمه قشون تصرف نمودن عساکر اطرش شهر پیرین را چون در کوشش پیمان هر نکوبن و سیسی در آنجا جمع بودند

### المان

در افتتاح مجلس پارلمان اعلم حضرت امیر طو در شخصه خطبه خوانده و کوشش خود را در انفاد مصالح پیرین روس و عثمانی  
و حفظ صلح در تمام دولت فرنگ اظهار میدارند در شنبه هشتم جمادی الاول این سال در کویه برین معرزه بکلی اعلم  
امیر طو با صیحه خوی و الیاد در کالسکه و بازی از کردن مراجهت بکرده هدیه نام و نیز چپا غیر نسبت اعلم حضرت معظم  
حالی میکند ولی همچو کام با ایشان بنمخورد کشته جنگی زده در بزرگ المان موسو بکیرین کوشش دولت اطرش انگلیس  
بکشون جنگی موسو بکیرین کشته و پهلیم بر خورده با سصد نفر عله که در آن کشتی بود نذ غرق میشود در پنج جمادی الاول  
بتر در کویه پهلیم برین هنگام رفتن اعلم حضرت امیر طو بکیرین و در نرفتنک نسبت اعلم حضرت معظم خالی میشود و چند چارپا  
بیاز و شانهای اعلم حضرت امیر طو و مخور ضارب که موسو بکیرینک است با چپا غیر فصد هلاک خورادار دلکن  
زخم شدیدی با و نیز سید و نیمبر دویم جمادی الثانی بواسطه جراحت سختی که پیدا اعلم حضرت امیر طو در سید و تمام آبا  
سلطنت موفنا بنواج بعهد میدهند بازدم جمادی الاخری مجلس کنگره دولت برین افتتاح شده و ما مورین دولت المان  
و اطرش و فرانسه انگلیس و روس و ایتالیا و عثمانی در مجلس جلوس کرده و در پالت مجلس پیرین بمرارک داده میشود  
شنبه دوازدهم رجب ما مورین و ولعهد نامه برین را امضا مینمایند اختتام مجلس کنگره پنجمینه دهم ماه ذیحجه اعلم حضرت

امیر طو و سلا از سلا مات و شهرهای آبان معدنی که چندی در آنجاها سفر کرده بودند پیرین مراجهت و در نموده  
بشخصه شغول رسید که باه و سلطنت نمود در زیاد شاه هانورد در چهارشنبه هم شهر جمادی الثانی در پاریس

### افغانستان

قبول نکردن امیر شیر علی خان امیر افغانان ما مورین انگلیس را در قرار رمضان و قبول نمودن ما مورین در و من و ک  
که انکشان این خبر در لندن سد خط را بکیرین در قش امیر <sup>شیر علی</sup> خان از کابل بعهدت کنگره و زمام اختیار سلطنت  
ببخشید سرار بعضو عثمان دادن در دوازدهم ذیحجه

### انگلیس

ما بین این دولت و دولت روس آوارگد و درت پدیدار است و اغلب بلاد انگلیس اهالی با دولت و فوئد در جنگ پاریس  
پنشد و در عساکر روس در حوالی اسل و اسل کمال و خشت جان دولت انگلیس است با بن جهت کشته جانکی  
انگلیس از سمت ریما آید استعدائت در میان بغداد و عاصمه که بیست و شش و شش انگلیس راضی نبود از خطبه که اعلم حضرت  
پادشاه انگلستان در افتتاح مجلس پارلمان بنمخورد و نوشجا بلکه در سال پس بود که تازه بوزار شامو خواجه  
انگلیس منصوب شد چنان معلوم میشود که دولت انگلیس همچو وجهی بعضو عهد نامه میان استفاق منصفه ما بین دولت  
روم عثمانی نیست با کمال شدت دولت انگلیس خسته جنگ می بیند استقر اض دولت و ازده که در لیره برای حاضر کردن  
عساکر بری مجری دولت عثمانی اظهار کمال امتنان را از رعایت و حمایت انگلیس دارند تا نزد نمودن نواب پیرین و شوی  
اعلم حضرت پادشاه انگلستان پیرین را اگر بجهت پیرین در یک شارل بنی عم اعلم حضرت امیر طو المان را در مجلس کنگره برین  
گنجانند فدا اظهار میدارند که بنا بر عهد نامه سختی مخصوصی که ما بین دولت انگلیس و دولت عثمانی منعقد شده عساکر  
انگلیس جزیره قبر برین جزایر عثمانی را منصرف میکند نذر سالس بود بعد از مراجهت انجلس کنگره برین بنجدهات زیاد از  
نتایج این مجلس میکند بجهت اینکه عهد نامه میان استفاق را بهم ز سرخص نمودن دولت انگلیس عساکر که تازه جمع کرده بود  
گشتی موسو بکیرین پیرین در چهارم رمضان با کشتی دیگر در روس و وطن که از وسط شهر لندن میکند در خورد کشتی  
پیرین پیرین و آن واحد غرق شده ششصد نفر مسافر هلاک میشوند احضار همهمه از قشون انهند و شان ما بین دولت  
انگلیس روس فراد هنگام ساعده اده میشود فرستادن مهله نام از طرف فرمان فرمای هند با امیر شیر علی خان امیر کابل را  
ذبقعه هم در این راه صلا اعظم انگلیس در یکی از مجالس خطبه میخواند و اظهار میکند که فرستادن عساکر هند و شان  
بر چند افغانان بواسطه بعضی رفتار خصم نه امیر شیر علی خان نسبت باید دولت واجب کردید پنجمینه بیست و پنجم  
عساکر انگلیس از چند نقطه وارد بجای افغانان شده و فرمای آن روز فلغنه علی مسجدی که در دهه شکره خیر است

محوالی اسل و لیره

عند وجود دولت انگلیس و کمال طالب اینج حد و وسوسه میگرد

مشرق شد فتح قلعه دره پیوار و اصفهان بدست نزل شد و آنکلیس در دو شب هفتم در بصره کشت و غسل از معارف

### ایطالیا

غوث اعظم و پسر امانول دقیم پادشاه این ملک در ماه محرم و جلوس هو میراول و ولد ارشدان پادشاه نجف سلطان ایطالیا غوث پنجم پاپ اعظم در چهارم شهر صفر اتفاق مجلس کنکلا یعنی شورای بزرگ کشیشان مجتهدان پاپانزه در یازدهم صفر اتفاق نمودن کشیشان کار پاپاچی و پاپا در پاستا کاتولیک و اوردن ملتون سپردن صدارت مسپوکیولی در مملکت ایطالیا در بیست یکم ذی قعدة شخصی باستان نام در شهر نابل با کار و حمله با اعظم پادشاه کرده ولی با ایشان نخورد اما کبری صدا اعظم که در صندلی جلوس کال سکة نشسته بود را نش از آن منرب بخروج میکرد و بعد ازین مقدمه در چند شهر از بلاد ایطالیا مردم شورش میکنند

### بلژیک

سه شنبه بیستم شعبان اینسال اهالی بلژیک جشن سال بیست و نهم عوسی اعظم پادشاه و علیا حضرت ملکه را گرفتند

### روس

دولت روس اعلان میکند که اگر کشیشان جنگی آنکلیس در حوالی اسلامبول بماند و نیز شهر اسلامبول را تصرف میکردند فتنی از سفایر جنگی آنکلیس بحوالی گالی پولی رفتند و محرم شهر صوفیان مالک را و پائی عثمانی تصرف عساکر در آمدند و می شدید که بلا نهایت بود فتنون روس مل خود ساختند از نکه پیشکای کوه بالخان که فتنه عثمانی بواسطه برودت هوا غلبه کرده بودند گذشتند و اجنبی اعظم شامیر اطور بعد از فوجات نمایان در حاکم عثمانی بطبریز بویغ و دو عساکر روس بشهر ادرنه بیست یکم صفر نواب کراوند و کنکلا سردار عساکر روس در فرقه سان استیفان بمصر یعنی اسلامبول وارد و در بیست و بیع اول نواب کراوند و کنکلا بشهر اسلامبول رفتند و با اعظم سلطان ملاقات نمایند و نزال اکتیایف که از طرف دولت روس مامور بعضی کتکها مابین روس و اطرا برین بومین رفتی بپله مقصود مراجعت میکند معاودن نواب کراوند و کنکلا از خاک عثمانی و تعیین نمودن نزال تلین و در بیست و نهم بیع الثانی صفر در نون عساکر روس بندر و شهر باطوم و در جمعه عظم رمضان تصرف فتنون روس شهر عثمان بازار و رنجوق و از نون الروم را رفتن فتنون روس از سان استیفان حوالی اسلامبول سه شنبه هفتم رمضان مجروح ساختن نزال تربیفه حاکم شهر بطبریز بویغ را شخصی از طایفه نهبلیست

در شانزدهم شعبان نزال تربیفه زور و کینه استیلب مخفی روس را

در یکی

در یکی از کویها بطبریز بویغ در روز و شنبه قبل رسایند و فغانی کفر بدستان دادن فتنون در بطبریز بویغ با حقوق اعظم شاهنشاه ایران

### عثمانی

انظار ایهالی اسلامبول و عریضه دادن با اعظم سلطان در انعقاد مصالحه فرار دادن بعضی از اصول مصالحه را در شهر ادرنه فوجات منکر و عساکر سر در نیش فتح شهر فلیپ پولی فتنون افلاق بغدادی و دین را تصرف میکرد انعقاد مصالحه بین عثمانی و روس در سان استیفان در بیست هشتم صفر و این عهدنامه صبی بر بیست و نه فصل است موقوف داشتن منصب صدارت در ملک عثمانی سفاری عثمانی در لندن و وین و بدول آنکلیس اطرا برین و سما اطلاع میدهند که اصول عهدنامه صلح بین عثمانی و روس مضمون شد سفایر جنگی عثمانی در محاذی پیره بندر یونان لشکر انداختند و نزل یونان را نهادند و می کنند که عساکر خود را که در خاک عثمانی مخفی نموده اند بطلبند آن بندر را تصرف بکولند و معدوم سازند جمیع دولت انعقاد مجلس کنکلا و مجتهدان مسائل شریفه قبول نمایند مگر دولت روس المان که در محل انعقاد این مجلس گفتگو دارند و راضی نیستند که این مجلس روینه منعقد شود تعیین خسارت جنگی که دولت عثمانی بر عهد کرده که مو عهدنامه سان استیفان بدولت روس بدو هزار و هشتصد و بیست و یک و ممانا است ایالات بلغارستان و در بر جیا و از مملکت اروپا و چون تجری داشته و در سمت اسپا فارص باطوم و ادهان را ملک طلق دولت روس میداند و شنبه هفتم جمادی الاول جمعی از معارف اسلامبول در خیال این هستند که سلطان امر را بحاجت بر تخت سلطنت جلوس داده اعظم سلطان عبدالحمیدخان داخل نمایند حتی حرات نموده خواستند این قصد را بوقع اجری رسانند فقیرین کرم قرار شد مورد نیبهاست سخت شدند مسلمانهای باغی و ملی در طرف دو ماه و نیم چهارده جنگ سخت با عساکر روس نموده در اغلب فتح و نظیر باغبان بود و دولت بلغارستان که بوجیه عهدنامه سان استیفان از خاک عثمانی مجری شده بود بایند دولت برکت و فرادیکرا از برای عبور و در سفایر جمع دولت آزاد شد و با این بدید و لک عثمانی مسترد شد و آنچه راه بخارت با ایران آزاد و باز شد با تعیین سخت در باب عالی ایجاد منصب صدارت نمودن مجتهدان شخص شدی با شایه و بعد از شش روز عزل نمودن آن صدر اعظم را و نصب نمودن صفوت پاشا بجای او

### فرانسه

افتتاح آکسپو سیت عمومی صنایع با شرفیات زیاد در اول ماه مه مطابق چهارشنبه بیست و نهم بیع الثانی در تمام ممالک فرانسه علی الخصوص در پاریز در سی ماه ژون با هم عهد و جشن جمعه و جشن بزرگی گرفتند فیمت مجاریش لکرا در فرانسه کلمه بیخ سانبم مقرر شد که بکرا لک صد سال تمام است در بیست و ششم صفر دارا لکراف و چیرخان را

در فرانسه

دو فرانسس برکنی بوده در تحت وزارت مالیه قرار دادند شورش اهالی نول کالونی استرالی در دهم رجب برهند و نول  
فرانسس و کشتن جووان اهالی فرانسس در آن جزیره در بیست و ششم شوال رئیس جمهور فرانسس باموین وارباب عرف و  
صنایع که اشغال هر دولت با کسپو بسپو آورده اند نشان و مدال میدهد سفارت کبری سپو فورینه از طرف  
دولت فرانسس با فاش اسلامبول انتخاب کلای ملت در دولت فرانسس مساعد وضع جمهور بود اغلب کلای ملت  
جمهور طلبند سلطنت طلب

### هلاند

مراوحت و لجهای دولت با یکی از شاهزاده خانهای پروس

### یونان

با عنهای ابالت مفد و نیز که بر ضد عثمانی هستند بیلر بیعت یونان دارند دولت یونان بد دولت عثمانی اطلاع  
میدهد که الحاق عساکر خود را با ایالات پیر کتالی مفد و نیز  
من ابالت عثمانی خواهد

### فرشاد

صورت جدید عهدنامه منعقد در مجلس ککر برلین که در این کتابت ثبت و رایج شده است  
بینهای دون نقطه خروج و شد بل کس و تکثیر از روی دفعه شماره بیست نه از روزنامه موسوسو با خبر منطبقه دار  
الخلافة اسلامبول نقل و استنساخ شده است مسئولینک و بلترجه و غت سین عبارات و اصطلاحات باج  
بهان جریده است بنه نگارنده این کتاب مبارک

### عهدنامه برلین

بعد از آنکه این هفت خلاصه عهدنامه برلین را از وی اخبار نامه ها این ترجمه نقل کرده بودند ولی ناقص و مجمل  
نیز معجز بود بر وی اخبار نامه معتبر رفت اصل عهدنامه را از دست کسی که از جانب فرانسس و دولت علیه عثمانیه  
امضا شده است نقل کرده ما هم چون او را مقید میدانیم ترجمه اش را ختمیم  
اعلیحضرت شوکت ماب سلطان و اعلیحضرت امپراتور المان و اعلیحضرت امپراتور و سربا و جناب رئیس الجمهور فرانسس  
و اعلیحضرت ملکه انگلستان و امپراتور هندستان و اعلیحضرت پادشاه ایتالیا و اعلیحضرت امپراتور روم بلا نظره نگاهگما  
انتظام وضع اروپا و اوقای حکام عهدنامه پاریس مورخ ۳ مارس ۱۸۵۶ خواستند مطالبی را که اوضاع ساکنان پیش  
از عهدنامه اروپا با استغنائوس از جنگ ختام با مرقه حاصل شده بود انجام و فراری بدهند و اتفاقا کویکه را برای آسان

کردن این مهم بهترین وسیله دانسته منفق الرای شدند

بنا بر این اعلیحضرت پادشاهان سشارالهم و رئیس الجمهور فرانسس بر خصصا تقی فرمودند یعنی از جانب اعلیحضرت  
شوکت ماب سلطان الکساندر فرقه نووری پادشاه و نیز فواید محمد علی پادشاه مشیر و سدا الله بیک سیرک برلین  
و از جانب اعلیحضرت امپراتور المان برلین سیمسارک رئیس وزرا و نیز خارجه و مسپوار نشبولوف معاون  
وزارت خارجه برلین موهنلو و همراهمی پاریس

و از جانب اعلیحضرت امپراتور روسیه با کونستانداس و نیز خارجه کنت کارول ایلمی برلین و بارون همراهمی روم  
و از جانب جناب رئیس الجمهور فرانسس و اسپوادینکون و نیز خارجه و کنت سن و الله ایلمی برلین و مسپوده پره مدیر پوینتیک  
در وزارت خارجه

و از جانب اعلیحضرت ملکه انگلستان و امپراتور هند و نشان کونت بیکو نیفیلد رئیس وزرا و مارکی و سالیسیر وزیر  
خارجه و لورده اودور و سل ایلمی برلین

و از جانب اعلیحضرت پادشاه ایتالیا کونت کورن و نیز خارجه و کنت ولونه ایلمی برلین  
و از جانب اعلیحضرت امپراتور روسیه پرین غورچاقوف و نیز خارجه و کونت شوالوف ایلمی لندن و مسپود و بریل  
ایلمی برلین

بمخصی معین و بموجب خواهش دولتها و سربا و دعوت دولتمالمان در برلین اجتماع کرده اعقاد نامه های خود شمار ایضا  
مقرره مبادله و در میان ایشان فرار داداتی الذکر اتفاقا افکار حاصله بینا بدانگونه فرار دادند

### ماده اول

بلغارستان در زیر حقوق حکمران سلطنت سینه عثمانیه با واره بخاره مانند بلن امارت مالپاتی بدو شکل شده  
است حکومت بلغارستان بلن حکومت عیسوی بوده عساکر ملیه نیز خواهد داشت

### ماده دوم

امارت بلغارستان عبارت از اراضی مفصله ذیل خواهد بود  
حدود آن شمالا از حد و مرزینان قدیم ابتدا شده از ساحل راست و دخانه طونه هر دو تا بیک نقطه که سمت شرق  
سلسله از جانب کومیسپون اروپا معین خواهد شد و از آنجا بطرف دریای سپاه از جنوب صفا ایالی که باراضی  
رومانیا ملحق میشود خواهد گذشت

حد جنوبی آن از مصیحد و بالاخریحیای و دخانه بالا رفته از حواله هان و حوجه کوی و سلا سکوی و ایوا حوی

و صولت خواهد گشت خط حد و از محاذی صحرائی تا محق کذشته از جنوب بلبله و کحانق و از تا محق کدر در کوه  
 و نیز از طرف چنگه است از شمال حاجی محکم در خواهد کرد و بنقطه تبه که در میان تکلیک و ابد و مرغ بره سا است در فته از  
 بالکان فرین باد و بالکان بره دیو بقیه و از شمال کونل از بالکان فره غال کذشته به تپو و قو خواهد رسید و از سلسله  
 اصلیه بالکان بزرگ کذشته در حالیکه بر وجه مساحتان منته خواهد بود به تپه فوزه خواهد رسید از آنجا دره و بالکانها  
 را ترک نموده بسط جنوبی میان فریه ها پیر توپ و دو زنجی رفته پیر توپ در سمت بلغارستان و در زنجی در سمت در قلم  
 شرق خواهد اند و از آنجا بر در خانه طوری دره و بحرای این نهر نامصیب ان نهر طویو لخری فته و از آنجا تا نهر اسمو سکودو  
 که در حوالی فریه پیر چوه با این نهر میریزد خواهد گشت و بقدر دو کیلومتر اراضی را بجا و در بالای ده مذکور در این  
 شرق ترک نموده بجهت تقسیم آباد در میان نهرهای اسمو سکودره و فامینقر رفته از نیشتر و بخانی بسط جنوبی غیر بر گد  
 و مستقیما بنقطه ۸۷۵ نقشه هیتا در کان حویا و ستر یا منتهی خواهد شد خط حد و در سمت بالای دره افغان را بجهت  
 برده از میان بوغدن پنه و فریه ولی کذشته بجهت تقسیم ابهامیکه مبدیها نهر پر مرغ را در میان اسفر و قری و حاجیلو جدا  
 میسازد خواهد رسید و از تپه های و لپنا موغیلا بجهت مذکور رفته بگذر که در نقطه ۳۰۴ نقشه است با  
 ده و سومنا بقدر فته از میان ستر و طاش تا در نیشتر کذشته حد و از دره سخاق یعنی محال صوفیه خواهد رسید

خط حد و از تپه تبه جنوبی غیر رفته از میان مبدیهای ابهامی سنفره صو و اسر و ما فره بجهت تقسیم ابهامی و در سمت  
 تپه ها کوشا اردیکه موسویه بالکانهای تیمور قو و اسفوقینیه و فامینقر را کذشته حد و در قلم سخاق صوفیه  
 متصل خواهد شد خط حد و بلغارستان از بالکان تا بنق و میان صحرائی بلبله و فامینقر تا بجهت تقسیم ابهامی  
 رفته از تپه و در غیر بلا پنا بجل کجی شدن نهر اسر و ما با باب اسفوقینیه و اسر و ما رسید فریه بر اقلی را بدو  
 عثمانیه و گذار خواهد کرد از آنجا از سمت جنوبی غیر بلبله بنقطه بالا رفته بکوه نهر بن خطی بسلسله غولیا بلا پنا و تپه  
 غنیفه خواهد رسید و در آنجا حد و سخاق صوفیه قدیم منتهی و منبع صومالیه را تمام ابد و عثمانیه را خواهد کرد  
 خط حد و از کوه زینفا بسط غرب کوه فرشته و دره و از کوه های قارونا با جوفه و از حد و سخاق صوفیه قدیم بر کشته از سمت  
 بالای صحرائی کوه صو و این بنقطه کذشته به تپه های یابنا یولانا بالا رفته بکوه فرشته و دره منتهی خواهد شد

خط حد و از کوه به تپه های اسر زرد و پله غوصو مسید بلا پنا کذشته از میان اسر و ما و مور او و بجهت تقسیم ابهامی  
 رفته از دره و غاسینا و فریه طراوه و دار فوسفه و در این پنه بلان و پیرانان و دوشانی قلک و انق و مستقیما از خط  
 تقسیم ابهامی صوفیه و مور او و بالای با ستول رفته از آنجا پان آمده از راهی که از صوفیه به پیر ویت (یعنی شهر کوی)  
 میرود در شمال غرب فریه سنوسه هزار کیلومتر مسافت قطع کرده از ویلیه بلا پنا بجهت مستقیم بکوه راد و چپا در سلسله

بالکان بزرگ بالا رفته فریه دو و تپه جوی بصر بیستان و فریه سنافوس را به بلغارستان خواهد داد پس از تپه راد و چپا بسط  
 غربی از بالکان سپردن و از اسناره یلا پنا تپه های بالکان کشته حد و در شرق فریه پنه صر بیستان در حوالی کولا اسمیلوه  
 فوزه و مثل شده از آنجا بهمان حد و تا نهر طویو رفته در راه فوچیه نهر طویو منتهی خواهد شد  
 این خط حد و معرفت کو مپسوا و پیکه مرکبان مامورین ذلتهای امضا کنند خواهد بود و در مجلس تبیین و تخطیط خواهد  
 شده معقوب علیه است که اول این کو مپسوا ایجابات محافظت مدافع سلطنت سینه عثمانیه را در حد و دروم ایل شرقی  
 نظر اغشا خواهند بد و تا پنا در اطراف صماقو تا فطرک یکلو متر زمین استحقاقات ساخته خواهد شد

ماده سوم

پراش یعنی حکمران بلغارستان از جانب امانی بطور ازادی متخیر شده بموافقت دولتها از جانب باعالی تصدیق خواهد شد  
 از اجزای خانواده ها و دولتهای اروپا که الان اجزای حکمران میکنند کسی حکمران بلغارستان نتواند شد چون مقام حکمران  
 مغل بشود امر انتخاب پراش دیگر بعینه مانند شرط و عملیات سابقه عمل او خواهد شد

ماده چهارم

پیش از آنکه حکمران بلغارستان معین بشود معین بلغارستان در شهر طرنوی مجلسی معتقد کرده نظام اساسی  
 امارت بلغارستان را بنیاد خواهند داد در جاهای دیگر در میان بلغارها ترک و رومانیایی و روم و سایر جنبهها بوده  
 باشند چه در امر انتخابات و چه در تنظیم نظام اساسی حقوق و منافع اهالی مرثومه نیز مرعی شده داخل حساب  
 خواهد بود

ماده پنجم

مقرراتی الذکر اساس حقوق عمومی بلغارستان خواهد بود برای بهره مندان حقوق مدینه و سیاسی و غیره مذمه  
 این محکمی که در مراجع که باشد و سلب استثناء و عدم قابلیت نشسته این چیزها مانع از دخول حد مانع عمومی رسیدن  
 بنصاب اجرای صنایع نتواند شد  
 این خارجی و حرمت مذاهب مختلفه را که خارج را از این دو حجت امینند داده شده است شکلات مذهبی مناسب است با راد  
 روحانیه را بوجهی مانع نتواند شد

ماده ششم

تا وقت تمام شدن نظام اساسی بلغارستان اداره آنجا بواسطه یک کو مپسوی از جانب دولت روم و فوچا اجرا خواهد  
 شد یک کو مپسوی عثمانی و کوشلای که از طرف امضا کنندگان این عهد نامه معین و تعیین خواهد شد مامور

بلغارستان  
 صوفیه  
 و چپان

برسد که در تقبش امان موفقت کویسور و س بوده معاوتش او را خواهند کرد در صورتیکه در میان کوسلهای و کپل شده اختلاف حاکم شود با اکثر سیاره فرار داده خواهد شد و هرگاه در میان اکثریت و کویسور و س با کویسور عثمانی اختلاف پیدا بشود ایلیچه اولیای امضا کنند و در اسلامبول مجلس مذاکره منعقد کرده فرار خواهند داد

ماده هفتم

اداره موفقت بلغارستان زباده از مدت نهمه از تاریخ تصدیق و مبادله عهدنامه امضا خواهد شد پس از آنکه بر اثر اتفاق در جای خود نشاندن شد تشکیلات و فرار دادگاهها نازده مرعی اجرا شده امارت بخاری اداره را مالیه خواهد شد

ماده هشتم

احکام معاهدات و مفاد آنکه در میان باجالی و دولتهای خارج در خصوص تجارت و زرد کشیهای منعقد شده و لان معول و معین شده و امارت بلغارستان نیز کماکان جاری و برقرار خواهد بود و احکام آن بهر دولتی که تعلق دارد تا آنکه ارجابت آن دولت موافقت نشده است بوجهی تغییر نخواهد پذیرفت مشاعهایی را که در داخله بلغارستان بجای دیگر حمل و نقل بشود بوجهی هم تراشید بجهت خور و رانها مطالبه کرد و پافش خواهد شد

در باره شعبه و تجارت هر دو در آنها در بلغارستان بقاعده مساوات کامله رفتار خواهد شد حقوق و امتیازات تبعه خارجی و کاپیتولاسیون کوسلهای (یعنی حقوق محاکات و حقوق حمایت آنها که بموجب معاهدات و معاملات تجاریه دارند) مادامیکه از حیثت و ولتهای که علامه دارند موافقت کرده نشود تبدیل و تغییر داده نخواهد شد

ماده نهم

امارت بلغارستان سال سال مالیاتی بدو ملک منسوب خواهد بود این مالیات بی آنکه در ثانی از جانب باجالی معین خواهد شد باید داده شود و مقدمات در آخر سال اول اجوی تشکیلات نازده معرفت دولتهای امضا کنند این عهدنامه معین خواهد شد و این مالیات از روی واردات متوسط امارت فرار داده خواهد شد چون بلغارستان قسمی از بدون عمومیه عثمانیه را در عهد و در دران اشنا که دولتهای مقنن مالیات را معین میکنند بیک قسم نسبت عادلانه حصه دهونی را که بقسمت بلغارستان خواهد افتاد نظر اعنا خواهند بد

ماده دهم

از تاریخ مبادله عهدنامه حقوقی و وظایفی که دولت عثمانیه در مقابل کومیانی راه آهن و بخاری و درانه داشته باشد بلغارستان را جمع می باشد حسابات گذشته مختص با عثمان باجالی و امارت بلغارستان و کومیانی محول کرده شده است از عهدنامه که باجالی داد و ستد استریا - مجارستان و با خود کومیانی کارکنی راه آهن دوم اهل بیهوش است اینچنین از باب

تمام کردن خطوط راه آهن یا راه انداختن ششند و فرخنده بلغارستان بوده باشند امارت بلغارستان بر عهد خود خواهد گرفت برای انجام و فرار داد این مطالب پس از انعقاد عهدنامه هرگز معذله که لازم باشد در میان دولت و منتر با مجارستان و باجالی و امارت های مجاریستان و بلغارستان ترتیب تنظیم خواهد یافت

ماده یازدهم

دیگر عثمانیه در بلغارستان امانت نخواهد کرد قلمروها تمام هر چه خارج امارت در دولت بکسال و اگر ممکن باشد بگریزند فر خواب خواهد شد حکومت محلی در خصوص فرار کردن این قلمروها نباید باز در بکار برده است حکامی هم از نو نمیتوانند ساخت الا آنجک و غیر آنها که مال دولت علیه عثمانی بوده و بوجوب احکام مشارکه ۳۱ ژانویه سال ۱۸۷۸ میلادی (۱۲۹۹) در قلمروها طونه پاشهرهای شتی و وارن ماند است باجالی نمیتوانند عمل و نقل نماید با آنکه بفرود شد

ماده دوازدهم

در صورتیکه مسلمانان یا دیگر صاحبان املاک امانتگاه شخصی خودشان را در بیرون امارت بلغارستان فراریدند املاک آنها در بلغارستان نگاهداری خواهند کرد و خواهند بجان میدهند و یا آنکه بواسطه و کپل اداره می نمایند بک کویسور عثمانی و بلغاری ما مور خواهند بود که در عرض دو سال املاک امیریه و وقفیه را بفرود شد و مطالبی را که تعلق باصول ادار و استقامت ان است کارهایی را که تعلق بمناخ احاد ناس که در این چیزها علامه دارند صورت و انجام بدهند امانت بلغارستان کرد در دیگر ممالک عثمانیه سپاحت امانت کنند تابع حکومت نظامات خواهند بود

ماده سیزدهم

ایالتی در جنوب بالکانها بنام (روم ایل شریک) تشکیل خواهد یافت و این ایالت بشرط بخاری اداره مستقما در زیر حکومت سیاسی و عسکریه دولت عثمانیه بوده و ایالتی و لایب عیسو خواهد بود

ماده چهاردهم

حدود روم ایل شریک از جهت شمال و غرب شمالی حدود بلغارستان بوده در داخله دائره ای الذکر دارای اراضی خواهد بود حد و در روم ایل شریک از برای سپنا آغاز کرده از بالای مصب دغانه که در نزدیکی دهات هوجیه کوی و سلام کوی و ابواجی و فولیه و جلیانی میباشد بخاری نهمه از قندهار نخازی صحرای دلی فاجی که گذشته نسبت جنوبی هات بلویه و کحان و کجی شمال حاجی حله بقاصله و کپلو منتر نیم از بالای چیکه خواهد گشت از انجا بیک پته که در میان بکسلک و اپد و منتر سا است بالا قندهار بالکان فرین آباد و بالکان پره ز پوپیه و از بالکان فرخان در شمال خواتک به پنهور و پنهور خواهد رسید تا از انجا سلسله اصلیه بالکان بزرگ را تمام آگشته به پته نور و پنهور منتر خواهد شد

بسمت جنوب پانین آمد بطور ذی دره میرسد تا آنجا بنکه رود خانه طوی بولغا یکی میشود بطول انجامند شد در حوالی قریه  
پزیر و بجای یکی شد این آب با (سمو و سقودره) میرود و بدین طرف بقدر دو کلو متر زمین بروم ابلی شرفی را میکند  
باقضای خطوط فاصله آنها بطول رود های سمو و سقودره و غابنقا بالا رفته در پته و آنرا از جنوب غریزه میل کرده بنقطه  
که در نقشه ارکان حریبا و ستر یا نبره ۸۷۵ نشان داده شده است میرسد

خط حدود مذکوره بالای مجرای رود خانه ایچمان دره و بطور عمودی قطع کرده از میان بوغدی بنا و فارولا میکند و بنقطه  
فاصله دره های اسفر در مار بقادر میان کورلی و حاجلر متصل میشود آن پته های دولپا مور و بلا و جانی که در نقشه بیتما  
(۲۰۰) نموده شده است از مابین فاصله دره و سومانینقا بطول خط گذر شده در میان سبورک طاش و فادر پته بعد و ادا و  
سجناق صوفیه میرسد حد و دروم ابلی شرفی از حد و بلغا و سناق در کوه فادر پته سوا شده از بک طرف بعد و فاصله  
مجرای مار و قوایع ان و از طرف دیگر مجرای های منافزه صور و قوایع انرا پیر و یکی کرده از پته های (دس و طغانی) بشیر کوش  
کرده شود و از فته جنوب شرفی و جنوب میل میکند که این کوه ابتدای خط بود که در عهد نامه ایاسنفا نوس معین شده  
بود از کوه کرد و سوزا بهمان خطی که در عهد نامه مذکوره معین بود نابع میشود یعنی از سلسله های بالکان سنا و پته ها  
کوه های فولانی طاع و اشک چیلی و فرغ فولاسی را بشمار گذر شده از این پته اخری تا سمت جنوب شرقی یعنی به سمت رود  
میشود و بطول مجرای ان رفته بنقطه که در ترز بلک اطراف طعه است میرسد (اطراف طعه) یعنی طعه جزیره مستقیم در دست

۷

خط حدود در این نقطه پته اداره دولت عثمانیه خواهد ماند

طاعن بالا رفته از آنجا سراسر خط حدود از در بند زردک از میان رود خانه ایچمان شمالا بطول مجرای جنوبی میرسد و بنقطه نفسیم بهار فته پته جیلر بالا  
شده بقاصله بولغا منتر  
از پله صغری با شا بالا رفته  
بهر برج و کد شده از میان  
تپه و خالی دره و رود های برج و دهانت بلورن و التلی مستقیم با دریای سیاه میرسد و از جنوب فریه المالی خواهد گذر شد از اجنا از سمت شمال  
کوچکی که رود خانه میرسد فراتای پته های و سنه زوا را کشته بخطی که ابهای و فدر از از ابرخه آغاج جدا میشود در فته در میان نهر های دوه  
بیرا که در رودخانه تقسیم بها  
رودینا از حد گذر شد  
و از اجنا درگاه بطرف شرقی  
برگشته مجرای شار و از اجنا  
مجرای طوی بولغا و ستر

ماده پانزدهم

سلطنت سینه عثمانیه حقوق محافظت و مدافعت این ابات را بر اوجرام مالک بوده در حد و مذکوره استحقاقان ساسنیک  
بزرگ در حد خواهد شد خود را اقامت خواهد داد اسایش داخل را در دروم ابلی شرفی معاونت عساکر مله و عساکر ضابطه حلیه تکامل در حد  
و در بند زردک با صوجاق  
در شمال حدود خواهد ماند صاحب منصب این و فتره از جانب سلطنت سینه عثمانیه نصب معین خواهد شد و در هنگام ترتیب و تشکیل عساکر حلیه و فتره

مذهب اهالی نیز با قضای موقع بحساب آورده خواهد شد  
سلطنت سینه عثمانیه تعهد میکند که در ان حد و بنام عساکر محافظه لشکر نظامی از جر کر و غیر انها نگاه ندارد عساکر نظامیه  
برای محافظت حد و است در هیچ حال در حاکمات اهالی اقامت نتوانند کرد در هنگام عبور از داخله ابات نیز در حاکم  
اقامت نخواهند نمود

ماده شانزدهم

در صورتیکه اسایش ابات داخله با خارجا در موقع بیم و خطری باشد عساکر عثمانیه از جانب والی دعوت خواهد شد  
در این حال با بجای فرار داد خود را و در لا تل این فرار داد را بفرای دول متخاصمه اطلاع خواهد داد

ماده هفدهم

والی دروم ابلی شرفی از جانب با بجای بواقفت و لنها بحساب معین و نصب خواهد شد

ماده هجدهم

پیر از مبارله ضد بی نامه ها همین عهد نامه بلا ناخر بواقفت با بجای کومیسپواری و پیکار خواهد شد که نظامان اسایش  
روم ابلی شرفی را تنظیم نمایند این کومیسپون در ظرف سه ماه حقوق و وظائف والی با و اصول اداره و بحکامها و مالیات را  
خواهد کرد برای این نظامان نظامانها معتمد و کاپات و تکالیفی که در مجلس هشتم کونفر انرا اسلامبول کرده شده بود تکلیف  
خواهد بود نظامان که برای دروم ابلی شرفی فرار داد خواهد شد در ضمن بکفرمانها چون بادشا هی درج شده و این فرما  
از جانب با بجای اعلان و بد و لنها تبلیغ خواهد شد

ماده نوزدهم

تا تمام شدن فرار داد های تازه امور الهه ابات را کومیسپواری و پ بانفاق با بجای اداره خواهد کرد

ماده بیستم

هرگونه معاهدات و مفاد لا شد تعهدات و لپه که در میان با بجای و دول خارجه منعقد شده است بعد از آن خواهد شد  
احکام انها مانند بکر مالک عثمانیه در دروم ابلی شرفی نیز مرعی الا خواهد بود در ابات مذکوره حقوق و امتیازات معینه  
اجتنبیه را رعایت خواهد شد با بجای تعهد میکند که احکام نظامان عمومی و لنت عثمانیه را که در خصوص مل نادی مذکور  
داد بان و اجرای اینهاست مرعی الا جاری نماید

ماده بیست و یکم

حقوق و وظائف با بجای از مجمر راههای این که از دروم ابلی شرفی میکنند در تمام باقی و بر فرار خواهد بود

ماده بیست و نهم

نشون و روس که در بلغارستان و روم ایل شریک افامت خواهد کرد عبارتند و فرقه بیاده و دو فرقه سواره بوده از پنجاه هزار نفر بیشتر نخواهند بود و مصرف آنها از جانب ملکی که افامت دارند داده خواهد شد این نشون روس را به محال از خود موافق مفا و لایتنکه در میان دولتی خواهد شد از راه رومانی و از لشکر کاههای مجر سپاه و از ریزه و غیره غیره کاههای خود کرد لشکر روس برای افامت خودشان در لشکر کاههای مجر سپاه انبارهای لازم را خواهند داشت و افامت لشکر روس در روم ایل شریک و بلغارستان نه ماه از تاریخ مبادله این عهدنامه فرار داده شده است و لنت روس پس از تمام شدن آن مدت در ظرف مدت سه ماه از رومانی کن شد اسارت رومانی را هم تمام خواهد کرد

ماده بیست و دهم

باجانی عهد میکنند که تمامی احکام نظامنامه اساسی که در سال ۱۸۶۸ نوشته شده است با تمام اصلاح و تعدیلاتی که موافق حقیقت بوده باشد مجری نماید برای بیکر مالک روم ایل که بموجب این عهدنامه صورت داده مخصوصه معین شده است و موافق اجتناب از حمله و با استناد این بنایان مالبا که بجزیره کرده داده شده است نیز نظامنامه نوشته خواهد شد باجالی در مورد لایتنکی فرار داده منقرعات نظامنامه اساسی مذکوره که در پیش و نهانشکیل خواهد کرد و قسم اعظم این کومیسو را از اهل همان محل خواهد بود

پاداشتها بیکر این کومیسو نخواهند نوشت باجالی داده شده باجالی پیش از اجرای احکام آنها را میخواندند کومیسو را و روس و روم ایل را استفسار خواهد نمود

ماده بیست و یکم

هرگاه در خصوص فرقه ضمیمه و بنایان در میان باجالی و دولت بنویان اتفاق حاصل نشود موافق احکام ضبط نام و سایر مردم کونکره دولتهای المان و اوستریا و بلغارستان و فرانسه و ایتالیا و روس برای اسان کردن مذاکرات حق فوستر را محترم خودشان میسازند

ماده بیست و دوم

با الهای بوسنی و هرزگوینا از جانب دولت اوستریا و بلغارستان اداره خواهند شد و دولت مشارالیه با این دو ایالت لشکر خواهد فرستاد اداره سخاق (یکی بازار) را که از میان هر لیسان و فرقه طلغ از جمله جنوب شرقی تا با نظر منور و همچنین منتهی میشود دولت اوستریا بخواسته خود بیکر دلهذا این سخاق در زهره اداره دولت عثمانیه خواهند ماند ولی بافضای وضع حاضر سیاسی و محافظت طرفین و معابر در این سخاق دولت اوستریا خود داشتن فرول و ساختن موارد را

عسکریه و بخار و خواهد داشت و خصوص منفرعان بنطلیک و لنت عثمانیه و دولت اوستریا و بلغارستان خود مذاکره و اتفاق را باقی میدارند

ماده بیست و ششم

استقلال فرط طایفه چنانکه از جانب باجالی تصدیق شده است و لنتهای منعه که تا حال استقلال را از آنها شناخته اند نیز تصدیق میکنند

ماده بیست و هفتم

دولت معظم منعه شراعتی آنرا که با منفعت فرار دادند برای هر مردمی از حقوق مدنی و سیاسی و فرقی و معابر مذمت این هیچکس را در هر جای که میخواهد بوده باشد و وسیله استثنای عدم قابلیت تواند شد و این چیزها مانع از قبول در خدمات عمومی مامورین و مناصب اجرائی صنایع نتواند بود اما ای مذاهب مختلفه و تبعه خارجی در فرط طایفه از جهت آزادی این و مذاجره اجربه امینت داده میشود تشکیل مذمبه ملک مختلفه و مناسب آنها با روس و سایر و با بوجوه معنی نماید بشود

ماده بیست و هشتم

حدود ناز و فرط طایفه بدین قرار معین شده است

خط حد و از ایلینور و دو) آغاز کرده قسمت شمال طلویونی و از روی بنجر نیز بنجر انقار و خواهد کرد شغرا بنقار در داخل هر یک خواهد ماند خط حد که در آن نقره انقار و میا لارفته نقطه که یک کیلومتر بالاتر از رودخانه که بسلیقه میریزد میرسد از اینجا به پلانوه رفته این فرقه در سمت فرط طایفه خواهد ماند و از پتهها بجانب شمال و از راه بیکر (توقون) و عاچقه هیدرامکان به مصله شش کیلومتر گذر کند رگاهی که در میان سویا پلان و کوه فوریله است و از شرفا فرقه و از نفویچی با هر یک گذارشته بکوه اورلین منتهی خواهد شد از اینجا روانه و با فرط طایفه گذارشته و شغرا شرف خواهد گذرند و بکونا هرین خطی بنجر بچهره رسیده نهر را گذارند در میان فر فو قی و بند و پنه به (نار) خواهد رسید این نقطه نامور و تواق بالارفته تا بسفوش و دو به رسیده بفرقه صوفولا و در آنجا محدودند به منتهی خواهد شد

خط حد و ناز و از اینجا به پتههای فریلا بنیلا رفته فرقه فرقه در سمت فرط طایفه خواهد ماند و از اینجا از سلسله ای ناکدرگاهی که در نقشه ارکان عربی اوستریا بشماره (۶۱۶۶) معین است از طرف دیگر از روی خط تقسیم آنها که در میان مسبونه (زم) واقع است منتهی خواهد شد پس از آن خط از میان بیله فالوچی از یکطرف و فوسفا از طرف دیگر



و عرو از طرف دیگر گذشته باشد در حال آن یکی شده بجزای بود غور بجزای بد و قبله های فله منی و غرودی و هو  
و از جهت اینها و در سنان گذاشته به بلا و بفر خواهد نشان حوالی جزیره کوکله بخ بقره طویل نام بد با خیر اشق  
ده را گذر نشن غور بقره طویل استقامت بهینه ها مند خواهد شد و در میان مسعود و قالی در خط مستقیم آنها  
بقره مرقوبی با بقره طاع نزل نموده در فرقه فرجی بدی با و ندیک منی خواهد شد

خط مد و فرقه طاع در شمال غربی از میان فرقه ها سوسانه و زو بسوا ساحل گذشته در بالای پلاینا بنشیند  
نقطه جنوبی تر حد و در حاله متصل خواهد شد

ماده بیست و هشتم

بلکه (بار) و اراضی منفرعان بشرط ایند فرقه طاع و گذار خواهد شد بدین طریق که اراضی خوبه (بار) موافق حد و  
در بالا معین شد علاوه و دو لسیخو با بویان بد و لک عثمانی خواهد شد بطوریکه در میان نامر مفصل حد و معین  
است (اسفند) تا اراضی شمالی حد و در الماچا افزوده خواهد شد و فرقه با نافر طاع را از جهت در کشتهها  
ازادی کامل خواهد بود

بجز استحقاق اینک برای محافظت شهر اشغوره لازم است و اطراف شهر مذکور استحقاقی ساخته خواهد شد استحقاق  
شهر مذکور پیشتر شش کیلومتر پیشتر خواهد بود و فرقه طاع کشتی یکی و بجز کشتی یکی تواند است کشتی هیچ درونی بزرگ  
بار و عوم نهرها بیکه گذرگاه فرقه طاع است اخل خواهد شد

هر چه استحقاقان در میان در پاچه اشغوره و سواحل آن و جاها بیکه لان خاک فرقه طاع نمرده میشود هشت هزار  
هم شده جای ایضا استحقاقان دیگر هم ساخته خواهد شد دولت او سز با دربار و سواحل فرقه طاع بواسطه کشتهها  
سبب مخصوص سواحل محافظت ضابطه بحری و صیحه را خواهد کرد

فرقه طاع قوایین بحری را که در الماچا معمول است قبول و پیروی خواهد کرد  
دولت او سز با و بخار سنان شهید میکند که منافع بخار و بحری فرقه طاع را بواسطه کوششهای خود نگاهداری و  
ساختن راه شوسه و راه آهن و نگاهداشتن آنها در ارض جدید فرقه طاع امانت مذکوره با دولت او سز با و بخار سنان  
اتفاق خواهد کرد و عوارض و در این راهها بقا ازادی کامل خواهد بود

ماده سی ام

مسلمانان و مسائرن که در ارض جدید فرقه طاع هستند هرگاه بخواهند در جای دیگر سکنا نمایند بجز عفار و املاک و اراضی  
میشوند آنها را بیکه دیگر اجاره بدهند یا بواسطه و کپله اداء نمایند بجز سائلی که قانون برای منافع عامه معین

کرده است از حقوق ممالک و عفار خود محروم و ممنوع خواهد بود مگر آنکه ببلایا خاندان شده و بر عهد کرده شود  
بلکه و پیشتر مگر با زمامورین عثمانی در فرقه طاع معین خواهد شد که در عرض سه سال از ارض امیریه و وقفیه با بحساب  
بفرشد و فرار داده آنها را بدهد یا بکسی الحاق نماید و همچنین بجز را از حقوق شخصی که از اینفرق استنولد بشود قطع فصلی  
ماده سی و یکم

ماده سی و یکم

در خصوص فرایضین آجنت و کپلهای فرقه طاع در اسلامبول و جاها بیکه از ممالک عثمانیه لازم باشد در میان با عالی و  
امارت فرقه طاع مستقیما اتفاق خواهد شد اهل فرقه طاع که در ممالک عثمانیه سیاحت یا اقامت کنند موافق احکام حقوق  
عمومی و لیه و اصول و عادات بیکه در فرقه طاع اجباری است تابع قوانین عثمانیه خواهند بود

ماده سی و دوم

شش فرقه طاع بفاصله بیست و نوبت از مرکز آن ممکن باشند تاریخ مبادله این عهدنامه جاهای را که در خارج حدود اوقاف  
مذکوره است خالی خواهند کرد عساکر عثمانیه بجز جاها بیکه بفرقه طاع و گذار شده است در مدت بیست و نوبت مذکور  
حالی خواهند نمود مع ذلک برای ترک نمودن مواضع مستحکم و حمل و نقل از وقت که در اینجاهاست و حرکت دادن الاضخک  
و ثبت فر کردن اشتیاق او و اینکه فوراً نمیتوان برایشان بزرگه روز بزرگت مذکور افزوده خواهد شد

ماده سی و سوم

مقداری از بون عثمانیه بواسطه و گذار شدن اراضی که بفرقه طاع و گذار شده است عهد امانت مذکوره را جمع خواهد  
بود و مقدار آن بجهت ایش از جانب سفیری خارج در اسلامبول با اتفاق با عالی معین خواهد شد

ماده سی و چهارم

دولتهای معظم متعاهد استقلال مرزیشان را تصدیق و بشرط مفصله و در فضل آن مرز بوطا کردند

ماده سی و پنجم

برای بره مندی از حقوق مدینه و سپاس بجز خلافت و فرق مذہب این هیچکس را و در هر جا بیکه بوده باشد و سبیل  
استثنا و عدم قابلیت شده این چیزها مانع از دخول خدمات عمومی عامه و بنیاد و مناصب اجرای صنایع نخواهد بود

ماده سی و ششم

اگر مرزیشان اراضی معینه را که در داخل حد و مفصله ذیل است مالک خواهد بود  
حد و ناز مرزیشان بطول خط حالای حد و در فرقه از جا بیکه نهر در میانها و امیر بجز بجای ارض مستقیم است و مالی  
و از و در بنق و زخار در مرزها مرز خواهد گذاشت و نا فابونی بخط حد و نایب مرزیشان خواهد رفت در روز

کوه تا پونق از آن خط جدا شده از سمت جنوب فابونق بطول حدود شش فرسخ کشیده از پته های کوه های مار پنا  
 و مراد پلا پنا خواهد گذشت این پته در میان مجراهای نهرهای ایلبار و سپینقا از یک طرف و نهر طویلینا از طرف دیگر  
 خط فاصل بهارانشکیل خواهد کرد بهر بولا بدو دولت عثمانی خواهد آمد انداز آنجا در میان پرده پنا و مد و جابیه پیری  
 خط فاصل ابها مستقیماً سمت جنوب فتر دره مد و جابیه را تماماً در سمت مریشان گذاشته راستی به پته قورق  
 پلا پنا میرود و از طرف دیگر خط فاصل از نهرهای پوزان پنا و نهر نیا و مود و از آنجا پلا پنا و نهر نیا و مود و از آنجا پلا پنا  
 تا جای انصال نهرهای نوا و نوا و مود و از آنجا نوا و مود و از آنجا نوا و مود و از آنجا نوا و مود و از آنجا نوا و مود  
 میریزد منتهی بشوق و در سمت ایلی از نهر پنا پلا پنا ایلی که متصل میگردد از این نقطه از دزوه کوه ایلی که نام دارد و کوه  
 قلتر و املد با فتر از جاها پنا که در نقشه ششماه (۱۰۱۶) و ۱۰۷۰ موده شده است از این پنا غوره گذاشته بکوه عا  
 دره منتهی میشوید و دانه مریشان از کوه فتر و دره که فتر با حدود دانه پنا مریشان یکی میشود یعنی از پته ها استرو  
 سپرو و پلو غلو و منبید پلا پنا که گشته بخط مستقیم پناه که در میان استرو و مود و استرو و مود و پنا سینا  
 دو غر تر از او و در فوسقوه و در این پته پلان منتهی میشوید و پس از آن از روی شانی فلاتون خط تقسیم پناه صوفی و  
 مود و مستقیماً با سنول خواهد رفت و از آنجا پنا پنا آمد در شمال غربی فریه سفوزه و پیرودت و از هر یک کلو نوا و پنا  
 قطع خواهد کرد از آنجا بخط مستقیم به پلا پنا با کوه فتر و در سلسله بالکان بزرگ از روی کوه و دو چیا که گشته  
 فریه پونجی یا بصیریشان و فریه سنو فوس ایلغار سنان خواهد داد پیر از دزوه کوه و دو چیا سمت شمال غربی که گشته  
 از بالکان سپرو و اسنار پلا پنا بدزوه بالکان بالاد فتر در حوالی فولا اسمبله و فو فتر محدود و قد پیر شرفه اواز  
 مریشان متصل شده بخط مد و قد پیر تا نهر طوندر فتر در او تو چیا پیر طوندر متصل خواهد شد

ماده سی و هفتم

مادامیکه معاوضات جدیدی منعقد نشود مناسباً تجارت امارت مریشان با دولت سائره تغییر نخواهد یافت و از  
 منافعها آنکه از مریشان میگردد رسم رود به و در آنست که فتر نخواهد شد حقوق و امتیازات تبعه خارج حقوق  
 محاکمه و محافی که الان کوشلها دارند مادامیکه با اتفاق امارت و دولتها پنا که علاقه دارند تغییر و تبدیلی داده نشود  
 است بطور سابق تماماً در مریشان مرجع الاجر خواهد ماند

ماده سی و هشتم

با بعلبکه با دولت استرو و مجاری سنان و کومپاری کاوشمند و فرودم ایلی در خصوص تمام کردن راههای آهن و متصل  
 کردن آنها بخط او سپر و او در جای کار انداختن راههای آهنی که در جاهای یادگذاشته بصیریشان بخدمات و حقوق

دارد هر چه از این بابها مختص مریشان بنفید با مارت مذکوره راجع خواهد بود  
 برای فروداد این مطالب پس از امضای این عهدنامه بلا تأخیر در میان دولت استرو و مجاری سنان و با بعلبکه و صیریشان  
 و بلغارستان از جهت حصه که بلغارستان راجع است و فواکه اینکه لازم است تنظیم و ترتیب داده خواهد شد

ماده سی و نهم

مسلمانانیکه در اراضی افزوده شده بحاکم مریشان املاک دارند هرگاه بخواهند اقامتگاه خودشان در خارج مریشان  
 فرزند دهند میتوانند املاک خودشان را با اجازه بدهند با واسطه و کمال دانه نمایند  
 کوه پنا مرکب از مامورین عثمانی و مرید و عرض سه سال مطالبی را که منعلق بفرش و استعمال املاک امپری و وفقیه  
 و کارهای منعلق بمنافع کسانی که علاقه با این مصالح دارند انجام خواهد داد

ماده چهلیم

در خوب بعد مریشان که در مالک عثمانیه سیاحت با اقامت کنند تا بسند شدن معاهده در میان دولت عثمانیه و مریشان  
 موافق قواعد کلی حقوق دولت رفتار خواهد شد

ماده چهل و یکم

جاهای آنرا که در داخل حدود ناز امارت مریشان نیست نشون مرید و طرف مدف پاتره و روزان ناز میباد که نصیب  
 این معاهده ناچار با بدخالی کنند و نیز در طرف همین مهلت عساکر عثمانیه جاهای آنرا که بصیریشان و گذار شده است خالی  
 کردند برای خالی کردن مواقع مستحکم و حمل و نقل مهمات و اسبها و ثبث و فتر کردن چیزهایی که فوراً حمل و نقل میشوند  
 علاوه بر ملحق عساکر عثمانیه داده خواهد شد

ماده چهل و دوم

چون مریشان از جهت اراضی ناز که بر مریشان افزوده شده است محل منعی از بیون عثمانیه بقدر حصه خود نخواهد بود  
 لهذا این حصه سفرای اسلامبول با اتفاق با بعلبکه با ساسر عار لانه معین خواهند کرد

ماده چهل و سوم

دولتهای بزرگ شعاهد استقلال روم با پارلیتر و طمنند و در ماده ای الذکر تصدیق میکنند برای اینکه هرگز در وقت  
 از حقوق مدینه و سپاس بدهند و فرستاده فرستاده فرستاده فرستاده فرستاده فرستاده فرستاده فرستاده فرستاده  
 و علم لیاقت در خدمت عمومی مامورین و منصب اجوی صنعت نبوده مانع از قبول آنها نخواهند بود

ماده چهل و چهارم

این خارج میاید ازادی و مذ هب برای اهالی مذاهب مختلفه مردم خود و مابنا و بعت خارجیه است داده میشود تشکیلات مذکوره  
ملک مختلفه و مناسبه و ساس و مابنا و بوجی معنی نواند شد در و مابنا در خو بعت هر دولتها خواه بنجار و خواه غزالیها  
باشند بلا استثناء بطور مساوات کامله در قرار خواهند شد

**ماده پنجاه و پنجم**

اعراض و مابنا یا وجه اراضی بسیار مابنا که بوجیه همدانیه ۱۸۵۱ پارسی از مالک روس جدا شده بر مابنا داده شده بود  
با اعلیٰ مرتبه برای توجیه و در و عاده مابنا بعد و قطع مذکوره عن باجری و غیر پر و ت وجوب با شعبه کلیای طونیه و مصب  
استاد و اسلامبول است

**ماده پنجاه و ششم**

جزیره ها که در مصبها طونیه است جزیره های بحالات و سبخاها و کلیا و سنه و محمود پد ای پانچی و طونلی و مدیچین و بابا با  
خز سوه و کوه سنجی و سنجی بامارت در مابنا و گذار کرده شده است خط حدود بمرز که مابنا و روسیه و روسیه و غیرین حد  
معیین خواهد شد تنظیم و تعیین خواهد کرد

**ماده پنجاه و هفتم**

قره تقسیم مابنا و فقره جاها که شکار ماهی کرده میشود بکو میسیون طونیه که از جانب ولت های اروپا مستعمل خواهد شد

**ماده پنجاه و هشتم**

مناعهها بلکه از مخالفان در مابنا خواهد گذشت رسم و ریه و ترازینت خواهد داشت

**ماده پنجاه و نهم**

در خصوص تعیین امپاراتر حق حاکمیت و تسلط در داخل مارت در مابنا و وظایف ایشان مفاد و نامه آنها منعقد خواهند شد  
حقوق بلکه الان هست مادامیکه در میان مارت با تفاق و ولت های بلکه علاقه دارند غیر سنا فته است که کان عملی الاجرا خواهد بود

**ماده پنجاه و دهم**

مادامیکه در میان دولت عثمانیه و مابنا در خصوص تعیین امپاراتر که تسلطها معاهده نشد است غیر مابنا که در مالکیت  
سپاحت و اقامت میکنند و بجهت عثمانیه که در مابنا سپاحت اقامت داشته باشند از حقوق بلکه بشعرا و روس داده شدن  
است مبرم منته خواهد بود

**ماده پنجاه و یازدهم**

حکومت مابنا در جاها که بر مابنا و گذار شده است حقوق و وظایف با اعلیٰ با کمال از جهت اشداء از مابنا و اولاد

با عمل ناصه دارد در عهده خود خواهد داشت

**ماده پنجاه و یازدهم**

برای اینکه بر اینند ازادی زد و کشتیها در طونیه که از منافع اروپا بود در آن بعد بوق شده است از زوده سنه دولت مغزی و  
فرار و اندر اینکه طبعها و استحقاقها بلکه از نبود قیو نامصیبهای غیر طونیه است هر خواب شده بعد از این نیز قطع استحقاق  
ساخته نشود کشتیهای جنگی در غیر طونیه در این ترازینت و قیو ها نیز در خواهد کرد و کشتیهای کوچک که برای انضباط  
کر کما لانم است از این حکم مستثناء خواهد بود و کشتیهای فرار و ولتها که در مصیبهها طونیه میباشد آنها ناظر  
توانند رفت

**ماده پنجاه و بیستم**

در کوه میسیون طونیه از جانب حکومت در مابنا نیز اعضا خواهد بود این کوه میسیون در مامورین خود بر ترازینت و  
بسیار از این بطور استقلال از حکومت های اروپا تا فلا صراحی و مامورین خواهد کرد آنچه مفاد و معاهدات و فراتر  
با سنادها در خصوص حقوق و امپاراتر و وظایف کوه میسیون طونیه هست بر ترازینت و حکم خواهد بود

**ماده پنجاه و بیست و یکم**

یکسال پیش از آنکه مدت مامورین کوه میسیون طونیه منقضی بشود دولتها در خصوص ن با کردن مدت مامورین کوه میسیون  
واجب خواهد شد بلکه لازم باشد در میان خود شان فرار رضوا کنند

**ماده پنجاه و بیست و دوم**

نظاما بلکه در خصوص نزد کشتیها از تیمور قیو ها تا فلا صراحی در با انضباط امر لازم باشد بمرز کوه میسیون تنظیم  
خواهد یافت و وکلای حکومت ساحله در این باب کوه میسیون معاند نخواهند کرد نظامات مذکوره با نظاما بلکه برای  
جاهای یابین ترازینت گذاشته خواهد شد بطریق خواهد داشت

**ماده پنجاه و بیست و سوم**

کوه میسیون طونیه برای امانه و فناری که در جزیره پیلان اطله میهن با کسانیکه لازم باشد رای خود را یکی خواهد کرد

**ماده پنجاه و بیست و چهارم**

وظایف اجرائی عملیات برای رفع موانع سپر سفاین در تیمور قیو ها و مشکلات مابنا و لسا و سنرا و با جادستان نود بع شده است  
حکومت ساحله که در آن قسمت غیر مستند برای اجرای این اعمال تشکیلات لازم برقرار خواهند بود احکام ماده بیست و چهارم  
تذکره در ۱۳ مار ۱۸۷۱ در خصوص استیضاح رسم موافق برای مصارف و اصلاحات مذکوره فرار داده شده بود بملاحظه

مفتد و لقا و سفر با ابقا خواهد شد

### ماده پنجاه و هشتم

با بعالی در آسپا ارد همان و قارصی را ضعی با طوم را بالکرگاه ان و اراضی که در میان حد و قدیمه روس و جاهای آنکه در نزد  
بیان میشود و لقا و سفر و گذار کرده است چنانکه حد و دنازه موافق خطی که در عهدنامه با استفا نویس معین شده و از  
سپناوان بکفطه که در شمال غربی قوروده و جنوب بار نوینک واقع است ابتدا کرده بخط مستقیم بهر چو رو که مندرج  
شده نهر رود از مشرق استغش گذشتن از خط مستقیم سمت جنوب خواهد رفت و با حد در وسیله در عهدنامه  
با استفا نویس معین شده است بکفطه که در جنوب زمین واقع است خواهد رسید و فاصله آنرا باید و لقا و سفر  
خواهد کرد خط حد و دنازه نقطه شرقی بر کشند سمت غربی بکفطه که در طرف روس مانده منتهی برود تا  
پنک خواهد شد از آنجا بجای نهر فابا در طرفه از آنجا سمت جنوب خواهد گذشت با دیزو یکی کوی در طرف روس  
ماند از سمت غربی نهر فابا و در آن راست بچینک در طرفه بخط مستقیم بدروه فاصله آنرا در میان آنجا بکفطه  
بهر سوی جنوب یا بهر سوی دیگر در خط مستقیم با حد و قدیمه روس منتهی خواهد شد

### ماده پنجاه و نهم

اعلیحضرت با طوم روس اعلان میکند که با طوم را برای آنکه اساء النکرگاه بخارن باشد در صدان هشتاد که آنجا را  
لکرگاه ازاد (پورفران) فرار بدهند

### ماده شصتم

صحرای لشکر و شهرهای آنکه بوجه فضل و عهدنامه با استفا نویس بد و لقا و گذار شد بود و لقا عثمان پس داده  
خواهند شد با بعالی شهر قتل و قارصی از اراضی آنکه بوضد و کومیسرها انگلیس و روس که مامورین معین حد و عثمانی و  
ایران بودند و لقا و سفر این و گذار میکند

### ماده شصت و یکم

با بعالی عهد میکند که در باقیهای مسکونه او امنه اصلاحات و تنظیماتی که احتیاجات محلیه و منفصله است بلا تاخیر اجراء  
گشتند اما مندرجات آنرا در وجهی که هدا و نماید با بعالی از نذا بیکدیگر در باب بکار خواهد بود و وقت بوقت بدو  
اطلاع داده و در ولت آنها نیز اجراء آنرا بپراقتنار خواهد کرد

### ماده شصت و دوم

با بعالی با حقوق و اراضی مخصوصه با د و سفندادن با زادی مذهبی و قارصی ازادی با بیان کرده در اول معاهده این بیان

اختاری را بنظر اعتبار بدیندیو هیچ منتهی از ممالک عثمانیه برای استعمال حقوق مدینه و سیاسیه خداوند متعال  
و مامورین مناصب اجراء حقیقه فرقی مذکور بیکدیگر را وسیله استثناء و عدم قابلیت نتواند شد بدون استثناء که  
در خصوص حکمها اجراء شهادت نتواند کرد

از جهت حقوقی و اجراءات خارجیه آنها همگان را اینستاده شده است بنا بر این شکلت روحانیه ملا مختلفه  
و مناصب بار و سالی و غایب آنها هیچ مانعی نتواند بود و همین و زوار و کشیشان هر وقت که در ممالک اروپا و آسیا  
عثمانیه سیاحت نمایند از حقوق و فوائد و امتیازات مذکوره بهره مند خواهند بود

حق چاپ و ستم کوشها و مامورین دول اروپا در باره اشخاص مذکوره و برای مؤسسات مذهبی اماکن غیر نفیسی  
کرده شده است حقوق و موجوده فرانسوی بطور مخصوص تصدیق شده و وضع حاضر بیکدر در مواقع مقدسه یعنی در قدس شریف  
هند و بومی اخلاص خواهد شد و همین (انپور و...) از هر مملکتی باشد املاک و امتیازات سابقه آنها برقرار و بدون استثناء  
از جهت حقوق و امتیازات مظهر مساوات خواهند بود

### ماده شصت و سوم

عهدنامه پارسی که در ۳ مارس ۱۸۵۲ و عهدنامه لندن که در ۳۱ مارس ۱۸۷۱ منعقد شده است بجز آنچه بموجب  
مواد و شروط این عهدنامه نسخ و تغییر شده است کماکان باقی و برقرار می باشد

### ماده شصت و چهارم

این عهدنامه تصدیق شده و تصدیق نامه های آن در طرف مدینه سه هفته و اگر ممکن باشد زودتر در برلین مبادله  
خواهد کرد پس این عهدنامه را برای اینکه تصدیق کرده شود در خصوص دولت معاهده امضا و مهر نمودند این معاهده  
در برلین در تاریخ ۱۳ ماه ژوئیه ۱۸۷۸ میلادی منعقد شد

### مخلافات

مخلافات دولت معاهده بهنجیب که در عنوان عهدنامه نام ایشان ذکر شد بکان یکان ذیل عهدنامه را امضا کرده اند  
قدیرالکلیله و العابد

فناز شهرت بیع الثاني کینه العبد

الانکالجای انبر حرمه بن اسید محمد رضا الحن الطباطبائی

الامیرستانی سید شمس الدین

بعدالافت ۱۲۹۶







# فهرست اسامی سلاطین و پادشاهان

السلطان فتحعلی خان	ولادت ۱۰۹۲ سنه	جلوس ۱۱۳۳ سنه	مد سلطنت شش سال	مرحلت ۱۱۳۹ سنه	عمر چهار و سی سال	مدفن خواجه رشید در شهر مشهد
محمد حسن شاه	ولادت ۱۱۲۷ سنه	جلوس ۱۱۶۴ سنه	مد سلطنت شش سال	مرحلت ۱۱۷۲ سنه	عمر چهل و پنج سال	مدفن حضرت عبدال الغظیم
حسین قزق ملقب بجهان سوزن شا	ولادت ۱۱۴۳ سنه	جلوس ۱۱۶۴ سنه	مد سلطنت هفت سال	مرحلت ۱۱۹۱ سنه	عمر هفت سال	مدفن اسرا باری
افا محمد شاه مرحوم	ولادت ۱۱۵۵ سنه	جلوس ۱۱۹۳ سنه	مد سلطنت هجده سال	مرحلت ۱۲۱۱ سنه	عمر پنجاه و شش سال	مدفن بجفا شرف
فتحعلی شاه مرور	ولادت ۱۱۸۵ سنه	جلوس در طهران ۱۲۱۲ سنه	مد سلطنت سی و پنج سال و پنج ماه	مرحلت ۱۲۵۰ سنه	عمر چهار سال و چهار ماه	مدفن در شهر
نایب السلطنه عبدالمیرزا مرحوم	ولادت ۱۲۰۳ سنه			مرحلت در خراسان ۱۲۴۹ سنه	عمر چهار سال	مدفن مشهد مقدس
محمد شاه طاب ثراه	ولادت ۱۲۲۲ سنه	جلوس ۱۲۵۰ سنه	مد سلطنت چهار و سی سال و سه ماه	مرحلت ۱۲۶۴ سنه	عمر یک سال و یازده ماه	مدفن در شهر

۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸	۲۹	۳۰	۳۱	۳۲	۳۳	۳۴	۳۵	۳۶	۳۷	۳۸	۳۹	۴۰	۴۱	۴۲	۴۳	۴۴	۴۵	۴۶	۴۷	۴۸	۴۹	۵۰	۵۱	۵۲	۵۳	۵۴	۵۵	۵۶	۵۷	۵۸	۵۹	۶۰	۶۱	۶۲	۶۳	۶۴	۶۵	۶۶	۶۷	۶۸	۶۹	۷۰	۷۱	۷۲	۷۳	۷۴	۷۵	۷۶	۷۷	۷۸	۷۹	۸۰	۸۱	۸۲	۸۳	۸۴	۸۵	۸۶	۸۷	۸۸	۸۹	۹۰	۹۱	۹۲	۹۳	۹۴	۹۵	۹۶	۹۷	۹۸	۹۹	۱۰۰
---	---	---	---	---	---	---	---	---	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	-----



سلطنت عظمی

السلطان بن السلطان بن السلطان والخاقان بن الخاقان  
ابن الخاقان ناصر الدين شاه صاحب قران بن  
محمد شاه بن وليعهد عباس ميرزا ابن خاقان فعلی شاه  
ابن حسین شاه بن سلطان محمد حسن شاه بن فعلی  
خان بن امیر شاه فلجان بن محمد فلجان بن محمد  
فلجان فاجا و خدا لله تعالی مملکت و دولته  
مؤلدهما بون

شب شنبه ششم شهر صفر المظفر سنه یک هزار و  
دویست و هفتاد و هفت من الهجرة المقدسه النبویه  
بنات سلطنت

توابع علیّه عالیّه خیر الملوک تولد در  
توابع علیّه عالیّه عثمیه الدوله تولد در  
توابع علیّه عالیّه امیر الدوله تولد در

توابع علیّه عالیّه و البه تولد در  
توابع علیّه عالیّه خیر السلطنه تولد در  
توابع علیّه عالیّه خاقان الدوله تولد در

توابع علیّه عالیّه توابع آقا تولد در  
توابع علیّه عالیّه نوران آقا تولد در  
توابع علیّه عالیّه نوران آقا تولد در

توابع علیّه عالیّه نوران آقا تولد در  
توابع علیّه عالیّه نوران آقا تولد در  
توابع علیّه عالیّه نوران آقا تولد در

توابع علیّه عالیّه نوران آقا تولد در  
توابع علیّه عالیّه نوران آقا تولد در  
توابع علیّه عالیّه نوران آقا تولد در

توابع علیّه عالیّه نوران آقا تولد در  
توابع علیّه عالیّه نوران آقا تولد در  
توابع علیّه عالیّه نوران آقا تولد در

توابع علیّه عالیّه نوران آقا تولد در  
توابع علیّه عالیّه نوران آقا تولد در  
توابع علیّه عالیّه نوران آقا تولد در

توابع علیّه عالیّه نوران آقا تولد در  
توابع علیّه عالیّه نوران آقا تولد در  
توابع علیّه عالیّه نوران آقا تولد در

توابع الامیر الدوله احمد میرزا نواب الانقره الدوله فرزند  
میرزا فرماق میرزا نواب الاخته الدوله حیره میرزا نواب والا  
شعاع الدوله لطف الله میرزا

اولاد خاقان مغفور

توابع الاعضاء السلطنه علیّه میرزا و ذریه علوم و غیره نواب  
سلطان سلیم میرزا نواب محمد امین میرزا نواب عضد الدوله جناب عضد الملک خوانسار و خان مهر میرزا شاد  
سلطان احمد میرزا نواب محمد هادی میرزا نواب امان الله میرزا  
نواب جهان نوز میرزا امیر تومان نواب نیر الدوله پرویز میرزا

امیرزادگان و غیره که در جز و طایفه و خوانین فاجاد  
توابع غرضه میرزا والی نواب محمد رحیم میرزا  
منظور استند

امیرزادگان کرامت و غیره  
ادریس میرزا محمد شریف میرزا محمد صادق میرزا حبیب الله میرزا  
حاجی سیف الدوله میرزا ولدمرحوم ظل السلطان عمید احمد میرزا اکبر میرزا حاجی سیف الله میرزا محمد و خان محمد

الدوله کبیرت میرزا ابوالفتح میرزا ولد نصام السلطنه خان حیدر خان محمود خان محمد فلجان  
احتمام الدوله سلطان او شیر میرزا حشمت السلطنه  
نبی اعظم

نبیع الملک میرزا ناصر الدوله سلطان حمید میرزا ابو محمد رحیم خان رئیس غلام حسین خان حاجی شکر الله خان  
النور میرزا ولد نصام السلطنه محمد حسن میرزا ولد و علی  
حاجی مهدی بقلخان

محمد حسن میرزا ولد مرحوم اسد الله میرزا اغصقا الدوله حسین فلجان سزید بحقی فلجان رئیس نجف فلجان ولد  
محمد مهدی فلجان احتشام السلطنه ابراهیم میرزا حاجی محمد علی فلجان حیدر فلجان فاضی علی فلجان محمد فلجان

الدوله ساسان میرزا حاجی حسین میرزا ولد مرحوم حاجی  
میرزا حاجی مسعود میرزا ولد مرحوم ایضا محمد علی میرزا ابی محمد حسین فلجان رئیس امان الله خان نور الله خان سلیمان خان  
خسر میرزا اسمعیل میرزا اسحق میرزا عبدالله میرزا تقی غلام حسین فلجان احمد خان محمد صادق خان

میرزا ولد مرحوم عماد الدوله سلطان محمد میرزا ولد  
ایضا کابیران میرزا محمد آفر میرزا داراب میرزا پیر مرحوم حاجی محمد حسین فلجان رئیس محمد فیض خان حاجی محمد رضاشاه  
ضیاء الدوله سلیمان میرزا عبدالعلی میرزا نایب الاباله فضل خان حاجی فلجان حاجی منیر خان

میرزا ولد مرحوم عماد الدوله سلطان محمد میرزا ولد  
ایضا کابیران میرزا محمد آفر میرزا داراب میرزا پیر مرحوم حاجی محمد حسین فلجان رئیس محمد فیض خان حاجی محمد رضاشاه  
ضیاء الدوله سلیمان میرزا عبدالعلی میرزا نایب الاباله فضل خان حاجی فلجان حاجی منیر خان

میرزا ولد مرحوم عماد الدوله سلطان محمد میرزا ولد  
ایضا کابیران میرزا محمد آفر میرزا داراب میرزا پیر مرحوم حاجی محمد حسین فلجان رئیس محمد فیض خان حاجی محمد رضاشاه  
ضیاء الدوله سلیمان میرزا عبدالعلی میرزا نایب الاباله فضل خان حاجی فلجان حاجی منیر خان

طایفه عز الدین لو

آقاخان رئیس محمد جعفر خان محمد لجان محمد فاسخان

حبیب الله خان محمد تقی خان جلد خان محمد رضا خان

طایفه شامیان

حاجی محمد رحمان رئیس حسین خان محمد فاسخان

الله پور دینان امام علی خان محمد مستخان الله علی بابا

طایفه سیالو

حاجی مشهد

محمد تقی خان رئیس محمد رحمان اسد الله خان حسین خان

محمد طاهر خان

میرزا باقر خان

شاه بودا غلو

محمد خان رئیس محمد علیخان احمدخان حاجی محمد زمانخان

حاجی خان خان

طایفه فاجلو و غیره

محمد صادق خان فاجلو محمد رضاخان فاجلو محمد علیخان رئیس

خرنوبه دارلو محمد خان رئیس کهنه لو محمد خان رئیس کهنه لو

سیاوان

امیرخان سیاوان باشی ساپر چهار نفر

ساپر خوانین

دو بیست سی و نه نفر

ذایر دولت

نزدیک امور دولت بطور پیشگام در سالنامه سنه ماضیه مسطور است فقط برای تشبیه امور باراده علی بن علی  
ادارات دولتی و ایالات مملکت سده پاره مفرد داشته اند که مرجع کلیه امور سده زبر و مسئول دولت این سده من هستند

اسامی وزراء و قضاة و غیره

نواب اشرف والا امیر کبیر نایب السلطنه | جناب اجل افای مشهور الممالک | جناب اشرف سپه سالار اعظم و وزیر امور  
دولت علیه ایران | خارجه دولت علیه

جناب امین الملک واسطه عرض و صدور احکام و مرتب مجلس محترم دار الشوری کبری

اسامی وزراء در بار دولت از شاهزادگان فخام و غیره هم اشعار از انبیا و مدبران بزرگان از  
دو اشرف دولت در اشعار و منصبی از مشاغل و مناصب کشید با بنیاد شد

نواب والا معزالدوله وزیر علیه عظمی | نواب والا اعضای السلطنه وزیر علوم | جناب علاء الدوله وزیر دربار اعظم

جناب عضد الملک خوانسار و الجانی نایب | جناب نظام الملک | جناب وزیر دفتر استیفا  
فاجار و غازی و هم پهلوانان هابون | جناب حاجی امیر الملک | جناب معاون الملک

جناب محمد الملک وزیر وظایف و اوقاف | جناب سید علی خان وزیر خواجگان | جناب وزیر لشکر فامیر زاموسی

جناب امین الدوله | جناب امین لشکر وزیر کمرک | جناب مخبر الدوله وزیر نگاراف

از امران و اجداد نواب اشرف والا امیر کبیر نایب السلطنه دولت علیه در تمام

ایالتها عالی و ایالات و ممالک که راجع و مقوض

بنواب اشرف معظمه

البلد

اداره علماء اعلام و اوقایان و سادات و محترمین اداره مهم | شاهسون بغدادی

اجراء حکومت و علماء اعلام و اعیان

ذکور و اناثا حکومت دار الخلافه با هم طهران | و معارف دار الخلافه طهران

اجراء حکومت

وزارت تجارت ایالت دارالمرکز کپلان ایالت دارالمرکز

مازندران قشم کاشان ملایر تویسرکان | جناب میرزا محمود وزیر صدوق الدوله مباشرت خالصانه

مهاوند ساوه وزرند دماوند فیروزکوه | دیوان اعلیٰ فرانسواشی خان نایب رئیس مستحفظین امنیت

عامه شهر گشتان توان دو مشت فرب مناسی احتساب  
الملك ميرزا حسن حاجي ميرزا نوري گلانتر ميرزا بزرگ كندى ولد ايضا

محلته چالبدان ميرزا سيد يوسف كندى محلته سنج  
ميرزا حسن كندى محلته درب دولت ميرزا سيد احمد

كندى محلته بازار اسمعيل بك كندى اردك مبارك  
عبدالله خان پشخه شايشى نواب اشرف والا نواب المير

### علماء

جناب ميرزا زين العابدين امام جمعہ جناب صدر العلماء  
جناب حاجي ملا علي جناب آقا سيد صادق جناب آقا

ميرزا صالح عرب جناب حاجي شيخ موسى جناب علي سيد  
حسين جناب آقا سيد عبدالله جناب ملا محمد نفي جناب

آقا شيخ جعفر ميرزا مرحوم حاجي شيخ محمد جناب آقا شيخ محمد  
برادر مرحوم شيخ عبدالحميد جناب حاجي ملا افانزك

جناب حاجي آقا محمد  
محمد حسنخان ولد مرحوم معتمد الملك عباس خان

ولد مرحوم ايضا  
اعينك اشرف وامراء وخوانسار الخلافة  
انز جالك ولت ولبا مناصب وغيرهم

جناب ميرزا محمدخان نظام العلماء نواب نظام العلماء آقا شيخ  
علي جناب اعتماد الدولة حيدر قليخان ولد اصفا الدولة

آقا سردار ولد پيهار عين الملوك محمد ميرزا ولد جناب فضل  
الدوله عباس ميرزا ولد ايضا فضل خان ولد ايضا محمود

خان ملك الشراء ميرزا جعفر حكيم الهى سلیمانخان ولد مرحوم  
حاجي الدولة حسين قليخان ولد مرحوم اعتماد الدولة رضا

قليخان عبد قليخان ولد مرحوم سلیمانخان محمد نفي خان  
ولد ميرزا محمدخان اسمعيل خان پشردولة ميرزا محمدخان

غلام حسينخان ميرزا صادقخان ولد مرحوم ميرزا حسنخان  
ميرزا محمدخان ميرزا صادقخان ولد مرحوم ميرزا حسنخان

حاجي محمد كاظم ملك النجف مالك نمر و سمر بران حاجي ميرزا آقا  
حاجي ميرزا ابراهيم امين النجف حاجي محمد صادق و عين النجف

ملا محمد حسين نيزي حاجي احمد نيزي حاجي علي اكبر نيزي  
حاجي محمد حسن صفهائي حاجي علي شمس كاشان آقا محمد امين

ارباب طهران آقا عبد الباقي ارباب طهران آقا محمد ابراهيم  
طهران حاجي محمد ابراهيم ارباب طهران حاجي عبد اللطيف

شیرازی حاجي علي اكبر همداني حاجي محمد حسين ارباب  
طهران آقا محمد حسن ارباب طهران حاجي آقا موسى ارباب

طهران آقا محمد حسين ارباب طهران آقا علي ارباب طهران  
حاجي محمد صادق ناجر كاشاني حاجي محمد حسين ناجر كاشاني

معروف آقا رجبعلي حاجي آقا محمد ناجر كاشاني حاجي علي  
ناجر نيزي حاجي ملا حسن طهران آقا ميرزا محمد علي شيرازي

حاجي سيد محمد نيزي  
كاشاني حاجي ميرزا محمد آقا نيزي ميرزا محمد علي شيرازي

ميرزا حسين النجف و ما مورين و الايات  
نيزي جناب معتمد الملك اردوباد ابراهيم آقا خوي نواب

عبدالدوله حاكم حسره آقا خان فزون نواب جعفر ميرزا  
كگلان نواب عبي ميرزا ماندران ميرزا علي شمس ملك النجف

همدان ميرزا احمد ميرزا خواجه محمد باقر كرهانتهان آقا حسن  
كرهستان ميرزا سيد ابراهيم باختيار نواب ابو الفتح ميرزا

ميرزا كاشان جناب اعضا الدوله حاكم اصفهان محمد جعفر  
خان شيراز و بوشهر باختيار نواب والا معتمد الدوله

نيزي آقا كوچك ملك النجف كرهان حاجي شهاب الملك حاكم  
خراسان حاجي ابو القاسم ملك النجف آسرا باد ميرزا جواد

خان سمنان و دامغان اعضا الدوله حاكم ساھرود  
جناب آقا محمد نفي آقا زاده جناب ملا محمد حسين

### اجزاء مجلس تجارتي

### تجارتي رسيدگي مينمايند

### ملک کييلان

### حاکم

### علماء

جناب ضياء الملك نواب الحکوميه ميرزا  
جناب حاجي ملا محمد علي امام جمعہ جناب حاجي ميرزا عبد الباقي  
جناب حاجي ملا قاسم جناب حاجي محمد ابراهيم معروف نيجايي  
مجهد جناب آقا سيد عبد الله جناب آقا شيخ جواد  
جناب آقا محمد نفي آقا زاده جناب ملا محمد حسين

اعیان

میرزا محمد علیخان امین دیوان میرزا عبدالوهاب مشهور  
محمدخان سرشیر میرزا موسی خان مجتم باشی حاجی میرزا  
اکبرخان سرهنک

مختار

حاجی محمد حسین البخاری امام میرزا ابراهیم کمان آفاسید  
فاسم کاشی محمدآقا آفاسید رضی میرزا موسی  
طوالشیرتولی بدی فاضل و آنا نایب السلطنه

امیر کبیر

نصرت الله خان سرشیر جوادخان سرهنک امان الله  
خان سرهنک نصرت الله خان اللهیارخان سرهنک  
نصرت الله خان سرهنک

ماننداران

میرزا نوادله میرزا حکمران کل

هزار جریب

ابراهیمخان سرشیر و دانکه هزار جریب نصف بلخ فلجان  
سرهنک نصفه بکر الطغعلی خان سرهنک

حاکم بارفروش چهار فلجان حاجار حاکم اشرف عبدالحمین  
میرزا حاکم امل محمد ابراهیمخان حاکم حال ثلاثه مساعدالدین  
حاکم سبزو و عبدالحمین خان سرشیر حاکم لاریجان  
خان باباخان سرهنک

طایر و نویرکان و نهاوند  
نواب لاعزالدین عبدالصمد میرزا حکمران کل

قره کاشان با جناب اغضادالدول

قزویشان نایب الحکومه کاشان میرزا سپیدوسف  
میرزا حسن سرشیر و اولاد کاشان  
ساول و زررند

حاکم معمار باشی نایب الحکومه عبدالسه خان

شاهسون نغباد حاکم میرزا محمودخان

حاکم دماوند حاجی میرزا علیخان

حاکم فریزرکوه اسمعیلخان سرشیر

علم جانی در بخانه

حاجی بهاء الدوله سرشیر اول و پیشکار مخصوص محمد زمان  
میرزا ایشیک آفاسی باشی جناب حاجی ملا باشی محمد حسن خان  
فراموشی عبدالسه خان پیشکش باشی حاجی نصرالله میرزا  
میرزا خورشید میرزا صالح جمع امیرزاده افسردار  
پیشکش منحصه اکبرخان ناظر علیخان مرجم و  
سند فدار میرزا محمد حسین کابشا سلطان میرزا علی  
پیشکش منحصه و فتنه مخصوص

مستوفیان

میرزا علی میرزا هادی ساربه نفر

فشیان

میرزا محمد فتنی باشی قزوینی میرزا علی اکبر فتنی باشی  
میرزا علی

کشیکخانه

محمد اسمعیلخان کشیکچی باشی و فتنکدا و باشی رضا فلجان  
پوز باشی هدا پشاه خان شاطر باشی  
رجعی سبک ده باشی  
خلوت

ادارات منعلف بجناب اجل افای مشهور الممالک

دوایر مبارک کرد و منعلف و راجع بجناب اجل آقا

وزارت دفتر اسبقاد بان عدالت عظمی اداره خلوت میرزا  
وزارت مظالم اوقاف اداره کشیکخانه و مظالم در بخانه  
اداره کرد ممالک محروسه اداره تلکرافخانه مبارکه سند فضا

وزارت مظالم اوقاف اداره کشیکخانه و مظالم در بخانه  
اداره کرد ممالک محروسه اداره تلکرافخانه مبارکه سند فضا

وزارت مظالم اوقاف اداره کشیکخانه و مظالم در بخانه  
اداره کرد ممالک محروسه اداره تلکرافخانه مبارکه سند فضا

وزارت مظالم اوقاف اداره کشیکخانه و مظالم در بخانه  
اداره کرد ممالک محروسه اداره تلکرافخانه مبارکه سند فضا

وزارت مظالم اوقاف اداره کشیکخانه و مظالم در بخانه  
اداره کرد ممالک محروسه اداره تلکرافخانه مبارکه سند فضا

وزارت مظالم اوقاف اداره کشیکخانه و مظالم در بخانه  
اداره کرد ممالک محروسه اداره تلکرافخانه مبارکه سند فضا

وزارت مظالم اوقاف اداره کشیکخانه و مظالم در بخانه  
اداره کرد ممالک محروسه اداره تلکرافخانه مبارکه سند فضا

وزارت مظالم اوقاف اداره کشیکخانه و مظالم در بخانه  
اداره کرد ممالک محروسه اداره تلکرافخانه مبارکه سند فضا

وزارت مظالم اوقاف اداره کشیکخانه و مظالم در بخانه  
اداره کرد ممالک محروسه اداره تلکرافخانه مبارکه سند فضا

وزارت مظالم اوقاف اداره کشیکخانه و مظالم در بخانه  
اداره کرد ممالک محروسه اداره تلکرافخانه مبارکه سند فضا

وزارت مظالم اوقاف اداره کشیکخانه و مظالم در بخانه  
اداره کرد ممالک محروسه اداره تلکرافخانه مبارکه سند فضا

وزارت مظالم اوقاف اداره کشیکخانه و مظالم در بخانه  
اداره کرد ممالک محروسه اداره تلکرافخانه مبارکه سند فضا

وزارت مظالم اوقاف اداره کشیکخانه و مظالم در بخانه  
اداره کرد ممالک محروسه اداره تلکرافخانه مبارکه سند فضا

وزارت مظالم اوقاف اداره کشیکخانه و مظالم در بخانه  
اداره کرد ممالک محروسه اداره تلکرافخانه مبارکه سند فضا

وزارت مظالم اوقاف اداره کشیکخانه و مظالم در بخانه  
اداره کرد ممالک محروسه اداره تلکرافخانه مبارکه سند فضا

وزارت مظالم اوقاف اداره کشیکخانه و مظالم در بخانه  
اداره کرد ممالک محروسه اداره تلکرافخانه مبارکه سند فضا

وزارت مظالم اوقاف اداره کشیکخانه و مظالم در بخانه  
اداره کرد ممالک محروسه اداره تلکرافخانه مبارکه سند فضا

وزارت مظالم اوقاف اداره کشیکخانه و مظالم در بخانه  
اداره کرد ممالک محروسه اداره تلکرافخانه مبارکه سند فضا

وزارت مظالم اوقاف اداره کشیکخانه و مظالم در بخانه  
اداره کرد ممالک محروسه اداره تلکرافخانه مبارکه سند فضا

وزارت مظالم اوقاف اداره کشیکخانه و مظالم در بخانه  
اداره کرد ممالک محروسه اداره تلکرافخانه مبارکه سند فضا

وزارت مظالم اوقاف اداره کشیکخانه و مظالم در بخانه  
اداره کرد ممالک محروسه اداره تلکرافخانه مبارکه سند فضا

وزارت مظالم اوقاف اداره کشیکخانه و مظالم در بخانه  
اداره کرد ممالک محروسه اداره تلکرافخانه مبارکه سند فضا

میرزا محمد ولد مرحوم میرزا هادی میرزا رضای البرز میرزا سید محمد  
 میرزا محمد رضای نوید میرزا کافی میرزا حسن میرزا زکی تاج میرزا فتح  
 میرزا علی میرزا محمد ولد حاجی میرزا علی قلی میرزا عبدالعلی  
 میرزا حسن میرزا ابراهیم میرزا سید علی خان ولد مرحوم میرزا  
 نظر علی میرزا هدایت پسر لسان الملك میرزا شکر الله پسر نصیر الملك  
 میرزا جعفر

### امورین

مشیر الملك منشا والک ضیاء الملك میرزا حسین خان  
 پشیمان صاحب دیوان میرزا مسیح میرزا شفیع خان کرمان  
 میرزا شفیع مشفق نواب جسام السلطنه میرزا محمد حسین  
 میرزا محمد حسین سراج الملك

### وزارت عدلیه عظمی

نواب الامیر الدوله وزیر عدلیه عظمی

### امنا و اجزای دیوانخانه مبارکه

صدر دیوانخانه اعفاد الملك حیدر قلیخان میرزا  
 حسن مستوف دیوان اعلی حاجی میرزا علی رئیس نایب اول  
 وزارت عدلیه میرزا عبدالغنی نایب الوزاره نایب اول  
 وزارت عدلیه میرزا محمد حسین نوری فتح الله خان ناظم  
 دیوانخانه عدلیه میرزا سید احمد سر رشته دار میرزا  
 ابوالقاسم منشی میرزا عبدالحمید منشی باقی  
 میرزا علیخان منشی اول پسر مرحوم میرزا محمد مستوف میرزا  
 ابراهیمخان منشی اول میرزا علی رضا منشی حاجی میرزا

زین العابدین منشی میرزا زین العابدین منشی میرزا  
 محمد علی منشی میرزا عبدالغنی ثبات نوری میرزا سید محمد

### اجزاء و منشیان دیوان مظالم عامه

حاجی شیخان فاجار رئیس دیوان مظالم میرزا موسی  
 سردار میرزا اسمعیل منشی میرزا باقر منشی میرزا  
 محمد منشی میرزا محمد علی میرزا محمد حسین نوری میرزا  
 میرزا حسن میرزا حسن شیرازی میرزا محمد حسین  
 میرزا رضا میرزا غلام حسین میرزا محمود میرزا عبدالحمید

### خلوت های پون

### ارباب مناصب

جناب امین السلطان امین خلوت رئیس سفید خلوت  
 های پونی و تفنگدار باشی امین حضور و محصل بقایای مالیه  
 غلام حسین خان خازن رکبخانه

### سایر

حاجی خازن الملك ادیب الملك حاجی الدوله محمد شیخ  
 محقق محمد حسینخان پشیمانی و خراسانی نواب شریف الا  
 نایب السلطنه سلطان حسین میرزا غلام حسین خان ولد  
 مرحوم امین الدوله نور محمد خان امین دیوان میرزا احمد  
 میرزا عبدالقاسم خان جبارخان افغان علی امین صوفی عمیل الملك  
 ناظم خلوت میرزا محمد

### دارالترجمه خاصه های پونی

برایست صنایع الدوله مترجم مخصوص حضور های پونی مسبو  
 دینا خان سرنپ مترجم زبان فرانسه و انگلیسی میرزا محمد  
 مترجم زبان فرانسه میرزا علیخان مترجم زبان فرانسه و انگلیسی  
 میرزا علی سی خان سرهنک مترجم مخصوص زبان فرانسه مادر  
 خان مترجم زبان روسی و فرانسه و آردون زبان مترجم زبان لک

### اطباء خاصه

دکتر طولوزان حکیم باشی ملکا لاصبا میرزا کاظم شیخ الایمان  
 میرزا احسن علی میرزا نصر الله نکابنی میرزا زین العابدین  
 کاشانی میرزا لقمان ولد ملک الالطباء مسبو هیدنه  
 دندان ساز

### فرمانت های پونی و چارچین اطاق های پونی

میرزا محمد تقی میرزا کریم محمد صادخان فرانت خلوت

### دیوانخانه مبارکه

غلام علیخان قهوه چی باشی افاجار قهوه چی

### تفنگداران خاصه

رضا علیخان محمد زمان خان دستم خان مصطفی قلیخان  
 آقاخان فریح خان میرزا باقرخان علی اکبرخان  
 میرزاخان حیدرخان محمد کریمخان حسن خان پیمان  
 اسد الله خان اسمعیلخان محمد خان کریمی نصر الله خان نور  
 رضاخان قادیان میرزا ابوالفتح حاجی نفعان حاجی علی

### خواجگان پان

معمد الحرم حاجی آغا جوهر خواجگه باشی آغا عرب حاجی زین  
 حاجی آغا فرید آغا حسن حاجی غلام علی آغا سید اسمعیل  
 آغا بهرام آغا فتح الله  
 آغا فریح

### وزارت وظایف و اوفات

جناب محمد الملك وزیر وظایف و اوفات

### اجزاء دفتر وزارت تجلیه و وظایف

میرزا مهدی نایب الوزاره وظایف آقا سید مصطفی حسام  
 السادات نایب الوزاره اوفات میرزا نصر الله سر رشته دار کل  
 مستمیرات ممالک محروسه میرزا مصطفی خان منشی وزارت  
 وظایف میرزا محمد علیخان خلاصه نویس میرزا الله علی خان  
 سر رشته دار اوفات ممالک محروسه

### اشخاص که با مات و صاحب منصبی رجوع مستمیری

میرزا احسن علی فرانت خلوت های پونی

### و ایضا مستمیران مامورند

### لذیر باچان

جبارخان پشیمانی خاصه های پونی

### خراسان

محمدخان پشیمانی خاصه های پونی

### اصفهان

میرزا احسن علی فرانت خلوت های پونی

فارس

میرزا رحیم خان

دار الخلافه طهران

میرزا کریم فراتخوان خاصه هابونی

عراق و کربلا و سایر البلوک و محلات

میرزا محمود منشی

مزدکاشان و ساوا

میرزا سپید حسن

ملاپر و نوینرکان و نهاوند

میرزا اسحق منشی

هدایت اسداباد و کنکاور

میرزا فتح الله فراتخوان هابونی

مازندران

حاجی میرزا رحیم فراتخوان هابونی

بند

میرزا اجواد منشی

گیلان

علی اکبر خان فراتخوان هابونی

کردستان و کروس

محمد حسین خان نایب اشیک فاسی باشی

فروزی و طالقان

افا محمد حسین نایب

نظر

حسین خان فراتخوان هابونی

کرمانشاهان

میرزا حسن اجودان و ذرات رسائل

کرمان

حاجی امیر سلطان بیگ فراتخوان

عربستان و لرستان

میرزا اسمعیل منشی

داوند و فیر و زکوة و خوار

میرزا طها سبط

وزارت کربک

حاجی امین لشکر و زهر کربک مالک محروسه

سرشنه دارک و مشرف

معین التجار حاجی محمد حسن

میرزا نجف سرشنه دار میرزا علی اکبر سرشنه دار میرزا امین

امور و زیاریات و مالک محروسه

منشی میرزا شفیع

میرزا ادا سیه میرزا مهک سرشنه دار کل پزاشک الله سرشنه دار

تخولدار افا علی

میرزا ان میرزا حاجی مقوم سرشنه دار مشرف و نفر و نفر و نفر و نفر

مستشار و معاون و مفقور

علی اکبر خان فراتخوان هابونی

بوشهر و شیراز

اصفهان

نایب افغان مخولدار مشرف نفر

مازندران

عبدغلی خان رئیس میرزا نایب اشیک و محال پارود میرزا

نصراه و میرزا یوسف مباشر بندر

کرمانشاهان

رئیس زکچان مخولدار مشرف عمده نفر

مدان

رئیس کل میرزا احمد مخولدار مشرف عمده

بند

مباشر کل نایب یوسف سرشنه کل میرزا علی بنی مخولدار عمده

اشیکان و سایر

مرحوم میرزا فضل الله خان غلامحسین خان حاجی حسین

علیخان فاجار اشیک فاسی باشی و لدمرحوم حاجی ظهیر الدوله خان بروجردی محمد علیخان نوایی میرزا محسن

محمدخان فاجار نورسبول باشی محمد امین خان نواده مرحوم

حاجی ظهیر الدوله جعفر قلچان ولد نور محمد خان سرنپ

نایب اشیک فاسی باشی

میرزا حسین قمبر آقا سپید صالح مفتی باشی

اداره باغات

محمد سخان نوری نایب اشیک فاسی باشی مصطفی قلچان

فاجار نایب اشیک فاسی باشی محمد علیخان برادر مرحوم

خان ابوالفتح خان برادر مرحوم نور محمد خان ولد مرحوم

عبدالمک عباسقلچان ولد مرحوم شهبازخان

امان الله خان نایب اشیک فاسی باشی مهد قلچان

کرمان

رئیس کل امیرزاده منوچهر میرزا مخولدار مشرف

بروجرد

مباشر اسمعیل خان مشهدی حسن

کاشان

رئیس میرزا جان مخولدار مشرف

فروزی و خمسه

رئیس افارجم مخولدار حاجی نعمت الله مشرف

مرشد و انزل

رئیس مخولدار مشرف

خراسان

رئیس مخولدار مشرف

کلیایکان

وزارت تکران

جناب مخبر الدوله وزیر تکران

صاحب منصبان اجرائی تکران خانہ مبارکہ دار اس ابو شهر چہار نفر

الخلافہ ناصر شہنشاہ

صاحب منصبان

حسین خان سرنپ ناظم ادارہ نصر اللہ خان سرہنگ جو طیار

خط از سر باجان و کبلان

فرو بن دوازده نفر

صاحب منصبان شش نفر محمد علی تکرانچی و منشی نجف فرات

صاحب منصبان چہار نفر سرہنگ رشتی محمد دو غلام چہار نفر زنجانی صاحب منصبان چہار نفر خان سرہنگ رئیس تکرانچی و منشی سرہنگ

نعمان و اسماعیل خان دو نفر تکرانچی بیک سہ نفر اسر بایک نفر شازدہ نفر

صاحب منصبان چہار نفر سرہنگ رشتی محمد دو غلام چہار نفر خان سرہنگ رئیس تکرانچی و منشی سرہنگ

میرزا مسلم مرشد دار مشہان شش نفر محمد بن ہفت نفر غلام و سوا و فرانس بیست نفر

صاحب منصبان چہار نفر سرہنگ رشتی محمد دو غلام چہار نفر خان سرہنگ رئیس تکرانچی و منشی سرہنگ

سوار و پیادہ شش نفر سوار چہار نفر پیادہ دو نفر فرانس خوی و مہاجر ہفت نفر مہاجر دو نفر تکرانچی نفر

صاحب منصبان چہار نفر سرہنگ رشتی محمد دو غلام چہار نفر خان سرہنگ رئیس تکرانچی و منشی سرہنگ

دو نفر پشیمان و غیر چہار نفر

سایر ولایات خط فارس

فر چہار نفر

صاحب منصبان چہار نفر سرہنگ رشتی محمد دو غلام چہار نفر خان سرہنگ رئیس تکرانچی و منشی سرہنگ

رضا خان سرہنگ رئیس تکرانچی و میرزا دو نفر فرانس کاشان پنج نفر

صاحب منصبان چہار نفر سرہنگ رشتی محمد دو غلام چہار نفر خان سرہنگ رئیس تکرانچی و منشی سرہنگ

عابد خان رئیس تکرانچی و منشی دو نفر فرانس دو نفر اصفہان دو نفر

صاحب منصبان چہار نفر سرہنگ رشتی محمد دو غلام چہار نفر خان سرہنگ رئیس تکرانچی و منشی سرہنگ

میرزا ابوالقاسم رئیس تکرانچی و منشی پنج نفر فرانس ابادہ تکرانچی نفر فرانس نفر

صاحب منصبان چہار نفر سرہنگ رشتی محمد دو غلام چہار نفر خان سرہنگ رئیس تکرانچی و منشی سرہنگ

کازرون تکرانچی نفر فرانس نفر شہر از صاحب منصبان پنج نفر میرزا ہدایت اللہ رئیس فرانس دو غلام سہ نفر ککاد پنج نفر تکرانچی نفر فرانس دو غلام و کبکی چہار نفر

صاحب منصبان چہار نفر سرہنگ رشتی محمد دو غلام چہار نفر خان سرہنگ رئیس تکرانچی و منشی سرہنگ

تکرانچی و منشی چہار نفر فرانس نفر

کبکی چہار نفر

مدان شازدہ نفر صاحب منصبان ہفت نفر

میرزا جعفر خان سرہنگ رئیس تکرانچی و منشی شش نفر سمنان شش نفر حاجی بابا خان رئیس تکرانچی فرانس و غلام چہار نفر

کرمانشاہان نہ نفر صاحب منصبان چہار نفر

میرزا محمد علی سرہنگ رئیس تکرانچی و منشی سہ نفر فرانس و غلام پنج نفر

شاهروردی و غیرہ سہ نفر

قصر و کرد و غیرہ ہفت نفر صاحب منصبان سہ نفر

تکرانچی و غیرہ دو نفر جلیقہ برنا رئیس تکرانچی خانہ خانیقین نفر فرانس و غلام چہار نفر

ملا پرتو شش نفر صاحب منصبان دو نفر

میرزا طاهر رئیس نفر منشی نفر (سایر چہار نفر) فرانس دو نفر غلام دو نفر

بروجرد دوازده نفر صاحب منصبان سہ نفر

الحسین خان رئیس تکرانچی و غیرہ (سایر نہ نفر) فرانس سہ نفر غلام شش نفر

عراق پنج نفر حبیب اللہ میرزا رئیس تکرانچی نفر

فرانس و غلام دو نفر

پشاپور ہفت نفر صاحب منصبان دو نفر

نہاوند پنج نفر حاجی محمد جان رئیس نفر تکرانچی نفر

خط خراسان

ابوان کبک و خوار و غیرہ دو نفر

ابوان کبک چہار نفر تکرانچی نفر فرانس و غلام سہ نفر

خوار چہار نفر تکرانچی نفر فرانس و غلام سہ نفر

حضرت عبدالعظیم میرزا رئیس باور و تکرانچی فرانس نفر

سمنان و دامغان دوازده نفر

سمنان شش نفر حاجی بابا خان رئیس تکرانچی

کرمانشاہان نہ نفر

میرزا محمد علی سرہنگ رئیس تکرانچی و منشی سہ نفر

شاهروردی و غیرہ سہ نفر

قصر و کرد و غیرہ ہفت نفر

تکرانچی و غیرہ دو نفر

ملا پرتو شش نفر

میرزا طاهر رئیس نفر

بروجرد دوازده نفر

الحسین خان رئیس تکرانچی و غیرہ

عراق پنج نفر

پشاپور ہفت نفر

نہاوند پنج نفر

حضرت عبدالعظیم میرزا رئیس باور و تکرانچی

خط کرمان

میرزا حسین باور و رئیس تکرانچی و منشی چہار نفر

غلام مكرم آباد و قلاع نوزده نفر فرانس چهار نفر

میرزا مهدی مشرف

ناپیان

رئیس نگرانی میرزا سید غلام چهار نفر فرانس

حد و علیخان سر نیب نفر محمد جعفر میرزا نفر نگرانی

فرانس چهار نفر غلام ششت نفر ننگی هفت نفر

شوشتر نیب نفر میرزا علی محمد باورد و اسامی اجراء مرکز کلاط و دار الخلافه

رئیس نفر نگرانی غلام دونفر فرانس نفر

مامورین میرزا و سکران

مبارک و بنادر صاحب زینب نفر علی میرزا خان سر هندی

محمد بن خان تاجار نفر

چاپرچیان

محمد هاشم خان چارچی باشی حسن خان نایب چارچی

ابراهیم خان ایضا غلام حسین ایضا

شاطران

برایست فضل الله خان شاطر باشی

کالسکه خان مبارک

برایست میرزا مالک

حاجی چراغ علی پیک کالسکه چارچی باشی ناپیان جز و هشت نفر

میرزا یعقوب مشرف کالسکه چارچیان یکصد و سی و نه نفر

اصطبلان خاصه

امیرا خود مود و قلیخان پشیمان محض و محض و همایون

اجزاء

میرزا رضا قلی مرشد دار حاجی میرزا و ناولد

میرزا دانش غلام چاپار بازده نفر فرانس سه نفر

جلفای ارس

وزیر اباد مسیحی رئیس فرانس یک نفر

میانجی

میرزا یوسف رئیس فرانس یک نفر

ارپیل

حاجی میرزا عبدالکریم رئیس فرانس یک نفر غلام دونفر

دلیان

میرزا غلام رئیس فرانس یک نفر

مراغه

میرزا قاسم رئیس فرانس یک نفر مامورینا بیک نفر

خوی

میرزا رضا رئیس فرانس و غلام دونفر

امروست

میرزا نیکولا رئیس غلام یک نفر فرانس یک نفر

اجزاء پستیخاندان زنجیان

میرزا ابو ترخان رئیس میرزا و فرانس دونفر

فرزین

میرزا محمد علی رئیس میرزا و فرانس دونفر غلام چاپار یک نفر

رشت

موسسواندناس مسیحی رئیس فرانس یک نفر

قصر

میرزا فضل الله رئیس فرانس یک نفر غلام چاپار دونفر

سلطان آباد

حاجی میرزا رئیس فرانس یک نفر

شیراز

نظر علی پیک رئیس میرزا و فرانس دونفر غلام چاپار دونفر

قاصد راه بو شهر و بزد شش نفر

اباد و شهران رئیس یک نفر

اصفهان

میرزا کریم مسیحی رئیس فرانس یک نفر غلام چوار نفر

کاشان

میرزا هاشم رئیس فرانس یک نفر غلام چاپار دونفر

کرمان

میرزا علی رضا رئیس فرانس یک نفر غلام دونفر

یزد

میرزا محمد علی رئیس فرانس یک نفر غلام چاپار چهار نفر

استرآباد

میرزا ادیب مسیحی رئیس فرانس یک نفر غلام یک نفر

ساری

علی مرغان پیک رئیس فرانس یک نفر

هدان

میرزا محمد علی رئیس میرزا و فرانس دونفر غلام شش نفر

ستدج

میرزا محمد علی رئیس فرانس یک نفر غلام دونفر

کرمانشاهان

میرزا علیخان رئیس فرانس یک نفر غلام دونفر

خانقین

میرزا



میرزا محسود رئیس فرانس بکفر

خراسان

حاجی ابوالقاسم رئیس فرانس بکفر غلام چا پارد و نفر

سبزوار

میرزا محمد علی رئیس فرانس بکفر

شام رود

میرزا مصراعه رئیس فرانس بکفر غلام چهار نفر

سمنان

حسین رئیس فرانس بکفر

بروجرد

میرزا عبدالغنی رئیس فرانس بکفر غلام بکفر

دولت آباد ملایر

اسدالله خان رئیس فرانس بکفر

جلفای اصفهان

میرزا یوسف مسیحی رئیس فرانس بکفر

جلس عزیمت بایا

جناب امین لشکر میرزا عبیدی وزیر حاجی میرزا مصراعه مستوفی

حاجی میرزا شیخ مستوفی امین حضور میرزا طاهر سررشته دار

باشایک فراتخوان میرزا محمد سررشته دار میرزا هاشم سررشته دار

ولایت حکام مالک ولایات مختلفه بجناب العالی

ولایات اصفهان بروجرد و بجناباری و کلیایکان و خوانسار

نواب اشرف والاشاهنشاهزاده فتح محمد ظل السلطان امام الله

افزالد العالی حکمران و صاحب اختیار کل ولایات مرثومه

پزشک امیرامیر خلیل خان نایب الحکومه

بروجرد و بجناباری میرزا زاده اسمعیل میرزا نایب الحکومه

کلیایکان از کاشان مخصوص نواب اشرف و معظم الله

خوانسار و بجناب کاشان مخصوص نواب اشرف و معظم الله

ملک فارس

نواب والاعتماد الدوله فراتفرمای ملک فارس

ایالت کرمان شاهان و کرمان

نواب الاحسام السلطنه والی و حکمران ایالت کرمان شاهان

و کرمان و سرحد عراقین

المیرزاده ابوالفتح میرزا نایب الا باله کرمان

ایالتین عربستان و لرستان

نواب الاحمده الدوله والی و حکمران ایالتین عربستان

و لرستان امیرزاده عبدالله میرزا نایب الا باله لرستان

همدان

جناب الطحانی الله فلیحان حکمران ولایت همدان

جوشقان بکون کاشان نواب والاعتماد الدوله

اسدآباد

حکومت خان باباخان سررشته دار میرزا سلیمان خان صاحب خبثا

عراق حکم الممالک حکمران عراق بکره

نظر حکومت نواب الاحسام السلطنه

حلات

حکومت کسان جناب محمد الملک وزیر مخصوص

کنکاور

حکومت محمد الله خان ساری اصلان

وزارت ادارات جلیله مختلفه بجناب شرف امجد شیرالدوله پیکر امیر اعظم

وزیر امور خارجه

وزارت جلیله جنگ

جناب اشرف مشیرالدوله سپهسالار اعظم رئیس کل مشون از نوچانه و قورخانه و زبورخانه و افواج قاهره و سوز

و پیاده نظام و خارج نظام

جناب وزیر لشکر میرزا موسی

میرزا عبدالحمید میرزا مهدی نوری حاجی میرزا اشرف میرزا

بوالقاسم میرزا اسدالله میرزا مهدی کجوری میرزا سید علی

میرزا محمد علی میرزا زمان

حاجی میرزا علی بنی مشیر لشکر میرزا محمد مستوفی نظام نصرالله خان

سررشته دار کخانه و ناظم صندوق نظام حسن فلیحان نایب امیر

باشی میرزا سید محمد علی سررشته دار

مستشار الدوله رئیس مجلس محاکمات عسکره میرزا یوسف

لشکر نویس میرزا عبدالرحمان غنچه میرزا مسعود خان نایب

اجودان باشی امیراب فخره فخر لشکر

میرزا احمد میرزا صادق

لشکر نویس بارک

جناب میرزا خیران امین لشکر میرزا مصطفی وکیل لشکر میرزا

شیخ میرزا یوسف میرزا اسمعیل میرزا محمد نوری میرزا علی ولد

مرحوم حکیم باشی میرزا نیکل میرزا محمد علی نوچانه میرزا بن

العابدین میرزا علی میرزا رفیع خان میرزا اشرف میرزا عبدالحمید

میرزا حبیب الله میرزا ابوالقاسم میرزا محمد نوری میرزا عبدالحمید خان

میرزا حبیب الله خان میرزا حسن میرزا محمد علی میرزا علی صفر

میرزا عبدالحمید میرزا مهدی نوری حاجی میرزا اشرف میرزا

بوالقاسم میرزا اسدالله میرزا مهدی کجوری میرزا سید علی

میرزا محمد علی میرزا زمان

سررشته دار از دفتر لشکر و غیره

میرزا ابوالقاسم میرزا حسن میرزا بنی میرزا حسین میرزا سید

محمد علی میرزا محمد علی آشتیانی میرزا امامقلی میرزا افغان میرزا احمد

میرزا هادی میرزا اسمعیل میرزا محمد علی نوری میرزا محمد علی

کرکانی میرزا ابونور میرزا زکی میرزا عبدالاکرم میرزا علی

میرزا بزرگ میرزا عتاب میرزا طاهر میرزا باقر میرزا حسن خان

میرزا احمد میرزا صادق

سررشته دار از دفتر بخانه و قورخانه

نویچانه و اصطبل

میرزا محمد علی اصفهانی میرزا علی اکبر سررشته دار اصطبل

میرزا نصرالله میرزا اسمعیل

قورخانه

میرزا اولی میرزا رضا میرزا اسدالله میرزا فضل الله

میرزا سید محمد علی میرزا افغان میرزا حسن میرزا اشرف

زینب کخانه

از بابت میرزا هادی برشته دار

مهاجر

از بابت میرزا الطغی سر برشته دار

مخزن

از بابت میرزا سپید حسین سر برشته دار

منشیان

میرزا محمد خان منشی باشی مخصوص میرزا محو خان منشی میرزا

کلیط میرزا محمد میرزا ابوالحسن حاجی میرزا عبدالکریم لشکر نویس

میرزا محمد خان میرزا سپید رضا میرزا عبدالرحمن میرزا داو

میرزا شعیب میرزا اسمعیل و زمام نویس میرزا هلاک علی

نویس میرزا سپید حسن خان

عزیم باشی و عزیمان دفتر لشکر

میرزا محمد علی عزیم باشی میرزا علی اکبر میرزا اسمعیل میرزا

اسمعیل ایضا میرزا جعفر میرزا حسن میرزا علی اصغر

مامورین و لایات

از بابت میرزا غلام علی

از بایجان

لشکر نویسین

میرزا احمد خان مؤید الملک لشکر نویس باشی میرزا غلام علی

ناظم لشکر میرزا محو خان مستوفی نظام میرزا سپید رضا

میرزا علی رضا حاجی میرزا یوسف میرزا علی اشرف میرزا

میرزا علی حاجی میرزا محسن میرزا احمد میرزا محمد میرزا احمد

سر برشته داران

میرزا عبدالعلی میرزا علی میرزا فرید علی میرزا محمد

خراسان

میرزا سپید محمد لشکر نویس باشی خراسان

سر برشته داران

میرزا یوسف سر برشته دار میرزا رضا ایضا

فارس

میرزا الطغی خان لشکر نویس باشی فارس میرزا مصطفی

لشکر نویس

اصفهان

میرزا محمد حسین لشکر نویس میرزا محمد سر برشته دار

عربستان

میرزا رضا لشکر نویس

عراق

از بابت میرزا افی لشکر نویس

مازندران

از بابت میرزا غلام حسین لشکر نویس

استرآباد

از بابت میرزا مفید لشکر نویس

کرمان

میرزا حسین لشکر نویس میرزا عبداله سر برشته دار

کرمانشاه

از بابت میرزا حسین علی لشکر نویس

همدان

از بابت

از بابت میرزا محمد لشکر نویس

تسطام

از بابت میرزا احمد سر برشته دار

اطباء و جراحان نظام

علیخان میرزا سپید رضی حکیم باشی عالیجناب میرزا سپید محمد

توخیان عالیجناب میرزا سپید علی باب حکیم باشی عالیجناب میرزا

محمد تکابنی ایضا عالیجناب میرزا رضا قلی جراح باشی

اطباء و جراح حاضر در کاب مامور و کابان شصت و پنج نفر

صاحب منصبان

امراء توپان

نواب جهاننور میرزا جناب ناصر الملک جناب وزیر

فوائد امیر الامراء العظام مصطفی خان امیر الامراء العظام

سلیمان خان صاحب اختیار عمدة الامراء العظام میرزا

حشمة الملک

سر نیاان اول

احسانم الدوله ناصر الدوله انوشیروان میرزا و جبرائیل

میرزا حاجی بهاء الدوله و خضر السلطنه عبداله میرزا

شهاب الدوله و اعضاد الملک حسام الدوله سهام

الدوله نصر الملک صائر الدوله ساری و صلان و کمال الله

مظفر الدوله اللهمپار خان اجود باشی اعظم السلطنه

ابن الالدوله محمد خان والی حاجی جابر خان نصر الملک

ساعدا الدوله شیخ السلطنه مصطفی قلیخان جهان پیکو

علیخان مشیر الوزاره حاجی میرزا صادق خان سیف السلطنه

مصفا الملک شیخ الملک میرزا یوسف خان مستشار

حسین خان افشار برادر سردار

صلان حسین قلیخان نور پیکو عبداله حسین خان ولد

مرحوم علیقلی خان اجود باشی میرزا فارس پسر حاجی

سر نیاان دویم

سوا اینها پیکو خرد افواج و سواره نوشنده

عالمشاه میرزا عبداله حسین خان ولد مرحوم میرزا امیر نظام

حاجی غلام حسین خان ولد مرحوم نظام الدوله اکبر خان بر بخت

جمشید خان حاجی زابحان

سر نیاان سیم

سوا اینها پیکو خرد افواج و سواره نوشنده

عبدالله میرزا نایب الدوله سلطان محمد میرزا دارا میرزا

سلیمان میرزا کامران میرزا حاجی یوسف خان حیدر قلیخان

ولد مرحوم آصف الدوله بهاء الملک حسین قلیخان فاجا

سر نیاان سواره خواجوند مهد بقلیخان دینلی حاجی

هادیخان محمد علیخان نظیر امام قلیخان ابوطالب خان

عطاء الله خان میرزا کریمخان میرزا علیخان افشار علیخان

کریم حیدر قلیخان مراد علیخان ایضا عبدالقادر

حسین قلیخان ایضا رضا خان میرزا رضا خان احمد

مهدیخان فاجار حاجی اسمعیل پاشا خان ماکوئی افغان

افشار سیف الله خان لاریجانی میرزا نصر الله خان

غلام حسین خان لاریجانی

سرهنگان خارج از فوج

حاجی محمد میرزا رحمة الله خان شقایق محو خان کروری

علیقلی خان جوانشیر جعفر خان فرج الله خان افغان

عبدالله افغان ماکونی عبدالله خان شير وانی کاظمی  
 شفا فی خدا و پیر دینان علیقلی خان سرھنک سابق فوج  
 سمنان احمد خان منسوب مرحوم سردار کل زین العابدین  
 خان برادر مرحوم ابودینا شتی عسکر خان شفا فی  
 اسدالله خان ماکونی افغان ولد مرحوم سلیمان خان امیر  
 کبلائی آفا سید میرزا کاظمی مرتضیٰ قلیخان سمنانی  
 حاجی اسدالله خان افشار بکشلو حاجی محمد حسن خان زند  
 حاجی محمد علیخان زند علی رضا خان ولد مرحوم مصفا الدین  
 محمد فی خان هشیرہ زادہ مرحوم سپہسالار میرزا نصرالله  
 محمد علیخان ولد مرحوم حاجی سعدالدولہ علی اکبر خان کرمانی  
 میرزا سید علی اصغر اسدالله خان ولد مرحوم حاجی سعید  
 الدولہ فتح الله خان فرارکوز مورثی قلم میرزا خان افغان  
 علی بنی خان کروسی علامہ رضا خان مافی فتحعلیخان درجونی  
 علی اکبر خان ہمدانی میرزا افغان کاشی ذوالفقار خان  
 کلید رضا خان ولد مرحوم امین نظام عبدالعلیخان ولد  
 محسن خان ولد مرحوم شیخعلیخان افغان خان ولد مرحوم قاسم  
 علی بنی خان فراباغی ابوالحسن خان افشار محمد حسن خان  
 ولد مرحوم امیرنومان حسینعلیخان ہراتی حسینخان  
 ولد مرحوم فضلعلیخان محموجان فومنی رضا خان ولد  
 مرحوم کریمخان کورد کردکریا شاہ خان ولد مرحوم مظفر الدین  
 حاجی علیخان دماوندی حسینعلیخان نوادہ مرحوم  
 فضلعلیخان سرنہیج خان فروری علی قلیخان کورہ محمد حسن خان  
 نوادہ مرحوم سردار موسیٰ خان نوادہ مستشار باباخاں  
 کریمی علیخان ولد حاجی ہادی خان بھائی بکلو عبدالعلیخان

نایبان اجودا بناشی وغیرہ

سرخان نایب اول اجودان باشی بوستخان پیر علیخان  
 جلال الدین میرزا علام حسینخان میرزا عبداللہ خان  
 احمد میرزا ولد کیفاد میرزا اکباز میرزا بوستخان حسنخان  
 افشار حیدر خان ولد مرحوم حاجی سعدالدولہ احمد  
 میرزا ولد امیر تیمور میرزا میرزا بزرگ خان ہادیخان زند  
 محمد علیخان ولد مرحوم امیر الامراء عبدالعلیخان ولد  
 علی اکبر خان میرزا مسعود خان ولد مرحوم سید الملک  
 رحمۃ اللہ خان ایضا فخران خان پشمون خان حسینخان  
 ولد مرحوم حاجی شتی حسینعلیخان برادر اللہ بہار خان  
 اجودا بناشی محمد آقا مصطفیٰ قلیخان ہمدانی اسدالله  
 دینی جبریلخان علامہ رضا خان زندخان عزیز اللہ میرزا  
 میرزا محمد علی اسدالله خان مصطفیٰ قلیخان ولد مرحوم  
 مصفا الدولہ سلطان مجید میرزا محمد حسینخان ولد  
 محمد خان امیرنومان سید حسنخان فرزند کوی سید  
 حسین خان ایضا مصطفیٰ خان ولد حاجی سلیمانخان  
 میرزا مسعود خان فرزند کوی سلطان احمد میرزا محمد رضا  
 خان فراباغی بوکخان افشار مہدیخان ولد مرحوم کوکچان  
 ہاشمخان فراباغی نجفعلیخان حیدر قلیخان عبدالعلیخان  
 محمد حسنخان علی خان پیر محمد خان اسکندر خان  
 رحمۃ اللہ خان حسنخان میرزا حسین خان علی پیک افغان  
 ہمدانی قاضی بنی محمود آقا اسمعیل خان نعمتخان صدیقخان  
 مصطفیٰ قلیخان علمدار خان رحمۃ اللہ خان محمد علیخان  
 محمد مراد خان حیدر قلیخان ہاشمخان حاجی حیدر اللہ خان

نایبان اجودا بناشی

امان اللہ خان

یاوران خارج از فوج

نہران پیک عبدالعلی پیک مرتضیٰ قلیخان حسین افغانی افغان  
 اسمعیل خان ولد مرحوم محمد خان امیرنومان عباسعلی پیک  
 علیخان ولد مرحوم شیخعلیخان احمد پیک حسین پیک  
 رضا قلیخان حسین پیک فراباغی حسین خان نیریزی  
 محسن پیک کریمی اسمعیل خان ماکونی اسمعیل خان پیر  
 سابق فوج ششم محمد خان نریدی محمد پیک فراباغی  
 عبدالعلی افغان ولد مرحوم بہاء الدین افغان میرزا محمد خان ولد  
 مرحوم عباسخان محمد بوستخان ولد ایضا محمد خان نو  
 نصر اللہ خان رحیمخان کورد حسینعلیخان غمسر  
 شکر اللہ خان عبدالغفار خان

معلین و مہند سبب و شریچین

مسپوہلہ سرنیپ اندونو صلیب مسپولر موکچا  
 باشی مسپو اسٹل مسپو مشن مسپو لسو مسپو لٹیل  
 طبالباشی

اپراندے

عبدالحسین میرزا محمد آقا حیدر اللہ اسلام کریمخان  
 حسن آقا میرزا عبدالوہاب معلم پیادہ نظام علیخان  
 فاجار محمد علیخان مصطفیٰ پیک اسدالله پیک میرزا  
 شکر اللہ میرزا محمد علی

مہند سبب

ذوالفقار خان احمد خان فاجار محمد حسن میرزا حاجی  
 محمد میرزا فقیر خان

منرجین

عبدعلیخان میرزا محمد علی محمد خان  
 نونچانہ مبارک  
 معتمد الملک رئیس نونچانہ مبارک

سر نیبان اول وغیرہ

اللہ پور دینان حاجی رجبعلیخان حاجی شہاب الملک  
 تیمور یا ستخان میرزا علی اکبر خان اجودا بناشی

نایبان اجودا بناشی

میرزا اسمعیل خان احمد خان میرزا ابراہیم خان  
 افواج

فوج

بہادران جمی اللہ پور دینان سر نیبان اول  
 فوج

دویم نیریزی جمی حاجی شکور خان سر نیپ

فوج

چہارم اردو نفی جمی نعمت اللہ خان سرھنک

فوج

ششم لک جمی میرزا فریح خان سرھنک

فوج

ہشتم خلخال جمی میرزا فتح اللہ خان سر نیپ

فوج

بہادران اول افشار جمی حاجی رجبعلی خان

**فوج**  
دوم حسنی لطف الله میرزا سرهنك

**فوج**  
چهارم افشار بكتلو جمعی بافرخان هنك

**فوج**  
ششم كرمی جمعی علی رضا خان سرهنك

**فوج**  
هشتم سیلاخورد و غیره جمعی در شتخان هنك

**فوج**  
اول بهار لو جمعی صفر علیخان سرنپ

**فوج**  
سپه دار و فوج جمعی فرج الله خان سرهنك

**فوج**  
پنجم خونی جمعی تقیخان سرنپ

**فوج**  
هفتم شقای جمعی جلیل خان سرنپ

**فوج**  
مخبران مقدم جمعی محمد صانحان امین نظام

**فوج**  
اول افشار جمعی محمد رضا خان سرنپ

**فوج**  
سپه فرزند و فرزند فرزند جمعی میرزا شفیع خان سرهنك

**فوج**  
پنجم هدائی و معاوندی جمعی میرزا ابراهیمخان سرهنك

**فوج**  
هفتم کرمانی و قبطای و شیرازی جمعی عبدالحمید خان

**فوج**  
مخبران شقای جمعی اصلا نغان سرنپ

**قورخانند مبارک**  
جهانگیر خان سرنپ اول و در کس قورخانه مبارک

**سرهنگات**  
محمد علیخان بافرخان میرزا عبدالله خان عبدالله خان  
عبد انا میرزا محسن

**یاوران**  
حاضر رکاب و آژده نفر  
عامور و کاپات بازده نفر

**زینور کخانند مبارک**  
نضالله خان سرنپ عبدالحمید خان سرهنك  
علی بیگ باور اسمعیل خان باور

**موزیکانچیان**  
ابو جمعی امیرزاده و جلاله میرزا سرنپ اول و خواله

**نظام**  
صاحب منصبان

شکر الله خان موزیکانچی باشی محمد حسن خان سرهنك  
نواده مرحوم سردار صفر علیخان باور و غلام حسین پلو پاؤ

**دستجات موزیکانچی**  
موزیکانچیان نوچانه مبارک

**دسته**  
موزیکانچیان زینور کخانه

**دسته**  
ارنگه ورود باری

**دسته**  
لورائی و شهرستانی

**دسته**  
انحصور و حضرت ولید

**دسته**  
اراضند

**دسته**  
اصفهان

**دسته**  
سیلاخوردی

**دسته**  
کرازی

**دسته**  
فوج اقبال

**دسته**  
سمنانی

**دسته**  
فوج خلج ساره

**فوج بهادران**  
شیخ السلطنه سرنپ اول ابراهیم خان سرهنك

**فوج اول خاصه**  
صام الدوله سرنپ اول حاجی محمد علیخان سرهنك

**فوج دوم خاصه**  
حاجی میرزا صادق خان سرنپ اول حسن خان سرهنك

**فوج دوم برضرت**  
دیحجان سرنپ احمد خان سرهنك

**فوج سپه مظفر مراغه**  
مظفر الدوله فرخ خان سرهنك

**فوج چهارم منبر نبره**  
افا خان سرنپ بافرخان سرهنك

**فوج پنجم ابلاش فرجادغی**  
علیق خان سرنپ رحیم دل خان سرهنك

**فوج ششم قراکوزلو**  
صام الملک سرنپ فضل الله سرهنك

**فوج هفتم افشار**  
جمعی اقبال الدوله اوردشیرخان سرنپ مهدیخان سرهنك

**فوج هشتم افشار**  
اقبال الدوله سرنپ اول لطفعلیخان سرهنك

**فوج مخبران شقای**  
صادم الدوله سرنپ اول رضاخان سرهنك

**تومانان روپه**  
فوج بهادران زینور کخانه

شهبان سرتپ ابوالحسن خان سرتك

فوج اول خمرخونی

محمدجعفر خان سرتپ علیخان سرتك

فوج دوم ششم اقبال

ابو اجمعی شجاع السلطنه سرتك پوسفخان

فوج سپه جدید راعنه

فاسفخان سرتپ فتح الله خان سرتك

فوج چهارم نخند قابی

ابو اجمعی حاجی پرمادخان سرتپ اول سرتك حبیخا

فوج پنجم شقای

ابو اجمعی صادم الدوله سرتك خلیلخان

فوج ششم شقای

محمد افای سرتپ مرضی قلی افای سرتك

فوج هفتم خلخالی

میرزا علیخان سرتپ علی خان سرتك

فوج مخبر از ماکوئی

بهلول پاشا خان سرتپ محمد پاشا خان سرتك

فوج اول کرسی

جناب زهر فواید خردخان سرتك

فوج سپه جدید افشار

جمعی شجاع السلطنه سرتك پوولخان

فوج چهارم جدید راعنه

سرتپ فضلخان

فوج پنجم امیرتپ

محمد افای سرتپ احمد افای سرتك

فوج ششم اکیل و سکن

سرتپ میرزا کچان سرتپ

فوج هفتم شقای

عبدالرزاق خان سرتپ حاجی فضلخان سرتك

فوج منصفه فر اوزلو

سرتپ حسام الملك علی اکبرخان سرتك

فوج مخبر از فر اوزلو

سرتپ احمدخان سرتپ

فوج چهارم

فوج بهادر از کرمان

ناصر الدوله سرتپ اول محمد طاهرخان سرتك

فوج اول جدید طهران

سرتپ و جبه الله میرزا سرتپ اول

فوج دوم خلیج قاهر

سیفا السلطنه سرتپ اول دوست محمدخان سرتك

فوج سوم بزچلو

جمعی محمدخان سرتپ

فوج پنجم سید انور

جمعی ناصر الدوله سرتك محمد حسن میرزا

فوج ششم سرتپ

سرتك

سرتك مصطفی خان

فوج هفتم سواد کوهی

جمعی امین السلطان

فوج مخبر از کزازی

مصفا الملك سرتپ اول ذوالفقارخان سرتك

فوج بهادر از خشمه سمنگ

جمعی و جبه الله میرزا سرتپ اول سرتك محمودخان

فوج دوم بهلا پری

سرتپ عسکرخان

فوج سوم لاریجانی

سرتك علی خان باباخان

فوج چهارم کمره

عبدالله میرزا سرتپ اول محمدی خان سرتك

فوج پنجم کلیا پکانی

سرتپ کاظمخان

فوج ششم قد چمنه

جمعی نصر الملك سرتپ مظفر الملك

فوج هفتم جدید چمنه

جمعی نصر الملك سرتپ علی قو خان

فوج مخبر از جلاد جنگ بیات نزدیک

ابو اجمعی و جبه الله میرزا سرتك محمد حسن خان

فوج ششم

فوج بهادر از خالص افشار

جمعی صاحب اختیار خان باباخان سرتپ علی خان سرتك

فوج اول قدیم قزاقی

جمعی نصر الملك سرتپ اول

فوج دوم جدید قزاقی

جمعی امینا سرتك مصطفی خان

فوج سوم افشار کبکشلو

اللهیارخان اجودا بناشی افغان سرتك

فوج چهارم فرزند

سرتك مصطفی فلجان سرتك

فوج ششم چهار محالی

سرتك ابوالقاسم خان

فوج هفتم عرب عجم

جان محمدخان سرتپ علیخان سرتك

فوج مخبر از قزاق کوهی

جمعی اسمعیل خان سرتپ

فوج بهادر از کزاقی

علی قو خان سرتپ محمد حسن خان سرتك

فوج اول خلیج قاهر

جمعی و جبه الله میرزا سرتپ حاجی ابو خان

فوج دوم بهلا پکانی

سرتك علی اکبرخان

فوج سوم سرتپ

سرتك عبدالحمید خان

فوج ششم خرفانی

جمعی که با خان اجودا بناشوی برهنکی علی محمد خان

فوج هفتم قدیم کرمانی

جمعی که با ملک سرتیپ اول نفعی خان سرهنک

فوج سیم شوکت کرمان

جمعی که با ملک برهنکی سلیمان خان

فوج نهم جدید کرمانی

جمعی که با سرتیپ اول ابراهیم خان

فوج مخبران در جزیره

جمعی که با سلطنت برهنکی خضر خان

قوم ان هشتم

فوج بهادران

کویان قلعه زنجیری برهنکی حسین خان

فوج اول کرند

برهنکی نصرالله خان

فوج سیم کلهر

سرتیپ محمد حسن خان

فوج چهارم زنکنه

جمعی که با ملک

فوج مخبران کرندستان

برهنکی محمد علیخان سرهنک

قوم ان نهم

فوج بهادران قراقرز

اعتماد السلطنه سرتیپ اول عبدالله خان سرهنک

فوج اول امرائی لرستان

سرتیپ بر خوردار خان سرتیپ

فوج چهارم برافروند

برهنکی اسدالله خان

فوج ششم سراسری

میرزا عبدالوفا جان سرتیپ نواب جلال الدوله سرهنک

فوج مخبران ترشیزی

مصطفی قلیخان سرتیپ اول مهدیخان سرهنک

قوم ان دهم

فوج بهادران قرانی

جمعی که با مصطفی قلیخان سرتیپ اول

فوج اول فانی

جمعی که با شاهزاده اسمعیل خان سرتیپ حاجی میرزا سرهنک

فوج دوم سمرقانی

جمعی که با

فوج سیم شکابنی

جمعی که با عبدالدوله سرتیپ اول و لیجان سرتیپ

فوج مخصوص حضرت نایب السلطنه

حاجی مجاهد الدوله سرتیپ محمدخان سرهنک

فوج مهندسین پاری

جمعی که با القفارخان سرهنک

قوم ان دهم

اندر باجانی

غلام نصر جمعی ساری اصلان

در سنه

دست

میرزا شاهان خان سرکرده

دست

میرزا عابدین خان ابضا

دست

علیق خان سرکرده

دست

حسین خان سرکرده

دست

ابراهیم آقا سرکرده

دست

اسکندر خان سرکرده

دست

سلیمان خان سرکرده

مهاجر ابوالحی علی عبدالقادر خان شجاع

عبدالقادر خان شجاع الملك حسن علی خان سرتیپ

حسن خان سرتیپ فیه اسمعیل خان سرتیپ محمد علی خان

اسکندر خان سرهنک علی محمد خان سرهنک حسن خان سرهنک

سواران

دست

افشار و سپه جمعی بافرخان سرهنک

دست

افشار صابنقله جمعی علی محمدخان سرکرده

دست

چاندولی جمعی نووز خان سرتیپ

دست

چلبیانلو جمعی محمود خان سرکرده

دست

فرسوران خلیج جمعی اسدالله خان سرکرده

دست

خونی جمعی امین پیک سرکرده

دست

شاه سون اردبیل و مشکین جمعی بافرخان سرکرده

دست

شفاقی جمعی علیخان سرکرده

دست

کلبری جمعی بافرخان سرکرده

دست

ماکونی جمعی نصرالله خان سرکرده

دست

مکری جمعی حاجی آقا پیک سرکرده

دست

مقدم جمعی محمد صادق خان سرکرده

دست

فراپایان جمعی نجیبخان سرتیپ

دست

حاجی علیو جمعی رستمخان

دست

حاجی علیو جمعی رستمخان

دست

حاجی علیو جمعی رستمخان

دست

حاجی علیو جمعی رستمخان

فراجہ داغی ابو جمعی علی بن علی خان امین اوزارہ

خراسانی

ارض اقدس

جماعت درہ جزینی

اللہ پارخان سرکردہ خان زادخان سرکردہ

جماعت بجنورک

جمعی یار محمد خان ایلخان

جماعت خوافی

جمعی لطفعلیخان سرکردہ

جماعت باخرزی

جمعی عبدالنبا پخان سرکردہ

جماعت بزرگ

جمعی فتح اللہ خان سرکردہ

جماعت مہائی

جمعی حاجی آزادخان سرکردہ

جماعت پشنکوه

جمعی سعادتعلیخان سرکردہ

جماعت حاجی لہر

جمعی نصر اللہ خان سرکردہ

جماعت خوردر اہمان

دستہ بار محمدخان دستہ چدرخان

جماعت اردلان

جمعی محمدخان سرکردہ

جماعت نیمورک

علی ارادخان مرعطاء اللہ خان بہر شکر اللہ خان کردہ

جماعت فوجیانی

جمعی امیر حسینخان شجاع الدولہ

جماعت مردوزانی

جمعی محمدجعفرخان

جماعت دزدابی

جمعی ملا علی عرب سرکردہ

جماعت سرجامی

جمعی حسینخان دستخان

جماعت چولابی و ہاشمک

جمعی سلیمان آقای سرکردہ

جماعت عنایت بادی

جمعی صید محمدخان سرکردہ

جماعت فراتی

جمعی محمدخان سرکردہ

جماعت فشار

جمعی رضی فلخان سرکردہ

جماعت سبزورک

حاجی فرامر زخان سرکردہ سعادتعلیخان سرکردہ

امان اللہ خان سرکردہ حاجی میرزا فضل اللہ سرکردہ

جماعت خوردر اہمان

سبزواری جمعی چدرخان سرکردہ

جماعت عرب

جمعی باباخان سرکردہ

جماعت مرو

جماعت مروی

علی ارادخان سرکردہ محمد شریفخان سرکردہ

حسنخان سرکردہ صید محمد پیک سرکردہ

جماعت لرستانی

جمعی آزادخان سرکردہ

جماعت سپستانی

جمعی کل محمدخان سرکردہ

جماعت نریشتری

جمعی محمد حسینخان سرکردہ

جماعت نیشابوری

باقرخان سرکردہ حاجی خانلر سرکردہ

جماعت جامی

جمعی علی رضا پیک فراولباشی

جماعت فابنی

جمعی علی اکبرخان سرکردہ

جماعت نیمورک

جمعی بن العابد بنخان

جماعت جمشیدک

جمعی اللہ پارخان و محمد امینخان سرکردہ

جماعت هزارک

پونخان مرزب اسمعیلخان سرکردہ بکفر

جماعت ہرک

میرزا مسعودخان سرکردہ محمد حسنخان سرکردہ

اسرا بادی

جماعت اشترابادی

جمعی علیخان ابو زبانی

جماعت نرینبی

جمعی آفراسیابخان سرکردہ

جماعت بسطامی

جمعی علی اکبرخان سرکردہ

مازندران

جماعت کرد و ترک

جمعی میرزا علیخان رئیس

خدا مرادخان سرکردہ فتح اللہ خان سرکردہ

سرکردہ علیخان ایضا ابوالہم خان ایضا

ذوالفقارخان ایضا ہاشمخان ایضا

حسنخان ایضا محمد حسینخان ایضا

جماعت خواجوند

و عبدالملک جمعی امین السلطان

علی اکبرخان سرکردہ فلخان ایضا حسنخان ایضا

عبدالعلیخان سرکردہ جعفر فلخان سرکردہ

جماعت شیخ کشتی

جمعی علی اکبرخان سرکردہ

عراون

جماعت نرینگر

جمعی ساری اصلان بیوزباشگری علیفلخان

جماعت شاہسون تبار

جمعی پونخان سرکردہ

جماعت نیشابوری

جماعت نجف ابره

جمعی سفید بارخان سرنیپ

جماعت عرب درشتا

جمعی مصطفی تلخان سرنیپ

جماعت افشار استراباد

جمعی محمد کرچان سرکرده

جماعت شاهسون

جمعی بوستخان سرکرده

جماعت خمسه

جمعی ذوالفقارخان سرنیپ

جماعت شاهسون اینانلو

جمعی عزیزالله خان سرنیپ بی بی حاجی لطف الله خان

جماعت شاهسون مجدک

جمعی فتحعلی خان سرنیپ

جماعت شاهسون دروین

جمعی و جلاله میرزا

محمد حسنین سرهنک غلامعلی خان ایضا غلام

خان سرکرده ولیدخان سرکرده بوستخان پاور

جماعت شاهسون

فورث بیگلو جمعی جغتایان سرنیپ اول

جماعت خرفانی

ابواب جمعی الله پاره خان اجودانباشی

جماعت پیرانوند

جمعی حسنین سرکرده

جماعت اصانلو

جمعی سفید الله خان سرکرده

جماعت چو لوی خوار

جمعی عزیز محمد خان سرکرده

جماعت افشار ساو جلاغ

جمعی حسن خان سرهنک

جماعت کرچی

جمعی نصرالله خان سرنیپ بنور کخانه کبرک محمد طاهرخان

جماعت هداوند

جمعی رحمان

جماعت شاهسون

جمعی نصرالله خان سرنیپ بنور کخانه

جماعت پلارت

جمعی نصر الملک بی بی محمد نظر خان

جماعت افشار بکشاو

جمعی اجودان باشی سرنیپ محمد کاظم خان

جماعت چکنی

جمعی نصر الملک سرهنک محمد صادق خان

جماعت احمدوند

و طهوی بی بی کرک کی حسینی خان

جماعت نانکی

کرمانشاهان جمعی خدامراد خان سرکرده

جماعت نانکی

شهر پاری جمعی حسینی تلخان سرکرده

جماعت کرچی

جمعی علیجان سرکرده

جماعت عرب

و ناصر جمعی محمد حسنین سرهنک

جماعت نجف ابره

جمعی اصلا تلخان سرکرده

پادلا

خراسانی کرمانی

دست خراسانی

از بابا بیگ پیمان جمعی حسینی خان سرهنک

دست کرمانی

جمعی محمد رحمان سرکرده

دست نجفات استراباد

دست قدر سکی

جمعی میرزا علی بنقی خان سرنیپ

دست کتول

جمعی علی محمد خان سرکرده

دست مفصی لولو

جمعی عبدالصمد خان سرکرده

دست ابرار درشتا

جمعی فتحعلی خان

دست پادشاهکوهی

جمعی اقا عبدالرحمن سرکرده

دست پادشاهکوه

جمعی محمد تلخان سرکرده

دست سلسن سرناتی

جمعی محمد تلخان سرکرده

دست انزلی

جمعی محمد علیجان

دست مسکن

جمعی محمد فاسیحان سرکرده

دست ساو

جمعی جعفر تلخان و افشاری سرکرده

دست لولوی

و سپهر جمعی اسدالله خان سرکرده

دست بلوچ

جمعی میرزا باباپیک و علی اکبر پیک سرکرده

دست نجفات کیلان

دست اسالی

جمعی نصر بن الله خان بی بی کرک کی الله پاره خان

دست طالش

و طولانی جمعی جعفر تلخان

دست باستانی

جمعی جواد خان سرکرده

دست اندر مینی

جمعی امان الله خان سرکرده

دست پالانی

جمعی میرزا بوستخان سرکرده



دستار شرفی

جمعی نغشاه خان سرکرده

دستار تازی

جمعی جبار تلخان سرکرده

م ازند تازی

دو جانکه

ابراهیم خان سر تپ دو دانکه لطف علی خان سرهنگ  
مخفلی خان سرهنگ حبیب الله خان سرکرده

اشرف نوابی

میرزا محمد خان سرهنگ عباس قلی خان  
علی اکبر خان سرکرده مهد پخان سرکرده

عربستانی

جمعی شیخ عیسی خان سرهنگ  
ولد نصره  
الملك

نشین حاضر در کاب

از پیاده نظام و سواره نظام و نوچانه و غیره بکصد

و پنجاه هزار نفر

فخرا

پنجاه هزار

نفر

وزارت جلیل الامور خارجه

جناب اشرفنا محمد سیسکار اعظم و وزیر امور خارجه

اجزاء وزارت خارجه و سفراء

ملک وزیر در کاب

دفت مخصوص جناب اشرف

محمد عثمان ضیع الدوله مقدم استقراء محمد ابراهیم

بیایع نکار میرزا نصر الله خان نایب اول وزارت خارجه

میرزا احتشام سر تپ کاشی اسرار و منشی مخصوص میرزا

عمو خان منشی مخصوص میرزا رضای منشی مخصوص میرزا  
رجوع کلا اجزاء و جناب اشرف است محمد ظاهر میرزا نایب

وزارت

وزارت خارجه میرزا سلیمان خان نایب وزارت خارجه  
مخفلی خان سر مرحوم حاجی محمد باقر خان پیکر پیکر حاجی  
خان منشی که ماورد بود و اتقان خراسان است میرزا عبد منشی

الو هاجان نایب اول وزارت خارجه حاجی میرزا علی اکبر خان

نایب وزارت خارجه میرزا شکر الله نامر نکار میرزا عبد الله

خوشنویس میرزا محمد علیخان منشی میرزا عبد الله خان داروغه

دفتر میرزا نصر الله منشی نایب میرزا محمد حسین سر ششدار

وزارت خارجه میرزا علی غزالی نایب وزارت خارجه

نظاره منشی میرزا احمد

اداره نو شجاعت در سفارت روسیه

دار الخلافه

میرزا عبدالله خان مدیر میرزا محمد تلخان معاون میرزا

انام منشی میرزا صادق سر ششدار میرزا محمد حسین سر مرحوم

مخفلی خان میرزا علی منشی میرزا جبار

مخبر است احمد سفارت عثمانی

حاجی میرزا سید رضی مدیر میرزا امیر محمد میرزا عبد الله

محرر میرزا عبد المطلب

اداره نو شجاعت در سفارت انگلیس

میرزا ابوطالب مدیر میرزا نجم منشی شیرازی میرزا حسین

خان سر مرحوم میرزا شفیع خان که ماورد بود و علی بن

نمان است میرزا مخفلی محمد

نوشجاعت احمد سفارت اطیش و فرانسه

میرزا احتشام نایب وزارت خارجه مدیر حاجی میرزا احتشام

مهندس اسفندخان مهندس میرزا آقاسی خان سرهنگ و مهندس  
میرزا احسن نقاش

**اطباء**

میرزا ابوالقاسم حکیمباشی میرزا عبدالوهاب طبیب میرزا  
عبدالله طبیب مستویکنز

**طبقات صاحبمنصبان**

طبیب اول

حاجی میرزا زمان خان اسمعیل خان فاجار نواده آصف اللؤلؤ  
مرحوم نایبالحکومت کرمان میرزا بنیرنگ خان سرتیپ اول مامور مجلس  
مذاکره خالصه جرات میرزا خاندان خان عبدالاحسین خیرالاجودان  
حاجی محضی اقا میرزا ابوالقاسم خان میرزا غلامحسین عیاقلی  
کارپرداز سابق شام (طبیب دوم)

میرزا معصوم خان سرتیپ اللهیار خان اجودان علیخان پسر ملک  
الشعراء زکیخان احمد علیخان مرهنگ محمد حسن غلام بشیر  
میرزا ابوالقاسم منشی نیری میرزا محمود خان میرزا احسن خاوری  
میرزا محمود خان (نور محمد خان رئیس سفیرباشان و زارخان)  
ولشکر حاجی شاه محمدخان حاجی محمدخان محمود ارا اسمعیل  
خان داراب پیک جواد پیک

**سفرها مامورین خارجیه**

سفرخانان اسلامبول و سایر جاها  
سفرخانان اسلامبول

حاجی حاجی حسن خان معین الملک پلای کبیر میرزا اجودخان مریم خان  
احمد افان مریم میرزا افا منشی حاجی میرزا محضی مریم ترکه  
چورجکی آقندی زجهان بخاروت دکتر پاماد و کاحکم سفار  
حاجی اقا پیک زجهان خطیب بو سف پیک زجهان پسر مرحوم

**بغداد**

میرزا محمد علیخان معین الوزراء کارپرداز بغداد میرزا طاهر  
نایب میرزا آقندی کابینترک میرزا حسن منشی میرزا احمد منشی

**اماکن مشرفه**

**کر بلائی معالی**

حاجی میرزا ابوالقاسم نایب میرزا اسمعیل زجهان میرزا علی  
کابینترک دیوانه نایب شریف

**بخفا شرف**

**کاظمین**

**سامرا**

میرزا ابوبکر پیک نایب  
میرزا بابا نایب  
مشهدی کاظم امین السعراء وکیل کارپرداز خان بغداد  
مینی و بوشهر و اصفهان و کچلان

**کارپردازان مصر و غیره**

میرزا احمد کارپرداز ریضا آقندی نایب بقو و آقندی و غیره

**ارمنستان الرقمر**

میرزا علی اکبرخان کارپرداز میرزا احمد حسین نایب منشی

**طرابزان**

میرزا محمود خان کارپرداز علی پیک مریم

**شام**

حاجی محمد صادق خان کارپرداز

**عراق عرب**

مسب احمد پیک عماره ابوطالب پیک حائقی محمد اسمعیل پیک  
منک لاج محمد حسن پیک سموات حسین پیک فرزند باط و شهر

**سفارتخانان پارسی**

بشیرخان پیک بقو و پیرخان بصره حاجی ولد رضا حاجی  
عباسعلی سلیمان حسن آقندی کرکوک اسکند پیک فخر  
حسن خان

**سایر ولایات و ولت عثمانی**

از میر محمدخان فونسل حلب میرزا شکرالله فونسل جده میرزا  
رضی فونسلو بینا المقدس میرزا هادی اظا کبر موسی پیک

**کارپردازان خانان نقلیس**

میرزا محمدخان کارپرداز اول میرزا مصطفی نایب میرزا  
قلیب حاجی الله و پیک طرابلس شام جرجیس آقندی سوسیس  
نقار پیر اسکندرون خواجه جبار و ساسا احمد افان عده احمد

**کارپردازان خانان حاجی طرخان**

میرزا احمدخان سرتیپ کارپرداز میرزا موسی منشی مریم فر  
افا سید علی صامسوم محمد افان حاجی حید پیک بالکبه  
میرزا علی اکبرخان فونسل بطرفه  
حاجی علی

**دولت انگلیس**

**سفارتخانان لندن**

جانب میرزا ملکوخان ناظم الملک وزیر مختار میرزا صیقا پیکل خان  
میرزا علی نایب منشی متر لاج خیرال فونسل

**کارپردازان خانان بمبئی**

میرزا فضل الله خان کارپرداز اول میرزا سید علی منشی  
مریم انگلیسی

**دولت روس**

**سفارتخانان بطرنبورغ**

ساعدا الملک وزیر مختار میرزا اسفندخان شاد و طغر سپهر

علیق منشی حکیم فاده مریم

نظرافا وزیر مختار میرزا احمدخان نایب منشی دکتر بیار

مسبوانه ام خیرال فونسلو منسوبه مرال وکیل کارپرداز

مسبوانه ام کارپرداز در بر و مسبو و پل موشه مر اسپل

مسبوانه ام کارپرداز در شهر روان

**سفارتخانان عسره**

میرزا محمدخان وزیر مختار میرزا حسن فونسلو

**کارپردازان خانان نقلیس**

میرزا محمدخان کارپرداز اول میرزا مصطفی نایب میرزا  
مقصوم مریم

**کارپردازان خانان حاجی طرخان**

میرزا احمدخان سرتیپ کارپرداز میرزا موسی منشی مریم فر  
میرزا علی اکبرخان فونسل بطرفه

**بلجیک**

مسبوانه ام خیرال فونسلو در بر سپل مسبوکل کرمان  
کارپرداز در شهر لیم مسبو سفنداه کارپرداز در شهر

**مامورین داخله**

**نبره**

جانب میرزا عبدالرحیمخان ساعدا الملک حاجی میرزا  
نایب فلخان سرتیپ هماندار سفرا عیاقلیخان امین الوزک

وکیل امنای مذکره آذربایجان میرزا محمد حسین منشی آ  
مذکره خان مامور منشی اول میرزا حسنخان مرهنگ

نایب کارکناری حاج میرزا باقر نایب میرزا محمد منشی میرزا  
مهدی منشی میرزا محمد علی منشی ساطور خان منیر میرزا پیر محمد

منیر میرزا پیر محمد منشی و ناصر و بهرودار و میرزا سلیمان  
دردی نایب کارکنار امامور پیرخان شیرزاد

کرهانشاهان

میرزا هادی خان کارکنار میرزا فخری خان نایب

کرهستان

میرزا علیخان کارکنار میرزا محمدخان نایب میرزا احمدخان منشی

کیلان

مشیرالوزار علیخان سرزید کارکنار میرزا حبیب الله امین  
نذکره میرزا عبدالرسول نایب

استراباد

میرزا جوادخان کارکنار حاج میرزا طاهر نایب و منشی میرزا  
علینقی و قایم نگار بندر جو

مانرندران

میرزا مهدی خان کارکنار میرزا کاظم امین نذکره مشهور

فارس

حاج میرزا صادق خان کارکنار میرزا محمدخان نایب

بندرعباس

حاج میرزا عبدالله خان کارکنار

بوشهر

میرزا خان کارکنار

اصفهان

محمدجعفرخان کارکنار امیرعلیخان نایب

کاشان

میرزا فرخ الله خان

یزد و کرمان

ملا کبیر و سرپرست دروشنی

سفرای اول صاحبزاده صاحب منصبان مقیمین

در بلبلرهاب و سایر

سفارت دولت عثمانی

در طهران

جناب خرمی پیک اقلدی سفیر کبری سدا پیک نایب اول  
فواد پیک آتش پیر میرزا حسنخان منشی اول حلی پیک

آتش کمال اقلدی آتش مسیو منیر آتش سفارت کبری  
و امامور محبت

سایر ولایات

شیراز

علی پیک اقلدی باش شهید میرزا حاجی آقا منشی

کرهانشاهان

احمد رضا اقلدی شهید

بوشهر

خالد اقلدی شهید

شیراز

حاجی سپید ابراهیم وکیل شهید

خوی

میرزا اقلدی شهید

ارومیه

منصور آقا وکیل شهید

ساوجبلاغ و غیره

عبدللاجیل آقا وکیل شهید

همدان

حاجی محمد سعید وکیل شهید

کرهستان

آقا سعید جابر وکیل شهید

اصفهان

حاجی محمد صالح وکیل شهید

سفارتان کلیس

در طهران

جناب وزیر مختار و لیم طیار صاحب دانتلاطام و صاحب  
مشترک سفارت شارژاد فر و لیم دکن صاحب اول  
مگر صاحب نایب و لیم منیر پیرد منسول بر حوزت  
و لیم حکیم سفارت محمد حسنخان منشی اول میرزا جان

میرزا سعید محمد منشی میرزا شیخ منشی

سایر ولایات

شیراز

آب و حاجی جمال فونسول میرزا علی اکبرخان منشی  
مرشد

چوچله صاحب فونسول میرزا نصر الله منشی  
اصفهان

عسرا آقا نور وکیل الخار  
شیراز

میرزا حسینعلی خان

خراسان

میرزا عبدالحق خان

کرهانشاهان

آقا حسن

همدان

آقا سعید حسین

استراباد

محمد آقا

سفارت فرانسه

در طهران

جناب وزیر مختار و لیم طیار صاحب دانتلاطام و صاحب  
مشترک سفارت شارژاد فر و لیم دکن صاحب اول  
مگر صاحب نایب و لیم منیر پیرد منسول بر حوزت  
و لیم حکیم سفارت محمد حسنخان منشی اول میرزا جان

میرزا سعید محمد منشی میرزا شیخ منشی

سفارت روس

در طهران

جناب دشتو پیک اسطاطیک ساو دینیک مسیو زینا و  
ایچی مخصوص وزیر مختار نادورنی ساو دینیک سیمانو و  
نایب اول کالتریک اما سرور مسیو عمر قهر و لیم منیر اول  
نادورنی ساو دینیک مسیو پیرد نایب و لیم کالتریک  
سکر مسیو فیلینوف منیر دویم مسیو پاخطونوف نایب  
دویم کالتریک ساو دینیک مسیو کوز منسک حکیم باشی

میرزا سعید محمد منشی میرزا شیخ منشی

سکر مسیو فیلینوف منیر دویم مسیو پاخطونوف نایب  
دویم کالتریک ساو دینیک مسیو کوز منسک حکیم باشی

سایر ادارات در یاد ولایت که در آنجا آنها مختصراً در ادارات مخصوصاً مسوولان و...

### وزارت علوم و معارف و غیره

نواب الاعضاء السلطنة و زبیر علوم و معادن و غیره

#### اجزاء وزارت علوم

مسوول روسی سر تپت معلم شاکر دهای خارج و داخل مدرسه  
جعفر فلجان سر تپت اول و در تیس مدرسه مبارکه در...  
نایب وزارت علوم میرزا اسدالله خان نایب وزارت علوم  
میرزا محمد علیخان منشی مامی وزارت علوم میرزا محمد حسین  
رئیس کتاب میرزا اسدالله خان محاسب میرزا اسماعیل منشی

میرزا اسدالله خان نایب وزارت علوم  
میرزا محمد حسین منشی مامی وزارت علوم  
میرزا اسدالله خان محاسب میرزا اسماعیل منشی

#### خلفاء

میرزا جعفر خان خلیفه نقاشی میرزا حسین خلیفه ایضاً

سایر خلفا ندر

#### شاکر دهای

محمد حسینخان سر تپت ناظم مدرسه محمد تقی میرزا سر تپت  
اجودان مدرسه محمد ابراهیم خان سر تپت و خولیدار تپت

#### اجزاء مدرسه مبارکه دارالفنون

محمد حسینخان سر تپت ناظم مدرسه محمد تقی میرزا سر تپت  
اجودان مدرسه محمد ابراهیم خان سر تپت و خولیدار تپت

#### اجزاء مجلس کسب و حفظ صحت

میرزا اسمعیل سر تپت دار میرزا جعفر خان ناظم مدرسه  
اسدالله خان کتابدار میرزا علی نو سید کا در خانه میرزا

میرزا اسمعیل سر تپت دار میرزا جعفر خان ناظم مدرسه  
اسدالله خان کتابدار میرزا علی نو سید کا در خانه میرزا

#### اطبای ایرانی

میرزا کاظم ملکا اطباء میرزا اسدالله رضی حکیمباشی نظام  
میرزا ابوالقاسم معلم طب ایرانی مدرسه میرزا علی دکتر معلم  
علم طب فرنگی مدرسه میرزا زین العابدین کاشانی طبیب

میرزا کاظم ملکا اطباء میرزا اسدالله رضی حکیمباشی نظام  
میرزا ابوالقاسم معلم طب ایرانی مدرسه میرزا علی دکتر معلم  
علم طب فرنگی مدرسه میرزا زین العابدین کاشانی طبیب

#### معلمین و غیره

میرزا ابوالقاسم معلم طب ایرانی مدرسه میرزا علی دکتر معلم  
علم طب فرنگی مدرسه میرزا زین العابدین کاشانی طبیب

میرزا ابوالقاسم معلم طب ایرانی مدرسه میرزا علی دکتر معلم  
علم طب فرنگی مدرسه میرزا زین العابدین کاشانی طبیب

#### میرزا ابوالحسن

میرزا ابوالحسن معلم طب ایرانی مدرسه میرزا علی دکتر معلم  
علم طب فرنگی مدرسه میرزا زین العابدین کاشانی طبیب

میرزا ابوالحسن معلم طب ایرانی مدرسه میرزا علی دکتر معلم  
علم طب فرنگی مدرسه میرزا زین العابدین کاشانی طبیب

#### اطبای فرنگی

دکتر طولوزان طبیب مخصوص حضور هماپون ضعی صاحب  
طبیب سفارت ولایت علی عثمان حکیم دکسون طبیب سفارت  
میرزا رضاخان معروف مسوول رشتا سر تپت معلم زبان فرانسه دولت

دکتر طولوزان طبیب مخصوص حضور هماپون ضعی صاحب  
طبیب سفارت ولایت علی عثمان حکیم دکسون طبیب سفارت  
میرزا رضاخان معروف مسوول رشتا سر تپت معلم زبان فرانسه دولت

#### فرنگی

سفرخانان استریت و مجارستان در طهران

کنت زانوئسکی وزیر مختار و ایلی مخصوص یادرون فویدل نایب

سفارت میرزا محمد حسین منشی سفارت

#### صاحب منصبان

کولونل شوئوسکی رئیس صاحب منصبان استریتخان سر تپت اول  
و مترجم ماز و عبارات استاد وایح کاپلن مترجم پیاده نظام کاپلن  
استاد نیک پیاده نظام داکتر کاپلن فوجخانه هول کاپلن و غیره

لوتنانت بارون لیتز مهندس لوتنانت سلک پیاده نظام  
لوتنانت پکوسکی پیاده نظام لوتنانت خاک مجران  
لوتنانت شوو پیاده و اجودان کولونل لوتنانت کپاؤز

موزیکچی لوتنانت ناخا مامور

فورخانه

#### ممالک و ایالتها

میرزا ابوالقاسم معلم طب ایرانی مدرسه میرزا علی دکتر معلم  
علم طب فرنگی مدرسه میرزا زین العابدین کاشانی طبیب

#### خراسان و سیستان

نواب لاکرک الدوله فرمانفرمای مملکت خراسان و سیستان  
جناب مؤمن الملک میرزا سعیدخان متولیباشی بوضه مطهره

حضرت رضو علیه السلام حاجی مستشار الملک مشهور و بیجا

#### مملکت خراسان

نواب جهاننوی میرزا امیرنومان حکمران و صاحب اختیار سناریا  
و کرکان و غیره فرقی نواب الاعضاء الدوله حکمران دار  
السلطنة فرقی کرکان و کرکان و کرکان و کرکان و کرکان

میرزا رضاخان معروف مسوول رشتا سر تپت معلم زبان فرانسه دولت

## سایر ایالات

کالترسکی ساوونیک مسوول بلجنال فوسول و کولونل شوئوسکی  
مسوول لیتز منشی نایب کالترسکی سکر مسوول کالترسکی  
میرزا عبدالکبیر منشی میرزا علی اشرفخان منشی

#### مراث

ماد و منف سوتنیک مسوول نورد فوسول کالترسکی سکر مسوول  
کالترسکی نایب و مترجم میرزا عبدالوهاب منشی

#### استرآباد

میونیا فی الدین نایب کورنیک سکر نر اشچاکو نو فضا  
ممالک و ایالتها و سایر ایالتها

#### مملکت آذربایجان

مملکت آذربایجان و سیستان استرآباد و کرکان  
و کرکان فرقی خسته معنان و دامغان شاه و در بیظام

#### افریقیان

گروس خرفانین اموسر حله و ندره هود و سوسی و کبری  
فرمانفرمایان و حکمرانان ممالک و ایالتها

#### مملکت خراسان

مملکت خراسان استرآباد و کرکان و کرکان و کرکان  
و کرکان و کرکان و کرکان و کرکان و کرکان

تاریخ و سوابق و اسامی و...

هیته دوسر حکیم بیکر طیب سفارت دولت بهیله انکلیس حکیم بیکر  
اجزای مجلس نالیف کتاب رجال  
اجزای ریختخانه

میرزا علی اکبر خان ملکباشی رئیس ریختخانه میرزا علیخان طیب  
میرزا مصطفی حسن خان طیب میرزا ابوالقاسم طیب میرزا  
نصیر و اساز میرزا محمد طیب میرزا علی اکبر طیب میرزا حسین  
طیب مؤذن و پیشتران بیکر مباشرت و نفر فرآش و علاج

اجزای وزارت معارف  
ممنشی حاجی علی اکبر امین معادن میرزا عبدالکریم سررشته دار و  
ممنشی حاجی علی اصغر مباشرت حاجی میرزا عبدالکریم  
مامور خراسان شیخ عباس معذبحی

اجزای مدرسه دولتی تبریز  
میرزا عباس شریف رئیس مدرسه آقاخان ناظم و معلم  
مدرس زبان فرانسه محمدجعفر خان معلم علم طیب محمد میرزا  
علم هندسه عفار خان معلم پایه نظام محمدفقی خان معلم  
نویسنده میرزا محمدرضا خان سررشته دار میرزا عباس سفلی ناظر  
معلم فارسی بیکر و فرآش چهار نفر علیخان و دو نفر

معلمین داخل و خارج چهل نفر  
حکومت طارمر  
خدا داد خان سرهنگ حاکم طارمر

وزارت میرزا اعظم  
جناب علاءالدوله وزیر دربار اعظم

میرزا احمد سررشته دار وزارت محکوم دربار  
کشتیکخانه مبارک  
عبدالله خان فولر افا سی باشی و لیا لشکر مباشرت محاسب

کشتیکخانه ولشکر نویس میرزا رضا سررشته دار میرزا محمد علی  
پوزر باشیان از حاضر و کاب و غیره

محمد حسن خان رستمخان عباس فلچان عبدالله خان جلد  
فلچان کلبعلچان محمد حسنخان هاشمخان محمد قلچان  
عزتالله خان حاندرخان طهاسیفلچان مامور از دربار

تمام باشی میرزا علی اکبر مشرف نایبان  
سرای حمارخانه مبارک

محمدابراهیمخان سرای دارباشی نایبان سرای دارخانه مشرف  
غلامان مهذب  
برایست میرزا احمد خان پیشخدمت مخصوص

پوزر باشیان و غلامان  
اشاد زین العابدین طباطبائی آقا محمد باقر خولیدار

جهان شامخان  
نسخخانه مبارک  
محمد حسنخان نسخچی باشی

نایبان  
عباسخان فاجار هادرجان فاجار گوسفندان محمد زمان  
خان فاجار میرزا انای نیریزی خان باباخان ابوالقاسم

فاجار میرزا حسین مشرف محمد رضاخان فاجار میرزا  
محمود علی اصغر بیک

اداره جناب السلطان  
رہاسته عهده مبارکه

اجزای خزانه عامه  
میرزا فضل الله سررشته دار میرزا هاشمخان سررشته دار

آقا صدیق خولیدار کل پوسنخان خولیدار کل حاجی  
باباخان محمد صراف آقا علی غریب دو نفر

اجزاء ریختخانه مبارک که جدید است  
ایزانی

محمد علیخان ناظم میرزا اولی سررشته دار آقا محمد حسن  
مسبومارطل که سرسکه ملباز دستون سیر که بر چهار اسوا

اداره شرفخانه و فاطره خانہ باری و کلان  
و تخت خانہ مبارک مہاراجہ

افعالی اصغر صاحب کل کا تختخان فاطر چاشی میرزا  
علی محمد شرف فاطر خانہ میرزا علی بنی شرف شرف خانہ  
رمضان پیک ناپیک کل شرفخانہ کلان دستخان تخت  
میرزا محمد علی شرف تخت خانہ جوادی پیک و رضا علی پیک  
ناہیان کل شرفخانہ باری

**ابدار خانہ و سفا خانہ مبارک**

افعالی ابدار باشی آقا بوسلف باشی آقا حسین علی ابدار  
افعالی ابدار میرزا ابوالقاسم ابدار حاجی حسن ابدار  
سقا و ساہر علیہ پچاہ نفر  
فوج سوار کوه فرا و مخصوص مہاراجہ  
نصرت خان باوند اول علی راہ پیک باورد دوم میرزا

اسمعیل شرف  
ابدان دار الخلافہ از عرب و غیرہ سپردہ  
آقا علی اصغر صاحب جمع  
عرب

مہتمم سمنانی سالاری عامری علی دوست  
کلکو پست مشہدی کرمان  
ساہر ابدان  
امانلو ہندواند فراچوردلو الکان نقاش اوربا  
نفر کاربان

حکومت و کاپان بلوک  
زاہر مقدسہ حضرت عبدالمعظم

**خدا مر اسنانہ مبارک**

حاجی سیدنا فایزک سولباشی میرزا سیدنا ابوالکلام  
میرزا محمد اسمعیل ہمدان میرزا محمد ناظر آقا حاجی سید علی  
میرزا شہابی حاجی میرزا عبدالکریم صدر الحفاظ آقا سید  
حاجی آقا نایب ناظر آقا میرزا بزرگ خادم ضریحہ طہر  
آقا شیخ احمد واعظ اسنانہ مبارکہ میرزا حبیب اللہ کلان  
سرکشیک شرف ساہر خدام یکصد و نوزدہ نفر

**حسین علیخان نایب الحکومت زاہر مقدسہ**

مخوار محمد جعفر خان نایب الحکومت  
مخبر کش صف علی سیدنا نایب الحکومت  
بلوک لشکر نشاء و غیرہ کلان سپردہ سول علی اکبر خان شرف  
سوار کوه میرزا محمدان نایب الحکومت  
آہار غلام دیوانی

مباشر عا فابوسلف سفا باشی میرزا حسن شرف بابا اکبر  
مخولدا غلام ساہر اجراء دہ نفر

**ادارہ سوارہ و ابا خواجہ دند**

سہنگ کلوارہ میرزا علی اکبر خان ابدان حاجی محمد اسمعیل  
سرکردہ چہار نفر محمد علیخان (نعت اللہ خان)  
فتح اللہ خان باورد و قراچان عیسوی خان (مشرقی و تفر)  
میرزا اسد اللہ میرزا شکر اللہ (سوارہ چہار صد نفر)

**سوارہ اور سانلو**

سید اللہ خان سرکردہ علی خان باورد میرزا حسن شرف  
(سوارہ دو پست نفر)

**سوارہ قراچوردلو**

عزیز محمد خان سرکردہ فتح اللہ خان باورد میرزا اسد اللہ شرف  
سوارہ یکصد نفر

**سوارہ ہندواند**

رجحان سرکردہ رجحان باورد میرزا ابوالقاسم شرف  
سوارہ یکصد و پچاہ نفر

ادارہ دار الصباغہ مبارکہ و فرزند ماجات سولونی و ساہر پاسہ خانہ ہما اولیٰ شرف  
ہر پاسہ صنایع الدولہ شرف مخصوص حضور مہاراجہ

**ادارہ روزنامہ ایران**

میرزا سید حسن مشور و روزنامہ و دار الطباعت میرزا محمد حسین ادیب ملقب فروری منشی و سید روزنامہ ایران  
میرزا علی محمد ناظم ادارہ روزنامہ میرزا ابوالقاسم منشی میرزا عبدالرحیم محرر میرزا عباس نقاش ہاستاد  
مخصوص مباشرت ہما خانہ مبارکہ و غیرہ میرزا سید ولی میرزا عرف فرنگی و ابدان ساہر محمد بن و فرزند  
سہ نفر عملہ طبع دہ نفر فراسنان ہشت نفر پوز باشی نفر ساہر عفت نفر

**مترجمین دار الطباعت**

میرزا محمد حسین ادیب ملقب فروری منشی و سید روزنامہ  
میرزا علی محمد ناظم ادارہ روزنامہ ایران  
میرزا علی محمد ناظم ادارہ روزنامہ ایران  
میرزا علی کاتب روزنامہ علی میرزا طاہر کاتب روزنامہ

**ادارہ روزنامہ مترجم و علی**

میرزا سید حسن مشور و مباشرت روزنامہ مترجم و علی فراسنان و حصلا اجناد و نفر اول و فراسنان روزنامہ  
باسہ خانہ ہما اولیٰ شرف و ساہر عباس نقاش سرنیت و نیت لکرائی

میرزا شکر اور و انبیا  
حاجی مصطفیٰ علیخان میر شکار حبیب اللہ خان  
ساہر انبیا معروف  
نہ نفر

ممالک خارجیہ

اروپا

دولت آسٹریا و مجارستان

پروس

امپراطور فرانسوا شارل زوزف و شہزادہ ہجری مولد شد  
ولیعہد آرٹور و لوگولف فرانسوا شارل زوزف  
پای تخت وین صدر اعظم  
مذہب ولئی کاٹولیک دہرتستانی ہم دارد  
جمعیت ہفتاد و دو کروڑ

دولت اسپانیا

امپراطور المان و پادشاہ پروس فریڈرک کیلیوم اول  
امپراطور المان و پادشاہ پروس و شہزادہ ہجری مولد شد  
و در ۱۸۰۶ با امپراطوری المان بفرار کردید سنش هشتاد  
و دو سال است  
ولیعہد فریڈرک کیلیوم بنکلا شارل سنش چهل و شش سال  
وزیر اعظم پرنس پرنس ہارک مذہب ولئی پروتستان و  
بعضی ہم کاٹولیک هشد پای تخت برلن

پادشاہ آلفونس و از دم سنش بیست و دو سال  
وزیر اعظم گائوس دل گاسیلو

دولت معبرہ المان

ساکس

شاہ البر فریڈرک اگوستان توان فریڈرک زوزف شارل  
ماری بائیسٹ نوموس کیلیوم کراویہ زوزف اول  
سنش پنجاه و یکسال پای تخت درسد  
مذہب ولئی پروتستان و ندی ہم کاٹولیک  
جمعیت کلہ هشتاد و دو سال  
و بعضی ہم کاٹولیک هشد

و بعضی ہم کاٹولیک هشد

اولمباد

ورمبیرغ

شاہ شارل اول فریڈرک الکساندر سنش پنجاه و شش سال  
پای تخت استون کارٹ مذہب ولئی پروتستان قدری کاٹولیک  
دولت انگلستان و ایرلند و اسکاتلند  
پادشاہ ملکہ و یکتوریا الکساندر بن سنش پنجاه و نہ سال  
ولیعہد پرنس آرتور ملقبہ پرنس وگال سنش ۶۰ و هشتاد سال  
وزیر اعظم لارڈ دہراولی ملقبہ بہ ایکس فیلڈ پای تخت لندن  
جمعیت تمام این ملک از انگلیس و ایرلند و اسکاتلند هشتاد  
و هفتاد و سصد هزار نفر و جمعیت تمام ممالک هفتاد

باویرا

شاہ لوی دوم ائن فریڈرک کیلیوم سنش سی و  
چہا سال پای تخت مونیخ  
مذہب کاٹولیک

دولت اٹالیا

انگلستان و ہندوستان و غیرہ و غیرہ و ہفتاد  
و شش کروڑ مذہب ولئی پروتستان و مذہب کلیکٹ  
ایرلند کاٹولیک فرما فرمای ہندوستان لارڈ لیٹون  
ولیعہد کرسٹین فریڈرک کیلیوم شارل سنش ۶۰

دولت اٹالیا

پادشاہ وینس و اول سنش سی و پنج سال ولیعہد  
و یکتوریا مولد پرنس و ایل سنش ۶۰ سال وزیر اعظم  
مذہب کاٹولیک جمعیت پنجاه و چہا کروڑ

دولت روس

امپراطور الکساندر بنکلا یوچ دوم در ۱۸۲۳  
ہجری مولد شد سنش شصت و یکسال  
ولیعہد الکساندر الکساندر یوچ سنش سو و چہا سال  
وزیر اعظم پرنس کورچاگت جمعیت  
کلہ ہزار و نو صد و کس ہونانی و

دولت بلژیک

پادشاہ لویولڈ دوم سنش چهل و چہا سال پای تخت  
بروکسل جمعیت ۶۰ کروڑ و سصد و سی و شش ہزار نفر  
مذہب ولئی کاٹولیک

دولت پرتغال

پادشاہ لوی فیلیپ ماری فریڈرک بناندین سنش چهل و یکسال  
ولیعہد شارل فریڈرک لوی ماری وزیر اعظم دقتس  
براداملو پای تخت لیزبن جمعیت ۶۰ کروڑ و سصد و سی و شش ہزار نفر

دولت عثمانی

سلطان عبدالحمید خان سنش سو و هفت سال  
ولیعہد ہنوز معین شدہ وزیر اول خیرالدین پاشا  
پای تخت اسلامبول مذہب ولئی مسلمان سنش  
۶۰ و عیسوی و غیرہ نیز دارد جمعیت از فرانسہ ماہضہ

دولت یپان

پادشاہ کیلیوم سوم الکساندر یک فریڈرک لوی سنش  
شصت و دو سال ولیعہد کیلیوم بنکلا الکساندر  
فریڈرک شارل حانزی سنش سی و نہ سال  
پای تخت لاہر جمعیت هفتاد و سصد و نہ ہزار  
نفر مذہب ولئی پروتستان

دولت فرانسیہ

ولیعہد ہنوز معین شدہ وزیر اول خیرالدین پاشا  
پای تخت اسلامبول مذہب ولئی مسلمان سنش  
۶۰ و عیسوی و غیرہ نیز دارد جمعیت از فرانسہ ماہضہ

دولت ہونان

ولیعہد ہنوز معین شدہ وزیر اول خیرالدین پاشا  
پای تخت اسلامبول مذہب ولئی مسلمان سنش  
۶۰ و عیسوی و غیرہ نیز دارد جمعیت از فرانسہ ماہضہ

پادشاه دژ اول سنش سی و چهار سال  
ولعهد قسطنطنین پامرخان

جمعیت دو کرد و چهار و شصت هزار نفر  
مذهب عیسوی یونانیست

### اسیای

#### دولت چین

امپراطور مونس چپ سنش بیست و هفت سال ولعهد  
امپراطور گوانگ سو سنش هشت سال وزیر اعظم  
چکاشی فوشی میا وزیر اعظم سابق پایتخت پکن  
شاهزاده کنگ پایتخت پکن مذهب دینی بودا  
مذهب بودا مذهب جمعیت شش و دویست و هزار نفر

#### دولت سیام

مذهب هندو و شش و هفتاد و پنج نفر  
پادشاه  
وزیر اول بنا پوزرا پاسور بونگ سی  
جمعیت که در جاهت هشتاد و هفت کرد

#### دولت ژاپن

جمعیت وازده کرد و سیصد هزار نفر

### افریقا

ایالت نوبت که جزو سلطنت عثمانی است

#### جزیره ماداکاسکار

پادشاه ملکه رانا واله دوم

والی محمد صادق پاشا ولعهد که برادر والی است

پایتخت نانا رابو جمعیت بیج کرد

سپتکلی پایتخت نوبس جمعیت چهار کرد

#### دولت طارق

سلطان ملا حسن پایتخت نان ژه

#### دولت جلیتستان

امپراطور که نکوس میامند امش ژان پایتخت

جمعیت وازده کرد

گذار جمعیت وازده کرد

#### ایالت مصر که جزو سلطنت عثمانی است

خدیو اسمعیل پاشا

#### دولت زنجبار

سلطان سپید برکش بن سعید پایتخت بندر زنجبار

مذهب اسلام سنی

جمعیت جزیره زنجبار صد هزار نفر امام عثمان ملک

جمعیت تمام مصری و شش کرد

مستخص نیست

### امریکا

### ینگی دنیای شمالی

رئیس جمهور نکلا اولانا پایتخت بیئوز

#### جمهوری آناونی

جمعیت دو کرد و سیصد هزار نفر

#### جمهوری اکوانر

رئیس جمهورهای پایتخت واشین تون مذهب اغلب

رئیس جمهور این سبوا نیلا پایتخت کی تو

پروتستان و غیره جمعیت هفتاد و هفت کرد و سیصد

#### جمهوری مکسیک

جمعیت و کرد و چهل هزار و سیصد هفتاد و یک نفر

رئیس جمهور ریاسش پور نور بود پاس پایتخت مکزیک

#### جمهوری اروکی

مذهب کاتولیک جمعیت هجده کرد و دویست و هفتاد و شش

رئیس جمهور دون لوز ولاس پایتخت منن پیداد

#### ینگی دنیای مرکزی

جمعیت چهار صد هزار نفر

جمعیت کل پنجاه و دو صد هزار نفر

#### برزیل

#### جمهوری سان سالوار

امپراطور دوم پدرو دوم پایتخت ریئودو ژانیرو

رئیس جمهور

جمعیت بیست کرد و صد و هشتاد هزار نفر

#### جمهوری کاستاریکا

پایتخت سان سالوادور جمعیت چهل هزار نفر

#### جمهوری بولیوی

رئیس جمهور دون توماز پاس پایتخت چوکی کاسا

جمعیت چهار کرد

#### جمهوری پاراکی

رئیس جمهور اوز بنوار بارث پایتخت اسمبلی

جمعیت هزار نفر

#### جمهوری پرو

جمعیت از فرانسوات سابقه کرد و نفر

رئیس جمهور ژن رو فینو بارئس پایتخت کواتمالا

#### جمهوری کوبا

رئیس جمهور با مود سبوا پاردو پایتخت لهما

جمعیت بیست کرد

#### جمهوری شیلی

رئیس جمهور با آنتیبال پانفو پایتخت سانتیاگو

مذهب کاتولیک

#### جمهوری هندورا

رئیس جمهور مکرادیل پوسنو پایتخت کوما یایکا

جمعیت صد کرد و صد هزار نفر مذهب کاتولیک

#### ینگی دنیای جنوبی

جمهوری اروگوا

جمعیت چهار کرد و نفر

#### جمهوری آرژانتین

رئیس جمهور کورادو کولون

جمعیت چهار کرد و نفر

#### جمهوری کلمبیا

رئیس جمهور کلمبیا

جمعیت چهار کرد و نفر

#### جمهوری کوبا

رئیس جمهور کوبا

جمعیت چهار کرد و نفر

#### جمهوری کوبا

رئیس جمهور کوبا

جمعیت چهار کرد و نفر

#### جمهوری کوبا

رئیس جمهور کوبا

جمعیت چهار کرد و نفر

#### جمهوری کوبا

رئیس جمهور کوبا

جمعیت چهار کرد و نفر



رئیس جهورد اکیلو پارا  
پای تخت بگنا

جمعیت کل دول منخله کولبی دوازده کرد

جهورد کونز قلا

رئیس جهورد دون بنارس الکنارا

پای تخت کاراکاس

پادشاه کن کاخا (خامس) پنجم پای تخت هولولو

جزیره سن درو منک

رئیس جهورد کونز الیس

جمعیت چهارده هزار نفر

جزیره هاپتی

رئیس جهورد هون معلوم نیست

پای تخت برنایرس

جمعیت هشتصد هزار نفر

زایر

جزیره ساندو بیج

شهر ربيع الثاني سنه  
۱۲۹۶  
زاشقان





بِشَاةِ  
نَاصِرِ الدِّينِ فَاجِحِ

وَفَايِعِ هَفْلَةِ سَائِلِ السُّلْطَانِ وَبَدْمَةَ اَعْلِيَّ

اَفْدَسْ هَابِوْنِ شَاهِنِشَاةِ اَجْمَلِ خَيْرِ

صَاحِبِ اَزْ السُّلْطَانِ بِنِ السُّلْطَانِ

خَلْدِ اللّٰهِ مَلِكِ وِ سُلْطَانِ

١٢٩٤  
سنة

